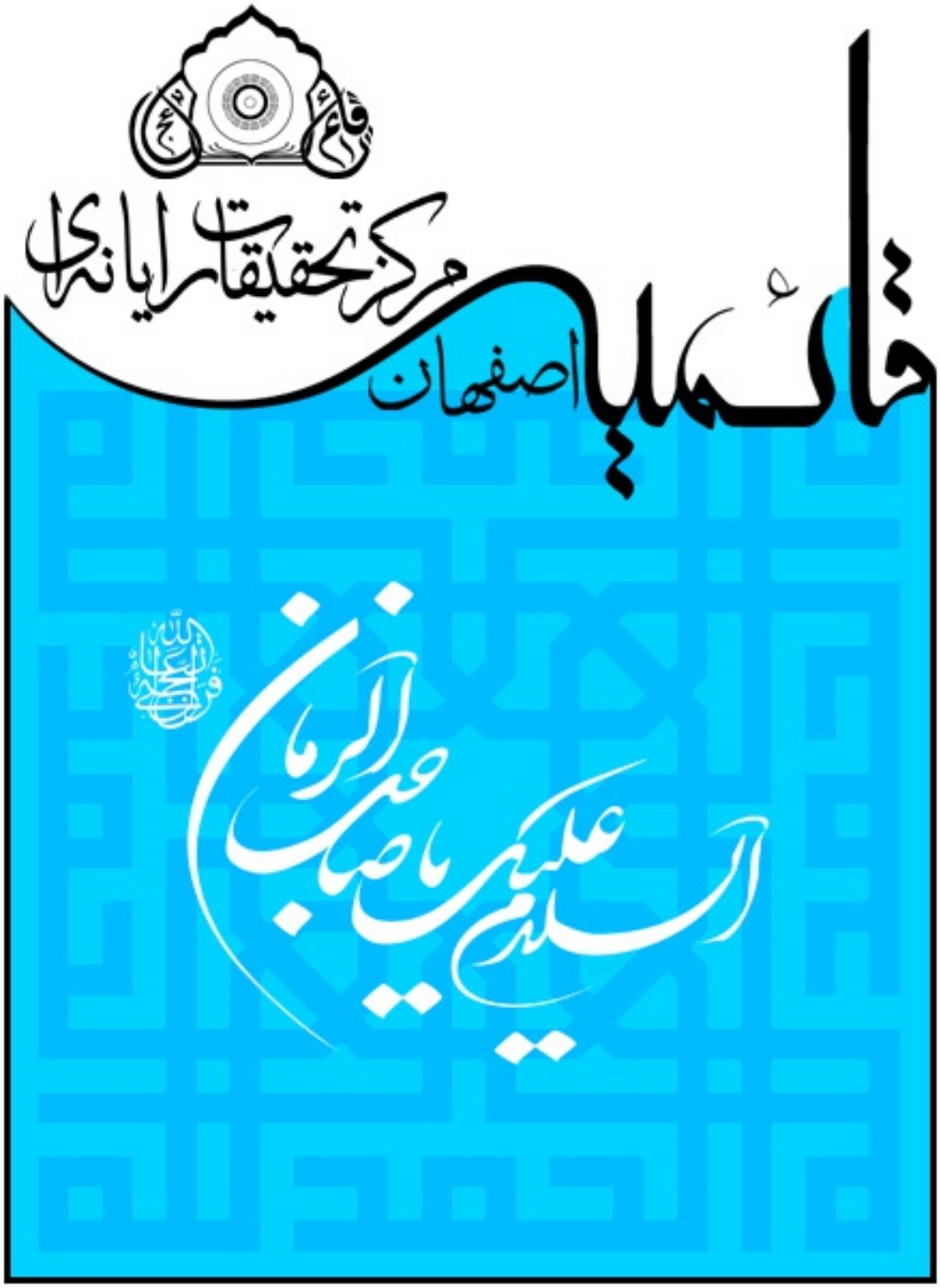

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

تربیت جنسی

مبانی، اصول و روش‌ها

از منظر قرآن و حدیث

علی‌نقی فقیهی

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث

نویسنده:

علی نقی فقیهی

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث ----- ۱۷
مشخصات کتاب ----- ۱۷
اشاره ----- ۱۷
پیش گفتار ----- ۲۱
مقدّمه ----- ۲۳
بخش اوّل : مبانی تربیت جنسی ----- ۲۷
اشاره ----- ۲۷
فصل یکم : مفاهیم و کلّیات ----- ۲۹
۱ . مفهوم جنسیت ----- ۲۹
اشاره ----- ۲۹
غریزه جنسی ----- ۳۱
حواس و غریزه جنسی ----- ۳۲
عواطف و غریزه جنسی ----- ۳۳
۲ . مفهوم تربیت جنسی ----- ۳۵
۳ . آموزش جنسی ----- ۳۷
فصل دوم : اهداف تربیت جنسی ----- ۴۱
الف . هدف نهایی ----- ۴۱
ب . اهداف واسطه ای ----- ۴۲
اهداف کلّی تربیت جنسی ----- ۴۲
۱ . فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی ----- ۴۲
۲ . شناخت و انتظار درست از هویّت جنسی خود ----- ۴۲
۳ . ارضای صحیح و به هنجار غریزه جنسی ----- ۴۳

۴ . پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه ----- ۴۴
۵ . آماده سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی ----- ۴۵
فصل سوم : مبانی و اصول تربیت جنسی ----- ۴۷
مقدّمه ----- ۴۷
مبانی ----- ۴۷
اصول ----- ۴۸
رابطه مبانی و اصول ----- ۴۸
منشأ بودن اصول برای صفات و افعال ----- ۴۹
نسبیت در اصول ----- ۵۰
رابطه اصول و فروع ----- ۵۲
الف . وجود غریزه جنسی ----- ۵۴
اشاره ----- ۵۴
اصول مرتبط با مبنای اوّل ----- ۶۱
۱ . رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسی ----- ۶۱
۲ . لازم دانستن ارضای نیاز جنسی ----- ۶۴
۳ . روابط جنسی ، در قالب ازدواج ----- ۶۹
۴ . پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی ----- ۷۱
ب . تمایل به معنویت و فضیلت دوستی ----- ۷۴
اشاره ----- ۷۴
اصول مرتبط با مبنای دوم ----- ۷۵
اشاره ----- ۷۵
۱ . اصل عفّت و خویشتنداری ----- ۷۶
۲ . اصل ازدواج ----- ۷۷
۳ . اصل لزوم انتخاب همسر شایسته و دیندار ----- ۸۲

۴ . اصل لزوم همکاری معنوی ----- ۸۴
ج . نیاز انسان به همدم ----- ۸۷
اشاره ----- ۸۷
اصول مرتبط با مبنای سوم ----- ۹۰
۱ . پرورش نگرش اُنسی به جنس مخالف ----- ۹۰
۲ . توجّه به تجانس روحی در همسریابی ----- ۹۱
۳ . اصل ازدواج بر اساس خواست دختر و پسر ----- ۹۴
د . زیبادوستی ----- ۹۵
اشاره ----- ۹۵
اصول مرتبط با مبنای چهارم ----- ۹۶
اشاره ----- ۹۶
۱ . اصل توجّه به زیبایی های خویش ----- ۹۷
۲ . اصل پرهیز از تبرّج ----- ۹۹
۳ . اصل توجّه زوجین به زیبایی های یکدیگر ----- ۱۰۰
ه . نیاز به محبّت ----- ۱۰۵
اشاره ----- ۱۰۵
اصول مرتبط با مبنای پنجم ----- ۱۰۸
۱ . پیشگیری از محبّت جنسی زودهنگام ----- ۱۰۸
۲ . اصل لزوم تبلور محبّت در روابط زوجین ----- ۱۰۹
بخش دوم : شیوه های آموزش و تربیت جنسی ----- ۱۱۳
اشاره ----- ۱۱۳
مقدّمه ----- ۱۱۵
فصل یکم : شیوه های تربیت جنسی پیش از ازدواج ----- ۱۱۹
اشاره ----- ۱۱۹

یکم . شیوه های مستقیم ----- ۱۲۱
الف . دوره کودکی ----- ۱۲۱
۱ . آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویّت جنسی ----- ۱۲۱
۲ . پیشگیری از زمینه های تحریک جنسی ----- ۱۲۸
اشاره ----- ۱۲۸
الف . خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندان ----- ۱۲۹
ب . اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین ----- ۱۳۱
ج . خودداری از لُخت شدن در برابر کودکان یا لُخت کردن آنها ----- ۱۳۳
د . خودداری از دست زدن به عورت کودک ----- ۱۳۵
ه . خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم . . . ----- ۱۳۶
و . جداسازی بستر کودکان ----- ۱۳۷
ز . جلوگیری از بازی های جنسی ----- ۱۴۰
ح . بازی نکردن با آلت تناسلی خود ----- ۱۴۱
۳ . پاسخ دادن به پرسش های جنسی کودکان ----- ۱۴۴
ب . دوره نوجوانی ----- ۱۴۶
اشاره ----- ۱۴۶
۱ . آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ ----- ۱۴۷
۲ . آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحوّلات نوجوانی ----- ۱۴۸
۳ . تعدیل حالت های روانی ----- ۱۵۰
۴ . پرورش هویّت جنسی نوجوان ----- ۱۵۳
۵ . توجّه به نیاز جنسی و جهت دهی مطلوب به آنها ----- ۱۵۶
اشاره ----- ۱۵۶
الف . پذیرش تمایل جنسی در نوجوان ----- ۱۵۷
ب . تبیین هدف های تمایل جنسی ----- ۱۵۸

ج . توجّه به پیامدهای نامطلوب بی بندوباری جنسی ----- ۱۵۸
د . سوق دادن انرژی جنسی ، به امور معنوی و مطلوب ----- ۱۶۴
ه . تشویق به ادامه تحصیل و علم آموزی ----- ۱۶۶
و . آموزش شیوه های کنترل تحریکات جنسی ----- ۱۶۷
اشاره ----- ۱۶۷
یک کنترل نگاه ----- ۱۶۸
دو پرهیز از خلوت کردن با نامحرم ----- ۱۷۳
سه دوری از رفتارهای اغواگرانه ----- ۱۷۴
چهار کنترل حسّ لامسه ----- ۱۷۶
پنج درگیر ساختن فرد با احساس دیگرش ----- ۱۷۹
شش پرهیز از زدودن موهای زاید به صورت مستمر ----- ۱۸۱
هفت پرهیز از غذاهای محرّک ----- ۱۸۱
هشت کنترل فکر و خیال ----- ۱۸۳
نُه حفظ حجاب ----- ۱۸۵
دو نکته ----- ۱۹۴
دوم . شیوه های غیرمستقیم ----- ۱۹۷
الف . تأمین نیاز روانی عاطفی ----- ۱۹۷
۱ . محبّت کردن ----- ۱۹۷
۲ . نوازش کردن ----- ۲۰۰
۳ . هدیه دادن ----- ۲۰۱
۴ . ارزش دادن ----- ۲۰۳
۵ . تأمین امنیت ----- ۲۰۵
ب . دعا ----- ۲۰۶
اشاره ----- ۲۰۶

۱ . دعا کردن به هنگام انعقاد نطفه ----- ۲۰۷
۲ . آکنده کردن فضا از ذکر خدا ----- ۲۰۸
۳ . آموزش دعا به کودک ----- ۲۰۸
ج . شکوفاسازی فطرت ----- ۲۰۹
د . زمینه سازی ادب نیکو ----- ۲۱۲
زمینه های روان شناختی تأدیب کودک ----- ۲۱۴
ه . آموزش اعمال دینی ----- ۲۱۷
و . پرورش فضایل اخلاقی ----- ۲۱۹
۱ . حیا ----- ۲۱۹
اشاره ----- ۲۱۹
یک . الگودهی عملی والدین ----- ۲۲۱
دو . تبیین پیامدهای حیا ----- ۲۲۱
سه . اظهار انزجار از عمل قبیح ----- ۲۲۲
۲ . عفّت ----- ۲۲۳
۳ . غیرت ----- ۲۲۷
فصل دوم : تربیت جنسی در دوره ازدواج و پس از آن ----- ۲۳۳
اشاره ----- ۲۳۳
یکم . عوامل تأثیرگذار غیر مستقیم ----- ۲۳۵
الف . اهداف ازدواج ----- ۲۳۵
۱ . آرامش روان ----- ۲۳۵
۲ . تقویت ایمان ----- ۲۳۶
۳ . حفظ عفّت (پاک دامنی) ----- ۲۳۹
۴ . بقای نسل ----- ۲۴۱
۵ . پرورش نسل صالح ----- ۲۴۳

ب . انتخاب شریک جنسی ----- ۲۴۴
۱ . شرایط ازدواج ----- ۲۴۴
اشاره ----- ۲۴۴
یک . رشد جنسی ----- ۲۴۵
دو . رشد عاطفی ----- ۲۴۷
سه . رشد عقلی (اجتماعی و اقتصادی) ----- ۲۴۹
سنّ ازدواج از نظر روان شناسان ----- ۲۵۱
۲ . معیارهای انتخاب همسر ----- ۲۵۳
اشاره ----- ۲۵۳
یک . زیبایی جاذب ----- ۲۵۴
دو . هماهنگی فکری و اعتقادی ----- ۲۵۶
سه . توافق اخلاقی ----- ۲۵۸
چهار . همشأنی اجتماعی ----- ۲۶۱
پنج . دینداری و تقوا ----- ۲۶۲
شش . رعایت فاصله سنّی ----- ۲۶۴
هفت . توجه به خواست دختر و پسر ----- ۲۶۵
هشت . سلامت خانوادگی ----- ۲۶۷
ج . ارتقای شناختی همسران ----- ۲۶۹
۱ . شناخت نیازها و عواطف ----- ۲۶۹
۲ . شناخت حقوق جنسی ----- ۲۷۰
مراد از نشوز چیست؟ ----- ۲۷۳
آیه ، شامل چه کسانی است؟ ----- ۲۷۵
دوم . عوامل تأثیرگذار مستقیم ----- ۲۷۹
الف . شناسایی شرایط ارتباط جنسی ----- ۲۷۹

۱ . شرایط مکانی ----- ۲۷۹
۲ . شرایط زمانی ----- ۲۸۱
۳ . شرایط روانی ----- ۲۸۵
ب . فرایند رابطه جنسی ----- ۲۸۸
۱ . مرحله انگیزش ----- ۲۸۸
۲ . زمینه سازی های روان شناختی آمیزش ----- ۲۹۳
یک . موقعیت روانی زوجین در شب زفاف ----- ۲۹۳
دو . پرهیز از آمیزش در شرایط نامناسب ----- ۲۹۷
اوّل . پرهیز از آمیزش در موقعیت لزوم تخلیه شکم ----- ۲۹۷
دوم . خودداری از صحبت غیر عاشقانه به هنگام آمیزش ----- ۲۹۸
سوم . خودداری از آمیزش در حال جنابت ----- ۲۹۸
چهارم . خودداری از آمیزش در حالت ایستاده ----- ۲۹۹
پنجم . پرهیز از افراط در عمل جنسی ----- ۳۰۰
۳ . مرحله آمیزش و اوج لذّت جنسی ----- ۳۰۱
۴ . مرحله فرونشینی ----- ۳۰۴
بخش سوم : رفتارهای نابه هنجار جنسی : عوامل ، راه های پیشگیری و درمان ----- ۳۰۷
اشاره ----- ۳۰۷
رفتار نابه هنجار ----- ۳۰۹
اشاره ----- ۳۰۹
۱ . ملاک آماری ----- ۳۱۰
۲ . ملاک روانی ----- ۳۱۰
۳ . ملاک اجتماعی ----- ۳۱۱
رفتار نابه هنجار جنسی ----- ۳۱۲
نقش اختیار در نابه هنجاری های جنسی ----- ۳۱۷

فصل یکم : انواع نابه هنجاری های جنسی ----- ۳۱۷
اشاره ----- ۳۱۷
مقدّمه ----- ۳۱۹
الف . استمنا و استشها ----- ۳۱۹
ب . همجنس گرایی ----- ۳۲۶
اشاره ----- ۳۲۶
۱ . لواط ----- ۳۲۷
۲ . تمایل مرد به مفعول واقع شدن ----- ۳۳۵
۳ . مالش مردان ----- ۳۳۷
۴ . تمایل مرد به بوسیدن مرد ----- ۳۳۸
۵ . مصافحه، لمس و گفتن سخنان جنسی ----- ۳۳۹
۶ . ملاعبه های همجنس گرایانه ----- ۳۳۹
۷ . مساحقه (همجنس گرایی در زنان) ----- ۳۴۰
ج . زنا و روسپیگری ----- ۳۴۲
د . نظربازی (تماشاگری جنسی) ----- ۳۴۵
ه . مصافحه مرد با زن ----- ۳۴۸
و . مالش مرد به زن ----- ۳۴۹
ز . تشابه به جنس مخالف ----- ۳۵۰
ح . حیوان بازی (آمیزش با حیوان) ----- ۳۵۳
ط . آزارگری جنسی ----- ۳۵۴
ی . آزارخواهی جنسی ----- ۳۵۷
ک . یادگارپرستی ----- ۳۵۷
ل . بچّه بازی ----- ۳۶۰
م . نمایشگری ----- ۳۶۳

فصل دوم : عوامل نابه هنجاری های جنسی ----- ۳۶۹
مقدّمه ----- ۳۶۹
الف . خانواده ----- ۳۷۱
اشاره ----- ۳۷۱
۱ . کمبود محبّت ----- ۳۷۲
۲ . استبداد و سلطه گری والدین ----- ۳۷۵
۳ . تحقیر ----- ۳۷۶
۴ . پنهان نداشتن روابط زناشویی از سوی والدین ----- ۳۷۷
۵ . ناآگاهانه نگه داشتن فرزند ----- ۳۷۷
ب . عوامل اجتماعی و محیطی ----- ۳۷۸
اشاره ----- ۳۷۸
۱ . مدرسه ----- ۳۸۰
۲ . همسالان و دوستان ----- ۳۸۱
۳ . رسانه های ارتباط جمعی ----- ۳۸۲
فیلم های جنسی (پورنوگرافی) ----- ۳۸۵
۴ . اوقات فراغت و بیکاری ----- ۳۸۷
۵ . فقر و ثروت ----- ۳۸۹
۶ . چشم چرانی ----- ۳۹۰
۷ . همنشینی با منحرفان ----- ۳۹۱
۸ . اختلاط زن و مرد ----- ۳۹۱
دیدگاه های مربوط به عوامل نابه هنجاری های جنسی ----- ۳۹۲
یک . اختلال در هویّت جنسی ----- ۳۹۲
دو . سبب شناسی پارافیلیاها ----- ۳۹۷
فصل سوم : پیشگیری و درمان نابه هنجاری های جنسی ----- ۴۰۳

مقدّمه ----- ۴۰۳
الف . اجرای شیوه های تربیت جنسی ----- ۴۰۴
ب . غلبه بر عوامل انحراف ----- ۴۰۵
ج . نظارت اجتماعی ----- ۴۰۵
اشاره ----- ۴۰۵
۱ . نظارت رسمی و غیر رسمی ----- ۴۰۶
۲ . نظارت اجباری و اقناعی ----- ۴۰۶
نظارت اجتماعی و اینترنت ----- ۴۰۷
نظارت مبتنی بر تربیت دینی ----- ۴۱۱
یک . عقلانیت ----- ۴۱۲
دو . تقوای حضور ----- ۴۱۲
سه . ارزیابی و نقّادی ----- ۴۱۳
د . مراقبه های فردی ----- ۴۱۴
اشاره ----- ۴۱۴
۱ . خویشتنداری ----- ۴۱۵
۲ . ذکر و توجّه ----- ۴۱۷
۳ . توجّه به زمینه های محیطی ----- ۴۱۸
۴ . استکمال عقل ----- ۴۲۱
۵ . توجّه به همسر و استمداد از خدا ----- ۴۲۳
۶ . مشارطه و محاسبه ----- ۴۲۴
۷ . پرهیز از چشم چرانی ----- ۴۲۷
اشاره ----- ۴۲۷
یک . توجّه به مسئولیت چشم ----- ۴۲۹
دو . توجّه به پلیدی عمل ----- ۴۳۰

سه . درک حضور و آگاهی خدا ---- ۴۳۱
چهار . یادآوری مرگ و قیامت ---- ۴۳۲
پنج . برگرداندن چهره ---- ۴۳۳
شش . توجّه به آثار پرهیز از چشم چرانی ---- ۴۳۵
تزویج با حور العین ---- ۴۳۵
درک لذّت عبادت ---- ۴۳۶
درک لذّت ایمان ---- ۴۳۶
شهود عظمت الهی ---- ۴۳۷
امان یافتن از حسرت و هلاکت ---- ۴۳۷
آرامش دل ---- ۴۳۸
تضمین بهشت ---- ۴۳۸
مصونیت از زنا ---- ۴۳۸
گریان نبودن در قیامت ---- ۴۳۹
ه . توجّه به پیامدهای نابه هنجاری های جنسی ---- ۴۳۹
اشاره ---- ۴۳۹
۱ . آسیب های شخصیتی ---- ۴۴۰
۲ . آسیب های شناختی و نگرشی ---- ۴۴۱
۳ . آسیب های معنوی ---- ۴۴۳
۴ . پیامدهای ناگوار ---- ۴۴۴
فهرست منابع و مآخذ ---- ۴۴۹
درباره مرکز ---- ۴۷۴

تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیهی، علی نقی،۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث/ علی نقی فقیهی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۴۵۶ ص.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۶۵. مطالعات حدیث و روان شناسی؛ ۶.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۳۷-۰ : ؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال(چاپ هفتم)

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Ali Naqi Faqihi. Sexual education: fundamentals, principles methods in the Quran and hadith.

یادداشت : چاپ هفتم : ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۳۲] - ۴۴۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اسلام و مسائل جنسی

موضوع : مسائل جنسی در قرآن

موضوع : اسلام و مسائل جنسی-- احادیث

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷/ف۷ت۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۱۲۸۳۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

پیش گفتار

پیش گفتاربدون تردید ، بخشی از موفقیت ها و کامیابی های بشر در گرو تربیت جنسی است ؛ چرا که تکامل و تعالی انسان ، بسته به تربیت و خودسازی در همه ابعاد وجود اوست و غریزه جنسی یکی از این ابعاد است . لذا هر مکتبی که ادعای تأمین سعادت بشر را دارد ، باید برای غریزه جنسی ، برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن دهد . در برخورد با این بخش از ماهیت انسان ، مکاتب مختلف ، واکنش های متفاوتی نشان داده اند . برخی مرکز ثقل حیات انسان را غریزه جنسی شمردند و در ارضای این غریزه ، راه افراط را در پیش گرفتند که منجر به پیدایش بی بند و باری جنسی گردید . از سوی دیگر ، برخی به بهانه تقدّس و تدیّن ، این بخش از ماهیت انسان را نادیده گرفتند و حتی سخن گفتن از آن را نادرست دانستند که موجب پیدایش پدیده تَبَتُّل و رُهبانیت جنسی در صدر اسلام شد و ممکن است رگه هایی از آن ، در هر زمانی وجود داشته باشد . پرسش اساسی این است که : اسلام ، چه برنامه ای برای تربیت جنسی دارد ؟ و این برنامه از چه منطقی پیروی می کند ؟ در آموزه های دینی ما ، گزاره های فراوانی در این باره وجود دارد و تحقیقات متفاوتی نیز در این باره انجام شده و هر کدام با رویکردی خاص به این مسئله پرداخته اند . ساده ترین کار در قلمرو مطالعات دینی ، جمع آوری آیات و احادیث و ارائه آنها در یک طبقه بندی ساده است که هر چند نیازمندِ به کار بستن روش های فقه الحدیثی است ، اما کار چندان پیچیده ای نیست . پژوهش عمیق تر ، آن است که اصول و مبانی آموزه ها استخراج شود و سپس مدل مبتنی بر آموزه های دینی طراحی گردد . پژوهش حاضر که به همت جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی نقی فقیهی انجام شده است ، در صدد است تا با عبور از لایه های ظاهری گزاره ها ، معارف نهفته در عمق آنها را به دست آورده ، در قالبی علمی ارائه کند . از نقاط قابل توجه این پژوهش ، یکی گستره متون دینی مورد استفاده و دیگری اهتمام پژوهشگر به کشف مبانی و اصول و ارائه آنها در

.

ص: ۶

کنار روش های تربیت جنسی است . بر اهل تحقیق ، پوشیده نیست که تحلیل گزاره هایی تا این اندازه گسترده و استخراج مبانی و اصول حاکم بر گزاره های به ظاهر پراکنده ، کاری سخت و دشوار است . طرح این پژوهش ، توسط محقق محترم به این واحد ارائه شد و پس از طی مراحل علمی و اداری ، اجرای آن آغاز گردید . در آغاز ، منابع حدیثی لازم برای طرح ، از سوی این واحد ، در اختیار محقق محترم قرار گرفت . سپس با توجه به اهمیت و حساسیت طرح ، نتیجه تحقیق و متن تدوین شده ، توسط دو تن از کارشناسان و متخصصان علوم اسلامی و روان شناسی مورد ارزیابی قرار گرفت . این واحد نیز بر اساس مسئولیت علمی خود به بررسی طرح پرداخت و نتیجه بررسی ها و ارزیابی ها را به اطلاع پژوهشگر محترم رساند و مقرر شد اصلاحات مورد توافق ، توسط این واحد و زیر نظر پژوهشگر محترم ، انجام شود . بدین منظور جناب حجه الاسلام حمزه عبدی (۱) در چارچوب نتایجِ تدوین شده ، به اصلاح متن پرداختند و بر اساس تئوری «خویشتنداری ازدواج» که برگرفته از متون دینی است ، اصول ، مبانی و روش ها را تنظیم نمودند . در پایان ، از جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی نقی فقیهی که این پژوهشِ نه چندان آسان را سامان دادند ، تشکر می کنیم و برای ایشان آرزوی توفیق بیشتر داریم . همچنین از آقایان دکتر محمود گلزاری و حجه الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذربایجانی که زحمت نظارت و ارزیابی این پژوهش را بر عهده داشتند ، سپاس گزاریم . از همکاران پژوهشگر محترم و جناب حجه الاسلام حمزه عبدی نیز که در سامان یافتن این پژوهش ، نقش داشتند ، تشکر می کنیم . همچنین بر خود ، لازم می دانیم از گروه «تدوین دانش نامه های حدیثی» پژوهشکده که منابع حدیثی لازم برای این طرح را در اختیار این واحد قرار دادند ، صمیمانه تشکر کنیم . از کلیه صاحب نظران ، درخواست می کنیم که با ارائه دیدگاه های خود ، ما را در طراحی و اجرای هر چه بهتر پژوهش های دینی روان شناختی یاری دهند . واحد حدیث و علوم روان شناختی پژوهشکده علوم و معارف حدیث

.

۱- .کارشناس ارشد روان شناسی بالینی و پژوهشگر واحد روان شناسی پژوهشکده علوم و معارف حدیث .

ص: ۷

مقدّمه

مقدّمهبشر بـا همه پیشـرفت خود در علوم، صـنایع و فنّاوری ، گرفتـار بحران ها و نابه سامانی های فراوانی در زمینه تعلیم و تربیت و بویژه در آموزش و تربیت جنسـی است. نداشـتن جهان بینی درست و فقـدان نظام تربیتی مبتنی بر مبنای نظری وحْیانی و داشـتن دید صرفاً مادی (فیزیولوژیک) به تربیت جنسی و غفلت از جنبه های روانی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آن، باعث شده است که بشر در این بحران، همچنان غوطه ور باشـد و نه تنها پیشـرفت نکنـد ، بلکه در مراحلی ، تنزّل نیز یابد. در تربیت جنسـی (همانند کلّ تعلیم و تربیت) ، به ارائه یک بینش کلّی حاکم بر همه رفتارها و بایدها و نبایدهای آموزشـی و تربیتی ، نیاز است ، به گونه ای که بین آنها، نوعی ارتبـاط، انسـجام، نظم و همـاهنگی ایجـاد کنـد. این بینش ، بنـا به مـاهیت خود، از منشـئی فراتر از تجربه و دیـد صـرفاً مادی ، سرچشـمه می گیرد؛ زیرا تجربه ، اساساً «جزء نگر» است ؛ ولی بینش ، می باید نظرگاهی «کل نگر» داشـته باشد و از مقامی والاتر بر انسان، رفتارها، آموزش ها و تربیت های او نظاره کند. این ، خلأ بزرگی است که در تعلیم و تربیت امروز احساس می شود و باید با روی آوردن به وحی و بـا اتّکـای به بینش کلّیِ برگرفته شـده از آن، به نظـامی نو در تعلیم و تربیت (بویژه در تربیت جنسـی) دسـت یافت. از سوی دیگر ، گرچه امروزه در بحث تربیت ، به پرورش استعدادهای طبیعی انسانی تأکید می شود، و گفته می شود که باید اسـتعداد و غریزه جنسـی ، شـکوفا شود ، ولی با این حال ، غریزه جنسـی انسان ، هماننـد غریزه جنسـی حیوان تلقّی می شود . تربیت جنسی آدمی ، به معنای رهایی از هرگونه جهت دهی و نظام بخشی به آن ،

.

ص: ۸

تفسیر شده ، باعث می گردد که جهت دهی غریزه جنسی در قالب ضوابط اجتماعی، عفّت، تقوا، روابط انسانی، و اخلاقی منافی با آزادی و آرامش روحی افراد دانسته شود و عامل بسیاری از بیماری های روانی، از جمله کینه ها و عداوت ها شمرده شود ، در حالی که بر عکس، این گونه تفسیر از پرورش غریزه جنسی و در حقیقت ، منضبط تربیت نکردن این استعداد بشری، باعث شده است که جامعه بشری را پیامدهای منفی ای چون : شهوت پرستی، بی بندوباری اخلاقی، شانه خالی کردن بسیاری از جوان ها از تشکیل خانواده، بروز امیال کاذب بین دختران و پسران، و افزایش آشفتگی روحی در بین زنان و مردان، فرا گیرد. علّت این تجربه ناموفّق بشر، فاصله گرفتن از آموزش های وحیانی و تکیه بر برخی از نظریه های مبتنی بر هواهای نفسانی است. بازگشت به آموزه های روان شناختیِ وحیانی و دستیابی به کیفیت استعدادهای مختلف انسانی و روابط این استعدادها و پی بردن به اصول و روش های تربیتی (از جمله تربیت جنسی ای که از متون دینی گرفته شده) ، می تواند بشر را در پرورش استعدادهای جنسی طبیعی کمک کند تا شاهد آن عوارض نباشد ؛ بلکه اهداف عالی تربیت جنسی انسانْ تحقّق یابد. از جمله آموزه های وحیانی، تعلیمات دین مبین اسلام است که آیین درست زندگی و چگونگی تربیت را به مردم آموخته و تربیت جنسی را به عنوان بخشی از نظام تعلیم و تربیت ، مورد توجّه قرار داده است. در قرآن و روایات و به تبع آن ، در کتاب های فقهی (بحث نکاح) و کتاب های اخلاقی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم ، به مسائل تربیت جنسی در دوره های مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی و نقش خانواده در این زمینه ، پرداخته شده است. طرح مسائل تربیت جنسی در این منابع ، به صورت پراکنده است. در این کتاب ، با مطالعه و تحقیق در آیات و روایات ، اهداف ، مبانی ، اصول و روش های تربیت جنسی مبتنی بر آن مبانی و اصول، استخراج و تبیین می شود. همچنین معیارهای رفتارهای به هنجار جنسی و تمایز آن از رفتارهای نابه هنجار جنسی و نمونه های فراوانی از این گونه رفتارها مورد بررسی قرار می گیرد.

.

ص: ۹

لازم به یادآوری است که این اثر ، با کمک های علمی و مالی «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» فراهم آمده است . از همه عزیزان دست اندرکار در این پژوهشکده ، بویژه حجج اسلام آقایان عباس پسندیده ، محمّد کاظم رحمان ستایش و حمزه عبدی ، کمال تشکر را دارم . همچنین از همکارانم در «مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی» بخصوص حجه الإسلام آقای محمّد مردی و خانم زهرا موسوی که در فیش برداری و پیش نویس برخی فصل ها با این جانب همکاری کرده اند ، قدردانی می نمایم و نیز از خانم ها فاطمه رفیعی و زهره حُججی که حروفچینی و نمونه خوانی کتاب را پیش از داوری ها ، بر عهده داشته اند ، تشکّر می کنم . والحمد للّه اوّلاً و آخرا و الصلاه علی سیّدنا محمّد وآله! علی نقی فقیهی تیرماه ۱۳۸۶

.

ص: ۱۰

..

ص: ۱۱

بخش اوّل : مبانی تربیت جنسی

اشاره

بخش اوّل : مبانی تربیت جنسی

.

ص: ۱۲

. .

ص: ۱۳

فصل یکم : مفاهیم و کلّیات

۱ . مفهوم جنسیت

اشاره

فصل یکم : مفاهیم و کلّیاتدیدگاه های غیر دینی ، درباره امور جنسی ، نظریه های متفاوتی ارائه کره اند که مجال گستردن آنها نیست ؛ امّا اسلام، «تربیت جنسی» را به عنوان یکی از مسائل مهم زندگی، به شدّت ، مورد اهتمام قرار داده است. آنچه از نظر اسلام ، بسیار اهمّیت دارد، توسعه و تربیت انسان های مؤمن است. لذا اگر روابط جنسی میان اعضای جامعه، ناسالم ایجاد گردد ، به صورت مستقیم و غیر مستقیم ، به فرایند تربیت مؤمنان ، آسیب می رساند . در این نوشتار ، مسئله تربیت جنسی را از دیدگاه اسلام ، پی خواهیم گرفت. همان گونه که از نام این پژوهش پیداست، این بحث ، از دو بخش «جنسیت» و «تربیت» تشکیل شده است. پیش از هر چیز باید مفهوم این دو را شناخت و سپس به تبیین دیدگاه اسلام در باره آنها پرداخت.

۱ . مفهوم جنسیت (۱)انسان ها مانند بیشتر موجودات ، از دو جنس مخالف تشکیل شده اند. این دو جنس ، با تفاوت های آشکار در سطح مسائل زیستی، فیزیولوژیک و روان شناختی ، به وجود آمده اند و همین تفاوت هاست که آن دو را مکمّل یکدیگر قرار می دهد و بدون شک ، هر کدام از آنها بدون دیگری ، در تداوم نسل و زندگی اجتماعی ، با شکست کامل ، روبه رو می شود.

.

۱- Sexual.

ص: ۱۴

زیست شناسان ، عقیده دارند که زن و مرد ، با یکدیگر ، تفاوت های بنیادی دارند؛ بدین معنا که تفاوت ها در درجه اوّل ، «ارثی»اند ، نه «محیطی». آنها معتقدند که هر سلول بدن زن ، با هر سلول بدن مرد ، تفاوت دارد و قبل از آن که به دنیا بیایند و تحت تأثیر نفوذهای اجتماعی قرار گیرند، کاملاً از یکدیگر تمایز پیدا می کنند و برای زن یا مرد شدن ، آماده می شوند. به قول استاد دکتر محمود بهزاد : «اگر اوضاع اجتماعی ، موجب تفاوت های زن و مرد می شود، فقط آنچنان را آنچنان تر می کند». (۱) هورمون های جنسی متفاوتی در دختر و پسر وجود دارند (آندروژن در پسرها و استروژن در دخترها) که باعث ایجاد تفاوت های جنسیتی ، در دو جنس می شوند. (۲) فعّالیت هورمون های جنسی، در زمان بلوغ افراد ، تشدید می شود و ویژگی های جنسی ثانویه را در زن و مرد ایجاد می کند . به این ترتیب که ترشح تستسترون در مردان ، باعث رشد اندام های تناسلی، تغییر شکل بدن، پهن شدن شانه ها و رشد قفسه سینه، تغییر در رویش مو در سر و بدن، رشد حنجره و تارهای صوتی و بم شدن صدا و افزایش میل جنسی و... است. (۳) هورمون های استروژن و پروژسترون در زنان نیز علاوه بر ایجاد ویژگی های جنسی ثانوی، به طور متناوب ، باعث آمادگی رَحِم برای بارداری می شوند و دوره ماهانه جنسی را تنظیم می کنند. ویژگی های جنسی ثانویه ای که توسط استروژن ها در دوره بلوغ در دختران ایجاد می شوند، عبارت اند از: رشد سینه ها و لگن و رحم و ذخیره چربی در نواحی مختلف بدن و... . (۴) هر یک از نیم کره های مخ نیز در ایجاد تفاوت های جنسیتی ، نقش دارند. امروزه در اثر پیشرفت علم زیست شناسی، معلوم شده است که سلول های بعضی از بخش های هیپوتالاموس در زن، درشت تر از سلول های همان بخش ها در مرد است و

.

۱- .روان شناسی عمومی، ص۳۳۶.

۲- .روان شناسی رشد ، سوسن سیف ، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳- .فیزیولوژی اعصاب و غدد ، ص ۱۸۰.

۴- .همان ، ص ۱۴۱.

ص: ۱۵

غریزه جنسی

وضع ارتباط موزونیِ این بخش در زن و مرد نیز متفاوت است. تحقیقات انجام شده ، نشان می دهند که برای ادراک کلام، مکانیسم (ساز و کار)های عصبی خاصّی وجود دارند که در مغز دختران ، بیشتر از مغز پسران ، همسال آنها رشد می کند و تمایز نیم کره چپ برای کنش های کلامی در دختران ، سریع تر انجام می گیرد و در پسران ، این تمایزْ کمتر است. همراه با رشد مغز، دو نیم کره آن ، به صورت فزاینده ای از لحاظ توانایی های گوناگون ، تخصّصی تر می شوند: نیم کره چپ برای مهارت های کلامی و نیم کره راست برای توانایی های فضایی و هندسی. شواهد ، حاکی از آن است که درجه جانبی شدن مغز و نیز سرعت رشد دو نیم کره مغز ، در دختران و پسران ، یکسان نیست (در میان دختران ، نیم کره چپ، و در میان پسران ، نیم کره راست ، سریع تر رشد می کند). به نظر می رسد که در زنان (در مقایسه با مردان)، توانایی های کلامی و فضایی ، بیشتر به میزان مساوی بین دو نیم کره مغز ، توزیع شده باشد. (۱) در مورد تفاوت های روان شناختی زن و مرد ، در بین روان شناسان ، نظر واحدی وجود ندارد و حتّی برخی از آنان با تحقیقات جدید ، به این نتیجه رسیده اند که بیشتر تفاوت های یاد شده در کتاب های روان شناسی ، و حتی تفاوت های به ظاهر جاافتاده و تثبیت شده ، اساس علمی ندارند از جمله ، M.Oliverو J.Hyde ، بر اساس پژوهش های فراوان در فراتحلیل از تفاوت های کلّی جنسی، مهم ترین تفاوت بین زن و مرد را در «نگرش» و «رفتار» می دانند. (۲)

غریزه جنسییکی از ابعاد وجودی مهم در زن و مرد ، جنبه جنسی و شهوانی است که به صورت غریزه ای بسیار قوی ، در آنها قرار داده شده است. این غریزه باید ارضا گردد و اگر

.

۱- .زمینه روان شناسی ، ص ۱۳۶۶.

۲- Social Psychology and Human Sexuality. Edited By Royf Baumeiser (۲۰۰۱) Reading ۱ P: ۱ . ۲۹. PSYCHOLOGY PRES. Taylor francis group

ص: ۱۶

حواس و غریزه جنسی

مسیر ارضای آن ، به صورت صحیح طرّاحی نشود، از مسیر طبیعی خلقت ، منحرف خواهد شد و به ابعاد دیگر زندگی نیز آسیب خواهد زد. به همین دلیل ، در گام نخست باید ویژگی های مؤثّر مرد و زن در غریزه جنسی را به خوبی شناخت و در گام بعد ، مهارت های لازم را برای برقراری ارتباط جنسی صحیح به دست آورد . در این جا برای آشنایی بیشتر ، به صورت نسبتا گذرا و در راستای هدف این پژوهش ، ویژگی های مؤثّر در تعاملات جنسی را بررسی می کنیم.

حواس و غریزه جنسیحسّ بینایی: مردها عموماً به محرّک های بینایی ، حسّاسیت زیادی دارند و این حسّاسیت ، در اعمال و رفتار روزانه آنها نیز به چشم می خورد، مثلاً می بینیم که بعضی از آنها به تهیه عکس های سکسی (جنسی) مبادرت می ورزند و «چشم چرانی» می کنند تا آن جا که به میل جنسی و تمتّعات شهوانی مربوط است، بیشتر پسرها در سنین بلوغ و مردان به صورت مشهود به تأثیرات کیفی دیداری، بیشتر و بهتر از دختران و زنان پاسخ می دهند ؛ یعنی از چشم چرانی ، لذّت بیشتری می برند. البته این ، بدین معنا نیست که دختران و زنان ، از محرّک های بینایی ، متأثّر نمی شوند ؛ بلکه چه بسا در امور غیرجنسی ، از مردان نیز قوی تر باشند . لذا گفته می شود که قلب زن ، بیشتر از مرد ، تابع گیرنده های گوش و چشم است. در امور جنسی و شهوانی نیز محرّک های دیداری در دختران و زنان وجود دارد و از این روست که در قرآن ، هر دو جنس ، به صورت یکسان ، از نگاه کردن به هر فرد نامحرمی از جنس مقابل ، منع شده اند . (۱) حسّ گویایی: زنان ، زیادتر از مردان حرف می زنند و دوست دارند که کسی با آنان حرف بزند . این ویژگی ، به صورت یک نیاز طبیعی ، در آنان جلوه گر است. در تربیت جنسی و همچنین فراهم سازی زمینه زندگی مشترک، این نیاز باید مورد توجّه قرار

.

۱- .«قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَـرِهِمْ وَ یَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَ لِکَ أَزْکَی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیر بِمَا یَصْنَعُونَ * وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَـتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَـرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ . . .» (سوره نور ، آیه ۳۰ و ۳۱) .

ص: ۱۷

عواطف و غریزه جنسی

گیرد و تـدبیری منـاسب برای آن اتّخـاذ شـود. همچنین صـدای زنـان ، به گـونه ای است که اگر بـا نـاز و عشـوه همراه شود، بـاعث تحریـک و انحراف جنسـی در مردان می شود. در تربیت جنسـی، آگـاه سازی دختر از تأثیرات منفی این ویژگی و در نتیجه ، پرهیز کردن از این گونه حرف زدن در برابر نامحرم، می توانـد از انحراف پسـر و به دام افتادن دختر ، پیشـگیری کنـد . (۱) حسّ بویایی: بوهـای مورد توجّه و لـذّت بخش برای هر دو جنس زن و مرد ، با یکـدیگر متفاوت است . هر یک از دختر و پسـر ، از بوهای مورد توجّه جنس مخـالف ، متأثّر می شونـد و بایـد در رونـد تربیت جنسـی ، موارد اسـتفاده ، آموزش داده شود تا تحریکات نابه جا برای جنس مخـالف ایجاد ننمایـد. حسّ لامسه: دختران ، به محرّک های لمسـی ، بیش از محرّک های دیگر پاسـخ می گوینـد، لـذا آنان برخلاـف پسـران ، از دیـدن صـحنه شـهوت انگیز، زیاد تحریک نمی شونـد ؛ بلکه تحریک زیاد ، در اثر لمس و تماس پوستی برای آنان به دست می آیـد ؛ از این رو ، در رونـد تربیت دختر و پسـر ، بر این نکته ، بسـیار تأکید شده که پسـر ، از صـحنه های دیداریِ محرّک شهوت ، دور نگه داشته شود و به هیچ وجه ، دختر و پسر ، دست به هم ندهند و ارتباط بدنی با یکدیگر برقرار نسازند. (۲)

عواطـف و غریزه جنسـیدر زمینـه تفـاوت هـای عـاطفی و احساسـی نیز می تـوان بـه ایـن مـوارد ، اشـاره کرد: میزان شـیوع خشـم و پرخاشـگری میان دخترها و پسـرها ، همسان نیست ؛ بلکه پسـرهای کودکسـتانی ، غالباً بیش از دخترها به رویدادهای پرخاشـگرانه ، دامن می زنند (مک کوبی و ژاکین ، ۱۹۸۰ م) . همچنین در برخوردها و رفتارهای تهاجمی، به احتمال قوی ، پسـرها زودتر و سریع تر از دخترها به اعمال تلافی جویانه دست می زنند (داروین و چین ۱۹۸۱) . زمانی که طرفین درگیر، پسرها باشند ، احتمالاً

.

۱- .«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (سوره احزاب ، آیه ۳۲) .

۲- .رشد و شخصیت کودک ، ص ۱۸۶ .

ص: ۱۸

پرخاشگری ، زمان بیشتری به طول می انجامد، برخلاف زمانی که هر دو یا یکی از طرفین دعوا ، دختر باشد. پرخاشگری میان کودکان همجنس نیز شیوع بیشتری را نشان می دهد. همچنین گرچه دختران ، ترجیح می دهند که پرخاشگری خود را از طریق مشاجرات لفظی ظاهر سازند ، امّا در عین حال، پسرها بیشتر به بحث و مجادله می پردازند . (۱) از دیگر تفاوت های عاطفی احساسی زنان و مردان ، می توان به مواردی اشاره کرد که خانم کلیودالسون (روان شناس) به آنها اشاره کرده است: یک . تمام زن ها علاقه مندند که تحت نظر شخص دیگری کار کنند و به طور خلاصه ، از مرئوس بودن و تحت نظر رئیس کار کردن ، بیشتر خوششان می آید. دو . تمام زن ها می خواهند احساس کنند که وجودشان مؤثّر و مورد نیاز است. ایشان در ادامه بحث ، این طور اظهار نظر می کند : به عقیده من ، این دو نیاز روحی زن ، از این واقعیت سرچشمه می گیرد که خانم ها تابع احساسات و آقایان ، تابع عقل اند. بسیار دیده شده که خانم ها از لحاظ هوش ، نه فقط با مردها برابری می کنند ، بلکه گاهی در این زمینه ، از آنها برترند . نقطه ضعف خانم ها فقط احساسات شدید آنهاست. مردان ، همیشه عملی تر فکر می کنند، بهتر قضاوت می کنند، سازمان دهنده بهتری هستند و بهتر هدایت می کنند. پس برتری روحی مردان بر زنان ، چیزی است که طرّاح آن ، طبیعت است . (۲) همچنین نوع دوستی، توجّه به دیگران، صمیمیت و ارتباط های حمایتی، از ویژگی هایی هستند که زن ها و مردها در آنها تفاوت آشکاری با یکدیگر دارند. آلپورت و ورنون در سال ۱۹۳۱ م ، پس از بررسی ، به این نتیجه رسیدند که علایق زیباشناختی ، اجتماعی و دینی زن ها بیشتر از مردهاست. مردها بیشتر به جنبه های سیاسی و نظری (تئوریک) علاقه دارند و زن ها بیشتر به مسائل اخلاقی تمایل نشان

.

۱- .روان شناسی رشد (۱) با نگرش به منابع اسلامی ، ص ۴۹۸ .

۲- .نظام حقوق زن در اسلام ، ص ۱۷۲ و ۱۷۱ .

ص: ۱۹

۲ . مفهوم تربیت جنسی

می دهنـد. زن هـا با حرارت خاصّـی ، به بی عـدالتی اعتراض می کننـد و نسـبت به آداب و رسوم اجتماعی و ضوابط اخلاقی، تلقین پذیرترند. پذیرش دیگران، ویژگی دیگری است که در جنس ماده نوع آدمی ، دیده می شود. زن ها از هم جوار بودن و داشـتن هم صحبت ، بیشتر از مردها لذّت می برند. دختربچّه های کودکسـتانی ، بیشترین وقت خود را با هم بازی ها صرف می کنند ؛ در حالی که پسـربچّه ها ، خود را با وسایل متفاوت ورزشی و اسباب بازی ، سرگرم می کنند . دختربچّه ها در هم نشینی با بچّه های کوچک تر از خود ، تمایل نشان می دهنـد و در جابه جایی اشـیای سـنگین و بسـتن دکمه لباس و بند کفش و... آنها را یاری می رسانند، در حالی که پسـربچّه ها بیشتر به هم صـحبتی با افراد بزرگ تر از خود ، تمایل نشان می دهند . بررسی های انجام گرفته در کودکستان ها نشان می دهـد که دخترها ، به معاشـرت با دیگران و ایجاد روابط اجتماعی، علاقه زیادی دارند ؛ حال آن که پسـرها بیشتر ، خود را به فعالیت های بدنی (از جمله : بازی با چوب، دویدن و دنبال کردن یکدیگر یا هُل دادن اسـباب بازی ها و کشیدن آنها) مشغول می کننـد. حسّ همکـاری در دخترهـا به مراتب ، بیشتر از پسـرها است. دخترهـا بیش از پسـرها ، دو یـا سه نفری ، دور هم جمع می شوند و به فعّالیت های دوجانبه یا مبادله اشـیا و اسباب بازی ها اقدام می کنند. نکته قابل توجّه در این باره این است که بیشتر علایق مطرح شده ، مسـتقل از جامعه و فرهنگی است که کودکان ، در آن بزرگ می شوند. (۱) این ویژگی ها نیز باید در تربیت جنسی ، مورد توجّه قرار گیرند و بر اساس آنها تدابیر لازم در نظر گرفته شوند .

۲ . مفهوم تربیت جنسـیتعریف های فراوانی برای تربیت جنسـی ، مطرح شده است از جمله: «فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی ، به گونه ای که ضـمن اسـتفاده لازم از این غریزه، از انحرافـات و لغزش های جنسـی نیز پیشـگیری شود» . و یا طبق تعریف دیگری، «مقصود از تربیت

.

۱- .روان شناسی عمومی ، ص ۳۷۰ .

ص: ۲۰

جنسی ، این است که کودک را به گونه ای بپرورانیم که هنگامی که به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لا ابالیگری بپرهیزد و راه و رسم عفّت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت ، سرگردان نشود » . (۱) بنا بر این ، تربیت جنسی ، از آغاز کودکی شروع می شود و تا سن جوانی و میان سالی ، ادامه پیدا می کند. حافظ ثابت ، در تعریف تربیت جنسی می نویسد: «منظور ما از تربیت جنسی ، این است که زمینه ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعدادهای شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد ، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب ، یاری نماید» . (۲) تعریف های پیش گفته ، از ابهام برخوردارند . به نظر می رسد که تربیت جنسی ، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی ، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد ؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند ؛ نقش مذکّر یا مؤنّث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد ؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسیِ مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد ؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند ؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن ، به آرامش برسد ؛ به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعّالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی اللّه و جلب خُشنودی خداوند ، به کار گیرد» . با توجّه به این تعریف، تربیت جنسی ، حوزه وسیعی را در بر می گیرد و شامل فعّالیت های تربیتی ای است که از آغاز زندگی ، مرحله به مرحله در جهت رشد متعادل و متناسب غریزه جنسی صورت می گیرد تا فرد ، با وظایف و رفتارهای جنسی آشنا شود و به اهداف تربیتی جنسی (از قبیل : مودّت و رحمت و آرامش در زندگی و سلامت روان) برسد و نسل هم تداوم پیدا کند. به این ترتیب، گستره

.

۱- .اسلام و تربیت کودکان ، ص ۲۴.

۲- .تربیت جنسی در اسلام ، ص ۲۱ .

ص: ۲۱

۳ . آموزش جنسی

موضوع تربیت جنسی ، در برگیرنده مسائل ریز و درشتی است که به بعضی از آنها اشاره می شود : ۱ . نگرش والدین ، نسبت به جنسیت خود و فرزندانشان. ۲ . شیوه برخورد متناسب والدین ، با جنسیت فرزندانشان (طرز لباس پوشاندن به آنها و مسئولیت هایی که به آنها واگذار می شود و...) . ۳ . پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان ، در مورد تولید مثل، تفاوت های جنسی دختر و پسر و ... . ۴ . رفتار والدین با یکدیگر. ۵ . نگرش والدین ، نسبت به ازدواج و جنس مخالف. ۶ . آموزش حیا و فضایل اخلاقی. ۷ . به هنجارها و نابه هنجاری های جنسی . ۸ . اهمّیت تقوا و پرهیز از بی بند و باری جنسی. ۹ . آگاه کردن فرزندان ، نسبت به بیماری های مقاربتی (مانند ایدز و...) . ۱۰ . آموزش احکام شرعی ، در مورد مسائل جنسی دوران بلوغ و ازدواج. ۱۱ . آگاه کردن فرزندان از تغییرات هنگام بلوغ. ۱۲ . آماده کردن نوجوانان و جوانان برای ازدواج و آشنا کردن آنها به وظایف همسرداری و فرزندپروری. ۱۳ . آگاه کردن فرزندان ، به طبیعی بودن نیاز جنسی و تمایل جنسی به جنس مخالف. و موارد بسیار دیگری که در این بستر قرار می گیرند.

۳ . آموزش جنسیمسئله ای که لازم است به آن پرداخته شود، «آموزش جنسی» و تفاوت آن با «تربیت جنسی» و همچنین نقش آن در تربیت جنسی است. آموزش جنسی در یک نگاه کلّی ، یعنی : «آموزش در تمام جنبه های جنسی ، و

.

ص: ۲۲

تمایلات جنسی از جمله : جنبه های فیزیولوژیکی تولید مثل، عملکردی، هیجانی و بین فردی» و به طور خاص یعنی : «آموزش محدود به زمینه های فیزیولوژیک سکس و تولید مثل» . (۱) همچنین در تعریف آموزش جنسی ، گفته شده که عبارت است از : «ارائه هر نوع دانش و آگاهی علمی و نظری ، به شخصی که به خاطر جنسیت خاص متناسب با سن و به اقتضای مرحله های رشدی خود، جهت تأمین سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و رفع نیاز جنسی و تعالی خویشتن و بقای نسل، بدان نیازمند است» . (۲) در تعریف دیگر ، آموزش جنسی، به مفهوم تربیت جنسی دانسته شده که شامل : آموزش رفتارها و مسائل توالد و تناسل، آماده سازی فرد برای فهمیدن و کنترل تحریکات و رفتارهای جنسی خود، آموزش اصول و مسائل فردی و گروهی مربوط به دو جنس مرد و زن است. در تعریف نسبتاً کامل تری آمده است: «منظور از آموزش جنسی، ارائه اطّلاعات کلّی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن ، نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی های معقول و جلوگیری از انحرافات است» . (۳) بر این اساس، آموزش جنسی ، باید هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و با هدف پرورش نسل سالم و جامعه صالح انجام شود. صلاح و فساد هر جامعه ، بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آنها با یکدیگر و از جمله روابط جنسی ، شکل می گیرد. اگر همه یا بیشتر افراد جامعه ، سالم باشند و روابط آنها با یکدیگر ، با ارزش ها و هنجارهای دینی ، منطبق باشد، آن جامعه، جامعه ای سالم است. آموزش مسائل جنسی ، به صورت صحیح و کامل در هر دوره و فراگیری ارزش ها و هنجارهای دینی و عملکردهای افراد در هر مقطع سنی، افراد را به سوی

.

۱- .روان شناسی عمومی ، ص ۴۰۵ .

۲- .جوان ، انگیزه و رفتار جنسی ، ص ۵۷ .

۳- .مراحل رشد و تحوّل ، ص ۲۲۳ .

ص: ۲۳

صلاح و پرهیز از فساد می کشاند و سلامت روان را برای آنان به دنبال دارد و در نتیجه ، نسل جامعه، سالم پرورش می یابد و جامعه، سالم می شود . (۱) هدف اسلام ، تربیت «انسان کامل» است و انسان کامل ، جز در سایه ارضای متعادل نیازهای روحی و جسمی اش شکل نمی گیرد و آموزش در ارتباط با رشد جنسی و چگونگی تنظیم روابط و ایجاد تعادل روانی در این زمینه ، نقش اساسی در سلامت روانی جامعه دارد. از این رو ، دین ، به آموزش در این خصوص می پردازد و در موارد ضروری ، با صراحت ، ولی بدون پرده دری، مسائل لازم را (چه در قرآن و چه در روایات) آموزش داده است. مثلاً در قرآن ، از آموزش کودکان برای ورود به اتاق والدین گرفته تا افرادی که ازدواج با آنها جایز است و محدوده رفتار جنسی به هنجار و نابه هنجار ، ذکر شده است . در روایات ، حتّی به ریز مسائل مربوط به رفتار جنسی، ساعات مناسب برای رابطه زناشویی، روابط کودکان با والدین، روابط کودکان با جنس مخالف و همجنس، شرایط ازدواج، ویژگی های یک همسر خوب و... پرداخته شده است. البته بحث تربیت جنسی و آموزش جنسی و نحوه آن، بحث دقیق و ظریفی است که اگر به دقّت و موشکافانه بررسی نشود، می تواند نتایج معکوسی به بار آورد . مثلاً در زمینه پاسخ دادن به سؤالات کودکان و نوجوانان، ما با دو مسئله متضاد روبه رو هستیم. از طرفی ، عدم ارائه اطّلاعات به کودکان ، باعث می شود که آنها این اطّلاعات را از منابع نامناسب به دست آورند و احیاناً اطّلاعات غلطی به دست آورند که به بهداشت روان آنها صدمه برساند. از طرف دیگر ، ارائه این اطّلاعات حتّی به صورت کلّی، ممکن است باعث تحریک جنسی آنها شود. این ، مسئله ای است که تحقیقاتی گسترده ، بدان نیازمند است . در آموزش جنسی ، انتخاب الفاظ و عبارات، اهمیّت ویژه ای دارد ؛ زیرا این

.

۱- .«تربیت جنسی در دوره های کودکی ، نوجوانی و جوانی از دیدگاه اسلامی» ، علینقی فقیهی (مندرج در : تشخیص و درمان اختلالات روان شناختی کودک و نوجوان ، به کوشش : محمّد خدایاری فرد و محسن شکوهی یکتا) ، ص ۲۶۷ .

ص: ۲۴

عبارات، در ذهن کودکْ نقش می بنـدد و تا سن بزرگ سالی ، بر رفتار جنسـی و تمایل او به جنس مخالف تأثیر می گـذارد. شاید سخت ترین قسـمت آموزش جنسی، آموزش «حیای جنسی» و آموزش جنسی با رعایت موازین «حیا» باشد. حیا، مبنایی برای فضایل اخلاـقی است و حتّی در بعضـی روایات ، معادل با دینـداری» تلقّی شـده است ؛ (۱) امّـا تاکنون ، تعریف دقیقی از این صـفت نیک اخلاـقی ، به عمـل نیامـده تـا دقیقـاً و عملاً بـدانیم به چه معناست . برای آموزش جنسـی به کودکان و نوجوانان نیز نمی دانیم از چه الفاظی باید اسـتفاده شود تا با حیا ، منافات نداشـته باشد. مثلاً برای آموزش مفهوم محرم و نامحرم به دختران و پروراندن روحیه حیا و عـدم تبرّج در برابر نامحرم در آنان ، از چه جملاتی بایـد اسـتفاده کرد؟ آیا اسـتفاده از جملاتی مثل : «تو دیگر بزرگ شـده ای و زشت است که پیش مردهـا بروی» ، صـحیح است یا خیر؟ آیا به کار بردن چنین جملاتی ، در دختر بچّه ها ، ترس از جنس مخالف را ایجاد نمی کند؟ آیا ایجاد ترس ، باعث نفرت ناخودآگاه و در نتیجه ، سـردمزاجی آنها نمی شود؟ برای آموزش اهمیّت پوشاندن بدن (بویژه آلت تناسلی) به کودکان، چه جملاتی را می توان به کار برد؟ آیا به کار بردن جملاتی مانند: «زشت است لخت باشی!» یـا «اگر لخت باشـی، تنـبیه می شـوی!» و... ، بـاعث ایجـاد تصوّر ذهنیِ نـادرست از بـدن نمی شود؟ این گونه مسائـل ، چگونه بـاید آموزش داده شونـد؟ چه مسـائلی در محـدوده حیـا قرار می گیرنـد و چه مسـائلی قرار نمی گیرنـد؟ پاسـخ به این گونه پرسـش ها و سؤالاتی مانند آن که ذهن والدین آگاه و مربّیان دل سوز را به خود مشـغول می کند ، بخشـی از آموزش جنسی است و بدون یافتن پاسـخ این سؤالات، آموزش های دیگر ، معنا ندارند. در این پژوهش ، سـعی می کنیم که ، برای این پرسـش ها ، پاسـخی منطبق بر آیات و روایات بیابیم.

.

۱- .امام صادق علیه السـلام فرمود: «الحیاءُ والإیمانُ مقرونانِ فی قَرَنٍ ، فإذا ذَهَبَ أحَدُهُما تَبِعَهُ صاحِبُهُ» ؛ حیا و ایمان، زنجیروار به هم پیوسـته اند ؛ اگر یکی از آنها برود، دیگری دنبال رفیقش است (الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ ؛ تحف العقول ، ص ۲۹۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۱۶۶ ؛ بحار الأنوار، ج۶۸، ص۳۳۱، ح۴) . و نیز فرمود: «لاـ إیمان لِمَن لا حیاءَ لَهُ» ؛ هرکس که حیا نـدارد ، دین و ایمان هم ندارد (الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۵۳) .

ص: ۲۵

فصل دوم : اهداف تربیت جنسی

الف . هدف نهایی

فصل دوم : اهداف تربیت جنسیدر تعلیم و تربیت ، «هدف» ، به وضع سودمند و مطلوبی گفته می شود که لازم است برای تحقّق آن، فعّالیت های مناسب تربیتی انجام گیرد. هدف های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام ، به دو دسته هدف نهایی و اهداف واسطه ای تقسیم می شوند.

الف . هدف نهاییهدف نهایی تربیت جنسی ، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی یعنی قرب الی اللّه و وصول به کمالات شایسته و رضوان الهی است. تربیت جنسی ، زیرمجموعه نظام تعلیم و تربیت است ، لذا همه مبانی، اصول، روش ها و فعّالیت های مربوط به جنسیت زن و مرد ، باید در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی خداوند است. هر فرد ، با قرار گرفتن در مسیر این هدف و با پرورش و تربیت بهینه استعدادها و جهت دادن به امکانات، خواسته ها و فعالیّت هایش ، درصدد به دست آوردن درجات و مراتبی از آن هدف بر می آید و آن کس که بتواند بین انگیزه ها، باورها و فعّالیت های خود با آن اهداف، بیشترین هماهنگی را ایجاد نماید و در درجات مسابقه «قرب الهی»، (۱) از همه ، پیشی گیرد، مراتب بیشتری از آن قرب و رضوان الهی را به دست می آورد.

.

۱- .«وَ السَّبِقُونَ السَّبِقُونَ * أُوْلَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» (سوره واقعه ، آیه ۱۰ ۱۱) .

ص: ۲۶

ب . اهداف واسطه ای

اهداف کلّی تربیت جنسی

۱ . فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی

۲ . شناخت و انتظار درست از هویّت جنسی خود

ب . اهداف واسطه ایمنظور از هدف های واسطه ای، وضعیت های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه ساز نیل به هدف نهایی اند. این هدف ها خود دو دسته اند: هدف های کلّی و هدف های رفتاری . اهداف رفتاری ، خود ، زمینه تحقّق و دستیابی هدف های کلّی را فراهم و تسهیل می نمایند. ما در این فصل ، صرفاً به «اهداف کلّی» تربیت جنسی می پردازیم و چون اهداف رفتاری، جزو عملکردها و روش ها هستند ، در بخش دوم ، طی فصولی به آنها خواهیم پرداخت.

اهداف کلّی تربیت جنسی۱ . فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسینخستین هدف تربیت جنسی که از دوران کودکی یا بهتر بگوییم پیش از تولّد آغاز می شود ، این است که رشد جنسی کودکان ، به طور طبیعی و سالم پیش برود و از بروز ناهنجاری ، بلوغ زودرس و ابتلا به انواع انحرافات جنسی ، پیشگیری شود ؛ بلکه کودک ، در محیطی آرام و بدون فشار جنسی و التهاب غریزی ، رشد کند و در سنین نوجوانی بتواند بدون تحمّل استرس ها ، با ظهور امیال جنسی خود که بروز آنها در این مرحله رشدی ، طبیعی و به هنجار است ، به شکلی مطلوبْ مقابله کند و در سن جوانی ، به حدّی از رشد برسد که بتواند همسری مناسب و پدر یا مادری شایسته برای فرزندانش باشد. البته بسترسازی مناسب، در هر کدام از مراحل زندگی ، شیوه های خاصّ خود را دارد که در بحث شیوه های تربیت جنسی ، به تفصیل ، در مورد آنها بحث خواهد شد.

۲ . شناخت و انتظار درست از هویّت جنسی خوداز جمله اهداف تربیت جنسی، پیدا کردن شناخت درست از «هویّت جنسی» خویش است. تربیت ، باعث می شود که فرد ، شناخت و انتظار درستی از هویّت

.

ص: ۲۷

۳ . ارضای صحیح و به هنجار غریزه جنسی

جنسی خود پیدا کند که مطابق با توانایی های جنسیتی اش باشد. اگر این هدف ، در مرحله کودکی و نوجوانی برآورده شود، چنین فردی در دوره جوانی و بزرگ سالی ، به خوبی ، وظایف خود را مناسب با جنسیتش برآورده می سازد ، از تمایلات انحرافی ، به دور می ماند و غرایز طبیعی اش به روشی سالم ، ارضا خواهند شد.

۳ . ارضای صحیح و به هنجار غریزه جنسیاز جمله اهداف مهم تربیت جنسی، این است که زن و مرد بتوانند نیاز جنسی خود را که یک نیاز طبیعی است ، به شیوه صحیح و به هنجار ارضا کنند. در دین اسلام (برخلاف برخی از ادیان) ، میل جنسی و لزوم ارضای آن ، نه تنها پست و رذالت آمیز معرفی نشده، بلکه امری پسندیده و مطلوب است ؛ امّا به شرطی که در چارچوب ازدواج زن و مرد (چه به صورت دائم و چه موقّت) انجام شود و از شیوه های نابه هنجار ارضای این نیاز ، پرهیز گردد. اِریک فِروم (روان شناس معاصر) می نویسد: کشش دو قطب مذکّر و مؤنّث ، همچنین پایه آفرینندگی ناشی از فعل و انفعال متقابل است. این نظر زیست شناسی ، طبیعتاً به این معناست که وحدت اسپرم و اوول ، اساس تولّد کودک است. وضع در دنیای روانی مطلق نیز همین گونه است : زن و مرد در عشق یکدیگر ، از نو زاده می شوند. کسانی که به انحرافات همجنس گرایی گرفتارند ، در رسیدن به این وصل دو قطبی ، شکست می خورند و به ناچار باید همیشه ، رنج جدایی را تحمّل کنند ؛ درست مانند آن دسته از افراد معمولی ای که از مهر ورزیدن عاجزند. (۱) از دیدگاه اسلامی، علاوه بر این که ارضای نیاز جنسی ، منحصراً از راه پیوند میان زن و مرد مورد تأیید است ، باید این پیوند، در قالب ازدواج و همراه با ضوابط مشخصی باشد . دلیل این مطلب ، آن است که نیاز جنسی در انسان، صرفاً تنشی غریزی که هدف آن فقط ارضای نیاز باشد نیست ؛ بلکه نیازی پیچیده و مرکّب از

.

۱- .هنر عشق ورزیدن ، ص ۴۸ .

ص: ۲۸

۴ . پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعه

نیازهای دیگر است که جز در قالب یک پیوند شناختی، عاطفی و معنوی که تعهدآور و مسئولیت ساز باشد، به نحو مطلوبْ ارضا نمی شود. بنا بر این ، ممکن است مردی در نزدیکی با یک زن روسپی ، التهاب جنسی خود را فرو بنشاند ؛ امّا با این کار ، نه تنها نیاز خود را به دوست داشتن و دوست داشته شدن و انس و آرامش و معنویت و پاکی ، ارضا نکرده ، بلکه بر کمبودهای خود نیز دامن زده است. بنا بر این ، به طور خلاصه می توان گفت که مهم ترین هدف تربیت جنسی که از زمان کودکی آغاز می شود ، این است که : زن و مردی را تربیت کنیم که بتوانند با غرایز جنسی خود، به شیوه ای صحیح و مطلوب برخورد کنند ؛ نه آن را سرکوب سازند و نه به بی بند و باری و انحراف و فحشا کشیده شوند و در نهایت ، زن و مرد بتوانند به یاری هم ، کانونی فراهم سازند که هم سلامت روانی خودشان را به دست آورند و هم در مناسبات اجتماعی، سلامت جامعه تأمین شود.

۴ . پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک دامنی در جامعهاز دیگر اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، حفظ افراد جامعه از انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم ، اهداف دیگر تربیت جنسی ، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری ، بهتر از درمان است» ، اگرچه معمولاً در مورد بیماری های جسمی گفته می شود، ولی در امور روانی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی ، بیشترین تأثیر را داشته باشد ؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آنها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است ؛ چون برگرداندن هر معتادی از عادتش مشکل است . امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: رَدُّ المُعتَادِ عَن عَادَتِهِ کَالمُعجِزِ . (۱) برگرداندن معتاد از عادتش ، مانند معجزه است.

.

۱- .تحف العقول ، ص ۴۸۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۳۷۴ .

ص: ۲۹

۵ . آماده سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی

اعتیـاد به انحرافـات جنسـی ، به علّت نیرومنـدی غریزه جنسـی ، از شـدّت بیشتری برخوردار است ، به همین دلیـل ، حتّی از دیـدگاه برخی روان شناسان که «استمنا» را انحراف نمی دانند ، امّا عادت به آن، به گونه ای که فرد نتواند آن را ترک کند و زندگی جنسی به هنجاری داشته باشد، بیماری محسوب می شود . (۱)

۵ . آماده سازی دختر و پسـر برای زندگی سالم خانوادگیآموزش مسائل مختلف مربوط به غریزه جنسـی و مسائل خانوادگی ، زمینه ازدواج سالم همراه پیونـد عمیق زوجین را فراهم می نمایـد. جوانی که قصد ازدواج دارد ، باید بداند که چگونه محبّت خود را ابراز کنـد و چگونه تمایـل طرف مقابـل را به خود جلب کنـد و در مواقع سـخت و پیچیـده ، چگونه عمل کنـد . همچنین بایـد بدانـد چه مسائلی سلامت زندگی خانوادگی را تضمین می کند و چه مسائلی ، آن را متزلزل می سازد. از طرف دیگر ، تربیت جنسی صحیح، از انحرافـات جنسـی زوجین و تزلزل پیونـد خـانوادگی ، جلوگیری می کنـد و وقتی که زوجین قبل از ازدواج ، از ارتکاب محرّمات خودداری کننـد، مسـلّماً اعتماد و اطمینان آنان به یکـدیگر ، بیشتر خواهـد شـد و همین امر، عامل مهمّی در سـلامت زندگی مقدّس خانوادگی خواهد بود . به عبارت دیگر، آموزش ویژگی های روانی عاطفی جنس مخالف به دختر و پسر، آشنا کردن آنها با اصول ازدواج سـالم و نشانگـان ازدواج هـای غیرسـالم، پرورش مهارت های برقراری رابطه صـحیح زن و مرد پس از ازدواج، آنها را برای زندگی سالم جنسی همراه با آرامش روان، پاک دامنی و پرهیز از انحرافات جنسی، آماده می سازد.

.

۱- .خلاصه روان پزشکی ، ج ۳ ، ص ۳۹ .

ص: ۳۰

. .

ص: ۳۱

فصل سوم : مبانی و اصول تربیت جنسی

مقدّمه

مبانی

فصل سوم : مبانی و اصول تربیت جنسیمقدمهبرای ورود به مباحث مبانی و اصول تربیت جنسی، لازم است که منظورمان را از مبانی و اصول تربیت جنسی تبیین کنیم:

مبانیمنظور از مبانی تربیت جنسی، ویژگی های طبیعی شناختی و گرایشی ای هستند که در انسان ها به صورت واقعی وجود دارند و منشأ و مبنای ادراکات، امیال، کشش ها، صفات و فعالیت های مربوط به جنس مذکّر و مؤنّث هستند . به عبارت دیگر ، مبانی تربیت جنسی، همان هستی ها، قابلیت ها و ویژگی های انسانی است که خواسته ها و عملکردهای جنسی از آنها پدید می آیند. مبانی تربیت جنسی ، با اهداف تربیت جنسی ، هماهنگ است. آفریدگار ، بر اساس حکمت خویش، هدف های ویژه ای برای بشر در نظر گرفته است و برای نیل بشر به آن اهداف، قابلیت ها و ویژگی های خاصی در ساختار آدمی سرشته است. به عبارت دیگر ، حکیم مطلق، این گونه ساخته است تا انسان ، آن گونه بشود وگرنه ، این گونه نمی ساخت. به عنوان مثال ، وجود غریزه و تمایل جنسی در ساختار وجود انسان ، برای اهدافی ویژه ای مانند بقای نسل و آرامش است . خداوند ، از آن جهت که کارهایش حکیمانه است و در فاعلیت، خلق و امر او هیچ گونه بیهوده ای وجود ندارد ، محال است این مبنا را در وجود انسان ، سرشته باشد ، بدون این که هدفی از آن در نظر

.

ص: ۳۲

اصول

رابطه مبانی و اصول

گرفته باشد. از این روست که خداوند ، سکون و آرامش را از اهداف خلقت انسان به صورت زوج (مرد و زن)، دانسته است و مودّت و رحمت را بین آنها قرار داده است تا اهداف خلقت ، تحقّق یابد . (۱) گزاره هایی که در آیات و روایات ، بیانگر هستی ها، قابلیت ها و ویژگی های طبیعی (فطری و غریزی) و وضع و موقعیت وجودی آدمی اند و سرچشمه تمایلات و فعالیت های جنسی ، از مبانی تربیت جنسی ، حکایت دارند.

اصولاصول تربیت جنسی ، یعنی قواعد و دستورالعمل های نسبتاً کلی ای که پذیرفتن و به کار بستن آنها، فرد را برمی انگیزد تا در راستای هدف عالی قرب الهی ، خواسته ها و فعالیت های جنسی خویش، همسر و فرزندان و متربیان را سامان دهد و در برآوردن نیازها و امیال جنسی ، شیوه ای را پیش گیرد که او را به خدا نزدیک کند و خداوند را از او خشنود سازد .

رابطه مبانی و اصولدر متون دینی، مبانی ، منشأ اصول اند و اصول ، برگرفته شده از مبانی. قواعدی می توانند جزو اصول تربیت جنسی باشند که از مبانی و واقعیات عینی وجود انسان و آنچه در ارتباط با اوست ، سرچشمه گرفته باشند. واقعیت خود انسان و ویژگی ها و ابعاد وجودی وی، حیات مادی و معنوی اش و ارتباط او با خدا و افراد دیگر و موجودات، همه، مبانی ای هستند که با تحلیل آنها، اصول ، اکتشاف می شوند. هر کدام از جنبه های روانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، الهی و ... انسان می تواند منشأ اصل یا اصول تربیتی جنسی باشد. لازمه کشف شدن اصول از مبانی ، این است که اصول ، وضعی و قراردادی و

.

۱- .«وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (سوره روم ، آیه ۲۱) .

ص: ۳۳

منشأ بودن اصول برای صفات و افعال

اعتباری نیستند ؛ بلکه قواعدی هستند که از مفاهیم معقولات ثانویه فلسفی ، به حساب می آیند که عروضشان ذهنی و اتّصافشان عینی و واقعی است ؛ زیرا از مبانی واقعی ، انتزاع و کشف می شوند، به همین دلیل ، اصول ، از ثبات برخوردارند و برای همگان مطلوب اند و کسی نمی تواند آنها را نپذیرد و مفید نداند ؛ زیرا از فطرت، ویژگی های طبیعی و سرشتی فرد و روابطش با دیگران و نظام هستی ، کشف شده اند. در روایتی که می آید ، ضمن تعبیر از مبانی به «معادن طیّب» ، آنها را منشأ اصول ثابت دانسته که فروعات و نتایج گران بهای آن، هدف های عالی تربیتی اند و نیل به این اهداف را مبتنی بر روش هایی می داند که از اصول ثابتْ سرچشمه گرفته اند و آن اصول ، از معادن طیّب به دست آمده اند. امام صادق علیه السلام به فرزندش موسی کاظم علیه السلام می فرماید : ... وَ لِلأُصُولِ فُرُوعاً وَ لِلفُرُوعِ ثَمَراً ، وَ لایَطِیبُ ثَمَرٌ إِلَا بِفَرعٍ ، وَ لا فَرعٌ إِلَا بِأَصلٍ ، وَ لا أَصلٌ ثابِتٌ إِلَا بِمَعدِنٍ طَیِّبٍ . (۱) اصول ، دارای فروع اند و فروع ، دارای نتیجه، و جز با فرع، نتیجه گوارا و دلپسند پدید نمی آید . فرع هم ، جز با اصل ثابت ، محقّق نمی شود و اصل ثابت هم بدون مبنا و معدن طیّب نخواهد بود.

منشأ بودن اصول برای صفات و افعالاصول تربیتی ، منشأ ظهور صفت یا ملکه نفسانی و یا فعل و رفتار تربیتی است ، به همین جهت ، نام «اصل» بر آن نهاده شده است. نباید تصوّر شود که اصول تربیتی ، تنها منشأ رفتار و اعمال اند ؛ بلکه بسیاری از اصول تربیتی ، برای بروز صفات و ملکات نفسانی ، سببیّت دارند و حتی در موارد زیادی ، سببیّت اصول برای رفتار به واسطه صفات و ملکات نفسانی است و در حقیقت ، آن اصول، اصول ملکات و صفات اند و صفات و ملکات، اصول افعال و رفتار (مانند ملکه و صفت تقوا که خود از اصل معرفت و ایمان نشئت می گیرد) ، ولی سببیّت آن دو ، برای رفتار و اعمال تقوایی ، تنها

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۲۰۴ ، ح ۴۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۴ ، ص ۶۸۲۴ ، ح ۲۱۷۸۹ .

ص: ۳۴

نسبیت در اصول

از طریق صفت و ملکه تقوا (هر چند در مراتب ضعیف آن) است. ضرورت توجّه به این نکته ، از آن جهت است که در نظام تربیتی اسلام ، برای تحقّق هدف های عالی تربیتی، سیر معنوی ، محور قرار دارد که بدون تحوّل و تکامل صفات و ملکات نفسانی ، امکانپذیر نیست و اصول تربیتی باید زمینه ساز این سیر و تکامل باشند. امام علی علیه السلام در منشأ بودن اصول برای رفتار نیکو می فرماید: جَمِیلُ الفِعلِ یُنبِئُ عَن طِیبِ الأَصلِ . (۱) فعل و رفتار زیبا، از اصل طیّب آن خبر می دهد. امام صادق علیه السلام ملکه نفسانی تواضع را که خود از اصل معرفت و ایمانْ ناشی شده منشأ رفتارهای متواضعانه پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته ، می فرماید: کَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَأکُلُ إِکلَهَ العَبدِ ، وَ یَجلِسُ جِلسَهَ العَبدِ ؛ تَوَاضِعاً لِلّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی . (۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل تواضع و خضوع نسبت به خداوند، همانند بنده ، متواضعانه غذا می خورد و متواضعانه می نشست . با توجّه به عبارت «تواضعاً للّه تبارک وتعالی » ، به خوبی فهمیده می شود که روش عملی و سلوک رفتار متواضعانه پیامبر صلی الله علیه و آله ، از اصل بندگی ای که در ایشان بسیار قوی بوده، نشئت گرفته و معرفت عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله ، رابطه عبودیتش را سبب گردیده و رابطه عبودیتش ، تواضع و احساس بندگی نسبت به خدا را باعث شده و تواضعش نسبت به خدا ، عاملی شده است بر این که همانند بندگان دیگر ، بخورد و چون همگان بنشیند .

نسبیت در اصولاصول ، در ارتباط با فروع و هدف ها نسبی اند ، بدین معنا که ممکن است یک امر ،

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ترجمه محمّد علی انصاری ، ص ۳۷۲ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۲۱ .

۲- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۱۳۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۸ .

ص: ۳۵

به دلیل منشأ بودن آن برای امر دیگری اصل باشد، ولی از این جهت که نتیجه ، چیز دیگری است ، هدف به حساب آید و از آن رو که خود ، فرعی است و از اصلی سرچشمه می گیرد، فرع فعالیت تربیتی یا روش ، خوانده شود . برای مثال، معرفت خدا ، به دلیل سببیّت برای هدف تقوا، اصل است ؛ زیرا بندگی خدا و در صراط او بودن و مصون ماندن از انحراف و طغیان، از آب حیات معرفت ، سرچشمه می گیرد. همان طور که امام صادق علیه السلام فرمود : وَ التَّقوَی ما یَنفَجِرُ مِن عَینِ المَعرِفَهِ بِاللّهِ ... . (۱) تقوا ، آن چیزی است که از چشمه معرفت خدا می جوشد... . با این حال ، معرفت خداوند ، خود ، یک هدف تربیتی است و بلکه نخستین هدف تربیتی در ارتباط با خدا محسوب می شود که متربّی ، در سایه فراهم آوردن مقدّمات ، می تواند به این هدف ، دست یابد. پیامبر صلی الله علیه و آله ، معرفت ربوبی را از اهداف نظام تعلیم و تربیت صحیح برمی شمرد و آموزش و تحقّق آن را مأموریت اصلی رسولان و مربّیان مبعوث شده از ناحیه خداوند می داند : ... وَ بَعَثَ إِلَیهِمُ الرُّسُلَ... لِیَعقِلَ العِبَادُ عَن رَبِّهِم مَا جَهِلُوهُ فَیَعرِفُوهُ بِرُبُوبِیَّتِهِ ... . (۲) خداوند ، پیامبران را به سوی مردم فرستاد ... تا از طریق آنان، بندگان ، نسبت به پروردگارشان بیندیشند و به ربوبیّت او معرفت پیدا کنند. تقوا هم که از اصل معرفت ، نشئت می گیرد ، خود، اصل و منشأ برای همه فعالیت های کمالی ، از قبیل : فعالیت های عبادی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و ... است . امام صادق علیه السلام اصل بودن تقوا را چنین بیان می فرماید : ... فَالتَّقوَی لِلطَّاعَاتِ کَالمَاءِ لِلأَشجَارِ ... وَ کُلُّ عِبَادَهٍ غَیرِ مُؤَسَّسَهٍ عَلَی التَّقوَی فَهُوَ هَبَاءٌ مَنثُورٌ . قَالَ اللّهُ عز و جل : «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْیَانَهُ عَلَی تَقْوَی مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَ نٍ خَیْرٌ أَم

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۶۷ ، ص ۲۹۵ ، ح ۴۰ .

۲- .الکافی ، ج ۱ ، ص ۳ ؛ التوحید ، ص ۴۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۴ ، ص ۲۸۸ .

ص: ۳۶

رابطه اصول و فروع

مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ...» (۱) . (۲) امام، تقوا را نسبت به طاعت ها و فعالیت هایی که در نیل به کمال لازم است، مانند آب برای درختان دانسته است . این ، از آن جهت است که آب ، اصل رویش درخت است و اگر آب نباشد ، درخت ، شاخ و برگ پیدا نمی کند و میوه نمی دهد. تقوا هم منشأ و اصل رویش فعّالیت های کمالزاست و اگر تقوا نباشد ، طاعات و فروعی که انسان را به هدف عالی قرب الهی می رسانند نیز وجود نخواهند داشت. امام صادق علیه السلام در پایان، برای روشن تر کردن این حقیقت که تقوا یک اصل تربیتی است و فعّالیت های تربیتی باید بر اساس آن صورت گیرند ، به آیه قرآن استناد می فرماید و به عنوان مربّی دینی ، توصیه می کند که مردم ، فعّالیت های خود را بر این اساس ، استوار سازند تا به اهداف عالی تربیتی برسند و از اصول متضاد با آن ، پرهیز کنند ؛ زیرا با آن اصول متضاد با تقوا، نمی توان به تربیت حقیقی دست یافت ؛ بلکه پایان کار ، به بدبختی و جهنّم می انجامد . لازم به یادآوری است که اصول ، نسبت به یکدیگر ، از حیث وسعت مفهوم و شمول مصادیق ، تفاوت دارند ؛ برخی کلّی ترند و برخی دیگر ، دایره شان محدودتر است. تعدادی از اصول ، نسبت به اصول دیگر ، مادرند و فرزندانی از آنها متولّد می شوند ؛ یعنی ممکن است یک اصل کلّی ، از واقعیت هایی کشف شود که با تحلیل عقلی و با توجّه به حقایق دیگر، اصولی از آن منشعب گردد (مانند اصل رشد و کمال) که اصولی نظیر اصل شناسایی و نیل به کمال، اصل توجّه به کمال ابدی، اصل انگیزه برای فعالیت برتر و بیشتر و ... را دربردارد و اینها از شاخه های آن درخت و از فروع آن اصلِ مادر به حساب می آیند.

رابطه اصول و فروعدر نظام تعلیم و تربیت اسلامی ، پرداختن به اصول و فروع ، در کنار یکدیگر ، لازم

.

۱- .سوره توبه ، آیه ۱۰۹ .

۲- .مصباح الشریعه ، ص ۳۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۷ ، ص ۲۹۶ ، ح ۴۱ .

ص: ۳۷

و ضروری است. شناخت و کشف اصول ، اوّلین گام تربیتی است که باید آن را در خود ، ایجاد و تقویت کرد و به فعّالیت های ارزشی ناشی از آن پی برد ؛ آنها را لباس عمل پوشاند و از فعالیت هایی که با آن اصل ، منطبق نیستند ، پرهیز نمود ؛ زیرا اصول، متربّی را از فروع ، بی نیاز نمی سازد و وی باید به فروع نیز بپردازد. امام صادق علیه السلام در پاسخ نامه مفضل بن عمر ، به بیان این حقیقت پرداخته ، می فرماید : ... فَلَا یَغنِی التَّمَسُّکُ فِی الأَصلِ بِتَرکَ الفُرُوعِ . (۱) ... تمسّک به اصول ، باعث بی نیازی از پرداختن به فروع نمی شود . همچنین پرداختن به فروع و انجام دادن فعّالیت های تربیتی، بدون توجّه به اصول ، مثمر ثمر نیست و انسان را به اهداف عالی تربیتی نمی رساند. این اصول اند که روش ها، رفتارها و نوع اعمال فرد را معیّن می کنند. این که متربّی باید چه نوع روشی را پیش گیرد ، و چه فعّالیت هایی را انجام دهد و چگونه همه مراحل تربیت را یکی پس از دیگری، پشت سر بگذارد تا به هدف قرب الهی نائل شود، اصول است که وظیفه راهنمایی را به عهده دارد . از این رو ، فعّالیتی که بر پایه اصول انجام نگیرد ، از دایره خیر و خوبی بیرون است و ارزشمند نیست و سببیتی برای هدف ندارد. امام محمّد باقر علیه السلام بارها در مورد کسانی که بدون داشتن اصول و برخورداری از صفات نیک، بر مردم چیره می شوند و تعلیم و تربیت آنها را به عهده می گیرند، هشدار می دهد و می فرماید : آنان والیان جفایند که از آداب حسنه ، به دورند و به دلیل برخوردار نبودن از اصول، صاحب نفوسی منحرف و پست هستند و قابلیت این را ندارند که علم و کمال ، از آنها کسب شود. آنان ، خود گمراه اند و مایه گمراهی دیگران می شوند چیزی که بر اصل استوار نباشد ، هیچ خیر و خوبی ای در آن نیست . (۲)

.

۱- .بصائر الدرجات ، ص ۵۵۱ ؛ خاتمه المستدرک ، ج ۴ ، ص ۱۲۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۲۴ ، ص ۲۹۲ ، ح ۱ .

۲- .الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۸ ، ح ۵ . ترجمه روایت ، با توجّه به پاورقی مرحوم علّامه مجلسی ، در متن ، ذکر شده است .

ص: ۳۸

الف . وجود غریزه جنسی

اشاره

تعلیم و تربیت افراد را باید به کسانی سپرد که تجسّم اصول ثابت اند و به هر دو اصول و فروع ، پای بندند. امام علی علیه السلام در توصیه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام ، رجوع به صاحبان اصول ثابت و فروع را لازم می داند و می فرماید : یا بُنَیَّ إِذَا نَزَلَ بِکَ کَلَبُ الزَّمَانِ وَ قَحطُ الدَّهرِ فَعَلَیکَ بِذَوی الأُصُولِ الثَّابِتَهِ وَ الفُرُوعِ النَّابِتَهِ، مِن أهلِ الرَّحمَهِ وَ الإِیثَارِ وَ الشَّفَقَهِ، فَإِنَّهُم أَقضَی لِلحَاجَاتِ وَ أَمضَی لِدَفعِ المُلِمَّاتِ... . (۱) فرزندم! هنگامی که روزگار ، بر تو سخت گرفت و مشکلات شدید ، به تو هجوم آوردند ، به کسانی که ملتزم به اصول ثابت و فروع روییده شده از آنهایند ، پناه ببر ؛ آنها که صفات انسانی ای چون : رحمت ، ایثار و مهربانی ، جزء وجودشان گشته است . به درستی که آنان به بهترین وجه ، نیازها را پاسخ می دهند و به رفع مصیبت ها و بدبختی های بزرگ ، اقدام می کنند . امام در این حدیث ، به فرزندش توجّه می دهد که به هنگام فشار زندگی و نیاز، به کسانی روی آوَرَد که دارای اصول ثابت اند و فروع نیکی، از آنها آشکار شده است و آنها اهل رحمت و ایثار و مهربانی اند. اصولاً چنین کسانی ، به بهترین وجه ، نیازهای دیگران را برمی آورند و مشکلات و گرفتاری ها را حل می کنند . اینک با توجه به مفهوم مبانی و اصول و رابطه بین آن دو، به پنج مبنا از مبانی تربیت جنسی و تعدادی اصول کشف شده از آنها که در متون قرآنی و حدیثی آمده می پردازیم.

الف . وجود غریزه جنسیاز مبانی مهم تربیت جنسی، وجود غریزه جنسی در نهاد انسانی است. از دیدگاه تمام روان شناسان و زیست شناسان، غریزه جنسی، جزء غریزه های مادی (فیزیولوژیک) و ثانویه انسان است، به این معنا که تمایل جنسی، یک تمایل طبیعی (ارگانیک) است

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۹۶ ، ص ۱۵۹ ۱۶۰ ، ح ۳۸ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۷ ، ص ۲۲۸ .

ص: ۳۹

کـه در آفرینش انسـان ، قرار داده شـده اسـت . ایـن غریزه ، بـه این دلیـل ثـانویه است که اگر چه ماننـد غرایز اولیه (مثـل : تشـنگی، گرسـنگی و خواب) ، عـدم ارضـای صـحیح آنهـا ، بـاعث مرگ انسـان نمی شونـد، امّا به ایجاد اختلالات بی شـماری در انسان می انجامنـد که به صورت هـای مختلف ، خود را نشـان می دهنـد. از قبیـل بیماری های روانی ، ماننـد وسواس و افسـردگی ؛ انحرافات جنسـی ، مانند اسـتمنا و همجنس گرایی ؛ یا اختلالات جنسـی ، مانند سردمزاجی، ناتوانی جنسی ؛ بزهکاری و جنایت. لذا در دنیای روان شناسـی، فرویـد که تقریباً نخستین نظریه پرداز در زمینه بیماری های روانی و رشـد و تحوّل انسان است ، با توجّه به دید جامعه آن زمان در مورد غریزه جنسـی، به تأکید بیش از حدّ آن پرداخت تا حدّی که اساس بسـیاری از فعّالیت های بشری را غریزه جنسی قلمـداد کرد ؛ امّا روان شـناسانی که پس از وی آمدنـد، اگر چه به اندازه فروید ، بر این امر تأکید نکردند، امّا به وجود و اهمیّت آن اذعـان کردنـد و همگی متّفق انـد که اگر چه تنهـا عامـل بیمـاری های روانی، سـرکوب غریزه جنسـی نیست ، امّا می توانـد یکی از عوامـل آن باشـد. به عنوان مثـال، آبراهام مازلو که از روان شـناسان انسان گراست و بیشتر کار او ، در روان شناسـی سـلامت بوده ، غریزه جنسی را جزء طبقه اوّل نیازها قرار داده و معتقد است که برای رسیدن به مراحل بعدی، باید این نیازها و از جمله نیاز جنسی ، ارضا شود . (۱) در دین مبین اسـلام (بر خلاـف ادیان پیشـین) ، بر وجود این غریزه و طبیعی بودن آن و نفی رذالت از آن، به عنوان یـک غریزه طبیعی ، تأکیـد شـده است. هنگامی که به پیامبر صـلی الله علیه و آله خبر رسـید که عـدّه ای از مسـلمانان ، از زنان خود کناره گیری کرده اند و گوشه انزوا گزیده اند و به عبادت مشـغول شده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را نکوهش کرد و فرمود : آیا از زنان ، روگردان شده اید ، در حالی که من (که پیامبر شـما هسـتم) از این امر ، روگردان نشده ام و روز غذا می خورم (همه روزها را روزه نمی گیرم) و شب می خوابم (تمام

.

۱- .ر. ک : انگیزش و شخصیت ، ص ۷۰ .

ص: ۴۰

شب را به عبادت نمی گذارم)، پس هر کسی از سنّت من روگردان شود، از من نیست. و بدین مناسبت، خداوند متعال، این آیه را نازل فرمود : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَیِّبَتِ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَکُمْ وَلَا تَعْتَدُواْ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ . (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید ، نعمت های پاکیزه ای را که خداوند به شما ارزانی داشته ، بر خود حرام نکنید ؛ امّا از چارچوب حلال نیز تجاوز نکنید که خداوند ، تجاوزگران را دوست ندارد» . (۲) از این حکایت ، نتیجه می گیریم که غریزه جنسی ، یا تمایل زن و مرد به یکدیگر ، امری طبیعی است و مانند تمایل انسان به خوردن و خوابیدن، به خودی خود، نکوهیده نیست ؛ بلکه انسان ، همان طور که از نعمت های خداوند ، در مورد خوراکی ها استفاده می کند و لذّت می برد، از غریزه جنسی نیز باید لذّت ببرد و از سرکوب کردن آن خودداری نماید ؛ امّا طبق آیه یاد شده، نباید از حدود الهی ، تجاوز کند . همان گونه که در خوردن و آشامیدن نباید اسراف کند ، در مسئله جنسی نیز نباید از چارچوبی که خداوند متعال وضع کرده و در طبیعت انسان قرار داده، تجاوز کند و از انجام دادن رفتارهای جنسیِ خارج از چارچوب ازدواج باید خودداری کند و در انجام دادن حلال آن نیز، اعتدال را رعایت نماید. البته همان طور که انجام دادن اعمال طبیعی و مباح (به شرطی که در حدّ اعتدال باشد و از چارچوب مقرّر خارج نشود) ، مورد مذمّت واقع نشده، مدحی هم در مورد آنها بیان نشده است . مثلاً هیچ جا نیامده که این ، همان انسان متعالی ای است که غذا می خورد و می خوابد ؛ امّا در مورد عمل جنسی، مدح وجود دارد ؛ زیرا عمل جنسی، با دوست داشتن، انس و الفت و رابطه عاطفی آمیخته است و به نیازهای روانی دیگر نیز توجّه می شود و تمایل به دیگرخواهی ، شکوفا می گردد. از این روست که امام رضا علیه السلام فرمود:

.

۱- .سوره مائده ، آیه ۸۷ .

۲- .المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۶ ، ص ۱۰۵ .

ص: ۴۱

اگر درباره ازدواج و دامادی، آیتی محکم و سنّتی پیروی شده (از رسول خدا صلی الله علیه و آله) هم نبود، باز ، موضوع نیکی به خویشاوند و مأنوس شدن با بیگانه که زمینه آن را خداوند، به صورت طبیعی در انسان ها قرار داده ، انگیزه ای بود که خردمند صاحب دل ، به ازدواج رغبت کند و عاقل درست اندیش ، به آن بشتابد . (۱) همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : در اسلام ، نزد خداوند ، بنایی محبوب تر و عزیزتر از ازدواج نیست. (۲) از این دو حدیث، چند نکته به دست می آوریم: ۱ . رابطه جنسی ، یک رابطه طبیعی است ؛ ۲ . عمل جنسی ، نه تنها مورد نکوهش واقع نمی شود و عملی پست نیست، بلکه خردمندانه است ؛ ۳ . بنای روانی عاطفی انسان ، با ازدواج و ارضای این غریزه طبیعی ، سامان می یابد و باعث خلق و خوی های نیکو و روابط عاطفی و انسانی مطلوب می شود که همه ، محبوب خداوند متعال است ؛ ۴ . خردمندانه بودن ازدواج و محبوب بودن آن نزد خداوند، به این علّت است که ازدواج و ارتباط جنسی ، با احساسات عالی انسانی ، آمیخته است و زمینه ساز آن است که انسان ، عملاً به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی مناسب ، روی آورد. به نظر می رسد، به همین علّت است که امام صادق علیه السلام فرمود : کُلَّمَا ازدَادَ العَبدُ لِلنِّسَاءِ حُبّاً ازدَادَ فِی الإِیمَانِ فَضلاً . (۳) هر چه علاقه بنده مؤمن به زنان ، بیشتر شود ، ایمان او هم بیشتر می شود. در جای دیگر نیز می فرماید : مِن أَخلَاقِ الأَنبِیَاءِ، حُبُّ النِّسَاءِ . (۴)

.

۱- .لو لم تکن فی المناکحه والمصاهره آیه محکمه ولا سنّه متّبعه ، لکان فیما جعل اللّه فیها من برّ القریب وتألّف البعید ، ما رغب فیه العاقل اللّبیب وسارع إلیه الموفّق المصیب (الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۷۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۶ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۴۸ ۲۲۴۹) .

۲- .ما بنی بناءً فی الإسلام أحبّ إلی اللّه تعالی عز و جل من التزویج (کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۰، ص۲۲۲، ح ۴۰) .

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۰ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۰۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۷ .

ص: ۴۲

مهرورزی به زنـان ، از ویژگی هـای خُلقی پیـامبران است. در بحث اصـول ، خواهیم گفت که ارضـا و ارتبـاط جنسـی زن و مرد، بر اساس ضوابط و ازدواج شـرعی، سـتودنی و مطلوب است ، وگرنه، ارتباط زن و مرد بـدون ضوابط معیّن و ازدواج مشـروع، انسانی و خردمندانه نیست و عوارض روانی عاطفی و رفتاری و فساد اجتماعی فراوان خواهد داشت. به همین جهت است که در برابر احادیثی که دربـاره حبّ زنـان ، در چـارچوب ازدواج مطرح شـد، احادیث دیگری وجود دارنـد که در آنها حبّ زنان ، در غیر از چارچوب ازدواج ، مورد مـذمّت قرار گرفته و عوارض خطرنـاک آن (چون : اختلالات روانی و فتنه های اخلاقی و اجتماعی) ، تبیین گردیـده است. امام علی علیه السـلام فرمود : منشأ فتنه ها سه چیزند : یکی علاقه به هر زن ، بدون ضابطه که آن شمشـیر شیطان است... کسی که به هر زنی علاقه مند می گردد، از زندگی اش بهره ای نمی برد . (۱) در جای دیگری می فرماید : دلباختگی به هر زنی، ویژگی احمقان است . (۲) این دسته از احادیث ، این مسئله را روشن می کنند که توجّه به زنان، علاقه به آنها، دل مشغولی و ارضای جنسی بـا آنهـا، در قالبی غیر از ازدواج، ساختار روانی آدمی را با مشـکل روبه رو می سازد ، ارتباط ها و رفتارها، صـرفاً حیوانی و احمقانه می گردند ، آرامش روانی را از انسان می گیرد و تباهی اخلاقی را در خویش و جامعه موجب می شود.

.

۱- .الفتن ثلاث: حبّ النساء و هو سیف الشیطان... فمن أحبّ النساء لم ینتفع بعیشه (الخصال ، ص ۱۱۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۶ ؛ میزان الحکمه، ج۱۱، ص۵۵۰۲، ح۱۸۶۵۱) .

۲- .الاسـتهتار بالنساء شـیمه النوکی (میزان الحکمه ، ج ۱۱ ، ص ۵۵۰۲ ، ح ۱۸۶۵۶ ؛ مسـتدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۱۵۸ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۸) .

ص: ۴۳

مطلب دیگری که در برخی احادیث آمـده ، این است که لـذّت جنسـی از تمام لـذّت های دنیوی و اخروی ، بالاتر است (و شاید به همین دلیل است که بسیاری از جرایم و جنایت ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم ، با این غریزه ، ارتباط پیدا می کنند ، و البته کنترل آن هم در همه سـنین بخصوص در سنین جوانی ، بسیار مشکل است) . امام صادق علیه السلام می فرماید : مَا تَلَذَّذَ النَّاسُ فِی الدُّنیا وَ الآخِرَهِ بِلَـذَّهٍ أَکثَرَ لَهُم مِن لَـذَّهِ النِّسَاءِ وَ هُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَ تِ مِنَ النِّسَآءِ وَالْبَنِینَ...» (۱) ... و إنّ أهل الجنّه ما یتلذّذون بشـی ء من الجنّه أشهی عندهم من النکاح لا طعام و لا شراب . (۲) هیـچ لذّتی برای مردم در دنیا و آخرت بیشتر از لذّت زن نیست و این معنای سـخن خداونـد است که فرمود : «محبّت و تمایل به زن و اولاد برای مردم ، زینت داده شده...» . اهل بهشت ، از هیـچ چیزی به انـدازه آمیزش ، لـذّت نمی برنـد ؛ نه غذا و نه نوشـیدنی. این که لذّت جنسـی ، بالاتر از تمام لذّت های دیگر قرار گرفته به این دلیل نیست که ارضای یک غریزه است ؛ زیرا خوردن و آشامیـدن هم ، ارضای غریزه هسـتند ، ولی لذّت آنها به اندازه لـذّت غریزه جنسـی نیست . لـذّت بالاـی غریزه جنسـی ، به دلیـل آن است که اوّلاً ، مسـتلزم پیونـد با جنس مخالف است ؛ ثانیاً ، در ارتبـاط بـا نیازهـای فطری و طبیعی دیگری ماننـد: نیـاز به محبّت ، انس و زیبادوستی است ؛ ثالثاً ، با عاطفه و محبّت و پیونـد روحی همراه است. در نـتیجه ، لـذّت به دست آمـده از آن، از هر لـذّت دیگری بیشـتر و برتر است. بنـا بر این ، بایـد توجّه داشت که غریزه جنسـی که طـبیعی است ، صـرفاً تمایـل به جنس مخـالف ، برای اتصـال جسـمی نیست ؛ بلکه مجمـوعه ای از نیازهـا، احسـاس هـا و عواطف هسـتند که مرتبط با هم، غریزه طبیعی جنسـی انسان را تشـکیل می دهند . و وقتی گفته می شود که غریزه جنسـی ، یکی از مبانی تربیت جنسی است، منظور ،

.

۱- .سوره آل عمران ، آیه ۱۴ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ص ۲۳ .

ص: ۴۴

ساختار واحدی است که مجموعه ای مرتبط با هم، آن را شکل داده اند . در کشف اصول تربیت جنسی از این مبنا، آن ساختار و نه تنها بُعد فیزیولوژیکی آن، مورد توجّه است . از این رو می توان گفت که ساختار غریزه جنسی در آدمی ، با حیوان ، متفاوت است و آثار روانی، اخلاقی و معنوی ای که در ارضای غریزه جنسی آدمی وجود دارند ، هیچ کدام در ارضای غریزه جنسی حیوانات وجود ندارند ؛ بلکه تنها در برخی از آنها که دارای جنبه فیزیولوژیکی است، وجود دارند. از جمله آیاتی که به این ساختار طبیعی پرداخته، این آیه است : «وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِی ذَ لِکَ لَأَیَتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ . (۱) از نشانه های خداوند متعال این است که او برای شما از خودتان جفت هایی آفرید تا بدانها آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد ؛ همانا در اینها نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند». در این آیه ، به چند نکته مهم ، پرداخته شده است : ۱ . از اهداف آفرینش زن و مرد، رسیدن به آرامشی است که این دو ، در ارتباط با هم خواهند داشت ؛ ۲ . هر یک از زن و مرد ، با ویژگی های جسمی و روانی خاصی پدید آمده اند که بدون ارتباط با هم، آن هدف ، تحقّق نمی یابد ؛ ۳ . هر یک از مرد و زن ، به گونه ای آفریده شده اند که به یکدیگر نیازمندند و برای رفع نیاز خود، به دیگری متمایل و در تلاش اند ؛ ۴ . تلاش برای رفع نیازهای فیزیولوژیکی و روانی عاطفی ، با ابراز محبّت و مهربانی کردن زن و مرد به یکدیگر ، همراه است ؛ ۵ . خداوند ، این توانمندی ابراز محبّت و مهربانی هر یک از زوجین را در اصل آفرینش ، قرار داده است ؛ ۶ . با مطالعه و بررسی اندیشمندانه ابعاد وجودی هر یک از زن و مرد و احساس نیازی که آنها به یکدیگر دارند و اهدافی که خداوند از آفرینش این دو، در رشد و تعالی روانی عاطفی، اخلاقی و زندگی اجتماعی و بقای نسل دارد، می توان به تدبیر حکیمانه پروردگار ، در این زمینه پی بُرد.

.

۱- .سوره روم ، آیه ۲۱ .

ص: ۴۵

اصول مرتبط با مبنای اوّل

۱ . رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسی

از مجموعه نکات برداشت شده از این آیه، به دست می آید که آنچه به عنوان غریزه جنسی ، در زن و مرد وجود دارد، صرف تمایل برای اتّصال جسمی و ارضای یک غریزه فیزیولوژیکی نیست ؛ بلکه ساختاری طبیعی ، متشکّل از مجموعه ای از نیازها، احساس ها ، توانمندی ها و ویژگی های بدنی و روانی است که آثار روانی، عاطفی، اخلاقی، معنوی و اجتماعی فراوانی در بر دارد. مترتّب شدن این آثار بر غریزه جنسی، دلیل آن است که ساختار غریزه جنسی (و نه صرف جنبه فیزیولوژیکی آن) ، از مبانی تربیت جنسی است و با توجّه به این ساختار، باید به پرورش نیازها، احساس ها و توانمندی های روانی دختر و پسر ، در جهت تحقّق این اهداف ، کوشش نمود.

اصول مرتبط با مبنای اوّلمنظور از اصول مرتبط با مبنای وجود غریزه جنسی، قواعد نسبتاً کلی ای هستند که از این مبنا کشف می شوند و باید در جریان تربیت جنسی ، به کار گرفته شوند. در این جا به چند اصل مهم اشاره می شود:

۱ . رشد احساس طبیعی بودن نیاز جنسیبا توجّه به این که غریزه جنسی ، در طبیعت انسانْ سرشته شده است، احساس علاقه جنسی، نیاز به ارضا و توجّه به جنس مخالف نیز، باید طبیعی تلقّی شود و به هیچ وجه احساس پلید و زشت دانسته نشود ؛ بلکه جزو سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله ، خلق و خوی انبیا و نشانه تدبیر حکیمانه پروردگار دانسته شود. همان طور که در توضیح مبنا مطرح گردید و آیه و احادیثی در این زمینه آورده شد، در نظام تربیت جنسی اسلامی، طبیعی بودن این غریزه ، خلق و خوی انبیا بودن ارضای آن ، خدادادی بودن علاقه دو همسر و سنّت بودن ازدواج، باید آموزش داده شود و افراد ، با این احساس و علاقه ، به صورت طبیعی رشد نمایند . و البته در رشد این احساس و علاقه ، نباید به اندازی افراط شود که ضوابط و چارچوب های ابراز علاقه ها و احساس ها نادیده گرفته شوند و یا تلقّی شود که سلامت روانی افراد ، در

.

ص: ۴۶

آزادی بدون ضابطه ارضای این غریزه است. شـهید مطهری ، در مورد پلید دانسـتن علاقه جنسـی بعضـی از آیین ها و نظر اسـلام در برابر آن عقیده دارد که برای ما مسـلمانان که علاقه دو همسـر را به یکدیگر ، یکی از نشانه های بارز وجود خداوند می دانیم (۱) و نکاح را سـنّت و تجرّد را یک نوع شـرّ حساب می کنیم، هنگامی که می خوانیم یا می شـنویم بعضی از آیین ها علاقه جنسی را ذاتاً پلید و آمیزش جنسی را، هرچند با همسر شرعی و قانونی، موجب تباهی و سقوط می دانند، دچار تعجّب می شویم. عجب تر آن که می گوینـد دنیـای قـدیم ، عموماً گرفتار این وهم بوده است. برترانـد راسل، فیلسوف اجتماعی مشـهور معاصـر می گویـد: «عوامل و عقاید مخالف جنسـیت در اعصار خیلی قدیم وجود داشـته و بخصوص در هرجا که مسیحیت و دین بودا پیروز شد، عقیده مزبور نیز توفّق یـافت». وستر مـارک مثال های زیادی از این فکر عجیب ، مبنی بر این که چیز ناپاک و تباهی ، در روابط جنسـی وجود دارد ، ذکر می نماید. (۲) در آن نقـاط دنیا نیز که دور از تأثیر مـذهب بودا و مسـیح بوده است، ادیان و راهبانی بوده انـد که طرفـداری از تجرّد می کرده انـد، ماننـد اسـنیت ها در میان یهودیان... و بـدین طریق ، یک نهضت عمومی ریاضت در دنیای قـدیم ایجاد شد. در یونان و روم متمـدّن نیز طریقه کلبیون ، جای اپیکور را گرفت... افلاطونیان نو نیز به اندازه کلبیون ، ریاضت کش بوده اند. از ایران، این عقیده (دکترین) به سمت باختر پخش شد که مادّه ، عین تباهی است و به همراه آن ، این اعتقاد به وجود آمد که هرگونه رابطه جنسی ، ناپاک است . این عقیده با اصلاحاتی جزئی ، اعتقاد کلیسای مسیحیت محسوب گردید . (۳)

.

۱- .«وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً ؛ یکی از نشانه های او ، این است که از خود شما برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبّت قرار داد» (سوره روم ، آیه ۲۱) .

۲- .اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب ، ص ۱۲۹ .

۳- .ر. ک : کتاب زناشویی و اخلاق ، ص ۲۵ و ۲۶ .

ص: ۴۷

این عقیـده، قرن ها وجدان انبوه عظیمی از افراد بشـر را تحت نفوذ ترس آور و نفرت انگیز خود قرار داد . به عقیده روانکاوان، نفوذ این عقیـده، اختلالات روانی و بیماری های روحی فراوانی را موجب شـده است که از این جهت ، مانند ندارد. این که منشأ پیدایش این گونه افکار و عقایـد چیست ، چه چیز سبب می شود که بشـر به علاقه و میل طبیعی خود ، به چشم بدبینی بنگرد و در حقیقت ، جزئی از وجود خود را محکوم کند ، مطلبی است که مورد تفسیر متفکّران قرار گرفته است و ما اکنون ، درصدد کاوش آن نیستیم . علـل گونـاگونی می تواننـد در گرایش بشـر به این گونه افکار و آرا ، دخیل باشـند. ظاهراً علّت این که فکر پلیـدیِ علاقه و آمیزش جنسـی در میـان مسـیحیان ، تـا این انـدازه اوج گرفت، تفسـیری بود که از آغـاز تشـکیل کلیسـا، از سوی کلیسـا برای مجرّد زیسـتن حضـرت عیسـی صورت گرفت. گفته شـد علت این که مسـیح ، تا آخر عمرش مجرّد زیست، پلیـدی ذاتی این عمل است ؛ به همین جهت ، پدران روحانی و قدّیسـین مسـیحی ، شـرط رسـیدن به مقامات روحانی را آلوده نشدن به زن ، در تمام مدّت عمر دانسـتند و پـاپ از میـان اینچنین افرادی انتخـاب می شود. به عقیـده ارباب کلیسا، تقوا ، ایجاب می کنـد که انسان ، از ازدواج خودداری کنـد. راسل معتقد است که در رسالات قدّیسان ، به دو یا سه توصـیف زیبا از ازدواج برمی خوریم ؛ ولی در دیگر موارد ، پدران کلیسا از ازدواج ، به زشت ترین صورتْ یـاد کرده انـد. هـدف ریاضت ، این بوده که مردان را متّقی سازد، بنا بر این ، ازدواج که عمل پستی شمرده می شـد ، بایستی منعـدم شود. «با تبر ، بکارت درخت زناشویی را فرو اندازیـد!» . این ، عقیـده راسخ سن ژروم درباره هدف تقدّس است. (۱) با توجّه به نکات یادشده، منطق عالی اسـلام ، فوق العاده جلب توجّه می کند. در اسـلام ، کوچک ترین اشاره ای به پلیدی علاقه جنسی و آثار ناشی از آن نشده است . اسلام ، همیاری خود را برای تنظیم این علاقه به کار برده است. از نظر اسلام، روابط

.

۱- .زناشویی و اخلاق ، ص ۳۰ .

ص: ۴۸

۲ . لازم دانستن ارضای نیاز جنسی

جنسی را فقط مصالح اجتماعی حاضر یا نسل آینده محدود می کند و در این زمینه ، تدابیری اتخاذ کرده است که به احساس محرومیت و ناکامی و سرکوب شدن این غریزه نینجامد. متأسفانه دانشمندی مثل برتراند راسل که از عقاید مسیحیت و بودایی و... در این زمینه انتقاد می کند، درباره اسلام ، سکوت اختیار کرده است . راسل ، همین قدر می گوید که کلیه بانیان مذاهب ، به استثنای محمّد و کنفوسیوس اگر بتوان مسلک او (کنفوسیوس) را مذهب نامید توجّهی به اصول سیاسی و اجتماعی نداشته ، کوشیده اند تکامل روح را از راه اشراق، تفکّر و فنا فراهم کنند. شهید مطهری ، اضافه می کند : به هر حال ، از نظر اسلام، علاقه جنسی ، نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزوِ خوی و خلق انبیاست. در حدیثی می خوانیم: «مِن أَخلَاقِ الأَنبِیاءِ حُبُّ النِّساءِ». رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه اطهار علیهم السلام طبق آثار و روایات فراوانی که رسیده است، محبّت و علاقه خود را به زن ، در کمال صراحت اظهار می کرده اند . (۱)

۲ . لازم دانستن ارضای نیاز جنسیبا توجّه به وجود غریزه جنسی و طبیعی بودن تمایل و علاقه جنسی ، باید ارضای این نیاز را لازم بدانیم و نه تنها از ظهور آن در سطح هوشیاری ، جلوگیری نکنیم ، بلکه در صدد فراهم سازی شرایط ارضای آن نیز برآییم ؛ زیرا سرکوب کردن غریزه جنسی ، بیماری های روانی و انحرافات جنسی را به دنبال دارد. فروید در این زمینه می نویسد : نباید آنچه را که در سرشت ما حیوانی است ، فراموش کنیم. این ، آرمانی نیست که ما ارضای جنسی فرد را رها سازیم و به فراموشی بسپاریم. ما نباید از این که تمایلات جنسی خود را بدین دلیل که توانسته ایم غرایز حیوانیمان را تخفیف دهیم و یا به کلی محو سازیم، شادمان باشیم! بی تردید، همیشه و به گونه ای گسترده ، تمدّن ، خواهان دگرگونی عوامل

.

۱- .اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب ، ص ۱۲ .

ص: ۴۹

جنسی ، با روند والایشی بوده و این ، به خاطر رفاه بیش از پیش جامعه است ؛ ولی همان گونه که در یک ماشین ، نمی توان تمام گرمای مصرف شده را به کار مکانیکی مفید تبدیل نمود، به همان گونه هم نمی توان انتظار داشت که همه انرژی با سرچشمه غریزه جنسی را دگرگون ساخت. این ، امکانپذیر نیست و با محروم کردن غریزه جنسی از خوراک طبیعی اش، ما باعث برآمدهای ناخوشایند و ناهنجاری می شویم. (۱) همان طور که ملاحظه می کنید ، تأکید فروید ، بر این است که این نیاز ، به اندازه طبیعی ارضا شود و عدم ارضای آن ، باعث بروز بیماری ها و ناهنجاری ها می گردد ؛ ولی تأکید می شود که این ، به معنای لزوم شهوت رانیِ بی حدّ و حصر نیست : ما می توانیم همه غرایز را در مسیر اصلی خودش رهبری کنیم، بخصوص غریزه جنسی را که اگر همه انرژی این غریزه، به امور جنسی روی گردانده شود، آن گاه این انسان ، به صورت یک غول شهوت ران ظاهر خواهد شد ؛ امّا در برابر، محدود کردن همه رفتارهای جنسی و کنار گذاشتن آنها سبب عوارضی می شود که هر آن، خطرناک تر از برآورده شدن همه کوشش های جنسی است . (۲) آشکار است که تأکید فروید بر نقش بیشترِ سرکوب غرایز در ایجاد بیماری نیست . ارضای بیش از اندازه آن ، به این دلیل است که وی متخصّص علم اخلاق نبوده ؛ بلکه متخصّص بیماری های روان بوده است . وی با مطالعه بیماران خود ، به این نکته پی می برد که همه آنها از عدم ارضای صحیح و سرکوب این غریزه ، رنج برده اند ؛ لذا به اهمّیت بیشترِ این امر ، تأکید می کند . شاید یک متخصّص علم اخلاق ، نظری مخالف داشته باشد ؛ امّا باید دانست که تا حدودی ، هر دو نظر ، درست اند . در هر حال ، نه سرکوب غریزه جنسی و عدم ارضای آن ، به نفع انسان است و نه آزاد گذاشتن آن به اندازه ای که به قول فروید ، به شکل یک غول شهوت ران در بیاید. فروید در پایان سخن خود ، مثالی جالب بیان می کند که از اهمیّت ارضای نیاز جنسی

.

۱- .پنج گفتار در روان شناسی ، ص ۱۲۸ .

۲- .همان ، ص ۱۲۹ .

ص: ۵۰

در حدّی طبیعی ، حکایت دارد: داستان اسب شیلدا را باید به یاد آوریم. شهروندان این شهر کوچک ، اسبی داشتند که برآمد پیروزی نمادین آنها بود ، به همین دلیل ، به وجود این اسب ، بسیار می بالیدند و توان او را می ستودند ؛ ولی نگهداری از این اسب ، نیازمند پرداخت هزینه گزافی بود، بنا بر این ، تصمیم گرفتند تا از جیره غذایی اسب، هر روز، یک دانه کم کنند و بدین گونه رفتار نمودند ؛ ولی هنگامی که آخرین دانه را کاستند، اسب ، پیش از آن مرده بود. شهروندان شیلدا هرگز نفهمیدند که چرا اسب مُرد ؛ ولی من به گونه ای استوار چنین می اندیشم که او از گرسنگی مُرد . هیچ جانداری نمی تواند زندگی کند، مگر این که جیره غذایی اش را به او بدهند . (۱) از دیدگاه اسلامی، هر انسانی ، جیره خاصّی از نیازهای طبیعی دارد که بدون ارضای کمترین آن، یا می میرد یا دچار اختلال می شود . و از این روست که اسلام ، انسان ها را از ریاضت کشیدن و دوری از ارضای نیازها نهی می کند ؛ چرا که خلاف طبیعت بشری است . اسلام ، تمام دستورها و احکامش هماهنگ با فطرت و طبیعت آدمی است و برای ارضای نیازها (از جمله نیاز جنسی) ، افراد را به حدّ اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ، هدایت می نماید . و در زمینه ارضای جنسی نیز ، در برابر عبادت پروردگار، نه تنها تشویق به عبادت افراطی نمی کند، بلکه نهی می کند و به ارضای نیازهای جنسی تشویق می کند. (۲) یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نام عثمان بن مظعون ، کار عبادت را به جایی رسانید که همه روزها روزه می گرفت و همه شب ها را تا صبح به نماز می پرداخت. همسر وی ، جریان را به اطّلاع پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. رسول اکرم ، در حالی که آثار خشم از چهره اش هویدا بود، از جا حرکت کرد و پیش عثمان بن مظعون رفت و به او فرمود: یا عُثمانُ لَم یُرسِلنِی اللّهُ تَعالَی بِالرَّهبانِیَّهِ وَلَکِن بَعَثَنِی بِالحَنِیفِیَّهِ السَّهلَهِ وَالسَّمحَهِ ،

.

۱- .همان ، ص ۱۳۰ .

۲- .اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب ، ص ۱۳ ۱۴ .

ص: ۵۱

أَصُومُ وأُصَلِّی وَأَلمِسُ أَهلِی ، فَمَن أَحَبَّ فِطرَتِی فَلیَستَنَّ بِسُنَّتِی وَمِن سُنَّتِی النِّکَاحُ . (۱) ای عثمان! بدان که خدا مرا برای رهبانیت نفرستاده است ؛ شریعت من، شریعت فطری آسانی است. من شخصاً نماز می خوانم و روزه می گیرم و با همسر خودم نیز آمیزش می کنم. هر کس می خواهد از دین من پیروی کند ، باید سنّت مرا بپذیرد. ازدواج و آمیزش زن و مرد با یکدیگر ، از سنّت های من است. از این رو ، اسلام ، تأکید فراوانی بر توجّه زن و شوهر ، به ارضای نیازهای یکدیگر دارد تا به سمت انحراف یا بیماری کشیده نشوند. امام صادق علیه السلام می فرماید : جَاءَت امرَأَهٌ إِلَی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَت : یَا رَسُولَ اللّهِ!مَا حَقُّ الزَّوجِ عَلَی المَرأَهِ ؟ قَالَ : . . . تَعرِضَ نَفسَهَا عَلَیهِ غُدوَهً وَعَشِیَّهً . (۲) زنی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پرسید: یا رسول اللّه ! حقّ شوهر بر همسرش چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « ... این که صبح و شام ، خود را بر شوهرش عرضه کند . در جای دیگری نیز می فرماید : وَلا تَبِیتُ لَیلَهً وَهُوَ عَلَیهَا سَاخِطٌ ... . (۳) حق شوهر بر همسرش این است که بستر او را ترک نکند و تنها نخوابد . در مورد اهمّیت ارضای نیازهای زن نیز احادیث فراوانی وجود دارد ، از جمله ، روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله که می فرماید: إِذَا خَالَطَ الرَّجُلُ أَهلَهُ فَلا یَنزُو نَزوَ الدِّیکِ وَ لَیثبت عَلَی بَطنِها تَصِیبُ مِنهُ مَثلَ الَّذِی أَصَابَ مِنهَا . (۴) هنگامی مرد با همسرش آمیزش می کند ، نباید مثل خروس عمل کند (خیلی سریع عمل کند) ؛ بلکه باید این کار را ادامه دهد تا وقتی که زن هم مانند مرد ، ارضا شود.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۹۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۰۶ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۵۸ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۸ ؛ الخصال ، ص ۴۰۷ .

۴- .فیض القدیر ، ج ۱ ، ص ۴۱۹ ؛ الفردوس ، ج ۱ ، ص ۲۹۴ ، ح ۱۱۶۱ .

ص: ۵۲

در حدیث دیگری نیز پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: یَجِبُ عَلَی الرَّجُلِ لِامرَأَتِهِ مَا یَجِبُ لَهُ عَلَیهَا أَن یَتَزَیَّنَ لَهَا کَمَا تَتَزَیَّنَ فِی غَیرِ مَأثَمٍ . (۱) آنچه بر زن واجب است ، از زینت دادن خود برای شوهرش، بر مرد نیز واجب است که خود را برای همسرش تا حدی که حرام نیست ، زینت دهد. بنا بر این ، نتیجه می گیریم که از نظر فقهی، اگر وظیفه زن ، این است که نیازهای جنسی همسرش را ارضا کند و هر وقت او تمایل پیدا کرد، خود را مهیّا سازد، به نیازهای جنسی زن هم توجّه شده و بر ارضای آنها به عنوان «وظیفه مرد» ، تأکید شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : ثَلَاثٌ مِنَ العَجزِ فِی الرَّجُلِ ... وَ الثَّالِثُ أَن یُقارِبَ الرَّجُلُ جَارِیَتَهُ فَیُصیبُهَا قَبلَ أَن یُحادِثَهَا وَ یُؤانِسَها وَ یُضَاجِعُهَا فَیَقضِی حَاجَتَهُ مِنهَا قَبلَ أَن تَقضِی حَاجَتَها مِنه . (۲) سه چیز ، نشانه ناتوانی مرد است ... و سوم این که مرد ، با همسرش نزدیکی کند قبل از این که با او حرف بزند و او را نوازش و ملاطفت کند و قبل از این که همسرش ارضا شود، خودش ارضا شود. بنا بر این ، مردان همان طور که به ارضای نیازهای خود توجّه می کنند ، باید به نیازهای جنسی همسران خود نیز توجّه کنند . لازم است که زوجین ، به تفاوت های رفتار جنسی یکدیگر ، آگاهی پیدا کنند و در آن راستا عمل کنند، مثلاً مرد باید بداند که زن ، بدون مقدّمات ، برانگیخته نمی شود . از آن جا که زنان ، دیرتر از مردان تحریک می شوند و شرایط خاصی برای تحریک غریزه جنسی در آنها لازم است و علاوه بر آن، حیا و شرم زن ، ممکن است مانع از ابراز غریزه جنسی شود، لذا هنگامی که میل به برقراری رابطه جنسی دارند، لازم است که از مرد ، اطاعت کنند . این مسئله ، از نظر فقهی ، جزو حقوق مرد بر زن به حساب می آید.

.

۱- .تذکره الموضوعات ، ص ۱۲۶ .

۲- .المحجّه البیضاء ، ج ۳ ، ص ۱۱۰ .

ص: ۵۳

۳ . روابط جنسی ، در قالب ازدواج

۳ . روابط جنسی ، در قالب ازدواجهر چند دو اصل گذشته و طبیعی تلقّی کردن غریزه جنسی ، بر لزوم ارضای آن تأکید داشتند ، امّا ، مهم این است که این غریزه نباید به هر شیوه ای ارضا شود ؛ زیرا با توجّه به ساختار و جنبه های مرتبط با غریزه جنسی و آثار روانی و بقای نسل که رآن مترتّب است ، ارضای این غریزه ، فقط از طریق ازدواج زن و مرد باید باشد و صورت های دیگر ارضا ، مثل خود ارضایی ، همجنس بازی ، روابط جنسی آزاد و ... طبیعی نیستند . این امر ، در تربیت جنسی باید مورد توجّه مربّیان قرار گیرد . در نظام تربیت جنسی از دیدگاه اسلام که مبتنی بر مبانی فطری طبیعی است ، روش های دیگر ارضا، همه ، «انحراف جنسی» تلقّی شده اند و تأکید شده که پرورش افراد باید به گونه ای باشد که راه طبیعی ارضا را برگزینند تا به بیماری های روانی و انحرافات جنسی دچار نشوند و از آثار مطلوب روانی، اخلاقی و اجتماعی آن برخوردار گردند. از دیدگاه فروید هم که معتقد بود عدم ارضای غریزه جنسی ، به ایجاد بیماری های روانی یا انحرافات جنسی می انجامد ، راه های دیگر ارضای این نیاز، غیر از ازدواج زن و مرد، همه ، انحراف از طبیعت است ؛ گرچه ممکن است راه هایی غیر طبیعی ، جایگزین راه طبیعی و اصلی شود و نمایه جنسی خود را بر راه جنسی طبیعی ، چیره سازد . (۱) بنا بر این ، تنها راه ارضای ، غریزه جنسی پیوند زن و مرد است که خداوند ، آن را در طبیعت و خلقتْ قرار داده است. این راه ارضا هم باید تحت ضابطه ازدواج باشد ؛ زیرا یکی از هدف های وجود غریزه جنسی ، تداوم نسل انسان است و با وجود ارتباط جنسی آزاد ، بدین گونه که زن یا مرد ، با هر فردی از جنس مخالف خود ، که سر راه آنها قرار گیرد، آمیزش کنند ، مسلماً نسل بشر ، تداوم پیدا نخواهد کرد. علاوه بر این که معمولاً زن و مردی که این گونه با هم رابطه دارند ، علاقه ای به بچّه دار شدن نیز ندارند ؛ زیرا عمر آن رابطه ، کوتاه است و مجالی برای بچّه داری نیست . از طرفی ،

.

۱- .پنج گفتار در بیان روانکاوی ، ص ۱۱۰ .

ص: ۵۴

به فرض که بچّه ای متولـد شود و نسل ، تـداوم پیـدا کند، بعید است که این نسل انسان ، به خوبی تربیت شود ؛ زیرا بچّه ای که این گونه متولّد می شود ، ممکن است که در کنار خیابان ها و یا در جوی ها، رها شود و هرگز محبّت والدینش را نبیند . چنین انسانی ، به گـونه ای تربیت شـده که شایـد حتّی به درد جـامعه هم نخـورد . پس بایـد گفت که ازدواج، تنهـا راه صـحیح و مورد قبول برای ارضـای نیـاز جنسـی است به این دلیـل که: علاـوه بر نیـاز جنسـی ، برخی دیگر از نیازهـای انسـان را که غالباً در ارتباط های بـدون ازدواج ، برطرف نمی شونـد ، ارضـا می کنـد ، ماننـد نیـاز انسـان به خوش بختی ، انس و الفت، احترام و معاشـرت نیکو ، اعتماد به یکـدیگر و ... . در توضـیح ، لاـزم است توجّه شود که همه انسان ها به طور طبیعی و فطری ، خواهان خوش بختی هسـتند و دوسـت دارنـد که در تمـام مراحـل زنـدگی ، خوش باشـند. در متون دینی ، فراوان به این امر ، پرداخته شـده است. گرچه سـعادت در نظـام آخرت ، برای مؤمنان دانسته شده ، ولی سعادت در زندگی دنیوی نیز مورد توجّه قرار گرفته است . و اصولاً زندگی دنیوی ، مقدّمه ای برای زنـدگی اخروی دانسـته شـده و از آن ، جـدا تلقّی نگردیده است. در مباحث مربوط به زن و مرد و روابط همسـران، خوش بختی در زنـدگی دنیا، مورد تأکیـد قرار گرفته است. منظور از سـعادت دنیوی، احساس لذّت و رضایت از زندگی است. باید بدانیم که خوش بختی ، پیش از آن که یک اتّفاق یا تحقّق یک امر باشـد ، یک احساس مطلوب از زنـدگی با شـرایط است. ممکن اسـت که عـدّه ای ، همه عوامـل ظـاهری خـوش بختـی را داشـته باشـند ، امّـا در حقیقت ، خوش بخت نباشـند ؛ زیرا احسـاس «رضـایت از زندگی» نمی کنند و از آن ، لذت نمی برند . عدّه ای هم ممکن است که فقط یکی از عوامل ظاهری خوش بختی را داشـته باشند ؛ امّا احساس کنند خوش بخت ترین آدم های روی زمین هسـتند. یکی از این عوامل خوش بختی در زندگی، ازدواج است، آن هم با شرط های خاصّ خودش! اگر ازدواج ، با شرایط لازم برای رسیدن به خوشبختی شکل بگیرد ،

.

ص: ۵۵

۴ . پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی

بالاترین لـذّت در زندگی به دست می آید . طبق احادیث فراوانی که وارد شده، در ازدواج زن و مرد، شـرایطی از قبیل : همفکری، دینداری ، شایستگی عملی و اخلاقی، توانمندی، جلب اعتماد به یکدیگر و... هستند که نیازهای فوق را برآورده می سازند و خوش بختی زن و مرد را موجب می گردند.

۴ . پرهیز از افراط و تفریـط در ارضـای غریزه جنسـیدر کنار ارضای طبیعی غریزه جنسـی و پرهیز از سـرکوب آن، از ارضای افراطی این غریزه نیز بایـد دوری کرد . همان طور که انسان نباید به این دلیل که خواب ، یک نیاز طبیعی و مشـروع است ، بیشتر وقت خود را بخوابد ؛ در مورد غریزه جنسی هم، امر ، به همین نحو است . مقتضای طبیعت آدمی ، اعتدال و میانه روی در همه امور و از جمله ، در ارضـای غریزه جنسـی است. از این رو، در احـادیث و سـخنان معصومـان علیهم السـلام همـان طور که بر ارضای غریزه جنسـی تأکید ، و بی توجّهی نسـبت به آن ، نکوهش شده، در مورد افراط در آن نیز نهی شده است. با توجّه به این که طبیعت، حدّ متوسّـط را می طلبـد و افراط و تفریـط ، هر دو زیـان آورنـد ، پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود : مَن أرَادَ البَقَاءَ ... وَ لیُقِلَّ مُجَامَعَهَ النِّسَاءِ . (۱) کسـی که خواسـتار عمر طولانی است ، چند مسئله را باید رعایت کند که یکی از آنها، کم آمیزش کردن با زنان است. این روایت، از امام علی علیه السـلام نیز نقل شـده است . (۲) هنگـامی که از امـام علی علیه السـلام در مورد آمیزش و جماع می پرسـند ، ایشان پاسخ می دهند: حَیَاءٌ یَرتَفِعُ وَ عَورَاتٌ تَجتَمِعُ أَشبَهُ شَـی ءٍ بِالجُنُونِ، الإِصرَارُ عَلَیهِ هَرَمٌ ... . (۳) آمیزش ، رفع شـرم و حیا و پیوند زن و مرد است که شبیه ترین امر به دیوانگی است . زیاده روی در آن ، باعث فرسودگی و پیری است.

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۱۶ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۵ ، ح ۴۹۰۲ .

۳- .غرر الحکم ودرر الکلم ، ترجمه محمّد علی انصاری ، ص ۳۸۶ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۱۰ .

ص: ۵۶

در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام نقل شده که ایشان فرمود: إِیَّاکَ وَ کَثرَهَ الوَلَهِ بِالنِّسَاءِ وَ الإِغرَاءِ بِلَذَّاتِ الدُّنیا، فَإِنَّ الوَلَهِ بِالنِّسَاءِ مُمتَحَنٌ وَ الغَرِیُّ بِاللَّذَّاتِ مُمتَهَنٌ . (۱) از شیفتگی زیاد به زنان و غرق شدن در لذّات دنیا، خودداری کن ؛ زیرا شیفتگی به زنان ، باعث محنت است و غرق شدن در لذّات، انسان را خوار می کند. لازم به توجّه است که در برابر این احادیث، احادیث دیگری در منابع حدیثی ما وجود دارند که چه بسا ممکن است تصوّر شود که از نظر محتوا ، با احادیث فوق در تضادند ؛ زیرا در این احادیث ، کثرت نزدیکی با همسر ، از اخلاق انبیا شمرده شده و به آن ، توصیه هم شده است . این احادیث ، عبارت اند از: از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: أَربَعٌ مِن أَخلاقِ الأَنبِیاءِ: التَّطَیُّبُ وَ التَّنظِیفُ بِالمُوسَی وَ حَلقُ الجَسَدِ بِالنُّورَهِ وَ کَثرَهُ الطُّرُوقَهِ . (۲) نیز آن حضرت فرمود : مِن أَخلاقِ الأَنبِیاءِ: التَّنَظُّفُ وَ التَّطَیُّبُ وَ حَلقُ الشَّعرَ وَ کَثرَهُ الطُّروقَهِ. (۳) هم او می فرماید : فِی الدَّیکِ الأَبیَضِ خَمسُ خِصالٍ مِن خِصَالِ الأَنبِیاءِ: مَعرِفَتُهُ بِأَوقَاتِ الصَّلاهِ وَ الغِیرَهُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَهُ وَ کَثرَهُ الطُّرُوقَهِ . (۴) همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : تَعَلَّمُوا مِنَ الدِّیکِ خَمسَ خِصَالٍ: مُحَافَظَتَهُ عَلَی أَوقَاتِ الصَّلاهِ وَ الغِیرَهَ وَ السَّخَاءَ وَ الشَّجَاعَهَ وَ کَثرَهَ الطُّرُوقَهِ . (۵)

.

۱- .غرر الحکم ودرر الکلم ، ترجمه محمّد علی انصاری ، ص ۱۵۶ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۸؛ ف مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۱۵۹ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۳۱ ، ح ۳۴۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۱۰۷ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۶۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ، ۱۱ ، ص ۶۶ ، ح ۱۳ .

۴- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۵۵۰ ؛ الخصال ، ص ۲۹۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴۲ .

۵- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۴۸۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۴ ، ص ۱۱۰ .

ص: ۵۷

به نظر می رسد که مفهوم «کثره الطروقه» به معنای نزدیکی کردن نیست ؛ بلکه منظور ، زیاد زن داشتن و سرپرستی زنان متعدّدی را به عهده داشتن است ؛ زیرا در بیان علّامه مجلسی ، آمده است که: کثره الطروقه بفتح الطاء من قولهم: طروقه الفحل أی انثاه، فالمراد کثره الأزواج ، مؤیّد این معنای حدیثی از امام صادق علیه السلام است که : إنّ ملکاً کان علی عهد یحیی بن زکریا علیه السلام لم یکفه ما کان علیه من الطروقه حتّی تناول امرأه بغیاً... . (۱) در این حدیث ، تصریح شده که آن پادشاه ، به طروقه ها و زنانی که داشت ، بسنده نمی کرد و به دنبال این بود که با زنان دیگری هم ازدواج کند. بنا بر این ، کثره الطروقه ، اصلاً به مفهوم زیاد نزدیکی کردن نیست تا به افراط نکردن در این زمینه ، توصیه شده باشد و اگر در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده که : «ثلاث من سنن المرسلین: العطر واحفاء الشعر و کثره الطروقه» (۲) یعنی «الجماع» . در این خصوص باید گفت که اولاً ، این روایت ، تکرار روایات گذشته است و عبارت «یعنی الجماع» در آنها نیست ؛ و ثانیاً ، این معنا ، از خودِ راوی است و این ، در صورتی بدین شکل معنا می شود که کثره الطروقه ، به ضمّ طاء خوانده شود ، همان طور که مرحوم علّامه مجلسی فرموده است ؛ ثالثاً ، راوی ، کثره الطروقه را «جماع» معنا کرده است و نه زیاد جماع کردن و شاید مرادش طولانی کردن زمان جماع باشد، همان طور که برای لذّت بردن زن در احادیث، به آن اشاره شده است. در نهایت ، لازم است به این نکته توجّه شود که اولیای دین، چون قطعا توصیه هایشان حکیمانه و هماهنگ با طبیعت و فطرت آدمی است، هرگز به افراط در آمیزش ، توصیه نمی کنند ، همان طور که به تفریط هم توصیه نمی نمایند. بنا بر این ، در تربیت جنسی از دیدگاه اسلامی باید به پرهیز از افراط و تفریط در ارضای غریزه جنسی ، به عنوان یک اصل مهم توجه شود.

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۱۴ ، ص ۱۸۰ ، ح ۲۰ .

۲- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۰۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۷۹ ؛ تحف العقول ، ص ۴۴۲ .

ص: ۵۸

ب . تمایل به معنویت و فضیلت دوستی

اشاره

ب . تمایل به معنویت و فضیلت دوستیاز جمله مبانی تربیت جنسی، «تمایل فطری به معنویت» است که هر فردی از افراد بشر (چه زن و چه مرد) ، آن را در وجودش احساس می کند . بر این اساس است که انسان ، به سوی خدا و کمالات اخلاقی ، گرایش پیدا می کند و در این مسیر ، توانمندی های دیگری را نیز به کار می گیرد . از جمله این توانمندی ها ، ساختار جنسی زن و مرد است که جنبه های روانی، عاطفی و معنوی آن ، زمینه شکوفایی این تمایل فطری را در آنها تقویت می کند و فرد را از خودخواهی ، به دیگرخواهی، ایثار و فداکاری برای دیگری می کشاند . به همین جهت است که هدف غایی و نهایی تربیت جنسی، تحقّق بخشیدن به هویّت معنوی انسانی و پرورش کمالات اخلاقی است که هویّتی خداگونه است و مآل آن ، قرب الی اللّه است. آیات و احادیث فراوانی دلالت دارند بر این که انسان ها فطرتاً متمایل به معنویت و فضیلت دوستی هستند. این تمایل به معنویت، خداجویی، دینداری، تقوا و فضیلت دوستی را خداوند در نهاد و فطرت انسان ها قرار داده است. قرآن در این زمینه می فرماید : «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَ لِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ . (۱) با تمام وجودت به معنویت و دین ، روی آور ؛ به آن فطرتی که خداوند، مردم را با آن سرشته است و خلقت خداوند ، تغییرناپذیر است. این است همان دین استوار ؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند» . از این آیه ، به خوبی استفاده می شود که انسان ها ذاتاً به دینداری و معنویت و فضیلت متمایل اند ؛ ولی این امر ، نیاز به پرورش دارد و بدون پرورش آن ، نه تنها رشد نمی کند ، بلکه چه بسا در جهت معکوس هم سیر کند. لذا خداوند در قرآن سفارش

.

۱- .سوره روم ، آیه ۳۰ .

ص: ۵۹

اصول مرتبط با مبنای دوم

اشاره

می کند که خود و خانواده خودتان را از آتش جهنم که منع سوخت آن مردم و سنگ ها هستند ، حفظ کنید . (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مورد میل انسان به نیکی می فرماید : لَولا أَنَّ الشَّیاطِینَ یَحُومُونَ عَلَی قُلُوبِ بَنِی آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَی المَلکُوتِ . (۲) اگر شیاطین ، بر اطراف دل های فرزندان آدم نمی چرخیدند، آنها به ملکوت نگاه می کردند. این روایت دال بر این است که انسان ها فطرتاً به معنویت گرایش دارند ؛ ولی شرایطی که پیش می آید ، ممکن است که آنها را از رسیدن به ملکوتْ منع کند. در روند تربیت جنسی باید میل طبیعیِ زن و مرد به معنویت، مبنا قرار گیرد و کودکان، نوجوانان و جوانان ، به گونه ای تربیت شوند که غریزه جنسی آنان به سمت آن میل فطری ، سوق داده شود و در مراحلی ، از این میل فطری برای کنترل و ضابطه مند کردن آن غریزه ، استفاده گردد . پس از ازدواج نیز زن و شوهر باید یکدیگر را در رسیدن به قلّه معنویات ، کمک نمایند و نردبانی برای ترقّی به بالاترین درجات انسانیّت در خویشتن باشند . آنها نباید تصور کنند که هدف از ازدواج ، فقط ارضای نیازهای جنسی است ؛ بلکه این امر را نیز وسیله ای برای صعود معنوی و اخلاقی خود قرار دهند. بنا بر این ، یکی از زیربنایی ترین اصل های تربیت جنسی در اسلام ، میل انسان به معنویت است و افراد باید به گونه ای تربیت شوند که بُعد معنوی آنان در جریان تربیت جنسی ، تقویت شود و غریزه جنسی، ابزاری در جهت شکوفاسازی آن مبنای تمایل به معنویت قرار گیرد.

اصول مرتبط با مبنای دومبا توجّه به تمایل فطری انسان ها (چه زن و چه مرد) به معنویات و سیر تکاملی به سوی قرب الی اللّه و تأثیر آن بر روند تربیت جنسی (مبنای دوم)، یک سری از قواعد

.

۱- .«قُواْ أَنفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ» (سوره تحریم ، آیه ۶) .

۲- .بحارالأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۵۹ ؛ عوالی اللآلی ، ج ۴ ، ص ۱۱۳ .

ص: ۶۰

۱ . اصل عفّت و خویشتنداری

و اصول تربیتی ، در احادیث ، مورد تأکید قرار گرفته اند که عبارت اند از :

۱ . اصل عفّت و خویشتنداریاز جمله اموری که انسان را از فضیلت و معنویت دور می سازد ، «ناخویشتنداری در غریزه جنسی» است . همان گونه که پیش از این بیان شد ، آزادی جنسی و ارضای بی قید و شرط غریزه جنسی ، آثاری نامطلوب برای فرد و بشر دارد . از این رو ، خداوند متعال ، ضوابطی را برای آن مشخّص فرموده و موارد جواز و عدم آن را اعلام کرده است . موارد عدم جواز ، همان چیزهایی هستند که از آنها به «حرام جنسی» تعبیر می شود . ارضای شهوت در این قلمروِ ممنوع ، موجب سقوط انسان و دوری وی از فضیلت و معنویت می گردد . قرآن کریم ، «گمراهی» (۱) و «انحراف» (۲) را از پیامدهای شهوت گرایی می داند و رسول خدا صلی الله علیه و آله پیامد شهوت رانی را این گونه توصیف می کند : مَن کَانَ أَکثرُ هَمِّهِ نِیلِ الشَّهَوَاتِ ، نُزِعَ مِن قَلبِهِ حَلاوَهُ الإِیمَانِ . (۳) هر که بیشترین فکر و تلاشش ، رسیدن به شهوات باشد ، شیرینی ایمان ، از قلبش گرفته می شود . در این باره ، گزاره های فراوانی وجود دارد که جای طرح همه آنها نیست ؛ ولی آنچه مهم است این که بخشی از شهوات ، چنین پیامدهایی دارند . لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگ ترین تهدید امّت را شهوت رانی می داند . بنا بر این ، برای تحقّق گرایش فطری انسان به معنویت ، در این بخش از شهوات ، باید «عفّت» یا همان «خویشتنداری جنسی» پیشه کرد . عفّت ، با حذف عوامل تهدید کننده ، زمینه پرورش فضیلت و معنویت را در انسان به وجود می آورد . از این رو ، امام باقر علیه السلام می فرماید :

.

۱- .«فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ الصَّلَوهَ وَ اتَّبَعُواْ الشَّهَوَ تِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا» (سوره مریم ، آیه ۵۹) .

۲- .«وَاللَّهُ یُرِیدُ أَن یَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَیُرِیدُ الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الشَّهَوَ تِ أَن تَمِیلُواْ مَیْلاً عَظِیمًا» (سوره نساء ، آیه : ۲۷) .

۳- .میزان الحکمه ، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۱۳۷۴ ؛ تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۱۶ .

ص: ۶۱

۲ . اصل ازدواج

مَا عُبِدَ اللّهُ بِشَیءٍ أَفضَلَ مِن عِفَّهِ بَطنٍ وَفَرجٍ . (۱) خداوند به چیزی برتر از عفت شکم و شرمگاه عبادت نشده است .

۲ . اصل ازدواجهمان گونه که پیش از این بیان شد ، ارضای آزادانه غریزه جنسی ، موجب کشیده شدن انسان ، به گمراهی و تباهی و دوری از فضیلت و معنویت می گردد . بهترین راه برای ایمنی از این پیامدهای منفی ، ازدواج کردن است . از این رو ، خداوند متعال می فرماید : «وَ أَنکِحُواْ الْأَیَمَی مِنکُمْ وَ الصَّلِحِینَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَ إِمَآئِکُمْ إِن یَکُونُواْ فُقَرَآءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ . (۲) زنان و مردان بی همسر و غلامان و کنیزانِ شایسته تان را همسر دهید . اگر تنگ دست باشند ، خداوند ، از فضل و کرم خود ، توانگرشان می سازد» . ازدواج ، بویژه در دوران جوانی، موجب فراری دادن شیطان می شود . رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : أَیُّمَا شابٍّ تَزَوَّجَ فِی حَدَاثَهِ سِنِّه عَجَّ شَیطَانُهُ : یا وَیلَهُ! عَصَمَ مِنِّی دِینَهُ . (۳) هر جوانی که در دوره جوانی خود ازدواج کند ، شیطانش فریاد برمی آورد که : «وای بر او! دین خود را از (گزند) من حفظ کرد» . در برخی دیگر از روایات آمده که جوان با ازدواج کردن ، دو سوم دین و بندگی خود را حفظ می کند (۴) و دیگران ، نیمی از دین خود را . (۵)

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۷۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۴۹ .

۲- .سوره نور ، آیه ۳۲ .

۳- .میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۰ ، ح ۷۸۰۵ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۶ .

۴- .رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «ما من شابّ تزوّج فی حداثه سنّه إلّا عجّ شیطانه : یا ویله ، یا ویله! عصم منّی ثلثی دینه فلیتّق اللّه العبد فی الثلث الباقی» (دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۱۹۰ ؛ النوادر ، راوندی ، ص ۱۱۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۲۱ ، میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۰ ، ح ۷۸۰۶) .

۵- .«من تزوّج فقد احرز نصف دینه فلیتّق اللّه فی النصف الباقی» (الأمالی ، طوسی ، ص ۵۱۸ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۲۱۹) .

ص: ۶۲

شایـد بـه همین جهت است که پیـامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : مَن أَحَبَّ أن یَلقَی اللّهَ طـاهِرَا مُطَهَّرَا فَلیَلقَهُ بِزَوجَهِ . (۱) هرکه دوست دارد که خداونـد را پاک و پاکیزه دیـدار کنـد ، با (همراه داشـتن) همسـری به دیدارش برود . در بخش دیگری از روایات ، تأکیـد شـده که با ازدواج کردن ، ثواب نماز مؤمن ، افزایش می یابد (۲) و حتّی خواب او بر شـخص روزه دارِ شب زنـده دار عزب (مجرّد) ، برتری دارد . (۳) این ، نشـان دهنـده نقش ازدواج در تکامـل معنوی و ایمـانی انسان است . در دسـته دیگری از روایات ، مجرّد بودن افراد ، به شـدّت مورد نکوهش قرار گرفته و از آنـان به عنوان «پست ترین مُردگـان» (۴) و «شرورترین زندگان» (۵) یاد شـده است . جالب این جاست که برخی افراد ، به خاطر کسب فضـیلت ، از ازدواج ، سـرباز می زده انـد که به شدّت مورد نکوهش ائمّه اطهار علیهم السـلام قرار گرفته انـد و انـدیشه آنان رد شده است . (۶) رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به فرد ثروتمنـدی به نام عکاف که ازدواج نکرده بود ، فرمود که اگر ازدواج نکند ، از گناهکاران خواهد بود . (۷)

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۲۰ .

۲- .امام صادق علیه السـلام می فرماید : «رکعتان یصلّیهما متزوّج أفضل من سبعین رکعه یصلّیها غیر متزوج» (ثواب الأعمال ، ص ۴۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۰ ، ح ۷۸۱۱) .

۳- .رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرماید : «المتزوّج النائم أفضل عند اللّه من الصائم القائم العزب» (میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۰ ، ح ۷۸۱۲ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۱۵۵) .

۴- .رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید : «شرار موتاکم العزاب» . (میزان الحکمه ، ج ۵ ، ح ۷۸۲۱) . نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «رذال موتاکم العزاب» (همان ، ح ۷۸۲۲ ؛ روضه الواعظین ، ص ۳۷۴) .

۵- .رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید : «شرارکم عزابکم» . (میزان الحکمه ، ج ۵ ، ح ۷۸۲۳ و ۷۸۲۴ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۷) .

۶- .امـام رضـا علیه السـلام می فرمایـد : «ان امرأه سـألت ابا جعفر علیه السـلام فقالت : اصـلحک اللّه انی متبتله ، فقال لها : وما التبتل عندک ؟ قالت : لا ارید التزویج ابدا . قال : ولم ؟ قالت : التمس فی ذلک الفضل فقال انصرفی فلو کان فی ذلک فضل لکانت فاطمه علیهاالسـلامأحقّ به منک انّه لیس أحد یسبقها إلی الفضل» . (الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۹ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۲ ، ح ۷۸۱۹) .

۷- .رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : «تزوّج والّا فانت من المـذنبین» (بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۲۱ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۸) .

ص: ۶۳

در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که سستی در امر ازدواجِ فرزندان و تأخیر در آن ، موجب بروز فتنه در زمین و فساد بزرگ می گردد ؛ از این رو ، توصیه فرموده که اگر دیانت و امانت فرد خواستگار ، پسندیده بود ، در ازدواج با آن ، کوتاهی نکنید . (۱) همه این موارد ، نشان می دهند که ازدواج کردن ، راهی به سوی حفظ دیانت و تکمیل معنویت و فضیلت است و در غیر این صورت ، بُعد معنوی انسان ، پرورش نمی یابد و به فضیلت و تکامل ، دست پیدا نمی کند . نکته قابل تأمّل ، این است که نه تنها در روایات ، بر نقش ازدواج در تکامل معنوی و کسب فضیلتْ تأکید شده ، بلکه برای همکاری در زمینه تمام اعمال و حرکات عاشقانه و محبّت آمیز و حتّی روابط جنسی زوجین ، تشویق به عمل آمده و برای آن ، اجر و پاداش در نظر گرفته شده که خود می تواند عاملی برای تکامل معنوی باشد . حال ، این سؤال به ذهن خطور می کند که چرا خداوند ، برای عملی که لذّت مادی دارد ، پاداش در نظر می گیرد؟ در این زمینه، نکات زیر قابل توجه است: یک . وجود روابطی عاشقانه و صمیمی بین زوجین ، آنها را از انجام دادن کارهای حرام ، باز می دارد. دو . محبّت کردن به دیگری ، خود ، نوعی کمال است ؛ زیرا لازمه آن ، خارج شدن از لاـک خودخواهی و دیدن دیگران است. سه . داشتن روابط خوب و صمیمی با همسر برای انسان ، نوعی فراغت بال و آسودگی خیال به ارمغان می آورد که در سایه آن ، انسان ، با آرامش بیشتری می تواند به عبادت و تعلّم و خدمت به جامعه بپردازد. چهار . داشتن محبّت و روابط صمیمی ، باعث پرورش صفات پسندیده در زوجین است ، مثل عفّت، حیا، عدم تمایل به ارتباط با نامحرم و ...

.

۱- .رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «إذا جاءکم من ترضون دینه وأمانته یخطب (الیکم) فزّوجوه و إن لا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض وفساد کبیر» (الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۷ ؛ الأمالی ، طوسی ، ص ۵۱۹ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۶، ح ۷۸۳۷) .

ص: ۶۴

پنج . سزاوار است که زن و شوهر ، روابط خود را با یکدیگر معنوی بدانند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند : إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَی امرَأَتِهِ وَ نَظَرَت إِلَیهِ نَظَرَ اللّهُ تَعَالَی إِلَیهِمَا نَظَرَ الرَّحمَهِ . (۱) وقتی مرد ، به زن خود ، با محبّت می نگرد و زنش بدو با مهر نگاه می کند، خداوند ، به دیده رحمت بر آنها می نگرد. یک نگاه محبّت آمیز زن و شوهر به هم ، باعث نازل شدن رحمت الهی بر آنان است. بویژه آن که این نگاه محبت آمیز ، بر قلب زوجین تأثیر می گذارد. توجّه کردن مرد به خانواده و محبّت کردن به آنها به اندازه ای اهمیّت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : جُلُوسُ المَرءِ عِندَ عِیالِهِ أَحَبُّ إِلَی اللّهِ تَعَالَی مِن الاعتِکَافِ فِی مَسجِدِی هَذَا . (۲) خداوند نشستن مرد در کنار همسرش را از اعتکاف در مسجد النبی، بیشتر دوست دارد. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : رَحِمَ اللّهُ عَبداً أَحسَنَ فِیمَا بَینَهُ وَ بَینَ زَوجَتِهِ . (۳) خداوند ، رحمت کند مردی که روابط بین خود و زنش را نیکو گرداند. در مورد خیری که از جهت داشتن همسر صالح و نیکو نصیب مرد می شود، امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش می فرماید : مَا أَفَادَ عَبدٌ فَائِدَهً خَیراً مِن زَوجَهٍ صَالِحَهٍ، إِذَا رَآها سَرَّتهُ . (۴) هیچ خیری بالاتر از این به مرد نمی رسد که زن صالحی داشته باشد که هر گاه شوهرش او را ببیند ، مسرور گردد.

.

۱- .نهج الفصاحه ، ح ۶۲۱ ؛ مُسند زید ، ص ۳۰۲ .

۲- .تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۲۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۶۶ ، ح ۷۸۸۴ .

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۷۰ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۷ ؛ قرب الإسناد ، ص ۲۰ .

ص: ۶۵

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إِنَّ الرَّجُلَ لَیُؤجَر فِی رَفعِ اللُّقمَهِ إِلَی فَمِ امرَأَتِهِ . (۱) مردی که لقمه در دهان همسرش بگذارد ، اجر دارد. در حدیث دیگری نیز می فرماید : إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سقَی امرَأَتَهُ مِنَ المَاءِ اُجِرَ . (۲) اگر مردی به همسرش آب بدهد برای او پاداش در نظر گرفته می شود. مشابه همین روایت ، در مورد محبّت زن به مرد نیز وجود دارد ، آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : مَا مِن امرَأهٍ تَسقِی زَوجَهَا شَربَهَ ماءٍ إِلَا کَانَ خَیراً لَهَا مِن عِبَادَهِ سَنَهٍ صِیَامِ نَهَارِهَا وَ قِیَامِ لَیلِهَا، و یَبنِی اللّهُ لَهَا بِکُلِّ شَربَهٍ تَسقِی زَوجَها مَدِینَهً فِی الجَنَّهِ وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّینَ خَطِیئَهً . (۳) هر زنی که به شوهرش آب دهد، این عمل او برایش از یک سال روزه و نماز شب بهتر است و با هر جرعه آبی که شوهرش می نوشد، شهری در بهشت برای او ساخته می شود و شصت گناه او بخشیده می شود. هم او می فرماید : وَیلٌ لامرَأَهٍ أَغضَبَت زَوجَها وَ طُوبَی لامرَأَهٍ رَضَی عَنهَا زَوجُهَا . (۴) وای بر زنی که شوهرش را خشمگین سازد و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد ! خشنودی مرد از زن و عدم وجود خشم در خانواده ، یک امر تربیتی مهمّی است که باید به عنوان اصل فعّالیت ها در زندگی مورد توجّه قرار گیرد . نوع رابطه زن و مرد باید به گونه ای باشد که زمینه خشمگین شدن یکدیگر را فراهم نسازند.

.

۱- .جامع السعادات ، ج ۲ ، ص ۱۰۸ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۶۶ .

۲- .مسند أحمد ، ج ۴ ، ص ۱۲۸ ؛ مجمع الزوائد ، ج ۳ ، ص ۱۱۹ .

۳- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۷۲ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۵ .

۴- .عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ص ۱۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۱۳ .

ص: ۶۶

۳ . اصل لزوم انتخاب همسر شایسته و دیندار

۳ . اصل لزوم انتخاب همسر شایسته و دیندارمبنا قرار دادن تمایل به معنویت ، به این است که آنچه برای رسیدن به این میل فطری مؤثّر است، به کار گرفته شود و گذشته از عفّت و ازدواج ، انتخاب همسر شایسته برای زندگی، در به فعلیت رساندن آن میل معنوی، تأثیر فراوانی دارد . بنا بر این ، فرد نباید هرکسی را با هر شرایطی ، به همسری خود برگزیند ؛ بلکه لازم است که شایستگی اخلاقی و عملکردی او را مدّ نظر داشته باشد . از این رو ، درباره این که چه کسی را برای همسری انتخاب کنید و چه کسی را انتخاب نکنید، احادیث فراوانی در اختیار داریم که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم . امام باقر علیه السلام فرمود : أَتَی رَجُلٌ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَستَأمِرُهُ فِی النِّکَاحِ، فَقَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : نَعَم انکِح، وَ عَلَیکَ بِذَواتِ الدِّینِ تَربَت یَدَاکَ . (۱) مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج از آن حضرت کسب تکلیف و اجازه کرد. حضرت فرمود: «آری ازدواج کن و بر تو باد به زنان متدیّن . خدا خیرت دهد!». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید : لا یُختَار حُسنُ وَجهِ المَرأَهِ عَلَی حُسنِ دِینِهَا . (۲) نباید حسن صورت زن را بر حسن دینداری او برگزید. همچنین فرمود: تُنکَحُ المَرأهُ عَلَی أَربَعٍ خِلالٍ: عَلَی مَالِهَا، وَ عَلَی دِینِهَا وَ عَلَی جَمَالِهَا وَ عَلَی حَسَبِهَا وَ نَسَبِهَا، فَعَلَیکَ بِذَاتِ الدِّینِ . (۳) به خاطر چهار چیز ، با زن ازدواج می شود : مال و ثروتش، زیبایی اش، دینداری اش و اصل و نسب و خانواده اش و تو با زنان دیندار ، ازدواج کن.

.

۱- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۰۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۸ .

۲- .میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۴ ، ح ۷۸۳۵ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۰۱ .

۳- .میزان الحکمه ، ج ۵ ص ۲۲۵۴ ، ح ۷۸۳۶ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۰۳ .

ص: ۶۷

امام صادق علیه السلام با دست گذاشتن بر نقش ازدواج در محدود شدن و پایبند شدن انسان و تأثیر آن در سرنوشت اعیانی افراد ، خواستار دقّت در انتخاب همسر شایسته شده است : إِنَّمَا المَرأَةُ قِلّادَةٌ فَانظُر مَا تَتَقَلَّدُ وَ لَیسَ لامرَأَهٍ خَطَرٌ ، لا لِصَالِحَتِهِنَّ وَ لا لِطَالِحَتِهِنَّ : وَ أَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَیسَ خَطَرُهَا الذَّهَبَ وَ الفِضَّهَ هِی خَیرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الفِضَّهِ وَ أَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَیسَ خَطَرُهَا التُّرَابُ، التُّرَابُ خَیرٌ مِنهَا . (۱) همانـا زن، طـوق است ؛ پس بنگر که چه طوقی به گردن می افکنی. برای زن ، ارزش و بهـایی نمی توان تعیین کرد ؛ نه برای خوب آنهـا و نه برای بـدشان. زن خوب ، ارزشـش طلاـ و نقره نیست ؛ بلکه از طلاـ و نقره هم بهتر و بـاارزش تر است و زن بـد، ارزشـش خاک نیست ؛ بلکه خاک هم از او با ارزش تر است . پیامبر صـلی الله علیه و آله با رویکرد تربیت نسل ، به مسـئله پرداخته و با توجّه به نقش مادر در تکامل معنوی فرزنـد ، خواسـتار دقّت بیشتر ، در انتخاب همسـر شایسـته شده است : تَزَوَّجُوا فِی الحِجزِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ العِرقَ دَسَّاسٌ . (۲) بـا خـانواده خـوب و شایسـته وصـلت کنیـد ؛ زیرا خون تأثیرگـذار است . امـام صـادق علیه السـلام بـا اشـاره به تأثیرپذیری زن از مرد و نقش آن در سرنوشت ایمان زن ، خواستار دقّت در انتخاب همسر شده ، می فرماید : تَزَوَّجُوا فِی الشُّکَاکِ وَ لا تزَوِّجُوهُم، لِأَنَّ المَرأَهَ تَأخُذُ مِن أَدَبِ زَوجِهَا وَیَقهَرُهَا عَلَی دِینِهِ . (۳) از خانواده ای که [در حقانیت شما] تردید دارند، زن بگیرید ؛ ولی به آنها زن ندهید ؛ زیرا زن، تربیت و خلق و خوی شوهر را به خود می گیرد و مرد ، او را تحت تأثیر دین خود قرار می دهد.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۸ ، ح ۷۸۴۷ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۷ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۸ ، ح ۷۸۴۸ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۸ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۰۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۵۵۵ .

ص: ۶۸

۴ . اصل لزوم همکاری معنوی

۴ . اصل لزوم همکاری معنویاصل دیگر تربیتی که از مبنای تمایل به معنویت در روند تربیت جنسی باید به کار گرفت، این است که بنای زوجین در زندگی، باید بر همکاری زوجین برای نیل به کمال معنوی باشد. در این زمینه ، دستورهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام رسیده که لازم است زن و شوهر، یکدیگر را در امور معنوی یاری رسانند . پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إِذَا أَیقَظَ الرَّجُلُ أَهلَهُ مِنَ اللَّیلِ وتَوَضَّئَا وَصَلَّیا کُتِبا مِنَ الذَّاکِرِینَ اللّهَ کَثِیراً وَ الذَّاکِرَاتِ . (۱) هرگاه مردی همسرش را هنگام شب بیدار کند و نماز شب بخوانند، در زمره مردان و زنانی هستند که بسیار یاد خدا می کنند. و نیز آن حضرت می فرماید : رَحِمَ اللّهُ رَجُلاً قَامَ مِنَ اللَّیلِ فَصَلَّی. ثُمَّ أَیقَظَ امرَأَتَهُ فَصَلَّت ، فَإِن أَبَت نَضَحَ فِی وَجهِهَا المَاءَ وَ رَحِمَ اللّهُ امرَأَةً قَامَت مِن اللَّیلِ فَصَلَّت ، وَأَیقَظَت زَوجَهَا فَإِن أَبَی نَضَحَت فِی وَجهِهِ المَاءَ . (۲) خداوند ، رحمت کند مردی را که نیمه شب برخیزد و نماز شب به پا دارد . سپس همسر خود را بیدار نماید و او نیز نماز شب به پا دارد و اگر زن از خواب بیدار نشد، چند قطره آب ، بر صورت او بریزد (تا او نیز برای عبادت برخیزد) . و رحمت خدا شامل زنی باد که نیمه شب برخیزد و نماز شب بر پا دارد . سپس شوهرش را از خواب بیدار کند و اگر بیدار نشد ، چند قطره آب به صورت او بریزد (تا شوهر نیز برای عبادت برخیزد) . همچنین علی بن اسباط ، از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که نصف شب با صدای بلند، نماز (نماز شب) می خواند. امام فرمود : یَنبَغِی لِلرَّجُلِ إِذَا صَلَّی بِاللَّیلِ أَن یُسمِعَ أَهلَهُ لِکَی یَقُومَ النَّائِمُ . (۳)

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۲۵۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۸۷ ، ص ۱۵۸ .

۲- .سنن أبی داوود ، ج ۱ ، ص ۲۹۵ ؛ سنن النسائی ، ج ۳ ، ص ۲۰۵ .

۳- .علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۳۶۴ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۲ ، ص ۱۲۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۷۷ .

ص: ۶۹

باید مردی که به نماز می ایستد ، صدای نماز خواندن خود را به گوش خانواده اش برساند تا آنهایی که خواب هستند ، بیدار شوند و نماز بخوانند. در این روایت ، امام ، از واژه «ینبغی» به معنای : «سزاوار است»، استفاده کرده اند، که نشانه نوعی تأکید بر این کار است. بنا بر این ، مردی که متّقی و عابد است ، باید خانواده خود را نیز به عبادت ، تشویق و ترغیب نماید. این مسئله ، در سیره بزرگان و معصومان علیهم السلام هم وارد شده که به ذکر نمونه ای از آن می پردازیم: شبی که حضرت فاطمه علیهاالسلام وارد خانه حضرت علی علیه السلام شد ، به ایشان عرض کرد : تَفَکَّرتُ فِی حَالِی وَ أَمرِی عِندَ ذِهَابِ عُمرِی وَ نُزُولِی فِی قَبرِی فَشَبَّهتُ دُخُولِی فِی فِرَاشِی بِمَنزِلِی کَدُخولِی إِلَی لِحدِی وَ قَبرِی فَأَنشُدُکَ اللّهَ إِن قُمتَ إِلَی الصَّلاهِ فَنَعبُدُ اللّهَ تَعَالَی هَذِهِ اللَّیلَه . (۱) هنگام ورود به خانه ، به یاد انتقالم از این دنیا و وارد شدنم به قبر افتادم . پس وارد شدنم به رخت خواب در خانه را، به وارد شدنم در قبر ، تشبیه کردم . پس تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم و با هم در این شب ، خدا را عبادت کنیم. آن شب را هر دو به عبادت سپری کردند و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد که همسرت را چگونه یافتی؟ آن حضرت فرمود: بهترین یاور بر اطاعت خداست. و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله در تشویق زن به یاری رساندن به شوهرش در عبادت و طلب علم آمده که فرمود : أَیُّمَا امرَأَهٍ أَعَانَت زَوجَهَا عَلَی الحَجِّ وَ الجِهَادِ أو طَلَبِ العِلمِ أَعطَاهَا اللّهُ مِنَ الثَّوابِ مَا یَعطِی امرَأَهَ أَیُّوبَ علیه السلام . (۲) هر زنی که شوهرش را بر رفتن به حج و جهاد یا آموختن علم یاری کند، خداوند ، همانند ثوابی که به زن ایوب داد ، به او می دهد.

.

۱- .ملحقات إحقاق الحق ، ج ۲۳ ، ص ۴۸۹ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۱ .

ص: ۷۰

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : مَن أُعطِیَ أَربَعَ خِصَالٍ فِی الدُّنیا فَقَد أُعطِیَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ وَ فَازَ بِحَظِّهِ مِنهُمَا ... وَ زَوجَهٌ صَالِحَهٌ تُعِینُهُ عَلَی أَمرِ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ . (۱) هر فردی که چهار ویژگی دارد ، به او خیر دنیا و آخرت داده می شود و بهره دنیا و آخرت را به دست می آورد : ... و [یکی از آنها] زن صالحی است که او را در امور دنیا و آخرت یاری کند. در حدیث دیگری نقل شده که مردی ، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و عرض کرد: زنی دارم که هر وقت به خانه می روم ، به استقبالم می آید و هنگامی که از خانه خارج می شوم ، مرا بدرقه می کند ؛ اگر مرا غمگین دید ، به من می گوید: «چه چیزی تو را غمگین می کند؟ اگر نگران روزی خود هستی ، پس بدان که کس دیگری عهده دار آن است و اگر نگران آخرتت هستی، پس خداوند ، نگرانی ات را افزون کند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : إِنَّ لِلّهِ عُمَّالاً وَ هَذِهِ مِن عُمَّالِهِ لَهَا نِصفُ أَجرِ الشَّهِیدِ . (۲) همانا خداوند ، کارگزارانی دارد و این زن از کارگزاران اوست و برای او نصف پاداش یک شهید است . این داستان ، نشان می دهد که زن ، با یک جمله و با رفتارهایی ساده ، آخرت را برای خود و همسرش تضمین می کند. در واقع ، این ، یک جریان تربیتی است که روش برخورد درست با نگرانی های شوهر یا تنگ دستی او را نشان می دهد ؛ روشی که نگرانی شوهر را بر طرف می کند و او را به زندگی و تلاش بیشتر ، امیدوار می سازد. به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : مَا استَفَادَ المُؤمِنِ بَعدَ تَقوَی اللّهِ خَیراً مِن زَوجَهٍ صَالِحَهٍ . (۳) برای مؤمن ، پس از تقوای الهی ، خیری بالاتر از زن صالح نیست.

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۵۷۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۹ ، ص ۴۰۴ ، ح ۱۰۶ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۲ .

۳- .سنن إبن ماجه ، ج ۱ ، ص ۵۹۶ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۶۸ ، ح ۷۸۹۳ .

ص: ۷۱

ج . نیاز انسان به همدم

اشاره

بنا بر این ، از بهترین مواردی که مؤمن می تواند از آن بهره مند گردد و سعادت خویش را رقم بزند ، بعد از تقوا، زن شایسته است و وجود چنین زنی ، زمینه رشد معنوی را فراهم می سازد. در این گونه احادیث ، یک نکته تربیتی مهم نهفته است و آن این که والدین در تربیت معنوی دختران خود باید همّت و تلاش دو چندان داشته باشند ؛ زیرا شایسته بودن زن ، شایستگی جامعه را تضمین می کند و فساد او ، باعث فساد جامعه می گردد .

ج . نیاز انسان به همدمکلمه انسان ، از واژه اُنس گرفته شده و نشانه نیاز انسان ، به یک انیس و یار موافق است. مؤیّد این مفهوم ، دو حدیث زیر است : حدیث اوّل ، در موضوع آشنایی حضرت آدم و حوا گفته شده است : إِنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ آدَمَ مِن طِینٍ ثُمَّ ابتَدَعَ لَهُ حَوَّاءَ ... فَقَالَ آدَمُ : یا رَبِّ مَا هَذَا الخَلقُ الحَسَنُ فَقَد آنَسَنِی قُربُهُ وَ النَّظَرُ إِلَیهِ ؟ فَقَالَ اللّهُ: یا آدَمُ هَذِهِ أَمَتِی حَوَّاءُ. أَفَتُحِبُّ أَن تَکُونَ مَعَکَ تُؤنِسُکَ و تُحَدِّثُکَ، تَکُونَ تَبعاً لِأَمرِکَ ؟ فَقَالَ: نَعَم یَا رَبِّ وَ لَکَ بِذَلِکَ عَلَیَّ الحَمدُ وَ الشُّکرُ مَا بَقِیتُ ... . (۱) پس از این که خداوند ، آدم را از گِل آفرید، حوّا را برای او خلق کرد ... پس آدم گفت: پروردگارا! این مخلوق نیکو کیست که نگاه کردن و نزدیک بودن به او ، مرا مأنوس می کند؟ خداوند فرمود : «ای آدم! این بنده من حوّاست . آیا دوست داری نزد تو باشد و أنیس و هم صحبت تو گردد؟» . پس گفت : آری ای پروردگار! و به خاطر این نعمت ، تا زنده هستم ، شکرگزار تو خواهم بود. حدیث بعدی ، در مورد وجه تسمیه زنان به نساء آمده است . امام صادق علیه السلام می فرماید : سُمِّیَ النِّساءُ، نِسَاءً، لِأَنَّهُ لَم یَکُن لِادَمَ أُنسٌ غَیرَ حَوَّاءَ . (۲)

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳ .

۲- .المحاسن ، ص ۳۳۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۱ ، ص ۱۰۹ .

ص: ۷۲

به این جهت ، زنان ، نساء نامیـده شدنـد که برای حضـرت آدم ، مونسـی غیر از حوّاء نبود . از این دو حدیث چنین نتیجه می گیریم که خداونـد متعال ، زن و مرد را طوری آفرید که مونس یکدیگر باشـند و مرد در کنار زن ، و زن در کنار مرد ، احساس اُنس کنند و از وحشت تنهـایی ، رهـایی یابنـد ؛ تنهایی ای که جز با کنار هم بودن زن و مرد ، از بین نمی رود. جالب این که علی رغم این که هـدف طبیعی غریزه جنسـی ، «تـداوم نسل» است، امّا در این دو حـدیث ، این گونه تبیین می شود که علاقه زن به مرد به یکـدیگر ، صرفاً به دلیل تأمین غریزه جنسی نیست ؛ بلکه برای داشتن یک همدم است که در کنار او ، احساس آرامش و اُنس کند. بنا بر این ، در کشـش زن و مرد به یکدیگر ، علاوه بر غریزه جنسی ، عوامل دیگری نیز وجود دارند ؛ زیرا هنگامی که حضرت آدم ، بیان کرد که از دیـدن حوّا و بودن در کنار او احساس اُنس می کند، هنوز تمایل جنسـی ، در نهاد آنها قرار نگرفته بود و این طور که از آیات قرآن اسـتفاده می شود، پس از خروج از بهشت، آدم و حوّا به این غریزه پی بردنـد تا بتواننـد تولیـد مثل کننـد و نسل انسان ، تـداوم پیدا کند ؛ امّا به این دلیل مجذوب هم شدند که نوعی علاقه خاص به هم داشتند و این علاقه و انس ، عامل تداوم ارتباط یک زن و مرد است ، نه جـذابیّت جنسـی. اریـک فروم نیز در تبیین عشق می نویسـد: عمیق ترین نیـاز بشـر ، غلبه او بر جـدایی و رهـایی از این زنـدان تنهـایی است. شـکست مطلق در رسـیدن به این غـایت، کار آدمی را به دیوانگی می کشانـد . (۱) وی پس از بیـان راه هـای مختلفی که انسان برای غلبه بر رهایی از تنهایی می پیمایـد (از جمله عیّاشـی و بی بنـد و باری) ، در آخر ، نتیجه می گیرد که عشـق زن و مرد به یکدیگر ، عامل غلبه بر تنهایی و رسیدن به آرزوی وصل است . (۲) وی عقیده دارد که

.

۱- .هنر عشق ورزیدن ، ص ۱۹ .

۲- .همان جا .

ص: ۷۳

بالاتر از نیاز دنیوی و وجودیِ آدمیان به وصل، یک نیاز مشخّص و زیستی وجود دارد که همان آرزوی وصل و پیوند بین دو قطب مذکّر و مؤنّث است. این نظریه که با استمداد از آن، زن و مرد را در دو قطب مخالف قرار می دهد ، در افسانه های ابتدایی ، به صورتی جالب بیان شده است. این افسانه ها می گویند: زن و مرد ، ابتدا یکی بودند، بعد به دو نیم شدند . و از آن پس ، هر مرد به دنبال نیمه گمشده خود که زن است ، می گردد تا دوباره با او درآمیزد و یکی شود (همین نظریه پیوند اولیه زن و مرد ، در کتاب مقدس «تورات» در مورد به وجود آمدن حوّا و آدم نیز آمده است). معنای این افسانه ، به اندازه کافی روشن است. قرار دادن زن و مرد در دو قطب جنسی مختلف ، انسان را به جستجوی پیوندی مشخص (یعنی وصل به جنس مقابل) سوق می دهد . (۱) اریک فروم ، در مبحث عشق جنسی ، به بیان این مطلب می پردازد که اساس تمایل زن و مرد و عشق آنها به یکدیگر ، فقط مسئله غریزه جنسی نیست و پیوندی که بر این اساس شکل می گیرد ، زود از هم می گسلد : جاذبه جنسی برای مدّت کوتاهی ، پنداری از وصل خلق می کند ؛ ولی این پیوند ، اگر با عشق همراه نباشد ، دو بیگانه را به اندازه قبل از آشنایی ، جدا نگه می دارد، گاهی در آنها ایجاد شرم می کند و گاه حتی باعث می شود که آن دو نفر ، از هم متنفّر شوند ؛ زیرا وقتی که پندارشان زائل می شود، هردو، بیگانگی خود را به مراتب ، آشکارتر از قبل احساس می کنند. (۲) همان طور که از دو روایت پیش گفته به دست آمد ، نیاز انسان به انس و انیس و کشش زن و مرد نسبت به یکدیگر ، در طبیعت انسانی است و این ، در کنار کشش جنسی این دو به یکدیگر است . شاید فرموده امام صادق علیه السلام که فرمود : «علاقه به زن ، از اخلاق انبیاست» . (۳) «انسان ها در دنیا و آخرت ، از بیشترین چیزی که لذّت برده اند ،

.

۱- .ر. ک : همان ، ص ۴۷ .

۲- .همان ، ص ۷۳ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۰ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۰۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۷ .

ص: ۷۴

اصول مرتبط با مبنای سوم

۱ . پرورش نگرش اُنسی به جنس مخالف

لذّت زن ها بوده است» ، (۱) همین کشش (یا اعم از آن : کشش جنسی) باشد، بویژه این که معنای لذّت ، بسیار وسیع است و لذّت های معنوی را نیز در برمی گیرد. با این وصف ، بهتر می توانیم سخن پروردگار را درک کنیم که فرمود : «وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً» . (۲) این به همان معناست که زن و مرد ، نیمه گم شده یکدیگرند که وقتی یکدیگر را می یابند ، احساس آرامش و سکون می کنند و به هم علاقه و مهر پیدا می کنند ؛ زیرا خداوند ، آنها را طوری آفریده که به یکدیگر مهر و علاقه داشته باشند. بنا بر این ، ارتباط زن و مرد فقط یک ارتباط مربوط به امور جنسی نیست ؛ بلکه ارتباطی عمیق است که یکی از پایه های آن ، نیاز انسان به یک همدم و فرار از تنهایی است و زن و مرد ، به علّت همین نیاز روحی است که به یکدیگر ، کشش پیدا می کنند.

اصول مرتبط با مبنای سومبا توجّه به این مبنای طبیعی در وجود انسان (نیاز انسان به همدم)، باید در جریان تربیت جنسی ، به قواعد و اصول زیر توجّه شود :

۱ . پرورش نگرش اُنسی به جنس مخالفاز جمله اصول تربیتی ای که باعث رشد و شکوفایی تمایل طبیعی آدمی در قلمرو نیاز به اُنس و همدم می شود، رشد نگرش انسی به جنس مخالف در هر زن و مرد است ؛ یعنی آنها باید بدانند که برای انس با یکدیگر پدید آمده اند و در ارتباط با هم به آرامش می رسند . و از این رو ، لازم است که در خودشان نگرش مثبت و مطلوب را نسبت به همدیگر، تقویت نمایند. امروزه نگرش تک بعدی بین بسیاری از مردان و زنان ، نسبت به جنس مخالف وجود دارد و آن، این است که صرفاً جنس مخالف ،

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳ .

۲- .سوره روم ، آیه ۲۱ .

ص: ۷۵

۲ . توجّه به تجانس روحی در همسریابی

وسیله ای برای خاموش کردن التهاب جنسی است . این نگرش ، باعث شده که از طرفی ، فساد و فحشا و بی بند و باری در دنیا رایج شود ، به اندازه ای که پا را از حیوانیت هم فراتر گذاشته اند و به مرحله «بل هم أضل» (۱) رسیده اند و از طرف دیگر، ازدواج ها، بر پایه ای سست بنا شود که نتیجه آن، فروریختن بنیان خانواده و یا ساختن و سوختن زن و مرد است. مسلماً اگر نگرش دختر و پسر نوجوان ما نسبت به جنس مخالف، نگرش نیاز به همدم و به دلیل محبّت و علاقه ای که خداوند در نهاد زن ومرد نسبت به هم قرار داده بود، این همه فساد و بی بند و باری جنسی وجود داشت! حدیث های یاد شده ، بر لزوم داشتن نگرش صحیح و واقع بینانه و پرهیز از نگرش تک بعدی به جنس مخالف دلالت دارند.

۲ . توجّه به تجانس روحی در همسریابیاز جمله اصول تربیت جنسی که از مبنای نیاز به انس و انیس ، قابل کشف است ، این است که در همسریابی، هر یک از زن و مرد باید به جنس مخالفی توجّه نماید که از نظر روانی، شخصیتی، فرهنگی، اخلاقی و شئونات اجتماعی ، متجانس با وی باشد ؛ زیرا به صورت طبیعی ، با چنین فردی ، بهتر می تواند انس بگیرد. امام علی علیه السلام می فرماید : کُلُّ امرِءٍ یَمِیلُ إِلَی مِثلِهِ . (۲) هر فردی به همانند خود ، متمایل می شود. در حدیث دیگری نیز فرمود : کُلُّ شَی ءٍ یَمِیلُ إِلَی جِنسِهِ . (۳) هر چیزی به جنس مشابه خود متمایل می شود.

.

۱- .ر. ک : سوره مائده ، آیه ۱۷۹ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۵۳۲ ، ح ۶۸۶۵ ؛ میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۳۰۱۰ ، ح ۱۰۲۲۷ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۵۳۱ ، ح ۶۸۶۳ ؛ میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۳۰۱۰ ، ح ۱۰۲۲۹ .

ص: ۷۶

همچنین می فرماید : النُّفُوسُ أَشکَالٌ فَمَا تَشَاکَلَ مِنهَا اتَّفَقَ، وَالنَّاسُ إِلَی أَشکَالِهِم أَمیَلُ . (۱) انسان ها متفاوت اند ؛ آنها که مشابه هم هستند ، با هم متّفق اند و مردم به همانندهای خود، تمایل بیشتری دارند. امیر مؤمنان علیه السلام در بخشی از وصیت خود به فرزندشان نیز چنین فرمود : یَا بُنَیَّ إِنَّ القُلُوبَ جُنُودٌ مُجَنَّدَهٌ تَتَلاحَظُ بِالمَوَدَّهِ ، تَتَنَاجَی بِهَا وَکَذَلِکَ هِیَ فِی البُغضِ فَإِذَا أَحبَبتُم الرَّجلَ مِن غَیرِ خَیرٍ سَبَقَ إِلَیکُم فَارجُوهُ، وَ إِذَا أَبغَضتُم الرَّجُلَ مِن غَیرِ سُوءٍ سَبَقَ مِنهُ إِلَیکُم فَاحذَرُوهُ . (۲) ای فرزندان من ! همانا دل های آدمیان ، مانند لشکریانی هستند که دور هم جمع شدند ؛ بعضی از آنها نسبت به بعضی مودّت دارند و این مودّت ، آنها را به هم نزدیک و صمیمی می کند و بعضی بر عکس ، به هم بغض دارند. پس اگر احساس کردید که فردی را دوست دارید ، بدون این که خیری از او به شما رسیده باشد، پس به او امیدوار باشید . و اگر از فردی بدتان آمد ، بدون این که قبلاً از او بدی ای به شما برسد، پس ، از او دوری گزینید. به نظر نویسنده کتاب نهج السعاده ، ظاهراً این قسمت حدیث، از هماهنگی تکوینی بعضی از دل ها با دل های دیگر و از انس و الفت بین دو روح متجانس و تنفّر و وحشت بین دو روح مخالف ، حکایت دارد. این ، موضوعی نیست که در اثر معاشرت و خوش رفتاری یا بدرفتاری بین دو نفر ایجاد شود ؛ زیرا بر تمایل بعضی افراد به بعضی دیگر و انزجار آنها از افراد دیگر ، بدون این که هیچ بدی ای از آنها رسیده باشد، دلالت دارد. روایات دیگری نیز مؤیّد آن است ، مانند این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : الأَنفُسُ أَجنَادٌ مُجَنَدَهٌ ، وَ إِنَّهَا لَتَتَشَامّ فِی الهَوَی کَمَا تَتَشَامّ الخِیلُ فَمَا تَعَارَفَ مِنهَا ائتَلَفَ وَ مَا تَنَاکَرَ مِنهَا اختَلَفَ . (۳)

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۹۲ ، ح ۱۰۰ ؛ میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۳۰۰۸ .

۲- .الأمالی ، طوسی ، ص ۵۹۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۴۲ ، ص ۲۴۸ .

۳- .نهج السعاده ، ج ۸ ، ص ۲۵۴ .

ص: ۷۷

در حدیث دیگری فرمود : خَلَقَ اللّهُ الأَرواحَ قَبلَ الأَجسَادِ بِألفَی عَام، ثُمَّ أَسکَنَهَا الهَوَاءَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنهَا، ائتَلَفَ هٰهُنَا، وَ مَا تَنَاکَرَ، اختَلَفَ هٰهُنَا . (۱) خداوند ، ارواح را دو هزار سال پیش از خلق اجسام آفرید . سپس آنها را در آسمان ، مسکن داد . پس هر کدام از آنها که در آن جا با هم ، آشنایی ای داشتند ، در این جا انس و الفت پیدا کردند و هر کدام که در آن جا ناشناس بودند ، برای یکدیگر در این جا ، با هم اختلاف پیدا می کنند. به نظر می رسد، گرچه احادیث فراوانی به این هماهنگی تکوینی اشاره دارند ، ولی در وصیت نامه امام علی علیه السلام لزوم هماهنگ شدن با افرادی که محبّت آنها در دل ما وجود دارد نیز سفارش شده است. عبارت «پس نسبت به افرادی که دوستشان دارید ، امیدوار باشید و از کسانی که از آنها بدتان می آید ، دوری گزینید»، از هماهنگی تشریعی حکایت دارد و بر اصل تربیتی توجّه به «تجانس روحی» در گرفتن همراه، دوست و همسر دلالت می نماید. بنا بر این ، در جریان تربیت و بویژه در تربیت جنسی و به منظور همسریابی باید تشابه و تجانس روحی روانی کسی که می خواهد با او زندگی کند، مورد توجّه و بررسی قرار گیرد و بدون آن اقدام به همسریابی ننماید. پیوند زناشویی و ارتباط زن و شوهر ، مانند ارتباط دو دوست است. همان طور که دو نفر اگر با هم از نظر روحی ، هم سنخ نباشند ، نمی توانند به رابطه دوستانه خود ادامه دهند و اگر ادامه بدهند هم ، رابطه صمیمانه ای نخواهند داشت . در پیوند زناشویی که در آن ، روابط دو فرد باید از تمامی روابط انسانی دیگر ، صمیمانه تر باشد، اگر از نظر روحی، شخصیتی، اخلاقی و اجتماعی با یکدیگر ، هم سنخ نباشند ، رابطه آنها تداوم نخواهد داشت و اگر ظاهراً در کنار هم باقی بمانند، باطناً و روحاً از یکدیگر جدا خواهند بود و این رابطه ، یک رابطه مطلوب نخواهد بود. توجّه به همانندی زن و شوهر در شخصیت و ویژگی های روانی، اخلاقی، فکری و معنوی شان ، از جمله اموری است که در احادیث زیادی ، مورد تأکید قرار گرفته است. احادیث مربوط به کفو بودن، همفکر بودن و رضایت اخلاقی از جنس مخالف

.

۱- .همان جا ؛ بحار الأنوار ، ج ۴۰ ، ص ۲۲۲ .

ص: ۷۸

۳ . اصل ازدواج بر اساس خواست دختر و پسر

داشتن، توصیه به این اصل تربیتی است. در این جا فقط به یک حدیث اشاره می کنیم که فردی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه سؤال کرد و ایشان فرمود : إِذَا جَاءَکُم مَن تَرضَونَ خُلُقَهُ وَ دِینَهُ فَزَوِّجُوهُ. فَقَالُوا : یَا رَسُولَ اللّهِ وَ إِن کَانَ دَنِیّاً فِی نَسَبِهِ ؟ قَالَ: إِذَا جَاءَکُم مَن تَرضَونَ خُلُقَهُ وَ دِینَهُ فَزَوِّجُوهُ، إِلَا تَفعَلُوهُ تَکُن فِتنَهٌ فِی الأَرضِ وَ فَسَادٌ کَبِیرٌ . (۱) اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دین و اخلاق او راضی بودید ، وی را تزویج کنید . پرسیدند: ای رسول خدا! حتی اگر از نظر اصل و نسب، پست باشد؟ پیامبر فرمود : اگر کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین و اخلاق او را می پسندید ، او را تزویج کنید ؛ که اگر این کار را نکنید ، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد .

۳ . اصل ازدواج بر اساس خواست دختر و پسرسومین اصل بر مبنای نیاز انسان به اُنس ، این است که ازدواج ، بر اساس تمایل و خواسته خود دختر و پسر باشد. از آن جا که هر دختر و پسری، با توجّه به ویژگی های روانی اش با دیگری اُنس می گیرد ، میل، احساس و خواست او ، اصل مهم در انتخاب همسرش است و نباید والدین و یا افراد دیگر ، خواست و احساس خود را بر او تحمیل کنند. فضیل بن یسار ، از اصحاب امام محمّد باقر علیه السلام به ایشان عرض کرد : إِنَّ لامرَأَتِی أُختَا مُسلِمَهً لا بَأسَ بِرَأیِهَا وَلَیسَ بِالبَصرَهِ أَحَدٌ فَمَا تَرَی فِی تَزوِیجِهَا مِن النَّاسِ ؟ فَقَالَ : لا تُزَوِّجها إِلَا مِمَّن هُوَ عَلَی رَأیِهَا وَتَزوِیجُ المَرأَهِ (الَّتِی) لَیسَت بِنَاصِبَهٍ لا بَأسَ بِهِ . (۲) همسرم خواهر مسلمانی دارد که دختر فهمیده ای است ، و در بصره ، کسی که مناسب او باشد وجود ندارد. نظر شما چیست که او را به عقد یکی از مردم عادی ، درآورم؟ امام فرمود : جز با فردی که خودش نظر موافقی نسبت به او دارد ، او را تزویج نکنید .

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۷ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۹۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۷۸ .

۲- .النوادر ، اشعری ، ص ۱۳۱ ح ۳۳۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۳۷۸ .

ص: ۷۹

د . زیبادوستی

اشاره

این مسئله ، در مورد پسران هم صادق است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: مادر و پدرم ، دختری را برای همسری با من انتخاب کرده اند ؛ ولی من ، دختر دیگری را دوست دارم . با کدام یک از آنها ازدواج کنم ؟ امام فرمود : تَزَوَّجِ الَّتِی هَوِیتَ وَدَعِ الَّتِی یَهوَی أَبوَاکَ . (۱) با آن کسی که او را دوست داری ازدواج کن و از آن کسی که پدر و مادرت دوست می دارند ، صرف نظر کن . تأکید بر این اصل ، از دو جهت است : اوّل این که انسان ، با کسی که به او تمایل ندارد، انس پیدا نمی کند ؛ دوم این که اجبار انسان به انجام دادن کار ، باعث ایجاد نفرت نسبت به آن کار می شود، طوری که فردی دیگر ، به فواید و جنبه های مثبت آن نمی اندیشد و آن را تماماً مضرّ و تن فرآور تصوّر می کند، حتی اگر فردی که وی با او ازدواج کرده ، از بهترین ها باشد ؛ امّا چون از روی اجبار بوده ، نمی تواند با او مأنوس شود، مگر این که به مرور ، جنبه اجبار ، کم رنگ شود و توجّه او به جنبه های دیگر جلب شود، که این اتفاق نیز معمولاً رخ نمی دهد.

د . زیبادوستیآدمی با علم حضوری، تمایل و گرایش فطری و طبیعی خود را به زیبایی درک می کند. روان شناسان نیز زیبادوستی انسان را امری سرشتی می دانند و در متون دینی، ضمن پرداختن به زیبایی های ظاهری و معنوی، بر توجّه به زیبایی های طبیعی خود و دیگران در برقراری ارتباط و معاشرت با آنها تأکید شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن جلب توجّه افراد به جوانی و جمال طبیعی خودشان، بر افزایش آن ، توصیه داشته ، می فرماید : اختَضِبُوا بِالحِنَّاءِ ، فَإِنَّهُ یُزِیدُ فِی شَبَابِکُم وَ جَمَالِکُم . (۲) با حنا خضاب کنید (خود را بیارایید) ؛ زیرا که به جوانی و زیبایی شما می افزاید.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۰۱ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۹۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۹۳ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۸۲ ؛ کنز العمّال ، ج ۶ ، ص ۶۶۶ .

ص: ۸۰

اصول مرتبط با مبنای چهارم

اشاره

نیز آن حضـرت، به منظور ارضای نیاز طبیعی افراد به زیبایی ها ، درباره همسـریابی و زندگی و معاشرت می فرماید : عَلَیکُم بِالوُجُوهِ المِلاحِ وَ الحَدَقِ السُّودِ . (۱) بر شـما باد با زیبارویان نمکینْ چهره و مشکین چشم ، معاشرت کنید. تمایل به زیبایی و آراستگی ، در طول زنـدگی هر فردی وجود دارد ؛ ولی در دوره نوجوانی و جوانی ، نمود بیشتری دارد . از طرف دیگر ، توجّه به جنس مخالف و جلب نظر او ، باعث می شود که بیشتر به این مسئله اهمّیت دهند. این امر ، به ایجاد این توهّم غلط در والدین می انجامد که نوجوان آنها ، صـرفاً به منظور جلب توجّه جنس مخالف ، به زیبایی خود توجّه می کنند . لذا احیاناً به منظور امر به معروف و نهی از منکر و گـاهی برای نهی از تجمّـل گرایی و ... از در مخـالفت و سـتیز بـا نوجـوان ، وارد می شونـد کـه ایـن امر ، به درگیری بین والـدین و نوجوان می انجامد . والدین ، شکایت می کنند که فرزندان آنها منحرف شده اند و در راه های نادرست افتاده اند و نوجوانان از این گله مندنـد که والـدین ، نیازهای آنها را درک نمی کننـد و... در صورتی که والـدین بایـد توجّه کنند که نیاز به زیبایی و زیبا جلوه دادن، از جمله نیازهای طبیعی ای است که در همه سـنین وجود دارد و حتی در بزرگ سالی نیز ادامه پیـدا می کنـد و فقط در دوره نوجوانی ، شدّت آن بیشتر است . والدین باید بدانند که آراستگی جوانان ، به منظور «اغواگری» نیست . بنا بر این ، باید به دنبال راه هـایی باشـند که این نیـاز نوجوان و جوان ، در قـالبی صـحیح ارضا شود تا هم او راضـی شود و هم این نیاز برای اغواگری جنسـی ، مورد استفاده قرار نگیرد.

اصول مرتبط با مبنای چهارمبا توجّه به مبنای زیبادوستی (مبنای چهارم) ، باید در روند تربیت جنسی ، به اصول زیر توجّه شود :

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۳۱۲ ؛ مستدرک سفینه البحار ، ج ۲ ، ص ۲۴۸ .

ص: ۸۱

۱ . اصل توجّه به زیبایی های خویش

۱ . اصل توجّه به زیبایی های خویشاز آن جهت که زیبادوستی ، یک استعداد و تمایل فطری و طبیعی است که خداوند حکیم ، آن را در وجود بشر سرشته است و فعل خدا هم بدون هدف نیست ، باید این تمایل و استعداد ، پرورش یابد و با جهت دهی آن به سوی اهداف در نظر گرفته شده آفرینش، رشد پیدا کند. شناسایی و توجّه هر یک از دختر و پسر به زیبایی های گوناگون جسمی و روانی خود و شناخت زیبایی و هنرمندی خدا در خویشتن، شناخت نشانه ای از زیبایی های خلقت پروردگار است که هر انسانی می باید از آن بهره مند باشد. لازمه خردمندی انسان ، این است که زیبایی ها و ظرافت های موجود در چینش و ساختار وجودی خویش را شناسایی کند و زیبایی آفرینش خدا را در خویش مشاهده نماید . وی باید باور کند که در راستای اهداف نظام هستی و موقعیت آفرینشی وی در این نظام و با توجّه به جنبه های گوناگون زیبایی در هر فرد، زیبا آفریده شده است و بهترین و نیکوترین مخلوق خداوندی محسوب می گردد و به دلیل زیبایی آفرینش اوست که خداوند ، خود را «احسن الخالقین» (۱) خوانده و به خود تبریک گفته است . توجّه به زیبایی های خویش و آشکار ساختن و بهره مندی از آن، از اموری است که خداوند ، آنها را دوست دارد. امام صادق علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود : إِنَّ اللّهَ جَمِیلٌ یُحِبُّ الجَمَالَ وَ یُحِبُّ أن یَرَی أَثَرَ النِّعمَهِ عَلَی عَبدِهِ . (۲) خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت های زیبایی را که عطا کرده ، بر بنده اش مشاهده نماید. امام رضا علیه السلام نیز فرمود : إِذَا أَنعَمَ اللّهُ عَلَی عَبدِهِ بِنِعمَهٍ أَحَبَّ أن یَرَاهَا عَلَیهِ لِأَنَّهُ جَمِیلٌ یُحِبُّ الجَمَالَ . (۳)

.

۱- .ر. ک : سوره مؤمنون ، آیه ۱۴ .

۲- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۳۸ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۵ .

۳- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۳۸ ، ح ۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۵ .

ص: ۸۲

هنگامی که خداونـد به بنـده اش نعمتی می دهـد ، دوست دارد آن را بر بنـده اش مشاهـده کنـد ؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. بنا بر این ، لازم است به زیبایی های خـدادادی توجّه کرد و آنها را در وجود خود پـذیرفت و به آن افتخار کرد و حتی با آراسـتگی و مشاهـده زیبایی های خویش، از آثار روانی عاطفی آن برخوردار گردیـد. با اجرای این اصل و شـناسایی زیبایی های هر یـک از دختـر و پسـر در خـویش، فرد ، نسـبت بـه خـود، نگرش مثبـت پیـدا می کنـد، اعتمـاد به نفسـش بالاـ می رود ، احسـاس ارزشـمندی می نماید و در ارتباط با دیگران ، احساس کمبود نمی کند از این رو ، نسبت به بسیاری از انحرافات (از جمله انحراف جنسـی) مصـونیت می یابـد ، مرتکب رفتارهـای نـابه هنجـار جنسـی نمی شـود و از آراسـتن هـای افراطی پرهیز می نمایـد. احسـاس ارزشمندی و خودباوری در چنین فردی ، باعث می شود که او نسبت به زندگی آینده خود خوشبین باشد و درباره آن، با خردمندی و صبر و حوصـله تصـمیم بگیرد ؛ برخلاف کسـی که به جنبه های گوناگون هستی و زیبایی های خویش پی نمی برد و خود را زیبا نمی دانـد و نگرش مثبتی نسبت به خود نـدارد، احسـاس حقـارت و پستی می کنـد و در مقـایسه بـا دیگران ، آنهـا را از خود برتر، توانمنـدتر و موفّق تر می داند. چنین فردی ، آینده زندگی خویش را مبهم و تاریک می بیند، تصـمیم گیری های خردمندانه ندارد ، درباره زنـدگی مشترک خود با دیگری ، به شـرایط نامطلوب تن می دهد و آرامش و خوش بختی را از خود و یا دیگری سـلب می کنـد. این گـونه افراد ، به دلیـل پسـتی و نازیبـایی ای که در خـود احسـاس می کننـد، از انجـام دادن رفتارهـای نـابه هنجـار، (بـویژه رفتارهـای نـابه هنجـار جنسـی) مصون نمی مانـد. امـام صادق علیه السـلام منشأ انحراف ها و گمراهی ها و انجام دادن رفتارهای نابه هنجار را همین احساس حقارت و پستی در افراد می داند و می فرماید : مَا مِن أَحَدٍ یَتِیهُ إِلَا مِن ذلَّهٍ یَجِدُهَا فِی نَفسِهِ . (۱)

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۳۱۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۳ ، ص ۲۲۵ ، ح ۱۷ .

ص: ۸۳

۲ . اصل پرهیز از تبرّج

هیـچ کسـی به ورطه گمراهی و سـرگردانی نمی افتد، مگر به دلیل احساس پستی ای که در خودش می یابد. همچنین در منشأ بودن احسـاس حقـارت برای رفتـار تکبّرآمیز و زورگویی به دیگران می فرمایـد : مَا مِن رَجُلٍ تَکَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ إِلَا لِـتِذِلَّهٍ وَجَـدَها فِی نَفسِهِ . (۱) هیـچ فردی ، تکبّر نمی ورزد و بـا زورگـویی بـا کسـی رفتـار نمی کنـد ، مگر آن که این رفتارهـا از پسـتی ای است که در خودش احساس می کند.

۲ . اصل پرهیز از تبرّجزیبایی ها موجب جاذبه میان انسان ها می شوند و روند ارتباط را تسـهیل می کنند و می توانند شـهوت جنسی را برانگیزنـد و موجب ارتباط جنسـی نیز شونـد . از این رو ، در مواردی که روابط جنسـی منع شده اند ، باید از خودآرایی و نمایان ساختن زیبایی های خود پرهیز نمود . این امر ، به عفّت و خویشـتنداری جنسی جوانان ، کمک شایانی می نماید و از تحریکات نابه جای جنسـی آنها جلوگیری می کند . بسـیاری از آموزه های دین در قلمرو تربیت جنسـی ، بر همین اصلْ اسـتوار است که به جهت کثرت ، تنهـا به سـرفصل هـای آنهـا اشاره می گردد . بحث حجاب و پوشـش که آیات و روایات فراوانی درباره آن وارد شـده ، بر همین منطقْ اسـتوار است . پوشش مناسب ، زیبایی های تحریک کننده را از دید نامحرمْ پنهان می سازد و بدین سان ، زمینه انحراف جنسـی را از میان می بَرَد . نهی از آراسـتن خود برای فرد نامحرم نیز در همین راسـتا قابل تحلیل است ؛ همچنین نهی استفاده از عطر در برخورد بـا نـامحرم . تمایـل فطری انسـان به بوی خوش ، می توانـد زمینه ارتبـاط بـا نـامحرم را فراهم آورد . از این رو ، اسـتفاده نکردن از عطر در برخورد با نامحرم ، این احتمال را از میان می بَرَد .

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۳۱۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۳ ، ص ۲۲۵ ، ح ۱۷ .

ص: ۸۴

۳ . اصل توجّه زوجین به زیبایی های یکدیگر

از سوی دیگر ، پرهیز از سخن گفتن همراه با ناز و عشوه نیز به خاطر جلوگیری از تحریک جنسی است . انسان ، طبیعتا به سمت صدای خوش و سپس صاحب صدا جذب می شود . از این رو ، اگر در روابط با نامحرم ، این واقعیت ، مورد توجّه قرار نگیرد ، زمینه ارتباط ناسالم جنسی را فراهم خواهد ساخت . گذشته از اینها ، نوع برخوردها و رفتارها نیز تعیین کننده اند . برخی رفتارهای به ظاهر زیبا و یا حرکات موزون ، می تواند طبع زیبا ، پسند انسان را تحریک کند و زمینه ارتباط ناسالم جنسی را فراهم آورد . از این رو ، در آموزه های دینی ، بر رفتار با وقار و همراه با حیا و پرهیز از انجام دادن حرکات موزون در برابر نامحرم تأکید شده است . در برابر محرم غیر شوهر نیز تبرّج (خودنمایی) ، از آن جهت که ممکن است به روابط ناسالم جنسی بینجامد ، مورد توجّه است . البته برای شوهر ، بر استفاده از همه زیبایی ها تأکید شده است و خودنمایی ای ، که زمینه روابط جنسی بهتر را فراهم می سازد ، سفارش شده است . بنا بر این ، زیبایی های جنسی باید در قالب ازدواج هدایت شوند و از انحراف آن پیشگیری گردد تا به زیبایی بالاتر و ارزشمندتر دیگری به نام «عفّت» ضربه وارد نشود . از همین رو باید از شکل گیری زیبایی های تحریک کننده جنسی جلوگیری کرد و از دیدن زیبایی هایی که می تواند زمینه تحریک جنسی و سپس انحراف جنسی را فراهم آورد ، خودداری نمود . در چنین مواردی ، کنترل نگاه ، عامل بسیار مؤثّری برای جلوگیری از تحریکات جنسی است . آیات و روایات فراوانی که بر کنترل نگاه تأکید کرده و به بیان زیان های نگاه نادرست و فواید فرو بستن چشم از نامحرم پرداخته اند ، همگی بر همین مبنا استوارند .

۳ . اصل توجّه زوجین به زیبایی های یکدیگراز جمله اصول تربیت جنسی که زیبادوستی فطری ، مبنای آن است ، توجّه زوجین به مجموعه زیبایی های جسمی و روانی یکدیگر است. توجّه همسران به زیبایی های یکدیگر، علاوه بر این که موجب کشف نشانه هایی از هنرمندی،

.

ص: ۸۵

.

ص: ۸۶

.

ص: ۸۷

است ، به شکل جدّی ، توجّه نشده است. در ادامه ، برخی از این احادیث را بیان می کنیم: فردی از امام کاظم علیه السلام پرسید که آیا ایشان خضاب می کند؟ و امام در پاسخ فرمود : نَعَم بِالحِنَّاءِ وَالکَتَمِ ، أَمَا عَلِمتَ أَنَّ فِی ذَلِکَ لَأَجرَا إِنَّهَا تُحِبُّ أن تَرَی مِنکَ مِثلَ الَّذِی تُحِبُّ أَن تَرَی مِنهَا وَلَقَد خَرَجنَ نِسَاءٌ مِنَ العَفَافِ ... . (۱) بله ! با حنا و وسمه چرا که آراستگی مرد ، عفّت زنان را زیاد می کند و چه بسیار زنانی که به خاطر بی توجّهی شوهرانشان به آراستگی و زیبایی خود، عفّت خود را از دست داده اند. این حدیث اولاً ، سیره عملی امام علیه السلام در معاشرت خانوادگی را نشان می دهد که ایشان با توجّه به مقام بالای دینی خود (که از هر عارفی ، عارف تر و از هر زاهدی ، زاهدتر بودند) ، نسبت به وظایف خانوادگی و نیازهای همسرشان غفلت نمی کردند ؛ بلکه در جایگاه یک عابد، عابد کامل بودند و در جایگاه همسر ، یک همسر وظیفه شناس . باید دانست که وظیفه ، صرفاً تأمین معاش و نفقه نیست ؛ بلکه یک همسر واقعی ، همان طور که انتظار دارد همسرش نیازهای او را برآورد ، او نیز باید به تأمین نیازهای مختلف همسرش بپردازد. ثانیاً ، این حقیقت باید تأکید شود که زیبایی شوهر و آراستگی او، برای زن ، مهم است و مرد باید به آن ، توجّه کند تا میل به زیبایی بینی زن ، اشباع شود. این امر ، نشان دهنده این است که بی توجّهی مرد به این مسئله ، در روحیه و علاقه زن نسبت به شوهرش ، تأثیر منفی دارد و حتّی ممکن است که او را از شوهر خویش متنفّر سازد و وی را به سمت مردان دیگر بکشاند. امام باقر علیه السلام نیز این میل زن را (با توجّه به روان شناسی زن) چنین بیان می فرماید : النِّسَاءُ یُحِبِبنَ أَن یَرَینَ الرَّجُلَ فِی مِثلِ مَا یُحِبُّ الرَّجُلِ أَن یَرَی فِیهِ النِّساءُ مِنَ الزِّینَهِ . (۲) زنان ، دوست دارند که همسر خود را در زینت ببینند، همان طور که مرد دوست

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۸۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۱۰۲ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۸۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۱۰۱ .

ص: ۸۸

دارد که زن خود را در زینت ببیند. سپس امام فرمود : «آیا دوست داری او را مثل خودت که نامرتب هستی ببینی؟» . در ادامه ، امام علیه السلام می فرماید : پاکیزگی، استعمال بوی خوش، کوتاه کردن مو و نزدیکی کردن با همسر ، از اخلاق پیامبران است. امام باقر علیه السلام با این بیان ، اولاً ، به مردان ، این پیام را می دهد که نباید فقط از روی خودخواهی ، به ارضای نیازهای خود بپردازند و انتظار داشته باشند که همسر آنها همواره تمیز و آراسته و مرتّب باشد و طوری برخورد کنند که گویی وظیفه زن است که خود را زیبا سازد و مردها فقط باید لذّت ببرند ووظیفه متقابلی ندارند ؛ بلکه به این مسئله توجّه کنند که همان طور که آنها دوست ندارند همسر خود را نامرتّب ببینند ، همسر آنها نیز همین حس متقابل را دارد . ثانیا ، امام تأکید می کند که آراستگی ، تمیزی ، خوشبویی و آمیزش ، نه تنها با مؤمن بودن و زاهد بودن ، منافاتی ندارد ، بلکه پیامبران که الگوی مؤمنان هستند نیز به این امور توجّه می کنند . از آن جا که آراستگی و پاکیزگی، زیبایی های فرد را در برابر دیگری نمودار می سازد، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به مردان می فرماید : إغتَسِلُوا ثِيَابَكُم ، وَخُذُوا مِن شُعُورِكُم وَاستَاكُوا وَتَزَيَّنُوا وَتَنَظَّفُوا، فَإِنَّ بَنِي إِسرَائِيلَ لَم يَكُونُوا يَفعَلُونَ ذَلِكَ فَزَنَت نِسَاؤُهُم . (۱) لباس های تمیز بپوشید، موهای خود را کوتاه کنید ، مسواک بزنید و خود را تمیز و زیبا کنید ؛ چرا که مردان بنی اسرائیل از اینها خودداری کردند ، پس زنان آنها دچار روابط نامشروع شدند. در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : لِيَتَهَيَّأ أَحَدُكُم لِزَوجَتِهِ كَمَا يُحِبُّ أَن تَتَهَيَّأَ زَوجَتُهُ لَهُ، قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام : يَعنِي التَّنَظُّفَ . (۲)

.

۱- .جامع الصغير ، ج ۱ ، ص ۱۸۴ ؛ كنز العمّال ، ج ۶ ، ص ۶۴۰ .

۲- .دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۲۱۰ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۹۶ .

ص: ۸۹

ه . نیاز به محبّت

اشاره

بر شما باد که برای همسر خود آماده شوید ، همان طور که همسرانتان برای شما آماده می شوند . امام صادق فرمود : یعنی با پاکیزگی آماده شود. در لغت ، «هیّأ» هم به معنای آماده کردن است و هم به معنای زینت دادن. بنا بر این ، معنای «یتهیّأ» در روایت، هم می تواند آمادگی باشد و هم زینت کردن و مراد از آمادگی هم فراهم کردن مقدّمات تحریک جنسی برای انجام دادن عمل آمیزش است. به هرحال در این حدیث ، پاکیزگی ، عاملی برای زیبایی یا آمادگی روحی (تمایل روحی زن به شوهر) ، معرّفی شده است. از مجموع این احادیث ، چنین برداشت می شود که : ۱ . زینت کردن و پاکیزگی زن و مرد برای یکدیگر ، از جمله محرّک های آنان به شکوفایی تمایل فطری آنها به زیبایی است ؛ ۲ . زن ، به پاکیزگی ، زینت، بوی خوب و آراسته بودن موهای مرد نیاز دارد ؛ ۳ . آراستگی، تمیز بودن و مرتّب بودن مرد، زن را به او متمایل می سازد و او را از نظر جنسی ، آماده می کند ؛ ۴ . بی توجّهی شوهر به آراستگی و پاکیزگی خود، همسرش را از او متنفّر می سازد و دل زن ، جذب مردان دیگر می شود تا حدّی که ممکن است از راه عفّت ، به در رود ؛ ۵ . عفّت در زنان ، با ارضای نیازهای طبیعی (از جمله زیباخواهی) آنان تأمین می شود ؛ ۶ . پاکیزگی مرد و آراسته بودن و خوشبو بودن او علاوه بر این که میل زن به آراستگی و پاکیزگی را ارضا می کند، نشانه توجّه مرد به زن است و از این رو ، نیاز زن به «مورد توجّه بودن» را نیز ارضا می کند.

ه . نیاز به محبّتتمایل آدمی به محبّت کردن و مورد محبّت دیگران قرار گرفتن، گرایشی فطری است که هر فردی ، آن را در خود، می یابد و تا فرد از فطرت و طبیعت خود بیگانه نگردد، این ویژگی ، در وجودش با علم حضوری ، احساس می شود. در متون حدیثی ، با توجّه به این تمایل فطری و طبیعی ، به اهمّیت و لزوم پرورش و رشد این تمایل پرداخته شده ، نقش آن در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و

.

ص: ۹۰

حیات معنوی ، تبیین شده و گستره آن به همه مردم ، مورد توصیه قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام با اشاره به اثر معنوی و مادی محبّت انسان ها نسبت به یکدیگر می فرماید : إِنَّ أَهلَ الأَرضِ لَمَرحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَ أَدَّوا الأَمَانَهَ وَ عَمِلُوا الحَقَّ . (۱) به درستی که اهل زمین ، به صورت مستمر در رحمت (مادی و معنوی) خداوند خواهند بود، مادامی که یکدیگر را دوست داشته باشند و امانتدار و عامل به حق باشند. امام علی علیه السلام می فرماید : أبلَغُ مَا تُستَدَرُّ بِهِ الرَّحمَهُ أن تَضمُرَ لِجَمِیعِ النَّاسِ الرَّحمَهَ . (۲) رساترین چیزی که می توانی با آن ، رحمت الهی را به خود جلب کنی، این است که در باطن ، با همه مردم ، مهربان باشی . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبّت عملی و رفتاری را که منشأ آن ، محبّت درونی و گرایش طبیعی به دوست داشتن است سرآمد رفتارهای عاقلانه می داند و می فرماید : رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمَانِ بِاللّهِ، التَّوَدُّدُ إِلَی النَّاسِ وَاصطِنَاعُ الخَیرِ إِلَی کُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ . (۳) سرآمد تمام اعمال عاقلانه ، بعد از تدّین به دین الهی، بشردوستی و نیکی به همه مردم است، خواه خوب و درستکار باشند یا فاسق و گناهکار. امام باقر علیه السلام تدّین به دین الهی را جزو محبّت نمی داند و می فرماید : هَل الدِّینُ إِلَا الحُبُّ ؟ (۴) آیا دین ، غیر از حبّ و دوستی است؟ بنا بر این ، نیاز به محبّت، یک نیاز نخستین است که به خودی خود، استقلال دارد ،

.

۱- .مشکاه الأنوار ، ص ۱۰۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۱۱۷ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۸۷۶ ، ح ۳۳۵۳ ؛ میزان الحکمه ، ج ۴ ، ص ۲۰۰۴ .

۳- .عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۳۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۹۵ .

۴- .الخصال ، ص ۲۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۹ ، ص ۲۳۷ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۰ .

ص: ۹۱

نه نیاز ثانویه که از نیازهای دیگر مشتق شده باشد، گرچه فروید ، آن را یک نیاز ثانویه می داند که منتج از نیاز به تغذیه است ؛ امّا جان بالبی (روان شناس) ، با آزمایش و برهان علمی ، ثابت کرد که نیاز به محبّت، یک نیاز نخستین است و از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است ؛ نیازی اساسی که برای تحول شخصیت ، لازم است . (۱) مزلو ، نیاز به محبّت و عشق را در سلسله نیازها، پس از نیازهای فیزیولوژیک (جسمی) و نیاز به امنیت ، مطرح کرده و معتقد است که در امر تربیت باید به آن پرداخت وگر نه ، عدم ارضای آن، دو نتیجه در پی خواهد داشت : ۱ . فرد ، همواره در جستجوی راهی برای تأمین این نیاز خواهد بود ؛ ۲ . قادر به دوست داشتن و ابراز دوستی به دیگران نخواهد بود. (۲) این دو نتیجه در امر تربیت ، بسیار اهمیت پیدا می کنند. نتیجه اول ، این هشدار را به والدین می دهد که : اگر نیاز به محبّت کودکشان را به نحو مطلوبی ارضا نکنند ، او به کوچک ترین ابراز محبّتی ، پاسخ مثبت می دهد و چه بسا دچار روابط نامشروع و انحرافات جنسی شود ! نتیجه دوم نیز این پیام را می دهد که : افرادی که نیازهای آنها به محبّت ارضا نشود ، در بزرگ سالی و در زندگی زناشویی ، توان ابراز محبّت به همسر و فرزندان خود را نخواهند داشت ؛ زیرا مهرورزی و محبّت ، اگرچه غریزی است ، امّا رفتار مرتبط با آن ، اکتسابی و آموختنی است. (۳)

.

۱- .روان شناسی ژنتیک ، ج ۱ ، ص۱۵۱ .

۲- .ر. ک : انگیزش و شخصیت ، ص ۷۹ .

۳- .این مسئله ، در آزمایشی که بر میمون ها انجام شد ، قابل اثبات است . میمون هایی که از کودکی ، از مادر خود جدا شدند و با مادران عروسکی ، بزرگ شدند ، بعدها به ندرت ، روابط متقابل سالمی با دیگر میمون ها برقرار کردند و واکنش های جنسی نامناسبی از خود نشان دادند . وقتی که میمون های مادینه ای که از تماس های اجتماعی اوّلیه ، محروم مانده بودند ، موفّق به جفت گیری شدند ، مادرهای بی کفایتی از آب در آمدند که یا به بچّه های خود توجّه نداشتند و یا با آنها بدرفتاری می کردند (ر. ک : زمینه روان شناسی ، ج ۱ ، ص ۱۳۹) . اگر چه تعمیم دادن نتایج آزمایش های میمون ها به انسان ها باید با احتیاط انجام شود ، امّا شواهد نشان می دهد که دلبستگی طفل به مادرش ، نقش مهم و مشابهی دارد.

ص: ۹۲

اصول مرتبط با مبنای پنجم

۱ . پیشگیری از محبّت جنسی زودهنگام

اصول مرتبط با مبنای پنجماز آن جا که از مهم ترین نشانه ها برای تمایل فطری آدمی به محبّت کردن و مورد محبّت قرار گرفتن (مبنای پنجم)، رفتارهای محبّتی جنسی است و معمولاً ـ به صورت طبیعی با محبّت، انس و الفت به جنس مخالف و به صورت غیر طبیعی با جنس موافق، همراه است ، باید در روند تربیت جنسی ، به اصول زیر توجّه کرد :

۱ . پیشگیری از محبّت جنسی زودهنگامبرای پاسخ دادن به نیاز طبیعی محبّت و پیشگیری از روابط جنسیِ محبّتی قبل از ازدواج، باید والدین با مهرورزی به کودکان و نوجوانان و زمینه سازی برای محبّت کردن آنان به دیگران، در جهت رشد مطلوب این خواسته طبیعی اقدام کنند و زمینه احساس کمبود محبّت را از بین ببرند تا مبادا فرزندانشان برای جبران آن ، به روابط جنسی زودهنگام و یا انحرافی روی آورند. امام صادق علیه السلام ضمن توصیه به شدّت محبّت نسبت به فرزند و اثر روانی آن بر پیشگیری از انحراف فرزند می فرماید : إِنَّ اللّهَ عز و جل لَیَرحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّهِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ . (۱) خداوند متعال ، به دلیل شدّت حبّ انسان نسبت به فرزندش به او رحم می کند. رحمت خداوند ، شامل رحمت های دنیوی و اخروی (هر دو) است . از جمله رحمت های خدا به بنده اش، صالح و شایسته شدن فرزند و عدم انحراف اعتقادی، عاطفی و رفتاری اوست که مایه آبرو، اعتبار و افتخار والدین در زندگی اجتماعی است و به دلیل محبّت به فرزند و تأثیرات روانی عاطفی آن بر فرزند و شایسته

.

۱- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۵۰ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۸۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۶۰ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۹ .

ص: ۹۳

۲ . اصل لزوم تبلور محبّت در روابط زوجین

پرورش یافتن او، محبّت کننده و مسبّب این شایستگی ها ، از ثواب اخروی خداوند نیز برخوردار می گردد.

۲ . اصل لزوم تبلور محبّت در روابط زوجیناقتضای نیاز طبیعی و فطری آدمی به دوست داشتن و دوست داشته شدن، این است که در همه مراحل رشد و زندگی، به آن توجّه شود و به مقتضای موقعیت رشدی در دوره های مختلف، به گونه ای آن نیاز ، ارضا گردد. چنین نیست که ارضای نیاز به محبّت در دوره کودکی از سوی والدین، نیاز محبّتیِ کودک و نوجوان را نسبت به دوستان، همسالان و ... نیز ارضا کند و دیگر کودک و نوجوانِ ارضا شده از سوی محبّت والدین، نیازی به محبّت دیگران نداشته باشد. درست است که ارضای سلسله نیازها در دوره کودکی ، باعث می شود که کودک ، شخصیت به هنجاری پیدا کند و نسبت به محرومیت این نیاز در بزرگ سالی ، تحمّل بیشتری از خود نشان دهد ، امّا باید توجّه داشت که نیاز به محبّت ، اختصاص به دوره کودکی ندارد ؛ بلکه در همه مقاطع رشدی ، این نیاز وجود دارد و باید به تناسب دوره ، سن ، ضوابط اجتماعی و تمایلات فردی، ارضا گردد. از جمله موارد ارضای نیاز به محبّت ، در ارتباط با «روابط جنسی زوجین» است که باید این نیاز ، به شکل کامل ، ارضا شود وگر نه، زندگی زناشویی ، دوام پیدا نمی کند. لازم به توجّه است که نیاز به محبّت زوجین، همان نیاز جنسی نیست و بین ارضای نیاز به محبّت و ارضای نیاز جنسی ، فرق است ؛ بلکه میل جنسی ، از میل به محبّت ، متمایز است و هر دو باید ارضا شوند. روان شناسانِ پس از فروید ، به خوبی ، این تمایز را آشکار می سازند و می نویسند : عشق ، به معنای میل جنسی نیست. میل جنسی را می توان صرفاً به عنوان یک نیاز فیزیولوژیک ، مطالعه کرد، ولی محبّت و عشق، یک نیاز فیزیولوژیک نیست ؛ بلکه در رفتار جنسی ، معمولاً عوامل تعیین کننده بسیاری دخیل است که عمده آنها نیاز به

.

ص: ۹۴

عشق و محبّت است ؛ یعنی در رفتار جنسی ، چه بسا هر دو نیاز ، ارضا می شود. این حقیقت را نیز نباید نادیده گرفت که نیاز به محبّت ، شامل دوست داشتن و دوست داشته شدن می شود . (۱) آلفرد آدلر نیز عشق را یکی از تمایلات عالی انسان می داند و آن را از غریزه جنسی که از یک کشاننده غریزی است جدا می داند. (۲) دکتر رنه آلندی نیز عقیده دارد که : عشق، ابداً به کشش تناسلی محدود نمی شود ؛ بلکه یکی از نیروهای به هم پیوستگی است که در همه مراتب طبیعت ، برای گردآوری عناصر، به صورت ترکیب هایی که فردیت یافته اند، بروفق فرآیند نوعی و نمونه وار زندگی، در کار است . (۳) البته مسئولیت مردان در این زمینه ، سنگین تر است ؛ زیرا از طرفی ، نیاز زنان به دریافت محبّت و مشاهده رفتار عملیِ دالّ بر آن ، بیش از مردان است و از طرف دیگر ، مردان ، کمتر از زنان ، به این رفتارها آگاهی دارند و آنها را ابراز می کنند ؛ در صورتی که زنان ، به علّت طبیعت عاطفی ای که دارند ، بیشتر ، این رفتارها را ابراز می کنند ، امّا متأسفانه ، آنها را کمتر دریافت می کنند. لذا در روایات ، مکرراً به مردانْ سفارش شده که به زنان محبّت کنند و عشق و علاقه خود را ابراز دارند. امام صادق علیه السلام می فرماید : کُلُّ مَن اشتَدَّ لَنَا حُبّاً اشتَدَّ لِلنِّساءِ حُبّاً . (۴) هرکس علاقه اش به ما شدیدتر می شود، علاقه او به زنان نیز شدیدتر می گردد. احتمالاً این تأکیدی که معصومان علیهم السلام بر محبّت به زن و علاقه به او داشته اند و مکرراً آن را نشانه ایمان و از اخلاق پیامبران معرفی کرده اند ، به دو دلیل است : اوّل ،

.

۱- .روان شناسی شخصیت ، ص ۸۱ .

۲- .ر. ک : سیکولوجیتک فی الحیاه کیف تحیاها ، ص ۱۶۲ .

۳- .عشق ، ص ۹ .

۴- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴ ، ح ۱۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۶ ، ص ۲۸۷ .

ص: ۹۵

این که نگرش منفی نسبت به زن را تغییر دهند و او را از جسمی برای تخلیه هیجان جنسی ، به موجودی محترم و شایسته محبّت معرفی کنند ؛ دوم ، با احادیث «دوست داشتن زنان» اهمّیت علاقه و محبّت به زن و نقش آن در استحکام زندگی خانوادگی و دلبستگی زن به شوهر و خانواده اش را نشان دهند .

.

ص: ۹۶

. .

ص: ۹۷

بخش دوم : شیوه های آموزش و تربیت جنسی

اشاره

بخش دوم : شیوه های آموزش و تربیت جنسی

.

ص: ۹۸

. .

ص: ۹۹

مقدّمه

مقدّمهشیوه های آموزش و تربیت صحیح و چگونگی رفتار با فرزندان، همواره یکی از مسائل مورد توجّه والدین دلسوز و متعهّد و معلّمان و مربّیان مسئول بوده است. این مسئله، همیشه مهم تلقّی می شده است ، چه در دوره هایی که تربیت ، امری ساده بوده و چه در دوره هایی که پیچیده و دشوار دانسته می شده است . البته طبیعی است که در دوره هایی که به مانند امروز، تربیت ، (بویژه تربیت جنسی کودکان و نوجوانان) ، نیاز به اعمال ظرافت ها و شیوه های کاربردی ویژه دارد و والدین ، از عهده آن بر نمی آیند ، احساس نیاز به آموزش آن شیوه ها بیشتر است. تبیین و توضیح و آموزش شیوه های صحیح تربیت جنسی و چگونگی برخورد با فرزند در متون حدیثی، پاسخی به آن نیازهاست. امروزه با توجّه به زمینه های وسیع انحراف (بویژه انحراف جنسی) از طریق عواملی مانند : تلویزیون، سینما، اینترنت و ماهواره و شدّت تأثیرپذیری کودکان، نوجوانان و جوانان از این عوامل، ضرورت توجّه به شیوه های کاربردی تربیت صحیح و عوامل پیشگیری از انحراف، بیشتر شده است . در این فضا ، مراجعه به احادیث و تبیین شیوه های کاربردی ای که معلّمان و مربّیانِ آشنا به آموزه های الهی و آگاه از جنبه های شناختی، عاطفی و رفتاری آدمی در دوره های مختلف رشد، مطرح کرده اند ، ضرورت بیشتری پیدا کرده است. از سوی دیگر، چون تربیت، فرآیندی کلّی و دارای جنبه هایی چون : جسمی، روانی، اخلاقی، جنسی، اجتماعی و ... است ، باید مورد توجّه فراوان قرار گیرد. هماهنگی بین این ابعاد و فراهم سازی زمینه های تربیتی در مراحل گوناگون، از یک

.

ص: ۱۰۰

سو، نیاز به کسب اطّلاعات و آموزش و تجربه والدین، معلّمان و مربیان دارد و از سوی دیگر، تربیت جنسی ، چون از سخت ترین و حسّاس ترین جنبه های تربیتی است ، لازم است که با ظرافت و سازوکارهای ویژه، در مقاطع سنّی مختلف، از سوی والدین و مربّیان، پیگیری شود. تربیت جنسی ، علاوه بر رشد سالم و صحیح فرد، از انحرافات ، اختلالات و بیماری های جنسی او پیشگیری می کند. همه اینها از ضرورت پرداختن به تربیت و آموزش جنسی، حکایت دارد و با توجّه به این که جامعه اسلامی باید بر اساس نظام تربیتی اسلام تربیت شود ، کشف شیوه های آموزشی و تربیتی هماهنگ با مبانی، اهداف و اصول به دست آمده از متون دینی و سازوکارهای استخراج شده از آیات و روایات، نقطه عطف تربیتی ای در جامعه ما محسوب می گردند . باید توجّه داشت که هر نوع دانش و آگاهی ای که شخص ، به خاطر جنسیت خاص متناسب با سنّ خود و به اقتضای مرحله ای از رشد که در آن قرار دارد، و جهت تأمین سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و تعالی خویشتن و بقای نسل به آن نیازمند است ، آموزش داده شود. از آنچه گفته شد ، روشن می گردد که آموزش و تربیت جنسی ، در دو مقطع : «پیش از ازدواج» و «پس از ازدواج» مطرح می گردد . خداوند می فرماید : «وَ أَنکِحُواْ الْأَیَمَی مِنکُمْ وَ الصَّلِحِینَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَ إِمَآئِکُمْ إِن یَکُونُواْ فُقَرَآءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَ سِعٌ عَلِیمٌ * وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لَا یَجِدُونَ نِکَاحًا حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ . (۱) بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید . اگر تنگ دست اند ، خداوند ، آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خداوند ، گشایشگر داناست . و کسانی که [وسیله]زناشویی نمی یابند ، باید عفّت ورزند تا خداوند ، آنان را از فضل خویش ، بی نیاز گرداند ». این آیه ، در واقع ، منطق «ازدواج خویشتنداری» را مطرح می نماید ؛ یعنی اگر فرد

.

۱- .سوره نور ، آیه ۳۲ ۳۳ .

ص: ۱۰۱

می توانـد ازدواج نمایـد، حتما بایـد این کار را بکند ، در غیر این صورت ، خویشـتنداری را پیشه خود سازد . این خویشـتنداری ، با توجّه به شـرایط رشدی افراد ، حالت های متفاوتی به خود می گیرد . در سـنین کودکی، شـیوه تربیت جنسـی ، به گونه ای است که مقـدّمات خویشـتنداری را در سـنین بالاتر فراهم می کنـد و این کار ، بیشتر بر عهـده والـدین و مربیان است . در سـنین نوجوانی ، به دلیـل رشـد شـناختی و عـاطفی ای که رخ داده ، علاـوه بر نقش والـدین ، نوجـوان نیز می توانـد در مـدیریت مسائـل جنسـی خود ، مشارکت نماید . نوجوان در مقایسه با کودک ، باید مسـئولیت پذیری بالاتری داشـته باشد تا به سـلامت ، به آسـتانه ازدواج برسد و آن گاه به شـکلی منطقی و شـرعی ، این غریزه را ارضاء کند . البته پس از ازدواج نیز شرایطی هست که رعایت آنها باعث می شود فرد ، با پایداری بیشتری ، این نیاز مهم خود را ارضا نماید . بر همین اساس ، بحث شیوه ها را در این دو بخش کلّی پی می گیریم .

.

ص: ۱۰۲

. .

ص: ۱۰۳

فصل یکم : شیوه های تربیت جنسی پیش از ازدواج

اشاره

فصل یکم : شیوه های تربیت جنسی پیش از ازدواجیکی از مراحل مهم در تربیت جنسی ، مرحله «پیش از ازدواج» است . این مرحله برای خود ، شاخصه خاصی دارد که گرانیگاه آن «خویشتنداری» است . در واقع ، این خویشتنداری است که در صورت تحقّق آن ، ارضای نیاز جنسی نیز در دوره ازدواج ، به بهترین شکل ممکن ، انجام می یابد . به عبارت دیگر ، خویشتنداری ، شرط لازم برای ارضای مطلوب است که تنها در قالب ازدواج ، قابلیت اجرایی شدن دارد . شیوه های تربیت و آموزش جنسی پیش از ازدواج ، به دو دسته «مستقیم» و «غیر مستقیم» تقسیم می شوند . تربیت جنسی مستقیم، شامل مسائل و اموری است که مستقیماً به نقش جنسیتی دختر و پسر و وظایف ، تمایلات و رفتارهای جنسی آنها مربوط می شود ، مانند : هویت پذیری جنسی، الگویابی جنسیتی، آشنایی با وظایف هر جنس، آمادگی برای انجام دادن وظایف مادری و پدری، پرهیز از تحریکات جنسی و اموری مانند آن ؛ امّا تربیت جنسی غیر مستقیم ، شامل جنبه هایی است که به نحوی بر رفتارهای جنسی دختر و پسر ، تأثیر می گذارد ، مانند : محبّت به کودک، ارضای نیازهای روانی، پرورش فضایل اخلاقی، رشد باورهای دینی و مذهبی و اموری مانند آن . مسائل مربوط به تربیت جنسی غیر مستقیم، اگرچه جنبه عام تربیتی دارند و مستقیماً با تربیت جنسی ، مرتبط نیستند، امّا از آن جا که رشد طبیعی جنسی در دختر و پسر را تسهیل می نمایند و آنها را از انحرافات و اختلالات جنسی مصون نگه می دارند ، به

.

ص: ۱۰۴

طور غیر مستقیم ، با تربیت جنسی مرتبط اند . در اسلام ، والدین ، موظّف اند که از همان آغاز تولّد فرزند، زمینه رشد و تربیت طبیعی (از جمله : رشد و تربیت جنسی) او را فراهم سازند. دوره پیش از ازدواج ، شامل دوره های تحوّل متفاوتی است . مسائلی که برای یک نوجوان چهارده تا هجده ساله مطرح است ، از کودک شش تا ده ساله ، بسیار متفاوت است ؛ و لذا اگر چه دوره پیش از ازدواج ، دوره خویشتنداری است ، امّا یکی از مسائل مهم ، این است که ماهیت این مفهوم در دوره های مختلف سنّی ، بسیار متفاوت است ؛ اگر چه گاهی ظاهر بعضی از رفتارها شبیه هم هستند . مسئله دیگر ، نوع آموزش هاست . نوع آموزش های یک کودک ، با نوجوانی که سال های نخست نوجوانی اش را طی می کند ، تفاوت دارد . در آموزش کودکان ، بیشتر شناخت و کنترل دیگران مطرح است ؛ امّا در آموزش نوجوانان ، بیشتر ، کنترل خود ، مدّ نظر است و کنترل دیگران ، در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد ، مخصوصا مواقعی که نیاز است با بچه های بزرگ تر از خود معاشرت داشته باشند . این گونه شناخت ها بیشتر لازم اند ، بویژه تمرین «جسارت» که از آموزش های لازم برای این سنین است ؛ چرا که دو شرط لازم برای همه سنین (مخصوصا اواخر کودکی و ابتدای نوجوانی) ، ابتدا ، «درک هیجانات» و پس از آن «جسارتِ» عکس العمل مناسب در برابر دیگران است که باعث زمینه سازی بهداشت روان در حوزه تربیت جنسی می شود . البته جزئیات این مباحث را باید در آموزش های «هوش هیجانی» پی گیری کرد که بخشی از آن می تواند در خدمت تربیت جنسی قرار گیرد . با توجّه به آنچه بیان شد ، مباحث این بخش را با توجّه به تفاوت دو دوره یاد شده ، پی خواهیم گرفت .

.

ص: ۱۰۵

یکم . شیوه های مستقیم

الف . دوره کودکی

۱ . آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویّت جنسی

یکم . شیوه های مستقیمالف دوره کودکی۱ . آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویّت جنسیبرای یادگیری نقش جنسیتی و تحقّق یافتن هویّت مطلوب جنسی ، لازم است که والدین ، به عوامل و زمینه های مؤثر در ایجاد این نقش و هویّت ، توجّه کنند و در پدید آوردن آنها تلاش مناسب داشته باشند. منظور از هویّت جنسی، پذیرش ویژگی های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت ، در دو جنس ، پدیدار می گردد. از آن جا که عوامل زیستی، روانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی، حتّی نگرش های والدین، گرایش های فرهنگی آنها و نوع تربیت و برخورد آنها با پسر و دختر ، در شکل دهی هویّت فرزند مؤثّر است ، لازم است که : یک . بینش و عملکرد والدین ، از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی ، بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آنها ارزشمندند و هر یک برای تکامل و پیشرفت ، به دیگری نیازمند است. آنها نه تنها باید از تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر خودداری کنند ، بلکه باید احساس ارزشمندی جنسیتی را به آنها منتقل کنند تا کودکان بتوانند به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیتی مخالف ، به هویّت جنسی خودشان دست یابند و بتوانند در آینده ، زنان و مردان کامل و با اعتماد به نفس باشند و نقش پدری و مادری خود را نیز به خوبی ایفا کنند. لازم به توجّه است که دوره های رشد ، مانند حلقه های زنجیر به هم متصل اند و باید به ترتیب، رشد لازم را پیدا کنند وگرنه، کودک ، با مشکل روبه رو می شود. اگر

.

ص: ۱۰۶

والدین ، در مرحله کودکی نتوانند در یافتن هویت جنسیتی ، به کودک کمک کنند و برعکس ، در این راه ، خللی ایجاد کنند، آن دختر یا پسر در آینده ، با ایفای نقش زن یا مرد بودن ، مشکل پیدا خواهد کرد و در نتیجه ، زندگی زناشویی و خانوادگی او نیز مختل خواهد شد . چنین فردی ، هنگامی که دارای فرزند شود، از چند جهت ، دارای مشکل خواهد شد: مشکل هویّت جنسی (که از کودکی با او بوده) ، مشکل تغییر جنسیت و تشبّه به جنس مخالف (که یکی از ناهنجاری های جنسی است و از سوی دین ، نهی شده است) و مشکل خانوادگی (که با همسر خود خواهد داشت) و این دور معیوب ، همچنان ادامه پیدا می کند. از این رو ، ضرورت دارد که ابتدا خودِ والدین ، نسبت به جنسیت فرزندانشان نگرشی درست و عزّتمندانه داشته باشند و با پرهیز از نگرش منفی در مورد فرزندانشان و با رفتارهای متناسب با هر یک از دختر و پسر، ارزشمندی و عزّت آنها را آشکار سازند و افتخار نمایند که خداوند ، آنها را از چنین نعمت هایی برخوردار کرده است و شکرانه آن را نیز به جا آورند. در این رابطه، روایات فراوانی در متون دینی آمده که به نمونه ای از آنها بسنده می کنیم . امام صادق علیه السلام می فرماید : البَنَاتُ حَسَنَاتٌ ، وَالبَنُونُ نِعمَةٌ فَإِنَّمَا یُثَابُ عَلَی الحَسَنَاتِ وَ یُسأَلُ عَنِ النِّعمَهِ . (۱) دخترها نیکی هستند و پسرها نعمت . پس به درستی که [خداوند] بر نیکی ها پاداش می دهد و از نعمت ها سؤال می کند . اگر به فضای دخترستیز جاهلی توجّه شود ، معنای این حدیث و احادیث مشابه آن که کم هم نیستند روشن تر می شود . باید دانست که حاکمیت فرهنگ مطرح شده در حدیث ، نقش مهمّی در ایجاد هویّت جنسی کودک خواهد داشت . دو . نقش جنسیتی هر یک از فرزندانِ دختر یا پسر خود را به آنها آموزش دهند تا هویّت جنسی شان تقویت گردد. مثلاً دختر یا پسر باید بداند که جامعه ، از هر یک از آنها چه انتظاری دارد و هر کدام ، از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و ... چه نقشی را باید

.

۱- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۶ ، ح ۸ .

ص: ۱۰۷

ایفا کند و از اجرای نقش های جنس دیگر ، خودداری نماید. سه . از هر گونه تبعیض ، نسبت به فرزند دختر یا پسر باید خودداری شود. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به حفظ عزّت و ارزشمندی فرزند و عوارض روانی عملکردهای نامطلوب ، نسبت به دختر فرمود : مَن کَانَت لَهُ أُنثَی فَلَم یُؤذِهَا وَ لَم یُهنِها وَ لَم یُؤثِر وُلدَهُ عَلَیهَا أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ . (۱) کسی که فرزند دختری داشته باشد و او را اذیت نکند و توهین نکند و پسر را بر او ترجیح ندهد ، خداوند ، او را وارد بهشت می کند. در این حدیث ، چند نکته وجود دارد : الف . سه رفتار نامطلوب برخی از والدین نسبت به دخترانشان مورد توجّه قرار گرفته و از این که رفتارهایی از خود بروز دهند که دخترشان را «آزار» دهند و یا احساس «تحقیر» کنند و یا بین آنها و پسرانشان «تبعیض» روا دارند، برحذر داشته شده اند. ب . این رفتارها چون آثار نامطلوب روانی روی دختر می گذارد ، جایز نیست و چنین والدینی را جهنّمی می سازد. باندورا (۱۹۶۹ م) در مورد سبب شناسی اختلالات جنسی (از جمله مبدّل پوشی جنسی) ، معتقد است که والدین ، خودآگاه یا ناخودآگاه ، با تأکید و ارائه الگوهای جنسیتی مشخّص ، زمینه تمایل فرزندشان به پوشیدن لباس جنس مخالف و ارضای جنسی از این طریق را از کودکی ، در او پی ریزی می کنند. ج . اثر کنترل نفس و انجام ندادن این نوع رفتارها از سوی والدین، ضمانت خداوند ، برای ورود والدین به بهشت محسوب می شود. امام صادق علیه السلام در جواب کسی که از تزیین همسر و فرزندان ، با طلا و جواهر سؤال می کند ، با توجّه به آموزش نقش جنسیتی دختر و پسر ، اقدام پدر ، مبنی بر تزیین همسر و دختر و خودداری از تزیین پسر را مطلوب دانسته ، می فرماید : نَعَم النِّسَاءَ وَ الجَوَارِیَ، وَ أَمَّا الغِلمَانُ فَلَا . (۲) تزیین با طلا برای زنان و دختران ، آری ؛ امّا برای پسران ، نه !

.

۱- .سنن أبی داوود ، ج ۲ ، ص ۵۰۸ ؛ کنز العّمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۷ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۶۶ ، ص ۵۴۰ .

ص: ۱۰۸

این حدیث را می توان با توجّه به مسئله نقش جنسی تحلیل کرد . حدیث می گوید که باید از تزیین کردن پسران با طلا و جواهر ، خودداری کرد ؛ ولی فراهم کردن زمینه آرایش دختران ، با طلا و جواهر ، همانند زنان ، پسندیده است. به نظر می رسد که تأکید حدیث ، بر این است که هر کدام از دختر و پسر باید به نقش جنسی خود، آگاه شود و آن را بپذیرد تا بعدها دچار انحراف جنسی نشود. امروزه ، تحقیقات روان شناسی، در بررسی اختلالات جنسی ، به این نکته رسیده که تمامی افرادی که به انحراف «نارضایتی جنسیتی» مبتلا هستند، بدون استثنا ، در کودکی ، به آنها به چشم جنس مخالف نگریسته شده و با ظاهری متناسب با جنس مخالف، آراسته شده اند (مانی و پریمروس، ۱۹۶۸ م). از آن جا که مادر ، بهتر می تواند آموزش نقش جنسی دختر را انجام دهد ، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : آمِرُوا النِّساءَ فِی بَنَاتِهِنَّ . (۱) امور دختران را به مادران آنها واگذارید. البته برای پیشگیری از انحرافات جنسی دختر، عملکرد آموزشی و تربیتی مادر باید ضابطه مند باشد. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید : مادر ، پسر را تا چند سالگی می تواند بشوید . امام فرمود : «تا سه سالگی» . (۲) در این دو حدیث ، به الگویابی جنسیتی ای که در امر آموزش نقش جنسی ، اهمّیت فروانی دارد، توجّه شده است، دختر باید مادر را در نقش جنسی ، الگو قرار دهد و این کار ، با سپردن امور دختران به مادران (بویژه در مواردی که مختص به زنان است) ، تأمین می شود. از این رو، می توان از این حدیثْ استنباط کرد که تربیت جنسی دختر ، بیشتر به عهده مادر است و نکته قابل توجّه ، لزوم خودداری مادران از حمّام کردن پسران ، پس از سنّ سه سالگی است . این امر ، به آن جهت است که پسر در این

.

۱- .مسند أحمد ، ج ۲ ، ص ۳۴ ؛ کنزالعمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۰۹ .

۲- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۱۶۰ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۵۴ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۱ ، ص ۳۴۱ .

ص: ۱۰۹

سن، جنسیت خود و متمایز بودن از جنس مخالف را می شناسد و در تماس های مادر در حمام، ویژگی های روانی مادر را کسب می کند. تحقیقات دانشمندان نیز نشان می دهد که تفاوت های مربوط به نقش جنسی ، به مرور، آشکار می شوند. شروع تمایز جنسی اساسی کودکان ، از دو سالگی است و هویّت جنسی دختر و پسر به طور کاملاً مشخص، در سه سالگی ، از هم متمایز می شود. این بدان معناست که وقتی کودک ، به سنّ سه سالگی می رسد، کاملاً ـ خود را به عنوان پسر یا دختر می شناسد و متوجّه جنس خاص خود است . او در این سن ، به جستجوی چگونگی نقش جنسی خود می پردازد و اطّلاعات موجود در این زمینه را کسب می کند و به تدریج ، افزایش می دهد. جالب این که طبق نظریه روانکاوی، کودکان ، الگویابی جنسیتی را از طریق فرآیند همانندسازی با پدر یا مادر ، از چهار پنج سالگی آغاز می کنند. آنان ویژگی های شخصیتی زنانه یا مردانه والدین شان را درونی می کنند و بسیاری از ارزش ها و ویژگی های آنان را کسب می کنند. شکّی نیست که والدین ، به عنوان نخستین الگوهای رفتاری مردانه و زنانه ، نقش عمده ای در الگویابی جنسیتی فرزندانشان بازی می کنند. چگونگی برخورد والدین با یکدیگر و نگرش آنان نسبت به نقش جنسیتی خودشان ، بر نظرات کودکان اثر می گذارد. علاوه براین، والدین ، به شیوه های گوناگونی چون : انتخاب اسباب بازی، تشویق فعّالیت های معیّن و واکنش نشان دادن در برابر رفتارهای مناسب یا نامناسب با جنس کودک، رفتار الگویابی جنسیتی کودک را شکل می دهند. (۱) از این رو، وقتی مادران ، مسئولیت دختران را به عهده می گیرند و پدران ، عهده دار امور پسران خود می شوند ، امر همانندسازی با والد جنسیِ موافق را تسهیل می کنند و زمینه مناسب برای تقلید این رفتارها فراهم می شود ؛ چرا که بر اساس دیدگاه نظریه پردازان «یادگیری اجتماعی» ، رفتار الگویابی جنسیتی ، از طریق همان فرایندهایی آموخته

.

۱- .زمینه روان شناسی ، ج ۱ ، ص ۱۶۲ .

ص: ۱۱۰

می شود که رفتارهـای دیگر را می آموزنـد ؛ یعنی از طریق شـرطی شـدن وسـیله ای و مشاهـده دیگران، نقش هایی را که از زنان یا مردان انتظـار می رود ، می آموزنـد (Abnotmal, Psychology P ۳۳۸) . این مسـئله ، وظیفه والدین را سـنگین تر می کند و هشداری است برای آنانی که در این زمینه ، کوتاهی می کنند. بویژه برای پدران که متأسـفانه امروزه بر خلاف گذشته ، وقت بسیار کمی برای گذرانـدن بـا فرزنـدان (بویژه پسـران) خود دارنـد و عوارض ناشـی از این مسـئله ، بـا نگاهی به رفتارهای پسـران جوان و نوجوان در جامعه مشـخص می شود. متأسّـفانه روز به روز ، شاهد افزایش رفتارهای زنانه در بین پسـران هستیم که این مسئله ، حتّی پس از ازدواج آنهـا ادامه پیـدا می کنـد. نتایـج چنـد مطـالعه بر روی متغیّرهـای مـؤثّر در همانـنـدسازی، نشـانگر آن است که بزرگ سالاـنی که دارای روحیه گرم و نوازشـگری هسـتند، بیشتر از کسـانی که فاقـد این ویژگی ها هسـتند ، مورد تقلیـد قرار می گیرنـد . پسـرانی که در آزمون هـای نرینگی، نمره بالاـتری می آورنـد ، رابطه گرم و مهرآمیزتری با پـدرشان دارنـد تا پسـرهایی که در این آزمون هـا نمرات پـایین تری دارنـد. دخترهـایی هم که بر اسـاس ارزیابی ها دارای خلق و خوی کاملاً زنانه هسـتند، رابطه گرم تر و صمیمـانه تری بـا مـادر خـود دارنـد تـا دخترهـایی کـه از نظر کارشـناسان ، از زنـانگی کمـتری برخوردارنـد (Mussen Rutherford,۱۹۶۳) . همچنین تحقیقـات نشـان می دهـد که از جمله عـواملی که بر همانـنـدسازی کودکـان مؤثّر است ، قـدرتی است که یک فرد بزرگ سال برای کنترل محیط کودک ، اِعمال می کند. دختری که مادرش در خانواده ، نقش غالب دارد ، بیشتر از پدر ، با مادرش همانندسازی می کند. در چنین خانواده هایی ، تکوین نقش مردانه پسرها با مشکل روبه روست. در خانواده های پـدرسالار (در مقـایسه بـا خـانواده هـای مادرسالار) ، دخترها از لحاظ خلق و خوی، بیشتر به پـدرشان شـباهت دارنـد ؛ امّا تا حـدود زیـادی ، بـاز هم با مادرشان همانـنـدسازی می کننـد (Hetherington Frankie، ۱۹۶۷) . عامـل مؤثّر دیگر در همانـنـدسازی، ادراک کودک از شباهت هایی است که بین خود

.

ص: ۱۱۱

و الگوی منتخب خود می بیند ؛ یعنی هر اندازه که کودک ، به صورت عینی ، خود را شبیه یکی از والدینش ببیند ، به همان نسبت، بیشتر احتمال دارد که با او همانندسازی کند. برای مثال، دختری که استخوان بندی درشت، قدّی افراشته و چهره ای شبیه به پدرش دارد، در همانندسازی با مادرِ ریزنقش خود ، بیشتر دچار اشکال می شود تا خواهر کوچک ترش که مثل مادر، جثه ریزتری دارد . تا آن جا که اگر از نظر کودک ، هردوی پدر و مادر، نوازشگر، قدرتمند و باکفایت باشند ، کودک ، با هر دوتاشان همانندسازی می کند ؛ گرچه در هر حال، همانندسازی کودک با والد همجنس خود ، قوی تر خواهد بود. به طور خلاصه ، می توان گفت که نقش دهی جنسی به کودکان ، باید دارای ویژگی های زیر باشد : ۱ . اعتدال در محبّت به فرزندان و پرهیز از محبّت بیش از اندازه والد جنسی مخالف ، به کودک ؛ ۲ . پرهیز از تبعیض و تفاوت رفتاری نسبت به دختر و پسر در خانواده ؛ ۳ . هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او ؛ ۴ . ایجاد تنوّع و جهت دهی به بازی کودکان ، بر اساس جنسیت آنان ؛ ۵ . پرهیز از تحمیل ویژگی ها و رفتارهای یک جنس ، بر جنس دیگر ؛ ۶ . توجّه به رفتارها، نگرش ها و موضع گیری های کودکان و ایجاد نگرش صحیح ، نسبت به جنس خود و جنس مخالف، از دوران خردسالی ؛ ۷ . واگذاری مسئولیت های متناسب با جنسیت کودکان ، در خانه و بیرون از خانه ؛ ۸ . اظهار رضایت هر کدام از والدین، نسبت به همجنس خود در برابر فرزندان ؛ ۹ . بیان طبیعی بودن تفاوت های دو جنس (از نظر روانی، عاطفی، جسمی، فیزیولوژی و ...) و لزوم وجود این تفاوت ها برای ادامه حیات و در نتیجه ، ضرورت احترام گذاشتن به این تفاوت ها .

.

ص: ۱۱۲

۲ . پیشگیری از زمینه های تحریک جنسی

اشاره

۲ . پیشگیری از زمینه های تحریک جنسیبرخلاف این تصوّر که کودک تا زمان بلوغ ، از میل جنسی ، بی بهره است و هر رفتاری که در برابر او داشته باشند، تأثیری در او نخواهد داشت ، غریزه جنسی از ابتدای تولّد ، در وجود انسان وجود دارد. کودکان هم تحریک می شوند و حتّی طبق نظر دانشمندان ، به «اُرگاسم (اوج لذّت جنسی) » هم می رسند. اُرگاسم ، در بچّه ها هم رخ می دهد و ممکن است کاملاً ـ لذت بخش باشد. البته این لذّت بخشی در کودکان ، با انزال ، همراه نیست . مکانیسم نعوظ و اُرگاسم در کودکان ، با آنچه در افراد بالغ وجود دارد ، یکسان است. نزدیکی برای بچّه ها امکان پذیر است ؛ ولی غالباً مهارتی در این کار ندارند و نعوظ هایشان چندان پایدار نیست. گرچه میل جنسی از ابتدای تولّد ، در کودکان وجود دارد ، امّا هدف و مقصد آن ، نزد آنها مشخّص نیست و تا زمان بلوغ (اگر مسیر رشد ، بدون تحریکات پیموده شود) ، آشکار و سازمان یافته می شود. اگر چه غریزه جنسی کودک در آغاز ، متوجّه عمل جنسی یا لذّت جنسی نیست و باید یک سیر رشدی و تحوّلی را بپیماید تا در زمان بلوغ ، رشد آن کامل شود و فرد ، به یک رشد جنسیِ قابل قبول برسد ، امّا روان شناسان ، نظر دارند که تحریک پیش از موعد این غریزه، کودک را زودتر از وقت مناسب ، نسبت به آن ، هشیار می کند و آن گاه ضربات جبران ناپذیری به او وارد می شود. نتیجه بلوغ جنسی پیش رس ، تمایل جنسی فوق العاده زیاد است که تغییرات تکامل روحی ، بدان مربوط می شود ؛ یعنی سبب تفوّق تأثیرات جنسی و فقدان توجّه لازم به کارهای تحصیلی و تمایل به بازی و سرگرمی و عدم تعادل جریانات عصبی و سستی اراده می شود. این مسئله ، مورد تأیید اسلام است و روایاتی که در این زمینه وارد شد ، مؤیّد این مطلب است که کودکان هم میل جنسی دارند ، لذا باید از تحریک کردن آنها خودداری کرد. با توجّه به پیامدهای نامناسب تحریک جنسی کودکان و بلوغ زودرس آنها،

.

ص: ۱۱۳

الف . خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندان

والدین باید از روش های پیشگیری از انحراف کودکان ، آگاهی یابند. این روش ها عبارت اند از :

الف خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندانیکی از شیوه های پیشگیری از تحریک جنسی ، خودداری والدین از انجام دادن عمل جنسی در برابر دیدگان فرزندان است که از دوران نوزادی تا سنین نوجوانی و بعد از آن را شامل می شود . پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : وَالَّذِی نَفسِی بِیَدِهِ لَو أَنَّ رَجُلاً غَشِیَ امرَأَتَهُ وَ فِی البَیتِ صَبِیٌّ مُستَیقِظٌ یَرَاهُمَا وَ یَسمَعُ کَلامَهُمَا وَ نَفَسَهُمَا مَا أَفلَحَ أَبَداً إِذَا کَانَ غُلاماً کَانَ زَانِیاً أَو جَارِیَهً کَانَت زَانِیَهً . (۱) قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسرش هم آغوش شود و در خانه ، کودکی بیدار باشد و آنها را ببیند و صدا و نفس آنها را بشنود، هیچ گاه رستگار نمی شود . اگر پسر باشد یا دختر ، زنا کار می شود. امام صادق علیه السلام نیز فرمود : لا یُجَامِعُ الرَّجُلُ امرَأَتَهُ وَ لا جَارِیَتَهُ وَ فِی البَیتِ صَبِیٌّ فَإِنَّ ذَلِکَ مِمَّا یُورِثُ الزِّنَا . (۲) در برابر دیدگان کودکان ، با زنان خود نزدیکی نکنید که این کار، موجب زناکاری می شود. در این روایات ، هم بستری مرد با همسرش در حالی که کودکی در اتاق هست، به عنوان یکی از عواملی که ممکن است در کودک ، انحراف جنسی ایجاد کند، مطرح شده است. دلیل این امر ، آن است که کنجکاوی کودک ، با مشاهده این رفتار والدین، تحریک می شود، سپس سعی می کند با دوستش هم همین رفتار را تقلید کند . قبح این عمل (هم بستری والدین در حضور کودکان) و تأثیر روانی آن بر کودک، برای روان شناسان هم ثابت شده است. کوچتکف ، در کتاب خود در این زمینه می گوید :

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳۳ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۹۹ ۵۰۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳۲ .

ص: ۱۱۴

مشاهـده بوسه و در آغوش کشـیدن والدین از سوی کودک ، ابتدا سـبب جلب توجّه وی می شود و سـپس به عکس العمل ، تمایل پیـدا می کنـد و بعـد خودش می خواهـد شـخصاً در این باره چیزی بداند. فقدان حیا در پدر و مادر و انجام دادن رفتارهای معمولی جنسـی (مانند بوسیدن، در آغوش گرفتن و ... در برابر دیدگان کودک) ، سبب تمایل جنسی پیش از وقت در کودک شده، مزاحم و غالب بر او می شود. وقتی که پـدر و مادر ، با کودک در یک رخت خواب می خوابند، نتیجه اش بلوغ جنسـی پیش رس و تمایل جنسـی فوق العاده زیاد است که تغییرات تکامل روحی بـدان مربوط می شود. (۱) امام رضا علیه السـلام می فرماید : وَکَانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَـینِ علیه السـلام إِذَا أَرَادَ أَن یَغشَـی أَهلَهُ أَغلَقَ البَابَ وَأَرخَی السُّتُورَ وَأَخرَجَ الخَدَمَ . (۲) علی علیه السـلام هر گاه می خواست با همسـرش هم بستر شود، درها را می بست ؛ پرده ها را می انـداخت و خدمت کاران را بیرون می کرد. در این حدیث هم به یکی از راه هـای مهم پیشـگیری از انحراف کودکـان (یعنی خودداری از انجـام دادن عمل جنسـی ، در جایی که کودک یا خـدمت کاران، والـدین را می بیننـد یا صـدای آنها را می شـنوند) ، اشاره شـده است. مسـلّماً این حکم ، قابل تعمیم به مشاهده یا شـنیدن هر صـحنه تهییج کننده ای است ، چه از سوی والدین باشد و چه آن را در فیلم ها و عکس های مبتذل در تلویزیون و اینترنت ببیند. بنا بر این ، خـانواده هـایی که یـا از روی بی توجّهی و بی اعتنایی و یا از روی تجـدّدمآبی ، به کودکان اجازه می دهنـد که این گونه فیلم ها را ببینـد و خودشان هم با آنها همراهی می کننـد، بایـد بدانند که پیامدهای وخیمی در انتظار فرزندانشان است که کسـی جز خود آنها در این بـد فرجـامی ، مقصـر نیسـتند. شایان توجّه است که احادیث نقل شـده ، از نظر حقیقت یا احتمال ترتّب اثر انحراف جنسـی بر حضور کودک در هنگام آمیزش والدین، دو مدلول مخالفِ

.

۱- .روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، ص ۳۶ ۳۷ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳۲ .

ص: ۱۱۵

ب . اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین

یکدیگر دارند ؛ یعنی در حدیثی ، «قطعیّت» ترتّب اثر ، مطرح شده است ؛ ولی در حدیث دیگر ، «احتمال» ترتّب اثر ، داده شده است. جمع این احادیث ، به این است که تأثیر آمیزش والدین در حضور کودک ، در انحراف جنسی وی با توجّه به شرایط و وضعیت او متفاوت خواهد بود: اگر کودک، در سنینی باشد که آمیزش والدین را درک نمی کند و یا در خواب است و نسبت به رفتارهای والدین هوشیاری ندارد، از آن جا که کودک ، تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می گیرد و گفته ها، نَفَس ها و حرکت های والدین، در روان او بدون آن که خود او متوجّه باشد اثر می گذارد ، از این رو ، احتمال دارد زمینه های روانی برای انحراف جنسی در او پدید آید که اگر در آینده ، با عوامل دیگر تقویت شود، اثر انحراف ، قطعیّت پیدا می کند وگر نه، آن اثر احتمالی، مترتّب نمی شود ؛ ولی اگر کودک ، به سن تمییز رسیده و صدای نفس ها و گفته های والدین را می شنود و حرکات آنها را در هنگام آمیزش مشاهده می نماید، اثر انحراف جنسی ، به طور قطع ، مترتّب می شود، همان طور که در حدیث دوم ، به آن تصریح شده است.

ب اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدیناز آن جا که توجّه فرزند به لباس خواب و یا وضعیت خاص والدین در رخت خواب، ذهن او را درگیر می کند و زمینه تحریکات جنسی را فراهم می سازد، خداوند ، دستور داده که کودکان باید هنگام ورود به اتاق پدر و مادر، از آنها اجازه بگیرند : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لِیَسْتَئْذِنکُمُ الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمَنُکُمْ وَ الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُواْ الْحُلُمَ مِنکُمْ ثَلَثَ مَرَّ ت مِّن قَبْلِ صَلَوهِ الْفَجْرِ وَ حِینَ تَضَعُونَ ثِیَابَکُم مِّنَ الظَّهِیرَهِ وَ مِن بَعْدِ صَلَوهِ الْعِشَآءِ ثَلَثُ عَوْرَ ت لَّکُمْ لَیْسَ عَلَیْکُمْ وَلَا عَلَیْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّ فُونَ عَلَیْکُم بَعْضُکُمْ عَلَی بَعْضٍ کَذَ لِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْأَیَتِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ * وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَلُ مِنکُمُ الْحُلُمَ فَلْیَسْتَئْذِنُواْ کَمَا اسْتَئْذَنَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَذَ لِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ

.

ص: ۱۱۶

لَکُمْ ءَایَـٰتِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ . (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید ، باید بردگان و کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند ، در سه وقت از شما اجازه بگیرند : قبل از نماز صبح ، در نیم روز، هنگامی که لباس های خود را بیرون می آورید و بعد از نماز عشاء ؛ این سه هنگام ، زمان خلوت کردن برای شماست . پس از آن ، نه بر شما اشکالی وارد است ، نه بر آنها که بر شما وارد شوند و آمد و شد کنند . هنگامی که کودکان شما بالغ شدند ، باید همانند قبل ، اجازه بگیرند . خداوند ، اینگونه آیات خود را برای شما آشکار بیان می کند و خداوند ، دانا و حکیم است ». خداوند در این آیه، سه وقتی را که زمان خلوت کردن زن و شوهر است و احتمالاً زیاد مقیّد به پوشش نیستند ، به عنوان اوقاتی که دیگران باید برای ورود اجازه بگیرند ، مشخّص کرده اند. البته این وسعت زمانی و بیان این نکته که والدین هنگام ظهر ، به علّت گرمای زیاد ، یا به هر دلیلی ، لباس های خود را درمی آورند ، نشان دهنده این نکته است که والدین ، نه تنها باید از انجام دادن عمل جنسی در این هنگام خودداری کنند ، بلکه از لخت شدن در برابر آنها نیز باید امتناع کنند. از طرف دیگر ، فرزندان ، حتّی اعمالی مانند بوسیدن یا در آغوش گرفتن را هم نباید شاهد باشند ؛ زیرا این اوقات مشخص شده ، همیشه زمان های ، هم بستری نیستند ؛ بلکه ممکن است در این اوقات ، والدین ، روابط تلذّذی از یکدیگر داشته باشند و فرزندان نباید شاهد این روابط باشند . البته بیان این اوقات ، به معنای حرمت زمانیِ این اوقات و آزاد بودن اوقات دیگر (حتّی اگر در آن اوقات ، اعمالی انجام شود و در اوقات دیگر ، روابطی بین والدین باشد) نیست ؛ بلکه مراد این است که در اوقاتی که والدین ، مشغول استراحت هستند و لباس های خود را از تن درآورده اند یا لباس نازکی بر تن دارند و ممکن است با هم روابط خصوصی داشته باشند ، نباید کودکان بر آنان وارد شوند. (۲)

.

۱- .سوره نور ، آیه ۵۸ ۵۹ .

۲- .تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۵۴۱ .

ص: ۱۱۷

ج . خودداری از لُخت شدن در برابر کودکان یا لُخت کردن آنها

در حدیثی آمده که فردی از امام صادق علیه السلام پرسید : آیا مرد برای وارد شدن بر پدرش باید از او اجازه بگیرد؟ امام فرمود : نَعَم، وَ قَد کُنتُ أَستَأذِنُ عَلَی أَبِی وَ لَیسَت أُمِّی عِندَهُ، وَ إِنَّمَا هِی امرَأَهُ أَبِی وَ تُوُفِّیَت أُمِّی وَأَنَا غُلامٌ وَ قَد یَکونُ مِن خَلوَتِهِمَا مَا لا اُحِبُّ أَن أَفجَأَهُمَا عَلَیهِ، وَ لاَ یُحِبَّانِ ذَلِکَ مِنِّی ، السَّلامُ أَصوَبُ وَ أَحسَنُ . (۱) بله، من هم برای ورود بر پدرم اجازه می گرفتم ، در حالی که مادرم فوت کرده بود و پدرم همسری اختیار کرده بود و من نوجوان بودم . شاید آنها در خلوتشان رفتاری داشته باشند که دوست ندارند آنها را در آن حین ، غافلگیر کنم و آنها هرگز این رفتار مرا دوست ندارند. راه درست ، اجازه گرفتن و سلام کردن است. روان شناسان نیز به تأثیر نامطلوب مورد مشاهده قرار گرفتن والدین ، هنگام انجام دادن عمل جنسی ، از سوی کودکان اشاره کرده اند. فروید در این زمینه چنین می نویسد : اگر کودکان در سنین پایین ، ارتباط جنسی بزرگ سالان را ببینند (که این اتفاق ، به خاطر اعتقاد بزرگ ترها مبنی بر این که کودکان ، هیچ چیز جنسی را نمی توانند بفهمند ، پیش می آید) ، آنها هیچ تعبیری برای این عمل ندارند ، جز این که عمل جنسی را نوعی سوء رفتار یا تجاوز ، تصوّر کنند ؛ یعنی آن را به عنوان یک امر سادیستی می فهمند. روان کاوی ، نشان داده است که شکل گیری چنین تفکّری در کودکی ، زمینه مساعدی را برای ایجاد تمایلات سادیستی در بزرگ سالی ایجاد می کند. (۲)

ج خودداری از لُخت شدن در برابر کودکان یا لُخت کردن آنهالخت شدن در برابر کودکان ، از دو جهت ، تأثیر نامطلوبی بر آنها دارد : از یک طرف ، حیای آنها را از بین می برد و از طرف ، دیگر باعث تحریک جنسی کودکان می شود. این مسئله ، در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آنها نیز مطرح است.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۸ ؛ نور الثقلین ، ج ۳ ، ص ۵۸۶ .

۲- .ثلاث رسائل فی نظریه الجنس ، ص ۱۲۳ .

ص: ۱۱۸

امام صادق علیه السلام می فرماید : بِئسَ البَیتُ الحَمَّامُ یَهتِکُ السِّترَ وَ یُبدِی العَورَهَ وَ نِعمَ البَیتُ الحَمَّامُ یُذَکِّرُ حَرَّ النَّارِ وَ مِنَ الآدَابِ أن لا یَدخِلَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ مَعَهُ الحَمَّامَ فَیَنظُرَ إِلَی عَورَتِهِ . (۱) بدترین جای خانه حمّام است ؛ چرا که باعث پرده دری و آشکار شدن عورت است . و از طرف دیگر ، حمّام جای خوبی است ؛ چرا که آتش جهنم را به یاد انسان می آورد و ادب حکم می کند که مرد، پسرش را با خود به حمّام نبرد تا چشم فرزندش به عورت پدر نیفتد. در این حدیث ، امام صادق علیه السلام یک روش دیگری برای پیشگیری از تحریک کودکان را بیان می کنند که آن ، خودداری از بردن فرزندان با خود به حمّام و لخت شدن در برابر آنهاست. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : لا یدخُلِ الرَّجُلُ مَعَ ابنِهِ الحَمَّامَ فَینظُرَ إِلَی عَورَتِهِ، وَ قَالَ: لَیسَ لِلوَالِدَینِ أن یَنظُرَ إِلَی عَورَهِ الوَلَدِ وَ لَیسَ لِلوَلَدِ أن یَنظُرَ إِلَی عَورَهِ الوَالِدِ ، وَ قَالَ : لَعَنَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله النَّاظرَ وَالمَنظُورِ إِلَیهِ فِی الحَمَّامِ بِلا مِئزَرٍ . (۲) مرد نباید پسرش را با خود به حمّام ببرد تا به عورت او نگاه کند، و فرمود: «والدین ، حق ندارند به عورت فرزندشان نگاه کنند و فرزندان ، حق ندارند به عورت والدین خود نگاه کنند» . همچنین فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله لعنت کرد فردی را که به عورت کسی نگاه می کند و کسی را که بدون پوشش در حمام است و دیگران ، عورت او را می بینند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود : غَطُّوا حُرمَهَ عَورَتِهِ فَإِنَّ حُرمَهَ عَورَهِ الصَّغِیرِ کَحُرمَهِ عَورَهِ الکَبِیرِ، وَ لا یَنظُرُ اللّهُ إِلَی کَاشِفِ عَورَهِ . (۳) عورت کودک را بپوشانید ؛ چرا که حرمت عورت کودک ، مانند حرمت عورت

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۱۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۷۷ .

۲- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۵۰۳ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۱۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۵۶ .

۳- .المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۲۵۷ ؛ کنز العمّال ، ج ۷ ، ص ۳۳۰ .

ص: ۱۱۹

د . خودداری از دست زدن به عورت کودک

بزرگ سال است، و خداوند ، به کسی که عورتش را برای دیگران کشف می کند، نگاه نمی کند.

د خودداری از دست زدن به عورت کودکاز جمله روش های پیشگیری از انحراف جنسی کودکان، خودداری از دست زدن به عورت آنهاست. امام علی علیه السلام با اشاره به این که تحریک پذیری جنسی بچّه ، از شش سالگی به بعد بیشتر است و دستمالی کردن عورت کودک، زمینه انحراف جنسی را فراهم می سازد، می فرماید : مُبَاشَرَهُ المَرأَهِ ابنَتَها إِذَا بَلَغَت سِتَّ سِنِينَ شُعبَهٌ مِنَ الزِّنَا . (۱) دستمالی کردن زن به آلت دخترش هنگامی که به شش سالگی برسد، نوعی زناست. منظور از شعبه ای از زنا در روایاتی از این دست، «عام» است و شامل انواع انحرافات جنسی مانند : استمنا ، همجنس بازی و زنا می شود ؛ یعنی چنانچه مادر، عورت دخترش را دستمالی کند، احتمال رو آوردن آن دختر در نوجوانی ، یا جوانی به استمنا و روابط نامشروع وجود دارد. لذا این عمل مادر در کودکی، زمینه انحراف او را در بزرگ سالی فراهم می کند. به همین دلیل ، امام علیه السلام شدّت قبح این عمل را مانند زنا معرّفی کرده است . آقای اسلامی نسب ، در مورد تبدیل شدن عمل دست زدن آلت کودک ، به استمنا چنین توضیح می دهد : گاهی پزشکان ناشی و پرستارها (غافل از عوارض روانی عملکردشان) برای آرام کردن کودکان ، با آلت آنها بازی می کنند و چه بسا که این کار را برای ارضای تمایلات جنسی خویش انجام دهند. کودک ، که از این رفتار ، لذّت وافر می برد ، رام می شود و خاموش می ماند و بعدها مایل است که این عمل ، با او تکرار شود ؛ ولی اگر کسی با او چنین نکرد، خودش به انجام دادن آن اقدام می کند . این

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۳۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۶ .

ص: ۱۲۰

ه . خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم . . .

شیوه ، نه تنها از جانب پزشکان و پرستاران ، بلکه گاه به دست مادر، خواهر و یا دیگران انجام می شود. (۱)

ه خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم ، پس از سن معیّنعلی رغم این که در اسلام به محبّت کردن، نوازش کردن و بوسیدن بچّه ها سفارش شده ، امّا این رفتار ، پس از سن معیّن ، از سوی افراد نامحرم منع می شود. با این که در هیچ روایتی ندیده ایم که دختربچّه ها پیش از سن بلوغ ، به حجاب و پوشش مخصوص وادار شده باشند ، یا روایتی که حضور دختربچّه ها را در برابر مردان یا پسران ، منع کرده باشد ، امّا روابطی مثل : بوسیدن و در آغوش گرفتن آنها از سوی نامحرمان ، منع شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : إِذَا أَتَت عَلَی الجَارِیَهِ سِتُّ سِنِینَ لَم یَجُز أَن یُقَبِّلَهَا رَجُلٌ لَیسَ هِی بِمَحرَمٍ لَهُ وَ لا یَضُمَّهَا إِلَیهِ . (۲) هنگامی که دختر به شش سالگی رسید، جایز نیست که او را مرد نامحرمی ببوسد و یا او را فشار دهد. و در حدیث دیگری نیز نقل شده که فردی از امام سؤال می کند : دختر بچّه نامحرمی ، خود را در آغوش من می اندازد و من او را بلند می کنم و می بوسم ، حکمش چیست؟ امام پاسخ داد : إِذَا أَتَی عَلَیهَا سِتُّ سِنِینَ فَلا تَضَعَهَا عَلَی حِجرِکَ . (۳) اگر دختر ، شش ساله شد ، او را روی پای خود ننشان .

.

۱- .تربیت جنسی کودک و نوجوان ، ص ۷۶ و ۷۷ .

۲- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۶۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۱ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۳۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۲۹ .

ص: ۱۲۱

و . جداسازی بستر کودکان

همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود : إِذَا بَلَغَت الجَارِیَهُ سِتُّ سِنِینَ فَلا یُقَبِّلُهَا الغُلَامُ وَ الغُلامُ لا تُقَبِّلُهُ المَرأَهُ إِذَا جَازَ سَبعَ سِنِینَ . (۱) وقتی دختربچّه ای به شش سالگی رسید ، جایز نیست که پسربچه ، او را ببوسد و هنگامی که پسر از سن هفت سالگی گذشت، جایز نیست که زن [نامحرم]او را ببوسد. با توجّه به زودتر بودن سن بلوغ جنسی دختران، پیامبر صلی الله علیه و آله سن دختران را یک سال ، پیش از پسران ذکر کرده است ؛ زیرا دختران ، پیش از پسران ، به این مسائل آگاه می شوند و شاید هم خاطره این عمل ، بیشتر در ذهن آنها باقی بماند. از طرف دیگر ، پیامبر صلی الله علیه و آله با چنین دستورهایی ، راه را برای سوء استفاده افراد بیمارِ جنسی می بندد که به بهانه محبّت و نوازش کودکان ، به ارضای امیال بیمارگونه خود نپردازند . در ضمن ، از آن جا که بوسه بر لب برای غیر کودک خردسال، غالباً باعث تحریک جنسی می شود، امام صادق علیه السلام می فرماید : لَیسَ القُبلَهُ عَلَی الفَمِ إِلَا لِلزَوجَهِ وَ الوَلَدِ الصَّغِیرِ . (۲) بوسه بر لب ، جز بر لب همسر و فرزند خردسال ، جایز نیست. بنا بر این ، والدین و همه بزرگ سالان محرم و نامحرم باید در ابراز محبّت خود نسبت به کودکان ، هشیار باشند و به هیچ طریقی ، آنها را تحریک نکنند.

و جداسازی بستر کودکانبا توجّه به دستوری که در سوره نور ، مبنی بر لزوم اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق والدین آمده، طبیعتاً خوابیدن کودکان ، در بستر والدین نیز روا نیست ؛ زیرا اگر اجازه گرفتن برای نهی از دیدن صحنه های خاص از سوی کودکان ، یا دیدن

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۶ ، ح ۵۱ .

۲- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۸۶ ، ح ۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۲۴۶ ، ح ۱۲ .

ص: ۱۲۲

والـدین در حالی که لباس آنها پس رفته یا لباس مناسبی در بر ندارنـد، واجب باشد ، قاعدتاً خوابیدن آنها در کنار والدین که زمینه مساعـدتری برای انحراف جنسـی ایجاد می کنـد جایز نخواهـد بود. از این رو، والـدین بایـد به این امر ، توجّه داشـته باشـند که بستر کودکانشان را از سـنّی که قادر به اجازه گرفتن برای ورود به اتاق هستند (تقریباً از سن سه سالگی) جدا کنند و کودکان را در اتاق جـداگانه ای بخوابانند. همچنین در سـنین خاصّـی ، بستر کودکان دختر و پسـر باید از یکدیگر جدا باشد و زیر یک پتو نخوابند. در این زمینه ، سه دسـته روایات وجود دارد، که سـنین : شـش، هفت و ده سالگی را سن جـدا کردن بسترها می داننـد . در حدیثی امام علی علیه السـلام می فرماید : إِنَّهُ یُفَرَّقُ بَینَ الصِّبیَانِ فِی المَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِینَ . (۱) رخت خواب بچّه های شـش ساله باید از هم جدا باشـد . از آن جا که با هم خوابیـدن، ممکن است باعث تماس بدنی آنها با یکدیگر و شاید تحریک حس کنجکاوی آنها شود، لذا طبق اصل لزوم علاج واقعه ، قبل از وقوع، پیش از آگاه شـدن کودکان به لـذّت های جنسـی، باید رخت خواب آنها جدا گردد. در حدیث دیگری ، پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرماید : إِذَا بَلَغَ أَولَادَکُم سَبعَ سِنِینَ فَفَرِّقُوا بَینَ فَرشِهِم... . (۲) هنگامی که کودکان شمـا هفت سـاله می شونـد، رخت خواب آنهـا را از هم جـدا کنیـد. نیز همین محتوا را بـا تعبیر دیگری مطرح کرده است : فَرِّقُوا بَینَ أَولادِکُم فِی المَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سَبعَ سِنِینَ . (۳) رختخواب کودکانتان را از هم جـدا کنیـد هنگامی که سن آنها از هفت سالگی می گذرد .

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۳۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۱ .

۲- .المستدرک علی الصحیحین ، ج ۱ ص ۲۰۱ ؛ کنزالعمّال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۱ ، ح ۴۵۳۲۹ .

۳- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۲۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۶ ، ح ۵۴ .

ص: ۱۲۳

همچنیـن فرمـود : الصَّبِیُّ وَ الصَّبِیُّ، وَ الصَّبِیُّ وَ الصَّبِیَّهُ ، وَ الصَّبِیَّهُ وَ الصَّبِیَّهُ یُفَرَّقُ بَینَهُـم فِی المَضَـاجِعِ لِعَشـرِ سِـنِینَ . (۱) رختخواب کودکان ده ساله، چه پسـر با پسـر ، یا دختر با پسر ، یا دختر با دختر باشد باید از هم جدا باشد. نیز فرمود : مرُّوا صِبیانَکُم بِالصَّلاهِ إذَا کَانُوا أَبنَاءَ سَـبعِ سِنِینَ... وَ فَرِّقُوا بَینَهُم فِی المَضَاجِعِ إذَا کَانُوا أَبنَاءَ عَشرِ سِنِینَ . (۲) کودکانتان را از هفت سالگی ، امر به نماز کنیـد و بستر آنها را از ده سالگی ، از یکـدیگر جـدا سازید. ملاحظه می شود که در احادیث برای جدا خوابیدن کودکان از یکدیگر ، سـن های مختلف : شش ، هفت و ده ، مطرح شده اند . در این که منظور از این تفاوت سنّی چیست، می توان به صورت زیر، احادیث را جمع کرد : این سه حـدیث با هم تناقض ندارنـد ؛ زیرا در حـدیث اوّل ، بر شـش سالگی تمام دلالت دارد و حـدیث دوم و سوم ، بر آغاز هفت سالگی. البته با توجّه به حـدیثی که نقل شد ، مبنی بر عدم جواز بوسه زدن به دختر شـش سال به بالا و پسـر هفت ساله و تحریک پذیری دختران در سـنین کمتر از پسـران، احتمال دارد حدیثی که جدا خوابیدن کودکان را در شش سالگی تبیین می کند، به دختران اختصـاص داشـته باشـد و حـدیث دوم و سوم که هفت سـالگی را مطرح می سازد ، تنها مربوط به پسـران باشـد . لازم به توجّه است که لزوم جـداسازی بستر خواب کودکـان ، به جـداسازی بستر آنها از یکـدیگر اختصاص نـدارد ؛ بلکه بایـد بستر خواب آنهـا از زنـان و مردان و حتی از بستر پـدر یـا مادر نیز جـدا باشـد. امام صادق علیه السـلام می فرمایـد : یُفَرَّقُ بَینَ الغُلمَانِ وَالنِّسَاءِ فِی المَضَاجِعِ إذَا بَلَغُوا عَشرَ سِنِینَ . (۳)

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۳۶ .

۲- .النوادر ، راوندی ، ص ۲۷۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۸ ، ح ۶۵ .

۳- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۷ ، ح ۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۶۱ .

ص: ۱۲۴

ز . جلوگیری از بازی های جنسی

رخت خواب پسران نوجوان ده ساله ، از بستر زنان باید جدا باشد. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری نیز از خوابیدن دختر با پدر یا مرد با مادرش و یا دو زن یا دو مرد در یک رخت خواب، نهی کرده ، می فرماید : لَا یَنامُ الرَّجُلانِ فِی لِحَافٍ وَاحِدٍ إِلَا أن یَضطَرَّا فَیَنَامُ کُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا فِی إِزَارِهِ وَ یَکُونُ اللِّحاف بَعدُ وَاحِداً، وَ المَرأَتَانِ جَمِیعَا کَذَلِکَ، وَ لا تَنَامُ ابنَهُ الرَّجُلِ مَعَهُ فِی لِحَافِهِ وَ لَا أُمُّهُ ... . (۱) دو مرد ، در زیر یک پتو نباید بخوابند ، مگر آن که ضرورت باشد و در آن جا جز یک لحاف ، بیشتر نباشد . دو زن نیز نباید در زیر یک پتو بخوابند. همچنین دختر مرد نباید با او یا مادرش در زیر یک لحاف بخوابند.

ز جلوگیری از بازی های جنسیکودکان ، به دلیل کنجکاوی برای شناخت دنیای اطراف خود ، به جستجو در هر چیزی می پردازند. از جمله می خواهند بدن را کشف کنند. در این جستجوهاست که با اندام تناسلی خود آشنا می شوند و سپس کنجکاوانه ، می خواهند بدانند که آیا دیگر کودکان نیز همین گونه هستند یا خیر؟ لذا به بازی هایی نظیر : دکتربازی و مامان بازی روی می آورند که در این بازی ها سعی می کنند از چگونگی اندام های یکدیگر آگاه شوند. این مسئله، در کودکانی که شاهد روابط جنسی والدین بوده اند و یا اندام تناسلی آنها را دیده اند، بیشتر و حساس تر می شود ؛ زیرا در این گونه موارد، کودک ، دوست دارد به تقلید از بزرگ سالان بپردازد و رفتارهای آنان را انجام دهد. در این صورت، گاه ممکن است طرفین بازی، با رضایت ، به بازی با آلات تناسلی یکدیگر بپردازند و از این طریق ، احساس لذّت کنند و کم کم ، زمینه برای انحراف جنسی آنان فراهم شود. والدین ، در پیشگیری از بازی های جنسی کودکان وظیفه دارند و باید مراقب باشند تا شرایط محیطی برای این نوع بازی ها برای کودکان فراهم نشود و اگر احیاناً این صحنه ها را مشاهده کردند ، باید به صورت معقول ، از آن بازی ها جلوگیری کنند .

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۴۹ .

ص: ۱۲۵

ح . بازی نکردن با آلت تناسلی خود

آنها نباید از کودکان بپرسند : چه می کنید؟ زیرا هرگاه کودکان ، عین حقیقت را بگویند، برای والدین ، بسیار ناراحت کننده خواهد بود. همچنین نباید آنها را سرزنش و شرمسار کرد ونیز نباید حرکت آنها را به صورت دیگری حمل کرد و یا بهانه ساده ای یافت از قبیل این که: آیا فکر نمی کنید با این هوای سرد ، نباید لُخت شد ؛ بلکه باید به کودکان دستور داد که لباس خود را مرتّب کنند و به بازی دیگری بپردازند . باید گفت: تو و دوستت داشتید لباس های یکدیگر را درمی آوردید . شما لخت بودید . این حرکت را نباید انجام دهید! دیدم که به او دست می زنی! این کار ، مجاز نیست! هرگاه سؤالی داشتید ، از من بپرسید و با من مطرح کنید ، تا موضوع را برایتان شرح دهم. این روش مسالمت آمیز و آگاه کننده، موجب آن خواهد شد که هم آزمایش های جنسی کودک محدود گردد و هم لطمه ای به علاقه او به جنس دیگر و عشق وارد نیاید. امّا گاهی این رفتارهای کودکان ، از مرز کنجکاوی می گذرد و با این که مکرراً کنجکاوی خود را در این زمینه ارضا کرده، امّا باز هم همواره مترصّد فرصتی است تا دزدانه ، به اعضای تناسلی دیگران نگاه کند. این امر ، نشانه آن است که کودک ، گرفتار مشکلی عمیق تر شده است . لذا برای رفع این مشکل، علاوه بر راه های گذشته باید با یک مشاور متخصّص مشورت کرد.

ح بازی نکردن با آلت تناسلی خودگرچه کودکان (مانند نوجوانان) ، قادر به استمنا نیستند، ولی بازی کردن با آلت تناسلی، به منظور کسب لذّت ، از آنها صادر می شود و گاه در موارد بسیار شدید ، ممکن است که مایعی شبیه «منی» از آلت آنها خارج شود ؛ امّا این مسئله ، نادر است و عمدتاً به صورت بازی کردن گاه گاهی با آلت تناسلی است . این اتفاق ، ممکن است که نخستین بار ، فقط به قصد کشف اعضای بدن باشد ؛ امّا با تکرار آن، کودک ، متوجّه می شود که از این عمل ، احساس لذّت می کند ؛ لذا آن را تکرار می نماید. والدین نباید چنین برداشت کنند که بازی کودک با آلت تناسلی اش، امری طبیعی است و در این

.

ص: ۱۲۶

زمینه اقدامی نکنند ؛ بلکه باید احساس وظیفه کنند و با توجّه به آثار نامطلوب آن، درصدد پیشگیری از تکرار آن برآیند. تحقیقات نشان می دهد که والدین ، با دیدن صحنه بازی کردن کودک با آلت تناسلی اش، احساس شرمساری و ناراحتی می کنند. حتّی مادران اروپایی و امریکایی که در مورد عادی و طبیعی بودن این عمل ، بسیار شنیده اند، این کار آنان را نمی پسندند و شدیداً مایل اند که این عمل از سوی فرزندانشان متوقّف شود . ایشان ناپسند بودن این عمل را از آن جهت می دانند که : اولاً ، لذّت بردن از خود، موجب آن خواهد شد که کودک ، کمتر تحت نفوذ پدر و مادر یا آموزگاران خود قرار گیرد و هنگامی که به این خشنودی زودگذر ، خوی گرفت، او برای لذّت بردن ، جز به خودش ، به دیگری متکّی نخواهد شد. ثانیاً ، عادت به بازی کردن با خود ، ممکن است برای جبران کارهای ناپسند و شکست های کودک، تبدیل به مایه تسلّی بسیار سهل الوصول وی گردد و در نهایت سادگی، جایگزین کوشش و اقدامات مثبت او شود. ثالثاً ، ورود کودکان به دنیای متمدّن حقیقی، بسته به آن است که در مقابل لذّت های پایدارتر ، از بازی با خود و خودارضایی ، چشم بپوشند. لذا با عادت به کسب لذّت از این طریق، نمی توانند از دیگر لذایذ پایدار ، بهره برند . از نظر دکتر «جینات» ، این لذایذ پایدارتر ، در مرحله اوّل ، عبارت اند از : مهر پدر و مادر و در مرحله دوم ، در سایه موافقت اجتماع به دست می آید. بنا بر این ، کودکانی که از چشمه مهر والدین سیراب گشته اند، کمتر به ادامه این رفتار ، تمایل دارند . از این رو، والدین ، به جای فشار آوردن بیش از حد به کودک برای ترک این عادت ، بهتر است نوزاد را در آغاز پیدایش ، از مهر و محبّت خود بهره مند سازند و قلب او را از سرچشمه دوستی حقیقی ، چنان سرمست کنند که به خودارضایی ، به عنوان یک وسیله التذاذ و خشنودی اش روی نیاورد . (۱)

.

۱- .روابط والدین با فرزندان ، ص ۱۹۵ .

ص: ۱۲۷

والدین مسلمان ، علاوه بر آن، می توانند با توجّه به احادیثی که در آنها آمده است که چنین عملی ، مورد لعن خدا و ملائکه است ، (۱) به کودکان ، گوشزد کنند که خداوند ، این نوع رفتار و بازی زشت را دوست ندارد. در حقیقت ، والدین باید زشتی این نوع رفتاری که خدا نیز آن را دوست ندارد، به کودکان خود آموزش دهند. در پایان، به جهت یادآوری شیوه های پیشگیری از بلوغ زودرس یا رشد تمایلات جنسی زودهنگام در کودکان ، آنها را به طور خلاصه ، اشاره می کنیم : ۱ . خودداری والدین و محارم جنس مخالف، از ظاهر شدن در برابر کودک به صورت عریان ، با لباس نیمه عریان و یا زننده و مهیّج . ۲ . خودداری از دستمالی کردن آلت تناسلی کودک و یا حتّی تنبیه کردن ، به صورت زدن بر پشت و ران های کودک. ۳ . جدا کردن اتاق کودک از اتاق خواب والدین ، از سنّی که کودک، قادر به تشخیص رفتارهای جنسی است. ۴ . جلوگیری از خوابیدن کودکان با کودکان یا بزرگ سالان دیگر. ۵ . خودداری والدین از انجام دادن عمل زناشویی و یا دیگر رفتارهای آمیزشی در برابر کودکان (حتی نوزادان). ۶ . خودداری از قرار دادن کودکان در معرض صحنه ها، عکس ها و یا فیلم های مستهجن و خودداری از شرکت دادن آنها در مجالس مختلط و پارتی ها و ایجاد محدودیت در استفاده از برنامه های سکسی در اینترنت و ماهواره. ۷ . پاسخ دادن به سؤالات جنسی کودکان ، به طور واقع بینانه و به دور از تهییج جنسی آنها. ۸ . مراقبت از کودکانی که در رخت خواب برای مدّت طولانی بیدارند . به این منظور ، لازم است که والدین ، در کنار کودک باشند یا رفت و آمد کنند تا هنگامی که

.

۱- .ر. ک : میزان الحکمه با ترجمه فارسی ، ج ۱۲ ، ص ۵۶۵۴ ، ح ۱۹۰۴۸ .

ص: ۱۲۸

۳ . پاسخ دادن به پرسش های جنسی کودکان

مطمئن شونـد که کودک ، به خواب رفته است . و بهتر است که اتـاق کودک ، در مجـاورت اتاق والـدین باشـد تا در موقعیّت ها و زمان های گوناگون بتواننـد به راحتی ، از حال او آگاهی یابند . ۹ . مراقبت از دوستی ها و بازی های کودکان و جلوگیری از بازی های جنسی آنها و همچنین ممانعت از خلوت کردن کودکان ، به مدّت طولانی دور از چشم والدین .

۳ . پاسخ دادن به پرسـش های جنسی کودکانبرای کودک درباره مسائل جنسی ، سؤالاتی مطرح است که می خواهد جواب درست همه آنها را پیدا کند. با توجّه به مسائلی چون : رشد سنّی کودکان ، آگاهی از تولّدهای پیاپی و اطلاع از رفت و آمدهای مادران به بیمارسـتان ، مشاهـده نوزادهـا و جلب توجّه همه به آنـان و به مادرانشان در دوره پس از زایمان و میزان شـکوفایی حسّ کنجکاوی کودکان، سؤالاتشان در زمینه مسائل جنسـی ، متفاوت و متنوّع است. نمونه هایی از این سؤالات ، عبارت انـد از : بچه از کجا آمـده است؟ چطور خداونـد ، این نوزاد را به ما داد؟ چگونه بچّه از شـکم مادر بیرون می آیـد؟ چرا بچّه با من تفاوت دارد؟ آلت تناسـلی دختر و پسـر ، چرا شبیه هم نیستند؟ بعضی از پدران و مادران ، از پاسخ دادن به این سؤالات ، طفره می روند و پرده پوشی می کنند و بـا تعـابیری چون: این پرسـش هـا به تو نیامـده ! بزرگ می شوی ، خودت می فهمی! بعـداً برایت می گویم، بچّه ها را ساکت می کننـد و بعضـی ها هم جواب های نادرست و خلاف واقع می دهنـد، مثل این که گفته می شود : خـدا این بچّه را از آسـمان برای ما فرستاده یا از بیمارستان خریدیم ! کودک ، معمولاً می فهمد که این پاسخ ها، جواب درست سؤالات او نیستند و پدر و مادر ، دارند او را فریب می دهنـد . به نظر می رسـد که بایـد در سـطح فهم کودکان، سؤالات آنها در مسائل جنسـی ، پاسـخ داده شود و از پرده پوشـی و پاسـخ هـای خلاـف واقع پرهیز گردد ؛ زیرا عوارض فراوانی دارد، از جمله ، ممکن است آنهـا به دوسـتان و یـا منابعی غیر مطمئن روی آورند که چه بسا زمینه انحرافات جنسی را در آنان موجب می گردد.

.

ص: ۱۲۹

ویلیام آلفسون ، معتقد است که اگر والدین، فرزندان خود را تا حد لزوم ، از امور جنسی آگاه کنند، کودک، برای به دست آوردن اطلاعات ، هیجان خارق العاده ای از خود نشان نمی دهد و زندگی اش را در گرو غریزه جنسی قرار نمی دهد. بسیاری از کودکان در سنین پایین ، کنجکاوی به خرج می دهند و درباره بدن خود و نحوه به دنیا آمدن بچه ، سؤال می کنند . اگر والدین به این گونه سؤالات ، جواب های اصولی بدهند ، در نتیجه ، هنگامی که کودک به سن بلوغ می رسد ، والدین در مورد پرسیدن این گونه سؤالات ، گرفتار شرمندگی بیهوده نمی شوند . چنین کودکانی ، احتمالاً ـ هنگامی که به سن بلوغ می رسند ، در مورد مسائل جدیدی که به زندگی آنها مربوط می شود ، صاحب اطلاعات کافی هستند و از هیچ مطلبی تعجّب نمی کنند ، در حالی که مطالبی که به آنها گفته شده ، مثل تشریح رنگ ها برای آدم نابینا بوده است. (۱) نکات قابل توجّه در اصول پاسخگویی به پرسش های کودکان عبارت اند از : الف . در پاسخگویی به پرسش های جنسی کودکان، صراحت و شفّافیت ، تا حدّی باید باشد که ابهام های ذهنی آنها رفع شود. ب پاسخ ها نباید به هیچ وجه ، تحریک کننده باشند . ج در مواردی که یکی از والدین ، توانایی پاسخگویی بهتری دارد، کودک به او ارجاع داده شود. د حُجب و حیا باید رعایت شود و در پاسخگویی ، از پرده دری اجتناب گردد . ه از برخورد هیجانی یا نفرت انگیز با کودک ، دوری شود. بعضی از والدین ، به دلیل حجب و حیا یا موانع فرهنگی، هنگامی که کودکانشان چنین سؤال هایی را از آنها می پرسند ، دستپاچه و شرمگین می شوند ، می خندند و یا عصبانی می شوند . این برخوردها کنجکاوی کودک را بیشتر تحریک می کند ؛ زیرا احساس می کند که وارد منطقه ممنوعه شده و حالا تا آن جا که می تواند باید کنجکاوی به خرج دهد ؛ امّا اگر برخورد والدین ، عادی و معمولی باشد ، کودک ، تصوّر می کند که این پرسش او ، با

.

۱- .ر. ک : روان شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، ص ۱۸۷ ۱۸۸ .

ص: ۱۳۰

ب . دوره نوجوانی

اشاره

دیگر پرسش هایش تفاوتی ندارد و از کنجکاوی بیش از حد ، اجتناب می کند. و جواب ها باید به قدر کفایت و قانع کننده باشند و با این که بهتر است در پاسخ دادن به این سؤالات ، از بیان اضافی و شرح و تفصیل بی مورد ، خودداری کرد ، امّا باید در نظر داشت که پاسخ باید قانع کننده نیز باشد ؛ زیرا اگر کودک ، قانع نشود و پاسخ پرسش خود را به دست نیاورد ، باز هم این سؤال را در ذهن می پروراند و ناچار است به منابع نامطمئن مراجعه کند تا پاسخ خود را بیابد. ز در پاسخ دادن به رشد سنّی و سطح فهم کودک ، باید توجه شود. کودک ، در هر سنّی ، توانایی محدودی برای درک مفاهیم دارد که با گذران دوران رشد، این توانایی ها هم بیشتر می شوند. لذا والدین باید توجّه داشته باشند که پاسخی مناسب ، با سن و درک کودک ارائه دهند. مسلّماً پاسخی که به یک کودک سه ساله داده می شود ، باید با پاسخی که به کودک ده ساله داده می شود ، متفاوت باشد. لازم به توجّه است که لزوم آموزش جنسی کودکان و پاسخ دادن درست به آنان، به این معنا نیست که والدین یا دیگر بزرگ سالان ، مجاز هستند که هر نوع سخنی را در حضور کودکان بیان کنند ؛ بلکه باید سعی کنند تا حدّ ممکن ، از برانگیختن حس کنجکاوی آنها یا ایجاد سؤال در ذهنشان خودداری کنند ؛ امّا اگر کودکان، خود ، سؤالی پرسیدند ، باید به سؤالات آنها بر اساس اصولی که بیان شد ، پاسخ داد. در این زمینه ، حکایتی وجود دارد با این مضمون که روزی علی بن جعفر با برادرشان امام کاظم علیه السلام بودند و ایشان می خواستند مطلبی را در امور زناشویی بیان کنند . آن هنگام پسری هم آنها را همراهی می کرد . امام پیش از بیان سخن ، از آن پسر می خواهند که کمی از آنها فاصله بگیرد ؛ زیرا سخنی خصوصی دارند . این امر ، نشان می دهد که بیان هر سخنی در برابر کودکان ، مجاز نیست . (۱)

ب دوره نوجوانینوجوانی را دوره بین کودکی و بزرگ سالی، برزخی میان نیاز و وابستگی به

.

۱- .قرب الإسناد ، ص ۲۵۲ ؛ بحارالأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۷۳ ، ح ۲۳ .

ص: ۱۳۱

۱ . آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ

بزرگ سالان و بی نیازی و وابستگی به خویشتن، و دوره پیدایش ادراک مفاهیم و افکار انتزاعی، تعریف کرده اند . بسیاری از روان شناسان هم به تعریف آن نپرداخته اند ؛ بلکه ویژگی های این دوره از رشد را در بُعد زمانی و تحوّلات جسمی و روانی مطرح کرده اند . از آن جا که ورود تخصّصی در این بحث ، خارج از حوصله این نوشتار است، بحث روش های تربیت جنسی پیش از ازدواج را پی می گیریم . هر چند موارد سه گانه پیشین ، در دوره نوجوانی هم تداوم می یابد ، امّا به تناسب تغییراتی که در این مرحله به وجود می آید ، روش های دیگری را هم باید به کار بست . از این رو ، در ادامه ، به بیان آنچه لازم است که در این دوره ، مورد توجّه قرار گیرد ، می پردازیم :

۱ . آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغانسان در آغاز نوجوانی ، دارای رشد و جهش خاصی است و با تغییرات جسمی، هورمونی و ظهور ویژگی های جنسی ثانویه ، همراه است. این تغییرات ، طی یک دوره تقریباً دو ساله رخ می دهد و با بلوغ جنسی ، به اوج خود می رسد . (۱) در خصوص تربیت جنسی نوجوان، والدین ، دو وظیفه کلّی و اساسی دارند. یکی این که او را با حقایق صحیح جنسی بیولوژیک ، آشنا کنند تا او بداند دستگاه های جنسی چگونه کار می کنند و تأمین بهداشت آنها چگونه امکانپذیر است . دیگر این که یاد بدهند، نوجوان چگونه میل جنسی خود را با توجّه به ارزش های اخلاقی و فرهنگی جامعه خود ارضاء کند و در نتیجه ، از انحراف و پیدایش اضطراب و عوارض روانی دیگر ، در امان باشد. در این زمان، وظایف والدین نسبت به گذشته ، پیچیده تر و سنگین تر می شوند ؛ زیرا در گذشته ، کودکان به محض پیدا شدن نشانه های رشد و بزرگ شدن جثّه و احساس توانمندی بیشتر، وارد مرحله کار و فعالیت اجتماعی می شدند . دخترها هم

.

۱- Child Development, bukatko and daehler, ۱۹۹۵. P ۱۶.

ص: ۱۳۲

۲ . آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحوّلات نوجوانی

در سنین بسیار پایین (گاهی در یازده سالگی و یا پایین تر) ازدواج می کردند و در سیزده چهارده سالگی ، دارای فرزند می شدند . بیشتر پسرها چه بسا پیش از بیست سالگی ازدواج می کردند. باید توجّه داشت که بچّه های دیروز ، به مرحله دیگری از زندگی رسیده اند و برخورد با آنان با گذشته باید متفاوت باشد . چه بسا والدینی که تصوّر می کنند فرزندان آنها هنوز کودک اند ، و از این رو از مشاهده تغییرات فرزندانشان دچار حیرت و تعجّب و گاهی هم گرفتار خشم و عصبانیت می شوند. گویا غافلگیر شده اند و انتظار چنین تغییراتی را ندارند، بویژه این که تغییرات بلوغ ، گاهی خیلی سریع و پیش از آن که والدین ، آمادگی لازم را برای برخورد صحیح با آنها پیدا کنند ، رخ می دهد . لذا والدین باید پیش از آن که کودکان آنها وارد این مرحله جدید بشوند ، نسبت به ویژگی های آنان اطلاعات لازم و کافی پیدا کنند تا بتوانند فرزندانشان را به شیوه ای صحیح تربیت کنند. لازم است که آنها اطّلاعاتی را در مورد سن نوجوان، بلوغ و ویژگی های آن و تغییرات جسمی و روانی این دوره ، به فرزندانشان منتقل سازند و به وظیفه خود در این راستا عمل نمایند.

۲ . آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحوّلات نوجوانیهمواره اوّلین تغییرات در زندگی انسان ، با نوعی ترس از ناشناخته ها و ابهام و سرگشتگی همراه است. اوّلین روزی که قاعدگی در دختری آغاز می شود و اوّلین دفعه ای که پسر ، محتلم می شود، برای دختر و پسر ، با ترس و اضطراب همراه است . این ترس و اضطراب ، وقتی بیشتر می شود که هیچ آمادگی قبلی ای در مورد آن نداشته باشند و از طبیعی بودن آن ، بی اطلاع باشند. برعکس آن نیز صادق است ؛ یعنی این اضطراب و ترس ، وقتی به حداقل خود می رسد که کودک و نوجوان را از پیش برای این تغییرات ، آماده کرده باشند. اوّلین قاعدگی برای دختران ، چه بسا اضطراب و نگرانی بیشتری نسبت به پسرها در اوّلین احتلام داشته باشد. قاعدگی ، از آن جا که با خونریزی همراه است و در منطقه

.

ص: ۱۳۳

حسّاسی رخ می دهد که دختر ، ممکن است از بیان آن شرم کند و خونریزی را نشانه نقص یا بیماری در آن قسمت بدن خود بداند، با ترس و وحشت بیشتری همراه است. اگر دختران نوجوان ، از طبیعی بودن آن آگاه نباشند و والدین از پیش، آنها را برای این مرحله ، آماده نکرده باشند، دچار اضطراب و افسردگی شدیدی می شوند که احیاناً به خودکشی نیز منجر می شود. (۱) بنا بر این ، مادران موظّف اند که پیش از شروع اوّلین قاعدگی ، در جوّی دوستانه ، برای او توضیح دهند که یکی از نشانه های طبیعی رشد یک دختر، شروع قاعدگی است که او را برای مرحله مهم تری از زندگی (یعنی مادر شدن) آماده می کند . سپس از راه ایجاد غرور نسبت به مادر شدن و برانگیختن حسّ مادری که از کودکی ، درون دختربچّه ها وجود دارد ، او را بیش از پیش ، به طبیعی بودن و اهمیت این تحوّل بزرگ در زندگی دختران ، آگاه کنند. همچنین پدران باید با پسران خود در مورد احتلام و آماده شدن آنها برای بارورسازی، پدر شدن و تحمّل مسئولیت خانه و خانواده آماده کنند و برای آنها توضیح دهند که این ، امری طبیعی است که دلیلی برای شرمندگی از آن وجود ندارد . همان گونه که شروع قاعدگی ، ممکن است باعث نگرانی دختران شود، نعوظ کنترل نشده و اوّلین انزال در پسرها نیز ممکن است نگرانی آنان را به دنبال داشته باشد. تحریک آلت جنسی هم مثل تحریک دیگر قسمت های بدن ، ممکن است برای کودک لذّت بخش باشد معمولاً بعد از بلوغ ، شدّت بیشتری می یابد. در این دوران ، آلت جنسی مردانه ، به سادگی به طور ناگهانی یا در واکنش محرّک های مختلفی چون : مناظر، صداها، بوها و کلمات تحریک کننده یا هر عامل دیگری متورّم می شود و ممکن است باعث تحریک نوجوان شود. هر چند که نوجوانان ، به توانایی خود در نعوظ ، به عنوان نشانه مردانگی افتخار می کنند ، ولی در عین حال ، ممکن است از این که نمی توانند این واکنش را کنترل کنند ، دچار

.

۱- .جوان ، انگیزه و رفتار جنسی ، ص ۷۶ .

ص: ۱۳۴

۳ . تعدیل حالت های روانی

شرمندگی و نگرانی شوند . حتّی ممکن است از این که بخواهند در کلاس درس بایستند ، احساس نگرانی کنند. آنان در این فکرند که آیا نوجوانان دیگر هم در کنترل خود ناتوان اند؟ نوجوانان در این دوره و زمانه ، آگاه ترند و از نسل قبل ، کمتر احتمال دارد که نگران قاعدگی یا احتلام شبانه شوند. با وجود این ، بسیاری از پسرها و دخترها بخصوص در اوّلین سال های نوجوانی ، آموزش لازم را از والدین، مدرسه یا همسالان خود نمی گیرند و با ترس های بی جا ، خود را شکنجه می دهند.

۳ . تعدیل حالت های روانیتغییراتی که در سیستم عصبی و هورمونی نوجوان ایجاد می شود و رشدی که در قوای شناختی او رخ می دهد، باعث ایجاد تغییراتی در خلق و خو و تمایلات نوجوان است . این تغییرات ، گاهی خانواده را به وحشت می اندازد و باعث می شود که با نوجوان خود ، رفتاری نامناسب داشته باشند و با دست خود ، عوامل گریز او را از خانه و خانواده فراهم سازند. از نقطه نظر روانی، یکی از بارزترین ویژگی های نوجوانان ، «استقلال طلبی» آنهاست. نوجوانان ، گاهی برای ثابت کردن استقلال طلبی خود ، به لجاجت با خانواده ها می پردازند و سعی می کنند قوانین خانه و احیاناً جامعه را زیر پا بگذارند و رفتارهایی انجام دهند که خلاف میل پدر و مادر است . این ویژگی ها وقتی تشدید می شوند که والدین ، سعی در مقابله با فرزندان خود داشته باشند. به همین دلیل است که پیامبر صلی الله علیه و آله دوره سوم کودکی را که مقارن با سن نوجوانی است دوره «وزارت» او می داند . (۱) یعنی وقتی کودک به سن نوجوانی می رسد باید اختیاراتی در حد اختیار وزیر داشته باشد ؛ امّا نه بدین معنا که مطلقاً از زیر نظارت والدین خارج شود . رفتار والدین با نوجوان باید همراه با احترام و تقدیر باشد ، نه رفتاری که پادشاه با رعیت عادی خود می کند.

.

۱- .ر. ک : مکارم الأخلاق ، ص ۳۲۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۵ .

ص: ۱۳۵

همچنین سال های بلوغ ، اغلب دوران سرکشی و تمرّد و اضطراب نوجوان است. سرکشی نوجوان ها در برابر صاحبان اختیار و در برابر مقرّرات ، مطلب تازه ای نیست و اگر علاقه ای به تربیت و آموزش و رشد فرزندانمان داریم باید آن را تحمّل کنیم. آنا فروید ، در مورد دنیای نوجوانی ، معتقد است که ناسازگاری نوجوان و رفتار غیر قابل پیش بینی او طبیعی است. اگر با انگیزه هایش می جنگد و آن را قبول می کند، اگر در عین حال هم پدر و مادرش را می پرستد و هم از آنها متنفّر است، اگر در برابر دیگران تقلید می کند. در عین حال ، بی وقفه در جستجوی هویّت خویش می گردد، اگر بیش از هر زمانی در زندگی ، آرمان گرایی می کند و در قالب هنرمندان می رود و سخاوت به خرج می دهد و از خودگذشته می شود و اگر برعکس، خودمحوری و نَفْس پرستی و حسابگری را انتخاب می کند، کاری طبیعی کرده است. اگر چه این رفتارهای ضدّ و نقیض در دوران بلوغ ، تقریباً طبیعی است ، امّا شخصیتی در حال شکل گرفتن است و این شکل گیری ، به گذشت زمان نیاز دارد ؛ (۱) ولی با راهنمایی درست عاطفی می توان به تعدیل این حالت ها پرداخت و زمینه تسهیل سیر طبیعی مطلوب را فراهم ساخت ، برای این که والدین و مربّیان ، متوجّه این نابه سامانی های روانی فرزندان و متربّیان خود در مرحله آغازین جوانی (نوجوانی) باشند و رابطه عاطفی مناسبی با آنها برقرار سازند و در تعدیل حالت های روانی آنان کوشش نمایند . پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به تحوّلات روانی در دوران نوجوانی می فرماید: الشَّبَابُ شُعبَهٌ مِنَ الجُنُونِ. (۲) مرحله آغازین جوانی (نوجوانی) شاخه ای از جنون است.

.

۱- .روان شناسی بلوغ ، ص ۲۴ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۷۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۷ ، ص ۱۶۵ .

ص: ۱۳۶

در خصوص دختران نوجوان که از پسران همسال خود ، حدود دوسال، زودتر بالغ می شوند، پرورش فروتنی و لیاقت و سختگیری عمیق نسبت به خود و جنس مخالف ، خیلی مهم است. چون در بیشتر دختران نوجوان ، نشانه های تنبلی دیده می شود، انرژی و فعالیت مخصوص دوره کلاس های پایین تر نقصان می یابد و تفکّر ، طنّازی و جذّابیت و توجّه به خود در آنها تغییر می کند ، بدین جهت ، جلب دختران نوجوان به کارهای خانگی و آموختن ملاحت و مهارت و خانه داری ، خیلی مهم است. در تعدیل حالت های روانی دختران، والدین باید مواظب باشند که دختر ، چه طور لباس می پوشد ، چگونه صحبت می کند، چه طور می نشیند و چگونه با دوستانش رفت و آمد دارد. آیا خیلی ساده، رابطه دوستی برقرار می کند و سپس دوستی خود را قطع می کند و یا خیلی با دقت و احتیاط رفتار می کند ، به طوری که درس و مشق را فراموش می کند و خود را می آراید، به امید این که با کسی ملاقات کند. والدین ، با کمک به نوجوان خود در برنامه ریزی صحیح و راهنمایی به سوی رفتارهای متعادل، باید او را از رفتارها و موضع گیری های افراطی و تفریطی ، باز دارند. همچنین از آن جا که در نوجوانی ، اوّلین نشانه های بلوغ (یعنی قاعدگی) آغاز می گردد ، مهم است که دختر را آماده رعایت بهداشت خویشتن نمایند و برای او توضیح دهند که همان گونه که به آراستگی خود اهمیت می دهد ، به همان صورت ، به پاکیزگی جسم و نظم و ترتیب نیز اهمیت بدهد . نیز باید دختر را از خشونت و تندی با نزدیکان ، بر حذر داشت. باید به او فهماند که زیبایی واقعی زن ، در ملاحت او نهفته است و این ملاحت ، حاکی از هماهنگی ویژگی های ظاهری و باطنی اوست . همچنین باید به دختران آموخت که خود را از شایعه پردازی، بلندپردازی و دروغگویی ، دور نگه دارند. باید به آنان گوشزد کرد که اگر امروز سعی کنند تا انسان شایسته ای باشند ، تمام خوبی های آینده ، در انتظار آنهاست.

.

ص: ۱۳۷

۴ . پرورش هویّت جنسی نوجوان

۴ . پرورش هویّت جنسی نوجوانان نیازهای مهم دوران نوجوانی، «پرورش هویّت» است. او می خواهد با ماهیت انسانی و جنسی خود ، آشنا شود ؛ به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که : من کیستم و به کجا می روم ؟ او می خواهد ارزش ها و معیارهایش را بداند و آنها را پایه ریزی کند. احساس هویّت شخصی در نوجوانان ، به تدریج بر پایه همانندسازی های گوناگون دوران کودکی ، تکوین می یابد. ارزش ها و معیارهای اخلاقی کودکان تا حدود زیادی ، همان هایی هستند که والدین آنها ، نیز دارند. احساس عزّت نفس در نوجوانان نیز از نگرش والدینشان نسبت به آنها نشئت می گیرد. با ورود به نوجوانی و دنیای وسیع تر آنان در دبیرستان، آنها به صورت فزاینده ای به ارزش های گروه همسالان خود و همچنین به ارزیابی های معلّمان و دیگر بزرگ سالان ، بیشتر ارج می نهند. نوجوانان ، از راه جمع بندی این ارزش ها و ارزیابی ها ، می کوشند که تصویر یک پارچه ای از خود به دست آورند. هر اندازه ارزش هایی که از سوی والدین، معلّمان و همسالان ابراز می شود ، همخوانی بیشتری باهم داشته باشند ، به همان نسبت نیز کار هویّت یابی نوجوان ، آسان تر پیش می رود . اریک اریکسون (روان شناس) نیز مرحله نوجوانی را مرحله «احراز هویّت در برابر پراکندگی نقش» معرفی کرده است . او معتقد است که این مرحله پنجم از چرخه تحوّل روانی اجتماعی است که با دوره نوجوانی ، مقارن است. مفهوم هویّتی را که اریکسون در این دوره مطرح می کند ، دو چهره دارد : از یک سو ، به احساسات رجوع می کند که یک فرد ، در مقابل خویشتن دارد (یعنی خودسنجی) و از سوی دیگر ، بر روابط بین هویّت شخصی و توصیف هایی که دیگران از او به عمل می آورند، تکیه می کند. این توصیف ها مربوط به رفتارهایی هستند که جامعه ، آنها را برای یک رفتار مناسب ، اساسی می داند و در اطراف مجموعه هایی که «نقش های اجتماعی» نامیده می شوند، سازمان یافته اند. به عنوان مثال ، مرد یا زن بودن، معنای ایفا کردن یکی از این نقش هاست . نقش هایی که بین من و اجتماع ، ارتباط برقرار می سازد . دارای دو

.

ص: ۱۳۸

کنش اند : یکی آن که شخص را به قوانین اجتماعی مربوط می سازد و دیگر این که وی را به عنوان فرد ، مشخص می کند. (۱) به علّت این تغییرات و سردرگمی ها ، ممکن است که نوجوان ، هر روز یک قالبی را برای خود انتخاب کند و فردا ، آن را دور بریزد و قالب دیگری انتخاب کند . این مسئله در جوامع پیچیده ، مشکل تر از جوامع ساده است که در آن ، نقش هر فرد و هر گروه و هر زن و مردی مشخّص است ؛ امّا در جوامع پیچیده امروزی ، این مسئله ، بسیار چشمگیر است . هر چه جامعه و ارزش ها و معیارهای آن ، پیچیده تر شود ، هویّت یابی هم مشکل تر می شود. البته هویّت ، بخش های فراوانی دارد ، مثل : هویّت ملّی ، هویّت شخصی، هویّت جنسی، هویّت دینی و ... آنچه در مبحث تربیت جنسی اهمیت پیدا می کند ، موضوع «هویّت جنسی» است که پایه آن (همان طور که گفته شد) در زمان کودکی ریخته می شود و منشأ بیشتر اختلالات هویّت جنسی نیز از دوران کودکی است و در نوجوانی ادامه می یابد . حتّی برخی از اختلالاتی که در دوران بلوغ شروع می شوند ، مانند «ترانس سکسوالیسم» (۲) یا «نارضایی جنسیتی» نیز تا حد زیادی ، ریشه در دوران کودکی دارند. آموزش و تربیت در نوجوانی، می تواند هویّت جنسی مطلوب را در نوجوان پدید آورد و از اختلالات و رفتارهای نابه هنجار جنسی در آنان پیشگیری نماید. از جمله راه های تسهیل در هویّت یابی جنسیتی ، این است که دختر و پسر نوجوان ، از تشبّه خود به جنس مخالف خودداری کنند و به هیچ وجه ، به خود اجازه ندهند که چنین رفتارهایی را داشته باشند ؛ چون از نظر اسلام ، این عمل ، حرام شمرده می شود و مبادرت به این نوع عملکردها ، محرومیت دختر و پسر از رحمت های طبیعی خداوند را دنبال دارد .

.

۱- .روان شناسی ژنتیک ، ص ۱۲۵ ۱۲۶ .

۲- .Transsexuali

ص: ۱۳۹

امام علی علیه السلام می فرماید : از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : لَعَنَ اللّهُ المُتَشَبِّهِینَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ المُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ . (۱) خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می کنند و زنانی که خود را شبیه مردان می سازند ! بنا بر این ، این رفتار ، خلاف طبیعت زن و مرد است ، لذا عمل کنندگان به آن ، مورد لعنت خداوند واقع می شوند. روشی دیگر برای تسهیل هویّت یابی جنسیتی در نوجوانان، «همانندسازی» آنها با والد همجنس است. اگر چه همانندسازی ، پیش از سنین بلوغ و تقریباً از سه سالگی انجام می شود ، امّا به علّت دگرگونی های دوران بلوغ به این همانندسازی در این دوره ، کمی مختل می شود و دوباره به شکل دیگری انجام می گیرد. لذا والدین همجنس نوجوان در این دوره ، نقش مهمی دارند. پدران باید بدانند که در تربیت فرزندانشان بویژه پسرانی که در سن بلوغ هستند ، نقش اساسی دارند و کوتاهی آنها در ایفای این نقش ، به ضعف هویّت جنسی پسران می انجامد . پدر باید بتواند به طور صحیح ، در پسر نوجوانش تأثیر بگذارد. پدر می تواند درباره افکار مناسبِ نیروی مردانگی صحبت کند ؛ در مورد نیرومندی و احساس نسبت به زنان و زیبایی و رفتار خوب گفتگو نماید پدر در خانواده ، تأثیر ویژه ای روی پسر می گذارد. اگر پدر ، نزدیک به پسر باشد ، همیشه مواظب اوست . علاوه بر این ، در کارهای خانه نیز شرکت خواهد کرد . معاشرت همیشگی ، سبب نزدیکی روحی دو مرد می شود. مرد مسن ، به نوجوان کمک می کند که بعدها انسان واقعی شود. این مسئله در مورد دختران نیز صادق است . مادران باید احساس زنانگی را در دختران تقویت کنند و نقش آنها را در ازدواج و زندگی مشترک تبیین نمایند. در رویکرد دینی یک نوجوان (چه دختر و چه پسر) باید بداند که اشرف

.

۱- .الخصال ، ص ۵۸۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۲۱ .

ص: ۱۴۰

۵ . توجّه به نیاز جنسی و جهت دهی مطلوب به آنها

اشاره

مخلوقات است . (۱) او جانشین خداوند در روی زمین و خلیفه الهی تلقّی می گردد . (۲) وی مسجود ملائکه (۳) و حامل امانت الهی دانسته شده و تنها موردی که خداوند به آفرینش خویش، تبریک و تهنیت می گوید ، (۴) خلقت اوست . وی از منزلت و جایگاه خاصی برخوردار است که هویّتش در چهار بُعد اساسی یعنی ارتباط با خدا، با خود ، با دیگران (و از جمله جنس مخالف او) و با جهان هستی و طبیعت شکل می گیرد. هویّت یابی جنسیتی ، به این است که مثلاً دختر ، خود را باارزش و دارای کمالات و مایه آرامش قلب و روح و روان مرد بداند (۵) و نقش خود را در سلامت روحی روانی جامعه ، تعیین کننده تلقی نماید. زن از جنبه دیگر ، به عنوان مادر ، ارزشی فراتر از مرد (به عنوان پدر) دارد. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به فرزند، سه بار توجّه و احترام به منزلت مادر تأکید شده است و بار چهارم، توجّه و احترام به پدر مطرح گردیده است . (۶) مرد نیز باید خود را قوی، حلّال مشکلات، مدیر و مدبّر و تکیه گاه و محبّت کننده به زن بداند و نقش هدایتگرانه خود را در زندگی ، باور نماید.

۵ . توجّه به نیاز جنسی و جهت دهی مطلوب به آنهاانسان ، تقریباً با مجموعه ثابتی از نیازها متولّد می شود و در طول زندگی ، با او خواهند بود. بنا بر این ، نیازهای کودکان ، نوجوانان و بزرگسالان ، تقریباً برابر است ؛ تفاوت اصلی ، در شدّت و ضعف ظهور این نیازهاست. در هر سنّی ، برخی از نیازها

.

۱- .«وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی ءَادَمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ» (سوره اسراء ، آیه ۷۰) .

۲- .«إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً» (سوره بقره ، آیه ۳۰) .

۳- .«وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَئِکَهِ اسْجُدُواْ لِأَدَمَ فَسَجَدُواْ» (سوره بقره ، آیه ۳۴) .

۴- .«فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَلِقِینَ» (سوره مؤمنون ، آیه ۱۴) .

۵- .«وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا» (سوره روم ، آیه ۲۱) .

۶- .راهنمای انسانیت (سیری در «نهج الفصاحه») ، ص ۵۷۰ .

ص: ۱۴۱

الف . پذیرش تمایل جنسی در نوجوان

اهمّیت بیشتری پیدا می کنند و انسان ، نسبت به نیازهای دیگر ، یا بی توجّه می شود یا قدرت تحمّل او نسبت به فقدان عدم ارضای آنها بیشتر می شود. نیازهای مهم یک نوجوان فراوان اند ؛ امّا از مجموع ویژگی های روانی و نیازهای عاطفی در دوره نوجوانی، آنچه در امر تربیت جنسی ، بیش از همه اهمّیت پیدا می کند ، «نیاز جنسی» است. نیاز جنسی در نوجوانی ، فکر نوجوانان را زیاد به خود مشغول می سازد ؛ زیرا آنها احساس نیاز، به همراه احساس توانایی برای عمل جنسی را دارا شده اند . و تحریکات فراوانی ، انگیزه و خواسته های جنسی را در آنان تشدید می کند. این نیاز ، چه بسا بحرانی را برای آنان پدید می آورد که زمینه مهم ترین نگرانی های والدین را فراهم می سازد. از این رو ، لازم است که با آن ، برخورد صحیح صورت گیرد. این مواجهه ، با شیوه های زیر تحقّق می یابد:

الف پذیرش تمایل جنسی در نوجواناوّلین قدمی که والدین در این راه باید بردارند ، این است که ظهور این میل را در فرزندان خود بپذیرند و در این زمینه ، بدون شرم زدگی و با تلقّی طبیعی بودن این میل ، با او گفتگو کنند. والدین می توانند به فرزندان خود بگویند که آنها متوجّه نیاز فرزندشان هستند و این که پسر نوجوان ، یا دختر نوجوان توجّهش به جنس مخالف جلب شود، یا در دلش به فرد خاصی علاقه مند گردد ، امری طبیعی است . نوجوان این را باید بداند که هیچ چیز پست و رذیلانه ای در این میل نیست ؛ بلکه تمایلی طبیعی و خدادادی برای ادامه بقای نسل بشر است. شاید به یقین بتوان گفت که بسیاری از مشکلات نوجوانان و مشکلات والدین با آنها در همین مرحله حل می شود ؛ زیرا اولاً نوجوان ، به مشخّص کردن تمایلات خود یا تجارب خود (که ممکن است آنها را به علّت مخفی کاری به تباهی بکشد) نیازی ندارد ؛ ثانیاً نوجوان با دیدن پذیرش والدین، دیگر اصراری بر قبولاندن این امر به آنها با انجام دادن رفتارهای نابه هنجار نخواهد داشت.

.

ص: ۱۴۲

ب . تبیین هدف های تمایل جنسی

ج . توجّه به پیامدهای نامطلوب بی بندوباری جنسی

ب تبیین هدف های تمایل جنسیوالدین ، پس از پذیرفتن وجود این غریزه در فرزندانشان و بیان طبیعی بودن آن ، می توانند از طریق سوق دادن فواید میل جنسی ، به سوی فواید ازدواج، نوجوان را برای «ازدواج» ، آماده کنند و این میل مهارگسیخته را در قالبی مطلوب ، محدود سازند. والدین می توانند برای نوجوانان خود بیان کنند که خداوند ، این میل را در زن و مرد قرار داده تا به یکدیگر متمایل شوند و ازدواج کنند ، در کنار یکدیگر به آرامش برسند ، (۱) در رسیدن به کمال بشری و قرب الی اللّه ، همیار هم باشند و در دانشگاه ازدواج ، بهترین خصلت های اخلاقی (چون : از خودگذشتگی، ایثار، عفو ، عشق ورزی، سخاوتمندی و...) را بیاموزند. به این ترتیب ، نوجوانان می فهمند که این میل، «میل مقدّس» است که اگر با نظم ، از آن ، خوب مواظبت کنند و بر اساس ضوابط شرعی و اجتماعی ، آن را ارضا نمایند ، ضامن سعادت آنهاست ؛ امّا اگر برعکس آن رخ دهد ، هلاکت آنها را موجب می شود.

ج توجّه به پیامدهای نامطلوب بی بندوباری جنسیبسیاری از نوجوان ها در این سن ، سعی می کنند با جنس مخالف خود ارتباط برقرار سازند. روان شناسان ، برقراری رابطه جنسی بین نوجوان را امری نامطلوب و زیان بار می دانند و والدین را موظّف می کنند که از وقوع آن پیشگیری کنند. به عنوان مثال ، آقای کوچتکف ، ضمن بیان دوستیِ پسر و دختر با هم ، سفارش می کنند که والدین باید ارزش دوستی صحیح را به فرزندان خود بیاموزند و سپس به آنها توصیه کنند که از راه پاک دامنی خارج نشوند ؛ ولی نوجوانان با آشنا شدن به تمایلات زودرس، معمولاً بی اندازه تحریک می شوند و حالت عصبانیت و خشونت به خود می گیرند و گاهی در معاشرت ، به صورت آدمی عامی و نادان ، جلوه گر می شوند. با شناختن گناه ، در نتیجه عدم دورنمایی روشن، زندگی خشن تر می شود و به تدریج ،

.

۱- .ر. ک : سوره روم ، آیه ۲۱ .

ص: ۱۴۳

بی شرمی ، جای حیا را می گیرد و نوجوانان ، اعتمادشان از واقعیت و خوبی و روشنی سلب می گردد. خصوصاً این حالت روحی (یعنی خشونت، بی علاقگی و سستی) در نتیجه فساد اخلاق و احساس زودرس جنسی و خطر ابتلا- به بیماری های مقاربتی ، نوجوانان را به بزه کاری می کشاند . بنا بر این ، حتّی در کشورهایی که ارتباط دختر و پسر و دوستی آنها با یکدیگر بلا مانع است، اذعان دارند که تماس جنسی زودرس ، پیامدهای ناخوشایندی دارد و امر مطلوبی نیست. ولی با توجّه به گفته کینزی در مورد نیرومندی میل جنسی در نوجوانان پسر ، (۱) قرار دادن دختران و پسران نوجوان در کنار هم و سپس دستور دادن به آنها که از ارتباط جنسی با هم خودداری کنید ، درست مانند قرار دادن پنبه و آتش در یک جا و انتظار نسوختن پنبه است. این حرف ، بیشتر به شوخی شبیه است تا یک واقعیت. بنا بر این ، مجاز دانستن ارتباط دختر و پسر در جوامع اروپایی ، بیشتر ناشی از واقعیت زندگی اجتماعی آنهاست ، نه پسندیده بودن این امر. نظر اسلام ، بر این امر استوار است که پیشگیری ، بهتر از درمان است وعلاج واقعه را قبل از وقوع می کند. همان طور که دستور تحریم کامل شرب خَمر می دهد، یا استمنا را کاملاً حرام می کند، از ابتدای بلوغ دختر و پسر و شروع به نیرومندی میل جنسی، روابط دختر و پسر را محدود می کند و دستورهایی مبنی بر به حداقل رساندن تحریکات جنسی می دهد ؛ زیرا تا وقتی که نوجوان و جوان ، از نظر جنسی ، تحریک نشده باشد ، مشکلی در پیش نخواهد بود ؛ امّا اگر تحریک شد و امیال جنسی او طغیان کرد ، خودداری و کنترلْ مشکل است. بنا بر این ، والدین باید نوجوانان خود (بویژه دختران) را از پیامدهای نامطلوب بی بندوباری و ارضای غیر مشروع این میل ، به هر طریقی که باشد ، آگاه سازند . باید یادآور شد که بسیاری از روایات وارد شده در این بحث ، با همین مأموریت صادر شده اند .

.

۱- .روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، ص ۱۴۸ .

ص: ۱۴۴

امام علی علیه السلام می فرماید : إِیَّاکُم وَ الزِّنَا فَإِنَّ فِیهِ سِتَّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِی الدُّنیا وَ ثَلاثٌ فِی الآخِرَهِ فَأَمَّا اللَّوَاتِی فِی الدُّنیا، فَیذهَبُ بِالبَهَاءِ وَ یَقطَعُ الرِّزقَ الحَلَالَ وَ یُعَجِّل الفَنَاءَ إِلَی النَّارِ وَ أَمَّا اللَّواتِی فِی الآخِرَهِ فَسُوءُ الحِسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحمَنِ وَ الخُلُودِ إِلَی النَّارِ . (۱) از زنا بپرهیزید (و به سوی چنین رفتاری تمایل پیدا نکنید) که شش اثر دارد : سه اثر ، مربوط به دنیاست و سه اثر ، مربوط به آخرت است ؛ اما آن سه اثر که مربوط به دنیاست، این است که ارزش انسانی و شخصیت فرد را از بین می برد، مانع کسب روزی حلال می شود و زمینه زود مُردن و در آتش ناراحتی افتادن را تسریع می کند و امّا آن سه اثری که مربوط به آخرت است ، حساب رسی بد در قیامت و مشمول خشم خدا شدن و در آتش همیشگی جهنّم به سر بردن . علاوه بر آن می توان خطر ابتلا به بیماری های مقاربتی را نیز برای آنها بیان کرد و آنها را از این مسئله بر حذر داشت. بویژه این که بسیاری از افرادی که مبتلا به این بیماری ها هستند (مثل بیماری ایدز) ، طبق آنچه در مجلّات مختلف ، از سرگذشت آنها نقل می شود ، مایل اند حال که خود مبتلا گشته اند ، دیگران را هم مبتلا کنند. این ، خطر بزرگی است که در کمین جوانان نشسته است. شکّی نیست که علّت گسترش امراض مقاربتی ، روابط غیر مشروع است. ارتباط جنسی خارج از ضوابط ازدواج ، علاوه بر بیماری های مقاربتی، خطرات دیگری نیز دارد، مانند حاملگی دختر که سبب بی آبرویی او و خانواده اش می شود و آینده او را تباه می سازد. موارد زیادی نقل شده است که دختران سیزده چهارده ساله، ندانسته حامله شده اند و باعث انجام یافتن عمل جراحی گردیده و در نتیجه ، با خطر بی فرزند ماندن در تمام زندگی مواجه شده اند. متأسفانه در این گونه موارد ، دختر ، مجبور است که تمام بار این مصیبت را بر شانه های نحیف خود تحمّل کند و پسری که او را به چنین بدبختی عظیمی کشانده ، بدون پرداخت تاوانی ، به زندگی خود ادامه می دهد و چه

.

۱- .علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۴۷۹ ۴۸۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۹ ، ص ۲۲ .

ص: ۱۴۵

بسا سراغ دختر دیگری برود و او را هم به چنین سرنوشتی دچار کند. لذا والدینی که فرزند دختر دارند ، اگر خواهان سعادت و حفظ آبروی دختر خود هستند ، باید پسرشان را خوب و با عفّت تربیت کنند. و به او بفهمانند که تمام دختران جامعه ، مانند خواهران او هستند . اگر او خواهان سلامت اخلاقی خواهرش است ، نباید به دختران جامعه ، نظر بدی داشته باشد. کوچتکف ، عقیده دارد که در این گونه حوادث اتّفاقی ، تنها دختر ، گناه کار نیست ؛ بلکه گناه بزرگ تر ، به گردن پسر یا پسرانی است که با او رابطه نزدیک داشته اند . از طرفی ، خود پدر و مادر دختر و پسر نیز گناه کارند ؛ زیرا به موقع ، فرزندان خود را علیه این گونه پلیدی ها مصون ننموده اند. احتمال این که دختر و پسری که پیش از ازدواج ، با هم ارتباط جنسی داشته اند ، با هم ازدواج کنند و این پیوند ، تداوم پیدا کند ، بسیار اندک است. اگر آمار دقیقی در مورد افرادی که پیش از ازدواج با هم ارتباط داشته اند و به اصطلاح ، «عاشق» بوده اند و سپس از هم طلاق گرفته اند وجود داشت ، آن وقت متوجّه می شدیم که تا چه حد ، این روابط لجام گسیخته ، به ضرر آینده نوجوانان (بویژه دختران) تمام می شود. (۱) تحقیقات نشان می دهد: روابط زناشویی ای که قبل از انجام شدن وصلت قانونی صورت گرفته، نوعاً موجبات پشیمانی را فراهم ساخته است ؛ زیرا چنین جریانی ، غالباً موجب می شود که شوهر ، اعتمادش را نسبت به همسر ، خود از دست بدهد و یا شوهر به خاطر این که دختر به سهولت ، تسلیمش گشته، از نظرش بیفتد و او را ترک کند . غالباً این گونه رفتارها موجب می شود که مرد ، پس از ازدواج ، احساس نماید که همسرش قادر به کنترل خود نیست و نمی تواند به وفاداری او اعتماد کند. در این گونه موارد ، بیشتر تقصیرات ، به گردن پسران است تا دختران ؛ زیرا هنگامی که پسر به نزدیک دختر می آید و تظاهر می کند که با شدّت و حرارت دوستش می دارد و به او اظهار می دارد که هر چه بخواهد به او می دهد ، آیا باید آن دختر را که سخنانش را

.

۱- .روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، ص ۱۷۰ .

ص: ۱۴۶

باور کرده و راستگویش پنداشته و بر او اعتماد کرده مقصر دانست؟ (۱) همچنین دختران نوجوان نباید والدین خود را سرزنش کنند که چرا آن انـدازه که به پسـران خود آزادی می دهنـد ، به آنها آزادی نمی دهنـد؟ و چرا بیش از حد ، مراقب آنها هسـتند؟ روشـن است که دلیل والـدین از این کار ، حفظ فرزنـدانشان از افرادی است که بـدون رعایت ضوابط، در صـدد سوءاسـتفاده از آنان برمی آینـد. دختران نبایـد تصوّر کننـد که این امر مراقبت و دلسوزی ، فقـط خـاص جـامعه ما یا جوامع اسـلامی و شـرقی است ؛ بلکه این نگرانی ، در همه جوامع وجود دارد. یکی از نویسـندگان غربی دربـاره نظر برخی مـادران نسـبت به مسائـل جنسـی فرزنـدانشان می نویسد: یکی از مادران چنین می گفت که آزادی روابط جنسـی ، اشـکالی ندارد ؛ امّا نه برای دختران من . آزادی جنسی ، یعنی بی بندوباری و هم بستری و دل شکسـتگی. ممکن است برای پسرها خوب باشد ؛ امّا برای دخترها خوب نیست. زنبور می تواند از یک گـل ، سـراغ گل دیگر برود ؛ امّا گل هرگز نبایـد از یک زنبور ، سـراغ زنبور دیگر برود. یک ضـرب المثل هنـدی می گویـد: همه رهگـذرها می تواننـد از سـایه درخت من اسـتفاده کننـد ؛ امّـا میوه اش مـال کسـی است که انتظـارش را می کشم. مادر دیگری می گفت: سعی کرده ام تا حد امکان ، دخترم را از پسرها دور نگه دارم. طبق تحقیقات کینزی ، برای مردان ، آنچه صریحاً جنسی است ، معنای شـهوانی دارد ، بـدون آن که لزوماً جنبه عاطفی داشـته باشـد ؛ ولی برای زنان ، زمینه عاطفی بـدون توجّه به وجود نمادهای صریحاً جنسـی ، معنای شـهوانی القا می کنـد. (۲) بنـا بر این ، زنـان بیشتر تحت تـأثیر جنبه های عاطفی هسـتند تا جنسـی و پسـران ، برعکس . این مسـئله ، باعث می شود از طرفی ، دختری که وارد رابطه ای با یک پسـر شده ، اگر این رابطه قطع شود ، بیشتر آسیب ببینـد تـا پسـر و از طرف دیگر ، خاطره این ارتباط ، چون با جنبه های عاطفی در ارتباط بوده ، در ذهن او بمانـد. به عکس پسـر که چون این کار را صرفاً یک عمل شهوانی می داند ، به راحتی ، آن را فراموش می کند . از

.

۱- .روان شناسی بلوغ ، ص ۱۳۶ .

۲- .بلوغ و ازدواج ، ص ۴۸ .

ص: ۱۴۷

آن جا که نه مرد و نه زن ، دوست ندارنـد با فردی ازدواج کننـد که تعلّقات فراوان به افرادی دیگر دارد، مردان ، از ازدواج با زنانی که پیش از این ، با فرد دیگری نیز ارتباط داشـته اند ، خودداری می کنند. ظاهراً این مسـئله برای خود دخترها هم همین طور است ؛ چون بـا توجّه به عـاطفی بودن آنهـا و تمایل بیشترشان به کمک مرد، از ازدواج با فردی که قبلاً با دختری ارتباطی داشـته یا ازدواج کرده، خودداری می کننـد. با این که ممکن است والـدین ، همه این مطالب را به فرزنـدان نوجوان خود بگویند ، امّا آنها چنین بیان می دارنـد که از قـدرت حفـظ نفس بالاـیی برخوردارنـد و مطمئن هسـتند که حتّی اگر بـا پسـری یـا دختری دوست باشـند و روابط عاطفی با هم داشـته باشـند، کار به جاهای باریک ، کشـیده نخواهـد شد. در چنین مواردی ، والدین باید از فشاری که در نتیجه این عمل بر نوجوان وارد می شود و مضـرّات آن، او را آگاه سازند . آنها باید برای نوجوان خود توضـیح دهند که رسیدن به عواطف و احساسات در اثر هیجان جنسـی ارضا نشده، عوارض نامطلوب دارد و باعث می شود که افراد ، با اثرات ضـعف آور ناشی از احتقان و التهـاب ارگـان هـای مربوطه در هنگامی که شـهوات برانگیخته آنها ارضا نگشـته است، روبه رو شونـد . وقتی که این موضع برای مدّت چند ماه و یا چند سال ادامه یابد ، امکان دارد که به ناتوانی جنسی و یا نوع دیگر ضعف جنسی منجر شود. گاهی ممکن است که دختر ، دچار خون ریزی در شـرمگاه مبتلا به سـیلان ابیضی و بیرون افتادگی اعضا و یک سلسله مشکلات دیگر شود که همگی مربوط به بیماری های زنان انـد . این را هم نباید از یاد بُرد که فشاری که در اثر برانگیختن شـهوت در حال عدم امکان ارضای آن، بر احساسـات دختـر وارد می شود، عامـل قدرتمنـدی در به وجود آوردن بیمـاری ضـعف اعصـاب (نوراسـتنی) است. پس نتیجه می گیریم که تماس جنسی در نوجوانی و پیش از ازدواج ، از جمله سوء استفاده های جنسی به شمار می آید. (۱)

.

۱- .همان ، ص ۴۹ ۵۰ .

ص: ۱۴۸

د . سوق دادن انرژی جنسی ، به امور معنوی و مطلوب

بنـا بر این ، روابط جنسـی لجام گسـیخته پیش از ازدواج ، خطرات فراوانی دارد. زیاد خودمانی شـدن و با تماس نزدیک، احساسات طرف مقابل را به شدت برانگیختن ، عوارض ناخوشایندی دارد . به علاوه ، ممکن است نیروی کور جاذبه جسـمانی، شخصی را در انتخاب همسـر ، دچار اشـتباه کنـد ؛ زیرا تحت این گونه شـرایط مشـخّص ، توجّهی به ویژگی های روانی، اجتماعی و رفتاری طرف مقابـل پیـدا نمی شود، تـا گفته شود می توان با این ارتباط ها ، اخلاق و شایسـتگی همسـر آینـده خود را بهتر درک کرد! اینها بهانه هایی است برای ارضای موقّتی . از این رو ، دختر و پسـر نبایـد به خودشان اجازه دهند که هنگام خداحافظی ، خیلی خودمانی شوند و طوری رفتار کننـد که گویی هم اکنون ، زن و شوهرنـد ؛ زیرا همان طور که تولسـتوی گفته است : «مرد و زن ، حکم آتش و پنبه را دارند. باید برای مصون ماندن از خطاکاری ، حتماً از هم فاصله بگیرند». (۱)

د سوق دادن انرژی جنسـی ، به امور معنوی و مطلوبفرویـد ، معتقـد است که یکی از مکـانیسم (ساز و کار)های دفاعی انسان که در برابر تعـارض نهـاد (تمایل به ارضای بی قیـد و شـرط نیازهای اوّلیه)، «من» و «فرا من» وجود دارد ، عبارت است از : «تصـعید» (۲) یا والاـیش. تصـعید ، یعنی جابه جایی یک نیروی درونی ، به سوی یک هـدف اجتماعی سـطح بالا گاهی بر آوردن امیال و آرزوهای فرد ، به موانع اجتماعی برخورد می کند و در نتیجه ، وی طوری آنها را تغییر مسیر می دهد که مورد پسند جامعه باشد. این مکانیسم ، یکی از بهترین و ارزنـده ترین راه هـای مقـابله بـا ناکـامی است. بسـیاری از نویسـندگان، شـعرا و هنرمنـدانی که در ارضای انگیزه جنسـی یـا جـاه طلبی خود شـکست خورده انـد ، به آفرینش هنری ، دست زده انـد و گـاهی شـاه کارهای جاویـدان خلق کرده انـد. روانکاوان، تصعید را به عمل یک مهندس ، تشبیه می کنند که انرژی خام یک آبشار

.

۱- .همان ، ص ۴۸ ۴۹ .

۲- .Sublimati

ص: ۱۴۹

را که اثر آن ، تنها ساییدن زمین است ، به نیروی برق تبدیل می کند که برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسان ها مفید است. تصعید ، نقش بسیار مهمّی در سازگاری فرد با محیط اجتماعی خود دارد. (۱) در برخی از فرهنگ ها ، سوق دادن انرژی و از جمله انرژی جنسی به امور دیگر را هدایت انرژی جنسی روانی ، از چاکراهای شخصی (قسمت های پایین بدن به نام های : ریشه، خاجی و خورشیدی) به چاکراهای کیهانی (قسمت های : قلب، گلو، ابرو و تاج) برای تبدیل انرژی جنسی به انرژی عشق و محبّت در قلب و انرژی معنوی، دانسته اند . چاکراه ، در سنسکریت ، به معنای «چرخه» بوده و به گرداب های مخروطی شکل انرژی اشاره دارد و به منبع انرژی آدمی یا هسته مرکزی انرژی زایی گفته می شود. انسان ها از چاکراهای بسیاری ساخته شده اند هفت چاکراه اصلی وجود دارد که در بالا به آن اشاره شد. چاکراها در کالبد فیزیکی ما قرار ندارند ؛ بلکه بخشی از کالبد انرژی هوشمندند که انطباق ها و یکسان سازی ها را در کالبد و ذهن ما هدایت می کنند . تأثیرات سه چاکراه (ریشه، خاجی و خورشیدی) بر ما، فردی و جسمانی است ، در حالی که تأثیرات چهار چاکراه (قلب، گلو، ابرو و سر) بر ما ، کیهانی است. چاکراه ریشه، منبع واقعیات و حیات است. چاکراه خاجی، منبع توانایی حرکت انتقالی و کانون تمایلات جنسی و تولید است. چاکراه شبکه خورشیدی، کانون فردی و احساسات است. چاکراه قلب، مرکز عشق و رحمت است. چاکراه گلو، مرکز ارتباطات و پیوندهاست. چاکراه ابرو (یا چشم سوم)، منبع دانش و ذهن و جایگاه مکاشفه باطنی است. چاکراه سر، مرکز رستگاری کامل و الحاق به خداست. چاکراها به ما کمک می کنند تا از «ترس» ، به «شهامت» و از «خشم» ، به «بخشش» تحوّل یابیم و از آنها برای پیشرفت فردی، شفابخشی و دگرگونی معنوی استفاده

.

۱- .روان شناسی عمومی ، ص ۲۰۲ .

ص: ۱۵۰

ه . تشویق به ادامه تحصیل و علم آموزی

کنیم. چاکراها حوزه مغناطیسی ای هستند که نیروهای مثبت و منفی انرژی (مانند شادی و غم) را به جریان می اندازند و این توانایی را دارند که انرژی را از کائنات ، به خود جذب کنند و در سراسر سیستم وجود ما پخش نمایند . در زمینه سوق دادن انرژی جنسی ، فرد باید از کانون تمایلات جنسی که منبع آن ، چاکراه خاجی است ، معطوف شود به عشق و رحمت که منبع آن ، چاکراه قلب است . در اسلام ، با توجّه به این که نیازهای لطیف و هنری و حسّ زیبایی دوستی و قدرت نمایی هم در دوران نوجوانی اوج می گیرد، خوب است که والدین ، این جنبه های فرزندان خود را تقویت کنند تا انرژی روانی خود را در این بخش ، تخلیه کنند . والدین ، با فراهم کردن شرایط شرکت کردن فرزندانشان در کلاس های هنری یا باشگاه های ورزشی ، می توانند تا اندازه زیادی ، توجّه آنها را از امیال جنسی ، به سمت امیال هنری و... جلب کنند.

ه تشویق به ادامه تحصیل و علم آموزینوجوانان ، علاقه مند به کشف جهان و کسب دانش درباره مسائل اجتماعی، علمی، دینی و... هستند. امیال عقلی فرد ، در دوره نوجوانی ، آشکار می شوند و او به فعالیت های گوناگون ، اظهار علاقه می کند. این امیال که از سطح هوش و استعدادهای عقلی او متأثّر می شوند ، راه آینده ای را که نوجوان از لحاظ شغل و زندگی در پیش خواهد گرفت ، روشن می کنند. (۱) لذا والدین باید با روش های مختلف و به دور از هر گونه تنش ، فرزندان خود را به علم آموزی تشویق کنند و در مواردی باید فرصت اندیشیدن را برای نوجوانان پیش بیاورند که به راحتی ، کنجکاوی های خود را درباره مسائل سیاسی، دینی و... بیان کنند . امام صادق علیه السلام می فرماید : لَستُ أُحِبُّ أن أرَی الشَّابَّ مِنکُم إلَا غَادِیاً فِی حَالَینِ، إمَّا عَالِماً أو مُتَعَلِّماً فَإن لَم

.

۱- .روان شناسی رشد ، شعاری نژاد ، ص ۴۰۹ .

ص: ۱۵۱

و . آموزش شیوه های کنترل تحریکات جنسی

اشاره

یَفعَل فَرَّطَ فَإِن فَرَّطَ ضَیَّعَ وَإِن ضَیَّعَ أَثِمَ وَ إِن أَثِمَ سَکَنَ النَّارَ وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالحَقِّ . (۱) دوست ندارم یکی از جوانان شما را جز در دو موقعیت ببینم : یا عالم و اندیشمند یا در حال علم آموزی . پس اگر این کار را نکردند ، و این گونه نبودند کوتاهی کرده اند و ارزش و قدر خود را پایمال نموده اند و با پایمال کردن ارزش خود، به دردها و ناراحتی ها مبتلا می شوند و آن ، باعث می گردد تا مسیری که به آتش ختم می شود ، بپیمایند. قسم به کسی که محمّد صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث کرد، ساکن شدن در جهنم برای آنان حتمی است ! از این حدیث ، به دست می آید که بهترین راه برای حفظ نوجوان از تباهی ها و انحرافات، آشنایی با علم و عالم و یادگیری و ممارست با علم است. امام علی علیه السلام نیز با اشاره به این که کسانی که نه عالم اند نه متعلّم ، از دچار شدن به هرگونه انحراف ، مصونیت ندارند و با مشکلات فراوانی روبه رو می شوند، می فرماید : النَّاسُ ثَلَاثَهٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِیٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَی سَبِیلِ نَجَاهٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أتبَاعُ کُلِّ نَاعِقٍ یَمِیلُونَ مَعَ کُلِّ رِیحٍ لَم یَستَضِیئُوا بِنُورِ العِلمِ وَ لَم یَلجَؤُوا إِلَی رُکنٍ وَثِیقٍ . (۲) مردم ، سه دسته اند : [اوّل] دانشمندان الهی، [دوم] دانش پژوهانی که در راه نجات از مشکلات و رسیدن به خوش بختی ، تحصیل علم می کنند و [سوم]احمقان بی سر و پایی که دنبال هر صدایی می روند و با هر بادی ، به حرکت درمی آیند و به هر چیزی میل پیدا می کنند. اینها با نور علم ، روشن نشده اند و به ستون محکمی در زندگی ، پناه نبرده اند.

و آموزش شیوه های کنترل تحریکات جنسیاگر فردی که قصد دارد وزن خود را کم کند و لاغر شود، سر سفره بسیار رنگین قرار گیرد که در آن ، انواع غذاهای لذیذ و شیرینی های خوش مزه قرار دارد، احتمال این که بتواند خود را کنترل کند و چیزی نخورد ، خیلی ضعیف و تقریبا محال است و

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۳۰۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱ ، ص ۱۷۰ .

۲- .نهج البلاغه ، حکمت ۱۴۷ .

ص: ۱۵۲

یک کنترل نگاه

مگر این که انگیزه خیلی قوی یـا اراده محکمی داشـته باشـد. این مسئله ، در مورد همه نیازهـا (بویژه نیازهـای فیزیولوژیک) صادق است. نوجوانی که امکان ازدواج برای او فراهم نیست، اگر بـدون هیچ کنترلی ، مناظر سکسـی یا تحریک کننده ببیند ، آیا می شود پس از آن ، از او انتظار داشت که این میل را کنترل کند؟ مسلّماً در چنین شـرایطی ، کنترل، غیر قابل اعمال و یا بسیار سخت است. لـذا بایـد چـاره ای اندیشـید و راه هـای کنترل میـل جنسـی را به نوجوانـان ، آموزش داد. در بعضـی از احـادیث ، شـیوه های کنترلِ تحریکات جنسی آمده اند که در ادامه ، به بررسی آنها می پردازیم:

یـک کنترل نگـاهیکی از مهم ترین راه هـای کنترل تحریکات جنسـی ، این است که نوجوان ، بایـد مراقب باشـد تا از طریق نگاه به نـامحرم ، تحریـک نشود ؛ زیرا همه انحرافـات جنسـی ، از «نگـاه» آغـاز می گردد. برای این که نوجوان بتوانـد نگاه خود را در برابر نامحرمْ کنترل نمایـد ، بایـد اوّلاً ، بدانـد که حفظ ایمان ، با نگاه به نامحرم ، به خطر می افتـد و از این روست که خداوند در قرآن ، خطاب به مؤمنان می فرماید : «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَ يَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَ لِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ . (۱) ای پیامبر ! به مردان مؤمن بگو : چشم های خود را از نگاه به نامحرمان ، فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند ؛ این ، برای آنان پاکیزه تر است ؛ زیرا خدا به آنچه می کنند ، آگاه است . و به زنان باایمان بگو : چشم های خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند ... » . ثانیاً ، نوجوان باید از تأثیرات نگاه ها در انحرافات جنسـی ، آگاه گردد.

.

۱- .سوره نور ، آیه ۳۰ ۳۱ .

ص: ۱۵۳

چشم چرانی ، زمینه بی عفّتی و روابط نامشروع را فراهم می سازد ؛ از این رو ، خداوند در آیه یاد شده ، بلافاصله پس از امر به خودداری از چشم چرانی ، به حفظ دامن از آلودگی دستور می دهد و این ، نشانه آن است که چشم چرانی ، با آلودگی دامن ، مرتبط است . در حقیقت ، چشم چرانی ، رفتار انحرافی جنسی است که انحرافات جنسی دیگر را باعث می گردد. در احادیث، رابطه نگاه پی درپی با تحریکات شهوانی ، به عنوان علّت حرمت نظر ، مطرح گردیده است. امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید : حُرِّمَ النَّظَرُ إِلی شُعُورِ النِّسَاءِ المَحجُوبَاتِ بِالأَزوَاجِ وَ إِلَی غَیرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فیهِ مِن تَهییجِ الرِّجَالِ . (۱) خداوند نگاه کردن به موهای زنان باحجابی که ازدواج کرده اند و غیر آنها را از آن جهت حرام کرده است که نگاه به آنان ، باعث تحریک جنسی مردان می شود. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : النَّظَرُ بَعدَ النَّظرَهِ تَزرَعُ فِی القَلبِ الشَّهوَهَ وَ کَفَی بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتنَهً . (۲) نگاه پیاپی، شهوت را در قلب می کارد و همین برای در فتنه افتادن بیننده ، کافی است. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود : إِیَّاکُم وَ فُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ یَبذُرُ الهَوَی وَ یُولِّدُ الغَفلَهَ . (۳) از نگاه اضافی بپرهیزید ؛ زیرا بذر هوا و هوس را در دل می کارد و موجب غفلت می گردد. بنا بر این ، والدین متعهّد ، علاوه بر این که باید دختر خود را مقیّد به حجاب کنند، پسرشان را هم باید مقیّد کنند که از نگاه به نامحرم بپرهیزد. همان طور که در حدیث

.

۱- .علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۵۶۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۹۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶ ، ص ۱۰۳ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۱۸ ؛ تحف العقول ، ص ۳۰۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۹۲ .

۳- .عدّه الداعی ، ص ۲۹۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۲ ، ص ۱۹۹ .

ص: ۱۵۴

امـام رضـا علیه السـلام نقل شـد ، ایشان فرمود که مرد نبایـد به موهای زن نگاه کنـد ؛ چرا که این کار ، باعث تحریک او می شود. ایشـان نفرمـود زن نبایـد موهـای خود را بیرون بگـذارد تـا مرد تحریـک نشود ؛ زیرا بیـان چنین اسـتدلالی به دخـتران جوان ، بـاعث اعتراض آنها می شود که : چرا ما باید خود را به زحمت بیندازیم تا مردها به گناه نیفتند ؟ خودِ مردها نگاه نکنند ! البته حجابْ لازم است و در بخش مربوطه ، توضـیح خواهیم داد که فایـده آن برای زن است ، نه برای به گناه نیفتادن مرد. خداوند متعال و معصومان علیهم السـلام مرد را از نگاه کردن برحـذر می دارنـد تا به گناه نیفتد ؛ چرا که هر کسـی مسـئول نگهداری از خویشـتن است و نمی توان دیگران را متعهّـد کرد که ضـامن بهشت رفتن مـا باشـند. از این بحث ، نتیجه می گیریم که نگاه کردن به هر چیزی که موجب تحریک شـهوت می شود ، حرام است . از این رو باید از دیدن فیلم های مبتذل و سکسـی، عکس های مهیّج جنسـی و مانند آن که از طریق اینترنت ، ماهواره و لوح فشرده (CD) ، در دسترس نوجوانان قرار می گیرنـد ، پرهیز شود . امروزه والدین باید پیش از آن که نوجوان ، مبتلا به مشاهده این صـحنه های مبتذل شود و به آنها عادت کند، او را از انجام دادن این گونه اعمال ، برحذر دارند و پیش از این که احساسات شهوانی ، در وی اوج بگیرد، نسبت به حفظ نگاه خود ، تشویق گردد و عواقب خطرناک نگاه به این امور شهوانی ، برایش توضیح داده شود. با در کنار هم قرار دادن آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۸ و ۵۹ (اجازه گرفتن برای ورود به اتاق والـدین) ، به این نتیجه می رسـیم که از نگاه کردن فرزنـدان ، به بـدن برهنه یا نیمه برهنه والدین یا خواهر و برادر و یا هر فرد محرم دیگری نیز بایـد پرهیز شود ؛ زیرا رابطه نگاه و تحریکات شـهوانی ، اختصاص به نامحرم ها نـدارد. برخی از پدر و مادران چنین می پندارند که بدن های نیمه عریان و جذّاب آنان

.

ص: ۱۵۵

تـأثیری تحریکی در فرزنـدانشان نـدارد ؛ چون آنها محرم هسـتند، در حالی که این ، پنـداری بیش نیست ؛ زیرا نوجوان ، در شـرایط تحوّلات جسـمی و روانی، زیبایی های بـدن جنس مخالف، او را جذب و تحریک می کند و این ویژگی ، به جنس مخالف نامحرم اختصاص نـدارد ؛ بلکه محرم و نامحرم از این جهت ، مانند هم هسـتند. زمانی که محرّک جنسـی ، خودنمایی کند، تحریک پذیری جنسـی هـم رخ می دهـد . از ایـن رو ، لازم اسـت که افراد خـانواده برای مصـونیت نوجـوان از انحرافـات جنسـی ، از فراهم سـازی محرّکات در منظر کودک و نوجوان خویش پرهیز نماینـد و به هیـچ وجه ، به گونه ای در مقابل چشـمان آنان ظاهر نشوند که زمینه تحریک آنها فراهم گردد. ثالثاً ، نوجوان ، باید با احکام فقهی در این زمینه آشـنا شود و بداند که فقهای اسلام نیز بر اساس آیات و روایات، نگاه کردن پسـر بالغ یا مرد ، به دختر یا زن نامحرم و نگاه دختر بالغ و زن ، به پسر و مرد نامحرم را حرام دانسته اند. در این جـا بعضـی از احکام امام خمینی رحمه الله در این زمینه را ذکر می کنیم: مسـئله ۲۴۳۳: نگـاه کردن مرد به زن نامحرم ، چه با قصـد لذت و چه بدون آن ، حرام است و نیز نگاه کردن زن ، به بدن مرد نامحرم ، حرام است . مسـئله ۲۴۳۴: زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند ؛ بلکه احتیاط واجبْ آن است که بدن و موی خود را از پسـری که بالغ نشده ، ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است ، بپوشاند. مسئله ۲۴۳۸: مرد نباید با قصد لذّت ، به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بـدن زن دیگر ، با قصد لذّت ، حرام است. رابعاً ، نوجوان باید برای پیشـگیری از نگاه های حرام ، از تند و تیز نگاه کردن به نامحرم خودداری کند و حتی از نگاه کردن به لباس یا زیوری که مربوط به نامحرم

.

ص: ۱۵۶

است ، خودداری نمایـد تا زمینه های نگاه های حرام فراهم نگردد. امام علی علیه السـلام می فرماید : وَ لا تَکُونَنَّ حَدیدَ النَّظَرِ إِلَی مَا لَیسَ لَکَ فَإِنَّهُ لا یَزنِی فَرجُکَ مَا حَفِظتَ عَینَکَ وَ إِن استَطَعتَ أَلَا تَنظُر إِلَی ثَوبِ المَرأَهِ الَّتِی لا تَحِلُّ لَکَ فَافعَل وَ لَن تَستَطِیع ذَلِکَ إِلَا بِإِذنِ اللّهِ . (۱) به آنچه برای تو حلال نیست ، نگاه تیز و تند نداشته باشد ؛ زیرا تا وقتی که چشم خود را حفظ نمایی ، زنا نمی کنی و اگر بتوانی به لباس زنی که برای تو حلال نیست ، نگاه نکنی ، چنین کن و هرگز به این کار قادر نمی شوی مگر به اذن خدا. خامساً ، نوجوان باید بداند که پرهیز از نگاه های حرام ، از بالاترین و برترین عبادت ها به شمار می آید. امام علی علیه السلام می فرماید : غَضُّ الطَّرْفِ عَن مَحَارِمِ اللّهِ أَفضَلُ عِبَادَهِ . (۲) بهترین عبادت ، چشم پوشی از محرّمات است. سادساً ، در صورتی که نوجوان نتواند خود را از نگاه کردن به نامحرم حفظ نماید باید وی را عملاً از این کار ، باز داشت ، همانند بازداشتنی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع در منا انجام داد ؛ آن هنگام که زنی آمد و از ایشان در مورد مسائل حج سؤال کرد، عبداللّه بن عباس که جوان بود و پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود ، به آن زن نگاه می کرد و زن هم به او نگاه می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله که متوجّه این امر شد ، صورت ابن عباس را برگرداند و فرمود : رَجُلٌ شَابٌّ وَ امرَأَهٌ شَابَّهٌ فَخَشِیتُ أَن یَدخُلَ الشَّیطَانُ بَینَهُمَا . (۳) این دختر و پسر ، هر دو جوان اند ؛ می ترسم که شیطان ، آنها را تحریک کند!

.

۱- .شرح نهج البلاغه ، ج ۲۰ ، باب ۴۸۳ ، ص ۲۳۶ .

۲- .عیون الحکم والمواعظ ، ص ۳۴۹ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۳۲۳ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۸۰ .

۳- .المبسوط ، ج ۴ ، ص ۱۶۰ ؛ إیضاح الفوائد ، ج ۳ ، ص ۶ .

ص: ۱۵۷

دو پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

دو پرهیز از خلوت کردن بـا نـامحرمیکی دیگر از راه هـای کنـترل تحریکـات جنسـی ، این است که دختر و پسـری که در تحوّلات نوجوانی به سر می برند و محرّکات درونی برای میل به یکدیگر در آنان وجود دارد ، از خلوت کردن با هم بخصوص در جایی که فرد دیگری نمی تواند وارد شود خودداری کنند ؛ زیرا خلوت کردن، اثربخشـی آن محرّکات را چند برابر می کند و زمینه انحرافات جنسـی را فراهم می سـازد. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود : لا تَـدخُلُوا عَلَی المَغِیبَاتِ فَإِنَّ الشَّیطَانَ یَجرِی مِن أَحـدِکُم مَجرَی الدَّمِ . (۱) بر زن هایی که شوهران آنها نیسـتند (در خانه نیسـتند یا به سـفر رفته اند) وارد نشوید ؛ چرا که شیطان در چنین شرایطی ، همانند خون در بدن انسان جریان دارد و اثر می گذارد . بدون آن که ما متوجّه شویم ، شـیطان نیز در کشاندن ما به انحراف جنسی ، چنین اثربخشـی ای دارد. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : فَإِنَّ الرَّجُلَ وَ المَرأَهِ إِذَا خَلِیَا فِی بَیتٍ کَانَ ثَالِثُهُمَا الشَّیطَانَ . (۲) اگر زن و مرد در خانه ای با هم خلوت کنند ، نفر سوم آنها شـیطان است. همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که با زنان بیعت می کردند ، با آنها شـروطی می کردند که یکی از آنها این بود که با مردان ، خلوت نکنند. (۳) بنا بر این ، باید از خلوت کردن دختر و پسر و زن و مرد نامحرم با یکدیگر ، از آن جا که مقدمه وقوع در حرام و زمینه مناسبی برای وسـوسه هـای شـیطان است، پرهیز شود. امـام خمینی رحمه الله در این زمینه معتقـد است که اگر مرد و زن نـامحرم در محـل خلوتی باشند که کسی در آن جا نباشد و دیگری هم نمی تواند وارد شود چنانچه بترسند به

.

۱- .مسند أحمد ، ج ۳ ، ص ۳۰۹ ؛ کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۴۶۶ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۲۵۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۹ ، ص ۱۵۴ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۱۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۳۳ .

ص: ۱۵۸

سه دوری از رفتارهای اغواگرانه

حرام بیفتند باید از آن جا بیرون بروند. از این رو ، از نظر فقهی ، به علّت عُسر و حرجی که ممکن است در تحریم مطلق خلوت کردن زن و مرد وجود داشته باشد (بویژه این که روایات هم تصریح به حرمت آن نکرده اند ، بلکه آن را زمینه وسوسه شیطان معرفی کرده اند) ، اگر ترس از وقوع در حرام باشد ، دیگر مجاز به خلوت کردن نیستند. همان طور که پیش از این بیان شد ، مسلّماً خطر وقوع در حرام ، بین دو نفر که میلی بین آنها وجود دارد ، بیشتر می شود . «برناردمک فادن» (۱) ضمن توصیه به محدود کردن روابط دختر و پسر و زنان و مردان ، عقیده دارد که در جایی که عشق صمیمی و قوی وجود دارد و تصمیم جدّی و قطعی هم برای ازدواج گرفته شده است ، مراقبت خیلی زیاد باید به عمل آید تا از رفتن فراتر از آنچه «مرز خطر» خوانده شده، اجتناب شود. چنانچه تحت چنین شرایطی ، عاشق و معشوق ، تنها شوند (چنانچه غالباً هم اتفاق می افتد) زمانی فرا می رسد که مقاومت در برابر محرّکات طبیعی ، تقریباً غیر ممکن می شود، لذا عشّاق می باید بیشترین مراقبت را بنمایند که پا را از حدّ قانونی خود ، فراتر نگذارند.

سه دوری از رفتارهای اغواگرانهاز جمله موارد پیشگیری از تحریکات جنسی نوجوان، دوری از رفتارهای محرّک و وسوسه انگیز است. خداوند متعال، زن را از انجام دادن رفتارهای اغواگرانه ای که طرف مقابل را تحت تأثیر قرار می دهد و هیجانات او را برمی انگیزد ، نهی فرموده است. مثلاً از آن جا که صدای زن برای مرد ، جذّاب و تحریک کننده است، خداوند متعال ، به زنان دستور داده که هنگام صحبت با مرد نامحرم ، از نازک کردن صدای خود و صحبت کردن با ناز بپرهیزند، آن جا که به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله امر فرموده است : «یَنِسَآءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَآءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا . (۲)

.

۱- Makfadan, Bernar.

۲- .سوره احزاب ، آیه ۳۲ .

ص: ۱۵۹

ای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ! اگر خواستید تقوا پیشه باشید ، پس با صدای نازک (و همراه با عشوه و ناز) حرف نزنید تا مبادا کسی که در قلبش بیماری هست ، به طمع بیفتد (و نظر بدی به شما پیدا کند) و در صحبت هایتان از به کار بردن سخنان ناشایست بپرهیزید و حرف نیک بزنید». شاید عدّه ای تصوّر کنند که این حکم ، خاص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و شامل دیگر زنان نمی شود ؛ امّا علّت نهی از آن را به طمع نیفتادن مردان مخاطبْ بیان شده و منظور ، مردان عام هستند و شامل گروه خاصی نمی شود . بنا بر این ، صحبت کردن زن با لحنی اغواگرانه، هر مردی را که ضعیف یا هوسباز باشد ، به طمع می افکند و کمترین نتیجه آن ، التذاذ از زن مسلمان نامحرم است که شایسته مقام زن مسلمان نیست. پس هر زنی در صحبت کردن با مردان (بخصوص مردانی که احتمال بی قیدی آنها می رود) باید مواظب طرز صحبت کردن خود باشد و از صحبت های اغواگرانه بپرهیزد. زنان ، از ظاهر کردن زینت خود برای نامحرمان نیز نهی شده اند. برخی از زنان که خود را به زیورآلات فراوانی آراسته ساخته اند ، در برابر نامحرمان ، زیورآلات و آرایش خود را به نمایش می گذارند . در گذشته نیز که زنان ، خلخال به پا می کردند ، پای خود را طوری به زمین می زدند که صدای آن به گوش دیگران برسد . این کارها ، مردان را تحریک می کند و زن را در جایگاهی قرار می دهد که مورد سوء استفاده قرار گیرد. خداوند متعال می فرماید : «وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَتِ . . . وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا . . . وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ (۱) ای پیامبر! به زنان مؤمنه بگو : زینت خود را جز آنچه از آن آشکار و پیداست، در برابر مردان نامحرم ، ظاهر نکنند... و پاهای خود را به زمین نزنند ، طوری که زینتی که مخفی کرده اند ، معلوم شود».

.

۱- .سوره نور ، آیه ۳۱ .

ص: ۱۶۰

چهار کنترل حسّ لامسه

چهار کنترل حسّ لامسهیکی از حواسی که در تحریک میل جنسی ، تأثیر بسیار مهمّی دارد، قوه «لامسه» است. این حس ، به حدّی شدید و نیرومند است که از نوجوانی به بعد ، به صورت تماس مکرّر انسان با خودش و با همجنس و غیر همجنس خودش، می تواند شهوتی باشد و میل جنسی را برانگیخته سازد. از این روست که برای نوجوان بیش از دوره کودکی ، ابتلا به رفتارهای لمسی و انحراف جنسی وجود دارد . در متون حدیثی نیز از ابزارهای شدیدی جهت کنترل و عدم ابتلای به آن ، استفاده شده است. مثلاً در مورد استمنا ، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : نَاکِحُ الکَفِّ مَلعُونٌ . (۱) کسی که با دست خویش به لذّت جنسی می رسد، مورد لعنت خداوند قرار می گیرد . به منظور کنترل همه جانبه تحریکات جنسی، در متون حدیثی ، به انواع تماس هایی که به نوعی ، انحراف جنسی اند و یا زمینه انحرافات جنسی را فراهم می سازند ، توجّه داده شده است و برای پیشگیری از تحریکات جنسی ، آن کارها را حرام کرده است . در این جا به چند حدیث در این زمینه می پردازیم : جابربن عبداللّه می گوید : رسول خدا صلی الله علیه و آله بوسیدن لب و زیر یک لحاف خوابیدن دو هم جنس ، بدون لباس را نهی کرده اند. (۲) بوسه ، بین جنس مخالف ، از زمانی که کودک به شش سالگی می رسد ، ممنوع می شود ؛ یعنی یک نوجوان و یا هر مرد نامحرمی ، حق ندارد دختر بچه شش ساله را ببوسد. (۳) زن نیز پسر بچه هفت ساله را نباید ببوسد. (۴) امام صادق علیه السلام :

.

۱- .عوالی اللآلی ، ج ۱ ، ص ۲۶۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۰ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۵۶ .

۲- .ر. ک : معانی الأخبار ، ص ۳۰۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۱ .

۳- .ر. ک : تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۴۶۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۱ .

۴- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۳۷ .

ص: ۱۶۱

لَیسَ القُبلَهُ عَلَی الفَمِ إلّا لِلزَوجَهِ وَالوَلَدِ الصَّغِیرِ . (۱) از بوسه زدن بر لب ، جز برای کودک خردسال و یا بین زن و شوهر، باید خودداری کرد . همچنین بوسه همراه با شهوت ، بین همجنسان نیز حرام است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : مَن قَبَّلَ غُلامَاً مِن شَهوَهٍ ، أَلجَمَهُ اللّهُ یَومَ القِیَامَهِ بِلِجَامٍ مِن نَارٍ . (۲) کسی که پسر نوجوانی را از روی شهوت ببوسد، خداوند ، روز قیامت ، لجامی از آتش بر دهان او قرار می دهد. در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند : إذَا قَبَّلَ الرَّجُلُ غُلامَاً بِشَهوَهٍ لَعَنَتهُ مَلَائِکَهُ السَّمَاءِ، وَ مَلَائِکَهُ الأَرضِ وَ مَلَائِکَهُ الرَّحمَهِ وَ مَلَائِکَهُ الغَضَبِ، وَ أَعَدَّ لَهُم جَهَنَّمَ وَ سَاءَت مَصِیرا . (۳) هنگامی که مردی، نوجوانی را از روی شهوت ببوسد ، ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب ، او را لعنت می کنند و جهنّم را که بسیار بد جایگاهی است ، برایش آماده می سازند. علاوه بر آن ، اگر چه ، بوسه بین محارم ، جایز است ؛ امّا برای آن ، حدودی وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إذَا قَبَّلَ أَحَدُکُم ذَاتَ مَحرَمٍ قَد حَاضَت أُختَهُ، أو عَمَّتَهُ، أو خَالَتَهُ فَلیُقَبِّل بَینَ عَینِیهَا وَ رَأسَهَا وَ لَیَکُفَّ عَن خَدِّهَا وَ عَن فِیهَا . (۴) اگر یکی از محارمتان را مثل : خواهر ، عمّه و خاله که بالغ شده خواستید ببوسید ، پیشانی و سر او را ببوسید و از بوسیدن لب یا صورت او خودداری کنید. خوابیدن در یک بستر و زیر یک پتو ، از آن جا که باعث تماس بسیار نزدیک دو نفر می شود (جز در مورد زن و شوهر) جایز نیست . در روایات ، خوابیدن در یک بستر ،

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۸۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۲۴۶ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۰ .

۳- .الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام ، ص ۲۷۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۴۱ .

۴- .النوادر ، راوندی ، ص ۱۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۴۲ .

ص: ۱۶۲

از شش سالگی به بالا ـ (چه با همجنس و چه جنس مخالف) ممنوع است. ما روایات آن را در بخش «تربیت جنسیِ کودک» ذکر کردیم ؛ ولی این ممنوعیت و نهی ، در زمان بزرگ سالی هم ادامه پیدا می کند . لذا اگر دو همجنس یا پسر و دختری زیر یک بستر بخوابند ، در حالی که بدون لباس باشند و اضطراری هم برای بدون لباس بودن آنها نباشد، آنها تعزیر می شوند. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : لَا یَنَامُ الرَّجُلُ مَعَ الرَّجُلِ فِی ثَوبٍ وَاحِدٍ [وَ لا المَرأَهُ مَعَ المَرأَهِ فِی ثَوبٍ وَاحِدٍ]فَمَن فَعَلَ ذَلِکَ وَجَبَ عَلَیهِ الأَدَبُ وَ هُوَ التَّعزِیرُ . (۱) هیچ مردی با مرد دیگری و هیچ زنی با زن دیگری زیر یک پوشش نباید بخوابند و اگر چنین کاری کردند ، باید تأدیب و تعزیر شوند. در حدیث دیگری آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نهی کردند از این که دو زن با هم تماس داشته باشند ، مگر این که لباس پوشیده باشند. این حکم ، شامل در آغوش گرفتن به صورت لخت نیز می شود. (۲) دست دادن زن و مرد نامحرم ، چه با قصد لذّت و چه بدون آن ، نهی شده است . دست دادن محارم یا همجنس ، اگر با قصد لذّت باشد ، حرام است ؛ ولی بدون قصد لذّت ، نه تنها نهی نشده ، بلکه به آن سفارش هم شده است . فردی از امام صادق علیه السلام در مورد جواز دست دادن زن و مرد نامحرم سؤال کرد، امام فرمود : لَا إِلَا مِن وَرَاءِ ثَوبٍ . (۳) خیر، مگر اینکه از روی لباس باشد. بنا بر این ، دست دادن زن و مرد نامحرم ، بدون پوششی چون دستکش ، جایز نیست .

.

۱- .الخصال ، ص ۶۳۲ ؛ تحف العقول ، ص ۱۲۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۲ .

۲- .ر. ک : الأمالی ، صدوق ، ص ۵۱۰ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۴۲۵ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۵ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۶۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰۸ .

ص: ۱۶۳

پنج درگیر ساختن فرد با احساس دیگرش

از دختران محمّد بن ابی عمیر نقل شده که گفته اند : به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم و سؤال کردیم که آیا زن می تواند به عیادت برادر (دینی اش) برود؟ فرمود «بله» ، پرسیدیم : می تواند با او مصافحه نماید؟ فرمود : «از روی لباس می تواند». (۱) امام صادق علیه السلام نیز فرمود : ... أَمَّا المَرأَهُ الَّتِی یَحِلُّ لَهُ أَن یَتَزَوَّجَهَا فَلَا یُصافِحهَا إِلَا مِن وَرَاءِ الثَّوبِ وَ لا یَغمِز کَفَّهَا . (۲) ... و امّا زنی که ازدواج با او جایز است (غیر محارم) ، مرد نامحرم نباید با او دست بدهد ، مگر از زیر لباس و نباید دست او را فشار دهد.

پنج درگیر ساختن فرد ، با احساس دیگرشاز جمله شیوه های پیشگیری و کنترل تحریکات جنسی و بازداشتن از رفتارهای جنسی انحرافی نوجوان، آن است که او را به احساس و میل دیگرش که در تعارض با تمایلات انحرافی جنسی اوست متوجّه ساخت تا با تقویت آن احساس، خودش را در برابر محرّکات جنسی کنترل نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله از این روش ، در بازداری شخص جوانی ، از تمایلش به زنا ، کمک گرفت . روزی جوانی ، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و در حالی که ایشان در جمع اصحاب خود نشسته بود ، به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! به من اجازه دهید تا زنا کنم. مردم عصبانی شدند و با صدای بلند ، به او اعتراض کردند ؛ ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله با ملایمت فرمود: «نزدیک بیا». آن جوان ، نزدیک رفت و در برابر پیامبر نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله با محبّت از او پرسید : «آیا دوست داری که با مادر تو چنین کنند؟». گفت: نه فدایت شوم ! حضرت فرمود : «مردم هم به همین گونه ، راضی نمی شوند» . سپس همین سؤال را درباره خواهر ، دختر ، خاله و عمّه او پرسید و

.

۱- .ر. ک : الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰۹ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰۸ .

ص: ۱۶۴

جوان ، به همین گونه پاسخ داد. پس از گفتگو بین رسول اکرم و آن جوان ، حضرت ، دست بر سینه او نهاد و فرمود: «خداوندا! قلب او را از گناه ، پاک گردان و گناهانش را ببخش و او را از زنا ، نگهداری نما!» . در اثر این رفتار، از آن پس ، ناپسندترین کارها نزد آن جوان ، زنا بود . (۱) این شیوه برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله حاوی چند نکته بود: ۱ . جوان را طرد نکرد ؛ بلکه با مهربانی ، با او صحبت کرد. ۲ . او را ملامت و تقبیح نکرد ؛ بلکه طوری با او رفتار نمود که به نیاز او آگاهی دارد . ۳ . با استدلال و منطق ، به شیوه ای که برای آن جوان ، پسندیده و راضی کننده بود ، بحث کرد . ممکن است که نیاز باشد ، برای هر جوانی ، شیوه استدلال را عوض کرد . مهم ، اصل مطلب ، یعنی استدلال کردن است. ۴ . جوان را متوجّه خداوند ساخت و حسّ دینی و مذهبی را از طریق دعا کردن ، در او بیدار ساخت . ۵ . یک شیوه مهم مقابله با نفس را که دعا و درخواست از خداوند است به جوان آموخت. ۶ . جوان را به مرحله ای رسانْد که خود او از این عمل ، بیزار شود ، نه این که از ترس سرزنش و تنبیه ، از آن خودداری کند. بنا بر این ، والدین باید متوجّه باشند که این ، نکته ای بسیار ظریف و حسّاس است و باید با نهایت دقّت و ظرافت ، با نوجوانان برخورد کنند که نه آنها را طرد کنند و نه از خانه و کاشانه ، دل سرد و دل زده سازند ؛ بلکه سطح شعور و آگاهی آنها را بالا ببرند تا خودشان زشتی و درستی اعمال را بشناسند و از زشتی ، متنفّر و به زیبایی ، متمایل شوند.

.

۱- .کنترل رابطه جنسی ، ص ۲۹ .

ص: ۱۶۵

شش پرهیز از زدودن موهای زاید به صورت مستمر

هفت پرهیز از غذاهای محرّک

شش پرهیز از زدودن موهای زاید به صورت مستمراز برخی روایات ، استفاده می شود که موی بدن انسان ، در تعدیل میل جنسی ، مؤثّر واقع می شود. آنچه در روایات وارد شده ، این است که اگر موی بدن ، کوتاه نشود ، موجب کم شدن شهوت جنسی می گردد. از این رو برای کم کردن شهوت جنسی ، می توان از این راه کار استفاده کرد. در روایت ، وارد شده است که روزی مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : یا رسول اللّه ! من وضع مالی خوبی ندارم که با زنان ازدواج کنم . به خاطر مجرّد بودنم ، چه کنم ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «[دو کار انجام بده : یکی این که] موی بدن خود را زیاد کن و [دیگر این که] بر روزه گرفتن ، مداومت کن». پس آن شخص رفت و چنین کرد و در نتیجه ، شهوتش از بین رفت . (۱) امام علی علیه السلام می فرماید : مَا کَثُرَ شَعرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَا قَلَّت شَهوَتُهُ . (۲) موی هیچ مردی زیاد نمی شود ، مگر این که شهوتش کم شود . از سوی دیگر ، از این روایات استفاده می شود که اگر شخص ، موی بدن خود را کوتاه کند، شهوتش زیاد خواهد شد. پس می توان چنین نتیجه گرفت که فردی که بخواهد از ناتوانی جنسی رها شود، می تواند از این راه ، بهره گیرد و شهوت جنسی اش را بالا ببرد . نکته ای که در رابطه با کوتاه نکردن موی زاید بدن باید مورد توجّه زیاد باشد ، این است که آنچه در روایات ، در خصوص کوتاه نکردن موی زاید آمده، نباید انسان را از نظافت آن غافل کند ؛ زیرا عدم پاکیزگی ، موجب خارش می شود و خارانیدن زهار (اطراف عورت) زمینه لذّت بردن و در ادامه، خودارضایی را فراهم می کند.

هفت پرهیز از غذاهای محرّکبا توجّه به تفاوت غذاها در نوع ویتامین های موجود در آنها، درجه

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۶۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴۱ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۷۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۸۷ ، ح ۵۲ .

ص: ۱۶۶

تحریک کنندگی شان نسبت به غریزه جنسی ، متفاوت است. از این رو باید از بعضی غذاهای تند که محرّک این غریزه اند ، اجتناب کرد. در مورد نقش ادویه ها ، غذاهای فوق العاده مقوّی و تحریک کننده مثل : خرما ، تخم مرغ، انار و ... و نیرو و نقش آن در تقویت قوه باه (جنسی) ، روایاتی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می شود. خرما: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: إِنَّ فِی تَمرِکُم هَذَا تِسعَ خِصالٍ : ... یُخَبِّلُ الشَّیطَانَ وَیُقَوِّی الظَّهرَ وَیَزِیدُ فِی المُجَامَعَهِ . (۱) در خرما نُه خاصیت است : ... از میکروب جلوگیری می کند، موجب تقویت ستون فقرات و زیاد شدن توانِ مجامعت می گردد . از معصوم علیهم السلام روایت شده است که : إِنَّ أَکلَ اللَّحمِ... یَزِیدُ فِی السَّمعِ وَالبَصَرِ وَأَکلَهُ بِالبَیضِ یَزِیدُ فِی البَاهِ . (۲) خوردن گوشت... موجب تقویت بینایی و شنوایی می گردد و خوردن آن با تخم مرغ ، موجب زیاد شدن نیروی جنسی می شود . راوی می گوید : به خاطر کم داشتن فرزند ، به امام ابی الحسن علیه السلام شکوه و گلایه کردم. حضرت علیه السلام فرمود : استَغفِرِ اللّهَ وَکُلِّ البَیضَ بِالبَصَلِ . (۳) استغفار نما و تخم مرغ را با پیاز بخور . راوی می گوید : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود : کُلُوا البَصَلَ فَإِنَّ فِیهِ ثَلاثَ خِصَالٍ : یُطَیِّبُ النَّکهَهَ وَیَشُدُّ اللِّثَهَ وَیَزِیدُ فِی المَاءِ وَالجِمَاعِ . (۴)

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۱۷ ، ص ۱۰۷ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۲۸۰ .

۳- .المحاسن ، ج ۲ ، ص ۴۸۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۸۰ .

۴- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۳۷۴ .

ص: ۱۶۷

هشت کنترل فکر و خیال

پیاز بخورید ؛ زیرا در آن ، سه ویژگی است : دهان را خوش بو می کند ؛ لثّه را محکم می کند و آب بدن و توان نزدیکی کردن را زیاد می نماید.

هشت کنترل فکر و خیالهمان طور که حواس ظاهر ، نقش مهمّی در تحریک میل جنسی دارند، حس باطن (یعنی فکر و خیال پردازی) نیز سهم به سزایی در این زمینه دارند. در مقابل آن ، «یاد خدا» ، نقش مهمّی در دور کردن افکار شیطانی و نفسانی در خواب و بیداری از انسان دارد. از این رو ، شایسته است که مربّیان و والدین ، تمهیداتی فراهم کنند تا افراد تحت تربیت خود را از افکار منفی و خیال پردازی خلاص نمایند و آنان را به یاد خدا و قیامتْ عادت دهند. انسانِ باایمان ، یاد خدا را در دل خود زنده می نماید و با دور کردن خیالاتی که غریزه جنسی را تحریک می کند ، زندگی همراه با آرامشی را برای خود فراهم می کند. از این رو ، با خواندن قرآن و دعاهای وقت خواب، افکار و خیالات نادرست و مزاحم را از خود دور می کند و هنگام خواب ، با آرامش می خوابد. امام علی علیه السلام می فرماید : «هر کس زیاد فکرش در گناه شود ، او را به معاصی می کشاند» . (۱) از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که می فرماید : حواریون ، نزد حضرت عیسی علیه السلام جمع شدند و گفتند : ای معلّم خوبی ها ! ما را ارشاد نما . پس حضرت فرمود: إِنَّ مُوسَی نَبِیَّ اللّهِ أَمَرَکُم أن لا تَزنُوا وَأَنَا آمُرُکُم أن لا تُحَدِّثُوا أَنفُسَکُم بِالزِّنَا فَضلاً عَن أن تَزنُوا فَإِنَّ مَن حَدَّثَ نَفسَهُ بِالزِّنَا کَانَ کَمَن أَوقَدَ فِی بَیتٍ مُزَوَّقٍ فَأَفسَدَ التَّزَاوِیقَ الدُّخَانُ وَإِن لَم یَحتَرِقِ البَیتُ . (۲) حضرت موسی نبی اللّه علیه السلام به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما امر می کنم که با خودتان در مورد زنا حرف نزنید ، چه رسد به این که زنا کنید. به درستی که هر کس با خودش در مورد زنا فکر کند و حرف بزند ، مثل کسی است که طرحی برای

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۲۳۰ ، ح ۸۵۶۱ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۰ ، ص ۴۷۱۲ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۴ ، ص ۳۳۱ ، ح ۷۱ ، باب ۲۱ .

ص: ۱۶۸

روشن شـدن آتش می ریزد، در نتیجه ، دود ، تصـاویر را از بین می برد ، اگر چه خانه ، آتش نمی گیرد . از لحاظ تخیّل، کودک ، همیشه در زمان «حال» زنـدگی می کند، در حالی که نوجوان می تواند مفهوم «گذشـته» و «آینده» را هم درک کند و آنها را به هم ربـط دهـد. از آن جـا که نوجوان ، به گذشـته و آینـده توجّه می کنـد و علاقه اش به زمـان حـال کم می شود ، کار توافق و تطابق نوجوان با واقعیت ، خیلی دشوار است. گاهی قـدرت تخیّل نوجوان ، آن قـدر زیاد است که نمی توانـد تشـخیص دهد که چه چیز ، واقعیت دارد و چه چیز ، زاییـده تخیّـل اوست. تخیّل ، در احساس و انفعال ، مؤثّر است و میـدان آن را توسـعه می دهـد . حساسیّت نوجـوان که بـا تخیّـل ، تحریـک و توسـعه می یابـد، رشـد، منش، هوش و اراده نوجوان را تحت تـأثیر قرار می دهـد. گرایش و میل جنسـی نیز تحت تأثیر محسوسات (بویژه دیـدنی ها و لمس کردنی ها) قرار می گیرد . از آن جا که ادراکات حواس ظاهری انسان ، مواد خام قوّه خیال را شـکل می دهنـد برای کنترل قوه خیال ، می بایـد مجاری حواس ظاهر را تحت کنترل درآورد. به عنوان مثال ، برای این که کودک، نوجوان و جوان ، به خیـال پردازی رو نیاورد و فرصت تنهایی در رخت خواب که زمینه ور رفتن با خود است از او گرفته شود، بهتر است که قبل از این که کاملاً به خواب نیاز پیدا نکرده ، به اتاق خواب نرود و در رخت خواب دراز نکشد. از این رو ، لازم است که در این جـا به حـواس ظـاهری پرداخته شـود. انسـان هـا (بخصوص نوجوان و جوان) در مقابـل محرّک هـای جنسـی ، تغییر حالت می دهند. محرّک های محیطی ای که موجب تحریک غریزه جنسـی می شوند ، فراوان اند . از جمله : محرّک های شـنیداری، بصری، لمسی، بویایی، ارتباط قلمی، ارتباط عاطفی، کنایه و اشاره، تزیین و آرایش جنس مخالف، مطالب کتاب ها و روزنامه ها و مجلّات، توصیف دلاوری های جنسی توسط دوستان و ده ها عامل ریز و درشت که در تحریک غریزه جنسی ، نقش ایفا می کنند.

.

ص: ۱۶۹

نُه حفظ حجاب

نُه حفظ حجاباز جمله شیوه های کنترل تحریکات جنسی نوجوانان، «حفظ حجاب» است. کاربرد این شیوه ، در مورد دختران و زنان است ؛ زیرا گرچه هر یک از دختر و پسر باید پوشش مناسب داشته باشند تا زمینه تحریکات جنسی را برای همجنس خود و جنس مخالفش فراهم نسازد و از آن جا که پوشش پسران ، معلوم است ، ولی اعضای بیشتری از دختران نسبت به پسران، محرّک است و طبق گفته شهید مطهری ، میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زن است ، (۱) پوشش آنان مورد بحث قرار می گیرد. این مسئله در وصیت امام علی علیه السلام به فرزندانشان نیز وارد شده که فرمود : وَ التَّبَرُّجُ لَهُنَّ لازِمٌ وَ إِن کَبِرنَ ... . (۲) خود آرایی و ظاهر ساختن زینت نزد زنان ، امری لازم است ، حتّی اگر به بزرگ سالی برسند. در قرآن کریم ، در دو مورد ، به رعایت حجاب ، امر شده : یکی در سوره نور آیه ۳۱ و دیگری در سوره حجرات ، آیه ۵۹ . «وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَ لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَآئِهِنَّ أَوْ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَآئِهِنَّ أَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَنِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوَنِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوَتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَنُهُنَّ أَوِ التَّبِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُواْ عَلَی عَوْرَتِ النِّسَآءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَ تُوبُواْ إِلَی اللَّهِ جَمِیعًا أَیُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ . (۳) [ای پیامبر !] به زنان خود بگو که چشمان خود را [از هر نامحرمی] فرو بیندازند (از خیره نگاه کردن به نامحرم بپرهیزند) و پاک دامنی ورزند و زیورهای خود را

.

۱- .مسئله حجاب ، ص ۷۳ .

۲- .وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۹ ، ح ۷ .

۳- .سوره نور ، آیه ۳۱ .

ص: ۱۷۰

آشکار نکنند ، مگر آنچه طبعا از آن آشکار است و روسری خود را بر گردن خویش بیندازند و زیورهایشان را جز برای شوهران، پدران، پدر شوهران، پسران خود، پسران شوهر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر، زنان و کنیزان خود (حتی اگر مسلمان نباشند) و خدمتکاران مردی که میل جنسی ندارند (مردان خواجه یا خنثا که مطلقاً آلت رجولیت ندارند و یا مردان ابلهی که به هیچ وجه ، میل جنسی ندارند، یا پیرمردانی که میل جنسی در آنها خاموش شده) و کودکانی که بر عورت های زنان ، وقوف حاصل نکرده اند ، ظاهر نسازند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند ، معلوم گردد . ای مؤمنان! همگی به درگاه خدا توبه کنید . امید است که رستگار شوید». این آیه مدنی ، صد و سومین سوره نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله است که تاریخ نزول آن را در سال های آخر هجرت وی دانسته اند ؛ یعنی زمانی که اصول اساسی دین (مانند توحید و نبوت و معاد و...) کاملاً برای مردم ، جا افتاده بود . (۱) لذا خطاب قرآن ، به زنان مؤمنه است و آن قدر آنها تحت سخنان وحی بودند و به آن ایمان داشتند که طبق روایت عایشه (همسر پیامبر صلی الله علیه و آله) پس از نزول آیه حجاب ، تمام زنان مدینه ، در حالی از منزل خارج می شدند که خود را با چادرهای سیاه پوشانده بودند. او همواره زنان انصار را چنین ستایش می کرد: «مرحبا به زنان انصار ! همین که آیات سوره نور نازل شد ، یک نفر از آنان دیده نشد که مانند گذشته ، بیرون بیاید. سر خود را با روسری های مشکی می پوشیدند، گویی کلاغ ، روی سرشان نشسته است» . (۲) به طور کلی ، می توان سوره نور را به حق، منشور عفاف دانست. لذا ، امام صادق علیه السلام می فرماید : حَصِّنُوا أَموَالَکُم وَ فُرُوجَکُم بِتِلاوَهِ سُورَهِ النُّورِ وَحَصِّنُوا بِهَا نِساءَکُم فَإِنَّ مَن أَدمَنَ قِراءَتَها فِی کُلِّ یَومٍ أو فِی کُلِّ لَیلَهٍ لَم یَزنِ أَحَدٌ مِن أَهلِ بَیتِهِ أَبَدا حَتَّی یَمُوتَ . (۳)

.

۱- .ر . ک : تاریخ قرآن کریم ، ص ۳۹۹ .

۲- .تفسیر کشّاف ، ذیل آیه ۳۱ سوره نور .

۳- .ثواب الأعمال ، ص ۱۰۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۲۵۲ .

ص: ۱۷۱

اموال خود را از تلف شدن، و دامان خود را از ننگ بی عفّتی ، با تلاوت سوره نور حفظ کنید ، و زنانتان را در پرتو دستورهایش از انحرافات ، مصون دارید که هر کسی قرائت این سوره را در هر شبانه روز ادامه دهد ، احدی از خانواده او هرگز تا پایان عمر ، گرفتار عمل منافی عفّت نخواهد شد. دلیل این امر ، آن است که با خواندن و شنیدن هر روزه نوجوان در مورد حد شرعی زناکار و اهمیت حفظ عفّت و لزوم رعایت ضوابطی در روابط زن و مرد ، احتمال این که آن را فراموش کند ، و شیطان بر او غلبه کند ، کاسته می شود. بنا بر این ، (همان طور که در بحث عفّت به آن اشاره شد) ، یکی از راه های زمینه سازی پرورش عفّت در نوجوانان و جوانان، مداومت بر خواندن سوره نور و تفهیم مطالب آن است. در مورد آیه ۳۱ سوره مبارکه نور که به امر حجاب پرداخته ، نکاتی وجود دارد که لازم است به آنها اشاره شود : ۱ . حجاب ، در زمان جاهلیت هم وجود داشته و مخصوص اسلام نبوده و نه تنها در دین عرب وجود داشته ، بلکه در بین بسیاری از ملل و اقوام دیگر (از جمله ایرانیان) هم به سبک های مختلفی رایج بوده است. (۱) خود این آیه هم دلالت بر این امر دارد که زنان ، سر خود را با روسری که «خمار» نامیده می شد می پوشاندند، منتها آن را پشت سر خود ، رها می کردند ، طوری که گوش ها و گردن و سینه آنها و طبعا زیورهایشان (مانند گوشواره و گردن بند و...) نمایان می شد. لذا آیه مبارکه ، می خواهد بگوید که زنان مؤمن ، روسری های بلند خود را روی سینه خود بیندازند. البته زنان آن دوران ، جامه های بلند و گشاد با آستین هایی بلند ، بر تن می کردند که این لباس، هنوز هم در بین زن های عرب حاشیه خلیج فارس رایج است. لذا بدن آنها و تقریباً موهای آنها کاملاً پوشیده بوده و تنها قسمت بدون پوشش بدن آنها ، سر و دست ها و صورت و گردن و سینه بوده است . چون آیه ، در مورد دست و صورت ، سخن نمی گوید ، و لذا بیشتر فقها نپوشاندن آن را جایز

.

۱- .ر . ک : مسئله حجاب، ص ۲۱ و ۲۸.

ص: ۱۷۲

می دانند ؛ ولی در مورد گردن و سینه ، خداوند ، به صراحت، به پوشاندن آن امر می کند. با این وصف ، متوجّه می شویم که حدود پوشش زنان در اسلام ، پوشاندن تمام بدن ، بجز دست و صورت است ، طوری که برجستگی های بدن آنها نمایان نشود ؛ زیرا در احادیث ، استفاده لباس های گشاد ، توصیه شده است . لباس های تنگ و نازک ، نه تنها چیزی را نمی پوشانند ، بلکه بیشتر ، اعضای بدن را نمایان می سازند . امام صادق علیه السلام می فرماید : لَا یَصلُحَ لِلمَرأَهِ المُسلِمَهِ أن تَلبَسَ مِنَ الخُمُرِ وَ الدُّرُوعِ مَا لا یُوارِی شَیئا . (۱) برای زن مسلمان ، سزاوار نیست که روسری یا پیراهنی استفاده کند که چیزی را نمی پوشاند . ۲ . زن ، علاوه بر این که باید در برابر نامحرم ، پوشش کامل داشته باشد، لازم است که ظاهر او ساده و بدون زینت باشد . بنا بر این ، اگر زنی ، روسری و چادر ، سر کرده باشد ، امّا مرتب ، النگوهای خود را به نمایش بگذارد یا زیر چادر ، لباس نامناسبی بر تن داشته باشد که به محض کنار رفتن آن ، بدن او پیدا شود، این حجاب، حجاب اسلامی نخواهد بود ، هر چند که وی چادر و مقنعه داشته باشد. علاوه بر آن ، صورت او نیز باید بدون آرایش باشد ؛ زیرا آرایش هم جزو زینت است و خداوند ، امر فرموده که زینت خود را جز در مواردی که در آیه ذکر شده، ظاهر نکنند. ۳ . حرکات و راه رفتن زن نباید اغواگرانه باشد ، چه به صورت نگاه های عشوه گرانه و چه تلویح به داشتن زینت های مخفی که معنای آن ، رفتار کردن به گونه ای است که جلب توجّه کند و دیگران را تحریک نماید. ۴ . با کنار هم قرار دادن نکات سه گانه بالا ، به این نتیجه می رسیم که زن ، در برخورد با مرد نامحرم باید هم ظاهرش و هم رفتارش محجوبانه باشد و هیچ اثر و نشانه ای از اغواگری و تحریک کنندگی در او و لباس هایش نباشد ؛ بلکه با ظاهر و رفتاری ساده ، با نامحرم برخورد کند . این گونه ظاهر شدن دختران و زنان در اجتماع ،

.

۱- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۳۹۶ ؛ الإستبصار ، ج ۱ ، ص ۳۹۰ ؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۸ .

ص: ۱۷۳

باعث تحریکات جنسی و به خطر افتادن عفّت عمومی نمی شود . ۵ . همه این راهنمایی ها و آموزش ها برای این است که پاک دامنی دختر و پسر و زن و مرد ، حفظ شود ؛ زیرا در ابتدای آیه ، بر این امر ، فراوان تأکید گردیده است. در این جا لازم به یادآوری است که حفظ حجاب ، فقط به خاطر حفظ مردان از به گناه افتادن نیست تا کسی تصوّر کند که زنان باید متحمّل پوشش شوند و مردانْ به رستگاری برسند ؛ بلکه عفّت زنان ، با حفظ حجاب ، تضمین نسبی پیدا می کند ؛ زیرا با حفظ حجاب ، از خودنمایی و تحریک دیگران (چه جنس موافق و چه جنس مخالف) جلوگیری می کند و علاوه بر این که از تمایل همجنس گرایانه پیشگیری می نماید ، باعث می شود که از تعدّی و اغواگری مردان بر زنانْ مصون بمانند . بنا بر این ، زن برای حفظ پاکدامنی خود و رستگاری و نجات خویش باید پوشش مناسب و ساده داشته و بدون اغواگری ، ظاهر شود ، نه صرفاً برای رستگار شدن مردان. اصلاً مرد مؤمنِ متّقی ، به زن اغواگرِ عشوه کننده ، نگاه نمی کنند که بخواهد تحریک شود. اگر هم نگاه کند ، تقوای او مانع از به گناه افتادن او می شود . شاهد این نکته در قرآن ، حضرت یوسف علیه السلام است که با وجود جوان بودن و فراهم بودن فرصت التذاذ از زنی زیبا که خود را به اغواگرانه ترین وجهی بر او عرضه کرد ، از انجام دادن این عمل ، خودداری کرد و به خدا پناه بُرد و خدا هم که همیشه مؤمنان را در چنین موقعیت هایی از به گناه افتادن ، نجات می دهد ، او را نجات داد. شاهد عینی آن ، مردان متّقی و مؤمنی است که در کشورهای غربی ، با وجود آن همه مظاهر فساد و زنان عریان ، و نیمه عریان باز ایمان خود را حفظ می کنند و با مشاهده این صحنه ها دامن خود را آلوده نمی کنند و آخرت را به دنیای خود نمی فروشند و رستگار می شوند. پس حجاب زنان گرچه در کاهش تحریکات مردان ، اثر دارد ، ولی فلسفه اصلی لزوم حجاب، برای عفّت خودِ زن است تا با بی حجابی و خودنمایی ها، قلب او سیاه و شیطانی نشود و از جاده رستگاری ، خارج نگردد . از طرف دیگر ، ظاهر شدن زن با انواع عشوه گری ها و اغواگری ها بنیان خانواده ها

.

ص: ۱۷۴

را متزلزل می سازد و مردان ضعیف را تحت تأثیر قرار می دهد که به دنبال این گونه تمتّعات بروند و از زندگی و همسر خود ، غافل شوند که باز هم لطمه آن ، به زنان وارد می شود. امّا آیه دیگری که در مورد حجاب نازل شده ، این آیه است : «یَأَیُّهَا النَّبِیُّ قُل لِّأَزْوَ جِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَآءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِن جَلَبِیبِهِنَّ ذَ لِکَ أَدْنَی أَن یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ وَ کَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِیمًا . (۱) ای پیامبر ! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که روسری های بلند خود را بر خویش فرو افکنند . این کار برای این که [از کنیزان و یا بی بندوباران] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند ، بهتر است . [و اگر تا کنون خطا و کوتاهی ای از آنها سر زده ،] خداوند همواره غفور و رحیم است» . این آیه ، پس از آیه ۳۱ سوره نور نازل شده است . در واقع ، تأکیدی است بر حکم پیشین که زنان ، در این امر ، سهل انگاری نکنند و به اهمیت آن واقف شوند. در این آیه ، دیگر حدود حجاب تکرار نمی شود ؛ بلکه فقط تأکید می شود که پوششی که دارید (جلباب) را طوری قرار دهید که شما را بپوشاند و در آن ، سهل انگار نباشید. در تفسیر جلباب ، سه احتمال وجود دارد: ۱ . پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند ؛ ۲ . مَقنعه و خِمار (روسری) ؛ ۳ . پیراهن گشاد. احتمال دوم ضعیف است ؛ زیرا مقنعه و خمار ، روسری بلندی است که زنان عرب می پوشیدند، هنوز هم با همین لفظ رایج است و نیازی نبود که از لفظ «جلباب» استفاده شود. احتمال سوم نیز از آن جهت ضعیف است که پیراهن گشاد ، با واژه «یدنین» که به معنای نزدیک کردن یا دور کردن است ، تناسب ندارد ؛ چرا که پیراهن گشاد ، خود به خود ، دور بدن است و اصلاً مجالی برای دور گردن ندارد.

.

۱- .سوره احزاب ، آیه ۵۹ .

ص: ۱۷۵

لـذا احتمال اوّل ، از همه درست تر است. در تفسـیر نمونه نیز ظاهراً همین احتمال را ترجیـح داده و می نویسـد : به نظر می رسـد که منظور ، پوششـی است که از روسری ، بزرگ تر و از چادر ، کوچک تر است . چنان که نویسنده لسان العرب ، روی آن تکیه کرده است. منظور از «یـدنین (نزدیـک کننـد)» این است که زنان ، «جلباب» را به بـدن خویش نزدیک سازنـد تا درست ، آنها را محفوظ دارد، نه این که آن را آزاد بگذارند ، طوری که گاه و بی گاه ، کنار رود و بدن آنها آشـکار گردد . به تعبیر ساده امروزی خودمان ، یعنی لباس خود را جمع و جور کننـد. (۱) البته حکم اصـل حجـاب ، همان است که در سوره نور بیان شـد و ممکن است این نوع حجاب ، در مواردی لازم باشـد که زن ، احتمال می دهـد در معرض آزار قرار گیرد ؛ زیرا شأن نزول آیه ، طبق نقل علی بن ابراهیم در تفسـیر خود چنین است: آن ایّام ، زنان مسـلمان ، به مسـجد می رفتنـد و پشت سـر پیامبر صـلی الله علیه و آله نماز می گذاردند . هنگام شب ، موقعی که برای نماز مغرب و عشا می رفتند ، بعضـی از جوانان هرزه و اوباش ، بر سـر راه آنها می نشسـتند و با مزاح و سخنان ناروا ، آنها را آزار می دادند و مزاحمشان می شدند . پس از آن ، آیه فوق نازل شد و به آنها دسـتور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کننـد تا به خوبی ، شـناخته نشونـد و کسـی بهانه مزاحمت پیـدا نکند . (۲) بـا قرار دادن دو آیه حجـاب و شأن نزول آیه ۵۹ سوره حجرات ، این نکته به دست می آید که هر دو آیه ، خطاب به دختران و زنان مؤمن و پسران و مردان مؤمن است . در آیه سوره حجرات ، مشـخصاً فرموده که حجاب خود را رعایت کنند تا از افراد غیر مؤمن که نسبت به حجاب بی قیدند ، متمایز شونـد. بنـا بر این ، حجـاب ، مایه شـرف و منزلت زن مؤمنه است و از عوامل بازشناسـی او از زن غیر مؤمنه محسوب می شود. با این وصف ، هیچ زنی حق ندارد بگوید : «من مؤمن هسـتم ؛ امّا دوست ندارم حجاب سـر کنم!» . این سخن ، با متن صریح آیه ، منافات دارد و مثل این است که کسی بگوید :

.

۱- .تفسیر نمونه ، ج ۱۷ ، ص ۴۲۸ .

۲- .تفسیر علی بن ابراهیم ، به نقل از : نور الثقلین ، ج ۴ ، ص ۳۰۷ .

ص: ۱۷۶

«من دانش آموزم ؛ امّا دوست ندارم مشق بنویسم و نمره قبولی بیاورم» . مسلّماً چنین دانش آموزانی پس از مدتی ، از مدرسه اخراج می شونـد و دیگر نمی تواننـد خـود را دانش آموز بنامنـد. مقیّـد کردن آیه حجـاب به زنـان مؤمن ، علّت دیگری هم دارد و آن این است که زن مؤمن ، ارزش و شـرافت و کرامت دارد، طوری که هیـچ مردی ، حق نـدارد جسم زن مؤمن را مـایه ارضـای شـهوات و لذّات خود قرار دهد. او اگر به دنبال بازیچه می گردد باید برود سراغ اسباب بازی ای که به آن تمایل دارد و هر چه می خواهد ، به آن نگاه کنـد، نه به درّ گران بهایی که ارزش و بهای او ، خداونـد است. امام صادق علیه السـلام شـعری فرموده انـد : أُثَامِنُ بِالنَّفسِ النَّفِيسَهِ رَبَّهَـافَلَيسَ لَهَا فِي الخَلقِ كُلِّهِم ثَمَنٌ. (۱) هیـچ چیز بـا نفس من برابری نمی کنـد ، جز پروردگارمو قیمتی در بین تمام خلایق برای آن نیست. به همین دلیل است که نگاه کردن بـدون لـذّت جنسـی ، به مو و بدن زنانی که به پوشاندن آن مقیّد نیسـتند و با این که به آنـان تـذکر داده می شود ، اهمیت نمی دهنـد ، اشـکال نـدارد ؛ در صورتی که نگـاه کردن به موی زن نـامحرم مؤمن ، چه با لـذّت و چه بـدون لذّت حرام است. در این رابطه ، عباد بن صـهیب می گوید : از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود : لَا بَأسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُؤوسِ أَهـلِ التِّهـامَهِ وَ الأَعـرَابِ وَ أَهـلِ السَّوادِ وَ العُلُوجِ لِأَنَّهُم إِذَا نُهُوا لا يَنتَهُونَ، قَالَ: وَ المَجنُونَهِ وَ المَغلُوبَهِ عَلَى عَقلِهَا لَا بَأسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَـعرِهَا وَ جَسَـدِهَا مَا لَم يَتَعَمَّدَ ذَلِكَ . (۲) نگـاه کردن به موهـای زن های بادیه نشـین (و در روایت دیگری زن های اهل ذمّه)

.

۱- .مناقب آل أبی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۹۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۴۷ ، ص ۲۵ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۵۰ .

ص: ۱۷۷

اشکال ندارد ؛ زیرا آنها اگر از این کار منع و نهی شوند، اهمّیتی به آن نمی دهند و باز هم آن را تکرار می کنند . همین طور زن دیوانه، نگاه کردن به بدن و موهای او اگر عمدی (یعنی نگاه با شهوت) نباشد ، اشکال ندارد. این حدیث ، بدان معناست که زنی که اهمیتی به پوشاندن بدن یا موهای خود نمی دهد و برای او مانعی نیست که دیگران از موهای او لذّت ببرند ، آن حرمت و کرامت را ندارد که مرد مؤمن ، حق نگاه کردن به او را نداشته باشد. هر چند برای این نکته ، راه سوء استفاده بر مردانِ سست عنصر ، بسته شده که از این راه برای لذّت حرام استفاده کنند و آن ، این که همان نگاه کردن هم باید بدون التذاذ و شهوت باشد (که در مسائل فقهی هم ذکر شده است) . در توضیح المسائل امام خمینی رحمه الله آمده است: زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند ؛ بلکه احتیاط واجبْ آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ، ولی خوب و بد را می فهمد (صغیر ممّیز) و به حدّی رسیده که مورد نظر شهوانی است ، بپوشاند. نگاه کردن مرد به بدن نامحرم ، چه با قصد لذّت و چه بدون آن ، حرام است. نگاه کردن به صورت و دست های او اگر به قصد لذّت باشد ، حرام است ؛ بلکه احتیاط واجب ، آن است که بدون قصد لذّت هم نگاه نکنند. نیز نگاه کردن زن به بدن مرد (بجز صورت و دست ها) حرام است و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ ، اگر به قصد لذّت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد ، اشکال ندارد ؛ ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که معمولاً می پوشانند (مثل ران و شکم) نگاه نکنند. اگر انسان ، بدون قصد لذّت ، به آن قسمت از بدن زن های کافر که معمولاً نمی پوشانند ، نگاه کند ، در صورتی که نترسد به حرام بیفتد ، اشکال ندارد. (۱)

.

۱- .توضیح المسائل امام خمینی ، مسئله ۲۴۳۳ و ۲۴۳۵ ۲۴۳۶ .

ص: ۱۷۸

دو نکته

آیه اللّه سیستانی ، حکمی را در این زمینه اضافه می کننـد مبنی بر این که: نگاه کردن به بدن زن های مبتذله که اگر کسـی آنها را امر به حجاب نماید ، اعتنا نمی کنند ، اشـکال ندارد ، مشروط به آن که بدون قصد لذّت و ترس وقوع در حرام باشد . در این حکم ، میـان زن های کافر و دیگر زن ها ، فرقی نیست و همچنین بین دست و صورت و دیگر جاهای بـدن که آنها عادت به پوشانیـدنش ندارند ، فرقی نیست . (۱) بنا بر این ، وجوب حجاب و ضـرورت و اهمیت آن ، در درجه اوّل برای خود زن است و در درجه بعدی برای مرد ؛ زیرا باعث می شود که پاک دامنی زن حفظ شود و به گناه نیفتد ؛ حیای او حفظ شود و تبدیل به شـیطانی اغواگر نگردد ؛ ایمان او تقویت شود و در مسیر قرب الی اللّه قرار گیرد ؛ مورد اذیت و آزار جسمی و جنسی قرار نگیرد ؛ خانواده او از هم نپاشد ؛ بدن او مایه التذاذ افراد بی سروپا و لاأُبالی نشود ؛ ارزش و کرامت او حفظ شود و در جامعه ، بدون ترس و اضطراب فعّالیت کند.

دو نکتهـدر پایـان بحث حجاب ، به دو نکته می پردازیم : ۱ . عـدّه ای به حکم حجاب ، اعتراض می کنند و می گویند : اسـلام ، با این حکم ، به مردان توهین کرده و آنهـا را در حـد حیوانـات شـهوت پرستی نـازل کرده که فقـط در فکر شـهوت رانی هسـتند و به محض دیـدن زیبـایی هـای یـک زن و جلوه گری هـای او تحت تـأثیر قرار می گیرنـد. در این زمینه گفته می شود: آیـا تمـام مردان جامعه ، افرادی سالم، پرهیزگار و متّقی هسـتند ؟ آیا نیاز جنسـی همه مردان جامعه ، در حد تکامل ، اشـباع شده است ، به حدّی که دیدن اغواگری، آنها را تحریک نمی کند ؟ اگر یک فردی در برابر سفره ای رنگین قرار گیرد که خوشمزه ترین غذاها و لذیذترین شیرینی ها و گواراترین نوشـیدنی ها بر سـر آن قرار داشـته باشد ، آیا اشـتهای او تحریک نمی شود ؟ معلوم است که یک فرد کاملاً سیر هم اگر سر آن سفره قرار گیرد ، اشتهایش تحریک

.

۱- .توضیح المسائل آیه اللّه سیستانی ، ص ۵۰۸ ، مسئله ۲۴۴۳ .

ص: ۱۷۹

می شود و اگر شـده ، ناخنکی به آن غـذاها می زنـد ، چه برسـد به آدم گرسـنه ! غریزه جنسـی که یک میل غریزی است ، با غریزه گرسـنگی چه فرق دارد ؟ مطمئناً اگر شدیـدتر نباشـد، ضـعیف تر نیست. حتماً خودتـان شاهـد هستیـد که در جـامعه، افراد بیمـار و منحرف جنسـی، بسـیارند ؛ افرادی که زنان را مورد تعـدّی ، آزار و تجاوز به عنف و ... قرار می دهنـد و مبتلا به بیماری «نظر بازی» هسـتند و از این جهت ، میل خود را ارضا می کنند. آیا با وجود این افراد ، می شود گفت : در برابر مرد سالم ، حجاب نپوشید و در برابر مرد ناسالم بپوشـید؟ از کجا تشـخیص دهیم که چه کسـی سالم است و چه کسـی بیمار؟ آیا واقعاً و انصافاً شـما مرد روشن فکر متجـدّد ، با دیـدن زنی که به روش های مختلف ، خود را زینت داده و اغواگری می کنـد ، تحریک نمی شوید ؟ اگر تحریک نمی شویـد ، یا خیلی وارسـته و مؤمن هستیـد که بایـد به شـما تبریک گفت ! و یا بیمارید که باید به روان شـناس مراجعه کنید و اگر هم پاسخ شما مثبت است ، پس اعتراض شما بی جاست. ۲ . بعضـی ها معتقدند که ابراز کردن زیبایی و جلوه گری زن ، جزو طبیعت و نیـاز اوست و دوست دارد که زیبـایی هـای خود را در برابر همه (بویژه مردان) ظـاهر کنـد. چون حکم حجـاب ، خلاـف طبیعت زن است، لذا زنان ، در برابر آن عصیان می کنند و آن را نمی پذیرند. در پاسخ باید گفت : خداوند متعال که انسان را آفریده و به همه ضعف هـا و فقرهـای او آشـناست ، بهـتر از هر کسـی ، این طـبیعت زن را می دانـد . معصومـان علیهم السـلام هم که علم خود را از خداوند می گیرند ، به این امر واقف اند و حتّی در گفته امام علی علیه السلام نیز بیان شده : که «خودآرایی برای زنان ، لازم است». (۱) و خداوند هم، چون به این طبیعت زن آگاه است ، این احکام را نازل کرده . امّا باید توجّه داشت که در طبیعت آدمی ، صفاتی چون : کمال خواهی، عفّت ، حیا و عزّت وجود دارنـد که مجموع آنها با هم ، طبیعت او را تشـکیل می دهنـد و هر یک ، در تعدیل دیگری و پیشگیری از افراط دیگری مؤثّر است .

.

۱- .ر. ک : وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۹ ، ح ۷ .

ص: ۱۸۰

در امر حجاب ، اسلام قصد ندارد با طبیعت زن ، کاملاً مبارزه کند ؛ زیرا با حکمت خداوند ، در تضاد است . خداوند ، خودش این میل را در وجود زن قرار داده است. وجود این میل برای تکامل انسان و جذب زن و مرد به یکدیگر و تداوم رابطه زناشویی ، مهم است. ولی با توجّه به امور طبیعی دیگرِ وجود زن که آنها را نیز خدا آفریده ، هماهنگی این امور طبیعی ، از اهداف خداوند متعال است . لذا اجرای هریک از آنها باید بر اساس ضوابط و چارچوب هایی باشد که هدف خدا نقض نشود. اگر شما به روان شناسی مراجعه کنید و او به شما بگوید : بچه شما دوست دارد آزاد باشد و هر کاری خواست انجام دهد . شما مانع او نشوید . اگر چاقو دست او بود یا اگر می خواست از خیابان رد شود یا خود را از بلندی بیندازد ، حق ندارید مانع شوید ؛ زیرا این کار ، خلاف طبیعت آزاد و استقلال طلبی کودک است . آیا شما به عقل و خرد این روان شناس ، خُرده نخواهید گرفت؟ با همه این اوصاف ، از آن جا که خداوند ، به طبیعت انسان ، آگاه است و می داند که همه انسان ها به یک اندازه ، تربیت یافته نیستند که امیال طبیعی خود را در چارچوبی درست قرار دهند و لاجرم لغزش هایی برای آنها رخ می دهد که چه بسا به علّت ضعف نفس و کنترل خویش است، ضوابطی را برای ارضای متعادل همه امور طبیعی آدمی (و از جمله زنان) قرار می دهد حجاب نیز یکی از همین ابزارهاست که عملکردهای فرد را ضابطه مند می کند . لذا خداوند در آیه ۳۱ سوره نور ، به بازگشت از رفتارهای نادرست ، به سوی اعمالی که خداپسندانه و انسانی و کمالی اند ، توجّه داده می فرماید : «ای مؤمنان ، همه به سوی خدا توبه کنید و بازگردید ، شاید که رستگار شوید» و در آخر آیه ۵۹ سوره حجرات می فرماید : «به درستی که خداوند ، آمرزنده و مهربان است». مراد ، این است که اگر لغزشی به حکم طبیعت بشری برای شما پیش آمد، از آن لغزش ، استغفار کنید و دوباره به سوی خداوند ، باز برگردید که خداوند ، بخشنده و مهربان است.

.

ص: ۱۸۱

دوم . شیوه های غیرمستقیم

الف . تأمین نیاز روانی عاطفی

۱ . محبّت کردن

دوم . شیوه های غیرمستقیممنظور از شیوه های غیر مستقیم تربیت جنسی کودکان، امور شناختی، عاطفی و عملکردی ای است که والدین در ارتباط با فرزندشان انجام می دهند . این شیوه ها مستقیماً مربوط به تربیت جنسی آنها نیست ؛ ولی با واسطه، در تربیت جنسی مطلوب فرزندانشان اثر می گذارد. اکنون به بررسی تعدادی از این شیوه ها می پردازیم:

الف تأمین نیاز روانی عاطفیکودکان با نیازهای عاطفی روانی فراوانی به دنیا می آیند که ارضای آنها زمینه تربیت صحیح جنسی را فراهم می سازد و عدم ارضای آنها آثار نامناسب روانی فراوانی داشته و از جمله ، انحرافات جنسی را سبب می شود. گرچه همه نیازهای روانی عاطفی ، مستقیماً یا غیر مستقیم ، بر تربیت جنسی کودک تأثیر می گذارند ، ولی در این جا نیازهایی را که بیشتر از بقیه ، بر تربیت جنسی تأثیر دارند ، ذکر می کنیم:

۱ . محبّت کردندر دین اسلام، «محبّت»، جایگاه ویژه ای دارد، تا حدی که مهرورزی به دیگران ، از برترین شعبه های ایمان دانسته شده است . امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : وَدُّ المُؤمِنِ لِلمُؤمِنِ فِی اللّهِ مِن أَعظَمِ شُعَبِ الإِیمَانِ. أَلَا وَ مَن أَحَبَّ فِی اللّهِ وَ أَبغَضَ فِی اللّهِ وَ أَعطَی فِی اللّهِ ومَنَعَ فِی اللّهِ فَهُوَ مِن أَصفِیَاءِ اللّهِ . (۱) علاقه مؤمن به مؤمن ، از مهم ترین شاخه های ایمان است . همانا هر کسی که به خاطر خداوند ، کسی را دوست داشته باشد و به خاطر خدا از کسی روی گردان باشد و در راه خدا بخشش کند و به خاطر خدا منع کند ، او از برگزیدگان خداست.

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۲۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۱۶۶ .

ص: ۱۸۲

در مورد محبّت کردن به کودکان نیز سفارش های مؤکّدی از جانب معصومان علیهم السلام وارد شده است . امام صادق علیه السلام می فرماید : إِنَّ اللّهَ لَیَرحَمُ العَبدَ لِشِدَّهِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ . (۱) خداوند ، بنده اش را به خاطر شدّت محبّت به فرزندش رحم می کند و می بخشد. در حدیث دیگری نیز می فرماید : إِنَّ رَسُولَ اللّهِ خَرَجَ عَلَی عُثمَانَ بنِ مَضعُونٍ وَ مَعَهُ صَبِیٌّ صَغِیرٌ یَلتِمَه، فَقَالَ: ابنُکَ هَذَا قَالَ: نَعَم قَالَ: أَتُحِبُّهُ یا عُثمَانُ؟ قَالَ: إِی وَاللّهِ یَا رَسُولَ اللّهِ إِنِّی أُحِبُّهُ! قَالَ: أَفَلَا أَزِیدُکَ حُبّاً لَهُ قَالَ: بَلَی، فَدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی! قَالَ: إِنَّهُ مَن یُرضِی صَبِیّاً لَهُ صَغِیراً مِن نَسلِهِ حَتَّی یَرضَی ، تَرَضَّاهُ اللّهُ یَومَ القِیَامَهِ حَتَّی یَرضَی . (۲) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله عثمان بن مضعون را دید، در حالی که پسر کوچکی همراه او بود و او در حال بوسیدن بچه اش بود. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید : «این پسر شماست ؟» . عرض کرد: بله . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا او را دوست داری، ای عثمان؟» . عرض کرد: بله . به خدا قسم ای رسول خدا که او را دوست دارم! پیامبر فرمود : «آیا چیزی به تو بگویم که محبّت به او بیشتر شود ؟» . عرض کرد: آری، پدر ومادرم به فدایت ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس به فرزند خردسالی از نسل خود ، آن قدر توجّه و محبّت کند تا حدی که کودک از او راضی شود، خداوند ، در روز قیامت ، او را آن قدر مورد لطف و مرحمت قرار می دهد تا حدی که راضی شود. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید : قَالَ مُوسَی علیه السلام یَا رَبِّ أَیُّ الأَعمالِ أَفضَلُ عِندَکَ؟ فَقَالَ : حُبُّ الأَطفَالِ فَإِنِّی فَطَرتُهُم عَلَی تَوحِیدِی فَإِنَّ أَمَتُّهُم أَدخَلتُهُم جَنَّتِی بِرَحمَتِی . (۳) حضرت موسی علیه السلام به پروردگار عرض کرد : «خداوندا ! بهترین کارها نزد تو چیست ؟» . خداوند فرمود : «محبّت کردن و یا دوست داشتن کودکان ؛ چرا که با فطرت توحیدی ، آنها را سرشتم و اگر جان آنها را به رحمتم گرفتم ، آنها را وارد بهشتم می کنم» .

.

۱- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۵۰ ؛ ثواب الأعمال ، ص ۲۰۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۱ ، ح ۹ .

۲- .میزان الحکمه ، ج ۴ ، ص ۳۶۶۹ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۵۸۶ .

۳- .المحاسن ، ج ۱ ، ص ۲۹۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۷ ، ح ۵۷ .

ص: ۱۸۳

در این حدیث ، خداوند متعال ، دوست داشتن را از بهترین اعمال معرفی کردند. والدین ، با آگاهی از این گونه روایات، به اهمیت دوست داشتن کودکان پی خواهند برد. روشن است که این همه سفارش برای محبّت کردن به فرزند ، به دلیل آثار روانی عاطفی و اخلاقی است که می تواند زمینه رشد و تعالی را در کودکان فراهم سازد و بر رشد سالم جنسی و پیشگیری از ابتلا به انحراف جنسی ایشان تأثیر بگذارد. این تأثیر از چند جهت است: اولاً ، ارضای نیاز به محبّت در کودکان ، به اندازه کافی ، آنها را از وقوع در انحرافات جنسی و وَلَع شهوانی محافظت می کند و کمبود محبّت ، زمینه انحراف جنسی را فراهم می سازد. کارن هورنای (روانکاو معروف) معتقد است که افراد عصبی ای که از کمبود محبّت و آمیختگی نیاز عصبی به محبّت و تمایلات جنسی پدید آمده اند ، به سه دسته تقسیم می شوند: گروه اوّل ، با یک حالت عطشی سیری ناپذیر و اجباری ، مدام به دنبال ارضای شهوت هایشان هستند ، از این شاخه به آن شاخه می پرند، از رفتار و حالتشان می توان فهمید که به شدّت ، احساس ناامنی روحی، احساس بی پناهی و بی کسی می کنند و اگر حتّی برای مدّتی کوتاه، امکان رفع شهوت برایشان پیش نیاید و با کسی رابطه جنسی نداشته باشند ، فوق العاده مضطرب و ناآرام می شوند. گروه دوم ، در عین حال که تمایلات شهوتی شدید و اجباری دارند ، به علّت ترمزها و مشکلات درونی خود ، عملاً توان ارضای تمایلات جنسی خود را ندارند و با این وجود، با حالت بی تفاوتی ، به هر کسی که در تماس و رابطه با آنها قرار می گیرد ، گرایش شهوتی پیدا می کند. گروه سوم ، در زمینه امور جنسی و هر گونه تماسی با انسان ها، دارای ترمزهای روحی هستند، بی اختیار و اجباراً به استمنا متوسّل می شوند . این افراد ، با دفع شهوت از طریق استمنا ، لذّت بیشتری می برند تا از طریق رابطه جنسی عادی و طبیعی. بنا بر این ، عدم ارضای نیاز به محبّت، به اندازه کافی در کودک ، منشأ انواع اختلالات جنسی می شود. ثانیاً ، محبّتِ به اندازه کافی در کودکی ، باعث می شود که افراد در زندگی خانوادگی

.

ص: ۱۸۴

۲ . نوازش کردن

خود بتوانند به همسر و فرزندان و دیگر افراد ، محبّت کنند. مزلو در این زمینه معتقد است که کودکانی که از نخستین ماه های زندگی ، کاملاً ـ از محبّت دیگران محروم نباشند، به طور کلّی ، میل و توانایی مهرورزی و محبوب بودن را برای همیشه دوست دارند . (۱) بنا بر این ، کودکی که به اندازه کافی ، محبّت ندیده ، توانایی مهرورزی را ندارد و محبّت های دیگران را بی پاسخ می گذارد ؛ زیرا روش آن را از کودکی نیاموخته و در معرض حوادث یا شرایطی قرار نگرفته که این توانایی را در او پیدا کند و به فعلیت برساند . ثالثاً ، ارضای نیاز به محبّت ، موجب می گردد که ارضای تمایلات جنسی ، با لذّت بیشتری همراه باشد. در حقیقت ، کسی که محبّت را تجربه و درونی کرده ، می تواند رابطه بهتری با همسرش برقرار سازد و از لذّت بهتر و بیشتری برخوردار گردد. اصولاً لذّت جنسی آدمی ، بدون مهرورزی و محبّت زوجین نسبت به یکدیگر ، امکان ندارد. شاید به همین دلیل است که در آداب زفاف ، از خدا می خواهیم که توانایی مهرورزی در ما افزایش یابد و از او می خواهیم : خداوندا! مهر و محبّت و رضایت او را روزی من گردان و من را از طریق او راضی کن و به بهترین وجه و مستحکم ترین پیوند ، بین ما جمع کن . همانا که تو حلال را دوست داری و از حرام بیزاری !» . (۲) روان شناسان نیز پس از سال ها مشاهده زوج های سالم و بیمار ، به همین نتیجه رسیده اند : افرادی که در کودکی ، محبّت ندیده اند ، نمی توانند عشق بورزند و نمی توانند همانند کسانی که می توانند عشق بورزند، از مسائل جنسی، کامیاب شوند.

۲ . نوازش کردناز جمله نیازهای روانی عاطفی ای که تأمین آن در دوران کودکی ، در تربیت

.

۱- .انگیزش و شخصیت ، ص ۹۱ .

۲- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۴۸۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۸ ، ص ۱۴۴ .

ص: ۱۸۵

۳ . هدیه دادن

صحیح جنسی فرد نیز تأثیر دارد، «نوازش کردن» است. با نوازش کودک، نیاز درونی اش تأمین می شود و احساس کمبود نمی کند تا برای ارضای آن نیاز، جذب افرادی شود که بخواهند از وی سوء استفاده جنسی بکنند . پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت ارضای این نیاز در کودکی و پیشگیری از عوارض عدم ارضای آن (از جمله عوارض جنسی) ، به طور مستمر ، به دیدن انصار می رفتند و بر فرزندان آنها سلام می کردند و بر سرشان دست نوازش می کشیدند. (۱) جابر بن سمره ، درباره این که پیامبر چگونه کودکان را نوازش می کرد ، می گوید : کودکان ، زیاد بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شدند . ایشان کودکان را نوازش می کرد . من مشاهده کردم که گاه یک گونه بعضی کودکان را نوازش می کرد و گاه دو گونه بعضی دیگر را ! من هم به کنار ایشان آمدم و پیامبر ، گونه مرا نوازش کرد و برای همیشه ، از آن گونه ام نسبت به دیگری ، احساس بهتری داشتم. (۲) تأثیر نوازش کودک ، از دو جهت مورد توجّه است : ۱ . کودک ، نوازش را نوعی محبّت می پندارد و عطش سیری ناپذیر دریافت محبّت او ، از این طریق ارضا خواهد شد. ۲ . کودک ، نوازش کردن را به عنوان رفتاری برای ابراز احساسات عاشقانه و دوست داشتن ، یاد می گیرد و با درون سازی این رفتار، در زندگی آینده خود همین گونه ، عشق خود را به شریک زندگی خود ابراز خواهد کرد.

۳ . هدیه دادنهدیه دادن به فرزندان ، از جمله رفتارهایی است که نیاز عاطفی آنها را تأمین می کند و به صورت غیر مستقیم ، در تربیت صحیح جنسی و پیشگیری از انحراف جنسی موثّر است ؛ زیرا والدین با هدیه دادن در دوره کودکی ، کودکان را به خود نزدیک می کنند و مانع آن می شوند که افرادی از این طریق بخواهند فرزندانشان را

.

۱- .ر. ک : صحیح ابن حبّان ، ج ۲ ، ص ۲۰۷ ؛ کنز العمّال ، ج ۷ ، ص ۱۵۴ ، ح ۱۸۴۸۸ .

۲- .کنز العمّال ، ج ۱۳ ، ص ۳۰۹ ، ح ۳۶۸۸۰ .

ص: ۱۸۶

جذب خود کنند و از آنها سوء استفاده های جنسی ببرند. کودکان ، به هدیه گرفتن خیلی علاقه دارند و می توان آنها را از این طریق ، مطیع خود ساخت . رسول اکرم صلی الله علیه و آله با اشاره به تأثیر هدیه دادن در جذب شدن بچّه ها به سوی بزرگ ترها می فرماید : یَا عَائِشَهُ ! إِذَا دَخَلَ عَلَیکِ صَبِیٌّ جَارِکِ فَضَعِی فِی یَدِهِ شَیئاً فَإِنَّ ذَلِکَ یَجُرُّ مَوَدَّهَ . (۱) ای عایشه ! هنگامی که کودک همسایه ، به تو سر می زند ، چیزی در دست او قرار بده که این کار ، دوستی را جلب می کند. همچنین با توجّه به نیاز بیشتر دختران در این زمینه و آثار هدیه دادن به فرزندان فرمود : مَن دَخَلَ السَّوقَ فَاشتَرَی تُحفَهً فَحَمَلَها إِلَی عِیالِهِ کَانَ کَحَامِلِ صَدَقَهً إِلَی قَوم مَحَاوِیجِ وَ لیَبدَأ بِالإِنَاثِ قَبلَ الذُّکُورِ، فَإِنَّهُ مَن فَرَّحَ ابنَهً فَکَأَنَّمَا أَعتَقَ رَقَبَهً مِن وُلدِ إِسمَاعِیلَ وَ مَن أَقَرَّ عینَ ابنٍ فَکَأَنَّمَا بَکَی مِن خَشیَهِ اللّهِ ، وَ مَن بَکَی مِن خَشیَهِ اللّهِ أدخَلَهُ اللّهُ جَنَّاتَ النَّعِیمِ . (۲) کسی که به بازار می رود و برای اعضای خانواده خود هدایایی می خرد ، مانند کسی است که برای تُهیدستان و فقیران ، صدقه می برد و بهتر است که دادن هدیه ها را از دخترها شروع کند ؛ چرا که کسی که دختر خود را شاد کند ، مانند کسی است که بنده ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که فرزند پسر را شاد کند ، مانند کسی است که از ترس خدا گریه کرده باشد و کسی که از ترس خدا گریه کرده باشد، خداوند ، او را وارد بهشت می کند. با توجّه به این که هدیه کردن چیزی که جدید است و تازه به بازار آمده ، کودکان و نوجوانان را بیشتر جذب می کند ، سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این گونه بود که هنگامی که به وی میوه نوی می دادند ، آن را بر چشمان و لب های خود می گذاشت و می فرمود : «پروردگارا ! همان طور که اوّل آن را به ما نشان دادی ، آخر آن را نیز به ما بنما ». سپس آن را به بچه هایی که نزد ایشان بودند، می داد . (۳)

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۱۰۵ ؛ کنز العمّال ، ج ۹ ، ص ۵۹ .

۲- .الأمالی ، صدوق ، ص ۶۷۲ ۶۷۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۵۱۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۶۹ ، ح ۲ .

۳- .کنز العمّال ، ج ۷ ، ص ۱۱۰ ، ح ۱۸۲۱۹ .

ص: ۱۸۷

۴ . ارزش دادن

بنـا بر این ، هـدیه دادن به عنوان یکی از راه هـای جـذب کودکان ، دارای دو نقش اساسـی است : اوّل این که این رفتار ، باعث می شود که احساسات قلبی والـدین ، به کودک منتقل شود ، نیاز به دریافت محبّت کودک ارضا شود و احساس کمبود نکنـد که نتیجه اش ، کـاهش انحراف جنسـی در کـودک اسـت . دوم ایـن کـه کـودک ، این رفتـار را به عنـوان عملی برای ابراز عشـق و محبّت به دیگران (از جمله همسر آینده خود با والدینش) همانندسازی می کند و یاد می گیرد.

۴ . ارزش دادناز دیگر نیازهای طبیعی و سـرشت آدمی که تأمین آن به صورت غیر مسـتقیم ، در تربیت صحیح جنسی کودکان مؤثّر است، «نیاز به عزّت و ارزشـمندی» است. ارضای این نیاز ، از آن جهت در رشد سالم جنسـی اثر دارد که فردی که عزت در او رشد کرده، برای خودش ارزش قائل است و حاضـر نیست آن را به ذلّت بکشاند . چنین فردی از کشیده شدن به وادی شهوات و ارتکاب انحرافات (از جمله انحراف جنسـی) خودداری می کند. امام علی علیه السـلام می فرماید : مَن کَرُمَت عَلَیهِ نَفسُهُ هَانَت عَلَیهِ شَـهَوَاتُهُ . (۱) آن که در جـان خود ، احسـاس بزرگواری می کنـد، مخـالفت بـا شـهوت حیوانی برای او آسـان است. نقطه مقابـل این گفتار ، حدیثی است از امام صادق علیه السـلام که می فرماید : مَن هَانَت عَلَیهِ نَفسُهُ فَلَا تَأمَن شَرَّهُ . (۲) اگر کسی خودش را در نزد خویش خوار ببیند (و احساس بزرگواری را در خودش از دست بدهد) از شـرّ او بترس. شهید مطهری در تبیین این دو حدیث می نویسد : بر حسب کلام امیر المؤمنین ، اگر کسی در روح خود ، احساس شرافت و

.

۱- .نهج البلاغه ، حکمت ۴۴۹ ؛ تحف العقول ، ص ۲۷۸ .

۲- .تحف العقول ، ص ۴۸۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۳۰۰ .

ص: ۱۸۸

بزرگواری بکند، شهوترانی و دنبال هوای نفس رفتن برای او کار منفوری است و نرفتنش کاری آسان، و بر حسب کلام امام صادق علیه السلام بر عکس، آن کسی که این احساس در او نیست و در خود ، احساس نمی کند که من کسی هستم، شخصیتی ارزشمند هستم، بزرگواری و شرافتی دارم، آن کسی که این احساس را باخت ، همه چیز را باخته است : «فلا تأمن شرّه». (۱) آبراهام مزلو ، از میل به عزّت نفس ، به تمایل به اعتبار و حیثیت، مقام، شهرت، افتخار، برتری و حرمت ، یاد می کند و معتقد است که ارضای این میل در کودکی ، پیامدهایی از قبیل : اعتماد به نفس، ارزش، توانمندی، لیاقت، کفایت و مفید و مثمر ثمر بودن را دارد و بی اعتنایی به آن ، موجب حقارت، ضعف و درماندگی می شود . (۲) ارضای نیاز به عزّت و برخوردارشدن از اعتماد به نفس بالا و بر عکس ، عدم احساس عزّت و شخصیت و نداشتن اعتماد به نفس ، تا حدّ زیادی در خانواده رقم می خورَد. ویرانگی هایی که در بعضی خانواده ها بر شخصیت و اعتماد به نفس کودکان وارد می شود ، گاهی تا سنین بزرگ سالی نیز با آنها باقی می ماند و جز با تلاش فراوان ، قابل درمان نیست ؛ همان طور که رفتارهای عزّت برانگیز والدین در ارتباط با کودک، رشد سالم روانی (و از جمله رشد جنسی) را موجب می گردد. بنا بر این ، باید با پذیرش شخصیت کودک و احترام به او در حد متعادل ، زمینه تربیت سالم را فراهم کرد و موجبات رشد احساس اعتبار و عزّت را در او افزایش داد تا از انجام دادن کارهای زشت و انحرافات (و از جمله انحرافات جنسی) محفوظ باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجّه به آثار مهمّ تربیتی احترام و اکرام کودک، در این زمینه ، به والدین تأکید می کند و می فرماید : أَکرِمُوا أَولَادَکُم، وَ أَحسِنُوا آدابَهُم . (۳) کودکان خود را گرامی بدارید و آداب آنها را نیکو گردانید.

.

۱- .فلسفه اخلاق ، ص ۱۳۶ .

۲- .ر. ک : انگیزش و شخصیت ، ص ۷۴ .

۳- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۲۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۷۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۵ .

ص: ۱۸۹

۵ . تأمین امنیت

در حقیقت ، پیامبر صلی الله علیه و آله به این نکته توجّه داده اند که زمینه سازی روانی برای آداب و اخلاق نیکو ، با اکرام و احترام کودک فراهم می شود و باید با فراهم سازی این زمینه، به آموزش رفتارهای نیکو و سالم تربیتی به آنان بپردازید.

۵ . تأمین امنیتیکی دیگر از نیازهای روانی عاطفی ، نیاز به «امنیت» است. امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت ارضای نیاز به امنیت می فرماید : خُمسٌ مَن لَم تَکُن فِیهِ لَم یَتَهَنَّ بِالعَیشِ: الصِّحَّهُ وَ الأَمنُ وَ الغَنَاءُ وَ القَنَاعَهُ وَ الأَنِیسُ المُوَافِقُ . (۱) هرگاه این پنج چیز برای کسی فراهم نباشد، زندگی او برایش ناگوار و ناسالم خواهد بود: سلامت، امنیت، ثروت، بی نیازی و همسر همراز و همدم . آبراهام مزلو ، نیاز به امنیت را از جمله نیازهای اساسی روانی بشر می داند و معتقد است که آنچه باعث می شود کودک ، احساس نا امنی کند ، عبارت است از غیر قابل پیش بینی بودن رفتارها و حوادث برای او، بی عدالتی، بی انصافی، ناسازگاری والدین و به طور کلی ، هر پیش آمدی که این احساس را در کودک ایجاد کند که دنیا ، جای امنی نیست و حوادث یا رفتارهای والدین ، قانونمند و تابع هیچ ضابطه ای نیستند . هم چنین خشم یا گاهی تهدید والدین ، مبنی بر تنبیه کودک، ناسزاگویی و پرخاشگری نسبت به او، بدرفتاری با او و هرچه باعث وحشت و اضطراب وی شود ، احساس امنیت کودک را به خطر می اندازد و پیامدهای آن ، زیاد خواهد بود . نقش غیر مستقیم ارضای نیازهای ایمنی در تربیت جنسی صحیح ، در این است که کودکانی که ناایمن هستند و اعتمادشان به دنیای خارج ، سلب شده ، از نزدیک شدن به هر انسانی وحشت دارند، لذا از ازدواج فرار می کنند و یا در زندگی زناشویی خود ، قادر به برقراری ارتباط صمیمانه با همسرشان نیستند چنین افرادی نمی توانند

.

۱- .الأمالی ، صدوق ، ص ۳۶۷ ؛ مشکاه الأنوار ، ص ۲۶۰ .

ص: ۱۹۰

ب . دعا

اشاره

محبّت همسرشان را واقعی بدانند و عشق را به تمسخر می گیرند. (۱) در واقع ، کودکی که با بدقولی ها، مسخره کردن ها، تبعیض ها، ناسزاگویی ها ، و زورگویی ها، تهدیدها و تحمیل کارهایی که در توان او نیستند ، روبه روست و هیچ گاه ارتباط های دیگران را با خود و ارتباط خود را با دیگران ، صمیمی و مهربانانه احساس نمی کند ؛ بلکه این ویژگی ها از وی شخصیتی ناامید، بدبین و مطرود از دیگران می سازد که نمی تواند مهر و احساس عاطفی ، به جنس مخالف داشته باشد و با او انس بگیرد و به آرامش برسد . از جمله دلایل تأکید معصومان علیهم السلام بر لزوم عدالت و عدم تبعیض بین کودکان، رحم و شفقّت نسبت به آنان، عدم خشم بر آنان ، عدم تخلّف از وعده هایی که به آنان داده می شود و عدم تحمیل مافوق توان آنان (بویژه در مورد دختران) ، عبارت است از : پیشگیری از پدیدار شدن شخصیت نا ایمن در آنها و روبه رو شدن با مشکلات عدیده با همسر و لذّات جنسی آنها . به عنوان نمونه، پیامبر صلی الله علیه و آله با شیوه ارشادی و هدایتیِ ویژه اش، در ارتباط با تبعیض بین دختر و پسر می فرماید : مَن کَانَ لَهُ أُنثَی فَلَم یُبدِهَا وَ لَم یُهِنهَا وَ لَم یُؤثِر وُلدَهُ عَلَیهَا أَدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ . (۲) کسی که فرزند دختری دارد ، اگر او را اذیت نکند ، و به او توهین نکند و پسران خود را بر او ترجیح ندهد، خداوند ، او را وارد بهشت می کند. والدین ، در حقیقت ، با به خطر انداختن شخصیت ایمن فرزند، سرنوشت نامطلوبی را از نظر روانی وتربیتی برای او می سازند و کیفر آن ، جز به خطر افتادن سرنوشت مسبّب آن و رفتن او به جهنّم ، چیز دیگری نیست .

ب دعااز جمله اقداماتی که به صورت غیر مستقیم ، در رشد سالم جنسی و پیشگیری از انحراف جنسی فرزندان مؤثّر است، برقراری رابطه عاطفی با خداوند و دعا کردن

.

۱- .انگیزش وشخصیت ، ص ۷۴ .

۲- .جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۰۳ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۷ .

ص: ۱۹۱

۱ . دعا کردن به هنگام انعقاد نطفه

برای هدایت و سلامت جسمی و روانی فرزند و عدم پیدایش انحراف (از جمله انحراف جنسی) اوست. تأثیر دعا در بهبودی بیماری ها، رفع مشکلات و ارتقا و پیشرفت آدمی و... برای متدیّنین به ادیان الهی ، ثابت شده است . روان شناسان هم در تحقیقات انجام شده بسیاری ، به آثار درمانی دعا پی برده اند. در متون قرآنی و حدیثی ، بر دعا (بویژه دعا برای دیگران) بسیار تأکید شده و آثار مترتّب بر آن ، قطعی دانسته شده و حتی گفته شده که قضای الهی را تغییر می دهد . (۱) در متون حدیثی ، در خصوص دعای والدین برای هدایت و تربیت شایسته فرزند و عدم ابتلای وی به انحرافات شیطانی (و از جمله انحرافات جنسی) ، فراوان تأکید شده است. منظور این است که دعای والدین ، تأثیراتی را در ابعاد وجود فرزند می گذارد که زمینه سلامت روانی و جسمی وی را فراهم می گردد و از این که از مسیر طبیعی و انسانی و اخلاقی خارج شود و به انواع انحرافات و رفتارهای نابه هنجار جنسی روی آورد ، مصون می مانند. به نمونه هایی از احادیث که در موقعیت های ویژه ای دعا برای فرزند (به منظور حفظ وی از انحرافات شیطانی) ، مورد تأکید قرار گرفته ، اشاره می کنیم :

۱ . دعا کردن به هنگام انعقاد نطفهاز جمله موقعیت هایی که برای پیشگیری از انحرافات فرزند ، بدان توصیه شده، دعا کردن قبل از آمیزش ، به انگیزه بچه دارشدن است. ابو ربیع شامی می گوید : شبی نزد امام علیه السلام بودم که امام ، از حیله های شیطان و مشارکتش در اموال و جان های مردم گفت و آن را امری خطرناک شمرد تا حدّی که از آن ، وحشت کردم . پس گفتم : جانم به قربانت ! راه نجات از آن چیست و چه باید کرد؟ امام فرمود: إِذَا أَرَدتَ المُجَامَعَهَ فَقُل: بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَا هُوَ بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ، اللّهُمَّ إِن قَصَدتَ مِنِّی فِی هَذِهِ اللَّیلَهِ وَلَدا فَلَا تَجعَل لِلشَّیطَانِ فِیهِ نَصِیبا وَ لَا

.

۱- .ر. ک : الکافی ، ج ۲ ، ص ۴۶۹ ۴۷۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۴۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۲۲۸ ، ح ۶ .

ص: ۱۹۲

۲ . آکنده کردن فضا از ذکر خدا

۳ . آموزش دعا به کودک

شِرکا وَ لاـ حَظّا وَ اجعَلهُ عَبدا صَالِحا مُصفیا وَ ذُرِّیَّتَهُ جَلَّ ثَنَاؤُکَ . (۱) هنگامی که قصد آمیزش داری ، این دعا را بخوان: «به نام خداوند بخشنده و مهربان ؛ خدایی که جز او نیست . هم او که آسمان و زمین را آفرید . خداوندا ! اگر مقدّر کردی که در این شب ، فرزندی به من عطا کنی ، پس برای شیطان ، در او سهمی و بهره ای و مشارکتی قرار نده و او را بنده ای صالح و پاکیزه گردان و همین طور نسل او را صالح و به دور از انحراف قرار بده.

۲ . آکنده کردن فضا از ذکر خداعلاوه بر این که والدین ، پیش از انعقاد نطفه کودک باید از خداوند بخواهند که او را از انحرافات شیطانی مصون نگه دارد، پس از تولّد او هم باید فضا را از یاد خدا و اذان و اقامه پر کنند تا با تأثیر در کودک ، زمینه هدایت او فراهم شود و از شرّ شیطان ، مصونیت پیدا کند. سلیمان جعفری می گوید : شنیدم امام می گفت : أَذِّن فِی بَیتِکَ فَإِنَّهُ یَطرُدُ الشَّیطَانَ وَ یُستَحَبُّ مِن أَجلِ الصِّبیَانِ . (۲) در خانه ات اذان بگو ؛ زیرا که اذان (و ذکر خدا) شیطان را طرد می کند و خوب است که این کار ، حتما برای به خاطر کودکان انجام گیرد .

۳ . آموزش دعا به کودکآموزش دعا به کودک که در آن به صورت مستمر ، مصونیت ازشرور و از جمله شیطان و هواهای نفسانی ، از خدا خواسته می شود، توانمندی روانی مناسبی را برای کودک فراهم می سازد تا از انحرافات (و از جمله انحرافات جنسی) مصون بماند. به همین جهت ، امام رضا علیه السلام به آموزش «معوذتین» به کودکان و تمرین دادن عملی به آنها، توصیه کرده و فرموده است : مَا مِن أَحَدٍ فِی حَدِّ الصَّبِیِّ یَتَعَهَّدُ فِی کُلِّ لَیلَهٍ قِرَاءَهَ قُل أَعُوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ وَ قُل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ کُلَّ وَاحِدَهٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ مِائَهَ مَرَّهٍ فَإِن لَم یَقدَر فَخَمسِینَ إِلَا صَرَفَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنهُ کُلَّ لَمَمٍ أو عَرَضٍ مِن أَعرَاضِ الصِّبیَانِ وَ العُطَاشَ وَ

.

۱- .رجال الکشّی : ج۲ ص ۴۹۰ الرقم ۴۰۱ عن یونس بن عبدالرحمن ، بحار الأنوار : ج۲ ص ۲۵۰ ح۶۲ .

۲- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۳۰۸ ، ح ۳۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۵ ، ص ۴۱۳ .

ص: ۱۹۳

ج . شکوفاسازی فطرت

فَسَادَ المِعـدَهِ وَ بُدُورِ الدَّمِ أَبَدا مَا تُعُوهِدَ بِهَذَا حَتَّی یَبلُغَهُ الشَّیبُ فَإِن تَعَهَّدَ نَفسَهُ بِذَلِکَ أَو تُعُوهِدَ کانَ مَحفُوظَا إِلَی یَومِ یَقبِضُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَفسَهُ . (۱) فردی که از سنین کودکی ، هر شب ، سوره فلق و ناس را هر کدام سه بار بخواند و قل هو اللّه أحد را صد بار یا اگر نتواست ، پنجاه بار بخواند ، خداوند عزّوجلّ هر گرفتاری ای که بر کودکان وارد می شود یا بیماری ای مانند دل درد و... از او دور می کند تا وقتی که پیر می شود . پس اگر خود را به آن عادت بدهد یا خانواده او را عادت دهند تا روزی که فوت کند ، خداوند ، او را حفظ می کند.

ج شکوفاسازی فطرتپرورش و شکوفاسازی «فطرتِ خیریِ» کودک، باعث می گردد که وی از انحرافات فطری و گرایش به نابه هنجاری های اخلاقی و معنوی (و از جمله انحرافات جنسی) مصونیت پیدا کند. از این روست که در متون دینی ، بر وجود فطرت خیری کودک به هنگام تولّد و مسئولیت والدین در شکوفاسازی آن ، تأکید گردیده است. در آیات و روایات ، تصریح شده است که کودکان ، با فطرتی معنوی و خدایی متولّد می شوند و تمایل به خداپرستی از ابتدای تولّد ، با آنها وجود دارد. این ، والدین کودکان و یا عوامل محیطی دیگر هستند که چه بسا با تربیت نادرست ، آنها را از فطرت اوّلیه ، منحرف می کنند. خداوند متعال می فرماید : «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ . (۲) پس تو [ای رسول ! با آن تمایل به حق که سرشت وجودی تو و همه پیروان توست]روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است ، پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد. این است

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۶۲۳ ، ح ۱۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۲۲۸ .

۲- .سوره روم ، آیه ۳۰ .

ص: ۱۹۴

آیین استوار حق و لیکن بیشتر مردم ، از این حقیقت ، آگاه نیستند». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید : کُلُّ مَولُودٍ یُولَدَ عَلَی الفِطرَهِ ، وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ یُهَوِّدَانَهُ أو یُنَصِّرَانَه أو یُمَجِّسَانه . (۱) هر مولودی ، با فطرت خداگرایانه متولّد می شود ؛ ولی پدر و مادرش ممکن است که او را یهودی یا مسیحی یا مجوسی کنند. با توجّه به وجود فطرت الهی در درون کودک، کار والدین دلسوزی که می خواهند فرزندی صالح تربیت کنند ، خیلی راحت تر می شود . کافی است که شرایطی فراهم کنند تا این فطرت خیری و الهی ، شکوفا شود و بر عکس ، از عواملی که باعث انحراف و خاموشی می شوند ، دوری کنند. در مورد مسئول بودن والدین برای شکوفایی فطرت خیری و پیشگیری از انحرافات، امام سجّاد علیه السلام می فرماید : وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِکَ فَأَن تَعلَمَ أَنَّهُ مِنکَ، وَ مُضَافٌ إِلَیکَ فِی عَاجِلِ الدُّنیا بِخَیرِهِ وَ شَرِّهِ ، وَ أَنَّکَ مَسؤُولٌ عَمَّا وَلِّیتَهُ مِن حُسنِ الأَدَبِ وَ الدَّلالَهِ عَلَی رَبِّه عَزَّ وَ جَلَّ وَالمَعُونَهِ عَلَی طَاعَتِهِ، فَاعمَل فِی أَمرِهِ عَمَلَ مَن یَعلَمُ أَنَّهُ مُثابٌ عَلَی الإِحسَانِ إِلَیهِ، مُعَاقَبٌ عَلَی الإِسَاءَهِ إِلَیهِ . (۲) حقّ فرزندت بر توست که بدانی او جزئی از توست و بدی و خوبی او در دنیا ، به تو مرتبط است . و تو مسئول هستی تا او را خوب تربیت کنی و او را به صفات کمالی خداوند متعال ، هدایت نمایی و بر اطاعت پروردگارش یاری اش کنی. پس در این راه ، مانند کسی عمل کن که می داند بر این کارش پاداش می گیرد و اگر کوتاهی کند و کودکش منحرف گردد، عِقاب می شود. از جمله مسئولیت های والدین ، آموزش قرآن به کودک است، تا با انس با قرآن ، از فضایل و رذایل و انحرافات ، به اندازه خودش آگاه شود ، تمایل به خوبی ها در وی

.

۱- .عدّه الداعی ، ص ۳۱۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۳ ، ص ۲۸۱ ؛ کنز العمّال ، ج ۱ ، ص ۲۶۱ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۲ ، ص ۶۲۲ ، ح ۱۶۲۶ ؛ روضه الواعظین ، ص ۴۲۸ ؛ الخصال ، ص ۵۶۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۶ .

ص: ۱۹۵

تقویت گردد و از گرفتار شـدن در انحرافات (از جمله انحرافات جنسـی) حفظ شود . روشن است که آموزش قرآن و پرورش حس دینی در کودکان ، موجب پیشـگیری از ابتلای آنان به انحرافات در آینـده خواهـد شد و از عوامل مؤثّر بر کجروی های جنسـی ، بر حـذر خواهـد مانـد. به همین علّت ، پیـامبر صـلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السـلام والـدین را بـا ثواب های اخروی ، به اجرای این مسـئولیت تشویق کرده انـد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : مَـا مِن رَجُلٍ عَلَّمَ وَلَـدَهُ القُرآنَ إلَا تَوَّجَ اللّهُ أَبَوَیهِ یَومَ القِیَامَهِ بِتَاجِ المُلـکِ وَ کُسِـیَا حُلَّتِینِ لَم یَرَ النَّاسُ مِثلَهُمـا . (۱) هرکسـی به کودک خود قرآن یـاد دهـد ، خداونـد در روز قیامت ، بر سـر والـدین کودک ، تاج پادشاهی قرار می دهد و لباسی بر تن آنها می کند که کسی مانند آن را ندیده است. ایشان در حدیث دیگری نیز می فرماید : أَدِّبُوا أَولَادَکُم ثَلَاثَ خِصَالٍ: حُبَّ نَبِیِّکُم ، وَ حُبَّ أَهلِ بَیتِهِ، وَ قِراءَهَ القُرآنِ، فَإِنَّ حَمَلَهَ القُرآنِ فِی ظِلِّ اللّهِ یَومَ لا ظِلَّ إلَا ظِلِّهِ مَعَ أَنبِیَائِهِ وَ أَصفِیَائِهِ . (۲) به کودکان تان سه ویژگی را آموزش دهید : دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله ، اهل بیت علیهم السلام و خواندن قرآن ؛ چرا که آشـنایان قرآن ، همراه با پیامبران و اولیایش زیر سایه خداوند خواهند بود ؛ آن روزی که هیچ سایه ای جز سایه خدا نیست. امام علی علیه السـلام نیز در این زمینه می فرماید : إنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیَهُمُّ بِعَذَابِ أَهلِ الأَرضِ جَمِیعا حَتَّی لا یُحَاشِـیَ مِنهُم أَحَـدا إذَا عَمِلُـوا بِالمَعَاصِـی، وَ اجـتَرَحُوا السَّیِّئَـاتِ، فَـإِذَا نَظَرَ إلَی الشَّیبِ نَـاقِلِی أَقـدَامِهِم إلَی الصَّلَوَاتِ وَ الولِـدَانِ یَتَعَلَّمُونَ القُرآنَ رَحِمَهُم وَ أَخَّر عَنهُم ذَلِـکَ . (۳) هنگـامی که اهـل زمین به گناهان روی می آورنـد ، خداونـد عزّوجلّ بر آنها خشم می گیرد و می خواهد آنها را عذاب کند ، طوری که حتّی یکی از آنها را هم باقی نگذارد ؛ امّا اگر پیرمردانی را که کشان کشان به سوی نماز می روند وکودکانی را که

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۱۶۸ ؛ کنز العمّال ، ج ۱ ، ص ۵۴۰ .

۲- .الجامع الصغیر ، ج ۱ ، ص ۵۱ ، ح ۳۱۱ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۴۵۶ ، ح ۴۵۴۰۹ .

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۲۳۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۳ ، ص ۳۸۲ .

ص: ۱۹۶

د . زمینه سازی ادب نیکو

قرآن فرا می گیرنـد ، ببینـد آنهـا را رحم می کنـد و عـذاب را به تأخیر می انـدازد. با توجّه به اهمّیتی که این احادیث برای آموزش قرآن در دوران کودکی بیان کردنـد، ضـروری است که والـدین ، در انجام دادن این امر مهم ، کوشـش کنند تا کودکان ، بر اساس فطرتِ خیری ، هـدایت شونـد و از کجروی هـا و نـابه هنجاری ها (و از جمله نابه هنجاری های جنسـی) مصون بماننـد. این هـدف ، هنگـامی تـأمین می شود که سـخت گیری های نابه جا و محـدودیت ها و تحمیل های بی مورد برای کودکان ، به اجرا درنیایـد و به اندازه توانشان از آنان انتظار رود تا به صورت طبیعی ، به خوبی ها متمایل و از انحرافات و زشتی ها برحذر گردند.

د زمینه سـازی ادب نیکواز شـیوه های تربیت جنسـی غیر مسـتقیم کودکان، تأدیب و فراهم سازی «ادب نیکو» برای آنهاست. اگرچه تـأدیب کودکـان از نظر تربیتی، امری عـام است ، ولی از این جهت بـا تربیت جنسـی ، ارتباط پیـدا می کنـد که ادب ، کودک را از آلوده شـدن به پستی ها ، انواع انحرافات جنسـی، رفتارهای نامطلوب با جنس مخالف و از بی احترامی به او و نگاه شـهوتی به جنس مخـالف و ... بـاز می دارد . به همین جهت است که در متون حـدیثی، به تـأدیب کودکان ، بر اساس ادب نیکوی اسـلامی ، توجّه و توصیه شده است. ۱

.

ص: ۱۹۷

از سوی دیگر، بـا آموزش ادب نیکو، کودکـان ، روابـط خودشـان را (بویژه بـا جنس مخـالف) ، سـالم و مطلوب می سازنـد و زمینه پیوند آنها در بزرگ سالی ، به صورت حسنه، فراهم می گردد. اثر روان شناختی ادب در دوران کودکی ، این است که کودک ، به ارزش، عزّت و زیبایی رفتارهای به هنجار ، اذعان پیـدا می کند ، احساس تمایل به آنها رشد می یابد ، هر رفتار نابه هنجار (از جمله نـابه هنجـار جنسـی) را زشت و پست می دانـد و از آن ، تنفّر پیـدا می کنـد و یا لااقل از آن گریزان می گردد. از این رو ، امام علی علیه السـلام می فرمایـد : أَفضَلُ الأَدَبِ أَن یَقِفَ الإِنسَانُ عِندَ حَدِّهِ وَ لَا یَتَعَدَّی قَدَرَهُ . (۱) والاترین ادب ، این است که انسان ، حـدود خود را رعایت کنـد و از آن تجاوز نکند. هر چند مراد حدیث ، عام است ، ولی یکی از مصادیق آن می تواند مسائل جنسـی باشد . همچنین آن حضرت می فرماید : أَحسَنُ الآدَابِ مَا کَفَّکَ عَنِ المَحَارِمِ . (۲) بهترینِ ادب ها ، ادبی است که تو را از زشتی ها و آنچه حرام است ، بـاز دارد. روشن است که یکی از حوزه هـای حرام ، «حرام جنسـی» است . امـام علی علیه السـلام در کلام دیگری ، به صورت روشن تر فرموده است : ضَبطُ النَّفسِ عِندَ الرَّغبِ وَ الرَّهبِ مِن أَفضَلِ الأَدَبِ . (۳) کنترل خود ، هنگـام شـادی و ترس ، از بهترین انواع ادب است. منظور ، این است که در رونـد تربیت (بویژه تربیت جنسـی) بایـد قـدرت کنترل کودک را افزایش داد تـا به هنگام غم و شادی زیاد یا ترس و خشم و ناراحتی مفرط ، کنترل خود را از دست ندهـد و رفتار و گفتاری از او سـر نزنـد که بعـدها موجب شرمندگی وی شود. از احادیث یاد شده و مجموعه احادیثی که در زمینه ادب (بویژه ادب کودک) ، در

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۴۴۶ ، ح ۳۲۴۱ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ ، ح ۳۹۰ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۴۶۲ ، ح ۳۲۹۸ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ ، ح ۳۹۱ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۲۳۴ ، ح ۵۹۳۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ ، ح ۳۹۳ .

ص: ۱۹۸

زمینه های روان شناختی تأدیب کودک

منابع حدیثی وجود دارد ، به دست می آید که وظیفه والدین است که کودک را با آداب و اخلاق اسلامی و از جمله آداب و اخلاق جنسی مربوط به دوره کودکی، آشنا سازند ، آموزش های لازم را بدهند و مهارت های اخلاقی در ارتباط با جنس مخالفش را بر اساس آموزه های دینی ، به وی منتقل کنند .

زمینه های روان شناختی تأدیب کودکتأدیب کودک ، به گونه ای که وی را در برابر انحرافات (بویژه انحرافات جنسی) بیمه سازد، مشروط به فراهم سازی زمینه های روان شناختی تأدیب نیکوست این زمینه ها عبارت اند از : یک . ادب آموزی باید با ویژگی های روانی کودک در مقاطع رشدش ، متناسب و هماهنگ باشد. در متون حدیثی برای کودک ، دو دوره «سیادت» و «بندگی» به عنوان ویژگی های روانی هفت سال اوّل و هفت سال دوم، مطرح شده است . در این روایات ، تأکید گردیده که تأدیب و اثربخشی تربیتی والدین بر کودک ، باید تدریجی و متناسب با ویژگی خاص هر دوره باشد وگر نه ، تضمینی بر عدم انحراف وجود ندارد. در مورد لزوم ادب آموزی تدریجی و متناسب با ویژگی های روانی شخصیتی کودک ، در دوره های مختلف ، احادیث فراوانی در دست است و چون تقریباً همه آنها دارای یک مضمون اند ، لذا در ادامه ، به یک نمونه از آنها بسنده می کنیم : پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : الوَلَدُ سَیِّدٌ سَبعَ سِنِینَ، وَ عَبدٌ سَبعَ سِنِینَ وَ وَزیرٌ سَبعَ سِنِینَ فَإِن رَضِیتَ خَلائِقَهُ لِإِحدَی وَ عِشرِینَ سَنَهً ، وَ إِلَّا ضُرِبَ عَلَی جَنبَیهِ فَقَد أعذَرتَ إِلَی اللّهِ . (۱) کودک ، تا هفت سال ، سرور و مطاع است (که باید خواسته های معقولش برآورده شود) ، و هفت سال (از هفت سالگی تا چهارده سالگی) بنده و گوش به فرمان است (که فراگیری و پذیرش روانی اش نسبت به آداب نیکو، خوب است)، و هفت سال (از چهارده سالگی تا ۲۱ سالگی) وزیر است (که در درک مسائل و تحلیل آنها توانا است) . پس اگر در این دوره ها تأثیر رضایت بخشی در او گذاشتی و وی با

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ، ۱۹۵ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۳۲۲ .

ص: ۱۹۹

تـأدّب به آداب نیکو ، به ۲۱ سـالگی قـدم نهـاد، او دیگر منحرف نمی شود و اگر با انجام دادن وظیفه ، نتوانستی تأثیرات مطلوبی بر وی بگذاری ، وظیفه خود را انجام داده ای و در پیشگاه خداوند متعال ، عذر داری. دو . با توجّه به موقعیت روانی کودک، در ادب آموزی و بیمه سازی از انحرافات، نباید با تندی، عصـبانیت، پرخاشگری و تنبیه بدنی، با وی برخورد کرد . و در شرایط استثنایی، نیز قهر با کودک ، در صورتی که طولانی نشود ، ممکن است مؤثّر باشـد. امام کاظم علیه السـلام با توجّه به عوارض منفی تنبیه بدنی و قهر طولانی با کودک و انحرافاتی را که موجب می شود ، در مورد فردی که از بی ادبی های فرزندش به پیش آن حضرت شکایت می کند ، می فرماید : لا تَضرِبهُ وَ اهجُرهُ وَ لَا تُطِل . (۱) او را نزن . با او قهر کن ؛ امّا قهرت نیز طولانی نباشد. همچنین امام علی علیه السـلام بـا توجّه به اثرات منفی خشم و ملامت زیاد بر کودک، اولیا را از این نوع برخورد (به انگیزه تأدیب) بر حـذر می دارد و می فرمایـد : أَحسِن لِلمَمَالِیکِ الأَدَبَ و أَقلِل الغَضَبَ، وَ لَا تُکثِرِ العَتَبَ فِی غَیرِ ذَنبٍ، فَإِذَا استَحَقَّ أَحَدٌ مِنهُم ذَنباً ، فَأَحسِن العَدلَ فَإِنَّ العَفوَ مَعَ العَدلِ أَشَدُّ مِنَ الضَّربِ لِمَن کَانَ لَهُ عَقلٌ . (۲) بـا کودکـان ، تربیت شایسته را به کـار بگیر و از خشم بسـیار بپرهیز، و در مورد کودکی که گناهی انجام نداده، از سـرزنش زیاد خودداری کن، و اگر کودکی در موقعیتی است که گناهی کرده است ، مورد عفو قرار گرفتن عادلانه، از کتک خوردن برایش سـخت تر است (یعنی اگر اهل خرد و تمیز باشـد، از مورد عفو قرار گرفتن ، بیشتر متنبّه می شود تـا کتـک خوردن) . پیامبر صـلی الله علیه و آله با توجّه به این که خشم، موقعیت روانی نامناسبی را برای کودک پدیـد می آورد ، اولیا را از خشم نسبت به کودکان ، برحذر می دارد و ادب کردن با خشم را

.

۱- .عدّه الداعی ، ص ۶۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۹ ، ح ۷۴ .

۲- .تحف العقول ، ص ۸۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۷ ، ص ۲۱۶ ، ح ۱ .

ص: ۲۰۰

نادرست می داند . (۱) امام علی علیه السلام نیز معتقد است که به هنگام عصبانیت و خشم ، ادب نیکو ، تحقّق نمی یابد . (۲) سه . آدمی ، به صورت طبیعی ، دوست دارد که مورد توجّه دیگران قرار گیرد و کارهایش را تحسین کنند . رعایت این حالات روانی عاطفی ، به هنگام تأدیب کودک، اثر ویژه ای دارد و وی را از انحراف به سوی رفتارهای نابه هنجار ، باز می دارد. از عوامل مؤثّر در این زمینه ، تشویق به رفتارهای خوب و شایسته است. تشویق ، به دو صورت انجام می شود : ۱ . تشویق رفتارهای درست کودک ؛ ۲ . تشویق رفتارهای درست کودکی دیگر . هنگامی که کودک می بیند رفتارش مورد توجّه و تشویق قرار گرفته ، احتمال تکرار آن ، بیشتر است. از طرف دیگر ، اگر کودک ، عمل مورد نظر ما را انجام نمی دهد ، می توانیم کودک دیگری را که این عمل از او سر زده، تشویق کنیم تا الگویی برای کودک ما باشد. در روایات ، هر دو روش ، توصیه شده است و یادآوری شده که در امر تأدیب کودک ، تشویق رفتارهای نیکو ، بیش از نکوهش رفتارهای نادرست ، مؤثّر است ؛ اگر می خواهیم رفتار نادرستی را سرزنش کنیم ، بهتر است که به جای سرزنش مستقیم او ، رفتار نیکویی که مقابل رفتار اوست ، انجام دهیم تا مایه تنبّه او شود. امام علی علیه السلام می فرماید : ازجُرِ المُسِی ءِ بِثَوَابِ المُحسِنِ . (۳) با پاداش دادن به فرد درست کردار، فرد گناه کار را از عمل خود باز دار . امیر المؤمنین علیه السلام در مورد تشویق رفتارهای نیکو ، در عهدنامه خود به مالک اشتر می فرماید : لا یَکُونَنَّ المُحسِنُ وَ المُسِی ءُ عِندَکَ بِمَنزِلَهٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِی ذَلِکَ تَزهِیدا لِأَهلِ

.

۱- .ر. ک : المحاسن ، ج ۱ ، ص ۲۷۴ ؛ الکافی ، ج ۷ ، ص ۲۶۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۱۰۲ .

۲- .ر. ک : غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۳۶۰ ، ح ۱۰۵۲۹ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۱۰۴ ، ح ۴۱۱ .

۳- .شرح نهج البلاغه ، ج ۱۸ ، ص ۴۱۰ ، حکمت ۱۷۷ .

ص: ۲۰۱

ه . آموزش اعمال دینی

الإِحسَانِ فِی الإِحسَانِ وَ تَدرِیبا لِأَهلِ الإِسَاءَهِ عَلَی الإِسَاءَهِ. وَأَلزِم کُلًّا مِنهُم مَا أَلزَمَ نَفسَهُ . (۱) انسان نیکوکار و بدکار نباید جایگاه یکسانی نزد تو داشته باشند ؛ زیرا این کار ، باعث می شود که انسان نیکوکار از کردار نیک خود ، پشیمان شود و آن را تکرار نکند و بدکار ، بر کار خود تشویق شود ؛ بلکه ادبْ حکم می کند که با هر کدام رفتاری مناسب رفتار او داشته باشی . توجّه یکسان ، به فردی که نیکوکار است و فردی که بدکار است ، باعث سردرگمی می شود و تأثیر بد آن ، بر فرد نیکوکار وارد می شود ؛ زیرا وقتی می بیند فرقی بین او و فرد بدکار نیست، از انجام دادن عمل نیک ، منصرف می شود. لذا باید فرد نیکوکار تشویق شود و فرد بدکار ، مورد بی توجّهی قرار گیرد تا اوّلی بر کار خود تشویق شود و دومی ، شرمنده و پشیمان. در علم روان شناسی نیز در این موضوع ، نظریات گوناگونی مطرح شده است ، از جمله ، نظریاتی که در مکتب رفتارگرایی با تأکید بر تشویق و تنبیه در امر یادگیری کودک ، معرفی شده است. لیکن این نظریات ، نسبت به روایاتی که در این قسمت مطرح شد ، بسیار ابتدایی اند ؛ چرا که نظریه پردازان این مکتب ، فقط به تشویق و تنبیه یادگیرنده ، متمرکز شده اند و آن را مؤثّر قلمداد می کنند ؛ امّا در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بر تشویق رفتارهای درست کودکی دیگر ، به عنوان روشی برای تأدیب کودک خطاکار ، تأکید شده است . این ، نکته ای است که از یک سو ، نشانگر روش های تربیتی پیشرفته در اسلامِ چهارده قرن پیش است و از سوی دیگر ، توجّه عالمانه پژوهشگران و نظریه پردازان مسلمان را می طلبد.

ه آموزش اعمال دینیاز روش های غیر مستقیم تربیت جنسی ، «آموزش اعمال دینی» به کودکان است. آشنایی با اعمال دینی و انتظاراتی که خداوند و اولیای الهی از کودک دارند، باعث می شود که کودک ، شخصیتی متعهّد و علاقه مند به راهنمایی ها و قوانین خداوند

.

۱- .نهج البلاغه ، دشتی ، نامه ۵۲ ۵۳ .

ص: ۲۰۲

بیابـد ، از مسـیر هـدایت فطری، اخلاقی و الهی ، منحرف نگردد ، به انجام دادن رفتارهای نابه هنجار جنسـی روی نیاورد و نسـبت به آنها حیا نماید و حساسیت نشان دهد. به دلیل این پیامدهای مطلوب است که در روایات فراوانی ، پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش کرده اند که والدین از شش سالگی باید اعمال دینی را به کودکان آموزش دهند و آنها را به نماز خواندن تشویق کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله والـدینی که کودکان خود را به اعمال خوب و عبادت تشویق نمی کننـد ، و یا از رفتارهای نامطلوب، نهی نمی کنند ، شدیداً سرزنش می کند . روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به بعضی از کودکان نگاه می کرد . رفتار آنها حکایت از عدم آشنایی به آداب و احکام دینی بود ، به همین دلیل ، برای توجّه دادن اولیای کودکان فرمود : «وای بر فرزنـدان آخر الزمان از دست پـدرانشان !» . یکی از اصـحاب گفت: ای رسول خـدا ! از دست پـدران مشـرکشان؟ پیامبر فرمود : «نه ! بلکه از دست پدران مؤمنشان، که هیچ چیز از فرائض و احکام الهی را به آنها نمی آموزند و حتّی ممکن است اگر کودکان ، خودشان یاد بگیرند ؛ ولی والدین ، مانع آنها شوند. این والدین ، به اندک کارهای دنیوی از ناحیه کودکان، راضی می شوند و هیچ توجّهی به اخلاق و معنویت آ نها نمی کنند. من از اینها بیزارم و آنها از من بیزار!» . (۱) این حدیث ، هشداری است از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به والدین مسلمان مؤمن ، که ادّعـای پیروی از پیامبر صـلی الله علیه و آله را دارنـد . والـدین نبایـد از روی شـفقت و مهربانی بی جا، کودکان خود را از انجام دادن فرائض منع کنند و یا اعمال دینی را به کودکان یاد ندهند. بنا بر این ، والدین موظّف اند از سـنّی که پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین فرموده ، کودکـان خود را به انجـام دادن اعمال دینی ، تشویق کننـد : إِنَّا نَأمُرُ صِبیَانَنَا بِالصَّلاهِ إِذَا کَانُوا بَنِی خَمسِ سِنِینَ فَمُرُوا صِبیَانَکُم بِالصَّلَاهِ إِذَا کَانُوا

.

۱- .جامع الأخبار ، ص ۱۰۶ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۴ ، ح ۱۷۸۷۱ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۰۸ .

ص: ۲۰۳

و . پرورش فضایل اخلاقی

۱ . حیا

اشاره

بَنِی سَبع سِنِینَ وَ نَحنُ نَأمُرُ صِبیَانَنَا بِالصُّوم إِذَا کَانُوا بَنِی سَبعِ سِنِینَ بِمَا أَطَاقُوا مِن صِیَامِ الیَومِ إِن کَانَ إِلَی نِصفِ النَّهارِ أو أکثَرَ مِن ذَلِکَ أو أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ العَطَشُ وَ الغَرَثُ أفطَرُوا حَتَّی یَتَعَوَّدُوا الصُّومَ وَ یُطِیقُوهُ فَمُرُوا صِبیَانَکُم إِذَا کَانُوا بَنِی تِسعِ سِنِینَ بِالصُّومِ مَا استَطَاعُوا مِن صِیَامِ الیَومِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ العَطَشُ أفطَرُوا . (۱) ما از کودکانمان می خواهیم که نماز بخوانند ، وقتی به پنج سالگی رسیدند. شما وقتی کودکانتان به هفت سالگی رسیدند از آنها بخواهید که نماز بخوانند . ما به فرزندانمان دستور می دهیم که از هفت سالگی تا هر وقت از روز که طاقت می آورند ، روزه بگیرند . گاهی تا نصف روز می شود ، گاهی بیشتر یا کمتر . پس وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنها فشار می آورد، می خورند تا بر روزه گرفتن ، عادت کنند و طاقت بیاورند ؛ امّا شما کودکانتان خود را از نه سالگی به روزه گرفتن وادار کنید تا هر وقت که می توانند ، روزه باشند و اگر تشنگی به آنها فشار آورد ، افطار کنند. در خصوص این مسئله ، روایات دیگری هم وجود دارد که در جای خود باید به آنها پرداخت . آنچه مهم است این که با این روش ، فضای معنوی بر فرزند حاکم می شود و او را از انحرافات ، دور می سازد .

و پرورش فضایل اخلاقییکی از بهترین راه های غیر مستقیم تربیت جنسی، آموزش فضایل اخلاقی و پرورش آن در روح و روان اوست تا از این طریق ، این فضایل ، با شخصیت او عجین شود ؛ زیرا انسانی که از نوجوانی ، با فضایل اخلاقی رشد کند ، در برابر رذایل اخلاقی ، به خوبی مقاومت می کند. فضایلی که با بحث تربیت جنسی ، در ارتباط اند و پرورش آنها در حفظ نوجوان از انحرافات و بی بندوباری اهمیت دارد ، عبارت اند از : حیا، عفّت و غیرت.

۱ . حیایکی از فضایل اخلاقی بسیار مهمی که در بعضی روایات، هم ردیف با دین معرفی

.

۱- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۴۰۹ ، ح ۵۴۳۲ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۲۸۰ .

ص: ۲۰۴

شـده ، «حیا» است. پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : الحَیَاءُ هُوَ الـدِّینُ کُلُّهُ . (۱) حیـا ، تمام دین است. از امام علی علیه السـلام روایت شده که فرمود : الحَیَاءُ مِفتَاحُ کُلِّ خَیرٍ . (۲) حیا ، مایه گشایش هر خیر و نیکی است. علّت این که حیا را «تمام دین» یا «کلید هر نیکی» معرفی کرده اند ، این است که محدوده وسیعی را دربر می گیرد و انسان را از ارتکاب هر عمل زشت و ناپسندی ، باز می دارد که یکی از آنهـا روابـط شـهوانی خـارج از محـدوده شـرع است. اوّلین چیزی که فهم آن برای فرد، آشـکار می شود، حیاست. خداونـد ، حیـا را در انسـان قرار داده تـا از زشتی هایی که نفس، انسان را به آن سوی می کشانـد و ماننـد حیوان می کنـد، بر حـذر بدارد . حیا ، مرکّب از ترس و عفّت است و عفّت و فسق ، با هم در یک شـخص ، جمع نمی شوند ؛ امّا خجالت ، خصـلتی است که به خاطر افراط در حیا ، در فرد به وجود می آید . روان شـناسان تربیت جنسـی ، ضـمن تأکید بر تربیت جنسی در محیط خانواده ، از طریق ایجاد حیا در دختران و پسـران ، در مورد اهمیت پرورش این خصـلت در فرزنـدان می نویسـند: حیا ، ویژگی مهمّی از سـیمای اخلاقی انسـان و مهارت نگهـداری خویشـتن در اجتماع ، به صورت شایسـته و تواضع و خودداری و تحمّل است. حیا ، پایه عفّت و پاک دامنی است. حیا در گفتار و رفتار و کردار و در طرز لباس پوشیدن انسان ظاهر می شود. پرورش این ویژگی مهم را باید خیلی پیش تر شـروع کرد. برای این منظور ، لازم است که شـرایط مساعدی را در خانواده به وجود آورد. با تشـکیل صـفت حیا ، احساس عمیق احترام و عفّت در برخورد با جنس مخالف ، آغاز می گردد. حیا، باقی مانـده بربریت نیست ؛ بلکه پر از ارزش و تمـدّن است. (۳)

.

۱- .میزان الحکمه ، ج ۳ ، ص ۱۳۵۴ ، ح ۴۵۶۷ ؛ کنز العمّال ، ج ۳ ، ص ۱۱۹ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۱ ، ص ۹۳ ، ح ۳۴۰ ؛ میزان الحکمه ، ج ۳ ، ص ۱۳۵۲ ، ح ۴۵۴۶ .

۳- .برای آگاهی بیشتر از مفهوم حیا ، ر. ک : پژوهشی در فرهنگ حیا ، عبّاس پسندیده ، قم : دار الحدیث ، ۱۳۸۳ .

ص: ۲۰۵

یک . الگودهی عملی والدین

دو . تبیین پیامدهای حیا

با توجّه به اهمیت حیا و ضرورت رشد آن در تربیت جنسی ، به شیوه های پرورش آن می پردازیم:

یک الگودهی عملی والدینفرزند ، آموزه های اخلاقی را از رفتار والدین خود می آموزد ؛ زیرا سعی می نماید با تقلید رفتار بزرگ ترها، با آنها همسان سازی کند و خود را به شکل آنان درآورد. الگودهی عملی والدین از حیا و رفتارهای اخلاقی هماهنگ با آن ، زمینه رشد حیا را در نوجوان افزایش می دهد. از این رو ، لازم است که والدین ، نه تنها از ظاهر شدن در برابر نوجوانان ، با لباس نازک یا نیمه عریان بپرهیزند و از شوخی ها و خنده های سبک و مخالف با عزّت و حیا ، در برابر نامحرمان خودداری کنند، بلکه عملکرد آنها، الگوی حسنه از متانت، بزرگ منشی و حیا برای آنها باشد.

دو تبیین پیامدهای حیاوالدین ، خود ، الگوی عملی حیا هستند و آن را با عمل خود ترویج می کنند . تبیین حکمت های این نوع از عملکرد و پیامدهای آن برای نوجوان تشنه فضیلت و حقیقت ، در اخلاق و رفتار وی بسیار مؤثّر خواهد بود. والدین باید به بیان اهمیت و نتایج ارزشمند آن بپردازند. در احادیث معصومان علیهم السلام به این شیوه ، توجّه شده است . امام علی علیه السلام می فرماید : الحَیاءُ یَصُدُّ عَنِ الفِعلِ القَبیحِ . (۱) حیا ، انسان را از انجام دادن کارهای زشت ، باز می دارد. هدف حیا ، این است که انسان توانمندی پیدا کند که خودش از انجام دادن کارهای زشت ، بازداشته شود و از این که بخواهد عمل قبیح را مرتکب شود ، شرم نماید. از این روست که در کلام دیگری از امام علیه السلام «ورع» با «حیا» پیوند داده می شود و

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۳۰۱ ؛ میزان الحکمه ، ج ۳ ، ص ۱۳۵۴ ، ح ۴۵۵۶ .

ص: ۲۰۶

سه . اظهار انزجار از عمل قبیح

می فرماید : مِن أَفضَلِ الوَرَعِ أن لا تُبدِی فِی خَلوَتِکَ مَا تَستَحِی مِن إِظهَارِهِ فِی عَلَانِیَتِکَ . (۱) بهترین نوع پرهیزکاری ، آن است که در خلوت خود نیز عملی را که از آشکار کردن آن شرم داری ، انجام ندهی . پیامبر صلی الله علیه و آله با توجّه به این که یکی از نتایج مهم حیا ، افزایش باور و معرفت یقینی فرد است ، می فرماید : استَحی مِنَ اللّهِ استِحیَاءَکَ مِن صَالِحِی جِیرَانِکَ فَإِنَّ فِیهَا زِیَادَهَ الیَقِینِ . (۲) همان طور که از همسایگان نزدیک خود حیا می کنی، از خدا نیز حیا کن ؛ زیرا که باعث افزایش باور و یقین تو می گردد. از آن جا که حیا از خداوند آثار گران سنگی به همراه دارد ، امام علی علیه السلام می فرماید : أَفضَلُ الحَیَاءِ استَحیَاؤُکَ مِنَ اللّهِ . (۳) بهترین و با برکت ترین حیا، این است که از خدوانـد ، حیا کنی. حیا از خداوند ، همیشه و در همه حال ، با فرد است و اثر بازدارندگی از زشتی را برای فرد ، به دنبال دارد. والدین باید با تشریح اهمیت و آثار حیا (همان طور که نمونه هایی از آن احادیث نقل گردید) آن را در نوجوان خویش درونی کنند تا در برابر انحرافات جنسی نیز مصونیت یابد.

سه اظهار انزجار از عمل قبیحابراز ناراحتی والدین از رفتارهای زشت ، نوجوان را تحت تأثیر قرار می دهد و او را به پرهیز از انجام دادن آنها می کشاند. از این رو ، لازم است هنگامی که نوجوان ، مرتکب عملی قبیح شد، والدین ، به روی او لبخند نزنند، یا حتّی سکوت نکنند که از تأیید یا بی تفاوتی آنها ، نوجوان ، تصوّر می نماید که عمل خوبی از او سر زده و یا کار خیلی زشتی از وی سر نزده ؛ بلکه باید از انجام دادن آن عمل ، اظهار تنفّر و انزجار

.

۱- .مقاییس اللغه : ج۲ ص ۳۰۳ .

۲- .راجع : العین : ص ۲۷۴ ، صحاح اللغه : ج ۶ ص ۲۳۴۱ ، مفردات الراغب : ص ۳۱۸ ، القاموس المحیط : ج ۴ ص ۳۲۹ ، تاج العروس : ج ۱۹ ص ۴۱۷ ، لسان العرب : ج ۱۴ ص ۲۷۱ ، مجمع البحرین : ج ۱ ص ۶۱۳ ، المنجد : ص ۲۲۶ .

۳- .میزان الحکمه ، ج ۳ ، ص ۱۳۵۹ ، ح ۴۶۰۱ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۷۲ .

ص: ۲۰۷

۲ . عفّت

نمایند تا نوجوان ، متوجّه قُبح عمل خود بشود. البته این ، عمل ظریفی است و والدین باید متوجّه افراط و تفریط در آن باشند ؛ زیرا گاهی افراط در آن ، باعث ایجاد حیای نامطلوب می شود و حتّی انسان ، از انجام دادن اعمال درست خود هم شرم می کند . مثلاً والدین برای ایجاد خصلت حیا در دختران خود ، ممکن است افراط کنند و حضور در برابر مردان را نوعی گناه بدانند . این محدودیت ها پیامدهای وخیمی دارند : باعث می شوند که نوجوان ، راه افراط و یا تفریط را برود ، به علّت فشارهای وارده ، سعی نماید که از هر فرصتی برای خودنمایی در برابر مردان استفاده کند و دچار سرد مزاجی شود و با شوهر خود نیز نتواند در خلوت ، روابط مطلوبی داشته باشد. بهتر است که والدین ، به جای این که به دختر خود بگویند : تو نباید در حضور مردان ظاهر شوی و آن جا مرد هست، تو نمی توانی بروی، بگویند : در حضور مردان نامحرم باید با حجاب باشی ؛ زیرا خداوند ، این را دوست دارد و با ضوابط، آداب اجتماعی، فرهنگی و شخصیت انسانی ، هماهنگ است.

۲ . عفّتدومین فضیلت اخلاقی ای که با تربیت جنسی ارتباط دارد و والدین باید آن را در نوجوان خود پرورش دهند، «عفّت» است. عفّت (پاکدامنی) حالت نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت باز می دارد و عفیف ، یعنی خودنگهدار و با مناعت. (۱) در تعریف تعفّف گفته شده : التَّعفُّفُ هُوَ الکَفُّ عَنِ الحَرامِ وَ السُّؤَالِ مِنَ النَّاسِ . (۲) عفیف بودن ، یعنی خودداری از حرام و درخواست کردن از مردم . عفّت در آیات و روایات ، به معنای خودداری از درخواست از مردم آمده است. خداوند متعال می فرماید : «یَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِیَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ . (۳)

.

۱- .قاموس قرآن ، ج ۵ ، ص ۱۸ ۱۹ .

۲- .وردت کلمه «الدنیا» فی القرآن الکریم بمعنی الحیاه قبل الموت مئه وإحدی عشره مرّه ؛ تسع وستون آمنها جاءت مقترنه بلفظ «الحیاه» .

۳- .الروم : ۷ .

ص: ۲۰۸

انسانی که از فقر فرد عفیف خبر نـدارد ، از شـدّت عفیف بودنش ، تصوّر می کنـد که او ثروتمنـد است». همین طور عفّت از بطن ، که گاه در کنار عفّت از شـهوات جنسـی در احادیث آمده است. امام باقر علیه السـلام می فرماید : مَا عُبِدَ اللّهُ بِشَی ءٍ أَفضَلَ مِن عِفَّهِ بَطنٍ وَ فَرجٍ . (۱) خداوند به چیزی برتر از خویشـتنداریِ شـکم و دامن، بندگی نشده است. ولی در بیشتر موارد استعمال این واژه در قرآن ، به معنای خویشتنداری از شهوت و رفتارهای جنسی نابه هنجار آمده است، مانند : «وَ أَن یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَّهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ . (۲) و اگر زنان سالخورده ، در مورد ظاهر شـدن بدون حجاب ، عفت نگه دارند ، برای آنها بهتر است و خداوند ، شـنوا و داناست». و یـا این آیه : «وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لَا یَجِدُونَ نِکَاحًا حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ» . (۳) و آنهایی که توان ازدواج را ندارنـد بایـد عفّت پیشه کننـد و شـهوت خود را کنترل نماینـد تا وقتی که خداونـد ، از فضل بی کران خود، آنها را از نظر مادی بی نیاز کند». در بیشتر روایات نیز، عفّت ، به معنای «ترک محرّمات جنسـی» آمده است و به کسـی عفیف می گویند که پاک دامن باشد. به نمونه هایی از این احادیث اشاره می شود: امام علی علیه السـلام می فرماید : العِفَّهُ تُضعِفُ الشَّهوَهَ . (۴) خودکنترلی جنسی ، شهوت را ضعیف می کند.

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۷۱ ، ص ۸۲ ؛ النهایه فی غریب الحدیث ، ج ۳ ، ص ۲۶۴ .

۲- .سوره بقره ، آیه ۲۷۳ .

۳- .القصص : ۷۰ ، وراجع : اللّیل : ۱۳ ، الضحی : ۴ .

۴- .الأعراف : ۱۶۹ .

ص: ۲۰۹

نیز می فرماید : أَهلُ العِفَافِ أَشرَفُ الأَشرَافِ . (۱) خویشتنداران جنسی ، با شرافت ترین افراد شریف هستند. هم او در حدیث دیگری می فرماید : العِفَافُ یَصُونُ النَّفسَ وَ یُنَزِّهُهَا عَنِ الدُّنَایَا . (۲) خودنگهداری از غلبه شهوت ، باعث مصونیت نفس می شود و او را از وابستگی به زینت های دنیوی ، پیراسته می سازد. برای ایجاد پاک دامنی در مقطع نوجوانی باید به راه کارهای زیر توجّه شود : ۱ . نمایش عفّت در عمل ، به عنوان یکی از مهمترین روش های پرورش عفّت در نوجوان ، بدین صورت است که والدین، اقوام و بزرگ ترها ، عفّت را در عمل خودشان آشکار سازند و نوجوان ، از خودکنترلی و خویشتنداری آنان در برابر امور شهوی و جنسی ، «الگوگیری» نماید. امام صادق علیه السلام می فرماید : عِفُّوا عَن نِسَاءِ النَّاسِ تَعِفَّ نَسَاؤُکُم . (۳) در برخورد با زنان مردم ، عفیف باشید ، زنان و دختران شما هم پاک دامن می شوند. این حدیث ، ناظر بر این امر است که پدری عفیف که به دنبال شهوت رانی و توجّه به زنان نامحرم نیست، زن و دختر او هم یاد می گیرند و پاک دامن می شوند و به دنبال گناه نمی روند . این امر ، اختصاص به عملکرد پدر ندارد ؛ بلکه پدر ، مادر ، بزرگ ترها و هر فرد دیگری را که برای نوجوان ، الگو است ، شامل می شود. در حقیقت ، حدیث ، به این روش تأکید دارد که باید الگوهای عفاف به صورت عملی و رفتاری ، فرزندان نوجوان، کوچک ترها و یا حتّی افراد دیگر را تحت تأثیر قرار دهند تا آنان نیز در برابر تحریکات جنسی ، خویشتندار شوند .

.

۱- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۷۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۴۹ .

۲- .سوره نور ، آیه ۶۰ .

۳- .الإسراء : ۱۸ ، وراجع : القیامه : ۲۰ ، الإنسان : ۲۷ .

ص: ۲۱۰

امام صادق علیه السلام می فرماید : طُوبَی لِمَن کَانَت أُمُّهُ عَفِیفَهٌ . (۱) خوشا به حال کسی که مادرش عفیف است! یعنی عفّت مادر ، به عنوان الگوی پاک دامنی ، در عفّت پذیری فرزند ، مؤثّر است. ۲ . آشنا ساختن نوجوان ، با آثار ارزشمند عفّت که با ویژگی های دوره نوجوانی ، هماهنگ است ، انگیزه او را برای خویشتنداری از شهوات، (بویژه شهوت جنسی) افزایش می دهد. در «آموزش»های معصومان علیهم السلام از این شیوه تربیتی برای پرورش عفّت استفاده شده است. به عنوان نمونه ، پیامبر صلی الله علیه و آله عفیف دوستی خداوند را به عنوان یکی از آثار عفّت مطرح کرده ، می فرماید : إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الحَیِیَّ المُتَعَفِّفَ . (۲) به درستی که خداوند ، فردی را که عفیف است، دوست دارد. در بیانی دیگر ، به مجموعه ای از آثار اخلاقی، عاطفی و شخصیتی عفّت اشاره کرده ، می فرماید : أَمَّا العَفَافُ فَیَتَشَعَّبُ مِنهُ الرِّضَا وَ الاستِکَانَهُ وَ الحَظُّ وَ الرَّاحَهُ وَ التَّفَقُّدُ وَ الخُشُوعُ وَ التَّذَکُّرُ وَ التَّفَکُّرُ وَ الجُودُ وَ السَّخَاءُ، فَهَذَا مَا یَتَشَعَّبُ لِلعَاقِلِ بِعَفَافِهِ وَ رَضِیَ بِاللّهِ وَ بِقَسمِهِ . (۳) از نتایج عفاف ، رضایت خاطر، آرامش، بهره مندی، آسایش، فروتنی، متذکّر بودن، متفکّر بودن و سخاوت مندی است . اینها اموری است که برای فرد عاقل ، در نتیجه عفاف و راضی بودن به تقدیر الهی فراهم می شود . ۳ . در احادیث ، یکی دیگر از راه های پرورش عفاف، «تقویت حیا» در فرد دانسته شده است. با رشد حیا در فرد و باور به زشتی فعالیت های انحرافی و گناه و حساس شدن نسبت به رفتارهای قبیح ، زمینه برای کنترل رفتارهای نابه هنجار جنسی ، فراهم

.

۱- .قد تأتی کلمه «الدنیا» فی القرآن الکریم بالمعنی اللغوی ، مثل «إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَهِ الدُّنْیَا» (الأنفال : ۴۲) ، وهو خارج عن موضع بحثنا .

۲- .سوره نور ، آیه ۳۳ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ ، ح ۲۱۴۸ ؛ میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۲۷۳۶ ، ح ۹۳۶۳ .

ص: ۲۱۱

۳ . غیرت

می گردد . از این روست که امام علی علیه السلام می فرماید : سَبَبُ العِفَّهِ الحَیاءُ . (۱) حیا ، زمینه ساز پرورش عفّت در وجود آدمی است. همچنین می فرماید : عَلَی قَدرِ الحَیاءِ تَکونُ العِفَّهُ . (۲) به میزان رشد حیا در فرد ، پاک دامنی در او افزایش پیدا می کند.

۳ . غیرتسومین فضیلت اخلاقی ای که در امر تربیت جنسی در دوره نوجوانی ، اهمیت ویژه ای دارد، «غیرت» است. پرورش غیرت در نوجوان ، باعث می شود که پسر ، نسبت به دختران ، با نگاهی شهوی نگاه نکند و با افرادی که به دختران (بویژه نزدیکان او) نگاه شهوتی دارند ، برخورد کند . دختر نیز نسبت به پسرانی که نامزد او نیستند و با او ازدواج نکرده اند ، نگاه و میل شهوتی نداشته باشد و بدین گونه ، غیرت، می تواند دختران و پسران نوجوان را از بسیاری رفتارهای نابه هنجار جنسی باز دارد. البته غیرت ، صفت اخلاقی نیکویی است که برای مردان نیز پس از ازدواج نسبت به همسر خود و یا نسبت به دیگر زنان، بازدارندگی از ارتکاب رفتارهای نابه هنجار جنسی دارد. اینک غیرت از نظر لغوی ، شرح داده می شود و سپس به متون حدیثی خواهیم پرداخت. در المنجد ، ذیل واژه «غیرت» آمده است : «مرد ، از فلانی بر همسرش دچار غیرت شد ، یا زن ، از فلانی بر شوهرش دچار غیرت شد ؛ یعنی به علّت تعصّب از این کار ، متنفّر شد و دوست نداشت که دیگری در حقی که برای اوست ، شرکت کند» . (۳) مشابه واژه غیرت، واژه «أنف» است. أنف را این گونه معنا کرده اند : «خودداری از

.

۱- .عیون الحکم والمواعظ ، ص ۱۲۵ ؛ میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۳۸۲۲ ، ح ۱۳۱۲۷ .

۲- .میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۳۸۲۲ ، ح ۱۳۱۲۳ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۱ .

۳- .المنجد ، ص ۵۶۳ .

ص: ۲۱۲

انجام دادن عملی که ننگ آور است و اسم آن ، اِنفه به معنای عزّت نفس است». (۱) واژه مشابه دیگر ، «حمیّت» است که اصطلاحاً به معنـای «تعصّب» هم به کـار می رود (چه تعصّب مثبت و چه تعصّب منفی) . حمیّت ، از ریشه «حَمَی» به معنای منع کردن دیگران از کسـی و حمـایت کردن از اوست . از مجموع این واژه هـا به این نتیجه می رسـیم که غیرت (و گـاه واژه هـای مشـابه آن) عبارت است از : منع کردن دیگران از شـرکت داشـتن نـابه جا در حقی که شـرع ، عرف و یا قانون برای او معرفی کرده و حمایت کردن از آن حـق در برابر رفتـار ناپسـند و نـابه هنجـار دیگران. از این جهت ، هم به فردی که برای دفـاع از مملکت خود می جنگـد و هم به کسـی که اجازه نمی دهـد افرادی ، نابه جا و بـدون داشـتن هیچ حقی ، از ناموس او (مادر، خواهر، همسـر، دختر و...) سوءاسـتفاده کننـد ، انسـان «غیور» گفته می شود. به همین مفهوم ، پیـامبر صـلی الله علیه و آله خود را غیورتر از ابراهیم علیه السـلام دانسـته ، می فرمایـد : کَانَ أَبِی إِبرَاهِیمُ غَیوراً وَ أَنَا أَغیَرُ مِنهُ وَ أَرغَمَ اللّهُ أَنفَ مَن لایَغَارُ مِنَ المُؤمِنِینَ . پدرم ابراهیم ، غیور بود و من از او غیورترم. خداوند ، افرادی از مؤمنان را که غیرت نداشـته باشند ، به خاک مذلّت می کشاند. (۲) در بعضی از احادیث ، غیرت ، در خصوص مقابله با رفتارهای جنسـی نابه هنجار و غیرشـرعی ، مطرح شده و آن را ناشی از ایمان واقعی فرد می دانند . کسی که در این زمینه ، از غیرت برخوردار نباشد ، نشانه بی ایمانی و ستمگری اوست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : الغَیرَهُ مِنَ الإِیمَانِ وَ البَذَاءُ مِنَ الجَفَاءِ . (۳) غیرت (و حساسیت در برابر فحشا و ناسزاگویی ها) نشانه ایمان است و رفتارهای

.

۱- .همان ، ص ۲۰ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۵۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۴۸ ، ح ۳۳ .

۳- .بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۰ ، ح ۴۴ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۳۴ .

ص: ۲۱۳

بی شـرمانه (و فحش و متلك گفتن) نشانه سـتمگری (و تجاوز به حقوق دیگران) می باشد. امیرالمؤمنین علیه السـلام با اشاره به این که غیرت ، نه تنها نسـبت به انجام دادن رفتارهای نابه هنجار جنسـی ، بازدارندگی دارد ، بلکه باعث می شود که خود فرد ، به چنین کارهای ضـد غیرتی ، دست نزند . امام می فرماید : مَا زَنَی غَیُورٌ قَطُّ . (۱) آن کسی که غیرتمند است، هرگز به زنا روی نمی آورد. نیز با اشاره به این که غیرت ، باعث عفّت عمومی مردم می شود ، می فرمایـد : قَدرُ الرَّجُلِ عَلَی قَدرِ هِمَّتِهِ ... وَ عِفَّتُهُ عَلَی قَدرِ غَیرَتِهِ . (۲) ارزش هر فرد ، به انـدازه همت او ... و میزان عفّتش به انـدازه غیرت اوست. به دلیـل بازدارنـدگی غیرت از رفتارهای نابه هنجار جنسـی، مطلوبیت غیرت ، زن و مرد نمی شـناسد . لذا پیامبر صـلی الله علیه و آله غیرت را برای زنان امّتش چیزی دانسته که از ناحیه خداونـد ، مکتـوب گردیـده اسـت. ایشـان می فرمایـد: کَتَبَ اللّهُ الجِهَـادَ عَلَی رِجَـالِ أُمَّتِی وَ الغَیرَهُ عَلَی نِسَـاءِ أُمَّتِی فَمَن صَـبَرَ مِنهُم وَ احتَسَبَ، أَعطَاهُ أَجرَ شَهِیدٍ . (۳) خداونـد ، جهاد را برای مردان امّتم و غیرت را برای زنان امّتم مکتوب و لازم کرده است. کسـی که برای جهاد و غیرت ، صبر و مقاومت دارد و سـنجیده عمل می کنـد ، خداونـد به او اجر شـهید را می دهد. امّا در برخی از روایات ، غیرت زنـان ، نـادرست تلقی گردیـده است ؛ مورد خاصّی که واقعاً غیرت نیست و آن ، حسـادت و نـاراحتی زن از ازدواج شـرعی شوهرش با زنی دیگر است. حدیث ، این است که امام صادق علیه السلام فرمود : لَیسَ الغَیرَهُ إِلَا لِلرِّجَالِ، فَأَمَّا النِّسَاءُ فَإِنَّمَا ذَلِکَ مِنهُنَّ حَسَدٌ، وَ الغَیرَهُ لِلرِّجَالِ وَ لِذَلِکَ

.

۱- .نهج البلاغه ، حکمت ۳۰۵ .

۲- .همان ، حکمت ۴۷ .

۳- .بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۱ ، ح ۴۵ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۵ .

ص: ۲۱۴

حَرَّم عَلَی النِّسَاءِ إِلَّا زَوجَهَا وَ أَحَلَّ لِلرَّجُلِ أَربَعاً، فَإِنَّ اللّهَ أَکرَمُ مِن أَن یَبتَلِیَهُنَّ بِالغَیرَهِ وَ یَحِلُّ لِلرَّجُلِ مَعَهَا ثَلَاثاً . (۱) غیرت ، فقط در مردان است و امّا زنان ، آنچه ظاهر می سازنـد ، حسادت است نه غیرت . لذا خداوند ، بر زن ، جز شوهرش را حرام کرد و برای مرد ، چهار زن را جایز کرد و خداونـد ، بزرگوارتر از این است که غیرت را در زنان قرار دهد و با این حال ، به شوهرش اجازه دهد که سه نفر دیگر را با او شـریک کند. مسـلماً مراد امام از غیرت در این حدیث، غیرت به معنای نشان دادن حسّاسیت نسبت به رفتارهای نابه هنجار و غیر شـرعی نیست که در حـدیث رسول اکرم صـلی الله علیه و آله مکتوب از ناحیه خـدا برای زنان ، دانسـته شده است. برای پرورش غیرت در نوجوان بایـد از همان روش های پرورش حیا و عفّت ، بهره جست و ضـمن الگوی غیرتمنـد بودن والـدین و بزرگ ترها و تقویت حیا و عفّت و فضایل اخلاقی دیگر، پیامـدهای صـفت غیرت و غیرتمنـدی، از بازدارنـدگی آن از بروز فحشا و منکرات و این که فرد غیرتمنـد ، علاـوه بر عـدل ، به وظیفه و بهره منـدی اش از رحمت بی پایان الهی در آخرت، محبوب خـدا می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله به این پیامد ارزشمند غیرت اشاره کرده ، می فرماید : إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ مِن عِبَادِهِ الغَیُورَ . (۲) به درستی که خداونـد، از بین بندگانش، آنان که غیورند ، دوست دارد. نوجوان باید بداند که غیرت ، نشانه ایمان است و بی غیرتی ، علامت بی ایمانی و نفاق . در چنـد حـدیث از پیغمبر صـلی الله علیه و آله نقل شـده است که : إِنَّ الغَیرَهَ مِنَ الإِیمَانِ وَ البَـذَاءُ مِنَ النِّفَاقِ . (۳) غیرت و غیرتمندی ، از ایمان است و بی غیرتی ، از نفاق فرد حکایت دارد. در مورد غیرت باید به این نکته توجّه شود که معصومان علیهم السلام اگرچه بر غیرت تأکید

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۵۲ ، باب ۷۷ ؛ نور الثقلین ، ج ۱ ، ص ۴۳۹ .

۲- .میزان الحکمه ، ج ۹ ، ص ۴۴۸۰ ، ح ۱۵۵۶۰ ؛ کنز العمّال ، ج ۳ ، ص ۳۸۶ .

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۴۴ ؛ میزان الحکمه ، ج ۹ ، ص ۴۴۸۰ ، ح ۱۵۵۵۰ ۱۵۵۵۲ .

ص: ۲۱۵

کرده اند، امّا از غیرت ورزی در امور حلال نهی کرده اند . امام صادق علیه السلام می فرماید : لا غَیرَهَ فِی الحَلَالِ . (۱) غیرت در امر حلال ، وجود ندارد . بنا بر این ، خودداری برادر ، از بودن خواهر خود با نامزدش که شرعاً محرم اند جلوگیری شوهری از معاشرت همسرش با محارم خود و یا ممانعت کردن پسری از ازدواج مجدّد مادرش و موارد شبیه به آن که در جامعه فراوان اند ، نه تنها غیرت نیست ، بلکه مورد نهی هم واقع شده است. امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید : وَ إِیَّاکَ وَ التَّغَایُرِ فِی غَیرِ مَوضِعِ الغَیرَهِ ، فَإِنَّ ذَلِکَ یَدعُو الصَّحِیحَهَ مِنهُنَّ إِلَی السَّقَمِ . (۲) از غیرت ورزی نابه جا بپرهیز ؛ زیرا این کار ، باعث می شود که زن سالم و پاک ، به سمت نادرست کشیده شود.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۷۶ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۷ ، ص ۲۱۴ .

ص: ۲۱۶

. .

ص: ۲۱۷

فصل دوم : تربیت جنسی در دوره ازدواج و پس از آن

اشاره

فصل دوم : تربیت جنسی در دوره ازدواج و پس از آنهمان طور که تاکنون روشن شد ، تربیت جنسی ، بر دو پایه خویشتنداری ازدواج استوار است . در واقع ، اصلی ترین فلسفه مسائل جنسی ، استمرار نسل بشر است که این وظیفه ، برعهده دو جنس مخالف قرار داده شده است . هر زمان ، این امکان به لحاظ رَسش زیست شناختی و روان شناختی ، به حد مطلوب برسد ، در آن صورت ، روابط جنسی صحیح و سالم برقرار می شود تا نسل بشر حفظ گردد ؛ امّا این ارتباط نمی تواند بدون زمینه سازی و شرایط پیرامونی اتفاق بیفتد ؛ چرا که امتداد نسل ، تنها یک امتداد فیزیکی و مادی نیست . در واقع ، اسلام ، نسلی سالم و صالح می خواهد و برای تأمین این هدف باید بسیاری از زمینه ها و شرایط ، فراهم گردد . همان طور که به لحاظ زیستی و فیزیولوژیکی (جسمی) باید جنس مذکّر و مؤنّث ، به سنّ خاصی برسند تا اندام مسئول تولید نسل ، به توانمندی لازم برسند ، دقیقا همین مسئله ، در حوزه مسائل روانی نیز صدق می کند . لذا تا رسیدن به آن سطح توانمندی باید یک دوره مقدماتی طی گردد که اگر این مرحله ، به خوبی بگذرد ، شرط لازم برای تولید نسل سالم پدید می آید . این دوره به لحاظ روانی ، دوره «خویشتنداری» است ؛ یعنی ارضای مسائل جنسی باید قبل از موعد مقرّر ، به تعویق بیفتد تا زمینه ارضای سالم فراهم گردد . اگر فرد ، به هر دلیلی نتواند نیاز جنسی خود را کنترل نماید و با شیوه های غیر سالم ، آن را ارضا کند ، بدون شک ، هم به دیگران آسیب زده است ، هم خود را دچار آسیب کرده است . البته این امر ، چه آگاهانه باشد و چه ناآگانه و از سر بی تجربگی دوران کودکی و نوجوانی ، در هر صورت ،

.

ص: ۲۱۸

آسیب زاست و بدون هیچ تردیدی ، در زندگی آینده خود و فرزندانش تأثیرات منفی ای خواهد گذاشت . لذا اسلام ، علاوه بر آن که شرایط ارضای سالم را مطرح می نماید ، تمهیداتی را نیز برای دوران مقدماتی ذکر می کند که در فصول گذشته ، با آنها آشنا شدیم . در بخش های آینده ، با اصلی ترین دوره تربیت جنسی ، آشنا می شویم . مسائل جنسی ، با ابعاد مختلف وجودی انسان ، تنیده شده اند و صرفا یک نیاز فیزیولوژیک محض نیستند . جالب آن که ارضای صحیح این نیاز ، تأثیرات فراوانی بر سطح رضایت زناشویی و تعلیم و تربیت می گذارد . این مسئله ، به خاطر نظام سیستماتیک عملکرد انسان است . در یک سیستم نظام مند ، وقتی یک فرد از اجزای سیستم ، دچار آسیبی می شود ، بدون شک ، بسیاری از اجزای مرتبط نیز در کار خود ، دچار وقفه می شوند و گاهی منجر به توقّف کامل سیستم می شود . سیستم های روانی انسانی نیز از این قاعده ، مستثنا نیستند . وقتی یک فرد از سیستم یا یک جزء از اجزای سیستم (مثل ارضای جنسی) مختل شود ، بدون شک ، تأثیرات نامطلوبی در بخش های دیگر نیز به وجود می آورد . آمارهای تکان دهنده طلاق که بخشی از آن ، به نارسایی نظام تربیت جنسی بر می گردد ، حکایت از این مسئله دارد . بخشی از مباحث ، مستقیما با مسئله جنسی و تربیت جنسی سر و کار دارند ، و بخش دیگر آنها ، به صورت غیر مستقیم ، در ارتباط اند . ما تلاش خواهیم کرد تا هر دو مسائل را مورد بررسی قرار دهیم . لذا به جهت اهمیت و تقدّم رتبی مباحث ، ابتدا مسائل تأثیرگذار غیر مستقیم را مورد بررسی قرار می دهیم .

.

ص: ۲۱۹

یکم . عوامل تأثیرگذار غیر مستقیم

الف . اهداف ازدواج

۱ . آرامش روان

یکم . عوامل تأثیرگذار غیر مستقیممسائل جنسی انسان ها ، مانند بقیه مناسبات انسانی ، بسیار پیچیده هستند و متغیّرهای زیادی در آنها تأثیرگذارند . این متغیّرها در بسیاری از موارد ، به صورت غیر مستقیم عمل می کنند ؛ یعنی شرایطی را فراهم می کنند که در آن شرایط ، مسائل جنسی افراد ، به گونه ای خاص عمل می کنند یا در آن زمینه فراهم شده ، ارضای جنسی در سطح مطلوب تری اتفاق می افتد . برای نمونه ، آرامش روانی ، خویشتنداری و پاک دامنی ، در مجموع ، باعث ارضای جنسی مطلوب تر انسان می شوند ؛ زیرا ارضای جنسی (مانند بسیاری از نیازهای انسانی) اگر در شرایط مطلوب روانی تحقّق پیدا کند ، در آن صورت ، جذّابیت موضوع ، بیشتر می شود . لذا در این بخش ، ما به این نوع از موارد می پردازیم و متون اسلامی نیز ، نشانگر آن هستند که اسلام برای فراهم کردن همه عوامل مستقیم و غیر مستقیم ، از یک شیوه ارتباطی ویژه به نام «ازدواج» استفاده کرده است . به یقین می توان ادّعا کرد که ازدواج ، شیوه ای است که تقریبا بیشتر مسائل تأثیرگذار زندگی (به طور عام) و مسائل جنسی (به طور خاص) را پوشش می دهد و فهم ماهیت و اهداف آن می تواند در تربیت جنسی نیز مفید واقع شود . این عوامل ، عبارت اند از :

الف اهداف ازدواجاز جمله آموزش هایی که ، به منظور تربیت جنسی در دوره جوانی باید انجام گیرد، آموزش هدف های ازدواج سالم است که عبارت اند از:

۱ . آرامش رواناز جمله اهداف ازدواج سالم از دیدگاه اسلامی، «آرامش روان» است. آرامش

.

ص: ۲۲۰

۲ . تقویت ایمان

روحی ، از هـدف هـای ارزشـمندی است که انسـان ، به صورت طبیعی به دنبـال آن است و خـدای متعـال ، یکی از عوامل مؤثّر در آرامش روان را «ازدواج» و تشـکیل خانواده قرار داده است. در آیات و روایات فراوانی ، آرامش ، به عنوان هدف والای خلقت مرد و زن مطرح شـده است و بر این نکته تأکید شده که مردان و زنان ، از آن زمینه های خلقتی که خداوند متعال برای آرامش در آنان ایجاد کرده ، نهایت اسـتفاده را بنماینـد و این هـدف را تحقق بخشـند. در این جا به چنـد آیه و حـدیث اشاره می شود . خداوند می فرمایـد : «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَ حِدَهٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِیَسْکُنَ إِلَیْهَا . (۱) او خـدایی است که شـما را از یـک نفس (جان) آفریـد و همسـرش را از نوع او قرار داد تا بدان آرام گیرد». در جای دیگر می فرماید : «وَ مِنْ ءَایَتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَ جًا لِّتَسْکُنُواْ إِلَیْهَا . (۲) از دیگر نشانه های خداونـد ، این است که از جنس خودتان ، همسـرانی برای شـما آفریـد تا در کنار یکـدیگر ، آرامش بیابیـد». در این آیه، هـدف از ازدواج ، سـکونت و آرامش مطرح شـده است. به راستی که وجود همسـران که مـایه آرامش یکدیگرنـد ، از مـواهب بزرگ الهی محسـوب می شـود. این آرامش ، از این جـا ناشـی می شـود که این دو جنس ، مکمّـل و مـایه شکوفـایی و نشـاط و آرامش یکدیگرنـد ، به طوری که هر یـک ، بـدون دیگری آرامش ندارنـد. بیمـاری هـایی که به خاطر ترک ازدواج برای انسان پیش می آینـد ، قابل انکار نیسـتند . همچنین عـدم تعادل روحی و ناآرامی های روانی ای که افراد مجرّد ، با آن دست به گریبان اند ، کم و بیش ، بر همه روشن است.

.

۱- .سوره اعراف ، آیه ۱۸۹ .

۲- .سوره روم ، آیه ۲۱ .

ص: ۲۲۱

از نظر اجتماعی ، افراد مجرّد ، کمتر احساس مسئولیت می کنند ، به همین جهت ، خودکشی (انتحار) در میان مجردها ، بیشتر دیده می شود و جنایات هولناک ، از آنها بیشتر سر می زند. هنگامی که انسان از مرحله تجرّد ، به مرحله زندگی خانوادگی گام می گذارد ، شخصیت تازه ای در خود می یابد و احساس مسئولیت بیشتری می کند . این ، یکی از مصداق های احساس آرامش در سایه ازدواج است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : وَ خَلَقَ لِلرِّجَالِ النِّسَاءَ لِيَأنِسُوا وَ يَسكُنُوا إِلَيهِنَّ وَ يَكُنَّ مَوضِعَ شَهَوَاتِهِم وَ أُمَّهَاتِ أَولَادِهِم . (۱) خداوند ، زنان را خلق کرده تا مردان ، با آنان مأنوس باشند و از طریق آنان به آرامش برسند و شهوتشان را ارضا نمایند و زنان، مادران فرزندانشان باشند. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید : وَمِنَ السُّنَّهِ التَّزوِيجُ بِاللَّيلِ لِأَنَّ اللّهَ جَعَلَ اللَّيلَ سَكَناً وَ النِّسَاءُ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ . (۲) از سنّت های ازدواج، این است که در شب واقع شود ؛ برای این که خداوند ، شب را مایه آرامش قرار داده است و زنان ، به درستی که مایه آرامش اند.

۲ . تقویت ایمانیکی از اهداف ازدواج سالم و بر اساس ضوابط دینی ، «تقویت ایمان» زوجین است. از قوی ترین غریزه های انسانی و از عمده ترین راه های به انحراف کشیده شدن انسان ها، غریزه جنسی است که ارضای صحیح آن ، در چارچوب ضوابط شرعی ، نقش به سزایی در پیشگیری از انحرافات و برقراری رابطه عاطفی و معنوی با جنس مخالف دارد و زمینه ی تقویت ایمان را فراهم می سازد. موضوع خطر غریزه جنسی از یک سو و تأثیر ارضای صحیح آن بر پرورش ایمان، از سوی دیگر، موضوعی است که در روایات ، به آن پرداخته شده است.

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۵۰ ۳۵۱ ؛ بحارالأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۱۸۱ ، ح ۲ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۶۶ ؛ تهذیب الاحکام ، ج ۷ ، ص ۴۱۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۷ ، ص ۸۰ .

ص: ۲۲۲

در حدیثی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی پرسید : «آیا ازدواج کرده ای؟» گفت : نه . پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید : «آیا از نظر جسمی ، سالم هستی؟» مرد گفت : بله ، سپس پیامبر فرمود : فَإِنَّکَ إِذاً مِن إخوَانِ الشَّیَاطِینِ، شِرَارُکُم عُزَّابُکُم وَ إِنَّ أَرذَلَ مُوتَاکُم عُزَّابُکُم إِنَّ المُتَزَوِّجِینَ هُمُ المُبَرَّؤُونَ مِنَ الخَنَّاسِ وَ الَّذِی نَفسِی بِیَدِهِ مَا لِلشَّیطَانِ سِلاحٌ أَبلَغُ فِی العَالَمِینَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ مَن تَرَکَ النِّساءَ . (۱) تو از برادران شیطان هستی. همانا بدترین شما مجرّدها هستند و بدترین مردگان شما نیز مجرّدها هستند. به درستی که متأهّلان ، همان هایی هستند که از خنّاس در امان اند. قسم به آن که جانم در دست اوست، شیطان در دنیا ، سلاحی برای مردان و زنان، برنده تر از ترک ازدواج ندارد ! با توجّه به این که پیامبر صلی الله علیه و آله ترک ازدواج را «برنده ترین سلاح شیطان» معرفی کرده ، روشن می شود که ترک ازدواج و عدم ارضای صحیح غریزه جنسی ، تا چه اندازه ، باعث از بین رفتن ایمان فرد و وارد شدن او به مسیر گمراهی و انحراف است. از این رو، در روایات ، مکرراً بیان شده که ازدواج ، باعث حفظ ایمان می شود و فردی که می خواهد ایمانش تکمیل شود ، باید ازدواج کند. از جمله، امام صادق علیه السلام می فرماید : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مَن تَزَوَّجَ أحرَزَ نِصفَ دِینِهِ فَلیَتَّقِ اللّهَ فِی النِّصفِ الآخَرَ . (۲) کسی که ازدواج می کند، نصف دین خود را حفظ کرده . پس جهت نیم دیگر آن ، به تقوا روی آورَد. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که فرمود : مَن أَحَبَّ أن یَلقَی اللّهَ طَاهِراً مُطَهَّراً فَلیَلقَهُ بِزَوجَهٍ . (۳) کسی که دوست دارد در حالی خداوند را ملاقات کند که پاک و مطهّر است، باید ازدواج کند.

.

۱- .پرورش روح ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ (به نقل از : الزّواج ، عمر رضا کحّاله) .

۲- .راجع : ص ۱۰۳ (ما ینال به خیر الدنیا والآخره) .

۳- .راجع : ص ۱۱۵ (أصناف الناس فی نیل الدنیا والآخره) .

ص: ۲۲۳

۳ . حفظ عفّت (پاک دامنی)

همچنین می فرمایـد : مَن تَزَوَّجَ امرَأَهً لَم یَرِد بِهَا إلَّا أن یَغُضَّ بَصَرَهُ وَ یُحصِنَ فَرجَهُ أو یَصِلَ رَحِمَهُ بَارَکَ اللّهُ لَهُ فِیهَا وَ بَارَکَ لَهَا فِیهِ . (۱) کسـی که هـدف او از ازدواج ، چیزی نیست جز حفظ پاکی، طهارت چشم ، پاک دامنی و صـله رحم ، خداوند ، وجود آن زن را برای او و نیز وجود او را برای آن زن ، مبارک و میمون می سازد. بنا بر این ، ازدواج، ایمان را حفظ می کند و اگر با این هدف ، ازدواج انجام شود ، خداونـد ، آن پیونـد را مبارک و میمون می گرداند. با توجّه به این احادیث ، به خوبی متوجّه می شویم که چرا پیـامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : جُعِلَ قُرَّهُ عَینِی فِی الصَّلاهِ وَ لَذَّتِی فِی النِّسَاءِ . (۲) نمـاز نور چشم من است و لـذّت من در زناشویی است. شایـد علّت این که «نماز» و «لـذّت از همسـر» ، در یک حـدیث و در کنار هم مطرح شده اند ، آن باشد که نمازِ فرد متأهّـل ، در تکامـل روانی معنوی وی ، تـأثیر بیشتری دارد . از این رو ، پاداشـش چنـد برابر نماز فرد مجرّد است. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام آمده که می فرمایند : رَکعَتَانِ یُصَلِّیهُمَا المُتَزَوِّجُ أفضَلُ مِن سَبعِینَ رَکعَهً یُصَلِّیهَا غَیرُ مُتَزَوِّجٍ . (۳) دو رکعت نمازی که فرد متأهّل به جا می آورد ، بهتر است از هفتاد رکعت نماز انسان مجرّد .

۳ . حفظ عفّت (پاک دامنی)عفّت ، از ماده «عفف» ، به معنای پاک دامنی و بازداشـتن خود از چیزی است. «العفّه» ، یعنی بازداشـتن خود از چیزهای حرام (۴) و ضدّ آن ، «تهتّک» به معنای فضیحت

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۲۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۷ ؛ نور الثقلین ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۸ .

۳- .یونس : ۶۴ .

۴- .کتاب العین ، ج ۱ ، ص ۸۲ .

ص: ۲۲۴

و رسوایی است. (۱) عفّت در اصطلاح، عبارت است از : نگهداری شکم و شرمگاه از حرام ها و شبهه ها و مبالات داشتن از پرده دری و ابا داشتن از ارتکاب حرام ها . (۲) امام علی علیه السلام اهل عفاف را این گونه توصیف می کند : العَفَافُ أَشرَفُ الأَشرَافِ . (۳) عفاف ، شریف ترین شرافت هاست . امام باقر علیه السلام عفت را بالاترین عبادت برشمرده ، می فرماید : إِنَّ أَفضَلَ العِبَادَهِ عِفَّهُ البَطنِ وَ الفَرْجِ . (۴) به درستی که برترین بندگی، عفّت شکم و فرج (شرمگاه) است. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : مَا عُبِدَ اللّهُ بِشَی ءٍ أَفضَلُ مِن عِفَّهِ البَطنِ . (۵) خدا به چیزی برتر از عفّت شکم ، عبادت نشده است. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : ثَلَاثَهٌ حَقٌّ عَلَی اللّهِ عَونُهُم، المُجَاهِدُ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ المُکَاتِبُ الَّذِی یُرِیدُ الأَدَاءَ وَ النَّاکِحُ الَّذِی یُرِیدُ العَفَافَ . (۶) بر خداوند است که به سه گروه کمک کند : مجاهدی که در راه خدا جهاد می کند ، مقروضی که برای ادای دینش تلاش می کند و فردی که برای حفظ پاک دامنی خود، ازدواج می کند. طبق این حدیث، فردی که هدفش از ازدواج ، حفظ پاک دامنی خود است ، خداوند ، او را یاری می کند و در زندگی ، او را سعادتمند می سازد. از این رو ، بسیار مطلوب است جوانی که خود را در معرض فساد می بیند ، با هدف حفظ عفّت ،

.

۱- .منجد الطلاب ، ذیل واژه «عفف» .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۱ ، ص ۱۱۲ .

۳- .میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۳۸۲۲ ، ح ۱۳۱۲۷ .

۴- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۷۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۴۹ .

۵- .همان جا .

۶- .کنز العمّال ، ج ۳ ، ص ۴۱۶ .

ص: ۲۲۵

۴ . بقای نسل

ازدواج کنـد . البته لازم است که خداونـد را سـپاس گزار باشـد که او را برای ازدواج یـاری کرده و از درگیری با محرّمات ، حفظ نموده است. پیامبر صـلی الله علیه و آله در بیان دیگری ، از هـدف بودن عفّت می فرمایـد : تَزَوَّج فَإِنَّ فِی التَّزوِیجِ بَرَکَهً وَ التَّعَفُّفَ مَعَ عِفَّتِکَ . (۱) ازدواج کن که برکت و عفّت ، در ازدواج است.

۴ . بقای نسـلاز دیگر اهـداف ازدواج که در متون حـدیثی مطرح شـده و باید آن را به جوان آموزش داد، «تداوم و بقای نسل» بشـر است. یکی از دلایـل آفرینش انسـان به صورت مـذکّر و مؤنّث ، زمینه سازی و پرورش اسـتعداد جنسـی افراد برای تحقّق این هـدف تربیتی است. در متون حـدیثی ، از دو جهت به این هدف ، پرداخته شده است: یکی از آن جهت که بقای نسل ، هدف خلقت زن و مرد است. امـام صـادق علیه السـلام با اشاره به این جهت می فرمایـد : وَ إِن کَانَت أُنثَی یَبقَی وَجهُهَا نَقِیّاً مِنَ الشَّعرِ لِتَبقَی لَهَا البَهجَهُ وَ النَّضَارَهُ الَّتِی تُحِرَّکُ الرِّجَالَ لِمَا فِیهِ دَوَامُ النَّسلِ وَ بَقَاؤُهُ . (۲) و اگر صورت دختر را بـدون ریش آفرید، به این خاطر است که زیبایی او محفوظ بمانـد و بـاعث تمایـل مردان به او شود ، تـا از این طریق ، ازدواج حاصـل شود و نسل او باقی بمانـد. جهت دیگر این که بقای نسل ، دستیابی به تکثیر فرزند است. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله با اظهار مباحات از زاد و ولد می فرماید : تَنَاکَحُوا تَکثُرُوا فَإِنِّی أُباهِی بِکُم الأُمَمَ یَومَ القِیَامَهِ وَ لَو بِالسِّقطِ . (۳) ازدواج کنیـد و بچه دار شوید که من در برابر امّت های دیگر ، به شـما مباهات می کنم ، حتّی به فرزندانی که سقط شوند.

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۱۶۲ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۴۴ .

۲- .راجع : التنمیه الاقتصادیّه فی الکتاب والسنّه : القسم الخامس : آفات التنمیه .

۳- .التوحید ، ص ۱۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۳ ، ص ۶۲ .

ص: ۲۲۶

نیز فرمود : المَولُودُ فِی أُمَّتِی أَحَبُّ إِلَیَّ مِمَّا طَلَعَت عَلَیهِ الشَّمسُ . (۱) فرزندی که در امّت من به دنیا می آید ، نزد من محبوب تر است از هر آنچه که خورشید بر آن طلوع می کند. همچنین فرمود : اُطلُبُوا الوَلَدَ وَ التَمِسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّهُ العَینِ وَ رَیحَانَهُ القَلبِ وَ إِیَّاکُم وَالعَجزَ وَ العَقرَ . (۲) فرزند را طلب کنید و به دنبال آن بروید که فرزند ، مایه روشنی چشم و خشنودی دل است و از ناتوانی و تمایل به بی فرزندی ، خودداری کنید. طبق این روایت، داشتن فرزند ، امر مهمی است که نباید نسبت به آن بی توجّهی کرد یا از آن خودداری کرد . البته تعداد فرزندان ، بسته به شرایط زمانی ، ممکن است که متفاوت باشد ؛ امّا اصل مسئله ، امری لازم و ضروری است ؛ چرا که بدون آن ، نظام طبیعتْ مختل می شود و این ، امری نامطلوب است. لذا در روایات فراوانی ، علّت تحریم زنا، لواط، مساحقه، استمناء و... نزدیکی با حیوانات تباه شدن انسان معرّفی شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید : حُرمَهُ الدُّبُرِ أَعظَمُ مِن حُرمَهِ الفَرجِ وَ أَنَّ اللّهَ أَهلَکَ أُمَّهً لِحُرمَهِ الدُّبُرِ وَ لَم یُهلِک أَحَداً لِحُرمَهِ الفَرجِ . (۳) گناه لواط ، از گناه زنا بزرگ تر است ؛ زیرا خداوند امّتی را به خاطر لواط هلاک کرد ، ولی به خاطر زنا ، این کار را نکرد. همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ فردی که در مورد علّت تحریم لواط و مساحقه پرسیده بود ، چنین بیان کرده است : لِمَا فِی إِتیَانِ الذُّکرَانِ لِلذُّکرَانِ وَ الإِنَاثِ لِلإِنَاثِ مِن انقِطَاعِ النَّسلِ وَ فَسَادِ التَّدبِیرِ وَ خَرَابِ الدُّنیَا . (۴)

.

۱- .المحجّه البیضاء ، ج ۳ ، ص ۵۳ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۴۸ ، ح ۷۷۹۹ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۱۵۸ ؛ الخصال ، ص ۲۸۸ .

۳- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۲۴ .

۴- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۹ .

ص: ۲۲۷

۵ . پرورش نسل صالح

لواط و مساحقه ، باعث انقطاع نسل و فساد و بی نظمی و خراب شدن زندگی مردم در دنیاست . لذا می توان این اعمال را ظلم نامید ؛ زیرا ظلم ، به معنای عملی است که نابه جا انجام شده و عدل ، به معنای قرار دادن امور در جای خودش است .

۵ . پرورش نسل صالحیکی دیگر از اهداف ازدواج سالم ، «پرورش نسل صالح» است. از جمله اموری که دختر و پسر جوان ، پس از ازدواج باید به آن توجّه کنند ، این است که فرزنددار بشوند و آن را به شیوه ای مطلوب، صالح و شایسته پرورش دهند. امام زین العابدین علیه السلام با توجّه دادن به این هدف ارزشمند ، یاران خود را آموزش می دهد و می فرماید : قُل فِی طَلَبِ الوَلَدِ: رَبِّ لا تَذَرنِی فَرداً وَ أَنتَ خَیرُ الوَارِثِینَ، وَ اجعَل لِی مِن لَدُنکَ وَلِیّاً یَرِثُنِی فِی حَیاتِی وَیَستَغفِرُ لِی بَعدَ مَوتِی وَاجعَلهُ خَلَفا سَوِیّاً وَ لَا تَجعَل لِلشَّیطَانِ فِیهِ شِرکاً وَ لَا نَصِیباً . (۱) هنگامی که از خداوند ، فرزند می خواهی ، بگو : خداوندا ! مرا تنها مگذار و تو همانا بهترین ارث دهندگان هستی . فرزندم را ولی ای از اولیای خود برای من قرار ده که در دنیا به من احسان و نیکی کند و بعد از مرگ ، برایم طلب آمرزش نماید. همچنین او را سالم و صالح قرار ده و شیطان را در او شریک مساز . موفّقیت در پرورش فرزند صالح ، ذخیره آخرت محسوب می شود و سعادت والدین را موجب می گردد . لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : الوَلَدُ الصَّالِحُ رَیحَانَهٌ مِن رَیَاحِینِ الجَنَّهِ . (۲) فرزند صالح ، گلی از گل های بهشت است. و گرنه ، برای والدین ، صرف داشتن فرزند ، فضیلت محسوب نمی شود. این ، هشداری است برای والدین که اگر احساس می کنند نمی توانند فرزندان

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۲۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۷۰ .

۲- .الکافی ، ج ۶ ، ص ۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۳۵۸ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۸ .

ص: ۲۲۸

ب . انتخاب شریک جنسی

۱ . شرایط ازدواج

اشاره

صالحی پرورش دهنـد، با توکّل بر خداونـد و درخواست کمک از او، به این امر اقـدام کننـد ؛ و گرنه، بایـد دست نگه دارند ؛ بلکه اوّل شرایط را آماده سازند و سپس به این امر اقدام نمایند.

ب انتخـاب شـریک جنسـیدومین عامل مهمی که به صورت غیر مسـتقیم ، به ارضای نیاز جنسـی مربوط می شود ، آن است که باید بدانیم شـریک جنسـی فرد ، چه کسـی است؟ و از چه ویژگی هایی برخوردار است؟ شـریک جنسـی ، از جهتی به طور مستقیم ، در ارضـای جنسـی سـهیم است ؛ امّـا ویژگی هـایی نیز دارد که به صورت غیر مسـتقیم ، تأثیرگـذار است ، مثلاً ـ نوع خانواده و سـلامتی خـانواده فرد و یا هماهنگی اخلاقی و اجتماعی و فکری آنها می توانـد به صورت غیر مسـتقیم ، تأثیرگـذار باشـد . در این بخش ، به مسائلی که شریک جنسی ، به طور مستقیم با خود می آورد ، می پردازیم .

۱ . شرایط ازدواجازدواج ، مرحله مهمّی از زندگی هر دختر و پسری است که آگاهی آنها از شرایط خاصّ آن ، از امور مهم در این زمینه است . مهم ترین شـرط ، رشـد همه جـانبه فرد است . ازدواج ، دومین مرحله از تربیت جنسـی است و هنگـامی به صورت یک دوره موفّق ، پشت سـر گذاشـته خواهد شد که شـرایط اجرای آن فراهم شود . مهم ترین این شرایط ، رشد همه جانبه طرفین ازدواج است ؛ یعنی رسـیدن به سن خاصّـی که در این سن ، معمولاً ـ ، هم قوای جنسـی آنهـا فعّال شـده و هم از حیث عاطفی و عقلانی ، به سطح خاصـی رسیده اند . به همین دلیل است که زمان خیلی دقیقی را نمی توان برای این سطح از رشد تعیین کرد . لذا تفاوت های فردی خـانوادگی و فرهنگی ، به شـدّت در میزان آن ، تـأثیر دارد و نمی تـوان برای آن ، یـک سـال خاصّـی را مطرح نمـود . در هر صورت ، با این که رشد جنسـی ، تقریبا برای بیشتر مردم ، آشکار است و کمتر دیده می شود که افراد ، قبل از آشکار شدن ویژگی های جنسی مردانه و زنانه ، اقدام به ازدواج نمایند ، امّا رشد عاطفی و عقلانی ، گاهی مورد غفلت واقع می شود .

.

ص: ۲۲۹

یک . رشد جنسی

بسیاری از دختران و پسران ، گمان می کنند که اگر به سن بلوغ جنسی رسیدند ، دیگر می توانند شریک جنسی خود را انتخاب کنند ، مخصوصا اگر این شراکت ، همراه عشق رمانتیک باشد که بسیار فریبنده است . در حالی که طرفین (مخصوصا دختران) باید توجّه کنند که تنها غریزه جنسی و عشق ، کافی نیست ؛ بلکه رشد عقلانی و عاطفی نیز لازم است تا افراد بتوانند نسبت به مسئولیت جدید خود ، متعهّد شوند ؛ مسئولیتی که ابتدا زوجین و سپس فرزندان را هم شامل می شود . پس مهم ترین فرق ارتباط های خیابانی و ازدواج ، همان تعهّدات است که درک و فهم آن ، به یک رشد همه جانبه نیاز دارد که اکنون به اختصار ، آنها را مورد بررسی قرار می دهیم .

یک . رشد جنسیمهم ترین شرط ازدواج ، «رشد جنسی» و به معنای رسیدن به بلوغ جنسی و ظاهر شدن میل جنسی در دختر و پسر است که از اوایل سن نوجوانی ظاهر می شود و به تدریج ، تشدید می یابد. در برخی از روایات ، سفارش شده است که در امر ازدواج پسر و دختری که میل جنسی در آنها تشدید شده باید تعجیل کرد و در صورتی که ارتکاب گناه برایشان محتمل می گردد، ازدواج ، واجب می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل به من گفت : الأبکَارُ إذَا أدرَکنَ مَا یُدرِکَنَ النِّساءُ فَلَیسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إلَا البُعُولَهُ وَ إلَا لَم یُؤمَن عَلَیهِنَّ الفَسَادُ لِأَنَّهُنَّ بَشَرٌ . (۱) هر گاه در دوشیزگان ، احساس زنانه (میل جنسی) ایجاد شود، دوایی برای آنها جز همسر وجود ندارد، در غیر این صورت ، آنها از فساد در امان نخواهند بود ؛ زیرا آنها بشرند . با توجّه به این حدیث ، هنگامی که والدین مشاهده می کنند که تمایلات جنسی در دخترشان بیدار شده و احیاناً ممکن است روابطی جسته و گریخته ، حتی در حدّ صحبت کردن با پسران داشته باشد، باید به ازدواج توصیه کنند ؛ و گرنه رها کردن او به حال خویش ، زمینه فاسد شدن را در او فراهم می آورد.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۳۹ ، ح ۲ .

ص: ۲۳۰

امّا متأسفانه ، بعضی از والدین ، چشمان خود را به روی حقیقت می بندند و تمایلات جنسی خود را در سنین نوجوانی فراموش می کنند . آنها می پندارند که دختر هجده ساله آنها با این که در معرض همه گونه تحریک جنسی قرار دارد، هنوز بچه است و اصلاً تمایلی به ازدواج ندارد . حتّی زحمت این کار را هم به خود نمی دهند که از او بپرسند : آیا اگر فرد مناسبی به خواستگاری تو آمد ، مایل به ازدواج هستی یا خیر ؟ این گونه والدین ، بزرگ ترین ضربه را به دختران جوان خود می زنند ، بدون این که متوجّه پیامدهای نامطلوب آن شوند و زمانی از خواب غفلت بیدار می شوند که دیگر ، کار از کار گذشته است. این مسئله ، در مورد پسران جوان نیز صادق است ، بویژه آنهایی که در خانواده هایی زندگی می کنند که پدر آنها تمکّن مالی دارد و قادر به تزویج و حمایت مالی پسر است . اگر در این صورت ، در امر ازدواج پسرش کوتاهی کند و پسر به گناه بیفتد، پدر هم در گناه او شریک است. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : مَن أَدرَکَ لَهُ وَلَدٌ وَ عِندَهُ مَا یُزَوِّجهُ فَلَم یُزَوِّجهُ فَأَحدَثَ فَالإِثمُ بَینَهُمَا . (۱) هر کس پسری داشته باشد که نیازمند ازدواج است و او توان ازدواج کردن پسرش را دارد ، امّا او را به ازدواج در نمی آورد ، اگر آن فرزند ، مرتکب گناهی شود، او نیز در گناه فرزندش سهیم خواهد بود. از این رو ، در فقه اسلامی ، تصریح شده است : کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد، واجب است که همسر بگیرد . (۲) البته این بدان معنا نیست که مانند بعضی طوایف ، فرزندان خردسال خود را پیش از این که به سن بلوغ برسند ، به عقد ازدواج در می آورند. هر چند این ازدواج ، با رضایت فرزند ، پس از رسیدن به سن بلوغ ، از نظر شرعی صحیح است ، امّا این کار ، اگر انجام نشود ، بهتر است ؛ زیرا چه بسا به علّت ترس از آبروریزی یا قطع شدن

.

۱- .مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۴۰ ؛ تفسیر ثعلبی ، ج ۷ ، ص ۹۰ .

۲- .ر.ک : توضیح المسائل امام خمینی ، م ۲۴۴۳ .

ص: ۲۳۱

دو . رشد عاطفی

روابط خانوادگی (که معمولاً ـ هم، این ازدواج ها از نوع ازدواج های فامیلی است) دختر و پسر ، از جدا شدن خودداری کنند و مجبور شوند عمری را با شقاوت و سختی بگذرانند. از امام صادق یا امام کاظم علیه السلام درباره ازدواج فرزندان در سنین خردسالی سؤال شد . ایشان می فرماید : إِذَا زُوِّجُوا وَ هُم صِغَارٌ لَم یَکَادُوا یَتَأَلَّفُوا . (۱) اگر در سنین کودکی ازدواج کنند، بعید و مشکل است که در جوانی ، به توافق و سازگاری برسند. بنا بر این ، از مهم ترین شرایط ازدواج ، «بلوغ جنسی» است . زمانی که دختر و پسر ، نیاز به ازدواج پیدا کردند ، والدین موظّف اند که هر چه زودتر ، شرایط آن را فراهم کنند.

دو . رشد عاطفیرشد عاطفی ، به آن دوره از رشد و تکامل روانی گفته می شود که فرد ، از وابستگی کودکانه ، به سوی توانایی برای پذیرش مسئولیت بزرگ سالی و تشکیل رابطه های دوستی بزرگ سالانه پیش می رود. بنا بر این ، رشد عاطفی ، بر عکس رشد جنسی که در دوران بلوغ آشکار می شود، از دوران کودکی ، کم و بیش نمایان می شود و در سن جوانی ، به صورت قدرت استقلال و تحمّل مسئولیت ظاهر می شود ؛ ولی اگر دختر یا پسر جوان ، توان تصمیم گیری بدون نظر والدینش را نداشته باشد و در هر امر کوچک و بزرگی که در زندگی او رخ می دهد ، به نظر آنها وابسته باشد، این ، نشان دهنده عدم رشد عاطفی اوست. همین طور پسر جوانی که نمی تواند سختی های یک شغل دائم را تحمّل کند و در جامعه برای تأمین زندگی خانواده جدید خود تلاش کند و یا بیکار است و پی درپی ، شغل عوض می کند، از رشد عاطفی برخوردار نیست.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۹۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۷۲ ، ح ۱ .

ص: ۲۳۲

کسی از رشد عاطفی برخوردار است که بتواند از نظر احساسی ، خود را با محیط اطرافش سازگار سازد ، از طرف بزرگ سالان، اطمینان خاطر احساس کند ، اجتماعاتی معقول با همسالانش داشته باشد ، از هر گونه تشویش و نگرانی و ترس رها باشد ، در برقراری ارتباط با دیگران موفّق باشد و با دیگران همکاری داشته باشد. دختر که دارای رشد عاطفی است ، باید در برابر دیگران ، پاک دامن و با وقار باشد و پسر ، روحیه مردانه، اعتماد به نفس و احساس توانمندی نسبت به اداره زندگی داشته باشد. دختر و پسری که به این حد از رشد عاطفی رسیده اند ، می توانند ازدواج کنند و اگر در زندگی ، کمبودی احساس می کنند ، به این دلیل است که در محیط های آشفته ای رشد کرده اند . لذا بهتر است که قبل از وارد شدن به مرحله مهم ازدواج ، با متخصّص ، مشورت کنند و سعی کنند که بر مشکلات خود غلبه کنند ؛ زیرا وارد شدن به زندگی ، همراه با مشکلات پیشین ، فقط باری دوچندان بر دوش انسان می گذارد. چه خوب است رشد عاطفی جوان ، به حدّی برسد که برای هر نوع احساسی (دوستی و دشمنی) و روابطش با دیگری ، معیار رضایت خدا را داشته باشد. چنین جوانی می تواند ازدواج کند و در زندگی ، به خوش بختی برسد . امام علی علیه السلام می فرماید : فَطُوبَی لِمَن أخلَصَ للّهِ عَمَلَهُ وَ عِلمَهُ وَ حُبَّهُ وَ بُغضَهُ وَ أَخذَهُ وَ تَرکَهُ وَکَلَامَهُ وَ صَمتَهُ وَ فِعلَهُ وَ قَولَهُ . (۱) خوشا به حال کسی که به آن درجه از رشد رسیده باشد که رفتارش، دانشش، دوستی و دشمنی اش، گرفتن و رهاکردنش، گفتن و سکوت کردنش و رفتار و گفتارش، همه بر اساس خشنودی خداوند ، استوار باشد و جز این نباشد. از جنبه های رشد عاطفی ، پیشرفت و پخته شدن تدریجی فرد در روابط «اجتماعی» است، به طوری که بتواند با افراد جامعه اش هماهنگ و سازگار باشد. فردی را «اجتماعی» می خوانند که نه تنها با دیگران است ، بلکه با آنان همکاری نیز می کند . به بیان دیگر، اجتماعی شدن ، به آن شکل از یادگیری گفته می شود که به سازگاری با جامعه و محیط فرهنگی ، بستگی داشته باشد.

.

۱- .تحف العقول ، ص ۹۱ و ۱۰۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۷ ، ص ۲۳۹ .

ص: ۲۳۳

سه . رشد عقلی (اجتماعی و اقتصادی)

نیاز همبستگی افراد بشر به یکدیگر ، به اندازه ای روشن است که به هیچ توضیحی نیاز ندارد . همین وضوح است که بعضی از روان شناسان را به فطری دانستن آن ، معتقد کرده است ؛ ولی مسلّم است که اگر ما به طور «انفرادی» زندگی می کردیم و از نعمت «اجتماع» بهره نمی بردیم، نه می توانستیم درست ببینیم، نه درست بشنویم و نه درست حرف بزنیم. در نتیجه، از قدرت تفکّر به معنای عام آن ، محروم می ماندیم. حتّی در علم اخلاق برای فردی که به «مجرّد زندگی کردن» ، محکوم است ، معنایی وجود ندارد. اخلاق، قانون و وظیفه ، تنها وقتی مصداق پیدا می کنند که فرد ، وارد اجتماع شود و جزئی از کل گردد. به همین دلیل است که رشد اخلاقی نیز یکی از مراحل و یا جنبه های رشد عاطفی اجتماعی است و بین آنها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. لذا در دستورهای دین ، وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإیمَانِ بِاللّهِ التَّوَدُّدُ إلَی النَّاسِ وَ اصطِنَاعُ الخَیرِ إلَی کُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ . (۱) پس از ایمان به خدا ، سرآمد تمام کارهای عاقلانه دیگر ، دوستی و نیکی به مردم است ، خواه آن شخص ، درست کار باشد ، خواه فاسق و گناه کار. با توجّه به این امر ، یکی از شاخص ترین نشانه های رشد عاطفی اجتماعی که در زندگی خانوادگی نیز تأثیر به سزایی دارد ، قدرتِ به تأخیر انداختن امیال خود به نفع دیگری یا قدرت خارج شدن از لاک خودخواهی و رسیدن به مرحله دیگرخواهی است. اگر دختر و پسر جوانی ، به این مرحله از رشد نرسیده باشند، حتماً در زندگی خانوادگی شان با مشکلاتی مواجه خواهند شد.

سه . رشد عقلی (اجتماعی و اقتصادی)از دیگر شرایط ازدواج ، این است که جوان ، به آن حد از رشد عقلی برسد که بتواند مسائل زندگی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد ، بفهمد که چگونه باید در امور مختلف زندگی رفتار نماید، چگونه درآمد به دست آورد و چگونه هزینه کند ، چه چیزی به صلاح اوست و چه چیزی به زیان او و به طور کلی ، منافع و مضرّات خود را

.

۱- .عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۳۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۹۵ .

ص: ۲۳۴

بتوانـد تشـخیص دهـد و این را عملاً ـ به اثبـات برسانـد. قرآن ، در خصوص دادن مسـئولیت حفظ اعمال ، به فردی که به بلوغ نکاح رسـیده و تمایل به ازدواج دارد ، می فرماید : «وَابْتَلُواْ الْیَتَمَی حَتَّی إِذَا بَلَغُواْ النِّکَاحَ فَإِنْ ءَانَسْـتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُواْ إِلَیْهِمْ أَمْوَ لَهُمْ . (۱) شما (والدین) نوجوانانی را که به بلوغ نکاح رسـیده اند ، مورد آزمایش قرار دهید، اگر آنها به رشد مناسب رسـیده اند، اموالشان را به آنها بدهیـد». منظور این است که صِـرف این که فردی به رشـد جنسـی رسـید، نمی توانـد مسـئولیت پـذیر باشد ؛ بلکه مسـئولیت تشـکیل خانواده و اموالش را هنگامی باید به او بدهند که به رشد عقلی رسیده باشد تا بتواند دو راهی های زندگی، تصمیم به جا و به موقع بگیرد ، اموال خود را حفظ کند ، و نابه جا خرج نکند و توانایی و آمادگی تشکیل خانواده و زندگی مشترک را پیدا نماید. کسـی که درک عقلیِ کافی داشـته باشد، می تواند شـغل مناسب و همسـر شایسـته انتخاب نماید . با این توانمندی ، جوان می تواند برای ازدواج اقـدام کند که البته اگر هم مال و ثروتی نداشـته باشد، چون از رشد و توانمندی کافی ای برخوردار است، می تواند در زنـدگی موفّق باشد . از این روست که پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرماید : التَمِسُوا الرِّزقَ بِالنِّکَاحِ . (۲) روزیِ خود را در ازدواج جسـتجو کنیـد. در حقیقت ، رسول اکرم خواسـتند بگوینـد که در ازدواج ، مهم همان توانمنـدی و رشـد عقلی اجتماعی است و فقر نبایـد مـانع ازدواج شود ؛ بلکه فرد ، با مـدیریت عقلانی مناسبی که پیـدا کرده ، پس از ازدواج ، با پشـتکار و تلاش بیشتر ، بهتر می تواند روزیِ خود را به دست آورد .

.

۱- .سوره نساء ، آیه ۶ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۶ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۶ .

ص: ۲۳۵

سنّ ازدواج از نظر روان شناسان

سنّ ازدواج از نظر روان شناساندکتر علی اصغر کیهان نیا در مورد ازدواج دختران چنین نظر می دهد : تحت هیچ شرایطی ، دختران خود را تا قبل از هجده سالگی ، به خانه بخت نفرستید. تازه ، این در صورتی است که برای ازدواج دخترشان خواستگار مناسبی داشته باشند و گرنه ، در شرایط عادی ، بهترین سن برای ازدواج دختران ، پس از ۲۲ سالگی است، مخصوصاً دخترانی که مشغول تحصیلات دانشگاهی هستند ؛ ولی اگر دختری ، خواستگار مناسبی داشت و شما هم مایل بودید که زودتر ، او را به خانه شوهر بفرستید ، حتماً می باید از پیش ، آموزش های لازم را به او بدهید که خیلی زود بچه دار نشود، تا وقتی بچه دار شد ، از پختگی لازم برای ادراه یک خانه همراه بچه برخوردار باشد. (۱) برنارد مک فادن ، (۲) در کتاب بلوغ و ازدواج ، در این باره چنین می نویسد : من قاطعانه و با تأکید، اعتقاد به ازدواج های پیش رس دارم. به مجرّد این که یک جوان ، وضع و حالت یک مرد را پیدا می کند، باید اقدام به ازدواج نماید. انتخاب یک همسر ، در اوّل جوانی ، او را از بسیاری مشکلاتْ نجات می دهد و او را قادر خواهد ساخت که خود را از بسیاری اغواها که غلبه بر آنها بسیار دشوار خواهد بود بر حذر دارد. به علاوه ، زود ازدواج کردن، ایده آلی عالی است که در یک دوره از زندگی هم که شکل می گیرند، برقرار خواهد کرد و مسئولیت های مربوط به آن را دارد. او تشنه مصاحبت کردن با کسی است که می تواند غرق محبّتش کند... . لطفاً به خاطر داشته باشید که با اظهار عقیده فوق، من نمی خواهم بگویم که زود ازدواج کردن ، بهترین کارهاست. اگر یک مرد بتواند از شروری که اغلب با عزبیت و زندگی مجرّدی ، همراه است، در امان باشد ، این موضوع ، مصداق پیدا نخواهد کرد. چنانچه بشود از هرزگی ها

.

۱- .«خواستگار خود را این طور انتخاب کنید» ، مجله روزهای زندگی ، شماره ۲۳۶ ، ص ۳۶ .

۲- .Makfadan, Bernard.

ص: ۲۳۶

و عیش و عشرت هایی که این قدر در همه جا بین جوانان شایع است ، بر حذر بود، در این صورت می توان بدون چون و چرا ، ازدواج را به نفع خود به تأخیر انداخت. با اطمینان می توان گفت : چنانچه مرد بتواند پاک دامن باقی بماند، ازدواج در ۲۵ سالگی و حتی سی سالگی برایش خیلی زود خواهد بود ؛ ولی باید به خاطر داشته باشیم که در پاره ای از موارد ، این کار انجام نمی گیرد . لذا باید بگوییم که از بیست سالگی نباید ازدواج را منع کرد و یا به فکر ازدواج افتادن را سرکوب نمود ؛ زیرا در بسیاری از موارد ، ازدواج در چنین مرحله از عمر ، در واقع ، به منزله گزینش بهتر یکی از دو راه بدتر است. (۱) البته این سخنان ، به معنای این نیست که به مجرّد این که نوجوان ، به سن بلوغ رسید، می تواند ازدواج کند ؛ زیرا چه بسا فرد ، دچار بلوغ زودرس شده و دیگر شرایط ازدواج ، در وی فراهم نیست. لازم به توجّه است که باید بین آنچه ما آن را ازدواج زودهنگام می خوانیم و ازدواج نابه هنگام ، فرق بگذاریم. ازدواج قبل از هجده سالگی باید نابه هنگام خوانده شود. برای آنهایی که دیرتر بالغ می شوند، حتی ازدواج در بیست سالگی هم ، خیلی زود و نابه هنگام است. بنا بر این ، هم از دیدگاه دین و هم از دیدگاه روان شناسی ، ازدواج در اوایل جوانی ، مطلوب است و تأخیر انداختن آن ، نامطلوب ؛ امّا زود بچه دار شدن (بویژه با شرایط سخت اقتصادی و تغییرات فرهنگی ای که روز به روز ، بیشتر به سمت فردیت گرایی پیش می رود) ، اصلاً مطلوب نیست ؛ زیرا همان طور که ازدواج ، نیاز به رشد در جنبه های مختلف دارد، بچه دار شدن هم به رشد مضاعف ، نیاز دارد. فردی که از نظر اقتصادی ، به سختی ، توان تأمین معاش خود و همسرش را دارد ، اضافه شدن یک بچّه ، زندگی آنها را سخت تر هم می کند . همین طور فردی که هنوز به اندازه کافی ، رشد پیدا نکرده که تا حدودی ، خواسته های خود را با خواسته های همسرش تطبیق

.

۱- .بلوغ و ازدواج ، ص ۳۲ .

ص: ۲۳۷

۲ . معیارهای انتخاب همسر

اشاره

دهـد (و از سـازش مطلوبی برخوردار نیست) ، اضـافه کردن یـک بچّه به این جمع ، جز بـدتر شـدن اوضـاع (البته معمولاً) فایـده ای نخواهد داشت. زن و شوهرهایی که هنوز از تفاهم مطلوبی برخوردار نشده اند یا اختلافات آنها به حدّی است که گاه و بی گاه ، به فکر جـدایی می افتنـد نیز نبایـد به هیـچ وجه ، به این امید که بچّه بیاید ، همه چیز درست می شود، سـرنوشت یک انسان را به بازی بگیرنـد ؛ زیرا در بیشتر مواقع ، آمدن بچّه ، نه تنها تأثیری ندارد ، بلکه کار را هم خراب تر می کند ؛ چون طرف ناراضـی ، احساس می کند که شـریک او برای پایبند کردنش ، پای بچّه را وسط کشیده است . آن وقت ، هم از شریک خود ناراضی می شود ، هم از بچّه بی گناه خود . در نتیجه ، با وجود بچّه یا بچّه ها ، در پایان ، جـدایی رخ می دهـد و اگر هم این اتفاق نیفتد و به خاطر فرزندان ادامه بدهند ، باز هم زندگی مطلوبی برای زوجین و بچّه ها نخواهد بود.

۲ . معیارهای انتخاب همسـراز جمله آموزش هایی که در جهت تربیت جنسـی جوان باید به وی داده شود ، آگاه سازی از معیارهای گزینش همسـر است. با آموزش این معیارها چه بسا زندگی ها ، پردوام تر و مسـتحکم تر شود. بسـیاری از پسـران و دختران جوان ، بـدون آگاهی از معیارهای اساسـی، معیارهای واهی برای خود در نظر می گیرند و پس از ازدواج متوجّه می شوند که این معیارها ، ملاک خوش بختی نیسـتند ؛ امّا متأسّـفانه خیلی دیر شده و اکنون باید از خواسـته خود صرف نظر کنند و طوری خود را تطبیق دهند که آسـیب نبیننـد، یا این که بایـد بسوزنـد و بسازنـد و یا باید از یکدیگر جدا شوند و تازه ، فردی را با ویژگی های مطلوب انتخاب کنند. در احادیث معصومان علیهم السلام معیارهای زیر برای انتخاب همسر ، مطرح شده اند :

.

ص: ۲۳۸

یک . زیبایی جاذب

یـک . زیبـایی جاذبزیبـا دانسـتن همسـر (بویژه برای پسـران) از معیارهای تفاهم و تـدوام زنـدگی مشترک محسوب می شود و برای بعضـی افراد ، زیبایی چهره همسـر ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است . از این رو ، در احادیث ، به مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد ، اجازه داده شـده که به چهره و موهای او نگاه کنـد و زیبایی وی را کشف نمایـد. امام صادق علیه السـلام می فرماید : لَا بَأسَ أن یَنظُرَ الرَّجُـلُ إلَی وَجهِهَـا وَ مِعصَـمِهَا إذَا أرَادَ أن یَتَزَوَّجَهَا . (۱) اشـکال نـدارد که مرد ، به صورت و مچ دست های زنی که قصـد دارد با او ازدواج کنـد ، نگاه کنـد. همچنین از ایشان پرسـیدند: آیا مرد می توانـد به موها و محاسن زنی که می خواهد با او ازدواج کنـد، نگاه کنـد؟ امام فرمود : لَا بَأسَ بِذَلِکَ إذَا لَم تَکُن مُتَلَذِّذاً . (۲) اگر همراه با لذّت شـهوانی نباشد ، اشکال ندارد. انسان ، فطرتاً میل به زیبایی دارد و از زشتی ، روی گردان است . هر چیز زیبا، او را به خود جلب می کنـد و هر چیز نازیبایی او را دور می سازد . لذا برای شروع ارتباط پسر و دختر ، یک «زیبایی نسبی ای» لازم است تا قلب طرف مقابل را به سمت وی متمایل کند . البته اگر فرد ، زیبا نیست، حداقل سعی کند که آراسته و تمیز و خوش بو باشد تا از این طریق ، نازیبایی جسمانی اش را جبران کند، وگرنه باعث ایجـاد تنفّر در فرد می شود. این مسـئله ، بویژه وقتی اهمیت پیـدا می کنـد که یکی از زوجین ، نسـبت به دیگری ، از زیبایی بیشتری برخوردار باشد و احساس زیان و خسـران کند . علاوه بر این ، ممکن است که اطرافیان ، مرتّب این تفاوت را به آنها گوشزد کنند و ناخواسته ، باعث ایجاد کدورت بین آنها شوند. لذا در روایات ، از زیبایی ، به عنوان یکی از

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۶۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۸۸ ؛ نور الثقلین ، ج ۳ ، ص ۵۹۱ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۶۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۸۸ .

ص: ۲۳۹

معیارهای انتخاب همسر یاد شده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید : إِذَا أَرَادَ أَحدُکُم أن یَتَزَوَّجَ فَلیَسأَل عَن شَعرِهَا کَمَا یَسأَل عَن وَجهِهَا فَإِنَّ الشَّعرَ أَحَدُ الجَمَالَینِ . (۱) هنگامی که می خواهید ازدواج کنید از موی زنی که به خواستگاری او رفته اید سؤال کنید ؛ زیرا مو ، یکی از دو زیبایی است. البته در احادیث ، از این که فردی صرفاً به دلیل چهره دختر، اقدام به ازدواج نماید و زیبایی سیرت و اخلاق و تدیّن او را نادیده بگیرد، نهی شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید : إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ المَرأَةَ لِمَالِهَا أو جَمَالِهَا لَم یُرزَق ذَلِکَ، فَإِن تَزَوَّجَهَا لِدِینِهَا رَزَقَهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالَهَا وَ جَمَالَهَا . (۲) اگر مردی به خاطر زیبایی یا ثروت زنی ، با وی ازدواج کند، نه از زیبایی او بهره ای خواهد برد و نه از ثروت او ؛ امّا اگر او را به خاطر دینداری اش انتخاب کند، خداوند ، ثروت و زیبایی او را نصیب وی خواهد کرد. این بدان معناست که اگر ملاک ، فقط ثروت و زیبایی باشد و فرد ، به دیگر معیارها توجّه نکند، زندگی برایش آن قدر سخت می شود که نه آن ثروت به درد او می خورد و نه آن زیبایی به چشم او می آید. اگر زن ، مؤمن واقعی باشد و به راستی ، شوهر خود را با عشق و محبّت جذب کند، حتّی اگر زشت و فقیر باشد ، در نظر مرد ، زیبا و ثروتمند جلوه می کند . و از طرفی ، برکت را به خانه مرد می آورد و روزی او فراخ می شود. در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود : مَن تَزَوَّجَ امرَأَةً لا یَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَم یَرَ فِیهَا مَا یُحِبُّ وَ مَن تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا یَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَکَلَهُ اللّهُ إِلَیهِ فَعَلَیکُم بِذَاتِ الدِّینِ . (۳)

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۵۹ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۹۲ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۳ .

۳- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۹۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۵۰ .

ص: ۲۴۰

دو . هماهنگی فکری و اعتقادی

کسی که فقط به خاطر زیبایی زنی ، با او ازدواج کند، آنچه را که دوست می دارد ، در او نخواهد یافت و کسی که به خاطر مال و دارایی زنی ، با وی ازدواج کند ، خداوند به همان مال، وی را واگذارد . پس بر شما باد به ازدواج بازن با ایمان ! در احادیث ، توصیه بر این است که انگیزه فرد، دینداری و زیبایی ، با هم باشد. این مطلوب است ، لذا رسول اکرم فرمود : مَن تَزَوَّجَ امرَأَةً لِدِینِهَا وَ جَمَالِهَا کَانَ لَهُ فِی ذَلِکَ سَدَادٌ مِن عَوَز . (۱) هر کس به خاطر دینداری و زیبایی زنی با وی ازدواج کند، این کار ، مانع فقر و تنگ دستی او خواهد بود. لازم به توجّه است که زیبایی مرد ، بیشتر در عقل و منطق اوست و زنان نیز بیشتر جذب قدرت عقلی آنها می شوند تا زیبایی چهره شان ، بر عکسِ مردان که بیشتر جذب چهره زیبا و جذّابیت جسمی زن می شوند و کمتر به عقل و درایت آنها توجّه می کنند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید : صُورَةُ المَرأَهِ فِی وَجهِهَا ، وَ صُورَةُ الرَّجُلِ فِی مَنطِقِهِ . (۲) صورت زن در چهره اوست و صورت مرد ، در منطق و سخن اوست. ولی به هر حال ، زن نیز از ازدواج با فردی که زشت روست احساس انزجار می کند، مگر این که باطن و سیرت او ، آن قدر زیبا باشد که زشتیِ صورت او را بپوشاند و زن ، مجذوب جهان باطن او شود. البته این مسئله ، در مورد مردان نیز صدق می کند.

دو . هماهنگی فکری و اعتقادیاز مهم ترین معیارهای گزینش همسر در جهت تفاهم در زندگی ، «توافق و هماهنگی فکری و اعتقادی» است که برای هر فرد ، باارزش تلّقی می شود. این ارزش ها می توانند ارزش های دینی، اخلاقی و یا سیاسی و حزبی باشند. انسان ها به

.

۱- .میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۴ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۸۹ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۶۷ ، ص ۲۹۳ ؛ میزان الحکمه ، ج ۲ ، ص ۷۷۶ .

ص: ۲۴۱

خاطر عقیده خود ، از جانشان نیز می گذرند و همواره برای عقاید که به آنها ایمان دارند ، ارزش قائل اند . پس انسانی که به خاطر عقیده خود از جانش می گذرد، از همسرش نیز می گذرد. لذا در انتخاب همسر باید دقّت شود که حتماً فردی را انتخاب کنند که از نظر نظام ارزشی و باورهای اعتقادی ، همانند باشند. ازدواج هایی که با عدم توافق عقیدتی و مذهبی انجام می شود ، به این امید که هریک از زوجین بتواند دیگری را از نظر مذهبی ، متحوّل و متقاعد کند، در همه موارد ، موفّق نیستند. بسیار دیده شده که مردی دارای اعتقادات مذهبی است و به عنوان مثال ، حجاب برای او یک ارزش است، به دلایلی ، به دختری علاقه مند می شود که به این مسئله ، پایبند نیست، یا اصلاً از نظر دینی ، با او اختلاف دارد و بی توجّه به این اختلاف و با این فکر که پس از ازدواج ، او را تغییر می دهد ، با او ازدواج می کند ؛ امّا پس از ازدواج ، متوجّه می شود که نه قادر است او را تغییر دهد و نه می تواند از ارزش ها و باورهای خود چشم پوشی کند . در این جا مشکل ایجاد می شود و این عدم توافق ، به اختلافات شدیدتر می انجامد . همین طور هم دختران دینداری که به پسرهایی علاقه مند می شوند که پایبند ارزش های دینی نیستند و با این فکر که می توانند پس از ازدواج ، بر شوهرشان تأثیر بگذارند ، اقدام به ازدواج می کنند ؛ امّا بعد متوجّه اشتباه خود می شوند. تأثیر این عدم توافق های دینی ، حتّی اگر در زندگی ، تحت تأثیر نوعی سازش، به حداقل برسد ، ولی با این حال ، این اثر را دارد که آن زن یا مرد ، از لذّت زندگی با فردی که در کنار او احساس همفکری و همرأیی می کند ، بی بهره اند . عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السلام در مورد ازدواج زن مؤمن ، با مرد ناصبی ای که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی دارد ، سؤال کرد. امام فرمود : لَا یُزَوَّجِ المُؤمِنَ النَّاصِبَهَ، وَ لا یَتَزَوَّجِ النَّاصِبُ المُؤمِنَهَ، وَ لَا یَتَزَوَّجُ المُستَضعَفُ مُؤمِنَهً . (۱)

.

۱- .الإستبصار ، ج ۳ ، ص ۱۸۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۵۴۹ .

ص: ۲۴۲

سه . توافق اخلاقی

مرد مؤمن ، با زن ناصبی ازدواج نکند و زن مؤمنه ، با مرد ناصبی ازدواج نکند و همین طور مردی که معرفت دینی او ضعیف است (و خوبی و بدی دینی را درست تشخیص نمی دهد) ، با زن مؤمن آگاه ، ازدواج نکند. اوّلین پیامد هماهنگی فکری و اعتقادی دو همسر ، کاهش اختلافات و جرّو بحث هاست و مواردی چون : هماهنگی روابط اجتماعی و حلقه دوستان و در صورت بروز اختلافات، داشتن مراجع یکسان برای حل اختلاف و داشتن دیدگاه های واقعی نسبت به جنس مخالف (از نظر حقوق و واجبات، حلال و حرام و ضوابط و مقررات به آن کمک می کند).

سه . توافق اخلاقییکی دیگر از مهم ترین معیارها برای انتخاب شریک زندگی ، «توافق در خُلق و خوی» است. ضرب المثل معروف «کبوتر با کبوتر ، باز با باز» تا حدّ زیادی با این معیار ، منطبق است. مطالعات بسیاری نشان داده است که انسان ها به سوی افرادی جذب می شوند که با آنها از نظر ویژگی های اخلاق فردی، نگرش ها، علایق و سرگرمی ها، هماهنگی داشته باشند. حتّی سفیدپوستان نیز به سیاهانی که نگرش های مشابهی دارند ، ابراز دوستی و محبّت بیشتری می کنند. باس (۱۹۸۵ م) دریافت که نامزدها و زوج های متأهّل ، مایل اند که بر حسب هوش، وظیفه اجتماعی، نگرش ها و ویژگی های اخلاقی مشابه ، با یکدیگر وصلت کنند. این یافته ها در چندین مطالعه مشابه دیگر نیز به تأیید و اثبات رسیده است. (۱) علاوه بر این ، شواهد دیگری نیز نشان می دهند که پایدارترین ازدواج ها، بین زوج هایی است که از نظر خلق و خوی ، شبیه به هم هستند (کتل و نسل رو ، ۱۹۶۷ م). (۲) یافته های بالا این عقیده رایج را که «اضداد ، یکدیگر را جذب می کنند» ، نفی

.

۱- .روش های برقراری ارتباط با دیگران ، ص ۵۰ .

۲- .ر. ک : همان ، ص ۵۳ .

ص: ۲۴۳

می کند. ضمن این که آزمایش های فراوانی ، جهت بررسی «تأثیر تشابه و تفاوت» انجام شده و معلوم گردیده که کدام یک بیشتر تأثیر دارد. به عنوان مثال ، بایرن و همکارانش (۱۹۸۶ م) در آزمایش های خود ، به این نتیجه رسیدند که وقتی ما با افراد جدید روبه رو می شویم، ابتدا آنهایی را که نگرش های بسیار نامشابهی با ما دارند ، به عنوان دوستان اصلی خود نمی پذیریم و آنها را رد می کنیم . این مسئله در زندگی روزمره ، قابل مشاهده است. افرادی که تیپ Aهستند ، قادر به تحمّل افرادی با تیپ B نیستند و افراد با تیپB ، از این همه عجله و شور و فعالیت تیپ A ، احساس سردرگمی می کنند. افراد پُرشور و با نشاط تیپ A ، از سردی و سردرگمی تیپB ، احساس ناراحتی می کنند. افراد بسیار حسّاس و رمانتیک ، از زندگی در کنار فردی خشک و رسمی و کاملاً عقلانی ، دچار ضربه عاطفی می شوند و قادر به دوست داشتن شریک خود نیستند . فرد مقابل هم در نتیجه شکست در برآورده ساختن انتظارات شریک خود، احساس ناتوانی می کند. همین طور افرادی که از نظر جنسی ، بسیار پُر شور و حرارت اند ، اگر با فردی ازدواج کنند که از نظر جنسی ، سرد و نافعال است ، هر دو طرف ، احساس نارضایتی خواهند کرد. این ویژگی ها و بسیاری ویژگی های دیگر، اهمیت زیادی در توافق زندگی زناشویی دارند و اموری نیستند که حتّی مشاوره و روان شناسی بتوانند آنها را رفع کنند، و بیشترین کاری که می توانند بکنند ، این است که کمی از حدّت و شدّت آنها بکاهند ، امّا هیچ گاه نمی توانند دو نفر را که از نظر ویژگی های شخصیتی و اخلاقی ، در دو طرف طیف قرار گرفته اند تا حدود زیادی به هم نزدیک کنند. بنا بر این ، دختران و پسران جوان ، بهتر است که پیش از ازدواج ، به مشاور مراجعه کنند تا به بررسی توافق یا اختلاف ویژگی های آنها بپردازد . اگر با هم مشابهت داشتند ، به این امر اقدام کنند وگرنه ، از این ازدواج ، صرف نظر کنند . والدین نیز این امر را به تأخیر نیندازند تا پس از ازدواج ، با صرف هزینه های زیاد ، به متخصّصی مراجعه کنند که فرزندانشان را به هم نزدیک سازد ؛ زیرا کم پیش می آید که این امر ، میسّر گردد.

.

ص: ۲۴۴

بایرن (۱۹۷۱ م) درباره علل اهمیت شباهت اخلاقی ، به چند چیز اشاره می کند : ۱ . افرادی که با نگرش های ما موافق اند ، در ذهن ما با ایجاد دیدگاهی درست، قابل قبول و ارزشمند از دنیا ، باعث تقویت عزّت نفسمان می شوند ؛ یعنی افراد مشابه با ما، تقویت مثبت برایمان فراهم می آورند. ۲ . کمتر چیزی وجود دارد که همانند «محبوب بودن از سوی دیگران» ، پاداش دهنده باشد. از این رو ، مسلّم می دانیم، افرادی که در نگرش های ما سهیم اند، ما را دوست خواهند داشت و ما نیز آنها را دوست خواهیم داشت. ۳ . ما عملاً مایلیم که فرصت های زیادی برای ملاقات با کسانی داشته باشیم که در نگرش های ما سهیم اند. این برخوردها و ملاقات ها که معمولاً مثبت اند احتمال گسترش رابطه دوستی را افزایش می دهند. ۴ . برقراری ارتباط با کسانی که شبیه به ما هستند، آسان تر است و بودن با آنها ، در ما احساس وحدت و یگانگی و تعلّق خاطر ایجاد می کند. ما می توانیم از همنشینی با آنها احساس آرامش کنیم و لذّت ببریم . همچنین می توانیم پیش بینی کنیم که برخوردهای بعدی با آنها احتمالاً، لذّت بخش و عاری از اضطراب و تضاد خواهد بود. البته این نکته را نیز باید اضافه کنیم که شباهت در برخی ویژگی های اخلاقی ، نه تنها موجب انسجام نمی شود ، بلکه هماهنگی را مشکل و احیاناً ناممکن می سازد . مثلاً مردی که سلطه جو و قدرت طلب است ، اگر با زنی ازدواج کند که همین ویژگی ها را دارد، زندگی آنها تبدیل به صحنه جنگ و جدال خواهد شد . بنا بر این ، لازم است دختر و پسری که قصد ازدواج دارند ، به همه جوانب شخصیتی یکدیگر توجّه کنند و اگر احساس می کنند که در این امر ناتوان اند ، بهتر است با مراجعه به متخصّصان، از آنها یاری بگیرند. با توجّه به مطالب بیان شده ، معلوم می شود که مهم ترین معیارها برای انتخاب همسر ، توافق دینی و توافق اخلاقی است که بدون این دو، توافق های دیگر ، تأثیر

.

ص: ۲۴۵

چهار . همشأنی اجتماعی

چندانی نخواهند داشت. به همین دلیل است که پیامبر صلی الله علیه و آله مکرراً تأکید می فرماید : إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوّجوه و إلّا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فسادٌ کبیر . (۱) اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از نظر دینی و اخلاقی ، با او توافق داشت ، او را تزویج کنید و اگر مانع این کار شوید ، باعث ایجاد فتنه و فساد بزرگی در زمین شده اید. هماهنگی اخلاقی و دینی ، آن قدر اهمیت دارد که اختلاف طبقاتی را تحت پوشش قرار می دهد و چه بسا افرادی ثروتمند ، با مشاهده امانتداری و دینداری یک جوان ، وی را به دامادی خود انتخاب کرده اند و آنها سال های سال ، باهم زندگی سعادتمند داشته اند . خانواده های متدیّن و اصیل (از جمله برخی از علما) هم با مشاهده ایمان و اخلاق یک جوان ، گرچه از طبقه پایین تر بوده است، دختر خود را به عقد او درآورده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مشابهی می فرماید : إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوّجوه. قلت: یا رسول الله! و إن کان دنیّاً فی نسبه ؟ قال: إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوّجوه، إلّا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر . (۲) اگر فردی که دین و اخلاق او را می پسندید ، به خواستگاری دخترتان آمد ، او را رد نکنید . [راوی]می گوید : ای رسول خدا! حتی اگر از نظر اصل و نسب ، در طبقه پایینی باشد ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید : اگر فردی آمد که دین و اخلاق او را می پسندید ، او را تزویج کنید و اگر این کار را نکنید ، فتنه و فساد بزرگی در زمین رخ می دهد.

چهار . همشأنی اجتماعیتا این جا روشن شد که هماهنگی در خلق و خوی، مهم ترین معیار برای تفاهم در زندگی مشترک است. معیارهای دیگری نیز وجود دارند که اگرچه تأثیر کمتری

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۷۶ ، ح ۲۵۰۷۳ .

۲- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۷۶ ، ح ۲۵۰۷۸ .

ص: ۲۴۶

پنج . دینداری و تقوا

دارنـد، امّـا بی تـأثیر نیسـتند . «رعـایت شـأن اجتماعی» از جمله آنهاست. مسـلّماً برای یک زن و مرد مؤمن واقعی، اختلاف طبقاتی ، اهمیتی نخواهـد داشت ؛ چرا که اسـلام ، این اختلاـف هـا را از بین برده و تنها عامل را «برتری تقوا و اسـلام» بیان کرده است ؛ امّا ، قطعاً تعداد این زوج ها زیاد نیسـتند . بنا بر این ، در زوج هایی که عامل «اسـلام» از آن چنان استحکامی برخوردار نیست که تفاوت طبقـاتی را تحت الشـعاع قرار دهـد، توافق و همـاهنگی طبقـاتی (چه از نظر طبقه اقتصـادی و چه طبقه اجتماعی و فرهنگی) ، اهمیت زیادی دارد ؛ زیرا باعث می شود که تفاهم و هماهنگی زوجین و همچنین همکاری و همـدلی آنها افزایش پیـدا کنـد و تشابه نیروی جنسـی و نگرش به آن ، از تحقیر و توهین به یکدیگر و فخرفروشـی نسـبت به همدیگر پیشـگیری شود. بنا بر این ، ازدواج فردی که همه افراد خـانواده او دارای تحصـیلات بالاـ هسـتند ، با فردی که از یک خانواده ثروتمنـد است ، امّا تحصـیلات بالا نـدارد، مطلوب نیست. همین طـور ازدواج فردی از طبقه ثروتمنـد ، بـا فردی از طبقه فقیر ، منـاسب نیست . نـتیجه این که بایـد شـئونات اجتمـاعی و اقتصادی رعایت شود.

پنـج . دینـداری و تقوااز ویژگی هـای شایسـته پسـران که بایـد مورد توجّه دختران و اولیـای آنان باشـد و در ازدواج ، مهم تلقّی می گردد این است که باید «متدیّن» باشـند و رفتارهایش بر محور تقوای الهی بچرخد. پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود : إِذَا جَاءَکُم مَن تَرضَونَ دِینَهُ وَ اَمَـانَتَهُ یَخطُبُ (إِلَیکُم) فَزَوِّجُوهُ، إِلَـا تَفعَلُوهُ تَکُن فِتنَهٌ فِی الأَـرضِ وَ فَسَـادٌ کَبِیرٌ . (۱) هرگاه کسـی به خواستگاری دختر شما آمـد و دینـداری و امانتـداری او را پسـندیدید، او را تزویـج کنیـد که اگر چنین نکنید ، در روی زمین ، تبهکاری و فساد بسـیار پدید خواهد آمد. نیز امام حسن علیه السلام به مردی که با ایشان درباره ازدواج دخترش مشورت کرده بود،

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۵۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۳۷۲ ، ح ۳ .

ص: ۲۴۷

فرمود : زَوِّجهـا مِن رَجُلٍ تَقِیٍّ، فَإِنَّه إِن أَحَبَّهَا أَکرَمَهَا وَ إِن أَبغَضَ هَا لَم یَظلِمهَا . (۱) او را به مردی باتقوا شوهر بـده ؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشـته باشـد ، گرامی اش می دارد و اگر دوسـتش نداشـته باشد ، به وی سـتم نمی کند. حتی ازدواج زن مؤمنه (یعنی زن آگاه و عارف به مسائل دینی) ، با مرد مستضـعف (یعنی مردی که اعتقادات او در هیـچ زمینه ای قوی نیست و نمی توان او را انسان مـؤمن آگـاه دانسـت) نیز نهی شـده است. امـام صـادق علیه السـلام فرمـود : وَ لا یَتَزَوَّجِ المُستَضـعَفُ مُؤمِنَهً . (۲) هرگز نبایـد مرد مستضـعف ، با زن مؤمن معتقد ، ازدواج کند. بنا بر این ، پسرانی که باایمان و دیندار نیستند ، مانند کسانی که در اعتقاد خود تردید دارند و یا در کارهای صالح و شایسـته شـرکت نمی کنند ، بلکه ، به صورت مستمر مرتکب گناه می شوند، شایستگی آن را ندارند که دختر مؤمن ، به همسـری او درآیـد. امام صادق علیه السـلام می فرماید : تَزَوَّجُوا فِی الشَّکَّاکِ وَ لَا تُزَوِّجُوهُم، لِأَنَّ المَرأَهَ تَأخُذُ مِن أَدَبِ زَوجِهَا و یَقهرُهَا عَلَی دِینِه . (۳) از خانواده ای که در حقانیت دین تردید دارند، زن بگیرید ، ولی به آنها زن ندهید ؛ زیرا زن ، تربیت و خلق و خوی مرد را به خود می گیرد و زن را تحت تأثیر آیین خود قرار می دهد. و امام رضا علیه السلام می فرماید : إِیَّاکَ أَن تُزَوِّجَ شَارِبَ الخَمرِ، فَإِن زَوَّجتَهُ فَکَأَنَّمَا قُدتَ إِلَی الزِّنا . (۴) از زن دادن به انسان شراب خوار بپرهیز که اگر به او زن دهی ، چنان است که دلّال زنا شده باشی.

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۴ ؛ میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۲۲۵۶ ، ح ۷۸۳۹ .

۲- .الإستبصار ، ج ۳ ، ص ۱۸۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۵۴۹ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۸ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۰۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۳۷۷ ، ح ۸ .

۴- .الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام ، ص ۲۳۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۹ ، ص ۱۴۲ ، ح ۵۵ .

ص: ۲۴۸

شش . رعایت فاصله سنّی

دلیل بیان امام علیه السلام مستی و بی غیرتی فرد شراب خوار است که چه بسا زن خود را به زنا وادار نماید . امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : مَن زَوَّجَ کَریمَتَهُ مِن شَارِبِ الخَمرِ فَقَد قَطَعَ رَحِمَهَا . (۱) کسی که دختر خود را به همسریِ انسان شراب خوار درآورد ، رَحِم او را قطع کرده است. زیرا دختر را از خانواده اش جدا کرده و به کسی داده است که از صله رحم و غیرتِ خویشی و دینی، هیچ برخوردار نیست.

شش . رعایت فاصله سنّیزن و مرد باید از نظر سنّی ، با یکدیگر تناسب داشته باشند . اختلاف زیاد بویژه بزرگ تر بودن زن، از نظر پزشکان و روان شناسان ، مطلوب نیست و علّت آن ، به تفاوت های زیستی زن و مرد برمی گردد. در هر حال ، اختلاف سنی حتّی در مواردی که مرد ، بزرگ تر است نباید از ده سال بیشتر باشد. آقای دکتر کیهان نیا در این مورد می نویسد : آمار نشان می دهد که بهترین فاصله سنّی بین دختر و پسر ، چهار تا هفت سال است که گاهی این ارقام ، بین دو تا ده سال هم در نوسان است. دلایل مهم آن نیز به قرار زیرند : ۱ . زن ، زودتر به بلوغ جسمی می رسد ؛ بنا بر این ، به نیازهای جنسی او باید زودتر پاسخ داد. ۲ . زن ، به علّت زایمان ، زودتر از مرد ، طراوت جسمی خود را از دست می دهد. در نتیجه ، فاصله سنّی ، باعث توازن فیزیکی و موازنه در شکستگی صورت و اندام ها می شود. ۳ . نیازهای جنسی در زنان ، زودتر فروکش می کند . به عبارت دیگر ، زنان پس از ۷۵ سالگی نیاز زیادی به روابط جنسی ندارند. در عوض ، مردانی بوده اند که پس از هشتاد سالگی(و ندرتاً بیشتر) هم بچّه دار شده اند.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۴۷ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۹۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۷۹ .

ص: ۲۴۹

هفت . توجه به خواست دختر و پسر

۴ . زن ، زودتر وارد مرحله بلـوغ اجتمـاعی می شـود و برای ازدواج آمـاده می گردد. (۱) این دلایـل، نشان دهنـده این امر است که بهترین فاصـله سـنّی ، بین چهار تا هفت سال است. طبیعی است که فاصـله سـنّی زوجین نباید فاصله فاحشی باشد (مثلاً پانزده سال یا بیشتر) ؛ چرا که نتیجه این ازدواج ، یـا عمری سوختن و ساختن است و یا جـدایی و طلاق. همچنین در مورد بیشتر بودن سن دختر از پسر، همین امر صادق است. خانواده ها باید مراقب باشند که سن عروس خانم ، از سن آقا داماد ، بیشتر نباشد. در صورتی که به این مسئله ، توجّه کافی نشود، این گروه هم مثل گروه قبلی ، محکوم به شکست خواهند بود ؛ یعنی این زندگی ، یا به طلاق می انجامد و یـا مرد مبـادرت به ازدواج دوباره می کنـد که این کار ، هم ناصواب است و هم زنـدگی را با مشـکل رو به رو می سازد. البته در شرایـط اسـتثنایی ، گـاهی اتفـاق افتـاده که سن زن، یکی دو سـال از مرد بیشتر بوده و زن و مرد توانسـته انـد بـا یکـدیگر به خوشـی زنـدگی کننـد ؛ ولی آنهـا آگاهانه و با علم به غلط بودن کارشان مبادرت به ازدواج کرده انـد ، و در نتیجه ، خود را از پیش، آماده مشـکلاتشان کرده اند و لاجرم توانسـته اند در کنار هم به زندگی ادامه دهند ؛ امّا یادمان باشد که آنها استثنا هستند و هرگز استثناها را نمی توان جای قاعده و معیارهای واقعی قرار داد.

هفت . توجه به خواست دخـتر و پسـراز جمله معیارهـای انتخـاب همسـر، خواست خود دختر و پسـر است. از این رو ، والـدین نبـاید فرزندانشان را به انتخاب موردی که آنها می گویند ، مجبور کنند یا با انتخاب آنها مخالفت کنند ؛ زیرا اجبار کردن دختر و پسر ، به انتخـاب فردی که مورد نظر والـدین است ، حتی اگر یـک فرد ایـده آل باشـد ، نـامطلوب است. این انتخـاب ، چون از روی اجبار و اکراه است ، معمولاً طرفی که مجبور به انتخاب شـده ، به جای دیـدن شـرایط خوب طرف مقابل، مدام به دنبال پیدا کردن ایرادهای اوست تا حرف خود را به خانواده و به دل خود ثابت کند که مخالفت او ، به جا بوده است .

.

۱- .«ازدواج و خانواده» ، مجله روزهای زندگی ، شماره ۲۳۱، ص ۲۲ .

ص: ۲۵۰

از طرف دیگر ، مخالفت خانواده ، با فردی که فرزند آنها انتخاب کرده اند ، نه تنها چشم او را به بدی های طرف مقابل باز نمی کند ، بلکه اصرار و لجاجت او را در رسیدن به فرد مورد نظر ، بیشتر می کند ، چرا که انسان ، به چیزی که منع شود ، حریص خواهد شد. مگر این که خانواده بتوانند با زبانی که بر فرزند آنها مؤثّر است یا از طریق فردی که برای جوان ، قابل اعتماد است ، با دلیل محکم ، به وی ثابت کنند که فرد مورد نظر او مناسب نیست. این روش هم گاهی برای بعضی از جوانان رشدنایافته ای که عشق آنها پایه های نوروتیکی دارد ، مؤثّر واقع نمی شود و تنها راه ، این است که به قول معروف : «سر آنها به سنگ بخورد». بنا بر این ، در این حالت نیز والدین یا باید اجازه دهند که جوان، خودش انتخاب کند و نتیجه آن را ببیند و یا او را نزد متخصّص ببرند که درمان شود. متأسّفانه بسیاری از مخالفت کردن های خانواده ها ، از روی معیارهای منطقی و عقلی نیست ؛ بلکه گاهی به بهانه های واهی (مثل : نداشتن تحصیلات بالا و نداشتن مال و ثروت آن چنانی) ، مانع ازدواج دخترهایشان می شوند. در این شرایط ، دختر و پسر می توانند با مراجعه به مراجع ذی صلاح ، بدون اجازه والدین ازدواج کنند. به هر حال ، از معیارهای ازدواج سالم، انتخاب خود دختر و پسر است و نباید والدین ، بدون رضایت دختر یا پسر، آنها را به عقد فردی در بیاورند. فردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: می خواهم با زنی ازدواج کنم و پدرم زن دیگری را برایم انتخاب کرده است . امام فرمود : تَزَوَّجِ الَّتِی هَوِیتَ وَدَعِ الَّتِی یَهوَی أَبَوَاکَ . (۱) با فردی که دوست داری ازدواج کن و به فردی که پدرت انتخاب کرده ، توجّه نکن .

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۰۱ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۹۳ .

ص: ۲۵۱

هشت . سلامت خانوادگی

در مورد دختران نیز امام صادق علیه السلام می فرماید : تُستَأمَرُ البِکرُ وَ غَیرُهَا، وَ لا تُنکَحُ إلَّا بِأَمرِهَا . (۱) نظر دختر باکره و غیر باکره را در امر ازدواج باید پرسید و بدون اجازه او، نباید او را تزویج نمود. و از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود : لا یُنکِح أَحَدُکُم ابنَتَهُ حَتَّی یَستَأمِرَهَا فِی نَفسِهَا، فَهِیَ أَعلَمُ بِنَفسِهَا، فَإن سَکَتَت أو بَکَت أو ضَحِکَت فَقَد أذِنَت، وَ إن أبَت لَم یُزَوِّجهَا . (۲) دختران خود را هرگز به عقد ازدواج کسی درنیاورید ، مگر این که نظر او را بپرسید ؛ چرا که او نسبت به خودش از همه آگاه تر است . پس اگر سکوت کرد یا گریه کرد یا خندید، نشانه اجازه دادن است و اگر امتناع و مخالفت کرد، نباید او را تزویج کنید. البته احتمالاً نشانه هایی که بیان شده، علامت های رایج در آن منطقه برای رضایت بوده است . ممکن است در فرهنگ ها و مناطق دیگر ، طور دیگری باشد ؛ ولی مهم این است که دختر ، راضی باشد و رضایت خود را به نحوی اعلام کند. در حدیث دیگری آمده که فردی با امام کاظم علیه السلام در امر ازدواج دخترش با برادرزاده اش مشورت کرد . امام فرمود : افعَل وَ یَکونَ ذَلِکَ بِرِضَاهَا، فَإنَّ لَهَا فِی نَفسِهَا نَصِیباً . (۳) انجام بده (و او را تزویج کن) ؛ امّا باید با رضایت او باشد ؛ چرا که او هم برای خود ، تمایلات و آرزوهایی دارد.

هشت . سلامت خانوادگیکسانی که در خانواده های اصیل و سالم ، رشد یافته اند ، از سلامت روانی

.

۱- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۸۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۷۱ .

۲- .دعائم الاسلام ، ج ۲ ، ص ۲۱۸ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۱۶ ، ح ۱۶۸۱۰ .

۳- .تهذیب الأحکام ، ج ۷ ، ص ۳۷۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۸۴ ، ح ۲۵۶۳۸ .

ص: ۲۵۲

برخوردارنـد ؛ ولی آنهایی که در خانواده های آشـفته رشـد کرده انـد و رفتارهای نابه هنجار را تجربه نموده اند ، معمولاً با مشـکل روانی روبه رو می شوند . از این رو ، در احادیث ، توصـیه بر این است که جوانان مؤمن ، از خانواده های شایسـته و اصـیل ، همسـر انتخاب کننـد ؛ زیرا علاوه بر نوع تربیت خانواده، صـفات ارثی ای که به فرزنـد منتقل شده نیز ، در روان دختر جوان ، تأثیر گذاشـته است . مسـلماً انسـان هـای گروه اوّل ، سـالم تر و قابل اعتمادترنـد (هر چنـد بسـیار کمیاب انـد). لـذا امام صادق علیه السـلام درباره اثربخشی ارثی و لزوم توجّه به شایستگی خانواده دختر می فرماید : تَزَوَّجُوا فِی الحجزِ الصَّالح فَإِنَّ العِرقَ دَسَّاسٌ . (۱) از خانواده های صالـح ، همسـر اختیـار کنیـد ؛ زیرا در ویژگی های ارثی فرزنـدان تأثیر می گـذارد. این حـدیث ، هماهنگ با کشـفیات جدیـد علم ژنتیک ، نشان می دهد که بسـیاری از ویژگی ها ، از طریق ژن ها منتقل می شوند و نه فقط ژن های پدر و مادر ، بلکه اجداد نیز در آن تأثیر دارند . این مطلب ، مُهر تأییدی است بر این ضـرب المثل عامیانه که : «مادر را ببین ، دختر را بگیر». اگرچه امروزه ، تفاوت هـای آشـکاری بین جوانـان و والـدین آنهـا ایجـاد شـده که گویی از دو دنیـای متفاوت انـد ، امّا این تفاوت ها فقط در نگرش ها و باورهـاست (که آن هم پس از ازدواج ، کم رنـگ می شود) وگرنه ویژگی هـایی که مـادر در فرزنـد خود پرورش داده، در اعمـاق وجود او نفوذ می کنـد و رهایی از آنها بسـیار مشـکل است. بارها مشاهده شده که فرد ، آشـکارا بعضـی افکار ، باورها و رفتارهای والـدین خـود را نکـوهش می کنـد ، امّـا در عمـل ، ناخودآگـاه همـان شـیوه را در پیش می گیرد. بنـا بر ایـن ، در انتخـاب همسـر ، ملاحظات علم ژنتیک را نبایـد نادیده گرفت. به جاست که درباره ویژگی های خانوادگی ای که در فرزندان آینده شـما پدیدارمی شوند، تحقیقات کافی بنمایید. شما می توانید در این باره ، به طور کامل ،

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۱۹۷ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۲۹۶ .

ص: ۲۵۳

ج . ارتقای شناختی همسران

۱ . شناخت نیازها و عواطف

روی شخصیت، اخلاق و قوای دِماغی دختر مورد علاقه خود بررسی نمایید و ویژگی های خانوادگی او را هم به حساب آورید. اگر اثرات دیوانگی، صرع و دیگر رگه های ضعف بُنیه در والدین، نیاکان، برادران و خواهران، عموها و عمّه ها دیده شود ، احتمالاً ممکن است نتیجه بگیرید که حاضر نیستید چنین ویژگی هایی به فرزندانتان منتقل گردد. اگر تصمیم گرفتید که از این خانواده ، زن بگیرید، اطمینان حاصل کنید که خانواده خودتان به حد کافی ، قوی است تا بتواند اثرات رگه های چنین ضعفی را جبران کند .

ج ارتقای شناختی همسرانپس از آن که جوان ازدواج کرد ، در دوران عقدبستگی باید آموزش های لازم را درباره افزایش مهارت های شناختی نسبت به همسر و پرورش نگرش ها و باورهای صحیح شیوه های ارتباطی و اخلاقی فراگیرد. اموری که دختران و پسران جوان ، پس از ازدواج باید نسبت به آنها آگاه شوند و شناخت کافی پیدا کنند تا بتوانند زندگی را به صورت مطلوب ادامه دهند (و در احادیث نیز بر آگاه سازی جوانان از آنها تأکید شده است) ، عبارت ند از : شناخت توانمندی ها، احساسات و عواطف، خواسته ها و حقوق متقابل یکدیگر .

۱ . شناخت نیازها و عواطفهر یک از زن و مرد باید نیازها و عواطف یکدیگر را بشناسند . مرد باید آگاه باشد از این که زن ، بنده محبّت است و علاقه ها و خواسته هایی دارد ؛ دوست دارد مورد حمایت و محبّت مرد قرار گیرد و برایش ارزش قائل شود ؛ علاقه مندی اش را آشکارا به وی اعلام کند ؛ بپزیرد که زن ، احساسی و هیجانی است ؛ به زیورآلات، آرایش، امور تشریفاتی و پرحرفی علاقه مند است ؛ دل نازک است و زود به گریه می افتد و چه بسا تحت تأثیر هیجانات، برخورد مناسبی نداشته باشد . بنا بر این ، انتظار دارد که همانند مردان با وی برخورد نشود. زن نیز باید بشناسد مرد را که بنده شهوت است ؛

.

ص: ۲۵۴

۲ . شناخت حقوق جنسی

از تصاحب زن خوشش می آید ؛ خون سرد و شجاع است ؛ خیلی علاقه به پرحرفی ندارد ؛ بیش از آن که به امور تشریفاتی بیندیشد ، به واقعیات زندگی می اندیشد ؛ حرف های او نوعاً با منطق همراه است و سنجیده تر و پخته تر سخن می گوید و تصمیم می گیرد . بنا بر این ، انتظار دارد که مدیریت وی در خانه پذیرفته شود، به شخصیتش احترام گذاشته شود و با محبّت و نرمی ، با او سخن گفته شود.

۲ . شناخت حقوق جنسیخداوند متعال با توجّه به توانمندی ها و نیازهای گوناگون زن و مرد ، برای آنان حقوق متقابلی را وضع کرده و آنها را به انجام دادن آن ، مکلّف نموده است. آگاهی از این حقوق برای جوان ، زمینه مناسبی را برای ارتقای سطح زندگی مشترک آنها فراهم می سازد. در متون حدیثی ، زیاد به این حقوق پرداخته شده است. از بین حقوق گوناگون زوجین ، «حقوق جنسی» ، با ازدواج برای هر یک از زوجین نسبت به یکدیگر پدید می آید. آگاهی از این حقوق برای هر یک از آنها حائز اهمیت است و در پیوند و استحکام زندگی خانوادگی آنها مؤثّر است . آشنایی زوجین با روش های روان شناختی و عاطفی زمینه ساز اجرای عملی این حقوق، در پیشگیری از اختلاف و بروز تنش در زندگی مشترک آنها، ارتقای سلامت روانی زوجین، رشد احساس وابستگی بین آنها و استحکام بیشتر زناشویی، تأثیر به سزایی دارد. منظور از حقوق جنسی، حق هایی است که پس از ازدواج پدید می آیند و همگی در ارتباط با لذّت جنسی زوجین اند . هر یک از زوجین در برابر حقوقی که همسرش دارد ، موظّف به انجام دادن فعالیت هایی است که در جهت لذّت جنسی همسرش باید انجام دهد. مهم ترین و اساسی ترین حق جنسی ، «تمکین» نسبت به همسر و پرهیز از نشوذ است . هر یک از زوجین ، احساس نیاز می کند که همسرش برای لذّت او، فعالیت کند و بدون عذر ، از آمیزش خودداری ننماید. این احساس نیاز، حقّی است که هر یک نسبت به دیگری دارد. این حق در اصطلاح حقوق فقهی «حق تمکین» نام دارد و

.

ص: ۲۵۵

موجب وظایفی ویژه در فعالیت های جنسی و آمیزش برای زن و شوهر می گردد. نَشَزَ در لغت به معنای بلند شدن و ارتفاع و بلندی است. «نَشَزَ الرجل» یعنی نشسته بود ، پس برخاست و ایستاد. «نَشَزَتِ المرأه بزوجها نشوزاً» یعنی با شوهرش ناسازگاری کرد و او را به خشم آورد. «نشز الرجل بزوجته» یعنی سر ناسازگاری با او گذاشت و به او توجّه لازم را نمی کرد. بنا بر این ، آنچه در قرآن و احادیث مطرح شده ، نشوز هم برای مرد است و هم برای زن. قرآن درباره نشوز مرد، ضمن اشاره به این نکته که نشوز ، بد است و صلح و آشتی ، خیر ، می فرماید : «وَإِنِ امْرَأَهٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ . (۱) اگر زنی از شوهر خویش، بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد، مشکلی نیست که از راه صلح ، با یکدیگر به آشتی گرایند و سازش و صلح ، نیکوست». در احادیث فراوانی ، نشوز مرد از زن مطرح شده و در آنها خواسته است که مرد از ناسازگاری با زن و بی توجّهی به نیاز جنسی زن ، خودداری کند و اگر موردی وجود دارد که باعث بی توجّهی و ناسازگاری شده، آن را حل کنند و با آشتی بین خود ، به نشوز پایان دهند. (۲) در حکومت ، اگر با ارشاد و امر به معروف، مرد کوتاه نیامد با تهدید و امور قانونی باید اقدام نمود. مانند آنچه که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد . شهید مطهری رحمه الله جریان را چنین نقل می کند که علی علیه السلام در زمان خلافت خود ، کار رسیدگی به شکایات را خودش شخصاً به عهده می گرفت و به کس دیگری واگذار نمی کرد . روزهای بسیار گرم که معمولاً مردم ، نیم روز در خانه های خود استراحت می کردند ، او در بیرون دارالاماره ، در سایه دیوار می نشست که اگر احیاناً کسی شکایتی داشته باشد ، بدون واسطه و مانع ، شکایت خود را تسلیم کند. گاهی در کوچه ها و خیابان ها راه می افتاد،

.

۱- .سوره نساء ، آیه ۱۲۸ .

۲- .ر . ک : بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۵۲ ، ح ۷ .

ص: ۲۵۶

تجسّس می کرد و اوضاع عمومی را از نزدیک ، تحت نظر می گرفت. یکی از روزهای بسیار گرم، خسته و عرق کرده ، به مقر حکومت مراجعت کرد. زنی را جلوی در ایستاده دید. همین که چشم زن به علی افتاد ، جلو آمد و گفت : شکایتی دارم . شوهرم به من ظلم کرده، مرا از خانه بیرون نموده و مرا تهدید به کتک کرده که اگر به خانه بروم ، مرا کتک خواهد زد. اکنون به دادخواهی نزد تو آمده ام . امام علی علیه السلام فرمود : «بنده خدا! الآن هوا خیلی گرم است، صبر کن تا عصر که هوا قدری بهتر بشود، خودم به خواست خدا با تو خواهم آمد و ترتیبی به کار تو خواهم داد». زن گفت : اگر توقّف من در بیرون خانه ، طول بکشد، بیم آن است که خشم او افزون گردد و بیشتر مرا اذیت کند. علی لحظه ای سر را پایین انداخت . سپس سر را بلند کرد و در حالی که با خود زمزمه می کرد گفت: «نه، به خدا قسم که نباید رسیدگی به دادخواهی مظلوم را تأخیر انداخت! حق مظلوم را حتماً باید از ظالم گرفت و وحشت ظالم را باید از دل مظلوم بیرون کرد تا با کمال شهامت و بدون ترس ، در برابر ظالم بایستد و حق خود را مطالبه کند» . علی به اتفاق آن زن ، به در خانه شان رفت . پشت در ایستاد و به آواز بلند فریاد کرد . جوانی بیرون آمد که شوهر زن بود. جوان ، علی را نشناخت . دید پیرمردی که در حدود شصت سال دارد ، به اتفاق زنش آمده است. فهمید که زنش این مرد را برای حمایت و شفاعت با خود آورده است ؛ اما حرفی نزد. علی علیه السلام فرمود : «این بانو که زن توست ، از تو شکایت دارد و می گوید که تو به او ظلم کرده ای و او را از خانه بیرون انداخته ای . به علاوه ، او را تهدید به کتک نموده ای. من آمده ام به تو بگویم که از خدا بترس و با زن خود ، نیکی و مهربانی کن !» . آن مرد گفت: به تو چه مربوط که من با زنم خوب رفتار کرده ام یا بد! بله ، من او را تهدید به کتک کرده ام ؛ امّا حالا که رفته و تو را آورده و تو از جانب او حرف می زنی ، او را زنده زنده آتش خواهم زد. علی از گستاخی جوان برآشفت، دست به قبضه شمشیر بُرد و از غلاف بیرون کشید. آن گاه گفت : «من تو را اندرز می دهم و امر به معروف و نهی از منکر می کنم و

.

ص: ۲۵۷

مراد از نشوز چیست؟

تو این طور جواب مرا می دهی! صریحاً می گویی که من این زن را خواهم سوزاند! خیال کرده ای که دنیا این قدر بی حساب است؟» . فریاد علی که بلند شد ، مردم عابر ، از گوشه و کنار جمع شدند. هرکس که می آمد، در مقابل علی تعظیمی می کرد و می گفت: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» . جوان مغرور ، تازه متوجّه شده بود که با چه کسی روبه روست . خود را باخت و به التماس افتاد: یا امیرالمؤمنین! مرا ببخش ! به خطای خود اعتراف می کنم. از این ساعت ، قول می دهم که مطیع و فرمانبردار زنم باشم و هرچه فرمان دهد ، اطاعت کنم. علی رو کرد به آن زن و فرمود : «اکنون به خانه خودت برو ؛ امّا تو هم مواظب باش که طوری رفتار نکنی که او را به این چنین اعمالی وادار کنی . (۱) قرآن ، درباره نشوز زن ، ضمن نهی از اقدام به نشوز و لزوم حل این مشکل می فرماید : «وَالَّتِی تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلَا تَبْغُواْ عَلَیْهِنَّ سَبِیلاً . (۲) زنانی را که می ترسید سرکشی و نافرمانی کنند ، آنها را ابتدا نصیحت کنید ، سپس با آنها قهر کنید و از آنها در رخت خواب دوری کنید (اگر مفید واقع نشد) و به آنها بزنید . پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی برای تعدّی بر آنها نجویید». در روایات فراوانی هم به نشوز زن نسبت به مرد، پرداخته شده است که می توانید بدان ها مراجعه کنید. (۳)

مراد از نشوز چیست؟آیا زن باید در همه امور ، از شوهرش اطاعت کند و هر عصیانی از اوامر شوهر ، بر او

.

۱- .مناقب آل أبی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۷۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۴۱ ، ص ۵۷ (به نقل از داستان راستان ، ج ۲ ، ص ۲۶۶ ۲۶۹) .

۲- .سوره نساء ، آیه ۳۴ .

۳- .ر. ک : بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۵۵ ، ح ۱ و ص ۵۷ ، ح ۳ و ص ۵۸ ، ح ۷ .

ص: ۲۵۸

حرام است و نشوز و سرکشی به حساب می آید ؟ بیشتر فقها و مفسران ، نشوز زن را به معنای خودداری او از تمکین بدون داشتن عذر می دانند ؛ زیرا تنها حق شرعی مرد که فقها بر آن اتفاق نظر دارند و زن ، موظّف به رعایت آن است ، عدم خودداری او از استمتاع شوهرش با وی است و در مورد بیرون رفتن زن از خانه بدون اذن شوهر ، بین فقها اتفاق نظر نیست . عدّه ای مطلقاً آن را نهی می کنند و عدّه ای معتقدند که اگر بیرون رفتن زن ، باعث از بین رفتن حق تمتّع مرد از زن شود ، حق ندارد بدون اجازه او از خانه خارج شود. بنا بر این ، طبق این تفسیر ، اگر زن بدون عذر، خود را بر شوهرش عرضه نکرد و اجازه نداد که شوهرش با او آمیزشی کند ، مرد ، ابتدا باید با او صحبت کند و او را نصیحت کند ، و اگر مفید واقع نشد و زن همچنان به روش خود ادامه داد ، مرد حق دارد که در بستر از آنها دوری کند و به اصطلاح ، به حالت قهر بخوابد. اگر باز هم مؤثّر واقع نشد ، می تواند او را بزند ، البته به گونه ای که از حدود موازین شرعی ، تخلّف نکند . در واقع ، خداوند در این آیه ، سه مرحله برای حلّ این مشکل تعیین می کند. در مرحله اوّل ، مرد با همسرش صحبت می کند و اتفاقاً از نظر روان شناسی هم این ، یکی از روش های حل مسئله است که زوجین با یکدیگر گفتگو کنند و از این طریق ، مشکلاتشان را حل کنند ؛ و امّا اگر گفتگو مفید واقع نشد و زن همچنان به روش خود ادامه داد ، مرد می تواند وارد مرحله دوم شود و آن این است که در بستر ، از همسرش روی گردانی کند. از نظر علمی نیز یکی از روش های درمان سردمزاجی زنان، خودداری از آمیزش با آنهاست. (البته در این جا این اشکال مطرح می شود که در آن روش درمانی ، مرد ، دیگر تمتّعات را انجام می دهد ، ولی آمیزش نمی کند و وقتی که مرد قهر باشد ، خود به خود ، دیگر تمتّعات را انجام نخواهد داد). امّا بحث و اشکال بر سر روش سوم است و آن ، این که آیا زدن زنی که حاضر به آمیزش نیست ، واقعاً مفید است ؟ در این جا باید باز به کلمه نشوز برگردیم و این که نشوز ، به معنای عصیان و سرکشی است و تفاوت بسیاری بین این نوع خودداری از انجام دادن وظایف جنسی

.

ص: ۲۵۹

آیه ، شامل چه کسانی است؟

که همراه با سرکشی است و خودداری ای که به دلیل مشکلات روحی روانی است ، وجود دارد . در این جا ممکن است سرکشی ، به این معنا باشد که زن ، عمداً و برای تضییع حقوق مرد و از روی پرخاشگری ، حاضر به آمیزش نیست. از طرفی ، گفتگو و قهر کردن هم با او مؤثّر واقع نشده ، پس به آخرین وسیله تضمینی ، متوسّل می شود تا بدین وسیله ، زن بترسد و از عصیان و نافرمانی ، دست بکشد.

آیه ، شامل چه کسانی است؟نکته دیگری که باید در این زمینه روشن شود ، این است که آیا این آیه ، تمام زنان را شامل می شود یا عده خاصی را در برمی گیرد؟ تمکین ، در سه مرحله : آراستگی ، آماده سازی و آمیزش ، از حقوق جنسی زوجین محسوب می شود که در متون حدیثی ، انجام دادن هر سه مرحله ، از جمله وظایف جنسی زن و شوهر شمرده شده است و تفصیل آن ، در آخر همین فصل خواهد آمد . مسلماً زن هم به طور طبیعی ، نیاز جنسی دارد و از ارضای آن لذّت می برد (هر چند تمایل او به علّت مسائل پیرامونی ، محدودتر از مرد است) و بر فرض که در ابتدای ازدواج ، حیای زن ، او را مانع از عرضه خود به شوهر باشد ، ولی این امتناع ، با امتناع از روی سرکشی ، متفاوت است و واضح است که آیه ، شامل این نوع خودداری نمی شود . بنا بر این ، آیه عام نیست و نظر به موارد ویژه ای دارد . پس در چه مواردی زن از انجام دادن عمل آمیزشی خودداری می کند ، آن هم خودداری همراه با سرکشی ؟ چند حالت در این زمینه وجود دارد که زن از انجام دادن عمل جنسی خودداری می کند ؛ ولی باز هم در همه این موارد ، همراه با سرکشی نیست . این موارد ، عبارت اند از : ۱ . بیماری های جسمی (بیماری دستگاه تناسلی) : بیماری هایی وجود دارند که در آنها ، مقاربت دردناک می شود و به این علت ، زن ، تمایلی به عمل زناشویی پیدا نمی کند. در این حالت ، زن عذر دارد و شامل مورد نشوز نمی شود. ۲ . بیماری های جنسی با منشأ روانی (مثل سرد مزاجی) : تعدادی از بیماری های جنسی

.

ص: ۲۶۰

وجود دارنـد که در صورت ابتلاـی زن به آنهـا ، تمـایلی به انجام دادن عمل جنسـی نـدارد ؛ امّا با روش های درمانی مختلف ، قابل درمان است. در ضمن ، خودداری او از انجام دادن این عمل ، اگر به علت بیماری جنسی باشد ، باز هم همراه با سرکشی و نافرمانی نخواهـد بود ؛ بلکه همراه با بی میلی و کراهت خواهد بود. پس باز هم مورد نشوز ، بر این حالت صدق نمی کند. ۳ . بیماری روانی که تمایلاـت جنسـی را خاموش یا کم می کنـد : ابتلا به بعضـی بیماری های روانی (مثل افسـردگی) باعث می شود که فرد ، تمایل خود را به لذّت ، به طور کلّی از دست بدهد و یکی از این موارد هم لذّت جنسـی است. همچنین بعضـی از بیماری های شخصیتی ، مثـل شخصـیت هیسترونیـک یـا نمایشـی ، بـاعث سـردمزاجی می شونـد . در این موارد نیز ممکن است که زن ، از انجام دادن عمل جنسـی خـودداری کنـد ؛ ولی در این مورد هم از طرفی ، بحث بیمـاری است و بیمـاری ، یـک عـذر است . از طرف دیگر ، در این موارد ، معمولاً خودداری ، همراه با سرکشی نیست. ۴ . تنفّر زن از شوهر : یکی از تفاوت ها ی جنسی زن و مرد ، این است که مرد اگر از زن متنفّر باشـد ، بـاز هم می توانـد بـا او آمیزش کنـد ؛ ولی اگر زن ، متنفّر باشـد ، نه تنهـا از این عمـل لـذّت نمی برد ، بلکه ممکن است که تمام سـعی خود را بکنـد تا از انجام شـدن این عمل جلوگیری کنـد که ممکن است یکی از این اعمال ، سرکشـی و نافرمانی باشد. در این حالت ، ممکن است گفتگو یا قهر کردن ، تا حدی مؤثّر واقع شود ؛ ولی آیا کتک زدن ، مؤثّر واقع می شود؟ و آیـا تنفّر زن را بیشتر نمی کنـد؟ شایـد راه حـل بهتر در این زمینه (پس از امتحـان کردن راه های دیگر) ، جـدایی این زن و شوهر باشد ! ۵ . تمایـل زن به مردی غیر از شـوهرش: آخرین مورد در این بخش ، موردی است که زن ، به مرد دیگری وابسـته یـا میـل به تمکین او دارد ، لذا میلی به شوهرش ندارد ؛ بلکه در برابر تمایلات شوهر ، سرکشـی و نافرمانی می کند. شاید این مورد ، بارزترین مصداق نشوز باشد و احتمال دارد که اصلاً مسئله نشوز ، فقط متعلّق به این مورد باشد که مرد ، نشانه های توجّه همسرش به دیگری را می بیند و یا رفتارها و برخوردهایی را

.

ص: ۲۶۱

مشاهده می کند که زمینه دلبستگی به مرد دیگری را در او پدید می آورد ؛ زیرا خداوند در آیه ای که می فرماید : «آنهایی که می ترسیدند نشوز کنند» ؛ یعنی این که هنوز به طور آشکار نشوز نکردند ، ولی نشانه های آن بارز شده است . این که خداوند می فرماید: «نشانه های آن را می بیند» ، تأکیدی بر این مطلب است که مورد نشوز ، به این مسئله برمی گردد ؛ زیرا اگر زن ، کاملاً به دیگری دلبسته شده باشد و از شوهرش سرکشی کند ، دیگر هیچ یک از آن مراحل ، مؤثر نخواهد بود ؛ ولی آیه ، به مواردی مربوط است که می توان با ارشاد و موعظه و یا با بی مهری کردن و جدا کردن رخت خواب به صورت موقّتی و یا با زدن ، از این رفتار جلوگیری کرد.

.

ص: ۲۶۲

. .

ص: ۲۶۳

دوم . عوامل تأثیرگذار مستقیم

الف . شناسایی شرایط ارتباط جنسی

۱ . شرایط مکانی

دوم . عوامل تأثیرگذار مستقیمالف شناسایی شرایط ارتباط جنسیاز جمله شرایط ارتباط جنسی ، موقعیت مکانی و زمانی مناسب برای برقراری ارتباط های جنسی است. باید توجه داشت که تبیین این شرایط در متون حدیثی ، به دلیل آثار روانی و تربیتی آن شرایط ، به روی زوجین و بویژه بر فرزندانی است که از آنها متولّد می شوند. اینک به این شرایط اشاره می گردد:

۱ . شرایط مکانیارتباط جنسی ، یکی از خصوصی ترین روابط بشری است و معمولاً انسان ها دوست ندارند کسی در این لحظات ، آنها را مشاهده کنند و مشاهده فردی دیگر (حتی کودکی خردسال) ، حیا و عفّت را از بین می برد . بنا بر این ، این ارتباط باید در مکانی صورت گیرد که کسی قادر به دیدن آنها نباشد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إِذَا أَتَی أَحَدُکُم أَهلَهُ فَلیَستَتِر، فَإِنَّهُ إِذَا لَم یَستَتِر استَحیَت المَلائِکَهُ وَ خَرَجَت وَ حَضَرَت الشَّیَاطِینُ، فَإِذَا کَانَ بَینَهُمَا وَلَدٌ کَانَ لِلشَّیطَانِ فِیهِ شِرکٌ . (۱) هنگامی که قصد هم بستری با همسرتان دارید، در جایی انجام دهید که مستور باشید ؛ چرا که اگر این گونه نباشد، ملائکه شرم می کنند و از آنجا خارج می شوند و شیاطین وارد می شوند و اگر فرزندی میان شما باشد ، برای شیطان ، شریکی پیدا شده است . در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید :

.

۱- .کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۴۳ .

ص: ۲۶۴

لا ـ يُجَامِعِ الرَّجُلُ امرَأَهَ وَ لَا جَارِيَهً وَ فِي البَيتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزِّنَا . (۱) از آمیزش کردن در جایی که در خانه ، کودکی هست (که آنها را می بیند یا صدای آنان را می شنود) خودداری کنید که این کار ، به وجود آورنده زناست. از جمله موقعیت های مکانی ، رو یا پشت به قبله و یا در کشتی به رابطه جنسی پرداختن است. امام صادق علیه السلام می فرماید : لا تُجَامِعِ فِي السَّفِينَهِ وَ لَا مُستَقبِلَ القِبلَهِ وَ لَا مُستَدبِرَهَا . (۲) در کشتی ، با همسرت نزدیکی نکن ؛ همچنین در حالی که رو به قبله یا پشت به قبله خوابیده ای . همچنین زیر درخت نیز برای رابطه جنسی مناسب نمی باشد . پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : لا تُجَامِعِ امرَأَتَكَ تَحتَ شَجَرَهٍ مُثمِرَهٍ فَإِنَّهُ إِن قُضِيَ بَينَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ جَلَاداً قَتَّالاً أو عَرِيفاً . (۳) زیر درخت باردار ، نزدیکی نکن ، که اگر نطفه فرزندی منعقد شود ، ممکن است که خونریز یا کاهن شود. در احادیث از آمیزش روی پشت بام و مسافرت های کوتاه نیز نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : يَا عَلِيُّ! لَا تُجَامِعِ عَلَى سُقُوفِ البُيُوتِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِيَ بَينَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُنَافِقاً، مُرَائِياً مُبتَدِعاً . (۴) علی جان ! روی پشت بام با همسرت نزدیکی نکن، که اگر نطفه ای منعقد شود ، آن کودک ، منافق، دورو و بدعت گذار می شود. همچنین آن حضرت فرمود : لَا تُجَامِعِ أَهلَكَ إِذَا خَرَجتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرُهُ ثَلَاثَهُ أَيَّام وَ لَيَالِيهِنَّ، فَإِنَّهُ إِن قُضِيَ بَينَكُمَا

.

۱- .الكافي ، ج ۵ ، ص ۴۹۹ ۵۰۰ ؛ وسائل الشيعه ، ج ۱۴، ص ۹۴ ۹۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۹۰ .

۲- .مكارم الأخلاق ، ص ۲۱۲ ؛ مستدرك الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۳۰ .

۳- .كتاب من لا يحضره الفقيه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ؛ وسائل الشيعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۱ .

۴- .كتاب من لا يحضره الفقيه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ؛ وسائل الشيعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۳ .

ص: ۲۶۵

۲ . شرایط زمانی

وَلَدٌ یَکُونُ عَوناً لِکُلِّ ظَالِمٍ. (۱) در مسافرتی که مسیرش سه شبانه روز است ، با همسرت نزدیکی نکن ؛ زیرا اگر نطفه ای در این زمان منعقد شود ، کمک کننده به ظالم خواهد شد.

۲ . شرایط زمانیدر روایات معصومان علیهم السلام زمان هایی معرفی شده که در آنها نزدیکی (البته بیشتر به قصد فرزنددار شدن) مکروه است و زمان هایی هم مستحب است. امام رضا علیه السلام فرمود : لا تَقرُبِ النِّسَاءَ مِن أَوَّلِ اللَّیلِ صَیفاً وَ لَا شِتَاءً وَ ذَلِکَ لِأَنَّ المَعِدَهَ وَ العُرُوقَ تَکُونُ مُمتَلِئَهً وَ هُوَ غَیرُ مَحمُودٌ وَ یَتَوَلَّدُ مِنهُ القُولَنجُ وَ الفَالِجُ وَ اللَّقوَهُ النِّقرِسُ وَ الحَصَاهُ وَ التَّقطِیرُ وَ الفَتقُ وَ ضَعفُ البَصَرِ وَ رِقَّتُهُ. فَإِذَا أَرَدتَ ذَلِکَ فَلیَکُن فِی آخِرِ اللَّیلِ، فَإِنَّهُ أَصلَحُ لِلبَدَنِ وَ أَرجَی لِلوَلَدِ وَ أَزکَی لِلعَقلِ فِی الوَلَدِ الَّذِی یَقضِی اللّهُ بَینَهُمَا . (۲) از نزدیکی کردن با همسرت در اوایل شب چه در تابستان و چه در زمستان خودداری کن ؛ چرا که در آن هنگام ، معده و رگ ها پر هستند . لذا نزدیکی مطلوب نیست و باعث ایجاد قولنج و فلج و نقرس و سنگ کلیه و تقطّر ادرار و فتق و ضعف بینایی می شود . پس اگر قصد این کار را داشتی ، بهتر است که آخر شب باشد ؛ چرا که برای بدن مفیدتر است وبرای هوش فرزندی که نطفه اش منعقد می گردد ، بهتر است. فردی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد : چه اوقاتی وجود دارد که در آن ، آمیزش حتی اگر حلال باشد، مکروه است؟ امام فرمود : مِن طُلُوعِ الفَجرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمسِ، وَ مِن مَغِیبِ الشَّمسِ إِلَی مَغِیبِ الشَّفَقِ، وَ فِی الیَومِ الَّذِی تَنکَسِفُ فِیهِ الشَّمسُ وَ فِی اللَّیلَهِ الَّتِی یَنخَسِفُ فِیهَا القَمَرُ، وَ فِی الیَومِ وَاللَّیلَهِ الَّتِی تَکُونُ فِیهَا الرِّیحُ السَّوداءُ أَو الرِّیحُ الحَمرَاءُ أَو الرِّیحُ الصَّفرَاءُ وَ الیَومِ وَ اللَّیلَهِ الَّتِی تَکُونُ فِیهَا الزَّلزَلَهُ . (۳)

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۱ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۳۲۷ .

۳- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۹۱ ، ص ۱۳۹ .

ص: ۲۶۶

از هنگـامی که فجر طلوع می کنـد تـا طلوع خورشـید، از هنگامی که خورشـید غروب می کنـد تا وقتی که سـرخی آن می رود، در روزی که کسوف یـا خسوف رخ دهـد ، در هنگـامی که بادهای سـیاه یا زرد یا سـرخ بوزد و یا در روز و شبی که زلزله باشـد. امام صادق علیه السـلام می فرماید : لَا تُجامِع فِی أَوَّلِ الشَّهرِ، وَ لَا فِی وَسَـطِهِ، وَ لَا فِی آخِرِهِ، فَإِنَّهُ مَن فَعَلَ ذَلِکَ فَلیُسَلِّم لِسِقطِ الوَلَدِ. فَإِن تَمَّ أَوشَکَ أن یَکونَ مَجنُوناً. أَلَا تَرَی أَنَّ المَجنُونَ أَکثَرُ مَا یُصـرَعُ فِی أَوَّلِ الشَّهرِ وَوَسَـطِهِ وَ آخِرِهِ . (۱) از آمیزش در اوّل مـاه و آخر ماه و وسط ماه بپرهیز که اگر این کار را بکنی ، احتمال سـقط شـدن فرزنـدت زیاد می شود . امّا اگر سـقط نشود و متولّـد گردد ، احتمال دیوانگی او زیاد است . آیا نمی بینی که صـرع ، در اوّل ماه و وسط ماه و آخر ماه ، بیشتر به سراغ بیماران صرعی می رود ؟ همچنین فرمود : تُکرَهُ الجَنَابَهُ حِینَ تَصفَرُّ الشَّمسُ وَ حَینَ تَطلُعُ وَ هِیَ صَفرَاءُ . (۲) جنب بودن در وقتی که خورشید زرد می شود و یا طلوع می کنـد و در حـالی که زرد رنگ است مکروه است. در این نوع احادیث ، رفتارهای جنسـی در زمان های خاص ، در بروز مشـکلات جسـمی و روانی ، مؤثّر دانسـته شـده اند . این ، بدان معناست که رفتارهای جنسـی در شـرایط زمانی یاد شده ، احتمال ابتلا به نقص عضو و بیماری های جسـمی و روانی را در فرزند (نوعاً) و در همسـران (به صورت خاص) ، افزایش می دهد. با آموزش این شرایط به جوانان و پرهیز آنان از روابط جنسـی در این اوقات ویژه، احتمال ابتلا به بیماری های گوناگون ناشی از این نوع رفتارها ، کاهش می یابد. در احادیث ، مواقعی که روابط جنسی (بویژه به منظور بچه دار شدن) مناسب

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۰۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۲۹ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۲ .

۲- .همان جا .

ص: ۲۶۷

است و ممکن است که آثار روانی عاطفی ، معنوی و جسمی مطلوبی را به دنبال داشته باشد، به آن پرداخته شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در سفارش های خود می فرماید : وَعَلَیکَ بِالجِمَاعِ لَیلَهَ الإِثنَینِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یَکُونُ حَافِظاً لِکِتَابِ اللّهِ، رَاضِیاً بِمَا قَسَّمَ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ إِن جَامَعتَ أَهلَکَ فِی لَیلَهِ الثَّلَاثَاءِ فَقُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ یُرزَقُ الشَّهادَهَ بَعدَ شَهَادَهِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله رَسُولُ اللّهِ وَ لَا یُعَذِّبُهُ اللّهُ مَعَ المُشرِکِینَ وَ یَکُونُ طَیِّبَ النَّکهَهِ وَالفَمِ، رَحِیمَ القَلبِ سَخِیَ الیَدِ، طَاهِرَ اللِّسَانِ مِنَ الغِیبَهِ وَ الکَذِبِ وَ البُهتَانِ وَ إِن جَامَعتَ أَهلَکَ لَیلَهَ الخَمِیسِ فَقُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ یَکُونُ حَاکِماً مِنَ الحُکَّامِ أَو عَالِماً مِنَ العُلَمَاءِ . وَ إِن جَامَعتَهَا یَومَ الخَمِیسِ عِندَ زَوَالِ الشَّمسِ عَن کَبِدِ السَّمَاءِ فَقُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ فَإِنَّ الشَّیطَانَ لا یَقرَبُهُ حَتَّی یَشِیبَ وَ یَکونُ قَیِّماً، وَ یَرزُقُهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ السَّلامَهَ فِی الدِّینِ وَ الدُّنیَا . . . وَ إِن جَامَعتَهَا یَومَ الجُمُعَهِ بَعدَ العَصرِ فَقُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ فَإِنَّهُ یَکُونُ مَعرُوفاً، مَشهُوراً عَالِماً وَ إِن جَامَعتَهَا فِی لَیلَهِ الجُمُعَهِ بَعدَ العِشَاءِ الآخِرَهِ فَإِنَّهُ یُرتَجَی أَن یَکونَ الوَلَدُ مِنَ الأَبدَالِ إِن شَاءَ اللّهُ تَعَالَی . (۱) بر تو باد به آمیزش در شب دوشنبه ! اگر خدا بچّه ای را نصیب شما کند، احتمال دارد که حافظ کتاب خدا بشود و از آنچه خداوند عزّوجلّ از رزق و روزی به او می دهد ، کمال رضایت را داشته باشد. اگر با همسرت در شب سه شنبه آمیزش کنی و بچه ای را خدا به شما بدهد، احتمال دارد بعد از این که مؤمن می شود و شهادتین (خدایی جز خدای یگانه نیست و محمّد فرستاده اوست) را می گوید ، به مقامشهادتبرسد. هرگز خداوند ، چنین کسی را با مشرکان به جهنّم نمی برد . از آثار احتمالی انعقاد نطفه بچه در شب سه شنبه ، این است که مبتلا به افسردگی و اندوهگینی نمی شود . او دل نازک و سخاوتمند می شود . از غیبت، دروغ و تهمت به دیگری ، خود را پاک نگه می دارد. و اگر در شب پنج شنبه ، با همسرت آمیزش کنی و نطفه بچّه در این شب منعقد گردد، احتمال دارد که بچّه ، به حکومت برسد و یا دانشمند شود. و اگر در روز پنج شنبه نزدیک ظهر ، آمیزش صورت گیرد و نطفه منعقد گردد و احتمال این که فرد فهیمی شود و شیطان ، تا پیری به سراغش نیاید ،

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ، ح ۴۸۹۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۴ .

ص: ۲۶۸

زیاد است. همچنین محتمل است خداوند عزّوجلّ سلامت دینی و دنیوی به او عطا نماید... و اگر انعقاد نطفه ، در عصر روز جمعه صورت پذیرد ، امکان دارد که بچّه ، شخصی معروف و مشهور و دانشمند بشود و اگر در شب جمعه ، بعد از نماز عشاء انعقاد صورت گیرد ، امید آن که صالحی از صالحان بشود، ان شاء اللّه ! همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در سفارشی در مورد آمیزش در اوقات خاصی ، به دلیل احتمال درصدی از آثار نامطلوب بر فرزند می فرماید : وَ لَا تُجَامِع امرَأَتَکَ بَعدَ الظُّهرِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ فِی ذَلِکَ الوَقتِ یَکُونُ أَحوَلَ وَ الشَّیطَانُ یَفرَحُ بِالحَوَلِ فِی الإِنسَانِ . وَ لا تُجَامِع امرَأَتَکَ فِی أَوَّلِ الشَّهرِ وَ وَسَطِهِ وَ آخِرِهِ، فَإِنَّ الجُنُونَ وَ الجُذَامَ وَ الخَبَلَ یُسرِعُ إِلَیهَا وَ إِلَی وَلَدِهَا . وَ لَا تُجَامِع امرَأَتَکَ فِی لَیلَهِ الفِطرِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ لَم یَکُن ذَلِکَ الوَلَدُ إِلَا کَثِیرَ الشَّرِّ. وَ لَا تُجَامِع امرَأَتَکَ فِی لَیلَهِ الأَضحَی فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یَکُونُ ذَا سِتَّهِ أَصَابِع أو أَربَعَهٍ. وَ لَا تُجَامِع أَهلَکَ فِی لَیلَهِ النِّصفِ مِن شَعبَانَ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یَکُونُ مُشَوَّهاً ذَا شَامَهٍ فِی شَعرِهِ وَ وَجهِهِ. وَ لا تُجَامِع أَهلَکَ فِی آخِرِ الشَّهرِ إِذَا بَقِیَ مِنهُ یَومَانِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یَکُونُ عَشَّاراً أو عَوناً لِلظَّالِمِ وَ یَکُونُ هَلَاکُ فِئَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَی یَدَیهِ. وَ لَا تُجَامِع أَهلَکَ فِی أَوَّلِ سَاعَهٍ مِنَ اللَّیلِ، فَإِنَّه إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ لا یُؤمَنُ أن یَکُونَ سَاحِراً مُؤثِراً لِلدُّنیَا عَلَی الآخِرَهِ . (۱) بعد از ظهر ، با همسرت نزدیکی نکن، که اگر فرزندی در آن هنگام تشکیل شود ، چشمان او چپ و دوبین می شوند و شیطان ، از این نقص در انسان شاد می شود. در اوّل و وسط و آخر ماه نیز نزدیکی نکن که احتمال دارد جنون، جذام و گیجی ، به همسر و بچه اش روی آورد . در شب عید فطر ، نزدیکی احتمالاً باعث شرور شدن بچّه بگردد . در شب عید قربان نزدیکی نکن ، که ممکن است انگشتان بچه ، شش تایی یا چهارتایی شود. در شب نیمه شعبان جماع نکن ، چون محتمل است که بچّه ، زشت و ناخوشی در مو و صورتش پدید آید. نزدیکی کردن در دو روز مانده به آخر ماه ، احتمال می رود که بچّه ، مالیات بگیر و همکار ستمگران شود و چه بسا عدّه ای از مردم بی گناه ، با دست او به هلاکت بیفتند. نزدیکی در ساعت

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۹ ۲۱۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۸۲ ۲۸۳ .

ص: ۲۶۹

۳ . شرایط روانی

اوّل شب ، ممکن است بچّه ای که انعقاد نطفه اش در این وقت بوده، ساحر بشود و دنیا را به آخرت ترجیح دهد.

۳ . شرایط روانیاز شرایط مهم برقراری رابطه جنسی ، این است که زن و مرد ، هر دو ، آمادگی روحی برای آن داشته باشند. این آمادگی روحی روانی و آرامش علاوه بر آن که باعث رسیدن به اوج لذّت هر دو می شود ، در نطفه ای هم که منعقد می شود ، تأثیر به سزایی دارد و زمینه انتقال صفات ارثی مطلوب را فراهم می سازد. از این رو در احادیث ، تأکید بر آن است که هنگام برقراری رابطه جنسی و آمیزش، زوجین ، از هر گونه اضطراب، نگرانی و موقعیت هایی که آرامش آنها را برهم می زند، به دور باشند. امام حسن مجتبی علیه السلام به آثار روانی و تأثیرات ژنتیکی اضطراب والدین در هنگام آمیزش، بر فرزندی که در این شرایط ، نطفه اش منعقد می شود ، پرداخته ، می فرماید : فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَی أَهلَهُ بِقَلبٍ سَاکِنٍ وَ عُروقٍ هَادِئَهٍ وَ بَدَنٍ غَیرِ مُضطَرِبٍ، استَکَنَّت تِلکَ النُّطفَهُ فِی الرَّحِمِ فَخَرَجَ الوَلَدُ یُشبِهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ . (۱) اگر مرد ، در حال آرامش و بدن غیر مضطرب ، با همسرش نزدیکی کند، نطفه ، در رَحِم استقرار پیدا می کند و فرزند آنها شبیه پدر و مادرش می شود. این مسئله ، علاوه بر تأثیری که بر کودک دارد، برای زوجین (بویژه برای زن) از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، به گونه ای که اگر زن ، آرامش نداشته باشد و مضطرب باشد، اصلاً میل جنسی ، در او ایجاد نمی شود و اگر شوهرش آرامش نداشته باشد ، میل جنسی او نیز فروکش می کند. لذا در دستورهای دینی ، از آمیزش در شبی که مرد ، قصد مسافرت دارد ، نهی شده است ؛ چرا که مسافر ، مسلماً نگرانی و دلواپسی دارد و از آرامش لازم برخوردار نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إِذَا خَرَجتَ فِی سَفَرٍ فَلَا تُجَامِع أَهلَکَ مِن تِلکَ اللَّیلَهِ ، فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یُنفِقُ

.

۱- .عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص ۶۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۱ ، ص ۳۵۹ .

ص: ۲۷۰

مَالَهُ فِی غَیرِ حَقٍّ . (۱) در شبی که قصد سفر داری ، با همسرت آمیزش نکن که اگر در آن حال ، نطفه فرزندی منعقد شود، مال خود را در راه نادرستْ خرج خواهد کرد. آرامش روانی در هنگام برقراری رابطه جنسی و تأثیرات ژنتیکی آن در دیدگاه حدیثی، آن قدر مهم تلقی شده است که برای زمینه سازی آن، به یاد خدا و وضو ، به عنوان یک عملی که با نیّت قرب الی اللّه انجام می شود، توصیه گردیده است. از آن جا که «یاد خدا» هم آرامش آور است و هم باعث می شود که انسان ، در شهوانی ترین لحظات خود ، از یاد خدا غافل نشود، توصیه شده است که مرد و زن ، پیش از آمیزش ، نام خدا را بر زبان بیاورند و از شر شیطان ، به او پناه ببرند. امام صادق علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : إِذَا جَامَعَ أَحَدُکُم فَلیَقُل بِسمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبنِی الشَّیطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّیطَانَ مَا رَزَقتَنِی . فَإِن قَضی اللّهُ بَینَهُمَا وَلَداً لا یَضُرُّهُ الشَّیطَانُ بِشَی ءٍ أَبَداً . (۲) هنگامی که می خواهید آمیزش کنید ، بگویید: بسم اللّه و باللّه ! خداوندا ! شیطان را از من و از آنچه به من عطا می کنی ، دور کن. پس اگر خدواند ، فرزندی را به آنها عطا کند ، شیطان ، هرگز نمی تواند به او آسیبی برساند. از اموری که باعث ایجاد آرامش در زن می شود و آثار ژنتیکی مطلوب بر جنین دارد، «وضو گرفتن» است . لذا سفارش شده که پیش از آمیزش ، وضو بگیرید. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : إِذَا حَمَلَتِ امرَأَتُکَ فَلَا تُجَامِعهَا إِلَا وَ أَنتَ عَلَی وُضُوءٍ فَإِنَّهُ إِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَدٌ یَکُونُ أَعمَی القَلبِ بَخِیلَ الیَدِ . (۳) هنگامی که همسرت حامله می شود ، بدون وضو با او نزدیکی نکن، که فرزند شما کوردل و خسیس نشود.

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۱ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳۶ .

۳- .الأمالی ، صدوق ، ص ۶۶۴ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۰ .

ص: ۲۷۱

از جمله شرایط روانی برای برقراری رابطه جنسی ، این است که مرد و زن ، با عشق به یکدیگر و در نظر گرفتن زیبایی ها و نقاط قوّت یکدیگر ، به سوی هم بروند. در این صورت است که هر دو ، از یکدیگر لذّت می برند ؛ امّا اگر افکار دیگری غیر از خودشان را به ذهن راه بدهند، پراکندگی ذهنی، ارتباط محبّتی و عاشقانه آنها را برهم می زند و از نظر شهوی هم، نمی توانند به اوج لذّت برسند (بویژه زن که تحریک شهوتش از ارتباط محبّتی نشئت می گیرد). در تصوّر مرد ، از زن دیگری غیر از همسرش به هنگام آمیزش، آن رابطه محبّتی را که باید دریافت کند ، نمی کند و حتّی ممکن است که متوجّه شود و اضطراب ، او را فرا گیرد و از ارتباط با شوهرش نفرت پیدا کند. در چنین شرایطی ، مرد و زن، هردو، به تدریج سرد می شوند و نمی توانند رابطه محبّتی نسبت به یکدیگر برقرار سازند . از این روست که در حدیث ، مرد ، از آمیزش با تصوّر فرد دیگری غیر از همسرش منع شده است . روشن است که این منع ، با توجّه به آثار نامطلوبی که دارد، از حرمت حکایت دارد و ظهور نهی هم ، بنا بر تحقیق دانشمندان علم اصول ، در همین راستاست. پیامبر صلی الله علیه و آله با صراحت می فرماید : لا تُجَامِعِ امرَأَتَکَ بِشَهوَهِ امرَأَهِ غَیرِکَ . (۱) با تخیّل زن دیگری به جای همسرت ، با او نزدیکی نکن ! از نظر روان شناسی نیز این تخیّلات ، از عواطف و محبّت زن نسبت به مرد و از عواطف مرد نسبت به زن می کاهد و از طرف دیگر ، ممکن است مشکلات ارضای جنسی نیز پیش آورد. اگر آن زن تصوّر شده ، از همسرش زیباتر باشد ، انزال زودرس به وجود می آورد و اگر آن زن ، زشت تر از زن خودش باشد (طبق اصول شرطی سازی پاولف) موضوع را به همسر خود تعمیم می دهد و موجبات سردمزاجی اش را فراهم می آورد و تحریک زن را به تأخیر خواهد انداخت. (۲) در ضمن ، طی مکانیسم

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۲ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۹ .

۲- .جوان ، انگیزه و رفتار جنسی ، ص ۱۰۷ .

ص: ۲۷۲

ب . فرایند رابطه جنسی

۱ . مرحله انگیزش

پیچیده ای ، بر فرزندی که در این حال ، نطفه اش منعقد می شود نیز تأثیر خواهد گذاشت. هیلور (نویسنده یونانی) در کتابش به نام داستان حقه های عجیب ملکه ، «پرسینا» را آورده که فرزندی سفید به دنیا آورد ، با آن که خود و همسرش هر دو «هیدایی (سیاه پوست)» بوده اند و در شجره نامه هایشان اثری از هیچ سفیدپوستی نبوده است ؛ امّا بعداً معلوم می شود که ملکه ، به مردی سفیدپوست علاقه داشته است و در موقع آمیزش ، او را تصوّر می کرده است . (۱)

ب فرایند رابطه جنسیفرایند برقراری رابطه جنسی زن و مرد پس از فراهم سازی شرایط مکانی، زمانی و روانی عاطفی، تحقّق می یابد. آمادگی زوجین برای اجرای بهینه این فرایند ، با آگاهی های لازم از یکدیگر، در ارتباط با نیازها، احساسات و حقوق خودشان، ارتقابخشی نگرش عاطفی آنان، رشد نگرش صحیح در رفتار جنسی بین آن دو و افزایش توانمندی در مهارت های ارتباطی ، میسّر می گردد. فرآیند رابطه جنسی ، از مرحله «انگیزش» آغاز می شود ، سپس «تشدید» می گردد و به «ارگاسم» می رسد و بعد «فروکش» می کند. تفاوت های جنسی زن و مرد در این چهار مرحله ، از اهمیّت زیادی برخوردار است که در ادامه ، به بررسی آنها می پردازیم.

۱ . مرحله انگیزش (۲)مرحله انگیزش دوره پاسخ جنسی پسر ، ممکن است که از هر منبع تحریک جسمی یا روانی ای پدید آید. عامل تحریکی، تأثیر عمده ای در برقراری افزایش کافیِ نقش جنسی و ادامه دوره پاسخ جنسی دارد. اگر تحریک، متناسب با توقّعات پسر

.

۱- .ازدواج ، مکتب انسان سازی ، ص ۱۷۷ .

۲- .Ecitement pha

ص: ۲۷۳

باشـد (مثلاً زیبایی همسـر ، جلب توجه کند و پسـر ، آن را مشاهده کند) ، معمولاً شدّت پاسخ به سـرعت ، افزایش می یابد. در این حـالت، مرحله انگیزش «تسـریع» و یـا از نظر زمانی ، کوتاه می گردد. بنا بر گفته آلفرد کینزی : مردان ، در برابر محرّک های روانی جنسـی بیشتری مانند عریانی، رفتار عشوه گرانه، کتاب ها و فیلم های شـهوت انگیز ، برانگیخته می شوند. (۱) اگر روش تحریکی ، از نظر فیزیکی یا روانی، نامناسب باشـد یا قطع شود، ممکن است که مرحله انگیزش ، بسـیار طولانی یا حتّی قطع شود. این قسـمت و قسـمت فرونشین ، در برگیرنده بخش عمده زمانی است که در یک دوره پاسخ جنسی انسان ، صرف می شود. ولی تحریک دختر ، خیلی زود و بـا دیـدن یـک زیبـایی انجـام نمی شود ؛ بلکه محرّک هـا و انگیزش هـا در تمایلات جنسـی زنـان ، با دیگر جنبه های شخصیت آنان ، ارتباط نزدیکی دارد. اگر دختر جوان نتواند محرّک جنسی روانی را با خودش به عنوان مجموعه ای از ایده آل ها ، باورها، عواطف و شخصیت که از او یک انسان می سازد ، ارتباط دهد و یا آن را تهدیدکننده برای شخصیت خویش تلقّی کند و یا مخالف ارزش هایش بدانـد ، در مقایسه با پسر جوان، بیشتر احتمال دارد که دچار عـدم تمایل جنسـی و تحریک پـذیری شود. (۲) ولی ابراز محبّت و مودّت رفتـاری ، از عوامـل انگیزشـی مهم برای دختران تلقّی می شود . مثلاً ـ وقتی همسـر دختر جوان ، به وی می گویـد : «من تـو را خیلی دوست دارم» ، این گفته ، بـاعث تحریـک وی می شود ؛ چون این محرّک ، بـا ساختـار روانی عـاطفی زن همـاهنگی دارد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله بـا اشـاره به روان شناسـی زن و اثربخشـی تحریکی ابراز دوستی به زن می فرمایـد : قَولُ الرَّجُلِ لِلمَرأَهِ «إِنِّی أُحِبُّکِ» لا یَذهَبُ مِن قَلبِهَا أَبَداً . (۳)

.

۱- .رشد و شخصیت کودک ، ص ۵۶۱ .

۲- .همان ، ص ۵۶۰ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۶۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳ .

ص: ۲۷۴

سخن مرد به زنش مبنی بر این که «دوستت دارم» هرگز از قلب زن بیرون نمی رود. همچنین نوازش ، معاشقه، بوسیدن و مقدّمات عاطفی روانی دیگر ، از عوامل مهم انگیزش زن هستند. همان طور که قبلاً مطرح گردید ، زنان برای متمایل شدن، بیشتر از مردان ، به تحریک بیرونی نیاز دارند و برای نوازش و معاشقه ، از جمله محرّکات بیرونی برای برانگیختگی زن محسوب می شود. در متون حدیثی، بر این عامل انگیزشی ، تأکید شده است . حتّی به صورت حق زن ، مطرح گردیده است که همسر ، موظّف به ادای این حق است ؛ زیرا زن ، بدون آن ، انگیزش مناسبی برای آمیزش پیدا نمی کند و فرد به ارگاسم نمی رسد و روشن است که عوارض روانی عاطفی برای وی و با واسطه ، روی شوهر و فرزندان خواهد داشت . و به همین جهت ، عدم معاشقه و فراهم سازی زمینه های تحریکی، در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، «جفاکاری» نامیده شده است ، آن جا که می فرماید : لا تُجَامِعِ امرَأَهً حَتَّی تُلاعِبَهَا وَتُکثِرَ مُلَاعَبَتَهَا وَتَغمِزَ ... . (۱) از جمله امور جفاکارانه ، این است که مردی با همسرش هم بستر شود ، ولی پیش از آن ، با او معاشقه ننماید . نکته دیگری که باید در این زمینه یادآور شد ، این است که تحریک زن و برانگیختن میل جنسی او ، برعکس مرد که آناً ممکن است رخ دهد نه تنها تأثیر موقعیت فعلی است ، بلکه متأثّر از حوادث روزها و هفته های پیش نیز هستند ، به این معنا که برقراری ارتباط عاشقانه و عاطفی با زن ، در روزهای پیشین، او را برای برانگیختن جنسی آماده می کند. در حقیقت ، مغازله برای زنان ، از ساعت ها، روزها و حتّی هفته های قبل از هم آغوشی ، شروع می شود. هر کاری که باعث آرامش زن شود ، نوعی مغازله است. هر چه قدر که زن ، آرامش بیشتری داشته باشد ، برای عشق بازی ، آماده تر است. اگر قلب زنی ، از عشقْ محروم باشد ، نوازش شوهر ، به جای تحریک ، باعث آزار زن می شود .

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۲۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۳۲۷ .

ص: ۲۷۵

نکته قابل توجّه ، آن است که نوازش ، آن هنگام برای زنْ محرّک خواهد بود که احساس خشونت آمیز بودن از آن نداشته باشد. مردان ، برای پیشگیری از چنین احساسی در زنان باید مراقب فشارهایی که به عنوان نوازش انجام می دهند، باشند. از نظر فیزیولوژی ، غریزه جنسی و پرخاشگری در مردان ، هر دو تحت تأثیر هورمون تستروژن هستند ؛ یعنی هنگامی که غریزه جنسی تحریک می شود ، هورمون تستروژن بالا ـ می رود و هنگام نوازش و معاشقه ، چه بسا خشن عمل می کنند و از خودشان نوازش های ملایم و با احساس ، بروز نمی دهند . از این رو ، به جای این که در زن ، میل جنسی افزایش پیدا کند ، ممکن است حتّی میل جنسی اش خاموش شود. مردان ، خودشان فکر می کنند که شهوانی و پرحرارت اند و اشتباها به نظر زنان خشن می آیند. زنان ، احساس نمی کنند که دارند نوازش می شوند ؛ بلکه احساس می کنند که محکم ، فشار داده می شوند. از طرف دیگر ، چون مردان ، هورمون تستروژن بیشتری نسبت به زنان از خود ترشّح می کنند و پوست آنها هم کلفت تر است، بنا بر این ، از تماس محکم و سفت در طول ارتباط ، لذّت می برند . بر عکس ، پوست زنان بسیار حسّاس است و اگر یک زن را مثل مرد لمس کنند ، چون فشار زیادی به دست هایش وارد شده ، احساس می کند که با او خیلی خشن برخورد شده است . (۱) همچنین برای این که زن ، در مرحله انگیزش تحریک مناسب قرار گیرد ، مرد باید نظافت در بدن و لباس های زیر را رعایت کند ؛ زیرا اگر زن در حین معاشقه ، متوجّه شود که بدن مرد یا لباس او کثیف است یا زیر ناخن های او پر از چرک است ، تمایل خود را به نزدیکی کردن ، از دست می دهد. در روایت آمده است که عدم رعایت نظافت از سوی مردان ، به حدّی در زن تأثیر منفی می گذارد که ممکن است کاملاً از شوهر خود ، دل سرد و دل زده شود و به سوی مردان دیگری که آراسته و مرتب اند جذب گردد و به این ترتیب ، حتّی پاک دامنی خود را هم از دست بدهد.

.

۱- .آنچه زنان می خواهند مردان بدانند ، ص ۳۳۱ و ۳۳۸ .

ص: ۲۷۶

در تحقیقات هم نشان داده شـده است که هیچ چیز ، زن را مثل تماس با ناخن های کثیف و نامرتّب که پوست او را خراش می دهد ، دل سـرد نمی کند. کثافت زیر ناخن های مرد ، باعث می شود که زن ، شب های زیادی را بدون رابطه جنسی بگذراند. این مسئله ، در مورد لباس ها نیز صادق است . مردانی که برای بیرون رفتن از خانه ، وسواس زیادی به خرج می دهند که ظاهری تمیز و مرتّب داشـته باشند، امّا وقت هم آغوشی ، لباس زیر آنها کثیف و بد بوست ، همسر خود را دل زده می کنند. تفاوت بین زن و مرد در این مرحله ، از این جهت است که زنـان ، حتّی وقتی به مرحله تشدیـد تحریـک جنسـی می رسـند ، اگر محرّک هـای محیطی ، نامطبوع باشـند یا رفتار عاشـقانه شوهر ، ناقص یا ناخوشاینـد باشد ، بدون این که به مرحله ارگاسم برسـند ، به مرحله فرونشـینی می رسـند و تمایـل آنهـا ، به کلی از بین می رود. بـوی خوش از زوجین نیز در مرحله انگیزش ، زمینه تشدیـد تمایـل را فراهم می سـازد . و اگر یکی از آن دو ، از بوی ناخوشاینـد و نامطبوع اسـتفاده کنند ، به تحریک جنسـی ، لطمه وارد می سازد. این مسـئله ، بویژه نزد برخی زنان که به بوی های مختلف دهان ، حسّاسـیت بیشتری دارند، حادتر است و چه بسا میل جنسی آنها از بین برود. لذا در روایات ، به مردان سـفارش شـده که مسواک بزننـد، نظافت کنند و خود را خوش بو سازند، به زنان نیز سـفارش شده که همواره مرتّب و تمیز و خوش بو باشند. (۱) پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرماید : اغسِـلُوا ثِیَابَکُم وَ خُذُوا مِن شُعُورِکُم وَ استَاکُوا وَ تَزَیَّنُوا وَ تَنَظَّفُوا، فَإِنَّ بَنِی إِسـرَائِیلَ لَم یَکُونُوا یَفعَلُونَ ذَلِـکَ فَزَنَت نِسَـاؤُهُم . (۲) لبـاس هـای خود را بشوییـد و موهـای خود را کوتاه کنیـد و مسواک بزنیـد و آراسته و پاکیزه باشید که قوم بنی اسرائیل چنین نکردند ؛ پس زنانشان زناکار شدند.

.

۱- .همان ، ص ۵۳۲ .

۲- .الجامع الصغیر ، ج ۱ ، ص ۱۸۴ ؛ کنز العمّال ، ج ۶ ، ص ۶۴۰ .

ص: ۲۷۷

۲ . زمینه سازی های روان شناختی آمیزش

یک . موقعیت روانی زوجین در شب زفاف

در مورد زنـان نیز امـام علی علیه السـلام می فرمایـد : ... لِتَطَیَّبِ المَرأَهَ المُسـلِمَهُ لِزَوجِهَا . (۱) ... بر زن مسـلمان بـاد که خود را برای شوهرش خوش بو سازد.

۲ . زمینه سازی های روان شناختی آمیزشزوجین پیش از آمیزش ، علاوه بر تحریکات کافی و مقدّمات مؤثّر در رسیدن به اوج لذّت جنسـی ، می باید زوجین موقعیت هایی را فراهم سازند و از برخی امور پرهیز کنند تا با آرامش و بدون هرگونه اضطراب و عاری از پیامدهای نامطلوب، رابطه جنسی و آمیزش را به انجام رسانند. در این زمینه ، به چند نکته اشاره می شود :

یـک . موقعیت روانی زوجین در شب زفافشب زفاف برای دختر و پسـر جوان ، معنای خاصـی دارد ؛ زیرا در این شب ، اوّلین تجربه جنسـی برایشان اتفاق می افتـد . این شب برای دختران ، اهمیت بیشتری دارد و ممکن است با وحشت و اضـطراب همراه باشد ؛ زیرا برای دختر، اوّلین ارتبـاط ، به معنـای خـارج شـدن از دنیای «دختران» و وارد شـدن به دنیای «زنان» است. دختر احساس می کنـد که چیزی را از دسـت می دهـد و بر آن نـاراحت اسـت. اگر احسـاس نکنـد کـه آنچـه به دست می آورد ، ارزشـمندتر است ، احسـاس سوگواری خواهـد کرد. شـهید پاک نژاد در این زمینه می نویسد : داماد باید متوجّه باشد که عروس در شب زفاف ، با دو چیز روبه روست و از هر دو ، وحشت دارد : «مسـئولیت مادر شـدن و زدوده شدن پرده بکارت» و نباید کاری کند که از سه چیز وحشت کند و سومین آن خود داماد باشد. (۲) در منابع روان شناسـی نیز بر این مسئله تأکید شده که اساس دنیای جنس زن ، در شب زفاف ، بنا نهاده می شود. اگر این شب برای زن ، لذّت بخش باشد، زندگی جنسی

.

۱- .الخصال ، ص ۶۲۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۱۰۰ .

۲- .ازدواجْ مکتب انسان سازی ، ج ۲ ، ص ۲۷ .

ص: ۲۷۸

او بعدها نیز با رضایت و لذّت ، همراه خواهد بود وگر نه ، ممکن است که زن ، دچار انواع اختلالات جنسی مانند : سردمزاجی، واژنیسم و ... شود. در این شب ، مرد باید مراقب باشد که بیش از تصاحب جسم معشوق ، روح او را به دست آورد و اقدام او برای عمل جنسی ، پیش از تماس عاطفی و آمادگی روانی همه جانبه، نتیجه ای جز نارضایتی همسرش نخواهد داشت . متأسّفانه بسیاری از مردان جوان ، به علّت ناآگاهی از تفاوت های جنسیتی زن و مرد، متوجّه این مسئله نیستند . از آن جا که شهوت جنسی مرد ، کمتر تحت تأثیر مسائل عاطفی است، خیلی شدیدتر از زن بروز می کند و به دنبال خاموش کردن سریع آن است ، در حالی که سرعت در این زمینه ، به روحیه لطیف زن ، لطمه می زند. از این رو ، مرد در طول زندگی باید متوجّه این تفاوت باشد و در شب زفاف ، توجّه ویژه ای به آن داشته باشد. به علّت اهمیت والای این مسئله ، در متون حدیثی ، برای زوجین ، راهنمایی های ویژه ای برای فراهم سازی موقعیت روانی مناسب در این شب ، مطرح شده است. از این رو ، به برخی از آنها اشاره می کنیم. یکی از این راهنمایی ها آن است که عروس را شب ، به منزل داماد ببرند. پیامبر صلی الله علیه و آله با توجّه به آرامی شب و تأثیر روانی عاطفی که اجرای مراسم عروسی در شب ، نسبت به زوجین دارد ، سفارش می کند که عروسی در شب انجام گیرد . (۱) این بدان سبب است که زن و شوهر در این لحظه ، نیاز به آرامش خاطر دارند و طبق گفته قرآن، شب ، وقت آرامش و سکون است. (۲) نیز امام رضا علیه السلام با اشاره به تأثیر آرامش شب و تمایل روانی زنان به آرامش یافتن ، می فرماید : مِنَ السُّنَّهِ التَّزوِیجُ بِاللَّیلِ، لِأَنَّ اللّهَ جَعَلَ اللَّیلَ سَکَناً وَ النِّسَاءُ إِنَّمَا هُنَّ سَکَنٌ . (۳) از سنّت های رسول خدا این است که عروسی ، در شب صورت گیرد ؛ زیرا شب برای سکون و آرامش است و به درستی که زنان ، طبیعتاً به آرامش متمایل اند و

.

۱- .ر. ک : الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۶۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۶۶ ، ح ۹ .

۲- .ر. ک : سوره انعام ، آیه ۹۶ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۶۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۹۱ .

ص: ۲۷۹

مـایه آرامش خـاطر دیگران نیز می شونـد. پس از این که عروس و داماد ، به دور از هیاهوی روز و هنگام سـکوت شب ، وارد خانه خود شدنـد، اوّلاً ، با گفتن بسم اللّه الرحمن الرحیم و یاد خـدا، معاشـرت و رابطه جنسـی خودشان را به خـدا پیونـد بزننـد و به آن ، تقدّس ببخشـند و بدین وسیله ، خویش را از شرّ افکار مزاحم و وسوسه های شیطانی ، مصون نگه دارند. انعقاد نطفه بچّه در شرایطی که والدین به یاد خدایند، باعث می شود که فرزند در آینده ، از شـر و بدی و امور شـیطانی ، مصون بماند و به انواع انحرافات دچار نگردد ؛ بلکه بـا خـدا و اولیـای الهی ، رابطه عـاطفی و معنوی برقرار سـازد. چون احادیث در این زمینه ، فراوان انـد ، تنها به یکی از آنها بسـنده می کنیم . امام صادق علیه السـلام در جهت فراهم سازی زمینه های روان شـناختی و معنوی زوجین می فرماید : إِذَا أَتَی أَحدُکُم أَهلَهُ فَلیَذکُرِ اللّهَ ، فَإِنَّ مَن لَم یَذکُرِ اللّهَ عِندَ الجِمَاعِ وَ کَانَ مِنهُ وَلَدٌ کَانَ ذَلِکَ شِرکَ الشَّیطَانِ وَ یُعرَفُ ذَلِکَ بِحُبِّنَا وَ بُغضِنَا . (۱) هنگامی که آماده می شوید برای ارتباط جنسـی ، خدا را یاد کنید، به درستی که افرادی که در این هنگام ، از خدا غافل باشند، اگر نطفه فرزنـدی منعقـد شود، این فرزنـد در آینـده ، در رفتارهای شـر و بـدی ، همانند شـیطان عمل می کند و این افراد ، از طریق دوستی و دشـمنی با ما (اهل بیت) شناخته می شوند. در حقیقت ، منظور امام این است که کسی که اهل بیت علیهم السلام را دشمن بدارد ، علامت این است که نطفه اش در حالی منعقد گردیده که والدینش از خدا غافل بوده اند ؛ امّا آنها که دوستدار اهل بیت اند ، دوستی آنها نشانه این است که والدینشان در هنگام انعقاد نطفه ، به یاد خداوند بوده اند و رابطه قدسی با خداوند برقرار کرده اند. ثانیاً ، باید زمینه های روحی و روانی زن را فراهم ساخت ، به گونه ای که احساس کند شخصـیتش مورد توجّه مرد است و مرد ، در خدمت اوست . از این رو در احادیث ، سفارش شده است که داماد ، کفش عروس را بیرون بیاورد و پاهای او را

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۰۴ ، ح ۴۴۱۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۳ ، ص ۲۰۱ .

ص: ۲۸۰

بشوید و تمام منزل را آب بپاشد و او را مورد مهر و محبّت خود قرار دهد. این دستوری است که پیامبر صلی الله علیه و آله به داماد خود امیر مؤمنان علیه السلام داد و آن حضرت اجرا کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : یَا عَلِیُّ ! إِذَا دَخَلَت العَرُوسُ بَیتَکَ فَاخلَع خُفَّیهَا حِینَ تَجلِسُ وَاغسِل رِجلَیهَا وَ صُبَّ المَاءَ مِن بَابِ دَارِکَ إِلَی أَقصَی دَارِکَ. (۱) یا علی ! چون عروس به خانه ات درآید ، کفش هایش را درآور تا بنشیند و پاهایش را بشوی و به تمام خانه آب بپاش. در ادامه این حدیث، پیامبر نتیجه این عمل را وفور نعمت در منزل و تأمین سلامت روانی زن دانسته است . کمترین تأثیر روانی آن هم جلب محبّت همسر است که گامی در جهت خوش بختی خواهد بود و زن ، نسبت به خانه و مدیریت خانه ، نگرش مثبت پیدا خواهد کرد. این رفتار مهرآمیز همسر ، تأثیر فوق العاده ای در روح و روان زن دارد و تذکّری است به مرد که از لحظه ورود به خانه باید مهر و محبّت خود را نثار زن کند تا قلب او را تسخیر کند ، نه آن که صرفاً در تسخیر جسم او باشد. ثالثاً ، در شب زفاف ، با برقراری رابطه معنوی با خداوند ، مهر و محبّت خود را به یکدیگر با معنویت همراه سازند و محور محبّت خودشان را نسبت به یکدیگر، خدا و رضایت و محبّت او قرار دهند . و لذا مستحب است که ابتدا دو رکعت نماز بگذارند و از خداوند، طلب مهر و محبّت برای یکدیگر کنند. از امام معصوم علیه السلام نقل شده که می فرماید : إِذَا قَرُبَ الزِّفَافُ یُستَحَبُّ أَن تَأمُرَهَا أَن تُصَلِّیَ رَکعَتَینِ وَ تَکُونُ عَلَی وُضُوءٍ إِذَا أُدخِلَت عَلَیکَ وَ تُصَلِّیَ أَنتَ أَیضاً مِثلَ ذَلِکَ وَ تَحمَدَ اللّهَ وَ تُصَلّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ تَقُولُ: اللّهُمَّ ارزُقنِی إِلفَهَا وَ وَدَّهَا وَ رِضَاهَا بِی وَ أَرضِنِی بِهَا، وَاجمَع بَینَنَا بِأَحسَنِ اجتِمَاعٍ وَ أَیسَرِ ائتِلَافٍ فَإِنَّکَ تُحِبُّ الحَلَالَ وَ تَکرَهُالحَرَامُ . (۲) پیش از برقراری ارتباط عاشقانه ، با وضو بر یکدیگر وارد شوند و دو رکعت نماز

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۴۹ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۹ .

۲- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۸ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۷ ، ص ۲۸۷ .

ص: ۲۸۱

دو . پرهیز از آمیزش در شرایط نامناسب

اوّل . پرهیز از آمیزش در موقعیت لزوم تخلیه شکم

بخوانند و خدا را شکر کنند و بر محمّد و آلش درود بفرستند و آن وقت ، مرد ، خدا را بخواند و بگوید: خداوندا ! مهر و محبّت و رضایت همسرم را نصیبم کن و او را هم از من راضی گردان و به بهترین وجه و آسان ترین صورت ، بین ما جمع کن که تو حلال را دوست داری و از حرام متنفّری. با این عمل روابط خودشان را با خداوند گره می زنند و با آرامش روانی و معنوی ، زندگی مشترک خود را آغاز می کنند. با دقّت در این دستورهای دینی ، متوجّه می شویم که اساس خانواده ، بر پایه مهر است ؛ چرا که ائمه علیهم السلام دستور داده اند که از خداوند مهر و محبّت یکدیگر را بخواهید و همه این اعمال و دستورها برای جلب محبّت یکدیگر است و ارتباط جنسی هم صرفاً یک عمل جنسی نیست ، بلکه عملی همراه با جنبه های روانی عاطفی است که باعث آرامش زوجین می گردد. رابعاً ، عروس و داماد ، پس از انجام دادن مستحبّاتی که ذکر شد ، به نوازش و تحریکات مقدّماتی بپردازند و به هیچ وجه ، پیش از فراهم شدن مقدّمات آمیزش ، به آن عمل مبادرت نکنند.

دو . پرهیز از آمیزش در شرایط نامناسباز آن جا که برای آمیزش شرایط روانی ، جزو ضروریات اصلی است ، باید از موقعیت های نامناسب که اضطراب ایجاد می کنند و پیامدهای نامطلوبی دارد، دوری شود. در احادیث ، بر پرهیز از این موقعیت های نامناسب ، تأکید شده که در ادامه ، به تعدادی از آنها می پردازیم :

اوّل . پرهیز از آمیزش در موقعیت لزوم تخلیه شکمشرایطی که زوجین یا یکی از آنان ، نیاز داشته باشند که به دستشویی بروند و به تخلیه ادرار یا مدفوع بپردازند، شرایط مناسبی برای آمیزش نیست ؛ زیرا آرامش از آنها سلب می شود ، به لذّت جنسی بالایی نمی رسند ، احساس نارضایتی از همسر خود پیدا می کنند و به آثار روانی نامطلوبی (مانند پرخاشگری و ناسازگاری با همسر)

.

ص: ۲۸۲

دوم . خودداری از صحبت غیر عاشقانه به هنگام آمیزش

سوم . خودداری از آمیزش در حال جنابت

مبتلا می شونـد. علاوه بر این که پیامدهای پزشـکی آن نیز مشـکلات فراوان روانی، برایشان فراهم می سازد. پیامبر صـلی الله علیه و آله بـا توجّه به عوارض این موقعیت، به صورت روشن ، زوجین را از آمیزش در چنین شـرایطی بازداشـته و می فرمایـد : لاـ یُجَامِعَنَّ أَحَـدُکُم وَ بِهِ حِقنٌ مِن خَلَاً فَإِنَّهُ یَکُونُ مِنهُ البَواسِـیرُ وَ لا یُجَامِعَنَّ أَحَدُکُم وَ بِهِ حِقنٌ مِن بَولٍ، فَإِنَّهُ یَکُونُ مِنهُ النَّواصِـیرُ . (۱) هرگز نباید هیـچ یک از شـما در حالی که غایط داریـد ، به آمیزش بپردازید . به درستی که گرفتار بیماری بواسیر می شوید و هرگز نباید هیچ یـک از شـما در حـالی که ادرار دارد ، به نزدیکی بپردازد. به درستی که گرفتـار بیمـاری هـای مجـاری رگ های خونی در اطراف چشم، لثه دندان و حوالی مقعد می شوید. (۲)

دوم . خودداری از صـحبت غیر عاشـقانه به هنگام آمیزشپیامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : لَا تَتَکَلَّم عِنـدَ الجِمَاعِ، فَإِنَّهُ إِن قُضِـیَ بَینَکُمَا وَلَـدٌ لا یُؤمَنُ أن یَکونَ أَخرَسٌ . (۳) هنگام نزدیکی کردن ، حرف نزن که اگر فرزنـدی از تو به وجود آید ، ممکن است لال شـود. منظـور از صـحبت کردن هنگـام آمیزش، صـحبت هـای معمـولی ای است که ذهن زوجین را از لـذّت جنسـی ، به امور دیگر معطوف می سـازد و مـانع رسـیدن آنها به اوج لـذّت می شود. وگر نه ، تحریک و از جمله صـحبت های عاشـقانه ، نه تنها اشـکالی ندارد ، بلکه همان طور که پیش از این گفته شد ، به آن توصیه هم شده است .

سوم . خودداری از آمیزش در حال جنابتاگر مرد ، پیش از آمیزش ، محتلم شده باشد ، بهتر است که ابتدا غسل کند و سپس با

.

۱- .کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۵۵ ، ح ۴۴۹۰۲ .

۲- .بواسیر و نواصیر ، با توجه به آنچه در لسان العرب ، ج ۴ ص ۵۹ ، و ج ۵ ، ص ۲۰۵ آمده ، معنا شده است .

۳- .الأمالی ، صدوق ، ص ۶۶۳ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۲ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۹ .

ص: ۲۸۳

چهارم . خودداری از آمیزش در حالت ایستاده

همسرش آمیزش نماید ؛ چون هم از نظر روانی و لذّت بردن بیشتر زوجین ، خوشایندتر است و هم از مبتلا شدن به اختلالات روانیِ فرزندی که به دنیا می آید ، پیشگیری می کند . لذا پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : یُکرَهُ أن یَغشَی الرَّجُلُ المَرأَهَ وَ قَدِ احتَلَمَ حَتَّی یَغتَسِلَ مِن احتِلَامِهِ الَّذِی رَأی، فَإن فَعَلَ فَخَرَجَ الوَلَدُ مَجنُوناً فَلَا یَلُومَنَّ إلَا نَفسَهُ . (۱) کراهت دارد مردی که محتلم شد ، پیش از این که غسل کند ، با همسرش نزدیکی کند، و اگر این کار را کرد و فرزندش دیوانه شد، کسی را جز خودش ملامت نکند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری ، تکرار آمیزش بعد از شست وشو و وضو گرفتن را بدون اشکال می داند و به تأثیر روانی آن در لذّت و نشاط زوجین پرداخته ، می فرماید : إذَا أرَادَ أَحَدُکُم العَودَ، فَلیَتَوَضَّأ فَإنَّهُ أنشَطُ لِلعَودِ . (۲) هنگامی که یکی از شماها می خواهد برای بار دوم آمیزش کند، شست وشو کند و وضو بگیرد . به درستی که این وضو برای آمیزش دوباره ، باعث نشاط بیشتری می شود. ایشان در بیان دیگری بر وضو بین دو آمیزش تأکید می کند و می فرماید : إذَا أَتَی أَحَدَکُم أَهلَهُ ثُمَّ أرَادَ أن یَعُودَ فَلیَتَوَضَّأ بَینَهُمَا وُضُوءاً . (۳) هنگامی که یکی از شماها با همسرش آمیزش می کند، سپس می خواهد دوباره نیز انجام دهد، باید بین آن دو آمیزش ، وضو بگیرد.

چهارم . خودداری از آمیزش در حالت ایستادهاز اموری که همسران را از حالت روانی عاطفیِ عاشقانه انسانی بیرون می برد و

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۰۴ ، التهذیب ، ج ۷ ، ص ۴۱۲ ، ح ۱۶۴۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۳۹ .

۲- .السنن الکبری ، بیهقی ، ج ۱ ، ص ۲۰۴ ؛ صحیح ابن خزیمه ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ .

۳- .سنن الترمذی ، ج ۱ ، ص ۹۴ ؛ السنن الکبری ، بیهقی ، ج ۱ ، ص ۲۰۴ .

ص: ۲۸۴

پنجم . پرهیز از افراط در عمل جنسی

موقعیت روانی حیوانی برایشان فراهم می سازد و آرامش و لـذّت آنها (بویژه آرامش زن) را کاهش می دهد و عوارضـی هم بر بچّه ای که در آن آمیزش ، نطفه اش منعقـد شود، می گـذارد ، آمیزش در حال ایسـتاده است. از این رو ، پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : یَا عَلِیُّ! لَا تُجَامِعِ امرَأَتَکَ مِن قِیَامٍ فَإِنَّ ذَلِکَ مِن فِعلِ الحَمِیرِ فَإِن قُضِیَ بَینَکُمَا وَلَـدٌ کَانَ بَوَّالاً فِی الفِرَاشِ کَالحَمِیرِ البَوَّالَهِ فِی کُلِّ مَکَانٍ . (۱) ای علی ! در حالت ایسـتاده ، با همسرت آمیزش مکن که این ، از عمل چهارپایان است . اگر آن چنان آمیزش کنی و فرزندی از تو ، به وجود آید ، قادر به کنترل ادرار خود نخواهد بود و مانند چهارپایان ، در هر مکانی ادرار خواهد کرد.

پنجم . پرهیز از افراط در عمـل جنسـیهمان طور که پُرخوری (حتی در غـذاهای حلاـل) ، نامطلوب است و باعث ایجاد چاقی و انواع بیماری ها می شود، افراط در عمل جنسی (حتی از راه مشروع) نیز نامطلوب است و عوارض سوء روانی و جسمی برای انسان دارد . لـذا لازم است که انسان ، همان طور که غـذا خوردن و آشامیدن و خوابیدن خود را مقیّد می کند، آمیزش خود را هم باید به میزان معقولی قرار دهـد و از افراط در آن بپرهیزد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : مَن أَرَادَ البَقَاءَ وَ لا بَقَاءَ، فَلیُبَاکِرِ الغَـدَاءَ وَ لیُجَوِّدِ الحِـذَاءِ وَ لیُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَ لیَقلِـلِ مُجَـامَعَهَ النِّسَـاءِ ... . (۲) کسـی که خواسـتار بقـای عمر است و البته هیـچ کس هم جاویـدان نیست، صبحانه را زود بخورد، کفش مناسب به پا کُند ، لباس را سبک کند و آمیزش با زنان را کم کند. این امر ، نشان دهنده آن است که افراط در امور جنسـی ، سـلامت روانی انسان را نیز به خطر می انـدازد و گاهی تا حدی پیش می رود که به نوعی بیماری تبدیل می شود. این

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۳ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۱۰ .

۲- .همان ، ص ۲۱۲ .

ص: ۲۸۵

۳ . مرحله آمیزش و اوج لذّت جنسی

افراط کاری و ولع جنسی ، علاوه بر این که بر جسم و روان فردِ شهوانی آسیب می رساند، شریک جنسی او را نیز دچار ناراحتی می کند. فرانکل ، در مورد غرق شدن در هرج و مرج شهوانی چنین می نویسد : غرق شدن در هرج و مرجی این چنین ، نادیده انگاشتن فردیت انحصاری هم بستر است و این ، به نوبه خود ، مانع از یک رابطه عاشقانه است ؛ چون تنها آن رابطه جنسی ای که نهفته در عشق است می تواند ارزشمند باشد. (۱) از نظر «کارن هورنای» نیز افراط کاری در آمیزش جنسی ، نشانه وجود بیماری عصبی در فرد است . این مسئله ، بویژه هنگامی تبدیل به مشکل می شود که یکی از زوجین ، تمایل زیادی به نزدیکی دارد و دیگری نه . در این جا آمیزش جنسی برای فردی که تمایلات او در حد طبیعی است ، و قادر به برآورده ساختن تمایلات افراطی شریک جنسی خود نیست ، تبدیل به عذابی دردآور می شود و لازم است برای حل این مشکل ، به متخصّص مراجعه کنند ؛ زیرا طبق گفته محققان ، افزایش میل جنسی ، یک نوع بیماری است که روان شناسان ، از آن ، تحت عنوان «هیپرسکسوالتیه» نام برده اند و موقعی اتفاق می افتد که انحنا و ارضای کافی صورت نمی پذیرد . مرد افسانه های دون ژوان که به علّت افزایش شدید امیال جنسی ، امروز ضرب المثل شده است ، از نظر روان کاوان ، مرد نوروتیکی است که به علّت محرومیت دوران کودکی ، این مشکل برای وی به وجود آمده است. البته در زنان نیز مشکلات مشابهی یاد شده است.

۳ . مرحله آمیزش (۲) و اوج لذّت جنسیپس از آن که مرد و زن ، در مرحله انگیزش ، زمینه کافی برای برانگیختگی یکدیگر فراهم ساختند و هر دو (بویژه زن که دیر برانگیخته می شود) به این موضوع آگاه شدند ، باید اقدام به آمیزش نمایند. در احادیث اسلامی ، تأکید بر این است که آمیزش ، بدون برانگیختگی زن صورت نگیرد ، حتّی اگر این برانگیختگی ، طولانی

.

۱- .فریاد ناشنیده برای معنا ، ص ۸۵ .

۲- .Sexual intercourse phase

ص: ۲۸۶

شود ؛ زیرا عـدم برانگیختگی زن، قبل از آمیزش ، به عـدم رضایت از شوهر، ناراحتی عصبی، پرخاشـگری، بی معنا بودن زنـدگی و دیگر عوارض روانی عاطفی می انجامـد. از این رو ، امام رضا علیه السـلام مرد را از آمیزش به هنگام عدم برانگیختگی زن نهی می کند و می فرماید : لا تُجامِعِ امرَأَهً حَتَّی تُلاعِبَهَا وَ تُکثِرَ مُلَاعَبَتِهَا وَ تَغمِزَ ثَدییهَا، فَإِنَّکَ إِذَا فَعَلتَ ذَلِکَ غَلَبتَ شَهوَتُهَا وَ اجتَمَعَ مَاءها لأَنَّ ماؤُهَا یَخرُجُ مِن ثَدییهَا وَ الشَّهوَهُ تَظهَرُ مِن وَجهِهَا وَ عَینَیهَا وَ اشـتَهَت مِنکَ مِثلَ الَّذِی تَشـتَهِیهِ مِنهَا . (۱) تا قبل از این که با همسـرت معاشـقه و ملاعبه نکرده ای ، هرگز با او نزدیکی نکن و این کار را طولانی انجام بده و سینه های او را بمال و تحریکات را ادامه بده تا برانگیختگی او در چهره و چشم او ظاهر شود و ترشّـح بدن او زیاد گردد ؛ چون با این کار ، بدن او ترشّح پیدا می کند و شـهوت و میل جنسـی در چهره اش آشکار می گردد. وقتی چنین تحریک کردی ، آن وقت ، او همان چیزی را از تو می خواهد که تو از او می خواهی . امروز در روان شناسـی ، این مرحله اوج لذّت را ، مرحله «ارگاسم» (۲) می نامند. مرحله ارگاسم و اوج لذّت ، محدود به چند ثانیه ای است که ضمن آن ، احتقان عروقی و میوتونی حاصل از تحریک جنسی ، آزاد می گردد. این نقطه اوج غیر ارادی ، در هر سـطحی کـه نشـان دهنـده بیشـترین افزایش تنش جنسـی برای هر مـورد خـاص اسـت، پدیـد می آیـد و کـلّ بـدن ، از نظر فیزیولوژیـک ، در پاسـخ به تنش های جنسـی با آن ، درگیر می شود. (۳) بر اساس الگوهای پاسـخ فردی در تجربه ارگاسـمی زنان نسبت به مردان ، تغییرات چشمگیری (چه از نظر شدّت و چه از نظر طول مدّت) مشاهده می شود ؛ چرا که در

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۳۲۷ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۲۱ .

۲- .Orgasm pha

۳- .احساسات و پاسخ های جنسی انسان ، ص ۱۵ .

ص: ۲۸۷

بیشتر موارد ، زنان ، نسبت به مردان برای رسیدن به ارگاسم ، به مدّت بیشتری نیاز دارند. لذا لازم است که نوعی هماهنگی جنسی بین زن و شوهر ایجاد شود ؛ زیرا هر گونه ناهماهنگی در این مرحله ، به ایجاد ناراحتی های عصبی حاد می انجامد . اگر یکی از زوجین (معمولاً زن) احساس کند که فقط شریک جنسی او به ارضای کامل غریزه خود دست می یابد، عمل جنسی برای او ، فقط نوعی فداکاری تلخ به حساب می آید و عملاً چنین کاری ، سخت ، بی معنا و بی فایده خواهد بود. در نتیجه او را به سمت عقده های روانی ای می کشاند که ممکن است در ابتدا آسان باشد ، امّا به مرور زمان ، پیچیده شود. این تفاوت بین زن و مرد در رسیدن به ارگاسم، پدیده شایع در بین تمام زنان و در تمام فرهنگ ها و جوامع است و چیزی نیست که مربوط به کشور یا فرهنگ خاصی باشد. به این دلیل ، روان شناسان و متخصّصان امور خانواده ، همواره به این مسئله سفارش می کنند که شوهران ، متوجّه این مسئله باشند و از تکنیک هایی برای به تأخیر انداختن ارگاسم خود و به ارگاسم رسیدن زنان استفاده کنند. (۱) در دستورهای دینی (همان طور که در بالا گفته شد) نیز بر این امر ، تأکید شده است ، با این که در آن زمان ، اصلاً نمی دانستند زن هم نیازهایی دارد و ممکن است به ارگاسم برسد . لذا در روایات ، فراوان سفارش شده که مردان ، به نیاز زنان هم توجّه کنند و بدون این که آنها را ارضا کنند، فقط به فکر ارضای خود نباشند. امام علی علیه السلام می فرماید : إِذَا أَرَادَ أَحَدُکُم أَن یَأتِیَ زَوجَتَهُ فَلَا یُعجِّلهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوائِجَ . (۲) هر گاه یکی از شما بخواهد با زنش نزدیکی کند ، نباید او را به شتاب اندازد ؛ زیرا زنان هم نیازهایی دارند.

.

۱- .الأمراض نفسیه ، ص ۳۱۶ .

۲- .الخصال ، ص ۶۳۷ ؛ الإستبصار ، ج ۴ ، ص ۱۹۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۱۸ .

ص: ۲۸۸

۴ . مرحله فرونشینی

در حدیث دیگری ، امام صادق علیه السلام می فرماید : فَإِذَا أَتَی أَحدُکُم أَهلَهُ فَلیَکُن بَینَهُمَا مُلَاعَبَهٌ فَإِنَّهُ أَطیَبُ لِلأَمرِ . (۱) هنگامی که یکی از شما می خواهد با زنش ارتباط جنسی برقرار کند ، باید بین آن دو ، ملاعبه صورت گیرد که این برای هر دو ، خوشایندتر است. اهمیت معاشقه درتمام مراحل جنسی ، قابل مشاهده است. بدون معاشقه ، اصولاً زن برانگیخته نمی شود و اگر این کار ، استمرار نداشته باشد، میل جنسی ، فروکش می کند. زن در این حالت ، یا اصلاً به ارگاسم نمی رسد و یا خیلی دیر می رسد که هم برای شوهر و هم برای خود زن ، خسته کننده می شود .

۴ . مرحله فرونشینی (۲)مرد و زن ، پس از اوج حالت ارگاسمیک ، وارد آخرین مرحله دوره پاسخ جنسی، یعنی مرحله «فرونشینی» می گردند. این دوره بازگشت و زوال هیجان ، به صورت الگوی پاسخ معکوس، شخص را از مراحل پلاتو و انگیزش ، به حالت بدون تحریک باز می گرداند. در زنها این توانایی وجود دارد که از هر نقطه مرحله فرونشینی ، در صورتی که در معرض تحریک کافی دیگر قرار گیرند ، به یک تجربه ارگاسمی دیگر برگردند. این امکان برای ارگاسم های فراوان ، زمانی آشکارتر است که برگشت در سطح تنش پلاتو و تشدید تحریک، صورت گرفته باشد. در مرد ، مرحله فرونشینی ، شامل یک دوره بی پاسخیِ اضافی است که ممکن است در مرحله بازگشت تا پایین ترین سطح انگیزش در دوره پاسخ جنسی ادامه یابد. تحریک مجدّد به سطوح بالاتر تنش جنسی ، فقط پس از ختم این دوره بی پاسخی، امکان پذیر است . به استثنای موارد معدود، توانایی فیزیولوژیک مردها برای پاسخ به تحریک دوباره ، به مراتب کمتر از زن هاست.

.

۱- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۵۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ص ۱۱۸ .

۲- .Relsolution pha

ص: ۲۸۹

بقایای فیزیولوژیک تنش جنسی ، معمولاً در مرد و زن ، به کندی از بین می روند ، مگر این که حالت رهایی ارگاسمیکِ بسیار عمیق و مغلوب کننده ای تجربه شده باشد. برگشت به حال عادی ، زمانی تکمیل می شود که تمام محرّک های جنسی ، موقوف شده باشند. (۱) احتمالاً به علت همین تفاوت فیزیولوژیک زن و مرد در قدرت رسیدن به ارگاسم های متفاوت است که در روایات ، قدرت جنسی زنان ، نُه برابر مردان معرفی شده است. امام علی علیه السلام می فرماید : خَلَقَ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ الشَّهوَةَ عَشرَةَ أَجزَاءٍ فَجَعَلَ تِسعَةَ أَجزَاءٍ فِی النِّسَاءِ وَ جُزءاً وَاحِداً فِی الرِّجَالِ . (۲) خداوند عزّوجلّ شهوت جنسی را ده قسمت نمود ؛ نُه قسمت آن را برای زنان و فقط یک جزء آن را برای مردان قرار داده است . امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : إِنَّ اللّهَ جَعَلَ لِلمَرأَهِ صَبرَ عَشرَهِ رِجَالٍ، فَإِذَا هَاجَت کَانَت لَهَا قُوَّهُ شَهوَهِ عَشرَهِ رِجَالٍ . (۳) خداوند صبر زنان را ده برابر مردان قرار داده ؛ ولی هنگامی که به اوج شهوت می رسند، ده برابر مردان ، قوّت جنسی دارند . احتمالاً مراد از صبر در این روایت ، صبر بر عمل جنسی است ، البته با توجّه به این که ادامه حدیث ، در مورد عمل جنسی است. طبق نتایج عملی، زن نسبت به مرد ، برای رسیدن به ارگاسم دوباره ، مدّت زمان کمتری نیاز دارد ؛ هر چند به علّت خسته شدن مرد ، به ندرتْ این اتّفاق رخ می دهد. از آن جا که زن پس از رسیدن به ارگاسم ، بلافاصله قادر است دوباره به ارگاسم برسد ، ولی مرد ، کاملاً ـ به آرامش و سکون می رسد، لازم است که پس از رسیدن به ارگاسم، همسرش را با ملاعبت ، نوازش کند

.

۱- .احساسات و پاسخ های جنسی انسان ، ص ۱۶ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۴۰ ، ح ۷ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۳۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۴۰ ، ح ۹ .

ص: ۲۹۰

تا احساس مورد بی توجّهی واقع شدن به او دست ندهد. دکتر خوداکوف ، در مورد این تفاوت زن و مرد ، چنین توضیح می دهد : در مردان ، میل جنسی ، به سرعت پیدا می شود و پس از اطفای شهوت نیز به سرعت از بین می رود. تحریک جنسی زنان ، به گونه دیگری صورت می گیرد : تحریک ، به کندی شروع می شود و پس از اطفای شهوت ، مدّتی باقی می ماند. در این جا خطر بروز ناهماهنگی جنسی وجود دارد . (۱)

.

۱- .آنچه همسران جوان باید بدانند ، ص ۱۷ .

ص: ۲۹۱

بخش سوم : رفتارهای نابه هنجار جنسی : عوامل ، راه های پیشگیری و درمان

اشاره

بخش سوم : رفتارهای نابه هنجار جنسی ؛ عوامل، راه های پیشگیری و درمان

.

ص: ۲۹۲

. .

ص: ۲۹۳

رفتار نابه هنجار

اشاره

رفتار نابه هنجاردر مورد ماهیت «رفتار نابه هنجار»، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. دیدگاه های زیست شناختی، روانکاوی، یادگیری، شناختی، انسان گرایی و دیدگاه اجتماعی ، از جمله دیدگاه های شناخته شده در مورد رفتارهای نابه هنجار هستند که هر کدام ، از زوایای خاصی به بررسی موضوع پرداخته اند. اگر چه این دیدگاه ها ، رفتار نابه هنجار را مطالعه می کنند ، امّا تعریف دقیقی از این رفتار ، ارائه نکرده اند . حال ، این سؤال پیش می آید که رفتار نابه هنجار چیست ؟ آیا می توانیم تعریف قانع کننده ای از نابه هنجاری داشته باشیم ؟ آیا می توان بین رفتار نابه هنجار و به هنجار ، مرز روشنی کشید ؟ کاپلان در تعریف رفتار نابه هنجار جنسی، ضمن این که آن را از تعریف به هنجار جنسی ، آسان تر دانسته، معتقد است که رفتار نابه هنجار جنسی، رفتار جنسی ای است که به نحوی برای خود فرد یا اشخاص دیگر ، زیان آور و خطرزا باشد. چنین رفتاری ، به یک شریک جنسی معطوف نیست و به گونه ای نامتناسب ، با احساس گناه و اضطراب همراه است. در این نوع رفتارها، تحریک اعضای جنسی اوّلیه، کنار گذاشته می شود و به امور دیگری پرداخته می شود و فرد در انجام دادن آن رفتار، احساس جبری دارد. بنا بر این ، هر رفتار جنسی ای که یکی از مشخّصات زیر را داشته باشد ، رفتار نابه هنجار است : ۱ . برای خود یا شریک جنسی ، خطرناک باشد ، مانند : سادیسم، مازوخیسم، بچّه بازی ؛

.

ص: ۲۹۴

۱ . ملاک آماری

۲ . ملاک روانی

۲ . معطوف به یک شریک جنسی نیست ، مانند : استمنا ، همجنس گرایی، مبدّل پوشی، چشم چرانی ، حیوان دوستی ؛ ۳ . در تحریک جنسی ، اعضای جنسی اوّلیه ، نقشی نداشته باشند ، مانند : عضوخواهی. ۴ . به طور نامتناسبی ، با اضطراب و احساس گناه همراه است ، مانند : انواع پارافیلیا ، (نابه هنجاری های جنسی) مثل : زنا ، زنای با محارم ؛ ۵ . حالت جبری دارد. هرکدام از پارافیلیاها و از جمله استمنا و همجنس گرایی نیز ممکن است این ویژگی را داشته باشند . (۱) و نیز گفته شد ، برای تشخیص رفتار به هنجار از نابه هنجار ، سه ملاک وجود دارد که در ادامه ، به بررسی آنها می پردازیم . (۲)

۱ . ملاک آماریطبق ملاک آماری، رفتار نابه هنجار ، بر اساس فراوانی آماری ، تعریف می شود. کسانی که به این ملاک تأکید دارند، معتقدند که اگر هر ویژگی خاص افراد، مانند : ویژگی های شخصیتی، شیوه های رفتاری، خصوصیات جسمانی از قبیل : قد و وزن را اندازه بگیریم و نمودار آماری آنها را ترسیم کنیم، منحنی طبیعی به دست می آید که طبق آن ، بیشتر افراد ، در وسط منحنی قرار می گیرند و تعداد اندکی ، در دو سوی منحنی جای می گیرند. کسانی که در وسط منحنی یا در قسمت میانگین جامعه اند ، افراد به هنجار و دیگران ، افراد استثنایی یا نابه هنجار تلقّی می شوند (کاستین و دراگ یونس، ۱۹۸۹ م).

۲ . ملاک روانیدر این ملاک ، به «غیر انطباقی بودن رفتار» و پریشانی شخصی توجّه می شود.

.

۱- .خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری روان پزشکی بالینی ، ج۲ ، ص۳۲۷ .

۲- .ر . ک : روان شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت ، ص۱۲۴ .

ص: ۲۹۵

۳ . ملاک اجتماعی

عده ای عقیده دارند که باید به تأثیر یک رفتار ، بر بهزیستی فردی و اجتماعی توجّه کرد. طبق این دیدگاه، رفتاری نابه هنجار است که غیرانطباقی باشد ؛ یعنی پیامدهای زیان باری برای فرد یا اجتماع داشته باشد. در این ملاک ، به پریشانی شخصی نیز اشاره می شود. بیشتر کسانی که بیمار روانی شناخته می شوند، به شدّت ، احساس رنج و ناراحتی می کنند . این گونه افراد، مضطرب، افسرده یا تکانشی هستند و ممکن است دچار بی خوابی، بی اشتهایی و انواع دردهای بدنی باشند (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۶۸) .

۳ . ملاک اجتماعیجامعه شناسان و مردم شناسان ، رفتاری را نابه هنجار و منحرف می دانند که نه تنها باعث شکسته شدن و نقض هنجارهای اجتماعی می شود، بلکه باعث واکنش منفی شدید از طرف دیگران می شود. بنا بر این ، هر رفتاری که برخلاف معیارها، ضوابط و هنجارهای اجتماعی باشد، رفتار نابه هنجار و غیر عادی تلقّی خواهد شد . هر جامعه ای، برای دستیابی به تعادل و تحقّق هدف های خویش، مرزهایی برای عقاید و رفتارهای پسندیده و ناپسند ، انتخاب یا تعیین می کند و از طریق قوانین جاری، آیین های دینی و اخلاقی، قواعد گروهی و سازمانی و سرانجام ، با مقرّرات خانوادگی ، بر آنها نظارت می کند. این مرزها که از ارزش ها برمی خیزند ، هنجارهای جامعه، سازمان، گروه ها و در نهایت هنجارهای خانواده را نشان می دهند. رفتاری غیر عادی و نابه هنجار تلقی می شود که برخلاف این هنجارها (بویژه، برخلاف مقررات و قوانین اجتماعی رایج جامعه) باشد. به نظر می رسد با توجّه به مفهوم لغوی به هنجار و نابه هنجار که به معنای طبیعی (Normal) و غیر طبیعی (Abnormal) است، به هنجار ، عبارت است از : تمایل یا رفتاری که با طبیعت آدمی ، هماهنگی دارد و بدون هر عامل بیرونی و عارضی، فرد ، آن را خواهان است و انجام می دهد. ملاک تشخیص به هنجار ، چند چیز است : ۱ . تمایل و رفتار ، از طبیعت و فطرت آدمی سرچشمه گرفته است ؛ ۲ . نوع انسان ها در تمام

.

ص: ۲۹۶

رفتار نابه هنجار جنسی

اعصار و قرون و در بیشتر جوامع ، آن را پذیرفته اند ؛ ۳ . با بدیهیات اخلاقی و ادراکات بدیهی عقل عملی ، هماهنگ است و منافاتی با آنها ندارد ؛ ۴ . خداوند حکیم و آگاه به سرشت مخلوق خویش، آن را خوب و سازگار با فطرت انسانی دانسته و به آن توصیه کرده است ؛ ۵ . به زیان جسمی، روانی و معنوی عمل کننده و یا دیگری منتهی نشود. با این وصف، ملاک تشخیص رفتار نابه هنجار نیز عبارت است از : ۱ . هر تمایل یا رفتاری که با طبیعت و فطرت اولیه آدمی ، هماهنگی نداشته باشد ؛ ۲ . با مسائل اخلاقی ای که در سرشت انسان به ودیعت گذاشته شده، منافات داشته باشد ؛ ۳ . نوع انسان ها در همه جوامع و در همه زمان ها آن را نپذیرند ؛ ۴ . خداوند حکیم ، این گونه رفتارها را نهی کرده باشد ؛ ۵ . خواه ناخواه ، به زیان دیگری و حداقل به زیان خود در یکی از جنبه های روانی، شخصیتی ، عاطفی و معنوی است ؛ زیرا اگر چنین نبود، شرع ، آن را نهی نمی کرد و گناه نمی شمرد .

رفتار نابه هنجار جنسیدر مورد رفتار نابه هنجار جنسی از دیدگاه اسلامی، باید توجّه داشت که هرگونه ارتباط جنسی ای که مشروع و در غالب ازدواج باشد، رفتار جنسی به هنجار معرفی شده است. (۱) در متون اسلامی ، تمایلات زن و مرد به همدیگر، یکی از ضرورت های زندگی، معرفی و بر آن ، تأکید شده است، مانند : العَبدُ کُلَّمَا ازدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا ازدَادَ فِی الإِیمَانِ فَضلاً . (۲) هر قدر مرد، زنان را بیشتر دوست بدارد، فضیلت ایمانش زیادتر است . کُلُّ مَن اشتَدَّ لَنَا حُبّا اشتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبَا . (۳) هر کس ما را بیشتر دوست بدارد، زنان را بیشتر دوست خواهد داشت .

.

۱- .اسلام و تعلیم و تربیت ، ص ۳۷۱ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۸۴ ؛ وسایل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۱۱ ، ح ۱۰ .

۳- .همان ، ح ۱۲ .

ص: ۲۹۷

مِن أَخلَاقِ الأَنبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ . (۱) از اخلاق پیغمبران، دوست داشتن زنان است . فَإِنَّ المَرأَةَ رَيحَانَةٌ وَلَيسَتِ بِقَهرَمَانَةٍ . (۲) زن ، یک شاخه گل خوش بوست نه یک کارگر قهرمان . از این روایات ، استفاده می شود که عقد ازدواج ، به مفهوم پیمان زوج شدن با شرایط خاص ، به عنوان ملاک کلّی هنجار بودن رفتار جنسی است . (۳) بنا بر این ، به مصداق آیه «فَمَنِ ابْتَغَى وَرَآءَ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ» (۴) هر نوع رفتار جنسی ای که خارج از چارچوب ازدواج باشد، نابه هنجار جنسی تلقی می شود ؛ زیرا آنچه طبیعت آدمی ، بر آن متمایل است ، همان رفتار جنسی مرد با زن در قالب ازدواج است . رفتارهای دیگر ، علاوه بر آن که انحراف از طبیعت اولیه سرشتی آدمی است ، زیان آور برای خود و دیگران در جنبه های : روانی، معنوی، عاطفی، فرهنگی و اجتماعی است. از این روست که امام علی علیه السلام در حدیثی ، ضمن توجّه به نیازهای طبیعی انسان ، می فرماید : فَكُلُّ تَقصِيرٌ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفرَاطٍ لَهُ مُفسِدٌ . (۵) هر کمبودی در اعمال تمایلات طبیعی برای آدمی ، زیان آور و هر زیاده روی ای نسبت به آنها، باعث تباهی است . در قرآن ، هنجارهایی که هماهنگ با فطرت انسان اند ، «طیّبات و معروف» ، و نابه هنجاری ها را که با فطرتْ سازگاری ندارد، «خبائث و منکر» نامیده است. همچنین طیّبات و هنجارها را حلال، و خبائث و ناهنجاری ها را حرام دانسته است. نیز

.

۱- .همان ، ص ۹ ، ح ۲ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۱۰ ؛ بحارالأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۳ ، ح ۵۴ .

۳- .جوان و آرامش روان ، ص۲۸۹ ، مقاله «رفتار و تمایلات جنسی از دیدگاه اسلام» ، مسعود نیک فرجام و همکاران .

۴- .سوره مؤمنون ، آیه ۷ .

۵- .نهج البلاغه ، حکمت ۱۰۸ .

ص: ۲۹۸

شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را مبتنی بر فطرت دانسته و افرادی را که به صورت فطری از شریعت و حلال و حرام اسلام پیروی می کنند، ستوده است. خداوند می فرماید : «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَئِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَلَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ ءَامَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ أُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . (۱) کسانی که از پیامبر امّی که ویژگی هایش در تورات و انجیل نوشته شده پیروی می کنند، پیامبری که آنها را به خوبی ها امر می کند و از بدی ها باز می دارد، برای آنها هنجارها و طیّبات را حلال، و ناهنجاری ها و خبائث را حرام دانسته ... این افرادی که از پیامبر و قرآن و نورانیتش که به او نازل شده ، پیروی می کنند، اینان حقیقتاً رستگارند» . نیز می فرماید : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَیِّبَتِ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَکُمْ وَلَا تَعْتَدُواْ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ . (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید ، هرگز آنچه از طیّبات مطابق با فطرت شما که خدا برایتان حلال قرار داده ، بر خود حرام نکنید. به درستی که خداوند ، تجاوزگران از حدودش را دوست ندارد» . در این آیه، بر اساس برداشت مرحوم علّامه طباطبایی ، (۳) بر این تأکید شده است که آنچه طیّب است و فطرت اولیّه شما متمایل به آن است، بر خود حرام نکنید و آنچه برخلاف فطرت است و طیّب نیست ، مرتکب نشوید که این کار ، تجاوز از فطرت و حدود الهی است. حدیثی در ذیل آیه ، وارد شده است که تمایل و رفتار جنسی در قالب ازدواج مرد و زن را مصداق طیّبات می داند و کسانی که به این امر فطری و

.

۱- .سوره اعراف ، آیه ۱۵۷ .

۲- .سوره مائده ، آیه ۸۷ .

۳- .ر.ک : المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۶ ، ص ۱۱۲ ۱۱۳ .

ص: ۲۹۹

غریزی توجّه نکنند ، مورد نکوهش قرار داده است. در تفسیر آیه فوق، پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه خواند و فرمود : مَا بَالُ أَقوَامٍ حَرَّمُوا النِّسَاءَ وَ الطِّیبَ وَ النَّومَ وَ شَهَواتِ الدُّنیَا . . . فَإِنَّهُ لَیسَ فِی دِینِی تَرکُ النِّسَاءُ ... . (۱) چه شده است که گروهی ، زنان را بر خود حرام کرده اند ، بوی خوش استفاده نمی کنند و خواب و لذّت های دنیا را بر خود ممنوع کرده اند ... به درستی که در دین من، ترک رفتار جنسی با زنان مشروع نیست. بنا بر این ، رفتار جنسی از طریق ازدواج مرد و زن شرعی است و نباید آن را کنار گذاشت ؛ ولی هر نوع ارضایِ جنسی خارج از محدوده ازدواج زن و مرد ، انحراف جنسی از مسیر طبیعت است و نابه هنجار تلقّی می گردد که مستوجب کیفر دنیوی نیز هست . خداوند متعال می فرماید : «وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ * إِلَا عَلَی أَزْوَجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ * فَمَنِ ابْتَغَی وَرَآءَ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ . (۲) [مؤمنان کسانی هستند که...] و بر دامن خود [از آلودگی ها] محافظت می کنند. جز با همسران خود یا کنیزان خویش [ارتباط جنسی برقرار نمی کنند] که در این ارتباط ، ملامتی بر آنان نیست. و هر کس از این محدوده تجاوز کند ، آنها تجاوزکاران هستند». با توجّه به آیات و احادیث در گناهان و رفتارهای انحرافی جنسی ، می توان نابه هنجاری های جنسی را از دیدگاه دینی چنین تعریف کرد: نابه هنجاری های جنسی ، تمایلات و رفتارهای جنسی غیر طبیعی و انحرافی است که به هر شیوه ای ، به سلامت جسمانی، روانی، معنوی و اجتماعی فرد آسیب می رساند و او را از تعالی و رشد انسانی ، باز می دارد. از مهم ترین آسیب هایی که در این تعریف ، مورد توجّه است و در تعاریف

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۶ ، ص ۵۳ ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۶ ، ص ۱۱۳ .

۲- .سوره مؤمنون ، آیه ۷ ۵ .

ص: ۳۰۰

روان شناسان نیست، توجّه به آسیب های ارزشی و معنوی است . فردی که به انحراف و نابه هنجاری های جنسی روی می آورد ، خود را در مسیر گمراهی قرار داده و از مسیر اخلاق و انسانیت که فطرت الهی او خواهان آن است ، باز داشته می شود. در حقیقت ، رستگاری و سعادت فرد ، با روی آوردن به ناهنجاری های جنسی، به خطر می افتد. بنا بر این ، از دیدگاه اسلامی ، هر نوع تمایل رفتار جنسی که زیانْ به بار آورد ، فرد را به نحوی بیمار کند، بهداشت روانی او را به خطر بیندازد ، با معیارهای اخلاقی متعارض گردد و به شخصیت و منش ارزشی او آسیب رساند و با ضوابط اجتماعی و احکام الهی مطابق نباشد، در این صورت است که خواه ناخواه برای رشد و تعالی فرد ، مانع است و نابه هنجار تلقّی می شود. باید توجّه داشت که بسیاری از رفتارهای نابه هنجار جنسی ، زیان های فراوانی برای فرد به بار می آورند و چنین نیست که فقط یکی از زیان های جسمی و روانی را ایجاد کنند . از این رو ، در برخی از احادیث ، در تحلیل حرمت بعضی از این نابه هنجاری ها (مانند لواط) علاوه بر زیان های اجتماعی ، عاطفی و روانی بین مردان و زنان و قطع نسل ، به «فساد زیاد» آن اشاره می کند و می فرماید : ... وَ کَانَ فِی إِجَازَهِ ذَلِکَ فَسَادٌ کَثِیرٌ . (۱) رواج انحراف جنسی لواط ، زیان های بسیار زیادی در ابعاد مختلف معنوی و روانی ، به بار می آورد. از جمله زیان های این انحراف جنسی که در صدر این روایت ، به آن توجّه داده شده ، آن است که این عملکرد مردان ، باعث بی توجّهی آنان به زنان است و فشار روانی عاطفی و انواع اختلالات روانی ، به دنبال دارد . امام رضا علیه السلام نیز پیامد آسیب های انحراف جنسی را ابتلای فرد ، به اختلالات روانی و جسمی که زندگی دنیوی را نیز خراب می کنند و تدبیر انسانی را به تباهی می کشاند ، می داند . (۲) همجنس گرایی مردان و زنان ، باعث آن است که افراد ، به نابه سامانی در تدبیر عقلانی

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۳ و ۳۵۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۱۸۱ ؛ الإحتجاج ، ج ۲ ، ص ۹۳ .

۲- .ر. ک : عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۱۰۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶ ، ص ۱۰۳ ؛ علل الشرائع ، ج ۱ ، ص ۲۵۲ .

ص: ۳۰۱

نقش اختیار در نابه هنجاری های جنسی

فصل یکم : انواع نابه هنجاری های جنسی

اشاره

و انسانی مبتلاـ شونـد و زنـدگی خود را ویران سازنـد. تفصیل پیامـدهای نـابه هنجاری های جنسـی ، در فصل های بعـدی ، مطرح خواهند شد .

نقش اختیـار در نـابه هنجـاری هـای جنسـینکته قابل توجّه این است که از دیـدگاه اسـلامی ، همه رفتارهای نابه هنجار جنسـی، گناه محسوب می شونـد ؛ زیرا با آگاهی و اراده از فرد صادر می شود و هیـچ اجباری بر آن وجود ندارد. این ، تمایل و هوای نفسِ خود فرد است که در محیط محرّک، تحریک می شود و اقـدام به رفتارهای نابه هنجار می نماید. دلیل اجباری نبودن این نوع رفتارها این است که : اولاًـ، در مواقع و شـرایط خاصـی انجام می پـذیرد و چنین نیست که فرد در هر شـرایطی ، آن کارها را انجام دهـد ؛ بلکه غالبـاً به دنبال آن است که پنهانی و به دور از چشـمان دیگران انجام دهـد ؛ ثانیاً ، بسـیاری دیگر از افراد ، در همان شـرایطِ تحریک قرار می گیرنـد ، ولی به انجام دادن نابه هنجاری ها اقـدام نمی کنند ؛ بلکه بر نفس خویش غلبه می نمایند و در صدد بر می آیند تا در قالب ازدواج ، به نیاز جنسـی خود پاسـخ دهنـد ؛ ثالثاً ، در جامعه چیزی نابه هنجار تلقی می شود که افراد می توانند آن را ترک کننـد ؛ رابعاً ، افراد در انجام دادن آنها مورد سـرزنش و توبیـخ قرار می گیرند. اگر رفتاری ، به صورت جبری از سوی کسـی صادر شود، توبیخ ، مفهومی ندارد . کسانی که در چارچوب قانون و ضوابط جامعه رفتار می نمایند و هیچ گونه تخطّی ای از ، هنجارهای اجتماعی ندارنـد، از آن جهت مورد مـدح و سـتایش قرار می گیرند که از روی اختیار ، هنجارها را انجام داده اند و از نابه هنجاری ها دوری کرده اند . اگر شرع هم رفتارهای نابه هنجار جنسی را گناه می داند ، از آن جهت است که افراد ، با آگاهی و اختیار خود می توانند از آنها پرهیز کنند و هیچ زیان روانی و معنوی، به خود و به دیگران ، وارد نسازند. اگر کسی در انجام دادن کاری ، اراده اش را سلب کرده باشند و آن کار ، به صورت جبری و بدون اراده از او صادر شود، مسلّماً این کارش از نظر شرع ، گناه نیست.

.

ص: ۳۰۲

اینک با توجّه به تعریف نابه هنجاری جنسی از دیدگاه اسلامی ، در چند فصل ، انواع رفتارهای نابه هنجار و انحراف های جنسی، عوامل آنها و راه های پیشگیری و درمان آنها را تبیین می کنیم .

.

ص: ۳۰۳

مقدّمه

الف . استمنا و استشها

فصل یکم : انواع نابه هنجاری های جنسیمقدّمهدر این که نابه هنجاری های جنسی ، چه مصادیقی را شامل می شود، بر اساس تعاریفی که در دیدگاه های گوناگون بیان گردید ، هر تمایل و رفتار جنسی که به نحوی برای خود فرد یا افراد دیگر ، زیان آور است ، نابه هنجار جنسی تلقی می شود . این ویژگی ذکر شده در تعریف، هرگونه رفتار جنسی ای را که خارج از چارچوب ازدواج مرد و زن باشد، شامل می شود. در این جا به نابه هنجاری های جنسی ای که لااقل در برخی از جوامع ، تعداد زیادی از افراد به آنها مبتلا هستند، می پردازیم و متون قرآنی و حدیثی را در این زمینه ، مورد بررسی قرار می دهیم:

الف استمنا (۱) و استشهااستمنا ، دستمالی و رفتار مالشی مرد با خود است که به انگیزه لذّت جنسی انجام می شود و استشها ، دستمالی و رفتار مالشی زن با خود است که به انگیزه لذّت جنسی صورت می گیرد. از آن جا که این رفتار جنسی ، خارج از ازدواج است و زیان هایی برای فرد ایجاد می کند، از نابه هنجاری های جنسی به حساب می آید . در احادیث ، به دلیل زیان های روانی معنوی و آسیب هایی که استمنا و استشها ، به خانواده و اجتماع وارد می سازد

.

۱- Masturbati.

ص: ۳۰۴

و افراد را از ازدواج و پـذیرش زنـدگی مشترک خانوادگی و رشد عاطفی در ارتباط با همسـر و فرزند باز می دارد، از این نوع رفتار جنسـی ، نهی شده است. پیامبر صـلی الله علیه و آله ارضای جنسی با دست را در کنار لواط و نابه هنجاری های جنسی دیگر ، مورد لعن قرار می دهـد و می فرمایـد : أَلَا لَعنَهُ اللّهِ وَ المَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجمَعِینَ... عَلَی نَاکِحِ یَدِهِ، وَ عَلَی مَن اَتَی الذُّکرَانِ مِنَ العَالَمِینَ . (۱) آگاه باشـید که مورد لعن خـدا، ملائکه و همه مردم خواهد بود کسـی که با دسـتمالی خود، خویش را ارضا می کند و کسـی که با کسـی از مردان ، لواط می کند. اسـتمنا در پسـران و استشها در دختران، شاید اوّلین نوع نابه هنجاری جنسی ای است که به آن مبتلا می شوند. این نابه هنجاری ، چه در دختران و چه در پسـران ، در دوران بلوغ بیشتر اتّفاق می افتد. دبس ، معتقد است که اگر شدّت کشـش جنسـی زیاد شود و به سوی وضع طبیعی و عادی ، رهبری نگردد، حالتی در نوجوان پدید می آید که در نتیجه ، مایل اسـت از شـخص خود برای ارضای نیروی شـهوانی اسـتفاده کنـد. در این صورت ، مرض تنهایی (یعنی اسـتمناء) پدید می آید. (۲) گاهی والـدین ، از وقوع نوعی بازی با خود در کودکان شـکایت می کننـد که دیـدن این صـحنه ، آنان را خیلی ناراحت می کند. هرگونه انحراف جنسـی در کودکـان را بایـد نوعی عـدم تکامـل احساسـات و نوعی رهـایی از اضـطراب تلقّی کرد. در این مورد بایـد نحوه ارتباط والـدین با کودک و کودک با دیگر بچه ها را مورد بررسـی دقیق قرار داد. اگر تصـحیح ارتباط و روش های رفتاری ، نتیجه ای نداد، کودک را باید نزد روان پزشک بُرد. اسـتمنا ، عوارضـی چون : پریدگی رنگ، سـیاه شدن دور چشم، خسته و خواب آلود بودن، شـرم اغراق آمیز و کاذب، گوشه گیری و آشـفتگی در خواب به دنبال دارد . این کار در پسـران ، بیشتر انجام می شود . آمار فراوانی و اتّفاق آن در جامعه ایران

.

۱- .میزان الحکمه ، ج ۱۱ ، ص ۵۳۶۸ ، ح ۱۸۳۸۳ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۹۹ .

۲- .بلوغ ، ص ۶۲ .

ص: ۳۰۵

در دست نیست. ناراحتی هایی که در نتیجه استمنا در جوانان ایرانی مشاهده شده، به صورت زیر است : ۱ . احساس گناه ، ۲ . احساس اکراه و نفرت از خویش ، ۳ . ترس از جنون، کوری، عقیم شدن و ناتوانی جنسی . (۱) کینزی ، تحقیقات زیادی در زمینه مسائل جنسی انجام داده و درباره استمنا می گوید : بسیاری از پسران ، در دوره های متوالی ، تصمیم به ترک عادت استمنا می گیرند ؛ ولی خطاهای غیر قابل اجتناب آنها در این کوشش ها، به پیش آمدن دوره های پشیمانی و ندامت می انجامد و در نتیجه ، این عمل را از نو شروع می نمایند. این دور و تسلسل همچنان ادامه می یابد. مشکل است تصوّر شود که چیزی بدتر از این بتواند به طور مداوم ، به شخصیت فرد لطمه بزند . (۲) در مورد زنانی که مبتلا به استمنا، هستند، کینزی می گوید : نصف آنها به خلجان های روانی منبعث از پشیمانی و ندامت ، مبتلا می شوند. در این میان، عدّه ای فقط یک تا دو سال ناراحت می شوند. در حالی که عدّه بیشتری در حدود شش سال و نیم ، دچار این گونه اضطراب ها خواهند بود. هیچ نوع از امور جنسی مانند استمنا ، باعث ناراحتی و نگرانی خاطر زنان را فراهم نمی سازد. (۳) دبس ، معتقد است که استمنا، جوان را خسته می کند و در سرشت انسان های حسّاس ، تولید وسواس و تردید عجیبی می نماید ، به طوری که افراد مبتلا ، همواره خجالت زده و شرمسارند و خود را مجرم می پندارند. هنگام بررسی امراض ذهنی، فکری و روانی ، غالباً این عادت دیده می شود. در جوانانی که از تحصیل عقب

.

۱- .جوانی پررنج ، ص ۲۹۵ .

۲- .روان شناسی نوجوانی ، ص ۱۰۲ .

۳- .روان شناسی نوجوانان و جوانان ، ص ۱۴۴ .

ص: ۳۰۶

می مانند و افرادی که عقب مانده ذهنی اند ، این عادت ، دیده شده است. (۱) در نوجوانان ، اگر استمنا زیاده از حد باشد ، یک حالت نوروتیک فرض می شود و گاهی علامتی از اختلال شخصیت است . (۲) بروز این کامجویی بدلی ، در جوامع مختلف، متفاوت است. این کامجویی در جامعه ما ، با احساس گناه شدید همراه است و تولید اضطراب، افسردگی و خودکم بینی می کند. در برخورد با این شیوه ارضای جنسی ، نمی توان نسخه واحدی پیچید و نتیجه تحقیقات در جوامع دیگر را بدون در نظر گرفتن نتایج آن ، اعمال کرد. بی اهمیت شمردن این کامجویی بدلی در جامعه ما ، تجویز نوعی انزوا، کناره گیری، فرار از ازدواج، احساس گناه، خودکم بینی و اضطراب است. در این زمینه ، غیر از اطلاعات روان شناسی و جامعه شناسی، توجّه به بافت خانواده، عادات تربیتی و عقاید مذهبی نیز لازم است. دانشمندانی مانند دبس که غیر از اطلاعات عمیق روان شناسی، به مسائل تربیتی نیز توجّه داشته اند، بهتر از دیگران به این موضوع پرداخته اند. دبس ، معتقد است که باید نوجوانان (بویژه پسران) را از این عادت زشت و تظاهر به عشق بازی با خود که در این دوره شیوع دارد باز داشت. این امر ، در صورتی که به درازا بکشد ، نشانه بیماری روانی خواهد بود ؛ امّا در آغاز دوره نوجوانی، عیب بی اهمیتی به حساب می آید که درمان آن آسان است ، به شرط آن که مربّی بکوشد اعتماد نوجوان را به خود جلب کند ، از این که احساس گناه کاری در او بیدار شود ، اجتناب ورزد و برای او فعالیت سالمی را فراهم کند تا بتواند امیال نوظهور او را تشفّی بخشد یا جهت آن را تغییر دهد. غذای سبک ساده، عادت به برخاستن به محض بیداری و دوش گرفتن و تمرین بدنی در این مورد ، بسیار مفیدتر و مؤثّرتر از عتاب ها و خطاب هاست. (۳) به دلیل این پیامدهاست که در احادیث، افراد از این عمل نابه هنجار ، برحذر داشته

.

۱- .بلوغ ، ص ۶۳ .

۲- .نوجوانی ، ص ۱۰۳ .

۳- .مراحل تربیت ، ص ۱۶۴ .

ص: ۳۰۷

شـده انـد. در حـدیثی آمـده است که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود : نَاکِحُ الکَفِّ مَلعُونٌ . (۱) کسـی که با دستمالی آلت خود، به ارضـای جنسـی می پردازد، ملعون است. به فرموده امـام صـادق علیه السـلام از جمله کسانی که خـدا با آنها در روز قیامت سخن نمی گوید و نظر رحمت به آنها ندارد و عذاب دردناکی ، آنها را فرا می گیرد، کسـی است که خودارضایی می کند. (۲) نیز وقتی از آن حضـرت ، از اسـتمنا و آیه مربوط به آن پرسیدند، فرمود : إِثْمٌ عَظِیمٌ قَد نَهَی اللّهُ تَعَالَی عَنهُ فِی کِتَابِهِ وَ فَاعِلُهُ کَنَاکِحِ نَفسِهِ وَ لَو عَلِمت بِمَن یَفعَلُهُ مَا أَکَلتُ مَعَهُ ... قَولُ اللّهِ: «فَمَنِ ابْتَغَی وَرَآءَ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ» وَ هُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِکِ . (۳) استمنا ، گناه بزرگی است که خدای متعال در قرآن ، از آن نهی کرده است. انجام دهنده این گناه ، همانند کسـی است که با خودش آمیزش می کنـد. اگر بـدانم کسـی این کار را می کنـد ، هرگز با او غـذا نمی خورم... این سـخن خداونـد که می فرمایـد : «پس هر که فراتر از ازدواج مرد و زن ، رفتـار جنسـی دیگری انجـام دهـد ، پس اینـان ، تجـاوزگران حـدود الهی انـد» و این عمـل ، از مصـادیق فراتر از ازدواج است. قابل توجّه است که این حدیث ، بنا به نقل مرحوم شیخ حرّ عاملی ، ادامه ای دارد که پاسخ به یک سؤال است. سؤال را بـا توجّه به آنچه در ذهن برخی از افراد است ، متـذکّر می شویم و سـپس آن ادامه را مطرح می کنیم. در احـادیث وارده در بـاب حـدود رفتارهای نابه هنجار جنسـی، در ارتباط با اسـتمنا ، حدِ شـرعی مشـخص نشده ؛ بلکه به صورت نمونه ، آمده است : مردی را نزد امام علی علیه السـلام آوردنـد که با آلت خود ، بازی می کرده است . امام ، به گونه ای به دست او زد که سـرخ شد . سـپس از بیت المال ، هزینه ازدواج او را با زنی پرداخت کردند. (۴)

.

۱- .عوالی اللآلی ، ج ۱ ، ص ۲۶۰ ، ح ۳۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۰ .

۲- .ر. ک : بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۰ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۸۲ .

۳- .بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۰ ، ح ۱ .

۴- .الکافی ، ج ۷ ، ص ۲۶۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۵۷۴ ، ح ۱ .

ص: ۳۰۸

بنا بر این گونه احادیث، استمنا ، گناهی است که در صورت اثبات، حاکم شرع ، صرفاً تعزیر می کند و حدّی ندارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام از مالش آلت ، از سوی خود فرد سؤال شد، امام فرمود : نَاکِحُ نَفسِهِ لَا شَی ءَ عَلَیهِ . (۱) او با خودش آمیزش کرده، پس حدی بر او نیست. نیز در یک روایت دیگر از امام باقر علیه السلام در خصوص مردی که با بازی با خودش ، منی از او بیرون آمده ، سؤال شد ، فرمود : لَا بَأسَ بِهِ، وَلَم یَبلُغ بِهِ ذَلِکَ شَیئاً . (۲) اشکالی ندارد ؛ به آن اندازه نیست که حدّ بر او جاری شود. البته شیخ حرّ عاملی ، این حدیث را حمل بر تقیّه کرده است ، از آن جهت که در حدیث آمده ، اشکالی ندارد. ممکن است کسی بگوید دلالت این روایت (اگر حمل بر تقیّه نکنیم) و همچنین حدیث قبلی ، جواز استمنا است. با توجّه به این که در روایات فراوانی ، حرمت و گناه استمنا ، یادآور گردیده و در این دو روایت ، گفته شده اشکالی ندارد و حتّی برای این کار ، حدّ هم در نظر گرفته نشده است ، آیا این ، حکایت از آن ندارد که استمنا نابه هنجاری جنسی نیست ، همان طور که امروزه در بین روان شناسان غربی مطرح است ؟! در پاسخ می گوییم : اولاً ، این دو روایت ، در مقام بیان عدم حرمت نیستند ؛ بلکه برای بیان عدم نیاز به حدّ روایت شده اند . لذا جمله آخر در روایت دوم که گفته : «به آن اندازه نیست که حدّ بر او جاری شود» ، مؤیّد آن است. بنا بر این ، مضمون این حدیث با احادیث دیگر ، در تعارض نیست و حرمت و گناه آن ، نفی نگردیده است. ثانیاً ، این عمل نابه هنجار ، در مقایسه با نابه هنجاری های دیگر جنسی (مانند زنا

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۰ ، ح ۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۵۳ .

۲- .الاستبصار ، ج ۴ ، ص ۲۲۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۵۷۵ ، ح ۳ .

ص: ۳۰۹

و لواط) ، گناه کمتری دارد ، و لذا برای آنها حدّ مشخص شده و بر این عمل ، صرفاً تعزیر (که بنا بر نظر قاضی ، تعداد آن مشخص می شود) . ذیل روایتی که مرحوم شیخ حرّ عاملی آورده، این سؤال نیز از امام علیه السلام مطرح شده است که : از نظر شدّت گناه ، زنا بزرگ تر است یا استمناء ؟ که امام این گونه پاسخ می دهد : هُوَ ذَنبٌ عَظِیمٌ قَد قَالَ القَائِلُ بَعضُ الذَّنبِ أَهوَنُ مِن بَعضٍ وَ الذُّنُوبُ کُلُّهَا عَظِیمٌ عِندَ اللّهِ لِأَنَّهَا مَعاصِیَ وَ إِنَّ اللّهَ لَا یُحِبُّ مِنَ العِبَادِ العِصیَانَ، وَ قَد نَهَانَا اللّهُ عَن ذَلِکَ لِأَنَّهَا مِن عَمَلِ الشَّیطَانِ وَ قَد قَالَ : لَا تَعبُدُوا الشَّیطَانَ ، «إِنَّ الشَّیْطَنَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا یَدْعُواْ حِزْبَهُ لِیَکُونُواْ مِنْ أَصْحَبِ السَّعِیرِ» . (۱) این عمل (استمنا) گناه بزرگی است . بعضی ها می گویند که برخی گناهان ، از برخی دیگر از گناهان سبک ترند ، در حالی که همه گناهان نزد خداوند ، بزرگ هستند ؛ چرا که معصیت هستند و خداوند ، ارتکاب گناه از بندگان خود را دوست ندارد . خداوند ، ما را از گناهان نهی کرده ؛ چرا که معصیت ، عملی شیطانی است و فرموده است : «شیطان را عبادت نکنید ؛ به درستی که شیطان ، دشمن شماست . پس او را دشمن خود بدانید، چرا که او پیروان خود را به آتش دعوت می کند» . ثالثاً ، در روایات گذشته ، تصریح به حرمت استمنا شده و می توان به واسطه این دو روایت که ظهور در جواز هم ندارند ، از آنها دست برداشت. رابعاً در دو حدیث زیر ، استمنا ، به عنوان عملیات اعمال فحشا و از مصادیق زنا دانسته شده است. از امام صادق علیه السلام درباره استمنا سؤال می شود ، ایشان می فرماید : الخَضخَضَهُ] هِیَ مِنَ الفَوَاحِشِ... . (۲) استمناء ، از جمله اعمال فحشا است.

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۲۸ ، ص ۳۶۴ .

۲- .همان ، ج ۱۴ ، ص ۲۶۷ .

ص: ۳۱۰

ب . همجنس گرایی

اشاره

نیز آن امام علیه السلام در مورد آمیزش با حیوان و استمنا فرمود : کُلُّ مَا أَنزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهُ فِی هَذَا وَ شِبهِهِ فَهُوَ زِنا . (۱) هر چیزی که مانند این دو ، باعث انزال منی مرد می شود ، از مصادیق زنا محسوب می شود . بنا بر این ، استمنا، رفتار نابه هنجار و گناه است ، گرچه برای مرتکب آن ، حدّ مشخصی از کیفر ، در نظر گرفته نشده است . از این که این عمل در شرع ، گناه و نابه هنجار شمرده شده، می توان فهمید که این عمل برای آدمی ، زیان دارد و لااقل در بُعد معنوی و روانی ، فرد را با مشکل روبه رو می سازد. علاوه بر این که آسیب ها و زیان های دیگر آن هم در برخی تحقیقات (همان طور که در بالا تبیین شد) به دست آمده است. مضافاً بر این که عادت به چنین رفتاری ، عوارض فراوان روانی دارد که امروزه روان شناسان نیز این نوع استمنا را نابه هنجاری و حتی بیماری دانسته اند. اسلام ، با حرام دانستن این عمل ، از همه خطرات آن و از جمله آسیب های عادت به این عمل ، پیشگیری کرده است.

ب همجنس گرایی (۲)تمایل و رفتار جنسی با همجنس ، از نابه هنجاری های جنسی ای است که از دیدگاه اسلام ، تمام اقسام آن، انحراف و گناه اند و بر اساس میزان قبح هر یک از اقسام آن، کیفرهای متناسبی ، نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. همجنس گرایی، ابتدا به دو دسته تقسیم می شود : همجنس گرایی مرد به مرد و همجنس گرایی زن به زن. هر یک از این دو ، شامل انواعی از رفتارهای نابه هنجار جنسی می شود که در ادامه ، بر اساس آیات قرآنی و احادیثی که درباره انواع رفتارهای نابه هنجار جنسی همجنس گرایان در متون اسلامی آمده، آنها را مورد بررسی قرار می دهیم :

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۹ .

۲- .Homosexuality

ص: ۳۱۱

۱ . لواط

۱ . لواط (۱)لواط یا رفتار جنسی مرد به مرد ، به چند طریق صورت می گیرد : تمایل به انجام دادن رفتار جنسی به صورت فاعلی ، مفعولی و هر دو. در قرآن و احادیث ، هر سه نوع آن ، از گناهان کبیره دانسته شده و کسی که مرتکب آن می شود ، مورد لعن قرار گرفته است. در قرآن ، حدود ده بار ، در ارتباط با قوم لوط ، این نوع رفتارهای جنسی را تقبیح کرده، و آنها را فاحشه و منکر خوانده است . قرآن ، این نکته را تذکّر می دهد که این رفتارهای غیر طبیعی و نابه هنجار ، از سوی هیچ مردی تا کنون (تا زمان قوم لوط) صورت نگرفته است. «أَتَأْتُونَ الْفَحِشَهَ مَا سَبَقَکُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَلَمِینَ . (۲) آیا شما که چنین رفتار نابه هنجار و فاحشه ای را انجام می دهید ، می دانید که هیچ یک از آدمیان در این عمل ، بر شما سبقت نگرفته اند ؟» . و یا با اشاره به غیر طبیعی بودن آن می فرماید : «أَئِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِیلَ وَ تَأْتُونَ فِی نَادِیکُمُ الْمُنکَرَ . (۳) آیا شما مردان همجنس گرا شُدید و راه طبیعی ازدواج با زنان را رها کرده اید و این عمل زشت و منکر را در اجتماع مردم و پیش چشم عموم ، مرتکب می شوید ؟!» . و یا می فرماید : «أَئِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَهً مِّن دُونِ النِّسَآءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ . (۴) آیا شما برای ارضای شهوت جنسی ، زنان را رها می کنید و با مردان ، عمل جنسی انجام می دهید ؟ حقاً که شما گروهی نادان هستید !» . در متون حدیثی ، صدها روایت درباره لواط آمده است که به ذکر چند حدیث ، بسنده می کنیم : پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به گناه کبیره بودن لواط و برخی گناهان دیگر و

.

۱- Perderas.

۲- .سوره اعراف ، آیه ۸۰ .

۳- .سوره عنکبوت ، آیه ۲۹ .

۴- .سوره نمل ، آیه ۵۵ .

ص: ۳۱۲

امکـان ابتلای مرتکبان این گناه به عـذاب الهی می فرمایـد : إِنَّ أَخوَفَ مَا أَخَافُ عَلَی أُمَّتِی مِن بَعـدِی عَمَلُ قَومِ لُوطٍ فَلتَرتَقِب أُمَّتِی العَـذَابَ إِذَا تَکَـافَی ... الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ . (۱) بیشتر چیزی که بـاعث ترس من بر آنهـاست، احتمـال این است که بعـد از من ، مبتلا- به عمل قوم لوط بشونـد . اینان بایـد منتظر عذاب الهی باشـند ، اگر در ارضای جنسـی ، مردان با مردان نزدیکی کنند. امام صادق علیه السـلام در بیـان مصـداق کبائر در آیه «إِن تَجْتَنِبُواْ کَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ» ، (۲) از جمله کبـائر مصـداق آیه را لواط مطرح کرده است : وَاللِّوَاطِ مِنَ الَّذینَ یَجتَنِبُونَ کَبَائِرَ الإِثمِ . (۳) لواط ، از جمله گناهان کبیره است که باید از آن ، اجتناب شود . امام علی علیه السلام با تـوجّه به شـدّت گنـاه کـبیره لواط ، آن را کفر خوانـده و فرموده است : اللِّوَاطُ مَـا دُونَ الـدُّبُرِ وَ الـدُّبُرُ هُوَ الکُفرُ . (۴) لواط ، ارضای جنسـی مرد با مرد بـدون نزدیکی با اوست و نزدیکی در مقعـد مرد ، کفر محسوب می شود . امام صادق علیه السـلام در شدّت گناه کبیره بودن لواط، آن را بـدتر از گنـاه کبیره زنـا دانسـته و فرموده است: حُرمَهُ الـدُّبُرِ أَعظَمُ مِن حُرمَهِ الفَّرجِ، إِنَّ اللّهَ أَهلَکَ أُمَّهً بِحُرمَهِ الـدُّبُرِ وَ لَم یُهلِک أَحَـداً بِحُرمَهِ الفَرجِ . (۵) ممنـوعیت نزدیکی مرد بـا مرد دیگر ، بزرگ تر از ممنـوعیت نزدیکی بـا زن است ؛ زیرا خداوند ، یک قوم را به دلیل ارتکاب گناه لواط ، هلاک کرد ؛ ولی هیچ کس را به دلیل ارتکاب گناه زنا، هلاک ننمود .

.

۱- .مسند الشامیین ، ج ۱ ، ص ۱۰۵ .

۲- .سوره نساء ، آیه ۳۱ .

۳- .بحار الأنوار ، ج ۴۷ ، ص ۲۱۷ ، ح ۴ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۴ ، ح ۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۹ .

۵- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۹ .

ص: ۳۱۳

با توجّه به بدتر بودن نابه هنجاری لواط ، از نابه هنجاری زنا ، باید تعجّب کرد که چرا برخی از روان شناسان غربی ، همجنس گرایی را به هنجار تلقی کرده اند ، ولی زنا را نابه هنجار دانسته اند؟! این ، نشانه آن است که آنها به دلایل غیر عملی و ضد اخلاقی ، چنین نظری را ابراز داشته اند. کسی که مبتلا به این رفتار نابه هنجار شده ، اختلال در هویّت جنسی پیدا کرده است و بر طبق برخی از احادیث ، هویّت جنسی زنان را به خود می گیرد و در نقش جنسی وی ، تغییر ایجاد می شود. رسول اکرم با اشاره به این امر می فرماید : مَن أَلَحَّ فِی وَطی الرِّجَالِ لَم یَمُت حَتَّی یَدعُوا الرِّجَالَ إِلَی نَفسِهِ . (۱) کسی که خیلی علاقه مند به وطی مردان است، خواه ناخواه ، متمایل به آن می شود که مردان نیز با او وطی کنند و به این منظور ، مردان را به سوی خود می کشاند. در احادیث ، علاوه بر نابه هنجاری عمل لواط ، حتّی دوست داشتن این که کسی این کار را انجام می دهد ، حرام دانسته شده است . لذا پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : مَن أَحَبَّ عَمَلَ قَومِ لُوطٍ شَرَّاً کَانَ أَو خَیراً فَهُوَ کَمَن عَمِلَهُ . (۲) کسی که لواط را چه به انگیزه بد و چه به انگیزه خوب، دوست داشته باشد، همانند آن کسی که آن را مرتکب شده، گناه کار است. در قرآن ، افرادی که خود را به این نابه هنجاری جنسی عادت داده اند و به هیچ وجه ، از آن دست بردار نیستند ، «مستان جنسی» خوانده شده اند که جز عذاب و نابودی آنها ، راه دیگری نیست . خداوند ، در بیان دلیل نزول عذاب بر قوم لوط به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : «لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ * فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُشْرِقِینَ * فَجَعَلْنَا عَلِیَهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَیْهِمْ حِجَارَهً مِّن سِجِّیلٍ * إِنَّ فِی ذَ لِکَ لَأَیَتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِینَ . (۳)

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۶ ، ح ۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۰ .

۲- .کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۴۱ ، ح ۱۳۱۳۶ .

۳- .سوره حجر ، آیه ۷۲ ۷۵ .

ص: ۳۱۴

به جان تو سوگند که آنان در مستی (جنسی) خود سرگردان بودند ! پس به هنگام طلوع آفتاب ، فریاد مرگبار ، آنان را فرو گرفت و آن شهر را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگ هایی از سنگ گِل باراندیم . به یقین، در این کیفر برای هوشیاران ، عبرت هاست» . عادت به لواط ، بر اساس مستی جنسی ای که پدید می آورد، نگرش فرد را تغییر می دهد و باعث می شود که این رفتار نابه هنجار و زشت، در نگاه او به هنجار و خوب جلوه کند و آن را حلال و جایز برشمارد. در احادیث فراوانی ، ضمن این که افراد ، از ارتکاب این عمل و به هنجار دانستن آن بر حذر داشته شده اند، مطرح شده : آنان که بر این نابه هنجاری اصرار می ورزند و آن را حلال تلقّی می کنند ، از عذاب حتمی (همانند آن عذابی که بر قوم لوط ، فرود آمده است) ، در امان نیستند . امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ...» (۱) فرمود : مَن مَاتَ مُصِرّاً عَلَى اللِّوَاطِ لَم يَمُت حَتَّى يَرمِيَهُ اللّهُ بِحَجَرٍ مِن تِلكَ الحِجَارَهِ تَكُونُ فِيهِ مِيتَتُهُ وَ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ . (۲) کسی که تا به هنگام مرگ ، بر انجام دادن عمل لواط ، اصرار داشته باشد ، نمی میرد مگر آن که سنگی همانند سنگی که بر قوم لوط فرود آمد، بر او فرود می آید و به این وسیله می میرد ؛ ولی هیچ کس آن سنگ را نمی بیند. نیز آن حضرت در تفسیر آیه فوق فرمود : مَا مِن عَبدٍ يَخرُجُ مِنَ الدُّنيَا يَستَحِلُّ عَمَلَ قَومِ لُوطٍ إِلَا رَمَاهُ اللّهُ بِحَجَرٍ مِن تِلكَ الحِجَارَهِ يَكُونُ مِيتَتُهُ فِيهَا وَ لَكِنَّ الخَلقَ لَا يَرَونَهُ . (۳) هیچ فردی که عمل قوم لوط را حلال بداند، از دنیا نمی رود مگر آن که خداوند ، مرگش را در همان نوع سنگ عذاب وارد شده بر قوم لوط، قرار می دهد ؛ ولی مردم ، آن را نمی بینند.

.

۱- .سوره هود ، آیه ۸۲ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۸ ، ح ۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۱ .

۳- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۴۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۲ ، ص ۱۶۰ .

ص: ۳۱۵

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یُرضِخَ اللّهُ رُؤوسَ أَقوَامٍ بِکَوَاکِبٍ مِنَ السَّمَاءِ یَرمِیهِمُ بِهَا، بِاستِحلَالِهِم عَمَلَ قَومِ لُوطٍ . (۱) قیامت ، برپا نخواهد شد مگر آن که آنهایی که کار قوم لوط را حلال دانسته اند ، به واسطه سنگ ریزه های آسمانی ای که به سر آنها زده می شود ، بمیرند . همان طور که از آیات قرآن و احادیث به دست می آید ، سابقه انحراف همجنس گرایی ، از قوم لوط آغاز شده است. همجنس گرایی ، پس از آنها نیز کم و بیش در برخی جوامع ، مشاهده شده است که همیشه مورد نهی و مذمّت تمام ادیان و اندیشمندان واقع شده است. روان شناسان هم تا سال ۱۹۷۳ م ، این عمل را یک عمل طبیعی نمی دانستند و آن را انحرافی آشکار ، در طبیعت بشری معرفی می کرده اند و برای آن ، علل متفاوتی بیان می نمودند. در این سال بود که همجنس گرایی ، به عنوان یک طبقه تشخیصی ، از سوی انجمن روان پزشکی امریکا ، کنار گذاشته شد و در سال ۱۹۸۰ م ، از راهنمایی تشخیصی و آماری اختلالات روانی حذف شد . (۲) از دیدگاه فروید ، همجنس گرایی (چه به طور مطلق ، چه به طور نسبی) ، نشانه توقّف در سیر تحوّل کارکردهای جنسی است . (۳) آدلر ، معتقد است که ماهیت اصیل انحراف جنسی (از جمله همجنس طلبی) در قطع رابطه عاطفی نسبت به جنس مخالف ، نمایان است . این ، در حالتی است که شخص منحرف ، در نتیجه تأثیرات نامطلوب زمان کودکی و بزرگ سالی، خود را قادر و حائز صلاحیت برقراری این گونه روابط ، احساس نمی کند ، به همین دلیل ، در مقابل نقش طبیعی جنسی خود (نقشی که او را به نسبت آمادگی هایی که برای زندگی به دست آورده، با بیم ابطال شخصیت ، به وحشت می اندازد) ، ایستادگی می کند و این اصل فکری ، غالباً به صورت ناآگاه ، در افراد باقی می مانَد ، امّا موضوعی که در عمل ،

.

۱- .الفردوس ، ج ۵ ، ص ۸۸ ، ح ۷۵۴۷ .

۲- .خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری ، ج۲ ، ص ۳۳۶ .

۳- .پنج گفتار در بیان روانکاوی ، ص ۱۱۱ .

ص: ۳۱۶

آشکارا شروع به خودنمایی می کند ، کم ارزش شماری یا رد زدن است و این ، وسیله ای است که به نظر ، عامل جبرانی در احساس حقارت به شمار می آید. (۱) اریک فروم ، این گرایش را نوعی انحراف از طبیعت بشری می داند و معتقد است کسانی که به انحرافات همجنس گرایی گرفتارند ، در رسیدن به این وصل دو قطبی (قطب مذکّر و مؤنّث) شکست می خورند و به ناچار باید برای همیشه ، رنج جدایی را تحمّل کنند، درست مانند آن دسته از افراد معمولی ای که از مهر ورزیدن عاجزند . (۲) همجنس گرایی، تمایل و رفتاری غیر طبیعی است که در طول تاریخ ، برای اکثریت بشر ، نابه هنجار تلقّی می شده است. آمارهایی که از شیوع همجنس گرایی در دنیا داده اند ، حکایت از آن دارد که درصد بسیار کمی از مردم ، به آن مبتلایند و آنها کسانی هستند که غالباً به دلیل علل و عوامل محیطی، وقفه رشد روانی جنسی، عوامل زیستی و... از طبیعت اوّلیه خود ، بیگانه شده اند. کاپلان (ترجمه پورافکاری، ۱۳۷۹) معتقد است که اوّلین مطالعه اساسی در مورد میزان بروز همجنس گرایی ، از سوی «آلفرد کینسی» ، (۳) در سال ۱۹۴۸ م ، به عمل آمد . او به این نتیجه رسید که ده درصد مردها همجنس گرا هستند. در زن ها این رقم پنج درصد بود. وی همچنین دریافت که ۳۷ درصد مردم ، زمانی در عمر خود ، تجربه ای همجنس گرایانه داشته اند (از جمله ، فعالیت های همجنس گرایی دوران نوجوانی) . از سال ۱۹۴۸ م ، به بعد، زمینه یابی بی شمار در این ارقام ، به طور نزولی ، تجدید نظر کرده اند. یک زمینه یابی در امریکا ، در سال ۱۹۸۸ م ، از سوی اداره آمار آن کشور به عمل آمد که میزان شیوع همجنس گرایی در مردان را دو تا سه درصد گزارش داد . در سال ۱۹۸۹ م ، طبق مطالعات دانشگاه شیکاگو ، این نتیجه به دست آمد که یک درصد هر دو جنس ، منحصراً همجنس گرا هستند. در سال ۱۹۹۳ م، بنیاد «آن گات مچر» به این نتیجه رسید که یک درصد مردها در

.

۱- .روان شناسی فردی ، ص ۱۹۲ .

۲- .هنر عشق ورزیدن ، ص ۴۸ .

۳- .Alfred. C.Kins

ص: ۳۱۷

یک سال قبل از مطالعه ، منحصراً فعّالیت همجنس گرایی داشته انـد. در این مطالعه ، دو درصد مردها تجربه همجنس گرایی را در طول عمر خود گزارش کرده انـد. چون زمینه یـابی هـای جسـمی ، قابـل اعتمـاد نیسـتند، داده هـای دقیق در این مورد ، قابل وصول نیست. بـا این حـال ، رسـانه هـای دولتی نظیر «مراکز کنترل و پیشـگیری بیمـاری هـا» امروزه برای ارائه آمار در زمینه رفتار همجنس گرایی ، از ارقام «کینسـی» اسـتفاده نمی کننـد. جـدول زیر ، تخمین های رفتار همجنس گرایی را در سـطح دنیا نشان می دهـد. (۱) کشور نمونه یافته ها کانادا ۵۵۱۴ نفر دانشجوی سال اوّل ۹۸٪ ناهمجنس گرا. زیر ۲۵ سال ۱٪ دوجنس گرا. ۱٪ همجنس گرا. نروژ ۶۱۵۵ نفر بین ۱۸ تا ۲۶ سال ۵/۳٪ مردها و ۳٪ زن ها تجربه همجنس گرایی را در گذشته گزارش کرده اند . فرانسه ۲۰۰۵۵ فرد بالغ تجربه با همجنس در طول عمر: ۱/۴٪ در مردها و ۶/۲٪ در زن ها دانمارک ۳۱۷۸ نفر بین ۱۸ تا ۵۹ سال کمتر از ۱٪ مردها منحصراً همجنس گرا بودند. بریتانیا ۱۸۸۷۶ نفر بین ۱۶ تا ۵۹ سال ۱/۶ مردها در گذشته تجربه با همجنس را گزارش کرده اند.

.

۱- .داده هـا از وال استریت ژورنـال (۳۱ مارس ۱۹۹۳) و نیویورک تـایمز (۱۵ آوریل ۱۹۹۳) از مطالعـات پژوهشـی در مورد رفتار همجنس گرا ، گرفته شده است.

ص: ۳۱۸

بعضی از همجنس گراها (بخصوص مردها) ، وقوف به تخیّلات رمانتیک مربوط به همجنس را در وجود خود ، قبل از بلوغ گزارش می کنند. طبق داده های کینزی، حدود نیمی از پسرها در دوره پیش از بلوغ ، تجربه های تناسلی با یک فرد همجنس داشته اند. با این حال ، این تجربه جنبه تفتیشی دارد (بخصوص اگر با یک همتا باشد ، نه فرد بالغ) و نوعاً فاقد جزء عاطفی واقعی است. بیشتر همجنس گراهای مرد ، شروع کشش رمانتیک و شهوانی نسبت به همجنس خود را در اوان نوجوانی ، به خاطر می آورند. در مورد زن ها نیز شروع تخیّلات رمانتیک نسبت به همجنس ، ممکن است به مرحله قبل از نوجوانی مربوط باشد. با این حال ، شناخت ترجیح آشکار جنس خودی ، نوعاً در اواسط یا پایان نوجوانی یا حتّی جوانی طول می کشد. زن های همجنس گرا در مقایسه با مردهای همجنس گرا ، ظاهراً در اوایل گرایش خود ، روابط بیشتری با جنس مقابل داشته اند. یک مطالعه ، نشان می دهد که ۵۶ درصد زن های همجنس گرا ، پیش از نخستین تجربه ژنیتال با همجنس ، سابقه نزدیکی با یک مرد را داشته اند، در مقایسه با نوزده درصد مردها که نخستین تجربه آنها نزدیکی با یک زن بوده است. حدود چهل درصد زن های همجنس گرا در یک سال قبل از زمینه یابی ، رابطه جنسی با مرد داشته اند. همان طور که از آمارهای فوق پیداست، عدم شیوع همجنس گرایی ، نابه هنجاری و غیر طبیعی بودن آن را تأیید می کند ، وگر نه همانند ازدواج زن و مرد ، شیوع فراگیر داشت ؛ امّا این که برخی از روان شناسان امریکایی ، جدیداً همجنس گرایی را نابه هنجار تلقّی نمی کنند و آن را از لیست قبلی نابه هنجاری ها حذف کرده اند، باید در انحطاط اخلاقی و موج ضدّ معنویت که دامنگیر امریکا شده و تعدادی از مسئولان سیاسی را نیز مبتلا به همجنس گرایی کرده ، جستجو کرد . آنها باید بدانند که این عوامل ، نمی تواند نابه هنجار و غیر طبیعی را به هنجار و طبیعی کند .

.

ص: ۳۱۹

۲ . تمایل مرد به مفعول واقع شدن

۲ . تمایل مرد به مفعول واقع شـدن (۱)از جملـه همجنس گرایی مرد به مرد ، این است که فرد ، دوست دارد که مرد دیگری بـا وی نزدیکی کنـد و از این که بـا او عمل لواط انجام شود ، لـذّت می برد. این رفتار نابه هنجار جنسـی، از مصادیق لواط است و در متون دینی ، همانند آن شـمرده شده است. امام علی علیه السلام با توجّه به نابه هنجاری این رفتار فرمود : إِذ کَانَ الرَّجُلُ کَلَامُهُ کَلَامَ النِّسَاءِ وَ مِشـیُهُ مَشـیَهَ النِّسَاءِ وَ یُمَکِّنُ مِن نَفسِهِ فَیُنکَحُ کَمَا تُنکَحُ المَرأَهُ ، فَارجُمُوهُ وَ لَا تَسـتَحیُوهُ . (۲) هنگامی که نوع سـخن گفتن مردی ، همانند سخن گفتن زنان و رفتارش، رفتار زنانه است و در برابر مرد دیگری تمکین می کند و خود را برای آمیزش ، همانند زن ، در اختیار مردی دیگر ، قرار می دهـد، پس او را سـنگسار کنید و او را زنده نگذارید . امام صادق علیه السـلام با اشاره به پیامدهای این نوع رفتـار جنسـی نـابه هنجار فرمود : حَرَّمَ اللّهُ عَلَی کُلِّ ذِی دُبُرٍ مُسـتَنکَحٍ، الجُلُوسُ عَلَی إِسـتَبرَقِ الجَنَّهِ . (۳) خـدا برای هر مردی که حاضـر می شود دیگری بـا او آمیزش کنـد ، اقامت در بهشت زرّین را ممنوع ساخته است. نیز امام باقر علیه السـلام فرمود : أَقسَمَ اللّهُ عَلَی نَفسِهِ أَن لا یَقعُـدَ عَلَی نَمَارِقِ الجَنَّهِ مَن یُؤتَی فِی دُبُرِهِ . (۴) خداوند به خودش قسم یاد کرده است، فردی را که حاضـر می شود در مقعـدش آمیزش کننـد، هرگز نگـذارد بر سـریرهای بهشتی تکیه بزند. از این نوع روایات فراوان اند و کمترین دلالت آنها بر این است که این رفتار، نابه هنجار و گناه کبیره است . لذا در برخی روایات ، مورد لعن رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار

.

۱- .Urani

۲- .الکافی ، ج ۷ ، ص ۲۶۷ ؛ تهذیب الأحکام ، ج ۱۰ ، ص ۱۴۹ ، ح ۵۹۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۸ ، ص ۱۵۹ .

۳- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۳۸ ؛ جامع الأحادیث ، ج ۲۱ ، ص ۲۹۳ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۰ ، ح ۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۶ .

ص: ۳۲۰

گرفته اند. امام علی علیه السلام با انتخاب واژه «مخنثین» برای افرادی که این نابه هنجاری را مرتکب می شوند ، فرمود : وَلَعَنَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله المُخَنَّثِینَ ... . (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله مخنّث ها (مردانی که دوست دارند با آنها وطی شود) را لعنت کرده است. یا از رسول اکرم نقل شده که فرمود : لَعَنَ اللّهُ بَیتا یَدخُلُهُ مُخَنَّثٌ . (۲) خداوند ، خانه ای را که مرد مخنّث وارد آن می شود ، از رحمتش دور ساخته است. بر اساس احادیث ، چنین افرادی ، با استمرار این عمل، هویّت جنسی خود را از دست می دهند و هویّت جنس مخالف را پیدا می کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به این امر فرمود : مَن أَمکَنَ مِن نَفسِهِ طَائِعاً یُلعَبُ بِهِ أَلقَی اللّهُ عَلَیهِ شَهوَهُ النِّسَاءِ . (۳) مردی که از روی میل ، در برابر مردی دیگر تمکین می کند تا با او بازی جنسی کند (بر اساس ضوابط تکوینی علّی و معلولی خداوند، از هویّت خود ، بیگانه می شود و هویّت زنانه می گیرد و از این رو) دارای شهوت زنانه می گردد. از مظاهر دیگر این رفتار نابه هنجار که در احادیث ، از آن نهی گردیده ، عبارت است از : آرایش کردن مرد ، به صورتی که مرد دیگری را برانگیزد و تحریک کند. امام صادق علیه السلام در بین تعدادی از نابه هنجاری های جنسی ای که بنی العباس به آن مبتلا شده بودند ، می فرماید : وَرَأَیتُ التَّأنِیثَ فِی وُلدِ العَبَّاسِ قَد ظَهَرَ وَ أَظهَرُوا الخِضَابَ وَ امتَشَطُوا کَمَا تَمتَشِطُ المَرأَهُ لِزَوجِهَا وَ أَعطُوا الرِّجَالَ الأَموَالَ عَلَی فُرُوجِهِم وَ تُنُوفِسَ فِی الرِّجُلِ وَ تَغَایَرَ عَلَیهِ الرِّجَالُ . (۴) می بینی که در بین بنی العباس ، نابه هنجاری ها آشکار شده است . مردان ، به

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۳۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۲ .

۲- .کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۲۴ ، ح ۱۳۰۴۶ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۹ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۴ .

۴- .وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۵۱۵ ؛ المیزان فی تفسیر القرآن ، ج ۵ ، ص ۳۹۸ .

ص: ۳۲۱

۳ . مالش مردان

انگیزه جنسی برای جنس موافق خود، خضاب می کنند و آرایش می کنند همان طور که زن برای همسرش آرایش می کند و به خاطر تمکین مردهایی برای آنها ، از اموال خود به آنها می دهند. مردان ، در مورد مردی که تمکین جنسی می کند ، با یکدیگر رقابت می کنند و به خاطر او با یکدیگر ، به دعوا مشغول می شوند.

۳ . مالش (۱) مرداناز جمله نابه هنجاری های همجنس گرایی مردانه ، تماس مرد با جنس موافق خود ، به انگیزه جنسی و شهوی است . این شیوه به صورت های مختلفی چون : لخت خوابیدن پیش هم و تماس بدن ها به یکدیگر ، مالش آلت به ران ها و دُبر دیگری و مالش آلت یکدیگر ، انجام می شود که همه اینها از دیدگاه اسلامی ، گناه و نابه هنجارند. به نمونه هایی از روایات در این نوع همجنس گرایی ها اشاره می کنیم: حسین بن سعید اهوازی (از علمای اهواز) می گوید : من دست خطّ امام رضا علیه السلام را در پاسخ این سؤال که «آیا بازی با ران غلام و بین ران او اشکالی دارد؟» دیده ام . امام علیه السلام نوشت : «خدا لعنت کند کسی را که چنین کند». (۲) در این حدیث ، ضمن اشاره به نابه هنجار بودن این رفتار همجنس گرایانه، گناه کبیره بودن آن را اشاره کرده است ؛ زیرا بر فاعل آن ، لعنت فرستاده است. در روایات فراوانی ، حدّ صد تازیانه برای چنین شخصی مقرّر گردیده است. (۳) حتّی برای این که مبادا گرایش به اعمال همجنس گرایانه در افرادی پدید آید، خوابیدن مردان زیر یک رو انداز ، حرام شده است و برای کسانی که عمداً اقدام به خوابیدن با هم بنمایند، گرچه رفتار جنسی نابه هنجار دیگری انجام ندهند، تعزیر مقرّر شده است. از امام صادق علیه السلام در ارتباط با زیر یک روانداز خوابیدن دو مرد پرسش شد ، امام فرمود: «اگر آنها قوم و خویش نیستند و ضرورتی ایجاب نشده که این گونه بخوابند ،

.

۱- .Frotteuri

۲- .تهذیب الأحکام ، ج ۱۰ ، ص ۵۶ ، ح ۲۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۸ ، ص ۱۵۴ .

۳- .ر .ک : الکافی ، ج ۷ ، ص ۲۰۰ .

ص: ۳۲۲

۴ . تمایل مرد به بوسیدن مرد

سی ضربه شلّاق به آنها زده می شود». (۱) امام باقر علیه السلام فرمود : نَهَی رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ المُکَاعَمَهِ وَ المُکَامَعَهِ فَالمُکَاعَمَهُ أن یَلثُمَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ وَ المُکَامَعَهُ أن یُضَاجِعَهُ وَ لَا یَکُونُ بَینَهُمَا ثَوبٌ مِن غَیرِ ضَرُورَهٍ . (۲) پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرد از این که مردی ، مرد دیگری را با شهوت ببوسد و یا بدون لباس ، بدون ضرورتی ، پیش هم بخوابند .

۴ . تمایل مرد به بوسیدن مرددر احادیث فراوان ، بوسه گرفتن شهوی مرد از مرد ، مورد نهی قرار گرفته است . امام رضا علیه السلام فرمود: وَ إِذَا قَبَّلَ الرَّجُلُ غُلَاماً بِشَهوَهٍ لَعَنَتهُ مَلَائِکَهُ السَّمَاءِ، وَ مَلَائِکَهُ الأَرضِ ، وَ مَلَائِکَهُ الرَّحمَهِ وَ مَلَائِکَهُ الغَضَبِ وَ أَعَدَّ لَهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَت مَصِیراً . (۳) هنگامی که مردی، پسری را به انگیزه شهوی می بوسد، ملائکه آسمان ها، فرشتگان زمین، فرشتگان رحمت و فرشتگان غضب ، همه ، او را لعنت می کنند و خدا برای او جهنّم را که بد جایگاهی است ، آماده می سازد. شدت گناه بوسیدن پسر از روی شهوت را پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به پیامد عذابی آن ، چنین بیان فرمود : مَن قَبَّلَ غُلَاماً بِشَهوَهٍ ، عَذَّبَهُ اللّهُ أَلفَ عَامٍ فِی النَّارِ . (۴) مردی که پسری را به انگیزه شهوی ببوسد، خداوند ، او را هزار سال در آتش ، عذاب خواهد کرد. روشن است که این نابه هنجاری، زمینه نابه هنجاری های دیگر همجنس گرایانه را در فرد موجب می شود . از این رو ، حتّی یک بار آن هم ، حرام و گناه است و باید از آن پرهیز کرد.

.

۱- .ر. ک : تهذیب الأحکام ، ج ۱۰ ، ص ۵۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۸ ، ص ۹۰ .

۲- .ر .ک : معانی الأخبار ، ص ۳۰۰ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۱ .

۳- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۵۱ ، ح ۱۶۹۲۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۴۱ .

۴- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۵۱ ، ح ۱۶۹۳۰ .

ص: ۳۲۳

۵ . مصافحه، لمس و گفتن سخنان جنسی

۶ . ملاعبه های همجنس گرایانه

۵ . مصافحه، لمس و گفتن سخنان جنسیاز جمله رفتارهای نابه هنجار همجنس گرایی ، نظربازی مردان به عورت های یکدیگر، سخن همجنس گرایانه، مصافحه و دست در گردن هم انداختن از روی شهوت است. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به این که در آینده ، این نوع انحرافات جنسی در بین مردم پدید می آید ، می فرماید : سَیَکُونُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ أَقوَامٌ یُقَالُ لَهُم اللَّوَاطِیَّه عَلَی ثَلَاثَهِ أَصنَافٍ: فَصِنفٌ یَنظُرُونَ وَ یَتَکَلَّمُونَ وَ صِنفٌ یُصَافِحُونَ وَ یُعَانِقُونَ وَ صِنفٌ یعمَلُونَ ذَلِکَ العَمَلَ فَلَعنَهُ اللّهِ عَلَیهِم إِلَا أَن یَتُوبُوا وَ یَنُوبُوا . (۱) در آخرالزمان ، گروه هایی خواهند بود که به آنها همجنس گرا گفته می شود. آنها از نظر انحراف همجنس گرایی ، سه نوع اند: یک نوع از آنها به آلات یکدیگر ، نگاه می کنند و گفتگوی جنسی با هم دارند ؛ نوع دوم ، گروهی هستند که با گرفتن دست یکدیگر و معانقه (و تماس های بدنی دیگر) ، خود را ارضا می کنند و نوع سوم ، گروهی هستند که عمل نزدیکی را با جنس موافق خود انجام می دهند. لعنت خدا بر آنان باد ! مگر آن که توبه کنند و به سوی خدا باز گردند (و از این انحرافات دست بردارند) .

۶ . مُلاعبه های همجنس گرایانهاز دیگر رفتارهای نابه هنجار جنسی ، این است که مردان با یکدیگر ، به صورت دو نفره و یا به صورت گروهی ، به بازی های جنسی و شهوی می پردازند. در حدیثی که پیامبر صلی الله علیه و آله ده رفتار نابه هنجار قوم لوط را بر می شمارد ، می فرماید : «... و آنان با یکدیگر ، به بازی های جنسی می پرداختند» . (۲) ملاعبه های همجنس گرایانه زنان به صورت گروهی نیز از جمله رفتارهای نابه هنجار جنسی است که در احادیث ، بدان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در

.

۱- .کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۴۱ ؛ جمع الجوامع ، ح ۱۴۸۶۹ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۳۰ .

ص: ۳۲۴

۷ . مساحقه (همجنس گرایی در زنان)

حدیثی که تعداد زیادی از انحرافات جنسی را بر می شمارد ، می فرماید : رَأَیتُ النِّسَاءَ یَتَّخِذنَ المَجَالِسَ کَمَا یَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ . (۱) روزی می آید که می بینید زنان در مجالس ، بازی های جنسی برپا می کنند ، همان طور که مردان چنین می کنند.

۷ . مُساحقه (همجنس گرایی در زنان) (۲)از نابه هنجاری های همجنس گرایانه، مساحقه زنانه است و آن ، عبارت است از این که زن ها فروج خود را به یکدیگر می مالند و از این طریق ، به ارضای خود می پردازند. در احادیث زیادی ، این عمل ، مشابه عمل قوم لوط و از نابه هنجاری های شدید جنسی و گناهان کبیره ، دانسته شده است که به عنوان نمونه ، به چند حدیث اشاره می کنیم . از امام صادق علیه السلام درباره زنی که با زن دیگر ، به مساحقه می پردازد ، سؤال شد . ایشان فرمود : مَلعُونَةٌ الرَّاکِبَهُ وَ المَرکُوبَهُ وَ مَلعُونَةٌ حَتَّی تَخرُجَ مِن أَثوَابِهَا الرَّاکِبَهُ وَ المَرکُوبَهُ ، فَإِنَّ اللّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ المَلَائِکَهَ وَ أَولِیاءَه یَلعَنُونَهُمَا وَ أَنَا وَ مَن بَقِیَ فِی أَصلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرحَامِ النِّسَاءِ فَهُوَ وَاللّهِ الزِّنَا الأَکبَرُ وَ لَا وَاللّهِ مَا لَهُنَّ تَوبَةٌ قَاتَلَ اللّهُ لاقِیسَ بِنتَ إِبلِیسَ مَاذَا جَاءَت بِهِ... وَاللّهِ لَقَد کَانَ عَلَی عَهدِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله قَبلَ أَن یَکُونَ العِرَاقُ وَ فِیهِنَّ، قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : لَعَنَ اللّهُ المُتَشَبِّهَاتَ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ وَ لَعَنَ اللّهُ المُتَشَبِّهِینَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ . (۳) فاعل و مفعول ، هر دو مورد لعن خداوند متعال اند . این لعن ، ادامه دارد تا از آن وضعیت بیرون بروند. خدای تبارک و تعالی و ملائکه و اولیای الهی ، همه ، آن دو را لعنت می کنند. آنها سزاوار لعن من و همه مردان و زنانی که می آیند، هستند . به خدا قسم که این زنا ، زنای بزرگ تر است و توبه آنها (در صورتی که استمرار بدهند) قبول نمی شود ! خدا بکشد اقیس ، دختر شیطان را که این رفتار جنسی را

.

۱- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۳۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۶ .

۲- .Lesbiani

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۲ ، ح ۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۶ .

ص: ۳۲۵

باب کرد ... به خدا قسم که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از این که زنانی از اهل عراق گرفتار این رفتار شوند ، زنانی این چنین وجود داشتند! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خدا زنان متشابه به مردان و مردان شبیه به زنان را لعنت کرده است» . از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود : السَّحقُ فِی النِّسَاءِ بِمَنزِلَهِ اللِّوَاطِ فِی الرِّجَالِ . (۱) مساحقه در زنان ، به منزله لواط در مردان است . دو زن از امام صادق علیه السلام درباره حدّ مساحقه زنان ، سؤال کردند . امام فرمود : حَدُّ الزِّنَا إِنَّه إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَهِ یُؤتَی بِهِنَّ قَد أُلبِسنَ مُقَطَّعَاتٍ مِن نَارٍ وَقُنِّعنَ بِمَقَانِعَ مِن نَارٍ وَ سُرولِنَ مِنَ النَّارِ وَ أُدخِلَ فِی أَجوَافِهِنَّ إِلَی رُؤُوسِهِنَّ أَعمِدَهٌ مِن نَارٍ وَ قُذِفَ بِهِنَّ فِی النَّارِ ، أَیَّتُهَا المَرأَهُ إِنَّ أَوَّلَ مَن عَمِلَ هَذَا العَمَلَ قَومُ لُوطٍ فَاستَغنَی الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ فَبَقِیَ النِّسَاءُ بِغَیرِ رِجَالٍ فَفَعَلنَ کَمَا فَعَلَ رِجَالُهُنَّ . (۲) حد آن (مساحقه) حدّ زناست. وقتی قیامت می شود، مساحقه کننده ها را می آورند و لباس ها ، مقنعه ها و شلوارهایی از آتش بر آنان می پوشانند و با میله های آتشین که به آنها فرو می کنند ، آنها را به جهنم می اندازند. ای زن ! اوّلین باری که این عمل انجام گرفت ، از سوی قوم لوط بود که مردان ، نیاز خود را با مردان ، برطرف می کردند . زنان ، چون بدون مردان ماندند، آنها هم همان کار مردان را با خود انجام دادند. برای پیشگیری از این نابه هنجاری، خوابیدن زنان به صورت برهنه پیش هم نیز گناه تلقّی شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید : لَیسَ لِامرَأَتَینِ أن تَبِیتَا فِی لِحَافٍ وَاحِدٍ إِلَّا أن یَکُونَ بَینَهُمَا حَاجِزٌ، فَإِن فَعَلَتَا نُهِیَتَا عَن ذَلِکَ، وَ إِن وُجِدَتَا مَعَ النَّهیِ جُلِدَت کُلُّ وَاحِدَهٍ مِنهُمَا حَدّاً حَدّاً ، فَإِن وُجِدَتَا أَیضا فِی لِحَافٍ جُلِدَتَا، فَإِن وُجِدَتَا الثَّالِثَهُ قُتِلَتَا . (۳) جایز نیست که دو زن ، لخت در زیر یک روانداز بخوابند ، مگر آن که بین آن دو ،

.

۱- .مکارم الأخلاق ، ص ۲۳۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۴۲۵ ، ح ۳ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۲ ، ح ۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۵ .

۳- .الکافی ، ج ۷ ، ص ۲۰۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۴۲۶ ، ح ۱ .

ص: ۳۲۶

ج . زنا و روسپیگری

مانعی از اتّصال بـدن آنها به یکـدیگر باشـد . پس اگر چنین کار زشتی انجام دادنـد ، از آن نهی می شونـد و در صورتی که بعد از نهی ، باز تکرار کردند، حدّ می خورند ، و در صورتی که باز هم پس از حد خوردن ، تکرار کردند، کشته می شوند.

ج زنا (۱) و روسپیگری (۲)در مورد حرمت زنا و مصداق انحراف جنسـی بودن آن، از دیدگاه دینی ، هیچ تردیدی نیست و آیات و احـادیث بسـیاری بر آن تصـریح شـده است. برای زنـا از عنـاوینی چون : زنای محصـنه یا غیر محصـنه و زنای با محارم و غیر محارم اسـتفاده شـده ، و از حـد صـد تازیانه تا رجم و یا زدن شمشـیر کیفر مشـخص گردیـده است که در این ارتباط باید به کتب فقهی و حدیثی مراجعه شود. در این جا صـرفاً نابه هنجار بودن زنا به دلیل عوارض و زیان های روانی معنوی، اجتماعی، معیشتی و آخرتی ، مورد توجّه است که به یـک آیه و چنـد حـدیث در این زمینه ، اشـاره می کنیم . قرآن ، بـا اشـاره به نـابه هنجار بودن زنا و انحرافی بودن این راه برای ارضای جنسـی می فرماید : «وَ لَا تَقْرَبُواْ الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَحِشَهً وَسَآءَ سَبِیلاً . (۳) هرگز به سوی رفتار زنایی ، نزدیک نشوید ؛ زیرا که مصداق فحشاست و برای ارضای غریزه جنسـی ، راه بد و انحرافی است» . امام باقر علیه السلام با توجّه به زیان های فراوان زنا فرمود : لِلزَّانِی سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِی الـدُّنیَا وَ ثَلَاثٌ فِی الآخِرَهِ ، أَمَّا الَّتِی فِی الـدُّنیَا فَیَذهَبُ بِنُورِ الوَجهِ وَ یُورِثُ الفَقرَ وَ یُعَجِّلُ الفَنَاءَ وَ أَمَّا الَّتِی فِی الآـخِرَهِ فَسَـخَطُ الرَّبِّ وَ سُوءُ الحِسَابِ وَ الخُلُودُ فِی النَّارِ . (۴) عوارضـی که دامنگیر زناکار می شود ، شش پیامد است: سه تا در زندگی اجتماعی

.

۱- .Adulte

۲- .Prostituti

۳- .سوره اسراء ، آیه ۳۲ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۱ ، ح ۳ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۵۷۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۰۹ .

ص: ۳۲۷

و دنیـایی و سـه تـا در زنـدگی معنـوی و اخروی ؛ امّـا عوارضـی کـه زنـا در زنـدگی دنیـایی فرد دارد: از بیـن رفتن اعتبـار و آبروی اجتمـاعی، ابتلاـ بـه فقر و بیچـارگی و کوتـاهی عمر است. و امّـا عوارضـی که در آخرت برای فرد دارد : غضب و خشم پروردگـار، حسابرسـی بد و زندگی دائمی در آتش جهنّم است. امام رضا علیه السـلام در نامه اش به محمّد بن سـنان، با اشاره به علّت حدّ زنا ، آن را از بزرگ ترین گناهان دانسـته و نوشـته است : وَ عِلَّهُ ضَربِ الزَّانِی عَلَی جَسَدِهِ بِأَشَدَّ الضَّربِ لِمُبَاشَرَهِ الزِّنَا وَ استِلذَاذِ الجَسَدِ کِلِّهِ بِهِ، فَجُعِـلَ الضَّربُ عُقُوبَهً لَهُ وَ عِبرَهً لِغَیرِهِ، وَ هُوَ أَعظَمُ الجِنَایَـاتِ . (۱) دلیل شـدت نواختن تازیانه بر بـدن فرد زناکار ، این است که او اقـدام به زنا کرده و از راه انحرافی ، با تمام بـدنش لـذّت برده . پس تازیانه را برای کیفر او و مایه عبرت دیگران قرار دادیم . بدانید که زنـا ، از بزرگ ترین گناهـان است. امام صادق علیه السـلام ضـمن اشاره به این نکته که زنا ، انحراف از مسـیر طبیعی و تجاوز از قانون و حـدود الهی ، است می فرماید : ... وَ جَعَلَ لِکُلِّ شَـی ء حَدّاً وَ لِمَن جَاوَزَ الحَدَّ حَدّاً... وَ إِنَّ اللّهَ حَدَّ أَن لا یُنکَحَ النِّکَاحُ إِلَا مِن حِلِّهِ وَ مَن فَعَـلَ غَیرَ ذَلِکَ إِن کَانَ عَزَباً جَـلَدَ ، وَ إِن کَانَ مُحصِناً رُجِمَ لِمُجَاوَزَتِهِ الحَـدَّ . (۲) خـدا برای هر چیزی ضابطه ای قرار داده است و برای کسی که ضابطه و قانون را بشکند ، حدّ و کیفری وضع کرده است ... خداوند ، ضابطه اش این است که آمیزش جز از طریق ازدواج حلال ، انجام نگیرد. کسـی که غیر از این می کند، اگر همسـر ندارد ، حدّ (صد تازیانه) برای اوست و اگر همسر دارد ، سـنگسار می شود ؛ زیرا از قانون خداوند ، تجاوز کرده است. امروزه، زنا به صورت ارتباط آزاد و با افراد فراوان ، شیوع پیدا کرده و حتی عدّه ای از زنان ، با «روسپیگری» ، زندگی خود را می گذرانند . زنان ، خرید و فروش می شوند

.

۱- .علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۵۴۴ ؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۱۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۷۰ ، ح ۸ .

۲- .الکافی ، ج ۷ ، ص ۱۷۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۱۰ ۳۱۱ ، ح ۳ .

ص: ۳۲۸

و به رفتارهای جنسی ای که خود هم بدان راضی نیستند، صرفاً برای به دست آوردن درآمد و گذران زندگی ، تن می دهند. عدّه ای سودجو و سرمایه دار هم ، در جهت کسب درآمد و ثروت بیشتر ، زنان بی شخصیت را به خودفروشی می کشانند. امام صادق علیه السلام در حدیث مفصّلی که به ابتلای آدمیان ، به انواع نابه هنجاری های جنسی اشاره کرده، می فرماید : وَ مَعِیشَهُ المَرأَهِ فِی فَرجِهَا ... وَ کَانَ الزِّنَا تُمتَدَحُ بِهِ النِّسَاءُ... وَ رَأَیتَ النَّاسَ خَیرَ بَیتٍ مَن یُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَی فِسقِهِنَّ ... وَ رَأَیتَ ذَوَاتَ الأَرحَامِ یُنکَحنَ وَ یُکتَفَی بِهِنَّ . . . وَ رَأَیتَ الرَّجُلَ یَأکُلُ مِن کَسبِ امرَأَتِهِ مِنَ الفُجُورِ، یَعلَمُ ذَلِکَ وَ یُقِیمُ عَلَیهِ... وَ رَأیتَ الرَّجُلَ یَکرِی امرَأَتَهُ وَجارِیَتَهُ وَ یَرضَی بِالدَّنِیِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ ...وَ رَأَیتَ النِّسَاءَ یَبذُلنَ أنفُسَهُنَّ لِاهلِ الکُفرِ ... فَکُن عَلَی حَذَرٍ وَاطلُب إِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّجَاهَ ... (۱) گروه هایی از زنان ، از راه خودفروشی زندگی را خواهند گذراند... زنا ، مورد مدح و ستایش زنان قرار می گیرد ... دیدگاه گروهی این است که بهترین خانواده، خانواده ای است که برای فسق و خودفروشی زنان ، به آنان کمک می کنند ... با محرمان خود ، زنا می کنند و از این طریق ، به ارضای شهوت می پردازند و دیگر ازدواج نمی کنند ... و خواهید دید که مرد از درآمد خودفروشی زنش می خورد، خود مرد ، آن را می داند و خودش زمینه را فراهم می سازد ... و خواهید دید که مرد ، زن و کنیز خود را کرایه می دهد ، در برابر کمی نان و آب و به همین رضایت می دهد ... و خواهید دید که زنان ، خودشان را به کافران می بخشند... با این وصف باید از چنین افرادی کناره گیری نمایید و برای نجات از این مهلکه ها دعا کنید. در وصیّت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله اموری که فرد مؤمن را از ایمان خارج می کند ، آمده است : کَفَرَ بِاللّهِ العَظِیمِ مِن هَذِهِ الأُمَّهِ ... وَ نَاکِحُ المَرأَهِ حَرَاماً فِی دُبُرِها وَ نَاکِحُ البَهِیمَهِ وَ مَن نَکَحَ ذَاتَ مَحرَمٍ مِنهُ ... . (۲)

.

۱- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۳۶ ۴۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۶ ۲۷۸ .

۲- .الخصال ، ص ۴۵۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۳۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۳۷۲ ، ح ۱۴ .

ص: ۳۲۹

د . نظربازی (تماشاگری جنسی)

به خدای بزرگ ، کافر است کسی که از این امّت است و مرتکب این امور می شود : کسی که با زنی به صورت حرام در دبرش آمیزش می کند، آمیزش کننده با حیوان و کسی که با محارم خود زنا می کند. نیز می فرماید : ... بِئسَ القَومُ قَومٌ یَستَحِلُّونَ المَحَارِمَ وَ الشَّهَوَاتِ وَ الشُّبُهَاتِ . (۱) چه بسیار بدند گروهی که محارم را برای خود حلال می کنند و هرچه مایل باشند از خواهش های نفسانی و امور شبهه ناک ، مرتکب می شوند .

د نظربازی (تماشاگری جنسی) (۲)از نابه هنجاری های دیگر جنسی «نظربازی» یا تماشاگری جنسی است که به دو صورت ، وجود دارد : نظر به عورت همجنس (نگاه مرد به عورت مرد و نگاه زن به عورت زن) و نظر به جنس مخالف . در مورد نظربازی نسبت به یکدیگر و نیز زنان نسبت به هم، احادیث فراوانی وارد شده است که افراد را از این رفتار حرام ، باز داشته است. به عنوان نمونه ، از رسول اکرم نقل شده که مردان را از این که به عورت برادر مسلمان خود نگاه کنند ، نهی می کرد و می فرمود : مَن تَأَمَّلَ عَورَةَ أَخِیهِ المُسلِمِ لَعَنَهُ سَبعُونَ أَلفَ مَلَکٍ وَ نَهَی المَرأَةَ أَن تَنظُرَ إِلَی عَورَهِ المَرأَهِ . (۳) کسی که نگاه عمدی به عورت برادر مسلمان خود بنماید ، هفتاد هزار فرشته ، او را لعن خواهند کرد. نیز آن حضرت نهی کرد از این که زنی ، به عورت زن دیگر نگاه کند. در مورد حرمت نظربازی مرد به هر جای از بدن زن (بجز صورت و دست ها) ، احادیث زیادی

.

۱- .نوادر الراوندی ، ص ۱۵۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۲۲ ، ص ۳۱۱ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۷۰ .

۲- .Voyeurism

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱ ، ص ۲۹۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۳۳۱ ، ح ۱ .

ص: ۳۳۰

وجود دارد . از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: مَن نَظَرَ إِلَی عَورَهِ أَخِیهِ المُسلِمِ أو عَورَهِ غَیرِ أَهلِهِ مُتَعَمِّداً أَدخَلَهُ اللّهُ مَعَ المُنَافِقِینَ الَّذِینَ کَانُوا یَبحَثُونَ عَن عَورَاتِ النَّاسِ وَ لَم یَخرُج مِنَ الدُّنیَا حَتَّی یَفضَحَهُ اللّهُ إِلَا أَن یَتُوبَ . (۱) کسی که به عورت برادر مسلمانش و یا به عورت زنی غیر از همسر خویش عمداً نگاه کند، خداوند ، او را با منافقانی محشور می کند که به دنبال ریختن آبروی مسلمانان بوده اند. اینان از دنیا نمی روند تا آن که خداوند ، آنان را رسوا کند، مگر آن که توبه نمایند . نیز آن حضرت فرمود : مَن مَلأَ عَینَهُ مِن حَرَامٍ مَلَأَ اللّهُ عَینَهُ یَومَ القِیامَهِ مِنَ النَّارِ إِلَا أَن یَتُوبَ وَ یَرجَعَ . (۲) کسی که از نگاه به حرام ، خود را ارضا کند، خدا در قیامت ، چشمانش را پر از آتش خواهد کرد ، مگر این که توبه کند و از آن رفتارش دست بردارد . در مورد نگاه زن به مرد ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : اشتَدّ غَضَبُ اللّهِ عَلَی امرَأَهٍ ذَاتِ بَعلٍ مَلَأَت عَینَهَا مِن غَیرِ زَوجِهَا . (۳) غضب خدا بر زن همسرداری که چشمان خود را از نگاه به غیر همسرش پر می کند، شدید است. نگاه به عورت همجنس و نگاه مرد و زن نامحرم به یکدیگر ، از آن جهت در احادیث ، نابه هنجار تلقّی شده و با آن ، برخورد شدید شده است که باعث عوارض روانی معنوی در فرد می شود و نابه هنجاری های دیگری را نیز ایجاد می کند . امام رضا علیه السلام با اشاره به علّت حرمت نظربازی و چشم چرانی می نویسد : حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَی شُعورِ النِّسَاءِ المَحجُوبَاتِ بِالأَزوَاجِ وَ غَیرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِیهِ مِن تَهییجِ الرِّجَالِ وَ مَا یَدعُو التَّهییجُ إِلَی الفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِیمَا لا یَحِلُّ وَ لا یَجمُلُ وَ

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۱ ، ص ۲۹۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۲ ، ح ۲ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۲ ، ح ۳ .

۳- .ثواب الأعمال ، ص ۲۸۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۳۶۶ .

ص: ۳۳۱

کَذَلِکَ مَا أَشبَهَ الشُّعُورِ... . (۱) خداوند ، نگاه به موهای زنان با حجابِ متأهّل و مجرّد را حرام کرده است ؛ چون باعث تحریک مردان می شود و این تحریک ، آنها را به تباهی و حالت های روانیِ نامطلوبی می کشاند که به کارهایی که حلال و زیبا نیست ، دست می زنند. به همین علت ، نگاه به متعلّقات دیگر زنان نیز حرام است. حضرت عیسی علیه السلام نیز فرمود : إِیَّاکُم وَ النَّظِرَهَ فَإِنَّهَا تَزرَعُ فِی القَلبِ وَ کَفَی بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتنَهً . (۲) از نگاه حرام بپرهیز ؛ زیرا که در دل ، چیز نامطلوبی را می کارد که همان ، برای فتنه انگیزی (و وادار شدن به نابه هنجاری های بدتر) نگاه کننده ، بس است. از جمله مصادیق نظربازی که نابه هنجاری جنسی در ارتباط با جنس مخالف محسوب می شود ، تمایل زن ، به دیدن آمیزش مرد با مرد است که خود را به این طریق ، به استشها می رساند و لذّت می برد. امام صادق علیه السلام در حدیثی ، برای یکی از موالیان خود ، نابه هنجاری هایی را که افراد در زمان های آینده ، به آن مبتلا می شوند، تبیین می کند و می فرماید : وَ رَأَیتَ المَرأَهَ تُصَانِعُ زَوجَهَا عَلَی نِکَاحِ الرِّجَالِ . (۳) (در آینده) می بینی زنی را که اظهار خوشایندی می نماید و چاپلوسی شوهرش را می کند تا او به آمیزش با مردان دیگر بپردازد. این پیش بینی امام صادق علیه السلام امروزه مصداق پیدا کرده است . زن هایی هستند که تمایل شدید خود را به دیدن لواط و همجنس گرایی مردان ابراز داشته اند و از این رو ، به دنبال به دست آوردن فیلم ها و برنامه های ماهواره ای هستند که این نوع فحشا را نشان می دهند . (۴)

.

۱- .علل الشرائع ، ج ۲ ، ص ۵۶۵ ؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۱۰۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۴ ، ح ۱۲ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۴۱ ، ح ۵۰ ؛ المحاسن ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ .

۳- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۳۹ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۷۶ .

۴- .اشاره به مواردی است که افراد ، در کیلینیک های روان درمانگری در برخی از شهرستان ها ابراز داشته اند .

ص: ۳۳۲

ه . مصافحه مرد با زن

روان شناسان ، نظربازی یا تماشگری جنسی را از زیرمجموعه های «پارافیلیاها» و نابه هنجاری های جنسی دانسته اند. در اختلال تماشگری جنسی (نظربازی) ، پرداختن به عمل جنسی با شخص مورد مشاهده ، وجود ندارد و این عمل ، مقدّمه ای برای انجام دادن یک فعالیت جنسی طبیعی نیست . به عبارت دیگر، در این اختلال ، کار تماشاگری ، جانشین فعّالیت جنسی طبیعی و به هنجار می شود . (۱) شخصی که مبتلا به تماشاگری جنسی است ، امیال عود کننده و شدیدی برای جستجو یا دید زدن مخفیانه افراد بی اطلاعی که برهنه هستند یا در حال فعالیت جنسی اند ، دارد. چنین فردی ، ممکن است که در هنگام عمل دید زدن یا بعدها که به آن صحنه ها فکر می کند، استمنا کند ؛ امّا در کل ، به دنبال برقراری رابطه جنسی با فردی که تماشا کرده است، نیست. این اختلال ، غالباً از سن پانزده سالگی آغاز می شود، و ادامه می یابد (MSD-VI، ۱۹۹۴ م و MSD-VI- RTو ۲۰۰۰ م). طبق یک گزارش ، سی تا پنجاه درصد تماشگران جنسی ، متأهّل هستند و تعارض زناشویی و میزان طلاق در میان آنها ، بیش تر از جمعیت کلّی نیست ؛ امّا دسته ای دیگر از پژوهش ها ، بیانگر آن اند که این قبیل بیماران ، از کمّیت و کیفیت رابطه جنسی خود با شریک جنسی شان ناخرسندند .

ه مصافحه مرد با زنرسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : مَن صَافَحَ امرَأَةً تُحرَمُ عَلَیهِ فَقَد بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللّهِ وَ مَنِ التَزَمَ امرَأَةً حَرَاماً قُرِنَ فِی سِلسِلَهٍ مِن نَارٍ مَعَ الشَّیطَانِ، فَیُقذَفَانِ فِی النَّارِ . (۲) کسی که با زن نامحرم ، مصافحه کند ، به غضب الهی گرفتار می شود و کسی که با زنی به طور حرام ، ارتباط برقرار کند ، با شیطان ، در غل و زنجیر آتشین ، به جهنّم پرتاب می شوند.

.

۱- .زندگی جنسی مردان ، ص ۱۸۰ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۱۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۳۳۴ ، ح ۱ و ج ۱۰۴ ، ص ۳۲ ، ح ۴ .

ص: ۳۳۳

و . مالش مرد به زن

امام صادق علیه السلام می فرماید : لَا یَحِلُّ لِلرَّجُلِ أن یُصَافِحَ المَرأَهَ إلَا امرَأَهً یَحرُمُ عَلَیهِ أن یَتَزَوَّجَهَا : أُختٌ أو بِنتٌ أو عَمَّهٌ أو خَالَهٌ أو بِنتُ أُختٍ أو نَحوُهَا فَأَمَّا المَرأَهُ الَّتِی یَحِلُّ لَهُ أن یَتَزَوَّجَهَا فَلَا یُصَافِحهَا إلا مِن وَرَاءِ الثَّوبِ وَ لَا یَغمِز کَفَّهَا . (۱) جایز نیست که مرد ، با زن نامحرم دست بدهد ؛ امّا دست دادن با زنان محرم ، مانند خواهر، دختر، عمّه، خاله، دختر خواهر، و مانند آن ، اشکالی ندارد. مصافحه کردن با زنی که می توان با او ازدواج کرد (نامحرم) ، حلال نیست مگر از پشت لباس (مانند دستکش) و بدون فشار دادن. در حدیث دیگری نیز امام علیه السلام در پاسخ به این سؤال که : «آیا مرد با زن نامحرم ، می تواند دست بدهد؟ می فرماید : لَا إلَا مِن وَرَاءِ الثَّوبِ . (۲) نه ! مگر از پشت لباس . دو خواهر محمّد بن ابی عمیر (سعیده و منّه) نیز نقل کردند که بر امام صادق علیه السلام وارد شدند و سؤال کردند که : آیا زنی برادر مؤمنش را می تواند عیادت کند ؟ امام فرمود : «بلی» گفتند : آیا با او می تواند دست بدهد ؟ امام فرمود : «از روی لباس ، اشکالی ندارد » . یکی از آن دو خواهر ، به امام گفت: این خواهرم با برادر ایمانی اش عیادت می کند. امام فرمود : «هنگامی که به عیادت برادر ایمانی ات می روی ، لباس رنگین نپوش» . (۳)

و مالش مرد به زنمالش به جنس مخالف از روی لباس نیز از نابه هنجاری های جنسی است. در نامه ای که به امام رضا علیه السلام نوشته شد آمده است که : مردی ، از روی لباس هایشان به زنی

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۵ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰۸ .

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۵ ، ح ۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۰۷ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۶ ، ح ۳ .

ص: ۳۳۴

ز . تشابه به جنس مخالف

می مالـد و تحریک می شود و جنب می گردد . آیا این ، از حـدّ اسـتمنا فراتر است ؟ امام در پاسخ می نویسد : «از آن حد ، فراتر و قبیح تر است ؛ زیرا این کار را با زن اجنبی انجام داده است» . (۱) کانون اصلی این نابه هنجاری جنسی ، لمس و مالش یک شخص نـاموافق به انجام دادن این عمل است. این رفتار ، معمولاً در مکان های شـلوغی که فرد می توانـد به آسانی ، از دسـتگیر شـدن فرار کنـد ، روی می دهـد. فرد مبتلا به این نابه هنجاری جنسـی ، انـدام های تناسـلی خود را به ران های شـخص قربانی می مالـد یا آلت تناسلی و پستان های او را با دستش لمس می کند. در هنگام انجام دادن این کار ، وی معمولاً یک رابطه منحصر به فرد و مشتاقانه ، با طرف مقابل را مجسّم می کنـد ؛ امّا می دانـد که برای دور شدن از تعقیب قانونی احتمالی باید پس از لمس قربانی اش فرار کند . معمولاً این نابه هنجاری جنسـی ، از دوران نوجوانی شـروع می شود. بیشتر اعمال مالشـگری ، بین ۱۵ تا ۲۵ سالگی روی می دهد و سپس فراوانی آن ، رو به کاهش می گذارد (۲۰۰۰ ، MSD - VI - RT م) .

ز تشـابه به جنس مخالفاز جمله رفتارهای نابه هنجار جنسـی ، این است که بعضـی از مردان و زنانی ، تمایل دارنـد که نقش جنسـیِ جنس مخالف خود را داشـته باشند . از این رو ، خودشان را شبیه جنس مخالف در می آورند، مثلاً مرد ، لباس زنانه می پوشد و زن لباس مردانه و از این طریق ، تحریک می شونـد . در این نابه هنجاری ، مرد ، تمایل دارد که مفعول واقع شود و زن ، تمایل دارد که فاعل باشـد. همچنین مواردی که با خیال و تصوّر لباسِ جنس مخالف، فرد تحریک می شود و در خیالش به لـذّت جنسـی می رسد. مردانی که خود را همانند زنان ، آرایش می کنند، نیز از همین گروه اند . پیامبر صـلی الله علیه و آله با شمارش تعدادی از انحرافات جنسی و نابه هنجاری های دیگر که

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۲۶ ، ح ۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص۳۵۴ . حدیث ، با توجّه به نظر مرحوم علّامه مجلسی در مرآه العقول که در پاورقی الکافی آمده ، ترجمه شده است .

ص: ۳۳۵

گروه هایی از مردم آخرالزمان ، به آن مبتلا هستند ، می فرماید : سَیَأتِی مِن بَعدِی أقوَامٌ ... یَتَزَیَّنُونَ بِزِینَهِ المَرأَهِ لِزَوجِهَا ... یَقولُ اللّهُ تَعَالَی: «فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ الصَّلَوهَ وَ اتَّبَعُواْ الشَّهَوَ تِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا» (۱) . (۲) زمانی بعد از من خواهد آمد که گروه هایی از مردها ، همانند آرایش زن برای شوهرش، آرایش می کنند. اینان از مصادیق گفته خدای متعال اند که می فرماید : «بعد از مردم شایسته، کسانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات ، پیروی نمودند . اینان به سرعت ، در گمراهی ، غرق می شوند» . همچنین آن حضرت ، با اعلام این که افرادی که نقش جنسی متشابه با نقش جنسی جنس مخالف دارند، از رحمت خداوند و لطف فرشتگان دورند ، می فرماید : لَعَنَ اللّهُ وَأَمَّنَت المَلائِکَهُ عَلَی رَجُلٍ تَأَنَّثَ وَامرَأَهٍ تَذَکَّرَت . (۳) خداوند و ملائکه ، لعنت کنند مردی را که نقش زنانه به خود بگیرد و زنی که نقش مردانه ایفا کند. امام صادق علیه السلام نیز هرگونه ایفای نقش متشابه با نقش جنس مخالف ، به انگیزه شهوت جنسی را از جمله انحرافات از مسیر طبیعی دانسته ، می فرماید : لَعَنَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : المُتَشَبِّهِینَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ المُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ قَالَ : وَ هُم المُخَنَّثُونَ وَ اللَاتِی یَنکِحُ بَعضُهُنَّ بَعضاً وَ إِنَّمَا أَهلَکَ اللّهُ قَومَ لُوطٍ حِینَ عَمِلَ النِّسَاءِ مِثلَ عَمَلِ الرِّجَالِ : یَأتِی بَعضُهُنَّ بَعضاً . (۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرده است مردان و زنانی را که به تمایل جنسی ، مشابه یکدیگر می شوند. مردانی که برای ارضای جنسی، خود را در اختیار فرد دیگری قرار می دهد تا با او نزدیکی کند و زنانی که با تصوّر آمیزش با دیگری و ایفای نقش فاعلی ، خود را ارضا می کنند. به درستی که خدای متعال ، قوم لوط را آن هنگام به هلاکت انداخت که زنان ، نقش مردان را ایفا می کردند و با یکدیگر به

.

۱- .سوره مریم ، آیه ۵۹ .

۲- .الکافی ، ج ۳ ، ص ۲۷۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۳۴۳ .

۳- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۴۹ ، ح ۱۶۹۱۹ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۷ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۹ ، ص ۶۸ .

ص: ۳۳۶

ارضای جنسی می پرداختند. از این حدیث ، استفاده می شود که هر نوع تشابه در ارضای جنسی مرد به زن و بالعکس ، حرام است و انحراف جنسی محسوب می شود. اطلاق این حدیث ، شامل هرگونه نقش جنسی زن که متشابه با عملکرد جنسی مرد باشد نیز می شود ، مثلاً فرو بردن دست و یا اجزای دیگر از خود و یا چیز دیگری بر زن دیگر ، به انگیزه شهوی و یا خیال چنین صحنه ای و لذت بردن از آن . از مصادیق این نوع رفتار نابه هنجار جنسی ، «یادگارخواهی همراه مبدّل پوشی» (۱) است که انجمن روان شناسی امریکا (۱۹۹۴ ، MSD VI م) به نابه هنجار بودن آن ، تصریح کرده است. این انحراف ، با ملبّس شدن خیالی یا واقعی به لباس زنانه ، به منظور تحریک یا وسیله کمکی برای استمنا و آمیزش مشخص است . این نابه هنجاری ، معمولاً در کودکی یا ابتدای نوجوانی آغاز می شود. با گذشت سال ها ، بعضی از این افراد ، به مبّدل پوش همراه با ملال جنسیتی ، طبقه بندی شده اند. معمولاً بیش از یک قطعه از لباس زنانه و اکثراً تمام لباس های مربوط به زن ها مورد استفاده قرار می گیرد. وقتی ترانس وستیست ، لباس زنانه به تن می کند، ممکن است که زنانگی چشمگیری پیدا کند، هرچند معمولاً ـ این حالت ، به درجه ای که در ترانس سکسوالیسم دیده می شود، نیست. بدون لباس زنانه، ممکن است چنین مردهایی از نظر ظاهر و شغلی ، بیش از حد، مردانه به نظر برسند. زنانه پوشی در مرد ، ممکن است در طول طیفی که یک قطب آن ، پوشیدن لباس زنانه در خلوت، تنهایی، افسردگی و به همراه احساس گناه و در قطب دیگر ، رفتار مشابه به صورت عضویت در جامعه ترانس وستیست ها است، مشاهده شود. بیشتر افراد مبدّل پوش ، مردان دگرجنس گرا هستند که به لباس زنانه ، رومی آورند و معمولاً این نابه هنجاری ، از نوجوانی شروع می شود .

.

۱- Transvestic fetishism.

ص: ۳۳۷

ح . حیوان بازی (آمیزش با حیوان)

ح حیوان بازی (آمیزش با حیوان) (۱)از دیگر نابه هنجاری های جنسی ، حیوان دوستی و آمیزش با آنهاست. رسول اکرم فرمود : مَلعُونٌ مَن نَکَحَ بَهِیمَهً . (۲) هر فردی که با حیوانی آمیزش کند ، مورد لعن خداوند متعال است. امام صادق علیه السلام آن را در کنار استمنا ، از مصادیق زنا می داند و می فرماید : کُلَّ مَا أَنزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهَ فِی هَذَا وَ شِبهِهِ فَهُوَ زِنا . (۳) هر رفتاری مانند آمیزش با حیوان و استمنا که باعث خروج منی از مرد شود، زنا محسوب می گردد. امام باقر علیه السلام با اشاره به زیان های آمیزش با حیوان می فرماید : ... یُجلَدُ دُونَ الحَدِّ وَ یُغرَمُ قِیمَهَ البَهِیمَهِ لِصَاحِبِهَا، لِأَنَّهُ أَفسَدَهَا عَلَیهِ وَ تُذبَحُ وَ تُحرَقُ وَتُدفَنُ إِن کَانت مِمَّا یُؤکَلُ لَحمُهُ، وَ إِن کَانَت مِمَّا یُرکَبُ ظَهرُهُ أُغرِمَ قِیمَتَهَا وَ جُلِدَ دُونَ الحَدِّ وَ أَخرَجَهَا مِنَ المَدِینَهِ الَّتِی فَعَلَ بِهَا فِیهَا إِلَی بَلَادٍ أُخرَی حَیثُ لَا تُعرَفُ... کَیلَا یُعَیِّرَ بِهَا صَاحِبُهَا . (۴) برقرار کننده ارتباط جنسی با حیوان ، تازیانه به کمتر از حدّ مقرر برای زنا، زده می شود و قیمت حیوان را باید به صاحبش بپردازد ؛ زیرا آن را فاسد کرده است و آن حیوان ، اگر حلال گوشت بوده، باید ابتدا ذبح شود و بعد آتش زده شود. اگر از حیوانات باربر است، به آمیزش کننده ، تازیانه زده می شود و باید قیمتش را به صاحبش بپردازد و حیوان را از شهری که این عمل در آن جا انجام شده، به شهرهای دیگری که صاحبش ناشناخته است ، فرستاده شود تا با آن حیوان ، صاحبش سرزنش نشود.

.

۱- .Zoophilia

۲- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۴۱ ، ح ۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۹ .

۳- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۵۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۴۹ .

۴- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۴۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۸ ، ص ۸۶ .

ص: ۳۳۸

ط . آزارگری جنسی

همان طور که پیش از این بیان شد ، ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج زن و مرد ، حرام و نابه هنجار تلقّی می شود. از جهت نابه هنجار بودن نیز فرقی نمی کند که فرد ، ارتباط نامشروع با یک نفر داشته باشد یا با چند نفر ، با زنده یا با مرده، با انسان یا با حیوان، با مرد یا با زن ، با بچّه یا با شی ء . در احادیث ، همان طور که ملاحظه شد ، هر نوع ارتباط زن و مرد خارج از ضوابط ازدواج ، از جمله نابه هنجاری های جنسی است و باید از آن پرهیز شود . حتّی مرد و زنی که ازدواج کرده اند ، گرچه می توانند هر نوع لذّت از یکدیگر را داشته باشند، ولی این لذّت باید از طریق بدن آنها صورت گیرد ، نه با چیزی دیگر . مثلاً از جمله نابه هنجاری های جنسی ، این است که مرد ، با چیز دیگری غیر از بدن و اعضای خود ، با زنش ارتباط جنسی برقرار کند و لذّت ببرد. همچنین تمایل زن ، به این که همسرش با چیز دیگری غیر از اعضای بدنش ، او را تحریک کند تا از آن لذّت ببرد. از امام صادق علیه السلام سؤال شد که زنی ، دوست ندارد که با او آمیزش شود و به شوهرش می گوید : با دست خود مرا تحریک کن که این برای من لذّت آور است. آیا اشکالی ندارد ؟ امام علیه السلام فرمود : لَا بَأسَ أن یَستَعِینَ بِکُلِّ شَی ءٍ مِن جَسَدِهِ عَلَیهَا، وَلَکِن لَا یَستَعِینُ بِغَیرِ جَسَدِهِ عَلَیهَا. (۱) با عضوی از بدن خود ، او را تحریک کند ، اشکالی ندارد ؛ لیکن با چیز دیگری غیر از اعضای بدنش ، جایز نیست . در این جا تعدادی از نابه هنجاری های جنسی ای را که پیش از این مطرح نکرده ایم ، می آوریم. این رفتارها از آن چارچوب رفتارهای جنسی به هنجار ، بیرون اند و از دیدگاه اسلامی نیز نابه هنجار تلقّی می شوند. به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

ط آزارگری جنسی (۲)از دیدگاه اسلامی ، رفتار جنسی ای که باعث اذیت همسر شود، جایز نیست ؛ زیرا

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۹۷ ، ح ۱ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۱۱ .

۲- .Sadi

ص: ۳۳۹

رفتار جنسی ، برای لذّت هر دو ، مشروع شده است ، نه برای خوشایند یکی از آنها. امام رضا علیه السلام در پاسخ به این سؤال که نزدیکی در دبر زن چگونه است ؟ امام علیه السلام نوشت : المَرأَهُ لُعبَهٌ لَا تُؤذَی وَهِیَ کَمَا قَالَ اللّهُ «نِسَآؤُکُمْ حَرْثٌ لَّکُمْ» (۱) . (۲) زن مایه شادی و بازی جنسی توست، نباید او را اذیت کنی، و نیز همان طور که خدا فرمود : همسرانتان ، برای شما کشت زار هستند . در این حدیث ، به تأثیرات روانی اذیت جنسی بر زن پرداخته و به دو نکته ، توجّه شده است : یکی این که رفتار جنسی ، آن هنگام برای تو خوشایند و لذّت آور است که همسرت هم خوشش بیاید و اذیت نشود. بنا بر این ، کسی که تصوّر می کند که همسرش با اذیت شدنْ لذّت می برد، دچار توهّم شده است و باید از این کار ، دست بردارد . نکته دیگر این که اذیت کردن زن با رفتار جنسی دردآور ، باعث می شود که حالت های روانی مخرّبی برایش پدید آید که دیگر نتوان از این کشتزار ، به خوبی استفاده کرد و کشت ، ضایع گردد . کانون اصلی این نابه هنجاری جنسی ، اعمالی است که شخص ، با انجام دادن آنها از رنج روانی یا جسمی قربانی خود، برانگیختگی جنسی به دست می آورد. برخی از مبتلایان به این نابه هنجاری جنسی، از خیال پردازی های آزارگرانه خود که ممکن است فقط در جریان فعالیت جنسی و نه در دیگر زمینه ها به آن متوسّل شوند، در رنج باشند . در این قبیل موارد، خیال پردازی های آزارگرانه ، معمولاً شامل تحت کنترل داشتن کامل قربانی است که برحسب انتظار عمل قریب الوقوع آزارگرانه ، وحشت زده می شود. بعضی نیز امیال جنسی آزارگرانه را روی شریک جنسی ناراضی ای که مشتاقانه از درد یا تحقیر رنج می برد، اعمال می کنند . در همه این موارد ، رنج بردن قربانی ، باعث برانگیختگی جنسی فرد مبتلا- می شود. خیال پردازی ها یا اعمال جنسی ، ممکن است عامل فعالیت هایی باشند که تسلّط شخص بر روی قربانی را نشان می دهند، مثل مجبور کردن قربانی به چهار دست و پارفتن، سیلی زدن، تازیانه

.

۱- .سوره بقره ، آیه ۲۲۳ .

۲- .الإستبصار ، ج ۳ ، ص ۲۴۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۴۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۲۹ .

ص: ۳۴۰

زدن، نیشگون گرفتن، کتک زدن، سوزاندن، بریدن و... . سنّ شروع فعالیت های آزارگرانه ، متغیّر است ، امّا معمولاً ـ در اوایل بزرگ سالی رخ می دهد. آزارگری جنسی ، معمولاً ـ مزمن است و شدت آن ، در طول زمان ، افزایش می یابد. وقتی آزارگری جنسی شدید است (بویژه هنگامی که با اختلال شخصیتِ ضد اجتماعی رابطه دارد) ، مبتلایان به آن ، ممکن است به طور جدّی ای ، قربانیان خود را مجروح کنند و یا به قتل برسانند(MSD-VI-RT،۲۰۰۰ م). شخص آزارگر (که غالبا مرد است) ، با اختلال آزارگری جنسی ، از طریق افکار یا اعمالی که در دیگران ایجاد رنج جسمی یا روان شناختی می کند ، به برانگیختگی جنسی قوی دست می یابد. این برانگیختگی جنسی ، با غلبه، بریدن بدن، خفه کردن، ناقص العضو کردن و حتّی کشتن قربانی ایجاد می شود. اسم این اختلال ، از نام نویسنده مشهور «ماکوس دساد» که به منظور ارضای میل جنسی خود، دیگران را شکنجه می داد ، گرفته شده است. افرادی که به خیال پردازی سادیستی می پردازند ، غالباً مجسّم می کنند که قربانی جنسیِ خودشان را تحت کنترل کامل دارند و وی را با اعمال سادیستی خود می ترسانند. بسیاری از آنان ، اعمال آزارگرانه را روی شریک جنسی ای که غالباً دچار آزارپذیری جنسی(مازوخیسم) است، اجرا می کنند. برای مثال ، تعدادی از متجاوزان به عنف ، سادیسم جنسی نشان می دهند و در همه موارد ، رنج واقعی یا تخیّلی قربانی برانگیزاننده آنهاست (کامر، ۲۰۰۱ م) . تخیّلات جنسی آزارگرانه ، مانند تخیّلات جنسی آزارپذیر، ممکن است که ابتدا ، در دوران کودکی ظاهر شود (جانسون (۱) و بکر (۲) ، ۱۹۹۷ م). فعّالیت های آزارگرانه ، در اوایل بزرگ سالی گسترش می یابند و الگوی آنها بلندمدت است. گاهی اوقات ، فعّالیت های آزارگرانه ، سطح بی رحمی یکسانی دارند ؛ امّا در اغلب این فعّالیت ها ، با گذشت زمان ، شدّت آنها نیز افزایش می یابد. آشکار است که افراد با شکل های جدید اختلال ، برای دیگران ، خطرناک ترند .

.

۱- Janson, B.

۲- Becker. J.

ص: ۳۴۱

ی . آزارخواهی جنسی

ک . یادگارپرستی

ی آزارخواهی جنسی (۱)ویژگی اصلی این اختلال، میل شدید به تحقیر شدن، کتک خوردن، به بند کشیده شدن و رنج بردن به گونه ای دیگری است. برخی افراد ، از خیال پردازی های آزارخواهانه خود که ممکن است فقط در جریان آمیزش جنسی یا استمنا، به آنها متوسّل شوند، در رنج اند. برخی افراد ، امیال جنسی آزارخواهانه را خودشان یا از طریق شریک ، به اجرا در می آورند. اعمال آزارخواهانه ای که ممکن است از شریک جنسی خواسته شوند ، عبارت اند از: مهار کردن (به بند کشیدن) ، بستن چشم، لگدمال کردن، سیلی زدن، تازیانه زدن، کتک زدن، دادن شوک الکتریکی، بریدن، زخمی کردن ، خراشیدن، و تحقیر کردن (مانند ادرار یا مدفوع کردن شریک جنسی ، روی او و...) . خیال پردازی های آزارخواهانه جنسی ، ممکن است در دوران کودکی نیز وجود داشته باشد. سنّی که در آن ، فعّالیت های آزارخواهانه برای نخستین بار با شرکای جنسی صورت می گیرد ، متغیّر است ؛ امّا معمولاً در اوایل بزرگ سالی روی می دهند. این اختلال ، معمولاً مزمن است و شخص ، به تکرار نوع ثابتی از عمل آزارخواهانه تمایل دارد. برخی افراد مبتلا ، شدّت اعمال آزارخواهانه شان ، وقتی ممکن است به آسیب یا مرگ منجر شود در طول زمان یا در دوره های تنیدگی ، افزایش می یابد (MSD-RT،۲۰۰۰ م) . یکی از انواع خطرناک آزارخواهی جنسی ، «هیپوکسی فیلیا» است. در این الگو افراد ، خود را دچار کمبود اکسیژن می کنند، یا خفگی در خود به وجود می آورند، یا این عمل را از شریک جنسی خود می خواهند و با این کار ، لذّت جسمی خود را افزایش می دهند (کامر ، ۲۰۰۱ م).

ک یادگارپرستی (۲)داشتن یادگار ، به معنای آن است که فرد ، از طریق یک موضوع بی جان ، تحریک

.

۱- Masochis.

۲- Fetichi.

ص: ۳۴۲

جنسی می شود. در بسیاری از موارد، این عمل می تواند بی ضرر باشد. برای مثال، شورت زنان برای بسیاری از مردان ، برانگیزاننده است. وقتی یک مرد ، در مدت آمیزش جنسی ، با زنی که متقابلاً راضی است، از شورت زنانه حرف می زند و درباره آن خیال پردازی می کند، این عمل می تواند به افزایش برانگیختگی جنسی منجر شود ؛ ولی معمولاً شریک جنسی چنین فردی ، احساس می کند که او بدین شکل ، نادیده گرفته شده است. اگر لباس زیر یک زن ، جای او را بگیرد و شریک جنسی اش تا وقتی که وی آن را نپوشیده باشد ، نتواند تحریک شود، این موضوع ، دیگر وسیله هایی برای برانگیختن نیست ؛ بلکه هدف برانگیختگی است. رایج ترین یادگارها عبارت اند از: لباس زیر، کفش و چکمه زنانه ؛ بافت هایی نظیر : لاستیک، خز، ابریشم و مخمل ؛ اجزای بدن زن مانند : پاها ، گوش ها ، چشم ها . یادگارهای نادرتر ، عبارت اند از: مدفوع انسان (کوپروفیلیا)، (۱) ادرار انسان (یوروفیلیا) ، (۲) کثیفی (میسوفیلیا)، (۳) حیوانات (زوفیلیا)، (۴) و حتی اجساد (نکروفیلیا) (۵) (روزنهان و سلیگمن ، ۱۳۷۹). برخی از افراد مبتلا به اختلال یادگارپرستی، به منظور جمع آوری اشیای مطلوب و دلخواه، دست به سرقت می زنند. فرد ، این اشیا را لمس می کند ، استشمام می نماید ، می پوشد، و وقتی استمنا می کند ، به شیوه دیگری ، مورد استفاده قرار می دهد. گاهی نیز ممکن است که فرد ، از شریک جنسی خود بخواهد تا هنگام رابطه جنسی شی ء مورد نظر را بپوشد (کامر ، ۲۰۰۱). رفتارگرایان ، معتقدند که یادگارپرستی ، از طریق شرطی سازی کلاسیک ، ظاهر می شود. در یک مطالعه رفتاری به آزمودنی های مرد ، مجموعه ای از اسلایدهای زنان

.

۱- Coprophil.

۲- Urophil.

۳- Mysophil.

۴- Zoophil.

۵- Necrophil.

ص: ۳۴۳

برهنه بـا اسـلایدهایی از کفش هـا نشـان داده شـد. پس از چنـد بـار نمایش، آنها تنها با تصاویر کفش ها برانگیخته می شدنـد. اگر تجارب اوّلیه جنسـی در حضور اشیای خاصّی اتفاق بیفتد، شاید این مرحله ، آغاز پیدایش یادگارپرستی باشد (راچمن، ۱۹۹۶ م ، به نقل از کامر، ۲۰۰۱ م) . معمولاً ـ شـی ء یادگار ، برای برانگیختگی جنسـی این افراد لازم و یا به شـدّت ، مرجّح است و در صورت فقدان آن ، احتمال دارد که مرد مبتلا ، دچار نارسایی در نعوظ شود. معمولاً این اختلال ، در نوجوانی شروع می شود، اگرچه شی ء یادگـار ، ممکن است به مناسـبت خاصـی ، در اوایـل کودکی اهـدا شـده باشـد. بایـد توجه داشت که بعـد از تثبیت یادگـارپرستی ، اختلال یاد شـده ، گرایشـی به مزمن شدن دارد (MSD-VI-RT، ۲۰۰۰ م). مردی که برای برانگیختگی و تحریـک جنسـی ، نیاز شدیدی به پوشیدن لباس های زنانه احساس می کند، از نظر روان شناسی ، دچار مبدّل پوشی است. معمولاً یک مرد مبتلا به دو نابه هنجاریِ یادگارپرستی و مبدّل پوشـی جنسی، مجموعه ای از لباس های زنانه را تهیه می کند که به طور متناوب ، آنها را برای مبدّل پوشـی ، مورد استفاده قرار دهد. در حین مبدّل پوشی، فرد ، معمولاً استمنا می کند و در خیال پردازی های جنسی، خودش را هم به عنوان فاعـل و هم به عنوان مفعول مؤنّث ، مجسّم می کنـد. این اختلال ، فقط در مردان دگرجنس خواه (یعنی مردانی که نسـبت به زنـان ، میـل جنسـی دارنـد و نه مردان) گزارش شـده است. لازم به یادآوری است که چنانچه یک فرد دچار اختلال هویّت جنسـی (برای مثـال مردی کـه خـود را یـک زن می دانـد و از مرد بـودنش ناراضـی اسـت) ، مبـدّل پوشـی کنـد ، چنیـن تشخیصـی(یعنی یادگارپرستی همراه مبـدل پوشـی) در مورد او مصـداق نـدارد. برخی مردان ، تنها یک تکّه از لباس زنانه(ماننـد زیرپوش یا جوراب نـایلونی) را زیر لبـاس های مردانه شان می پوشـند و بعضـی دیگر ، به طور کامل ماننـد زنان ، لباس می پوشـند و آرایش می کننـد. برخی از این مردان ، ممکن است که همجنس گرا هم باشند . (۱)

.

۱- .زندگی جنسی مردان ، ص ۱۶۸ .

ص: ۳۴۴

ل . بچّه بازی

این نوع رفتار جنسی، درخواست شهوت و لذّت جنسی از طریق چیزی غیر از همسر است که در اسلام ، حرام و نابه هنجار شمرده شده است و با معیار رفتار نابه هنجار جنسی از دیدگاه دینی ، سازگاری ندارد.

ل بچّه بازی (۱)از دیدگاه اسلامی ، بچّه بازی به صورت های مختلف آن ، حرام و از گناهان کبیره است و همان احکام لواط، حدود مربوط به رفتارهای جنسی بدون نزدیکی و تعزیرات مربوط به برخی از رفتارها (مانند بوسیدن با شهوت) ، همه بر فرد بچّه باز نیز هست. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به نابه هنجار بودن بچّه بازی می فرماید : وَ مَن نَکَحَ... غُلَاماً حَشَرَهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ یَومَ القِیَامَهِ أَنْتَنَ مِنَ الجِیفَهِ یَتَأَذَّی بِهِ النَّاسُ حَتَّی یَدخُلَ جَهَنَّمَ وَ لَا یَقبَلُ اللّهُ مِنهُ صَرفاً وَ لَا عَدلاً وَ أحبَطَ اللّهُ عَمَلَهُ، وَ یَدَعُهُ فِی تَابوتٍ مَشدُودٌ بِمِسَامِیرَ مِن حَدِیدٍ وَ یُضرَبُ عَلَیهِ فِی التَّابُوتِ بِصَفَائِحَ حَتَّی یَشتَبِکَ فِی تِلکَ المَسَامِیرِ، فَلَو وُضِعَ عِرقٌ مِن عُرُوقِهِ عَلَی أَربَعِمِائَهِ أُمَّهٍ لَمَاتُوا جَمِیعاً، وَ هُوَ مِن أَشَدِّ أَهلِ النَّارِ عَذَاباً . (۲) کسی که با پسر بچّه ای آمیزش نماید، خدای عزّوجلّ روز قیامت ، او را بد بوتر از مردار ، محشور می کند ، به گونه ای که مردم از بوی بد او اذیت می شوند تا وقتی که او به جهنم وارد شود. خداوند ، از او هیچ فدیه و یا چیزی که او را از عذاب جهنّم برهاند ، نمی پذیرد و عمل خوبش را هم باطل خواهد کرد ، و او را در تابوتی بسته با میخ های آهنین می گذارد و به تابوت می زنند تا این میخ های آهنین او را بیازارند. اگر قطره ای از عرق های او را بر چهارصد هزار نفر بریزند، همگان می میرند و این از شدیدترین عذاب های جهنّمیان است . در حدیث دیگری ، جدای از عذاب های شدید اخروی بر فرد بچه باز ، با اشاره به لزوم اجرای حد شرعی ، به این نکته توجّه داده شده که حدّ این نابه هنجاری ، همان حدّ نابه هنجاری های مشابه آن است و نباید تصوّر شود که صرفاً برای چنین فردی ،

.

۱- Pedophilia.

۲- .وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۲؛ بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۳۶۱ .

ص: ۳۴۵

تعزیر کافی است . لذا هنگامی که از امام رضا علیه السلام درباره مجازات مردی که با دختربچّه ای آمیزش کرده ، سؤال می کنند ، امام می فرماید : حدّ زنا بر او جاری می شود . (۱) بچّه بازی ، یکی از رایج ترین و دردسرسازترین نابه هنجارهای جنسی است. بچّه بازان ، از نظر جنسی ، جذب کودکان می شوند و ترجیح می دهند که بیشتر با کودکان آمیزش کنند تا بزرگ سالان. به طور معمول ، تشخیص بچّه بازی ، مستلزم این شرط است که تماس جنسی با کودکان کمتر از سیزده سال برقرار شود و فاعلان این کار ، باید اشخاص شانزده ساله یا بزرگ تر و حداقل پنج سال بزرگ تر از کودکان مفعول باشند. با این حال ، قوانین بیشتر ایالات امریکا، اذیت و آزار کودکان و تجاوز کیفری را به نوعی تعریف می کنند که بزرگ سالانی که با افراد کمتر از هجده سال آمیزش می کنند ، شامل این قوانین می گردند (گرین (۲) ، ۱۹۹۳ م) . بیشتر تماس های جنسی بچّه بازان و قربانیان آنها ، با وجود تکرارهای چندباره ، امّا در مدّت زمان کوتاهی انجام می شوند . در بیشتر تماس ها، بچّه بازان ، به عورت نمایی می پردازند و آلت کودک را لمس می نمایند (ابل (۳) و اوزیورن، ۱۹۹۲ م). برخی از بچّه بازان ، از طریق ، دهان به تحریک آلت تناسلی پسران و دختران دست می زنند یا اشیای خارجی و انگشتان و آلت تناسلی خود را داخل مهبل، دهان و یا مقعد کودکان می نمایند. در بیشتر موارد ، احتمال دارد که بچّه بازان ، به کودکان آسیب بزنند، از نظر جسمانی ، آنها را محدود کنند و به آنها بگویند که در صورت تمکین نکردن، آنها یا افراد و اشیای مورد علاقه شان را مجازات می نمایند. شاید بچّه باز بخواهد کودک را متقاعد نماید که با این اعمال ، فقط می خواهد عشق و محبّت خود را به آنها نشان دهد. (مک کوناگی (۴) ، ۱۹۹۸) . بیشتر بچّه بازان، مردان دگرخواه

.

۱- .ر. ک : قرب الإسناد ، ص ۲۵۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۳۶۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۹ ، ص ۸۷ ، ح ۱ .

۲- .Green, A

۳- .Ab

۴- .Mc Conaghy,

ص: ۳۴۶

جنسی هستند که از دختران کم سن و سال، سوء استفاده های جنسی می کنند (کول (۱) ، ۱۹۹۲ م، فینکل هور (۲) ، ۱۹۸۴ م). مردان همجنس باز یا بچّه باز، نوعاً به پسران جوان روی می آورند. زنان هم می توانند بچّه باز باشند ؛ ولی این امر ، کمتر دیده شده است . سوء استفاده جنسی از کودکان ، یک اتّفاق نادر نیست. تخمین زده می شود که سالانه ، بیش از چهار صد هزار کودک در ایالات متحده ، مورد سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند (فینکل هور و زوبیا لیترمن (۳) ، ۱۹۹۴ م). حدود شصت درصد این کودکان ، زیر دوازده سال هستند. فقط یک تا ده درصد از موارد بچّه بازی ، به مقامات مربوطه گزارش داده می شوند . برخی بچّه بازان متجاوز ، نقشه های ماهرانه ای را برای رسیدن به کودکان ترتیب می دهند. مثلاً اعتماد مادران آنها را به دست می آورند، با مادران آنها ازدواج می کنند، کودکان را با بچّه بازان دیگر مبادله می کنند و در موارد کمتری ، کودکان را می ربایند و یا کودکانی را از کشورهای خارجی ، به فرزندی قبول می کنند (مک کوناگی، ۱۹۹۸ م) . دختران ، احتمالاً دو برابر پسران ، مورد تعرّض جنسی قرار می گیرند. بچّه بازان ، عموماً کودکان دارای سن بخصوص را دوست دارند. آنهایی که جذب دخترها می شوند، معمولاً هشت تا ده ساله ها را ترجیح می دهند. آنهایی هم که به پسرها علاقه مندند، معمولاً کودکان بزرگ تر (نوجوان ها) را ترجیح می دهند. برای بسیاری از بچّه بازان هم ، پسر و دختر نوجوان ، فرقی نمی کند ؛ هر دو را دوست دارند (روزنهان و سیلگمن، ۱۳۷۹). بیشتر افراد بچّه باز ، فاقد مهارت های اجتماعی معمولیِ یک فرد بزرگ سال هستند : اعتماد به نفس ندارند ، امکان دارد که در روابط اجتماعی و جنسی با افراد بزرگ سال مشکل داشته باشند و با کودکان ، احساس راحتی بیشتری می کنند (لوین و

.

۱- Cole, W.

۲- Finkelhor,

۳- Dzuiba - Leatherman,

ص: ۳۴۷

م . نمایشگری

استاوا (۱) ، ۱۹۸۷ م). شواهد نشان می دهند که سه چهارم این قربانیان ، دختران هستند (کاس (۲) وحسلت (۳) ، ۱۹۹۲ م) . اختلال بچّه بازی ، غالبا در دوران نوجوانی پدید می آید . بسیاری از آنها خودشان در دوران کودکی ، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند (هاویت (۴) ، ۱۹۹۵ م ، مک کرماک (۵) و همکاران، ۱۹۹۲ م) . مطالعه بر روی مردانی که دارای این اختلال بودند ، نشان می دهد که حداقل ۹۳ درصد آنها دچار اختلال روانی دیگری نیز بوده اند (ریموند (۶) و همکاران، ۱۹۹۹ م) . بیش از دو سوم این مردان در طول زندگی، «اختلال خُلقی» داشته اند ، ۶۴ درصد ، «اختلال اضطرابی» و شصت درصد ، یک اختلال وابسته به موارد را داشته اند . ۵۳ درصد از این اختلال ، «پارافیلیایی» و ۲۴ درصد دیگر ، به «اختلال کُنشی» جنسی مبتلا بوده اند. سیر اختلال بچّه بازی معمولاً ، مزمن است، بویژه در افرادی که نسبت به کودکان پسر ، تمایل جنسی دارند. همین طور هم بروز عمل یاد شده در بین افرادی که به کودکان پسر را ترجیح می دهند ، تقریباً دو برابر کسانی است که به کودکان دختر متمایل اند (MSD-VI- ۲۰۰۰ ، RT م).

م نمایشگری (۷)میل شدید نمایش آلت تناسلی به بیگانه یا کسی که انتظار چنین اقدامی را از جانب بیمار ندارد ، «نمایشگری» اطلاق می شود. این افراد ، معمولاً در اماکن عمومی (مثل :

.

۱- Levin, S.Z.Stavan,

۲- Koss, M.

۳- Heslet,

۴- Howitt,

۵- Mc Cormak,

۶- Raymond, N.

۷- Exhibitioni.

ص: ۳۴۸

کوچه، خیابان، پارک، سینما، کافه، رستوران، کنار دریا، استخر، اتوبوس، قطار، راه آهن و در برابر مدارس دخترانه) و یا اماکنی که در دیـد همسایگان و رهگذران است (مثل : حیاط منزل، باغ و اتاقی که از آن جا خیابان و یا خانه همسایه دیده می شود) ، دست به این عمل می زننـد، اعم از این که در برابر جنس مرد یا زن و خردسال یا بالغ باشـد. شایـد بتوان گفت که صـد درصـد افراد مبتلا به این انحراف ، مرد هستند . منحرفـان خودنمـایی جنسـی، افرادی مطیع و آرام انـد ، احسـاس بی کفـایتی، حقارت و ناامنی در روابط شخصی شان می کنند و غالباً در خانواده های سختگیر و بدرفتار پرورش می یابند. عامل روان پویایی نمایشگری، اظهار مردانگی با نشـان دادن آلت و مشاهـده واکنش قربـانی (ترس، حیرت یـا تنفّر) است. این مردهـا به طور ناخودآگـاه ، احسـاس اَختگی و ناتوانی جنسـی می کنند . همسران مردهای نمایشگر ، غالباً جانشین مادری می شوند که بیمار ، ضمن دوران کودکی ، وابستگی شدیدی به او داشـته است . گاهی نیز خودنمایی جنسی ، یکی از راه های ابراز «خصومت» است. عورت نما، نیازی تکانشی و غیر قابل مقاومت ، به نشـان دادن آلت خود دارد . وی این کـار را همراه اضـطراب، افسـردگی و شـرمی که در نتیجه آن احساس می کنـد ، انجام می دهـد . به نظر می رسـد که اقـدام به عورت نمـایی یـا همـان خودنمایی جنسـی ، اغلب با احساسات ترس و بی قراری و برانگیختگی جنسـی شـروع می شود. وقتی این احساسات ، بر فرد چیره شـد ، در پی رهایی از آن برمی آیـد . شـخص مبتلا ، میل عود کننـده ای برای نمـایش آلت تناسـلی خود به دیگر افراد (تقریبـاً همیشه به جنس مخالف) دارد. فرد ، با تخیّلات ناشـی از این عمل ، برانگیخته می شود. همچنین با این که او ممکن است این امیال را عملی کند، امّا به ندرت سـعی می کند با شخصی که نسبت به او نمایشگری داشته است ، فعالیت جنسی انجام دهد (۱۹۹۴، MSD-VI-RT م و ایبل، ۱۹۹۲ م) . چنین شخصی می خواهد تا شوکی ایجاد کند و گـاهی اوقـات ، خود را در یـک حـالت خاص و برای مـدّت کوتاهی ، به همسایه خاصّی نشان می دهـد . این امیال ، نوعاً زمانی تشدید می شوند که شخص ، وقت آزاد

.

ص: ۳۴۹

زیادی دارد یا تحت شرایط تنیدگی زا قرار گرفته است (ایبل، ۱۹۹۲ م) . این اختلال پیش از هجده سالگی شروع می شود و معمولاً در مردان دیده می شود (MSD-VI-RT، ۲۰۰۰ م و MSD-VI، ۱۹۹۴م) . اشخاصی که دچار این اختلال اند ، غالباً در برخورد با جنس مخالف ، ناپخته عمل می کنند و در روابط بین فردی ، با مشکل روبه رو می شوند . بیش از نیمی از آنها با این که ازدواج می کنند، امّا روابط جنسی شان معمولاً رضایت بخش نیست (ایلیر و لایتون ، ۱۹۸۱ م ، موهرو و همکاران، ۱۹۶۴ م) . بسیاری از آنها نیز در مورد مردانگی خود تردید دارند و یا می ترسند و برخی دیگر نیز آشکارا یک رابطه قویِ انحصارطلبانه با مادر خود دارند. عورت نمایی از دیدگاه اسلامی ، حرام و رفتار نابه هنجار تلقی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به حرمت این رفتار می فرماید : ... لَا یَنظُرُ اللّهُ إِلَی کَاشِفِ عَورَهِ. (۱) خداوند ، به کسی که عورت نمایی می کند، با نظر رحمت نگاه نمی کند. نیز آن حضرت با توجّه به جواز کشف عورت برای همسر می فرماید : ... احفَظ عَورَتَکَ إِلَا مِن زَوجَتِکَ... . (۲) عورت خود را باید بپوشانی و جز برای کسی که با تو ازدواج کرده است، آشکار ننمایی. امام صادق علیه السلام با اشاره به حرمت نمایشگری عورت برای دیگران ، به اثر منفی آن در ابتلاـ به بیماری پرداخته و به معلّی بن خنیس که از درد آلت ، رنج می برد و از امام ، علاجی را تقاضا کرده بود ، فرمود: إِنَّکَ کَشَفتَ عَورَتَکَ فِی مَوضِعٍ مِنَ المَواضِعِ، فَأَعقَبَکَ اللّهُ هَذَا الوَجَعَ وَلَکِن عَوِّذهُ بِالعُوذَهِ الَّتِی عَوَّذَ بِهَا أَمِیرُ المُؤمِنِینَ أَبَا وَاثِلَهَ ثُمَّ لَم تَعُد . (۳)

.

۱- .الغدیر ، ج ۹ ، ص ۲۸۸ ؛ کنز العمّال ، ج ۷ ، ص ۳۳۰ ؛ المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۲۵۷ .

۲- .سنن أبی داوود ، ج ۲ ، ص ۲۵۱ ؛ کنز العمّال ، ج ۹ ، ص ۳۹۰ .

۳- .طبّ الأئمه علیهم السلام ، ص ۳۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۹۵ ، ص ۸۳ ، ح ۱ .

ص: ۳۵۰

تـو ، به این علّت مبتلاـ به این بیمـاری و درد شـده ای که در جـایی که نبایـد کشف عورت می کردی، عورت خود را نشـان دادی؛ لیکن به دعـایی که امیرالمـؤمنین علیه السـلام به ابـا واثله آمـوزش داد ، پنـاه بـبرد و هرگز دیگر نمایشـگریِ عـورت تکرار نشود . از مصادیق نمایشـگری، نمایش بدن زن ، به نامحرمان است ؛ زیرا رسول اکرم فرمود : «تمام بدن زن ، عورت محسوب می شود» (۱) و باید آن را پوشاند ؛ چون برای مردان ، تحریک کننده است. امیر مؤمنان علیه السـلام در مورد گروهی از زنان که بدن آرایش کرده خـود را به مردان نشـان می دهنـد ، می فرمایـد : یَظهَرُ فِی آخِرِ الزَّمَـانِ وَ اقتِرَابِ السَّاعَهِ وَ هُـوَ شَـرُّ الأَزمِنَهِ ، نِسوَهٌ کَاسِیَـاتٌ عَارِیَـاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الـدِّینِ، دَاخِلَاتٌ فِی الفِتَنِ، مَائِلَاتٌ إِلَی الشَّهَوَاتِ، مُسـرِعَاتٌ إِلَی اللَّذَّاتِ، مُسـتَحِلَاتٌ لِلمُحَرَّمَاتِ، فِی جَهَنَّمَ خَالِـدَاتٌ . (۲) در آخر الزمان و نزدیک آغاز برپایی قیامت که بـدترین عصـرهاست زنانی آرایش کرده و نمایشـگر، بی دین، غوطه ور در فتنه ها ، متمایـل به شـهوات و هواهـای نفسانی، لـذّت پرست و حلال کننـده حرام ها ، همگی در جهنّم جاویـدان خواهنـد بود. بنا بر این ، از دیـدگاه اسـلامی ، نمایش عورت جز به همسـر شـرعی و قانونی ، حرام است و قانون مجازات اسـلامی ، در رابطه با منع و جزای آن چنین بیـان می دارد : هر کس در امـاکن عمومی یـا معـابر ، متعرّض و یا مزاحم اطفال و یا زنان شود و یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت ، به آنـان توهین نمایـد ، به حبس از دو تا شـش ماه و تا ۷۴ ضـربه شلاق ، محکوم خواهد شد. (۳) همچنین در ماده دیگری ، بیـان می دارد : هرکس علناً در انظـار عمومی و معابر ، تظاهر به عمل حرامی نمایـد ، علاوه بر کیفر حبس، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود و در

.

۱- .سنن الترمذی ، ج ۲ ، ص ۳۱۹ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۶ ، ص ۳۸۹ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۹۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۵ ؛ مکارم الأخلاق ، ص ۲۰۱ .

۳- .قانون مجازات اسلامی ، ماده ۶۱۹ .

ص: ۳۵۱

صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل ، دارای کیفر نیست ، ولی عفّت عمومی را جریحه دار نماید ، به حبس از ده روز تا دو ماه، یا تا ۷۴ ضربه شلّاق محکوم می گردد. (۱)

.

۱- .همان ، ماده ۶۳۸ .

ص: ۳۵۲

. .

ص: ۳۵۳

فصل دوم : عوامل نابه هنجاری های جنسی

مقدّمه

فصل دوم : عوامل نابه هنجاری های جنسیمقدّمهعوامل بسیاری چه محیطی و بیرونی و چه نفسی و درونی ، در شیوع رفتارهای نابه هنجار جنسی مؤثّرند. برای تأثیر گذاری در فرد ، هریک از این دو دسته عوامل ، زمینه هایی را فراهم می سازند . عامل درونی نیز گاه تحت تأثیر عوامل محیطی و گاه به تنهایی ، باعث بروز رفتار نابه هنجار در فرد می شود. در حقیقت ، تأثیر عوامل بیرونی ، باعث تحریک عوامل و خواسته های درونی می شود و به واسطه این تمایلات درونی ، رفتار نابه هنجار از فرد صادر می شود ؛ ولی عوامل درونی ، بدون عوامل بیرونی و صرفاً به دلیل سقوط اخلاقی فرد ، ضعف تدبیر عقلانی وی و کشش خواسته های درونی کنترل نشده او، در بروز رفتارهای نابه هنجار جنسی ، نقش ایفا می کند. به تعبیر امام علی علیه السلام ، عقل اسیر هواهای گستاخانه شخص می شود (۱) و دیگر ، اثری بر روی رفتار فرد ندارد . و از این رو ، چه بسا به تحریکات بیرونی نیاز نیست و خودِ هوای نفس ، باعث نابه هنجاری جنسی در فرد می شود. آن حضرت ، با توجّه به این که هیچ نابه هنجاری و گناهی نیست مگر آن که از تمایلات درونی فرد ناشی شود ، می فرماید : مَا مِن مَعصِیَهِ اللّهِ شَی ءٌ إِلَا یَأتِی فِی شَهوَهٍ ، فَرَحِمَ اللّهُ امرَأً نَزَعَ عَن شَهوَتِهِ وَ قَمَعَ هَوَی

.

۱- .کم من عقل أسیر تحت هویً أمیرٍ ؛ چه بسیار عقل ها که اسیر هوا و هوس های سلطه گرند (نهج البلاغه ، حکمت ۲۱۱) .

ص: ۳۵۴

نَفسِهِ، فَإِنَّ هَذِهِ النَّفسَ أَبعَدُ شَی ءٍ مَنزِعاً وَ إِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنزِعُ إِلَی مَعصِیَهٍ فِی هَوَیً . (۱) هیچ چیزی گناه محسوب نمی شود مگر آن که از شهوت و میل درونی سرچشمه گرفته باشد . رحمت خداوند ، شامل کسی که از میل های درونی اش دست بردارد و هوس های سرکش را ریشه کن سازد ؛ زیرا مشکل ترین کار ، جلوگیری از همین نفس سرکشی است که مدام ، به گناه و نابه هنجاری، تمایل دارد. در تعبیر دیگری ، با اشاره به این که این عامل درونی ، خردمندی فرد را می گیرد، می فرماید: ذِهَابُ العَقلِ بَینَ الهَوَی وَ الشَّهوَهِ . (۲) پیروی از هوای نفس و شهوت، عامل زوال عقل و خردمندی است. روشن است که وقتی عقل و خردمندی ، از بین رفته باشد، مانعی برای روی آوردن فرد به نابه هنجارها (از جمله نابه هنجاری های جنسی) وجود ندارد. با محرّکات جنسی، فرد ، وقتی در موقعیت روانی تحریک جنسی قرار می گیرد و خردمندی اش ضعیف می شود ، توانایی بالا برای تدبیرهای شایسته در وی کاهش می یابد. از این رو ، نمی تواند خوب فکر کند و به پیامدها و زشتی رفتارها توجّهی نمی نماید. لذا تحت تأثیر تحریکات ، به سوی نوع امیال و خواسته های جنسی (حتی اگر انحراف از مسیر طبیعی و غیرقانونی و غیرشرعی باشد) ، کشانده می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله به محرّکات و عوامل سمعی بصری و خواسته های درونی و آرزوهایی که ممکن است فرد را به انحراف بکشاند ، اشاره می کند و از آنها به خدا پناه می برد و می فرماید : اللّهُمَّ إِنِّی أَعوذُ بِکَ مِن شَرِّ سَمعِی وَ بَصَرِی وَ قَلبِی وَ مَنِیَّتِی . (۳) پروردگارا ! به تو پناه می برم از شرّ تحریکات گوش ، چشم ، دل و آرزوهایم .

.

۱- .نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۶ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۳۲ ، ح ۵۱۸۰ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۱۱ ؛ میزان الحکمه ، ج ۸ ، ص ۳۹۱۲ ، ح ۱۳۵۶۲ .

۳- .مسند أحمد ، ج ۳ ، ص ۴۲۹ ؛ کنز العمّال ، ج ۲ ، ص ۱۸۱ .

ص: ۳۵۵

الف . خانواده

اشاره

بنـا بر این ، محرّکاتی که از طریق چشم و گوش ، افراد را تحت تأثیر قرار می دهنـد و خواسـته های طول و درازی که در دل ، تنش ایجاد می کنند، زمینه رفتارهای جنسـی را فراهم می سازند. بنا بر این ، عوامل محیطی ، باعث تحریک خواسـته های فرد می شوند و فرد ، گرچه تحت فشـار خواسـته هـاست ولی خودش تصـمیم بر انجـام دادن نابه هنجاری ها می گیرد و آنها را مرتکب می شود. به دلیل وجود همین اراده و اختیار است که بیشتر افراد ، به انحرافات جنسـی مبتلا نیستند . آمار کینزی در مورد همجنس گرایی ، نشان می دهـد که پنجاه درصـد مردان ، هیـچ گونه تصوّری از همجنس بازی نداشـته انـد. سـیزده درصد مردان ، با این که تمایل شـهوی داشـته انـد ، ولی مرتکب این عمل نشـده انـد . (۱) این نشـانگر آن است که بیشـتر افراد ، گرچه در شـرایطی زنـدگی می کننـد که محرّکات جنسـی فراوانی وجود دارد ، ولی با اراده خود ، بر میل های نفسانی چیره می شوند و به صورت جبری ، تحت تأثیر عوامل محرّک قرار نمی گیرنـد. از این رو می توان نتیجه گرفت که عوامـل بیرونی ، نقش خود را از طریق عوامـل درونی ایفـا می کننـد و ضعف عقلی و کاهش توانمنـدی نفس برای رویارویی با آن عوامل ، از موارد مهم در ابتدای نابه هنجاری های جنسـی است. اینک تعدادی از عوامل مهم و تأثیرگذار در بروز و شیوع نابه هنجاری جنسی را مورد بررسی قرار می دهیم :

الف خانوادهمهم ترین منبع یادگیری و شـکل گیری شخصـیت انسان ، «خانواده» است. این خانواده است که تا حدّ زیادی ، سلامت و بیماری، به هنجاری و نابه هنجاری و سـعادت و شـقاوت فرزندان را مشخّص می کند. البته انسان، آزاد آفریده شده و می تواند در هر لحظـه از زنـدگی خـود، روش و منش خـویش را تغییر دهـد ؛ امّـا نکتـه مهـم ، ایـن جـاست که این عمـل ، پس از شـکل گیری شخصیت، کمی مشکل است ، هر چند غیر ممکن

.

۱- .روان پزشکی ، ج ۳ ، ص ۱۳۷۳ .

ص: ۳۵۶

۱ . کمبود محبّت

نیست ؛ امّا با این حال نمی توان نقش خانواده را انکار کرد. خانواده ، با رفتار خود بر شخصیت و به هنجاری و یا نابه هنجاری کودک تأثیر می گذارد. می توان گفت که مهم ترین و تعیین کننده ترین عامل در ایجاد انحراف جنسی، نوع رفتار والدین با کودک است. بی توجّهی والدین نسبت به نیازهای کودکان یا ابتلای آنها به انواع بیماری ها و نابه هنجاری ها ، زمینه را برای ابتلای فرزندانشان به انواع نابه هنجاری ها (از جمله انحرافات جنسی) فراهم می کند.

۱ . کمبود محبّتدر بررسی انحرافات جنسی در فصل گذشته ، مشخص شد که شیوع انحرافات در بین مردان ، نسبت به زنان ، بیشتر بود. تقریباً بیشتر اختلالات و نابه هنجاری ها ویژه مردان بود و آنهایی که مشترک بودند، میزان مردان مبتلا، بیش از زنان بود (جز در بین مازوخیست ها) . به راستی ، علّت ابتلای مردان به این انحرافات چیست ؟ شاید یکی از علل مهم آن، وجود این نگرش غلط است که دختران ، بیش از پسران ، به محبّت نیازمندند یا از آن بدتر، اگر به پسران محبّت کنیم ، لوس و زن صفت بار می آیند و نمی توانند در زندگی آینده ، مسئولیت خانواده را بر دوش کشند . پسربچّه ای که می بیند مادر (عشق نخستین او) مدام خواهر او را نوازش می کند، می بوسد، به سر و وضعش می رسد و سخنان محبّت آمیز نثار او می کند، امّا هر وقت که خودش می خواهد به مادر نزدیک شود ، مادر ، او را از خود می راند ، احساس کمبود می کند، احساس انزوا می کند و احساس خشم و نفرت شدید نسبت به خواهر می کند . در مواردی نیز نسبت به مادر، اعتماد به نفس خود را در برخورد با جنس مخالف ، از دست می دهد و احساس می کند که به هیچ وجه ، دیگر قادر نیست توجّه جنس مخالف را به طور طبیعی جلب کند یا با آنها رابطه به هنجار داشته باشد . لذا دست به انواع رفتارهای انحرافی می زند که بسته به تجارب و شرایط ، ممکن است که نوع آن فرق کند. عدّه ای برای فرار از روابط ظالمانه بیرون، به تنهایی و انزوا پناه می برند و کم کم از بدن خود لذّت می برند و استمنا را بهترین راه برای ارضای خود

.

ص: ۳۵۷

می یابند و گاهی نیز ممکن است به مازوخیسم یا سادیسم مبتلا شوند . محبّت مادر و سپس پدر ، از این جهت برای پسربچّه اهمیت خاصی دارد که طبق دیدگاه «فروید» ، مادر که نخستین عشق کودک (چه دختر چه پسر) است ، در مرحله ادیپال، برای پسر همچنان تنها عشق ، باقی می مانَد و اگر ارتباط او با مادر و پدر ، به هنجار بود ، کم کم به سمت علاقه به پدر سوق داده می شد ؛ امّا عشق او به مادر همچنان باقی است ؛ ولی دختر که مانند پسر ، در ابتدا عاشق مادر است در مرحله ادیپال، عاشق پدر می شود و مادر ، به صورت رقیب او در می آید و در صورت حلّ این معضل ، روابط او با پدر و مادر به هنجار می شود. بنا بر این ، اگر پسر ، از محبّت مادر محروم شود (بویژه این که بیشتر اوقات کودک ، با مادر سپری می شود) این به معنای از دست دادن تنها منبع عشق است ؛ امّا اگر دختر ، عشق مادر را از دست بدهد، هنوز پدر هست که به او عشق بورزد، مگر این که پدر و مادر ، هر دو نابه هنجار باشند که این مسئله ، کمتر پیش می آید . نتیجه این که جامعه ما باید از این نگرش غلط ، نسبت به نیاز پسران به محبّت ، دست بکشد . بویژه مادران باید توجّه داشته باشند که بی توجّهی آنها به نیازهای عاطفی پسرانشان ، چه تأثیرات زیان باری بر آنها خواهد گذاشت. امام باقر علیه السلام برای این که فرزندان ، از عوارض کمبود محبّت مصون بمانند و یا عقده حقارت در بین فرزندان به وجود نیاید، به علّت محبّت شایسته او به فرزندش و این که در آینده ، به رفتارهای نابه هنجار مبتلا نگردد می پردازد و می فرماید : وَاللّهِ إنّی لَأُصَانِعُ بَعضَ وُلدِی وَ أُجلِسُهُ عَلَی فَخِذِی وَ أُکثِرُ لَهُ المَحَبَّهَ وَ أُکثِرُ لَهُ الشُّکرَ مَعَ أَنَّ الحَقَّ لِغَیرِهِ مِن وُلدِی، وَ لَکِن مَخَافَهً عَلَیهِ مِنهُ وَ مِن غَیرِهِ لِئَلَا یَصنَعُوا بِهِ مَا فَعَلُوا بِیُوسُفَ إِخوَتُهُ... . (۱) به خداوند سوگند، من در ارتباط با بعضی از فرزندانم ، شخصیت او را می سازم، او را روی زانوی خود می نشانم و بسیار به او محبّت می کنم. زیاد به او اهمّیت می دهم و او را به عنوان نعمت خداوند بزرگ می بینم. با آن که این همه احترام و

.

۱- .وسائل الشیعه ، ج ۱۹ ، ص ۲۴۶ ؛ تفسیر العیّاشی ، ج ۲ ، ص ۱۶۶ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۷۲ .

ص: ۳۵۸

محبّت ، شایسته فرزند دیگر من است، امّا این نوع کارها را می کنم تا او به عوارضی مبتلا نشود ، جان فرزند شایسته ام از شرّ او مصون باشد و با او رفتاری را که برادران یوسف با وی نمودند، ننمایند. این حدیث ، بر این امر دلالت دارد که کمبود محبّت ، از عوامل مهم ایجاد نابه هنجاری در زندگی افراد است . در این جا لازم به یادآوری است که به همان اندازه که کمبود محبّت و بی توجّهی به نیازهای کودکان، زمینه نابه هنجاری را فراهم می سازد، نازپروردگی هم همان تأثیر را دارد. (۱) مادری که بیش از اندازه ، پسربچّه خود را لوس می کند و او را همواره مورد نوازش و لطف قرار می دهد ، باعث ایجاد وابستگی شدید پسر به مادرش می شود و مانع همانندسازی پسر با پدرش می گردد . در نتیجه ، پسر نمی تواند نقش مردانه خود را به خوبی ایفا کند و به فردی خودخواه تبدیل می شود که فقط به فکر ارضای نیازهای خود است . زیاده روی در محبّت به کودک ، وی را «از خودراضی» و وابسته به دیگران بار می آورد . از این رو ، در برخورد با مشکلات ، احساس ناتوانی و حقارت به وی دست می دهد و برای جبران این احساس ، به کارهای ناشایسته و نابه هنجاری های اجتماعی دست می زند . در بعضی مواقع نیز فشارهای روانی، او را از پای در می آورند و به بیماری های روانی حادّ می کشانند . گاهی نیز فرد ، به خودکشی اقدام می نماید. همه این عوارض ، از محبّت بی اندازه والدین نسبت به فرزندشان ناشی می شود. امام باقر علیه السلام با اشاره به عوارض زیاده روی محبّت والدین به فرزندان و این که آنان منشأ روی آوردن فرزندشان به نابه هنجاری ها هستند ، می فرماید : شَرُّ الآبَاءِ مَن دَعَاهُ البِرُّ إلَی الإفراط ... . (۲) بدترین خانواده ها، خانواده هایی هستند که در نیکی و محبّت نسبت به فرزندان ، از حدّ تجاوز کنند و به زیاده روی بگرایند.

.

۱- .روان شناسی رشد ، احمدی ، ص ۱۷۹ .

۲- .کودک از نظر وراثت و تربیت ، ج ۲ ، ص ۲۳۳ (به نقل از تاریخ یعقوبی ، ج ۳ ، ص ۵۳) .

ص: ۳۵۹

۲ . استبداد و سلطه گری والدین

۲ . استبداد و سلطه گری والدینبرخی از والدین ، به علل مختلف ، بر تمام رفتارهای فرزندان خود تسلّط دارند و اجازه هیچ ابتکار عملی را به آنها نمی دهند. آنها فرزندانشان را نادان و نفهم می دانند و به حق آنها ستم می کنند و هیچ توجّه ای به پیامدهای چنین عملکردی بر روی فرزندان خود ندارد. رسول اکرم در جهت رشد شخصیت کودک و پیشگیری از عوارض نامطلوب ، به تأثیر نوع برخورد در بروز نابه هنجاری ها اشاره کرده ، می فرماید : وَ لَا یُرهِقُهُ وَ لَا یَخرَقُ بِهِ . (۱) به هیچ وجه ، فرزند خود را به نادانی و نفهمی متّهم نکنید . بدین سبب ، به او ستم نکنید و با او همچون سفیهی که همه کارهایش را شما انجام می دهید و اجازه انجام دادن کاری را به خود او نمی دهید ، رفتار نکنید. و از این طریق ، اختلال شخصیت در او پدید نیاورید. معمولاً پایه روش تربیتیِ سخت و آمیخته با خشونت، طوری استوار می شود که فاصله بین کودک و پدر و مادر را پیوسته افزایش می دهد . و از آن جا که کودک در قدم اوّل ، به احساس محبّت و امنیت جستن در محیط خانواده نیازمند است ، وقتی دریابد که پدر و مادر ، هدفی جز مطیع بارآوردن او ندارند، دیگر مأمنی برای اتّکا و برآوردن نیاز مهرورزی خویش نزد آنان نمی یابد و به تدریج می آموزد که از قدرت مهرورزی خویش ، کمتر استفاده کند. از سوی دیگر ، شیوه تعلیم و تربیت استبدادی، غالباً به اِعمال روش «رام کننده» ، مبدّل می شود و کودک را به رفتاری وامی دارد که در باطن ، از آن گریزان است . بدین گونه ، احساس عمیق کناره جویی از محیط ، در او سر برمی آورد که اگر با شرایطی دقیق در اِعمال شیوه تربیتی تازه ، به نوعی همزیستی تحمّل پذیر هم کشیده شود، باز در احساس، آن را نمی پذیرد. پیامدهای به دست آمده از این حالت، ظهور کناره جویی عاطفی است که در زندگی آینده فرد ، به صورت : هراس عاطفی، بدبینی و منفی گرایی ظاهر می شود. این

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۸۱ .

ص: ۳۶۰

۳ . تحقیر

جا نیز سرآغاز انحرافات تکامل روانی است که نتیجه ای از اختلالات عمومی رفتاری است و به انحرافات جنسی، بزهکاری و بیماری های دیگر روانی کشانده می شود. (۱)

۳ . تحقیریکی از بدترین رفتارهای والدین با فرزندان شان ، «تحقیر» آنان است. در بسیاری از انحرافات جنسی ، ردّ پای تحقیر را می توان یافت. پدر و مادری که مدام ، پسر خود را تحقیر می کنند، او را بی کفایت و ناتوان می خوانند و به او خاطرنشان می کنند که لیاقت مرد بودن را ندارد، در رشد به هنجار او ایجاد اختلال می کنند . چنین پسری ، در برقراری ارتباط با جنس مخالف ، توانایی طبیعی خود را از دست می دهد. فرد مبتلا- به انحراف جنسی ، کسی است که در دوران کودکی، بر اثر تحمّل سختی های طاقت فرسا ، به احساس حقارت عمیق دچار گشته و در ضمن، درک نامشخص ویژه ای از زندگی جنسی و عاطفی دارد. انحراف او ترکیب آزمونی از زودرنجی شدید، ارزش طلبی بر خطا و سوءظن است تا بدین وسیله ، از جنس مخالف خود ، فاصله جوید و یا آن که خود را در یک موضع برتر و خودنمایانه تری در برابر او ببیند. (۲) ایجاد شخصیت و اعتماد به نفس در کودک ، یکی از وظایف تربیتی پدران و مادران است . پیدایش این حالت روانی در کودکان ، برنامه منظّمی دارد که اگر با دقّت به کار برده شود، نتیجه مثبت آن ، بارآمدن فرزند با شخصیت است و عدم توجّه به آن ، باعث زبونی و فرومایگی کودک است. احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی ، یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است. پیامبر صلی الله علیه و آله اجرای این برنامه بزرگ را در یک عبارت بسیار کوتاه ، صریحاً به پیروان خود دستور داده و می فرماید : أکرِمُوا أَولَادَکُم وَأَحسِنُوا آدَابَهُم . (۳)

.

۱- .روان شناسی فردی ، ص ۱۴۰ .

۲- .همان ، ص ۱۹۳ .

۳- .وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۴۷۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۹۵ .

ص: ۳۶۱

۴ . پنهان نداشتن روابط زناشویی از سوی والدین

۵ . ناآگاهانه نگه داشتن فرزند

به فرزندانتان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده ، با آنها معاشرت نمایید. کسانی که می خواهند فرزند باشخصیت بپرورند ، قطعاً باید به آموزش عمیق و عالمانه رسول اکرم عمل کنند. پدران و مادرانی که فرزندان خود را احترام نمی کنند و با رفتار زشت و ناپسند خود ، آنان را توهین و تحقیر می نمایند، نمی توانند فرزندانی ارزنده و باشخصیت تربیت کنند.

۴ . پنهان نداشتن روابط زناشویی از سوی والدینیکی از زمینه های بزهکاری جنسی، این است که والدین ، روابط زناشویی شان را از فرزندان خود پنهان نمی کنند . پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: وَالَّذِی نَفسِی بِیَدِهِ، لَو أَنَّ رَجُلاً غَشِیَ امرَأَتَهُ وَ فِی البَیتِ صَبِیٌّ مُستَیقِظٌ یَرَاهُمَا وَ یَسمَعُ کَلَامَهُمَا وَ نَفسَهُمَا ، مَا أَفلَحَ أَبَداً إِن کَانَ غُلَاما ، کَانَ زَانِیا ، أو جَارِیَهً، کَانَت زَانِیَهً . (۱) سوگند به آن که جانم در دستان اوست، اگر هنگام روابط زناشویی والدین در خانه، کودک بیدار باشد و آنان را بنگرد و سخنشان را بشنود و نفس آنها را احساس کند، آن کودک ، رستگار نخواهد شد . اگر آن کودک ، پسر باشد ، زناکار می شود ، و چون دختر باشد، به زنا تن می دهد. در اسلام ، ساعاتی از شبانه روز ، تعیین شده که کودک باید برای ورود به اتاق پدر و مادر ، از آنها اجازه بگیرد. این اجازه خواستن، در سنین قبل از بلوغ و بعد از آن لازم است و آن، عبارت است از: پیش از نماز بامداد، در نیم روز که انسان تعدادی از جامه های خود را بیرون می آورد و پس از شبانگاه . (۲) همچنین توصیه شده است که بستر خواب بچّه ها (چه دختر و چه پسر) ، باید در ده سالگی ، از هم جدا شود.

۵ . ناآگاهانه نگه داشتن فرزنداگر کودکان ، نوجوانان و جوانان ، از آگاهی های اندیشیده شده و صحیح

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۰۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۹۴ .

۲- .ر. ک : سوره نور ، آیه ۵۸ ۵۹ .

ص: ۳۶۲

ب . عوامل اجتماعی و محیطی

اشاره

برخوردار باشند، سر به عصیان نخواهند گذاشت و به نابه هنجاری ها روی نخواهند آورد . در برابر، اگر از اندیشه های صواب بهره مند نباشند و خلأ فرهنگی و علمی در بین آنها حاکم باشد، زمینه روی آوردن به بزهکاری در آنان بیشتر خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: لَستُ أُحِبُّ أن أرَی الشَّابَّ مِنکُم إلّا غَادِیا فِی حَالَین : إمَّا عَالِماً أو مُتَعَلِّما ، فَإن لَم یَفعَل، فَرَّطَ ، فَإن فَرَّطَ ضَیَّعَ فَإن ضَیَّعَ أَثِمَ وَإن أَثِمَ سَکَنَ النَّارَ وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدا بِالحَقِّ . (۱) برای جوان ، نمی پسندم مگر این که یا عالم باشد و یا در حال فراگیری علم . اگر چنین نباشد و معرفت صحیح در بین نباشد، جوان در عمل ، به کارهای افراطی کشیده می شود ، هستی خود را تباه می سازد و در دوزخ ساکن می گردد.

ب عوامل اجتماعی و محیطیکی دیگر از عوامل مهم انحراف جوانان که شاید بتوان آن را پس از عامل «خانواده» ، مهم ترین عامل دانست، «جامعه» و محیط اطراف است. «پرون» ، (۲) بر این باور است که رفتار آدمی را نباید ناشی از طبیعت فرد دانست ؛ بلکه باید آن را معلول روابط با محیط مادی و اجتماعی به شمار آورد که بر رفتار انسان تأثیر می گذارند و آن را شکل می دهند. از این رو نباید طبیعت انسان را متأثّر از ساختار محیط موجود ندانست . حتی نباید تمایلات عمده ای مانند : میل به صیانت ذات و حفظ نژاد را به طبیعت بشر نسبت داد ؛ زیرا کسانی که به خودکشی می پردازند و دچار انحراف جنسی هستند، متأثّر از عوامل اجتماعی اند. این گوناگونی فرهنگ ها ، معیارها و ارزش ها، به تفاوت های محیط مادی و عوامل اقتصادی و تماس با اقوام دیگر و پیشامدها بستگی دارد . (۳)

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۳۰۳ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱ ، ص ۱۷۰ ، ح ۲۲ .

۲- .Perou

۳- .روان شناسی اجتماعی ، ج ۱ ، ص ۳۸۱ .

ص: ۳۶۳

به عقیـده «فریس» ، ساختمان آدمی هر چه باشـد، محکوم قـدرت نامحـدود جامعه است. محقّقان اروپایی ، زمینه های فراوانی را که موجب انحرافات جنسـی می شود، بررسـی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که تجربه سوء استفاده جنسی، عدم تعادل در خانواده، بی صـلاحیتی اجتمـاعیِ کسـانی که ازدواج کرده انـد ، طغیـان و سرکشـی در دوران خانواده و مواردی از این قبیل، موجب انحراف جنسـی جوانان می گردند . (۱) انحرافـات جنسـی، مسـئله ای نیست که بتوان به سـادگی از کنار آن گـذشت. به همین منظور، باید راهکارهایِ عملی مناسبی برای پیشـگیری و درمان آن ابداع کرد. اگر منحرفان جنسی ، به عنوان یک بیمار نگریسته شوند تا مجرم، راه کارهـای فرهنگی مناسبی را می توان برای درمان این پدیـده شوم اجتماعی به دست داد. بنا بر اخبار رسـیده از سودان، برای حلّ این بحران اجتماعی، از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ م ، قراردادی بین پلیس و مؤسّسات اجتماعی محقّقان بسته شد تا جوانانِ منحرف جنسی را مورد مطـالعه قرار دهنـد و راه حـل هـایی برای پیشـگیری و درمان این گونه انحرافات ارائه دهنـد . ۲ تحقیقـاتی که درباره دانش آموزان دختر در اسـتونی انجـام شـده، نشان می دهـد که انحرافات دختران جوان ، بیشتر ناشـی از محیطی است که در آن رشـد می کننـد و در این میـان ، «خانواده» نقش مهم و کلیـدی ای دارد، به طوری که تحقیقات نشان می دهـد خانواده هایی وجود دارنـد که بچّه های منحرف تولید می کنند. محیط غیر خانواده نیز نقش به سزایی در انحراف دختران جوان دارد، به طوری که چهل درصد از کسـانی که بـا این دختران ارتبـاط برقرار می کننـد، دختران دیگری موسوم به «قربانیـان سـرنوشت» هسـتند . این قربانیان ، امیـدی به زندگی ندارند و در هر کاری ، خود را شکست خورده می پندارند. دسته دیگری که تأثیر زیادی روی دختران جوان دارند، افرادی هستند که دارای

.

۱- .روان شناسی مرضی ، ص ۳۸۶ .

ص: ۳۶۴

۱ . مدرسه

روح پلید و گناه کار بوده ، ذاتاً انسان های شرور و نابه هنجار هستند. این افراد نیز ۳۸ درصد از تأثیرگذاران روی دختران جوان را تشکیل می دهند. بر اساس این تحقیق ، ۶۹ درصد از دختران مورد مطالعه کشور استونی، دارای انحراف اجتماعی بوده اند. ۱ به هر جهت، تمام این افراد(قربانیان سرنوشت و گناه کاران) نیز محصول خانواده هایی هستند که در آن ، به طور صحیح تربیت نشده اند. البته نمی توان نقش مهمّ اجتماع را نادیده گرفت ؛ امّا تا این اندازه تأثیری که جامعه شناسان برای آن قائل اند، قابل تردید است ؛ چرا که بسیار مشاهده شده ، افرادی که از نظر عقیدتی ارزشی در اقلیت اند ، وقتی در جامعه ای قرار می گیرند که اکثریت ، با آنان مخالف اند ، بیشتر به عقاید خود پایبند می گردند و ممکن است از افرادی که در جامعه خود ، اکثریت را تشکیل می دهند، به عقایدشان پایبندتر می شوند، حتی اگر در گروه هم نباشند. به عنوان مثال ، اگر چه بسیاری از مسلمانانی که به کشورهای اروپایی و امریکایی مهاجرت می کنند، در فرهنگ غربی ذوب می شوند، امّا هستند افرادی که بیش از مسلمانانی که در کشورهای اسلامی هستند ، به حفظ عقاید و ارزش های خود پایبندند. بنا بر این ، جامعه و محیط پیرامون آن ، بدون تردید، تأثیرگذار است ، بویژه بر کودکان ، و نوجوانان و جوانان ؛ امّا تأثیرش ، آن طور که فریس معتقد است صد در صد نیست. به طور کلی ، نهادهای اجتماعی و محیطی که در به انحراف کشیده شدن افراد، تأثیر دارند ، عبارت اند از:

۱ . مدرسهمدرسه ، هم می تواند محیطی برای رشد و تعالی افراد باشد و هم انحطاط و تباهی آنها. اگر نظام ارزشی خانواده و مدرسه ، با هم در تضاد باشند یا اگر رفتار معلّم ها ، رفتاری ضد ارزشی باشد، افراد را دچار سردرگمی ، گیجی و تزلزل اعتقادات کرده ،

.

ص: ۳۶۵

۲ . همسالان و دوستان

زمینه انحطاط اخلاقی آنها را فراهم می سازد. مثلاً ـ معلّمی که حجاب خود را حفظ نمی کند ، اگر بخواهد به علّت ضوابط و مقرّرات ، شاگردانش را به حفظ حجاب ، سفارش کند ، فقط بر آنها تأثیر معکوس می گذارد؛ چون شاگردان ، از رفتار معلّم الگوسازی می کنند و از او تبعیت می نمایند. معلّم های دینی و قرآن ، اگر افرادی خشک و متعصّب یا سهل انگار و لاأُبالی باشند، باز هم تأثیر نامطلوب می گذارد. به دلیل تأثیر معلّم در شاگرد ، تأکید بر این است که معلّم ، فردی شایسته باشد ؛ زیرا همان طور که شایستگی معلّم ، باعث گستردگی رفتارهای شایسته در بین شاگردان می شود، ناشایستگی معلّم رفتارهای نابه هنجار را در شاگردان افزایش می دهد. امام علی علیه السلام با اشاره به نقش آموزشی و الگودهی معلّمان و علما می فرماید : کَثرَهُ الفُجُورِ مِنَ العُلَمَاءِ . (۱) زیادی نابه هنجاری ها در بین مردم ، ناشی از معلّمان و علمای ناشایسته است. و از این رو ، افراد را از چنین معلّمان و عالمان برحذر داشته ، می فرماید : فَاتَّقُوا الفَاجِرَ مِنَ العُلَمَاءِ . (۲) از عالمان تعلیم دهنده فسق و فجور ، دوری کنید.

۲ . همسالان و دوستانکودکان ، از هفت سالگی ، تحت تأثیر همسالان و دوستان خود واقع می شوند و این تأثیرپذیری در سنین نوجوانی و جوانی به بالاترین درجه خود می رسد، تا حدی که گاهی تأثیر پذیری از دوستان ، بیش از تأثیر خانواده می شود. لذا والدین ، باید از ابتدا دقّت کنند که کودک آنها در محیطی و با افرادی نباشد که زمینه انحراف او را فراهم سازند. والدینی که به کودک خود اجازه می دهند از صبح تا شام ، در کوچه با بچّه ها بازی کند و انواع اطّلاعات جنسی و فحش های مستهجن ، رد و بدل کنند، در

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۳ ، ص ۴۵۸ .

۲- .همان ، ج ۴ ، ص ۵۵۶ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۳۷۹ .

ص: ۳۶۶

۳ . رسانه های ارتباط جمعی

نوجوانی ، قادر به کنترل او نخواهند بود. همچنین کودکانی که در مدرسه ، با افرادی بی بندوبار ، هم کلاس هستند ، در معرض انواع رفتارهای نابه هنجار قرار می گیرند. بسیار مشاهده شده که اوّلین صحبت های مقدّماتی برای تماس های جنسی بین همجنسان ، در مدارس بوده است . این خطر ، وقتی بیشتر می شود که در کلاس درس، کودکان و نوجوانانی باشند که دچار بلوغ زودرس یا چند سال مردودی باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله با اشاره به تأثیر دوست در منش و رفتار فرد ، می فرماید : المَرءُ عَلَی دِینِ خَلِیلِهِ فَلیَنظُرُ أَحَدُکُم مَن یُخَالِل . (۱) آدمی ، تحت تأثیر رفیق ، از روش و عملکرد او پیروی می کند. از این رو ، ببینید در انتخاب دوست ، با چه کسی طرح رفاقت می ریزید.

۳ . رسانه های ارتباط جمعیپیشرفت تکنولوژی و ساخت وسایل جدید ، به همان اندازه که برای آسایش و پیشرفت انسان ها مفید است، ممکن است به بدبختی و شقاوت و انحراف آنها نیز بینجامد . از این وسایل پیشرفته، وسایل ارتباط جمعی مانند : تلویزیون، ویدئو، ماهواره، رایانه ، کتاب، مجلّه، عکس و ... است . انحراف اجتماعی در بسیاری از جوامع ، ظهور داشته، ولی همان طور که روش زندگی کردن تغییر کرده، روش ارتکاب جنایت و انحراف نیز تغییر یافته است. ما امروزه در عصر ارتباطات شاهد وسایل ارتباط جمعی پیشرفته ای چون ماهواره و اینترنت هستیم که هرکدام ، انحرافاتی را به دنبال دارند. طی سال های اخیر، تعداد کاربران اینترنت ، افزایش چشمگیری داشته است، به طوری که در امریکا در سال ۱۹۹۵ م ، ۲۶ میلیون نفر ، امکان استفاده از این وسیله ارتباطی مدرن را داشته اند و در سال ۱۹۹۹ م ، این آمار ، به ۲۰۱ میلیون و یکصد هزار نفر رسید . (۲)

.

۱- .الأمالی ، طوسی ، ص ۵۱۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۱ ، ص ۱۹۲ .

۲- .مبانی جامعه شناسی ، کوئن ، ص ۳۵۰ .

ص: ۳۶۷

بـدون تردید ، گسترش چشـمگیر یک رسانه، گسترش انحرافات مربوط به آن را به دنبال دارد. طبق گزارش های داده شده در سال ۱۹۹۱ م ، تنها در امریکا ۱۲۳ میلیون جنایت رایانه ای رخ داده است که این رقم ، بی شک در هزاره سوم به طرز وحشتناکی افزایش می یابد. البته این آمار ، احتمالاً تنها مربوط به جنایاتی از قبیل : سـرقت اطّلاعات محرمانه، دستبرد به شبکه های بانکی و اقتصادی و مـواردی از این دست است. اگر تـأثیرات مخرّبی که اینـترنت بر روی خـانواده هـا و جوانـان گذاشـته ، بررسـی گردد، به طور قطع ، آماری بسـیار فاجعه آمیزتر از آنچه هست ، به دست خواهد داد . گزارش منتشـر شده در امریکا نشان می دهد که شـبکه فسادِ رو به گسترش موجود در اینترنت، سـلامت شانزده میلیون جوان امریکایی را تهدیـد می کنـد. بررسـی مرکز ملّی کودکان گمشده ، نشان می دهـد که هجـده درصـد از نوجوانان بین هشت تا شانزده سال ، اعلام کرده اند که قصد دارند با فردی که از طریق اینترنت آشـنا شـده انـد، ملاقـات کننـد. سازمـان اف. بی. آیِ امریکا در گزارش سال ۱۹۹۸ م خـود اعلام کرد : هفتصـد مورد بزرگ سالانـی را شناسایی کرده که با کودکانی که از طریق اینترنت آشـنا شـده اند، مسافرت کرده اند و یا کودکان را تشویق به مسافرت نموده اند و عکس های مسـتهجن از آنان تهیه کرده انـد ، به طوری که مأمور مخصوص این سازمان ، اعلام می کند : ما هیچ جنایتی در امریکا سراغ نداریم که با این شدّت و بدین سرعت ، رشد کرده باشد. (۱) یکی از تحلیلگران برجسته رایانه ، گفته است که بیش از بیست تا سـی هزار سایت رایانه ای با محتویات فسادبرانگیز در امریکا وجود دارد و تعـداد این گونه سایت ها ، به طور فزاینـده ای در حال افزایش است. درآمـد صاحبان این سایت ها از محل مراجعه بیننـدگان ، در حـدود هفتصد میلیون تا یک میلیارد دلار در سال است. (۲) به هر حال ، از آن جا که اینترنت ، یک شـبکه عظیم اطّلاع رسانی و یک بانک وسـیع اطلاعاتی است و هم اکنون ، دسترسی به آن برای همه افراد ممکن شده است ، استفاده

.

۱- .همان جا .

۲- .همان ، ص۳۵۲ .

ص: ۳۶۸

از این رسانه را به عنوان یک ضرورت در عصر اطّلاعات ارزیابی می کنند، به طوری که به عنوان اختاپوسی فارغ از مرزهای جغرافیایی، سراسر جهان را به هم مرتبط خواهد ساخت . طبق آخرین آمار ، بیش از شصت میلیون رسانه از تمام جهان ، در این شبکه گسترده ، به یکدیگر متّصل شده اند و اطّلاعات بی شماری را در تمامی زمینه ها از هر سنخ و نوعی به اشتراک گذاشته اند، به طوری که نزدیک به یک میلیارد صفحه اطلاعات با موضوعات گوناگون و تقریباً بدون هیچ گونه محدویت و کنترلی بر وارد کردن یا دریافت کردن داده ها ، روی این شبکه قرار داده شده است. حمایت از جریان آزاد اطّلاعات، گسترش روزافزون فنّاوری اطلاعات و بسترسازی برای اتّصال به شبکه های اطلاع رسانی، شعار دولت هاست. این درحالی است که گستردگی و تنوّع اطلاعات آلوده روی اینترنت، موجب بروز نگرانی در بین کشورهای مختلف شده است. انتشار تصاویر مستهجن، ایجاد پایگاه هایی با مضامین سکس، هرزه گری، سایت های سوء استفاده از کودکان و انواع قاچاق در کشورهای پیشرفته صنعتی (بویژه امریکا) ، کارشناسان اجتماعی را به شدّت نگران کرده است. دون پارکر (محقّق امریکایی) ، ضمن تحقیق روی این پدیده، به این نتیجه رسیده است که هیچ کس نمی تواند دامنه حقیقی جنایات و انحرافات رایانه ای را مشخص کند و آنچه نمایان است، تنها نوک کوه یخ این جنایات است . به همین دلیل ، دولت امریکا ، مجبور به تصویب قوانینی مبنی بر کنترل این رسانه جهانی شده است. (۱) هشدار، جریمه و بازداشت برای برپا کنندگان پایگاه های مخرّب و فسادانگیز، از تدابیری است که برخی از کشورها برای رویارویی با آثار سوء اینترنت اتخاذ کرده اند. ترس از تخریب مبانی اخلاقی و اجتماعیِ ناشی از هجوم اطّلاعات فسادانگیز از طریق اینترنت، واکنشی منطقی است ؛ زیرا هر جامعه ای، چارچوب های فرهنگی خاص خود را دارد و طبیعی است که هر نوع اطلاعات که این حدّ و مرزها را بشکند، می تواند سلامت و امنیت فرهنگی و اجتماعی جامعه را به

.

۱- .همان جا .

ص: ۳۶۹

فیلم های جنسی (پورنوگرافی)

خطر اندازد و در همین راستا، مشکلات تازه ای برای نسل جوان کشور بیافریند. یکی از مشکلات و آسیب های اجتماعی که طبقه جوان را همواره در معرض سقوط اخلاقی قرار می دهد، «انحراف جنسی» است. بدون تردید، یکی از زمینه های بروز این انحرافات، وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و اینترنت است. پدیده شومی چون همجنس بازی، به سرعت از کانال های مخرّب اینترنت در حال پیشروی است و این ، معضلی است که جوان مسلمان را در معرض آسیب های جدّی قرار می دهد.

فیلم های جنسی (پورنوگرافی)مسلماً مشاهده فیلم های پورنوگرافی که به طرز فجیعی، ارزش های اخلاقی را به تمسخر می گیرند و بدون هیچ حدّ و ضابطه ای (مانند حیوانات ، حتّی پست تر) به ارضای غریزه جنسی می پردازند، می تواند مسبّب انواع رفتارهای نابه هنجار جنسی گردد که ساده ترین آن ، استمناست تا برسد به قتل های جنسی. این گونه فیلم ها که از طریق ماهواره، اینترنت، و سی دی هایی که به راحتی خرید و فروش می شوند، نتیجه ای جز انحطاط اخلاقی و به انحراف کشیده شدن جوانان ندارند. عجب این که این فیلم ها جوامع خودشان را نیز دچار خطر ساخته ؛ امّا اندیشمندان ، وقتی متوجّه این اتفاق شدند که دیگر کار از کار گذشته بود . نمی دانم آیا متوجّه نبودند که غریزه جنسی ، مانند رودخانه است ، که اگر طغیان کند ، سیل ایجاد می کند و همه چیز را با خود می برد ؟ هر چند نهضت آزادیِ جنسی ، آن قدر به سرعت پیشرفت کرد که طی فقط بیست سال، ساختارهای اخلاقی آنها را زیر و رو کرد و اکنون اندیشمندان اروپایی و امریکایی ، متوجّه خطر شده اند و از افزایش فیلم های پورنوگرافی انتقاد می کنند ؛ امّا کو گوش شنوا ! یکی از نویسنده های امریکایی ، در مقاله ای تحت عنوان «اُفول اخلاقی امریکا» در مورد رواج فیلم های مبتذل چنین می گوید : در حال حاضر، رسانه ها ، به هیولاهایی تبدیل شده اند که خشونت، بی بندوباری جنسی و نابه هنجاری تولید می کنند. با این همه، این نهادهای مبتذل، جاذبه

.

ص: ۳۷۰

فراوان برای جلب مخاطبان در جامعه ما دارند. در حال حاضر، جامعه ما دیگر از این ابتذال و ناهنجاری ، احساس انزجار نمی کند ؛ بلکه به آن می خندد... . امروزه از خشونت و سکس برای جلب کردن مخاطب استفاده می شود. اکنون خلّاقیت غنی و پُرباری که در گذشته، سرگرم کنندگان ، از آن برای جلب مخاطب استفاده می کردند، جای خود را به هرزه نگاری و هرزه گویی داده است. (۱) متأسفانه در جامعه کنونی، ما به جای این که از مصیبت هایی که اروپا و آمریکا به آن دچار شده اند ، درس بگیریم ، در حال طی کردن همان مراحل هستیم. هر چند اگر انسان عبرت می گرفت، تاریخ ، هیچ گاه تکرار نمی شد. البته فقط نمایش اعمال جنسی نیست که ارزش های اخلاقی را تزلزل می بخشد و زمینه انحراف را فراهم می سازد؛ بلکه مسائلی که امروزه در فیلم ها و سریال های کشورمان شاهد آن هستیم ، مانند : بی پروایی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر، مجالس عروسی مختلط (که مثلاً با حجاب در آن شرکت می کنند ، ولی در هر صورت ، ترویج اختلاط در عروسی است و کسی در عروسی مختلط، با حجاب شرکت نمی کند) ، نگاه های شهوت انگیزی که زن و مرد به یکدیگر می کنند، القای این امر که هر زن و مردی که باهم ارتباط دارند به هر دلیل حتماً این ارتباط، منجر به عشق و ازدواج می شود و... همه و همه ، باعث از بین رفتن حیای کودکان و نوجوانان و کشیده شدن آنها به سمت ارضای ناصحیح جنسی است. اگر چه در اینترنت ، دریایی از علوم (دینی و غیر دینی) یافت می شود ، امّا یکی از راه های اساسی برای انحراف نیز هست . متأسفانه، هنگام ورود ابزارهای تکنولوژی به کشور ما، ابتدا فقط با مخالفت و محدود کردن با آن برخورد می کنیم و سپس بدون هیچ آگاهی ای ، آن را رواج می دهیم.گروه بی شماری برای دسترسی به عکس ها و فیلم های پورنوگرافی ، گروهی برای ارضای تمایلات انحرافی و عده ای برای اشاعه فحشا ، در سایت های فارسی و بیشتر انگلیسی ، تمام تلاش خود را می کنند تا فساد، فحشا، انحراف، روابط نامشروع و حتی زنای با محارم را ترویج دهند و ظاهراً تا

.

۱- .«افول اخلاقی امریکا» ، آدام بورسوا ، سایت : www.Public. Asu. Edu

ص: ۳۷۱

۴ . اوقات فراغت و بیکاری

حدّی نیز موفّق بوده اند ؛ چرا که روز به روز، شاهد انحطاط بیشتر جوانان و تزلزل شخصیتی آنها هستیم . تصاویر جنسی رسانه های مبلّغ نابه هنجاری های جنسی و تماشای دراز مدّت برنامه های تلویزیونی ماهواره ای و اینترنتیِ حاوی نابه هنجاری های جنسی ، چند اثر بر روی بیننده دارد : یکی این که حسّاسیت افراد ، نسبت به ناهنجاری های جنسی ، کاهش می یابد ؛ یعنی به تدریج ، مردم به آن عادت می کنند و آن را چیز بد و ضدّ ارزش نمی پندارند. دوم این که افراد تحریک می شوند و به این نابه هنجاری ها روی می آورند و در نتیجه ، نابه هنجاری های جنسی در جامعه افزایش می یابد. سوم این که برخی از افراد ، به جهت تقلید از آنچه در این رسانه های تصویری دیده اند ، به اَعمال نابه هنجار اقدام می کنند ، گرچه نیاز درونی به انجام دادن آنها را در خود احساس نمی نمایند. چهارم این که دامنه اطّلاعات افراد در مورد نابه هنجاری های جنسی گوناگون ، زیاد می شود ، به گونه ای که نابه هنجاری هایی را که متوجّه آنها نشده اند و تمایلی نسبت به آنها نداشته اند ، به انجام دادن آنها ، علاقه پیدا می کنند ، به اَعمال نابه هنجاری جنسی جدید روی می آورند ، به تدریج ، همه توان ها، تمایلات، اموال و جوانی خودشان را در جهت انجام دادن این نوع نابه هنجاری به کار می گیرند ، از زندگی انسانی و عقلایی فاصله می گیرند و به نابه هنجاری ها و اختلالات درونی شده (۱) (مانند : افسردگی و خودکشی) و اختلالات بیرونی شده (۲) (مانند آزار و خشونت) و ... مبتلا می شوند .

۴ . اوقات فراغت و بیکاریکی دیگر از زمینه های انحراف نوجوانان و جوانان عصر ما ، «اوقات فراغت» است. اگر این اوقات ، با تفریحات سالم، سرگرمی های متنوّع و کارهای مفید پر نشود، نوجوان و جوان ، آن را با رفتارهای نامشروع ، پر خواهد کرد. والدینی که فرزندان

.

۱- Internalizi.

۲- Externalizi.

ص: ۳۷۲

بیکار خود را برای ساعت های طولانی به حال خودشان رها می کنند و سرگرم امورات خودشان هستند، چه بسا وقتی پشیمان شوند که دیگر سودی نداشته باشد. کار و اشتغال ، در پیدایش و تقویت احساس و درک مسئولیت اجتماعی، سازگاری اجتماعی، رعایت قوانین و مقرّرات و عادت دادن خویش به نظم و انضباط، نقش تعیین کننده ای داشته ، عاملی بازدارنده از مفاسد و آسیب های اجتماعی است ؛ امّا بیکاری، تنبلی و راحت طلبی ، از عوامل مؤثّر در ایجاد فساد، نابه سامانی های اجتماعی و بزهکاری است ؛ (۱) زیرا آدم بیکار ، به علّت فقدان اشتغال و کار، احساس مسئولیت اجتماعی ندارد. اگر افسردگی نیز در جان و دل او بنشیند، به طور طبیعی ، خود را فراموش می کند و ارتکاب جرم و جنایت برای او آسان می شود . در این جاست که در هر جامعه ای ، مسئولان حکومت و بلکه همه افراد جامعه، نسبت به اشتغال جوانان ، مسئولیت سنگین دارند. از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله آدم بیکار ، فاقد شخصیت و عزّت است : کَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا نَظَرَ الرَّجُلُ فَأَعجَبَهُ ، قَالَ: هَل لَهُ حِرفَهٌ فَإِن قَالُوا: لَا ، قَالَ : سَقَطَ مِن عَینِی . (۲) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وقتی مردی را می دید که بدن نیرومندش موجب شگفتی آن حضرت می شد، سؤال می کرد: «آیا او دارای شغل است؟» . اگر می گفتند : نه ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمود: «او از چشم من افتاد». امیر المؤمنین علیه السلام نیز بیکاری، سستی و تنبلی را عامل تضییع حقوق شخص بیکار و افراد جامعه می داند و می فرماید : مَن أَطَاعَ التَّوانِیَ ، ضَیَّعَ الحُقُوقَ . (۳) کسی که از سستی و تنبلی پیروی کند، حقوق [خود و دیگران] را تباه ساخته است.

.

۱- .روان شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت ، ص ۱۳۴ .

۲- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۳ ، ص ۱۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۳ ، ص ۹ .

۳- .نهج البلاغه ، حکمت ۲۳۹ ؛ میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۳۳۳۴ .

ص: ۳۷۳

۵ . فقر و ثروت

۵ . فقر و ثروتیکی از علل مؤثّر ایجاد انحراف جنسی، «فقر» است که به شیوه های مختلف ، این انحراف را به وجود می آورد . خانواده های فقیر ، از آن جا که از لحاظ مسکن ، در تنگنا هستند ، همه در کنار هم می خوابند. لذا کودکان ممکن است به کرّات ، شاهد روابط جنسی والدین خود باشند و یا به دلیل خوابیدن در کنار خواهر و برادر، زمینه گرایش جنسی به یکدیگر ایجاد می شود. از طرف دیگر ، چون امکان ازدواج برای افراد فقیر ، زود فراهم نمی شود ، لذا برای ارضای جنسی خود ، ممکن است به راه های انحرافی کشیده شوند. در برخی موارد نیز فقر ، باعث کشیده شدن زنان و دختران به فحشا و روسپیگری می شود. همچنین جوانانی که شاهد تبعیضات طبقاتی و توزیع نابرابر ثروت هستند، دچار احساس حقارت یا خصومت نسبت به جامعه می شوند و در صدد انجام دادن رفتارهای انتقام جویانه برمی آیند که از جمله آنها می توان به قتل های جنسی و سادیسم اشاره کرد. به همان اندازه که فقر بیش از اندازه ، زمینه انحراف را فراهم می کند، ثروت فراوان نیز زمینه طغیان و انحراف را فراهم می سازد. (۱) می توان فقر و ثروت را جزو علل ایجاد کننده انحرافات دسته دوم شمرد. جوانی که همه چیز برای او فراهم است و از نظر اخلاقی و دینی نیز هیچ پایبندی ای ندارد، در پی لذّت بردن هر چه بیشتر است و از آن جا که برای فردی که فقط در پی به دست آوردن لذّت بیشتر است، لذّت های قبلی ، احساس دل زدگی ایجاد می کند، به سمت مسائل دیگر می رود و کم کم ، به سمت رفتارهای انحرافی کشیده می شود. روابط نامشروع در بین افرادی که ثروت فراوان دارند و تقیّد اخلاقی ندارند ، به کرّات مشاهده می شود. برپایی پارتی های مختلط، مصرف قرص های روان گردان که خود ، محرّک عمل جنسی است و... از رفتارهای نابه هنجار اقشار ثروتمند است که متأسفانه ، کم کم به طبقه متوسط نیز منتقل می شود.

.

۱- .«إِنَّ الْاءِنسَنَ لَيَطْغَى * أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَى ؛ حقّا که انسان ، سرکشی می کند ، همین که خود را بی نیاز پندارد» (سوره علق ، آیه ۶ و ۷) .

ص: ۳۷۴

۶ . چشم چرانی

۶ . چشم چرانینگاه به جنس مخالف و هرچه باعث تحریک جنسی فرد می شود ، از جمله عوامل نابه هنجاری های جنسی (مانند : استمنا، زنا، همجنس گرایی) است. در روایت آمده است که از حضرت زکریّا سؤال شد : چه چیزی آغازگر و زمینه ساز زنا در فرد می شود ، فرمود : «چشم چرانی و خیال پردازی آرزوهای جنسی». (۱) امام علی علیه السلام نیز با اشاره به تأثیر چشم چرانی بر زنا ، می فرماید : لَیسَ یَزنِی فَرجُکَ إِن غَضَضتَ طَرفَکَ . (۲) هرگز، عمل زنا با نامحرم ، از تو صادر نمی شود، اگر چشمانت را بر روی حرام ببندی. حضرت عیسی علیه السلام با اشاره به آثار روان شناختی نگاه به نامحرم ، می فرماید : إِیَّاکُم وَ النَّظرَهَ ، فَإِنَّهَا تَزرَعُ فِی القَلبِ شَهوَهً وَ کَفَی بِهَا فِتنَهً . (۳) از نگاه حرام بپرهیزید ؛ زیرا باعث کششی در دل می شود که در تحریک و ایجاد آشوب برای سوق دادن فرد ، به سوی فساد ، کافی است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می فرماید : النَّظَرُ سَهمٌ مَسمُومٌ مِن سِهَامِ إِبلِیسَ . (۴) نگاه حرام، کمانی مسموم و کُشنده از کمان های شیطان است. نیز فرمود : فَالعَینَانِ یَزنِیَانِ وَ زِنَاهُمَا النَّظَرُ . (۵) دو چشم هم زنا دارند و زنای آن دو ، نگاه حرام است. امام علی علیه السلام در تبیین علل امر خدای متعال به کنترل چشم و رابطه آن با حفظ فرد

.

۱- .المحجّه البیضاء ، ج ۵ ، ص ۱۸۰ ؛ شرح اُصول الکافی ، ج ۱۲ ، ص ۳۳۳ .

۲- .شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۴ .

۳- .المحاسن ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۴۱ ، ح ۵۰ .

۴- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۸ ، ح ۳۴ .

۵- .جامع السعادات ، ج ۲ ، ص ۹ ؛ مسند أحمد ، ج ۲ ، ص ۳۴۳ .

ص: ۳۷۵

۷ . همنشینی با منحرفان

۸ . اختلاط زن و مرد

از زنا در آیه «قُل لِّلْمُؤْمِنَتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» ، (۱) می فرماید : وَالنَّظَرُ سَبَبُ إِیقَاعِ الفِعلِ مِنَ الزِّنَا وَ غَیرِهِ . (۲) نگاه به حرام ، باعث وقوع رفتار زنا و مانند آن ، از نابه هنجاری های جنسی است.

۷ . همنشینی با منحرفاناز عوامل مؤثّر در انحرافات جنسی ، دوستی و همنشینی با افرادی است که به نابه هنجاری های جنسی آلوده اند. دوستی و همنشینی ، باعث می شود که افراد با یکدیگر ، ارتباط نزدیک پیدا کنند و به تدریج ، خوی و منش اخلاقی و روانی و رفتارهای فردی که به صورت قوی تر، اثرگذارتر است ، الگوی دیگران قرار می گیرد . افراد متأثّر ، کم کم در عقاید و اصول اخلاقی خود تردید می کنند و به رنگ دیگری در می آیند . رفتارهای جنسی در محیط های انحرافی، علاوه بر این که نیاز افراد را تشدید می کنند و تحریک های جنسی را افزایش می دهند ، آنها را به الگوبرداری از آن رفتارهای دوستان، فرو ریختن حیا و کاهش باورهای دینی و اخلاقی و مخالفت با اصول ارزشی و اقدام به انجام دادن نابه هنجاری های جنسی می کشانند . امام علی علیه السلام در تأثیر همنشینی با منحرفان می فرماید : وَ مُجَالَسَهُ أَهلِ الهَوَی مَنسَاهٌ لِلإِیمَانِ وَ مَحضَرَهٌ لِلشَّیطَانِ . (۳) همنشینی با هواپرستان ، ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان و اعمال شیطانی را به حضور می کشاند.

۸ . اختلاط زن و مرداز عواملی که امروزه ، در شیوع رفتارهای نابه هنجار جنسی، بسیار مؤثّر است ، «اختلاط دختر و پسر» در مراکز آموزشی، مجالس و دیگر مراسم گروهی است.

.

۱- .سوره نور ، آیه ۳۱ .

۲- .وسائل الشیعه ، ج ۱ ، ص ۳۰۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۹۳ ، ص ۵۲ .

۳- .نهج البلاغه ، خطبه ۸۶ .

ص: ۳۷۶

دیدگاه های مربوط به عوامل نابه هنجاری های جنسی

یک . اختلال در هویّت جنسی

پیامبر صلی الله علیه و آله به این عامل اشاره می کند و می فرماید : مَا تَرَکتُ بَعدِی فِتنَهً أَضَرَّ عَلَی الرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ . (۱) هیچ چیزی را مربوط به زمان های بعد ، خطرناک تر از اختلاط و ارتباط مردان با زنان، نمی بینم.

دیدگاه های مربوط به عوامل نابه هنجاری های جنسیدرباره عوامل نابه هنجاری های جنسی ، نظریاتی مطرح شده که در زیر به آنها اشاره می شود:

یک . اختلال در هویّت جنسیاز جمله عواملی که برای بروز نابه هنجاری های جنسی (همچون : همجنس گرایی مردان و زنان مطرح شده است ، «اختلال هویّت جنسی» در آنان است. این سخن ، گرچه فی الجمله ، در مورد برخی از همجنس گرایان صادق است ، ولی باید دانست که انحراف و نابه هنجاری بیشتر همجنس گرایان ، به دلیل اختلال در هویّت آنان نیست ؛ بلکه هواهای نفسانی ، تنوّع طلبی ها ، رسانه های تصویری و ... از عوامل رفتارهای نابه هنجار جنسی آنان است ؛ زیرا آنان ، با اراده و صرفاً به خاطر علاقه های کاذب و عارضی به انجام دادن نابه هنجاری ها اقدام می کنند . برداشت بیشتر این نوع افراد از خود به عنوان یک فرد مذکّر یا مؤنّث و به عبارتی : «هویّت جنسی» ، جزء مهمّی از خودپنداره فرد است. هویّت جنسی ، از نقش جنسی متمایز است که درباره چگونگی رفتار آدمی به عنوان یک مرد یا زن در اجتماع، باور فرد را تشکیل می دهد. زنان بسیاری ، به رفتارهایی دست می زنند که بخشی از نقش جنسیتی مردها محسوب می شوند. مثل انجام دادن ورزش های پرخاشگرانه و یا تعقیب کارهای رقابتی ؛ ولی باز هم از خود ، حسّ قوی ای به عنوان یک زن دارند. همچنین مردان بسیاری هم هستند که رفتارهایی دارند که بخشی از نقش جنسیتی

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۶؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۴ .

ص: ۳۷۷

زنان به حساب می آینـد . مثل نگهـداری از کودکان، آشپزی و خیّاطی ؛ ولی هنوز هم در اصل ، خود را یک مرد می دانند. هویّت جنسـی و نقش هـای جنسـی ، از جهتگیری جنسـی ، متمایز هسـتند که بر رجحان شـخص از شـرکای جنسـی ، از جنس مخالف و یا همجنس اشـاره می کنـد . بیشتر مردان همجنس بـاز ، خود را یـک مرد می داننـد و هویّت هـای جنسـی مردانه دارنـد و بیشتر زنـان همجنس باز هم به طور عمـده ، خود را یک زن می داننـد و دارای هویّت های جنسـی زنانه اند. گرچه مردان و زنان همجنس باز ، در بیشتر موارد ، نقض کننده نقش های قالبی جنسـی خود هستند ، ولی از بسیاری از نقش های سنّتی جنسی خود پیروی می کنند ؛ ولی در انتخاب الگوهای جنسـی خود چنین نظری ندارنـد (هوکسـیما، ۲۰۰۱ م). اختلاـل هویت جنسـی ، عبـارت است از : احساس مکرّر افراد ، مبنی بر این که اشتباهی در مورد آنها رخ داده و آنها اشتباهی در این جنس قرار گرفته اند. نگرانی فکری چنین افرادی ، این است که بتوانند از ویژگی های اوّلیه و ثانویه جنسـی خود رها شوند. بسیاری از آنها آلت تناسلی خود را نفرت انگیز می دانند و ویژگی های جنس مخالف را کسب می کننـد (MSD-VI، ۱۹۹۴ م و MSD-VI-RT ، ۲۰۰۰ م). نسبت شیوع اختلال هوّیت در مردان نسـبت به زنان ، دو به یک است. افراد دارای این اختلال ، غالباً دچار افسردگی و گاهی افکار مربوط به خودکشی هستند (برادلی (۱) ، ۱۹۹۵ م) . این افراد ، معمولاًـ بـا پوشـیدن لباس های مرتبط با جنس خود ، احساس ناراحتی می کننـد و به جای آن ، لباس های جنس مخالف را می پوشـند و از آن لـذّت می برنـد . آنها دچار اختلال مبـدّل پوشـی نیسـتند ؛ زیرا افراد مبدّل پوش ، به منظـور برانگیختگی جنسـی ، لبـاس هـای جنس مخـالف را می پوشـند. افراد مبتلاـ به اختلاـل هـویّت جنسـی، دلایـل مهم تری برای پوشیدن لباس های جنس مخالف دارند و این دلایل ، مربوط به

.

۱- Bradley. S.J.

ص: ۳۷۸

هویّت جنسی آنهاست (برادلی، ۱۹۹۵ م). افراد با اختلال هویّت جنسی ، علاوه بر پوشیدن لباس های جنس مخالف ، معمولاً نقش ها و فعّالیّت هایی را به عهده می گیرند که از نظر عرفی ، مربوط به نقش جنسی مخالف است (براون (۱) و همکاران، ۱۹۹۶ م). گاهی اوقات، اختلال هویّت جنسی ، در کودکان ظاهر می شود (زاکر (۲) ، برادلی و سالیوان (۳) ، ۱۹۹۶ م ، سگار (۴) ، ۱۹۹۵ م) . کودکان نیز همانند بزرگ سالان ، به خاطر جنسیت خود ، احساس ناراحتی می کنند و آرزو دارند تا شبیه جنس مخالف خود شوند . این الگوی کودکی ، معمولاً تا دوره نوجوانی و بزرگ سالی ناپدید می شود ؛ امّا در برخی موارد نیز در دوران بزرگ سالی ، به نابه هنجاری جنسی تبدیل می شود (برادلی، ۱۹۹۵ م). بنا بر این ، بزرگ سالانی که به نابه هنجاری جنسی دچارند ، در دوران کودکی نیز با این اختلال ، درگیر بوده اند (تسوی، ۱۹۹۲) ؛ امّا بیشتر کودکان ، با رسیدن به دوره بزرگ سالی ، دیگر دچار این اختلال نخواهند بود . برخی نیز تا اواسط بزرگ سالی ، هیچ نشانه ای از اختلال ، در خود بروز نمی دهند. اختلال هویّت جنسی در کودکان ، یک بیماری نادر است که در آن ، کودک به اصرار، تمام جنس کالبدی خود را تکذیب می کند و بر این نکته پافشاری می نماید که عضوی از جنس مخالف است. دختران مبتلا به این بیماری ، دنبال فعّالیت های مردانه و شرکت در گروه همسالان مذکّر هستند که از «ادا و اطوارهای پسرانه دختران» فاصله دارد. گاهی این دختران ، از این باور خود می گویند که آنها بالاخره ، آلت تناسلی مردانه در خواهند آورد. پسران مبتلا به این اختلال ، به فعّالیت های زنانه روی می آورند و در گروه همسالان مؤنّث شرکت می نمایند و از همان سال های اولیه ، می خواهند که لباس های دخترانه به تن

.

۱- Brown, A.

۲- Zucker. K.

۳- Sullivan. C.B.

۴- .Sugar

ص: ۳۷۹

کنند (برادلی، ۱۹۹۵) . ایـن افراد ، از آلـت تناسـلی خـود ، نفرت دارنـد و آرزوی محوشـدن آن را دارنـد (گرین، ۱۹۸۶) . احتمال بیشتری وجود دارد که پسـران مبتلاـ به اختلالـ هویّت جنسـی، از سوی والـدینشان برای مشـاوره آورده شونـد، در حـالی که درباره دختران مبتلا به این اختلال ها، چنین وضعیتی دیده نمی شود. شاید به این دلیل باشد که والدین ، بیش تر به نقص نقش های جنسی پسـران اهمیت می دهند تا نقص این نقش ها در دختران . بسـیاری از مردانِ دچار نارضایتی جنسیتی، از وضع نامطلوب خود در رنج اند. ابتلا به افسـردگی در آنان شایع است و ویژگی های شخصـیتی همچون خودمدار بودن، پُرتوقّعی و توجّه طلبی از خود نشان می دهنـد. در برخی از پژوهش هـا عنوان شـده است که تقریبـاً یک سوم این افراد ، ازدواج می کننـد و نیمی از این ازدواج ها به طلاق می انجامـد. همچنین سابقه اقـدام به خودکشـی در تعـداد قابل توجّهی از آنان(تقریباً شانزده درصـد) گزارش شده است. بسـیاری از مبتلایان به اختلال هویّت جنسـی ، از لحاظ اجتماعی ، منزوی می شونـد. انزوا و طرد شـدن ، به ضـعف عزّت نفس منجر می شود و ممکن است که مـوجب بیزاری یـا اخراج از مـدرسه شود. طرد شـدن و تمسـخر از جـانب همسالاـن (بویژه در مورد پسـران) ، پیـامد معمول این اختلالـ است. پسـران مبتلاـ به اختلال هویّت جنسـی ، اغلب ، اطوارگری ها و الگوهای گفتاری زنانه قابل ملاحظه ای از خود نشـان می دهـد. این اختلال می توانـد به انـدازه ای فراگیر باشـد که زنـدگی روانی برخی افراد ، فقط گرد آن دسـته از فعّالیت هـایی که پریشانی جنسـی را کاهش می دهنـد، دور بزنـد. آنها معمولاً با ظاهر خود (بویژه در اوایل انتقال به زنـدگی با نقش جنس مخالف) ، اشـتغال ذهنی پیـدا می کنند. رابطه با یکی از والدین یا هردوی آنها نیز ممکن است به شدّت مختل شود. برخی از مردان مبتلا به اختلال هویّت جنسـی ، به خوددرمانی با هورمون ها متوسّل می شونـد. به ندرت نیز ممکن است که آنها به اَخته کردن خود یا پنکتومی (۱) (بریدن آلت) اقدام کنند. برخی از مردان مبتلا به این اختلال، (بویژه در

.

۱- Penecto.

ص: ۳۸۰

مناطق شـهری) ممکن است به هرزگی (۱) روی آورنـد، که آنها را در معرض خطر فزاینـده ای قرار می دهد. اقدام به خودکشـی و اختلال مرتبـط بـا مواد نیز معمولاًـ وجود دارد. کودکـان دچـارِ اختلال هویّت جنسـی ، ممکن است که به طور هم زمـان ، اختلال اضـطراب جـدایی، اختلال اضـطراب فراگیر و نشانه های افسـردگی را نشان دهنـد. نوجوانان ، در معرض خطر افسـردگی و اندیشـه پردازی درباره خودکشـی و اقدام به آن قرار دارند. در بزرگسالان ، ممکن است که نشانه های اضـطراب و افسردگی ، وجود داشته باشـد. در نمونه های بالینی، وجود اختلال های شخصـیتیِ همراه اختلال، در مردان ، شایع تر از زنان است (۲۰۰۰، MSD-VI-RT م) . برخی از روان شـناسان ، به زمینه ارثی همجنس بـازی اشـاره کرده انـد ؛ ولی اغلب آنـان ، «محیط» را عامل همجنس بازی می داننـد و این امر ، بیشتر به زنـدگی خـانوادگی و مسائـل اجتماعی برمی گردد. (۲) سـاخت خانواده همجنس بازان پسـر ، به صورتی است که پـدر ، منزوی می شود و رفتار خصومت آمیز نسـبت به وی مشاهده می شود. مادر ، فریب دهنده و اغواگر و بسـیار نزدیک به فرزند و حامی اوست. در نتیجه ، نوجوان ، الگوی مردی و هویّت مردانگی خود را نمی شناسد. در مطالعه خانواده این نوجوانان ، دیـده شـده است که مادران از نظر عاطفی ، ارتباط بسـیار نزدیکی با فرزنـدان خود داشـته انـد . مادر ، بیش از انـدازه از فرزند خود حمـایت کرده ، بر علیه پـدر از او اسـتفاده نمـوده و محرم اسـرارش بـوده است. هیـچ گـاه فرزنـد ، اعتمـاد به نفس نیـافته و به سـوی مردانگی و آزادی ، پیش نرفتـه اسـت. (۳) همچنین مشاهـده شـده که همجنس بـاز در کودکی ، برای پـدرش احترامی قائل نبوده و حتّی از وی تنفّر داشـته است. البته پدر ، چون این نوجوان را تحقیر می کرده و با تبعیض به وی می نگریسته ، به فرزند ، احساس بی ارزشی دست داده و کم کم ،

.

۱- Prosititnti.

۲- Rogers, D. Psycholog fo Adolescence, P. ۲۴۴.

۳- .نوجوانی ، ص ۱۱۵ .

ص: ۳۸۱

دو . سبب شناسی پارافیلیاها

نوجوان را به سمت دوستان همجنس خود کشانده و به همجنس گرایی انجامیده است. در دوران نوجوانی ، همسالان ، نقش مهمّی در شکل دادن به شخصیت و ویژگی های رفتاری نوجوانان ایفا می کنند. اگر همسالان ، نمونه خوبی برای رفتار وی نباشند، ممکن است باعث به انحراف کشاندن نوجوان گردند. متأسّفانه والدین به نقش ارتباطی و کمکی خود توجّهی ندارند. در این مورد همان گونه که دبس (۱) ، به خوبی بیان می کند ، باید نوجوانان را از معاشرت های مشکوکْ منع نمود، (۲) و هیچ بهانه و عذری را در این بابت نپذیرفت. ضمناً باید متوجّه گوشه گیری ها و انزوای رفتاری نوجوان خود بود. چه بسا ممکن است که این گوشه گیری ، به استمنا ، کشیده شدن به سمت همجنس و انحراف در رفتار جنسی بینجامد. از نظر کلینیکی ، همجنس بازی در نوجوانان ، با بزرگ سالان تفاوت بسیاری دارد و با آموزش دوباره و صحیح می توان روابط سالم جنسی را جایگزین آن کرد.

دو . سبب شناسی پارافیلیاهادر زمینه علّت شناسی «پارافیلیاها» ، دو مکتب روان تحلیل گری و رفتارگرایی . اظهار نظرهایی داشته اند ؛ ولی هیچ کدام از این نظرگاه ها در تبیین کامل این اختلالات ، موفّق نبوده اند. به اعتقاد فروید، مفاهیم «تثبیت» ، «نیروگذاری در موضوع» و «انتخاب موضوع جنسی» ، تلاش هایی هستند برای توصیف و توجیه این نکته که : چگونه برخی موضوعات برای برخی افراد ، سرشار از جذّابیت شهوانی می شوند ؟ نیروگذاری روانی اشاره دارد به شارژ کردن یک موضوع خنثا ، با انرژی روانی مثبت یا منفی. در مورد «نیروگذاری روانی مثبت» ، لیبیدو، یا سائق جنسی، جذب موضوع شده و این موضوع ، دوست داشتنی می شود. در مورد «نیروگذاری روانی منفی» ، موضوع ،

.

۱- Dobe.

۲- .بلوغ ، ص ۶۴ .

ص: ۳۸۲

ترسناک می شود. فروید ، یادگارپرستِ پایی را نقل می کند که به یاد می آورد وقتی شش ساله بود، معلّم سرخانه اش که یک دمپایی مخمل به پا داشت ، پای خود را روی کوسنی دراز کرد. این نوع پا، هرچند که لاغر و استخوانی بود ، به طرز محرمانه ای پوشیده بود . از آن پس ، این نوع پا ، تنها دل بستگی جنسی او شد. یادگارپرست پا ، نیروگذاری روانی خود را بر این نوع پا، مبتنی کرده بود. فروید ، این نیروگذاری روانی را تمرکز انرژی روانی بسیار شدیدی می دانست که توسط حفاظی از لایه های پلاسیده، محدود و محافظت می شود. این محافظت علیه محرّک های بیرونی ، به موضوع نیروگذاری شده امکان می دهد تا قدرت شهوانی خود را در طول زندگی حفظ کند و فقط تجربیات آسیب زا می توانند به دروازه های حفاظی رخنه کنند. نابه هنجاری های روانی نیروگذاری شده، همانند موضوعات دیگر تمایل جنسی، از سه ویژگی برخوردارند : ۱ . از تجربه دوران کودکی آغاز می شوند ؛ ۲ . در برابر تغییر (بویژه تغییر منطقی) ، مقاومت می کنند ؛ ۳ . ادامه می یابند و معمولاً در طول زندگی ، باقی می مانند. (۱) در تبیین این پارافیلیاها از دیدگاه روان تحلیل گری می گوید : در مدل روان تحلیل گری، فرد مبتلا به یکی از انواع پارافیلیا، کسی است که در تکمیل فرایند رشد طبیعی به سوی سازگاری با غیر همجنس ، ناموفّق بوده است. آنچه یک پارافیلیا را از پارافیلیای دیگر مشخص می سازد، روش انتخاب شخص برای مدارا با اضطرابِ ناشی از تهدید، اخته شدن از سوی پدر و یا جدا شدن از مادر است. با این حال ، هر قدر تظاهرات آن ، غیر عادی بوده باشد، انحراف حاصل دریچه ای برای خروج سائق های جنسی پرخاشگری به وجود می آورد که در غیر این صورت ، در رفتارهای جنسی طبیعی ، خودنمایی می نماید. حل نشدن بحران «اودیپال» به همانندسازی با پدر پرخاشگر(برای پسرها) یا مادر

.

۱- .روان شناسی اختلال های جنسی ، ص ۸۹ .

ص: ۳۸۳

پرخاشگر(برای دخترها) یا به همانندسازی نامناسب با والد جنس مقابل یا انتخاب نامتناسب یک شیئی برای انرژی روانی جنسی ، منجر خواهد شد. طبق این نظریه، همجنس گرایی، ترانس سکسوالیسم و یادگارخواهی همراه با مبدّل پوشی، همگی ، انحراف شمرده می شوند ؛ چون نشان دهنده همانندسازی به جنس مقابل هستند تا جنس خودی. مثلاً مردی که لباس زنانه می پوشد، در واقع ، با مادر خود همانندسازی می کند. با این حال ، نمایشگری و نظربازی نیز به عنوان تظاهر همانندسازی زنانه تلقی می شود ؛ چون فرد مبتلا- به پارافیلیا ، مجبور است برای رفع اضطراب مربوط به اختگی ، مدام ، اعضای تناسلی خود و دیگری را آزمایش نماید. یادگارخواهی ، راهی برای جابه جایی تکانه های جنسی ، به موضوعی نامتناسب است. یادگارخواه کفش، ناخودآگاه ، این موضوع را که زن ، آلت خود را در نتیجه اخته شدن از دست داده است با وابسته ساختن لیبیدو به یک شیئی فالیک کفش که نماد آلت زنانه است ، انکار می کند. بچّه باز و سادیست جنسی، هردو در نیاز به برتری و کنترل بر قربانی خود سهیم هستند و ظاهراً می خواهند اساس درماندگی خود را در بحران اودیپال ، جبران نمایند. مازوخیست جنسی ، بر ترس خود از آسیب دیدن و احساس درماندگی ، با تظاهر به این که تأثیرناپذیر است تسلّط می یابد. نظریه یادگیری اوّلیه در مورد پارافیلیا ، بیشتر به شکل نظریه های «برانگیختگی انحرافی» ، (۱) است و این سؤال مطرح می شود که : چرا برخی از افراد ، جذب کارهای غلط می شوند ؟ البته برخی مسائل را می توان به برانگیختگی انحرافی نسبت داد و برخی را نه. این مطلب ، بیشتر متناسب با یادگارپرستی و شاید میل جنسی به کودکان بوده و به وجود یک محرّک قابل شناسایی که بیمار را مجذوب می کند ، بستگی دارد. البته ممکن است این حالت مجذوب بودن را به وضوح بیان کند یا از پاسخ بیمار در شرایط خاصی دریافت شود.

.

۱- Dfviant arouns.

ص: ۳۸۴

بایـد توجّه داشت که بخشـی از نظرپردازی هـا در پی توصـیف انحراف ها هسـتند و نه این که چرا انحراف ها به عنوان یک مشـکل مطرح می شود. برخی نیز کوشیده اند تا بر آیین های مغزی ، تکیه کنند و وجود یک ویژگی خاص نورولوژیکی را مبنا قرار دهند ؛ امّا بایـد دیـد که : آیا این نوع اسـتناد ، می تواند از انواع نقایص نورولوژیکی برای تنوّع پارافیلیاها سـخن بگوید ؟ یا این که بر یک فرضـیه تـک بعـدی اشاره خواهـد داشت ؟ (چه لکلی (۱) ، ۱۹۹۵) . نـابه هنجـاری جنسـی در نظریات رفتاری، نتیجه شـرطی سازی احتمال کلاسـیک است (مک گوایز کارسیل و بانگ، ۱۹۶۵ م) . یک نوجوان می توانـد به اسـتمنا دست بزند و به تصویر اسبی که روی دیوار است ، توجّه نمایـد ؛ ولی خیلی سـریع به این فکر می کند که آمیزش با یک اسب ، به چه نحو است و با این فکر ، بیشتر برانگیخته می شود. بار بعد که اسـتمنا می کند ، بیشتر در تصویر اسب غوطه ور می شود ؛ چرا که آخرین تحریک کننده اش بوده و بعـد خیال پردازی درباره اسب ها را با خیال پردازی های اسـتمناگرایانه خود ، ترکیب می کنـد. در یک مطالعه رفتاری به آزمودنی های مردان ، مجموعه ای از اسـلایدهای زنان عریان ، با اسلایدهایی از کفش ها نشان داده شد. پس از چند بار نمایش، آنها فقط با تصاویر کفش ها برانگیخته می شدنـد. اگر تجارب اوّلیه جنسـی در حضور اشـیای خاصـی اتفاق بیفتـد ، شایـد این ، شـروع پیدایش برخی از حالت های پارافیلیایی (انحراف جنسـی) باشـد (راچمن (۲) ، ۱۹۶۶ م) . برخی از رفتارگرایان، معتقدنـد که شـرطی سازی کلاسـیک ، با آزارگری جنسـی در ارتباط است . یک نوجوان ، ممکن است به طور تصادفی ، هنگامی که از سوی یک شـخص یا حیـوان ، احسـاس درد نمایـد، هـم زمـان ، این حـالت ، مـوجب برانگیختگی جنسـی شدیـد در وی شـود . ارتبـاط بین ایجـاد درد و برانگیختگی جنسی ، مراحلی برای الگوی آزارگری جنسی اند ، همچنین رفتارگران ، عنوان می کنند که ممکن است

.

۱- Chalkley, A.

۲- .Rachmani

ص: ۳۸۵

اختلال ، در نتیجه الگوبرداری از مشاهده افرادی که با ایجاد درد در دیگران ، به برانگیختگی جنسی دست یافته اند، شکل بگیرد. در نظریه «یادگیری اجتماعی» ، اعتقاد بر این است که محیط بزرگ تر «فرهنگ» و «خانواده» کودک ، بر تمایل او به ایجاد رفتارهای منحرف جنسی تأثیر می گذارند. احتمال دارد کودکانی که از سوی والدین خود ، تنبیه جسمانی می شوند ، با یکدیگر تماس پرخاشگرانه و اغلب جنسی داشته باشند. وقتی بزرگ می شوند ، بیشتر نسبت به دیگران ، به اقدامات پرخاشگرانه، تکانشی و شاید هم جنسی ، روی آورند. بیشتر بچّه بازان، مهارت های بین فردی طبیعی دارند و در زمان مقاربت با همسالان می هراسند. برخی نسبت به زنان ، احساس دشمنی شدیدی دارند و این خصومت را با انجام دادن اقدامات ضدّ اجتماعی علیه کودکان ، نشان می دهند (لانگون (۱) ، ۱۹۹۲) . این تحقیقات نشان داده است که بیش از نود درصد بیمارانی که انحراف جنسی دارند، مردان هستند (مک کوناگی (۲) ، ۱۹۹۸) . شاید این امر ، بدین دلیل باشد که اغلب رفتارهای نابه هنجار ، با تکانش های پرخاشگرانه یا خصمانه ای همراه است که نسبت به زنان در مردان ، شایع بوده و به طور مسلّم ، از نظر اجتماعی ، مردان را مسئول آن می دانند تا برای زنان ، تلاش هایی صورت گیرد تا رفتار نابه هنجار (بویژه نابه هنجاری های پرخاشگرانه جنسی) را به نابه هنجاری های تستوسترون مربوط کنند که موفّقیت چندانی نداشته است (لانگوین، ۱۹۹۲) . همچنین گرچه برخی از مطالعات ارتباطی را بین هورمون ها و نابه هنجاری های غدد درون ریز با نابه هنجاری های جنسی یافته اند ، ولی هیچ علت مداوم زیستی برای نابه هنجاری های جنسی پیدا نشده است (مالتزکی (۳) ، ۱۹۹۸) . قابل ذکر است که در میان بیماران پارافیلیایی ، استعمال مواد مخدّر و شرب خمر ، رایج است (لانگوین ، ۱۹۹۲) .

.

۱- .Langevin,

۲- .Mcconaghy,

۳- .Maltezky

ص: ۳۸۶

به نظر می رسـد که عواملی ماننـد : ترس از اختگی، تهدیـد و جـدا شـدن از مـادر ، در نظریه روان تحلیـل گری و شـرطی سازی در نظریه رفتارگرایی که بتواند توجیه کننده در همه موارد نابه هنجاری های جنسی باشد ، پشتوانه علمی ندارد.

.

ص: ۳۸۷

فصل سوم : پیشگیری و درمان نابه هنجاری های جنسی

مقدّمه

فصل سوم : پیشگیری و درمان نابه هنجاری های جنسیمقدّمهبا توجّه به شیوع نابه هنجاری ها و عوامل گسترده ای که انحرافات جنسی را روز به روز فراگیرتر می سازند ، راه کارهای مناسب برای پیشگیری و درمان این کجروی ها چیست ؟ و از نفوذ داده های مخرّب عوامل نابه هنجاری ها (بویژه اینترنت و ماهواره که از زمینه های بروز تشدید این گونه انحرافات و کجروی هایند) ، چگونه می توان جلوگیری کرد. مسلّم است که «پیشگیری» ، از «درمان» ، آسان تر است. کسی که غرق در انحرافات جنسی شده ، مشکل می توان او را به راه راست برگرداند و از وی رفتارهای به هنجار انتظار داشت. از حضرت سلیمان علیه السلام نقل شده که می فرماید : إِنَّ الغَالِبَ لِهَوَاهِ أَشَدُّ مِنَ الَّذِی یَفتَحُ المَدِینَهَ وَحدَهُ . (۱) غلبه کردن کسی که در هواهای نفسانی اش غرق شده ، مشکل تر است از کسی که بخواهد به تنهایی ، شهری را فتح کند. به همین دلیل مشکل بودن مقابله با تمایلات نفسانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : أَشجَعُ النَّاسِ مَن غَلَبَ هَوَاهُ . (۲) شجاع ترین مردم ، کسی است که بتواند بر هواهای نفسانی خویش غلبه کند .

.

۱- .شرح نهج البلاغه ، ابن أبی الحدید ، ج ۲۰ ، ص ۲۳۳ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۴ ، ص ۶۷۰۸ ، ح ۲۱۴۹۶ .

۲- .معانی الأخبار ، ص ۱۹۵ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۹۵ .

ص: ۳۸۸

الف . اجرای شیوه های تربیت جنسی

اصولاً شخصیت آدمی به این است که توانمندی پیدا کند تا نگذارد تمایلات ، به نابه هنجاری ها (بویژه نابه هنجاری های جنسی) تبدیل شود . امام علی علیه السلام می فرماید : رَدعُ الشَّهوَهِ وَ الغَضَبِ جِهَادُ النُّبَلَاءِ . (۱) کوشش افراد نجیب و باشخصیت ، این است که خود را از تمایلات شهوی و غضبی ، باز دارند. نیز می فرماید : مُجَاهَدَهُ النَّفسِ شِیمَهُ النُّبَلَاءِ . (۲) روش افراد باشخصیت ، این است که با تمایلات نفسانی نابه جا ، مبارزه کنند. در جوامع مختلف ، همواره نیروهای کنترل کننده فراوانی وجود دارند که سعی در کنترل افراد منحرف و خطاکار می کنند . حال باید دید که از دیدگاه اسلامی ، چه راه هایی برای پیشگیری از وقوع نابه هنجاری های جنسی ارائه شده و چگونه افراد منحرف ، کنترل می شوند تا انحرافات جنسی ، به افراد دیگر منتقل نشود و انحرافی به وقوع نپیوندد. اجرای شیوه های تربیت جنسی در دوره های رشد آدمی و کنترل عوامل انحراف ، از مؤثرترین روش های پیشگیری از انحرافات جنسی است که چون پیش از این ، در بخش دوم و فصل قبلی بدانها پرداخته شد ، در این جا صرفاً اشاره ای به آنها می کنیم و سپس برخی از شیوه های کاربردی ای را که در متون حدیثی به آنها پرداخته شده ، می آوریم :

الف اجرای شیوه های تربیت جنسیاز پیامدهای مهم اجرای صحیح شیوه های تربیت جنسی که در بخش دوم کتاب مطرح گردید این است که افراد ، به نابه هنجاری های جنسی ، کمتر مبتلا می شوند. از این رو ، مهم ترین شیوه پیشگیری از رفتارهای نابه هنجار جنسی ، «تربیت صحیح

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۸۹ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۷۰ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۱۲۴ ؛ میزان الحکمه ، ج ۲ ، ص ۸۵۰ .

ص: ۳۸۹

ب . غلبه بر عوامل انحراف

ج . نظارت اجتماعی

اشاره

جنسی» در دوره های مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی است. بنا بر این ، با تأمین نیازهای عاطفی و روانی ، زمینه سازی های تربیتی مطلوب و رشد هویّت جنسی در دوره کودکی ، آموزش مسائل جنسی، رشد فضایل اخلاقی، آموزش راه های کنترل تحریکات جنسی و پرورش هویّت مطلوب جنسی در دوره نوجوانی و آموزش شیوه های کنترل جنسی پیش از ازدواج، آماده سازی های همه جانبه برای ازدواج، ارتقای شناختی و نگرشی عاطفی و آموزش های جنسی مناسب در دوره جوانی، مهم ترین پیشگیری از رفتارهای نابه هنجار جنسی ، صورت می پذیرد.

ب غلبه بر عوامل انحرافدر فصل پیش ، به عوامل نابه هنجاری های جنسی اشاره شد . از شیوه های مهم پیشگیری ، فراهم سازی شرایط و زمینه های عدم تحقّق آن عوامل و یا جلوگیری از اثرگذار بودن آنهاست. بنا بر این ، در صورتی که خانواده ها نقش های منفی را کنار بگذارند ، افراد از درون ساخته شوند و گرایش های مذهبی و معنوی اخلاقی آنها تقویت شوند تا بتوانند تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی قرار نگیرند، از نابه هنجاری ها می توان پیشگیری کرد.

ج نظارت اجتماعیمجموع وسایل و شیوه هایی که با استفاده از آنها ، یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و حتّی آداب و رسومی منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقّی می کند، سوق می دهد ، «نظارت اجتماعی» می گویند. ۱ در تعریفی دیگر، نظارت اجتماعی ، به فراگیری ای اطلاق می شود که از طریق آن ، با رفتارهای منحرف مقابله می شود و ثبات اجتماعی خود را حفظ می کند. (۱) بنا بر این ، نظارت اجتماعی ، به عنوان فرآیند کنترل جمعی کسانی است که

.

۱- .فرهنگ علوم اجتماعی ، ج ۲ ، ص ۳۴۸ .

ص: ۳۹۰

۱ . نظارت رسمی و غیر رسمی

۲ . نظارت اجباری و اقناعی

هنجارها و آداب و رسوم مطلوب را رعایت نمی کننـد و این جریان ، تا آن جا ادامه می یابـد که منحرفان را از عمل خود باز دارد و جـامعه ، به ثبـات مورد نظر خود برسـد. در یـک نگـاه کلّی ، نظـارت اجتمـاعی را می توان به نظارت بیرونی و درونی تقسـیم کرد: نظـارت بیرونی، نظـارتی است که خـارج از وجود فرد ، بر وی تحمیـل می شود ؛ ولی نظارت درونی، نظارتی است که از درون فرد سرچشـمه می گیرد و او را به رعـایت هنجارهـای مطلوب ، فرا می خوانَـد. نظارت بیرونی، خود به انواع فراوانی تقسـیم می شود ؛ به عبارت دیگر، با روش های فراوانی می توان به نظارت بیرونی پرداخت که در این مجال ، تنها به دو روش کلّی اشاره می شود.

۱ . نظـارت رسـمی و غیر رسـمینظارت رسـمی، نظـارتی است که به صورت رسـمی و طبق روش ها، قوانین و مقرّرات تعریف شـده صورت می گیرد و غالباً از سوی افراد، نهادها و سازمان هایی انجام می پـذیرد که وظیفه شان نظارت اجتماعی است ، مانند : نیروی انتظـامی و قوّه قضـاییه که در برخورد بـا منحرفـان و مجرمان ، طبق قواعـد تعریف شـده ای ، به نظارت اقـدام می کننـد. نظارت غیر رسـمی، نظارتی است که در قالب قوانین و مقررات تعریف شـده نباشـد و معمولاً همه افراد جامعه ، در آن مشارکت می کننـد. (۱) این نوع نظـارت ، بیشتر در گروه هـای نخستین، ماننـد : خـانواده، گروه همسالاـن و ... وجود دارد. روابط عاطفی و دوسـتانه در این گروه ها ، موجب تأثیر بیشتر نظارت می گردند .

۲ . نظارت اجباری و اقناعیـدر نظارت اجباری، افراد ، به پـذیرش شـیوه های زندگی و روش های رفتاری از طریق به کارگیری تنبیه ها و مجازات ، مجبور می شوند ؛ ولی در نظارت اقناعی، افراد

.

۱- .فرهنگ جامعه شناسی ، ص ۳۵۰ .

ص: ۳۹۱

نظارت اجتماعی و اینترنت

از راه های تبلیغ، به کارگیری تشویق، اعطای اعتبار و مقام و استفاده از ارزش های اخلاقی، به پذیرش هنجارهای مطلوب ، ترغیب می شوند.

نظارت اجتماعی و اینترنتاکنون با وجود جنبه های مثبت شبکه های جهانی، سوء استفاده از این شبکه های رایانه ای از سوی افراد منحرف، امنیت ملّی کشورها را با خطر جدّی ، روبه رو ساخته است . از این رو ، به کارگیری فیلترها و فایروال های مختلف ، به منظور پیشگیری از داده های مخرّب و مضر و گزینش اطلاعات سالم در این شبکه ها ، رو به افزایش است. علاوه بر بهره گیری از امکانات فنّی ، روش های کنترلیِ دیگری نیز برای مهار کردن اینترنت پیشنهاد شده است. یکی از این روش ها «کنترل دولتی» است. در این روش، سیاست کلّی حاکم بر کشور ، اجازه دسترسی به پایگاه های مخرّب و ضد اخلاقی را نمی دهد و دولت با فیلترهایی مخصوص، شبکه های جهانی را از دروازه اتصال به کشور کنترل می کند . (۱) روش دیگر ، «کنترل سازمانی» است که معمولاً سازمان و تشکیلاتی که مسئولیت سرویس دهی به مشتریان اینترنت را بر عهده می گیرد، خود ، موظّف به کنترل شبکه و نظارت بر استفاده صحیح از آن می شود تا با الزامات قانونی و اخلاقی، انجام دادن این وظیفه را تضمین کند. (۲) روش دیگر، «نظارت اجتماعی» و روش غیررسمی نظام است. در این روش، ناظران اجتماعی که همه اعضای جامعه را در بر می گیرند ، با رفتارهای منحرفْ مقابله می کنند و به حفظ ثبات اجتماعی می پردازند. روش دیگر ، «نظارت و کنترل فردی» است . در این نوع کنترل، تمام ضمانت های اجرایی ، درون فردی است و شخص با بهره گیری از وجدان فردی ، مبانی اخلاقی و تعهّد دینی، مراقبت های لازم را در مورد شبکه های فسادانگیز ، به عمل می آورد. اکنون جای این سؤال باقی است که روش اخیر ، تا چه اندازه در جامعه فعلی ما قابل اجراست و نیز وظیفه دولت و ملّت در ایجاد خودفرمانی عقلانی و درونی افرادِ

.

۱- .«نظارت اجتماعی» ، سعید امیر کاوه ، فصل نامه معرفت ، ش ۲۱ .

۲- .مبانی جامعه شناسی ، ترابی ، ص ۱۲۲ .

ص: ۳۹۲

جامعه چیست و چه راه هایی دارد؟ برخی از کارشناسان ، معتقدند که در شرایط فعلی، برای کاستن یا از بین بردن ابعاد منفی اینترنت، استفاده از فیلترهای اطّلاعاتی از قبیل : دیوار آتشین و پروکسی، نقش عمده ای در کنترل اطّلاعات مخرّب دارد . (۱) از سوی دیگر، تقویت شبکه های داخلی و راه اندازی شبکه های ویژه جوانان و نوجوانان ، با انبوهی از اطّلاعات مفید، سرگرم کننده و جذّاب ، می تواند نقش به سزایی در کاهش آلودگی های فرهنگی و اطّلاعاتی اینترنت بازی کند. قراردادن اطّلاعات مفید اینترنت بر روی شبکه های داخلی، علاوه بر ارائه خدمات و اطّلاع رسانی سالم، پس از چندی ، بایگانی غنی و پُرباری را از انواع اطلاعاتِ فراهم آمده از سراسر جهان ، در اختیار کاربران قرار می دهد که با افزایش اطلاعات داخلی و روزآمد کردن آن به عنوان زیربنای اطّلاعاتی کشور ، قابل طرح است. سرعت بالا و هزینه کم در استفاده از شبکه های داخلی، دو عامل مهم در توجّه کاربران به این شبکه هاست. به هر حال، عدم حضور مقتدرانه فرهنگی در عصر ارتباطات (بویژه در عرصه پهناور اینترنت) ، به معنای پذیرفتن شکست در بخش وسیعی از صحنه تهاجم فرهنگی است. گریز از حضور در شبکه های جهانی اطلاع رسانی و نادیده گرفتن تحوّلات عصر ارتباطات، ما را در موضعی منفعلانه و شکست پذیری قرار خواهد داد. به همین منظور، استفاده از این رسانه ، به عنوان یک وسیله تدافعی و در گامی فراتر ، به عنوان ابزاری تهاجمی، می تواند ما را در تحقّق بخشیدن به ایده های جهان شمول اسلامی و ملّی ، یاری دهد. علاوه بر راه کارهای یاد شده، ایجاد یک «نظام قانونمند اینترنتی» در جامعه ، ضروری است که می تواند به عنوان پادزهر ، آسیب های اینترنتِ سرکش و افسارگسیخته را مهار کند. اگر این نظام ، با یک نظام حقوقی و دادرسی جامع همراه

.

۱- .مقدمه ای بر جامعه شناسی ، ص ۲۳۲ .

ص: ۳۹۳

شود، موارد تخلّف و سوء استفاده از این رسانه را به راحتی ، قابل تشخیص و پیگیری قضایی قرار خواهد داد . (۱) با نگاهی دوباره به مقوله نظارت اجتماعی ، به عنوان تنها راه کار کنترل انحرافات اجتماعی (بویژه پیشگیری از ورود انحرافات جوانان دیگر کشورها از طریق اینترنت و رسانه های مدرن در عصر ارتباطات) ، می توان به انتخاب بهترین نوع نظارت پرداخت. به نظر می رسد از انواع نظارت بیرونی، نظارت غیررسمی، عاطفی و اقناعی، مؤثرتر از دیگر انواع نظارت ها هستند. در این میان ، نظارت خانواده، به دلیل ویژگی های خاصّ آن ، موجب می گردد از میزان کارایی بالایی نسبت به دیگر نظارت های اجتماعی ، برخوردار باشد. این ویژگی ها عبارت ند از: ۱ . مجری نظارت در خانواده، مخاطب خود را به خوبی می شناسد و مطابق ویژگی های شخصیتش، او را از انحرافات ، باز می دارد . ۲ . نظارت هایی که از طرف خانواده اعمال می گردد، معمولاً ـ حالت عاطفی دارد و از روش ها و ابزارهای غیر رسمی که طیف وسیعی را در بر می گیرد استفاده می گردد . ۳ . معمولاً اعضای خانواده ، تا زمان اصلاح فرد خطاکار و منحرف و تغییر رفتار وی و هماهنگی و همسویی وی با دیگر اعضای خانواده، به اقدامات اصلاحی خویش ادامه می دهند. بنا بر این ، خانواده ، به عنوان مهم ترین عامل تربیت در جهت دهی فرزندان به سوی نظارت درونی، نقش عمده و مهمّی را ایفا می کند و می تواند با تربیت فرزندان بر پایه دست مایه های فطری و الهی، آنان را از درون ، بر اعمال و رفتار خود ناظر نماید و این ، امکان پذیر نیست، مگر این که والدین، خود نیز از این دست مایه های درونی ، بهره مند شده باشند. عموم مردم نیز به عنوان ناظر غیر رسمی ، می توانند نقش بارزتر و مؤثّرتری بر جلوگیری از ورود انحرافات اجتماعی داشته باشند. هر اندازه که

.

۱- .فرهنگ علوم اجتماعی ، ص ۳۴۸ .

ص: ۳۹۴

اعضای جامعه، التزام عملیِ بیشتری به هنجارها و ارزش های جامعه داشته باشند، به همان میزان ، هنگام وقوع انحراف ، واکنش جامعه ، شدیدتر خواهد بود. به همین دلیل باید افراد جامعه، خود ، از نیروی کنترل درونی برخوردار باشند تا بتوانند نسبت به هنجارها التزام عملی داشته باشند. بنا بر این ، «نظارت درونی» ، به عنوان بهترین، مؤثّرترین و اصولی ترین شیوه نظارت در این دوران ، رخ می نماید ؛ ولی هزاره سوم که میدان ظهور نتایج و پیامدهای انقلاب ارتباطات است، دارای ویژگی چالش آفرین «ساخت زدای» برای همه حوزه های فعالیت بشری است. (۱) این ویژگی انکارناپذیر، ساختارهای مفهومیِ پذیرفته شده ما را در جنبه های گوناگونْ متزلزل می کند و مجالی برای ظهور آنها نمی گذارد؛ به همین جهت، فرایند نظارت اجتماعی متزلزل در نوع بیرونی، ناکارآمدی خود را آشکار کرده است. در این دو ساختار متقابل، ساختار «دور نزدیک» ، یک تقابل مکانی است. در این نوع تقابل، همیشه سعی بر این بوده که فرد ، خود را از محیط های نامطلوب دور کند تا به انحراف دچار نشود و نیز فرد منحرف را از محیط ، دور نگه دارند تا نه فرد منحرف ، ذهنیتی برای بزهکاری داشته باشد و نه دیگران را بتواند به سوی نابه هنجاری ها سوق دهد. وسایل منحرف کننده نیز باید از دسترس افراد ، دور نگه داشته شوند تا زمینه انحراف ایجاد نشود ؛ امّا این تقابل در عصر ارتباطات ، به تدریج ، ساخت زدایی می شوند و با شکستن این ساختار، دیگر تقابلی بین دور و نزدیک وجود نخواهد داشت زیرا رسانه های ارتباطی مدرن (مثل : ماهواره و اینترنت) ، این فاصله مکانی را از بین می برند و زمان و مکان را به سرعت در می نوردند و بدین وسیله، افراد ، وارد محیط های انحراف می گردند. سرعت پیشرفت تکنولوژیِ ارتباطی به گونه ای است که امکان مهار و کنترل کردن آن ، با دور نگه داشتن از محیط و یا محدود کردن آن ، به هیچ وجه امکان پذیر نیست و

.

۱- .«نظارت اجتماعی» ، سعید امیر کاوه ، فصل نامه معرفت ، ش ۲۱ .

ص: ۳۹۵

نظارت مبتنی بر تربیت دینی

در مواردی، تنها به صورت مقطعی و موضعی می توان از این نوع کنترل بهره گرفت. ساختار «ممنوع مجاز» نیز در معرض ساخت زدایی واقع شده است . این ساختار ، ناظران اجتماعی را قادر می سازد که با مجازات و ترساندن ، افراد را از امور ممنوعه و نابه هنجاری های اجتماعی باز دارند ؛ امّا اکنون در جامعه پُست مدرن که بسیاری از امور ممنوع، مجاز و یا دستِ کم ، اجتناب ناپذیر شمرده می شود ، کدام ناظرِ اجتماعی می تواند از ساختار «ممنوع مجاز» بهره کافی ببرد ؟! اگر اندکی واقع بین باشیم، در این دوران که زندان ها با روش نظارتی «دور نزدیک» از مجرمان پر شده است و موج فزاینده انحرافاتی از قبیل : شراب خواری، اعتیاد، انحرافات جنسی، سوء استفاده های اقتصادی و مواردی از این دست که خاکریز ارزش های دینی و انقلابی را درهم شکسته اند و برخوردهای ناشیانه و غیرکارشناسانه با پدیده ماهواره و اینترنت، موجب حریص شدن جوانان به این دو رسانه شده است و همچنین روش های به کار گرفته شده در احیای «امر به معرف و نهی از منکر» ، به عنوان یک اصل حیاتی و مهم اسلامی در نظارت اجتماعی، ناکارآمدیِ خود را در دهه های اخیر نشان داده است ، درمی یابیم که زمان استفاده از تقابل «دور نزدیک» و «ممنوع مجاز» به سر آمده و برای پیشگیری از انحرافات و نیز درمان بیماری مهلکِ کنونی، باید چاره ای دیگر اندیشید. نظارت اجتماعی اگر بخواهد با این دو ساختار ، به عملیات مقابله اجتماع با انحراف کمک کند، بدون تردید در این عصر ، دوام نخواهد آورد و اصرار بر استفاده از این روش ها، ثبات جامعه را در آینده ای نه چندان دور ، به چالش می کشد. امّا آیا در نظارت اجتماعی، ظرفیتی برای حضور مقتدرانه، مؤثّر و متناسب با عصر حاضر وجود دارد ؟ برای جواب به این سؤال، به نظارت مبتنی بر تربیت دینی می پردازیم.

نظارت مبتنی بر تربیت دینیچنان که پیش تر گفته شد، نظارت اجتماعی (بویژه نوع درونی آن) اگر بر تربیت

.

ص: ۳۹۶

یک . عقلانیت

دو . تقوای حضور

دینی مبتنی باشد، در رویارویی با ویژگی های دوران پُست مدرن ، حضوری متناسب و مؤثّر خواهد داشت. اکنون جای آن است که تربیت دینی، با توجّه به عناصر آن ، مورد بررسی قرار گیرد. عناصر تربیت دینیِ متناسب با عصر حاضر، از سه مؤلّفه مهم «عقلانیت» ، «تقوای حضور» (۱) و «ارزیابی و نقادی» تشکیل یافته است.

یک . عقلانیتتربیت دینی در این دروان باید بیشتر از هر زمان دیگر ، چهره ای عقلانی داشته باشد ؛ زیرا در عصر ارتباطات، مبادله اطّلاعات و نظرگاه های گوناگون ، به آسانی و سرعت ، انجام می گیرد و پذیرش دیدگاه ها ، باید مبتنی بر قوه عقلانیت باشد ، با توجه به این عنصر فردی که از درون خویش به خودفرمانی عقلانی دست یابد، در فرایند نظارت بر خود و دیگران ، کمتر به اشتباه می آلاید و نظارت ، با سلامت بیشتری به اهداف خود دست می یابد.

دو . تقوای حضورعنصر «تقوای حضور» یکی از مؤلّفه های ارزشمند و اساسی تربیت دینی است که عالی ترین مرتبه تقواست و با «تقوای پرهیز» (۲) که مرتبه نازل آن است، تفاوت دارد . (۳) اگر تربیت دینی ، بر تقوای پرهیزْ استور باشد، نوعی تربیت قرنطینه ای و گُل خانه ای به حق خواهد یافت که براساس آن، حفظ افراد ، تنها با قرار گرفتن در محدوده ای جدا و دور از شرایط ، میسّر است. عمل به این نوع تقوا که بر اساس مفهوم دینی «ترس از عذاب الهی» در درون فرد شکل می گیرد ، در عصر حاضر که

.

۱- .منظور از تقوای حضور در این جا ، همان تقوای عمیق و درونی شده است که از جنبه های شناختی و عاطفی ، جزء شخصیت فرد شده و به عبارت دیگر ، ملکه شده است .

۲- .منظور از تقوای پرهیز در این جا ، تقوای ظاهری و عادتی است که جنبه شناختی و عاطفی آن ، بسیار سطحی و زودگذر است .

۳- .«تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم» ، خسرو باقری ، نشریه اطلاع رسانی معارف ، ش ۲ ، ص ۴ .

ص: ۳۹۷

سه . ارزیابی و نقّادی

ارتباطات ، روز به روز گسترده تر می گردد اساسا ، در برخی از قلمروها غیر ممکن می شود ؛ زیرا فضاهای مخرّبی که در جامعه یا درون خانه ، از طریق ماهواره و اینترنت ، بر ما تحمیل می شود، پیشاپیش ، امکان پرهیز را از ما می ستاند. بنا بر این ، نظارت درونی مبتنی بر تقوای پرهیز، گرچه گاهی ثمربخش خواهد بود، ولی در مقابل موج فزاینده داده های مخرّب ، به سرعت ، کارآمدی خود را از دست می دهد. به همین جهت ، چون به هیچ وجه ، توان مرزهای اطلاعاتی را نداریم ، تربیت دینی باید براساس مؤلّفه «تقوای حضور» به صحنه پا گذارد و از این رهگذر است که می توان به نظارت درونیِ ریشه دار ، دست یافت. در تقوای حضور ، فرد ، ضمن این که در جامعه و در معرض انواع آلودگی ها قرار دارد، خود را در مرتبه ای فراتر می یابد که می تواند در مقابل انحرافات ، مصونیت داشته باشد. «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ عَلَیْکُمْ أَنفُسَکُمْ لَا یَضُرُّکُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ . (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید ، به خودتان بپردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کسی که گمراه شده ، به شما زیانی نمی رساند» . بر اساس مفهوم آیه شریفه، انسان باید به درون خود بپردازد و به مرتبه ای از هدایت درونی دست یابد که گمراهان ، توان آسیب رسانی به او نداشته باشند. این ، معنای دقیق و عمیق خودفرمانیِ درونی است که فرد را قادر می سازد ضمن حضور در متن جامعه و قرار گرفتن در عرصه ارتباطات ، خود را به انواع آلودگی ها نیالاید و دیگرانی را که بهره کمتری از تقوا برده اند، تربیت کند.

سه . ارزیابی و نقّادیسومین مؤلّفه تربیت دینی، «ارزیابی و نقّادی» است. بر پایه این عنصر، فرد ، به ارزیابی داده ها و سپس گزینش یا طرد آنها اقدام می کند. در واقع ، این ویژگی ، پشتوانه ای برای تقوای حضور در دوران کنونی است. طرد همگیِ آنچه متعلّق به این

.

۱- .سوره مائده ، آیه ۱۰۵ . آیه ۱۰۲ ، سوره آل عمران : «یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» بر عالی ترین مرتبه تقوا (تقوای حضور) و آیه ۲۴ ، سوره بقره : «فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَهُ» بر مرتبه پایین تقوا ، (تقوای پرهیز) دلالت دارد .

ص: ۳۹۸

د . مراقبه های فردی

اشاره

عصر است، نه تنها ممکن نیست، بلکه نامطلوب است ؛ زیرا طرد غیر منصفانه تمام مظاهر این دوران، زمینه ای را فراهم خواهد ساخت که افراد جامعه، دست به شورشی خشم آلود و انتقام جویانه بزنند و به قبول تمام عیار همه مظاهر عصر ارتباطات ، روی آورند. به همین دلیل ، تربیتِ غیر تعصّبی ، واقع نگر و منصفانه ، افراد را به سوی این ویژگی هدایت می کند تا بتوانند در متن شرایط ناسالم، حضوری سالم داشته باشند. در مورد پدیده اینترنت و ماهواره نیز در تربیت دینی جوانان، باید ذهنیتی روشن و منتقدانه ایجاد کرد که در آن ، جنبه های مثبت و منفی این پدیده مشخّص گردد و زمینه استفاده مناسب از آن فراهم آید. مؤلّفه ارزیابی و نقّادی را می توان در مورد همه انحرافاتی که ممکن است برای جوان رخ دهد، به کار گرفت و ذهن آنها را نسبت به مورد انحراف ، حسّاس کرد ؛ زیرا (چنانچه گفته شد) ویژگی دوران ارتباطات ، ساخت زدایی است. ساخت های فکری و عاطفی اعضای جوامع را در معرض فروپاشی می نهد و آنها را به نوعی عادی انکاری در امور (بویژه مسائل اخلاقی) سوق داده است. مسئله حسّاسیت زدایی و عادی سازی، امری است که در این دوران ، به روشنی آشکار است و همین ، موجب تسامح، تساهل و عادی سازی در بنیان های اخلاقی جامعه شده است. لذا این ، موضوعی است غیر قابل اجتناب که گریزی از موج فزاینده آن نیست. تربیت دینی ، با وجود دارا بودن ویژگی نقّادی، خود می تواند با نقدهای موردی و آموزش افراد برای برخوردهای نقّادانه، این موج حسّاسیت زدایی عادی سازی را مهار کند و آنان را برای حضور سالم در متن جامعه و درگیری با زمینه های انواع انحرافِ همراه ارزیابی و نقادی ، آماده سازد. (۱)

د مراقبه های فردیبرای پیشگیری از ابتلا ـ به رفتارهای نابه هنجار جنسی و کنترل خود از انحرافات، شیوه های بسیاری در متون حدیثی ، مطرح گردیده اند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم :

.

۱- .«تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم» ، خسرو باقری ، نشریه اطلاع رسانی معارف ، ش ۲ ، ص ۱۰ .

ص: ۳۹۹

۱ . خویشتنداری

۱ . خویشتنداریهر فردی باید توجّه داشته باشد که تأثیرپذیری از محرّک ها و تسلیم شدن در برابر خواهش ها و تمایلات جنسی ، با عزّت و کرامت انسانی ، سازگار نیست . برعکس ، خویشتنداری، از قدرت و توانمندی عقلی و شرافت وی حکایت دارد. امام علی علیه السلام با اشاره به این که کسی که احساس کرامت و بزرگی دارد ، به امیال و شهوات انحرافی توجهی نمی کند ، می فرماید : مَن کَرُمَت عَلَیهِ نَفسُهُ هَانَت عَلَیهِ شَهَوَاتُهُ . (۱) کسی که خودش را باکرامت و شریف بداند، توجّه به امیال و شهوات خارج از نیاز طبیعی را پستی و خواری تلقّی می کند . همچنین با توجّه به این که شهوت ، انسان را پست و بی مقدار می سازد، می فرماید : مَا رَفَعَ امرَأً کَهِمَّتِهِ وَ لَا وَضَعَهُ کَشَهوَتِهِ . (۲) هیچ چیزی به مانند همّت بلند ، شخص را دارای عزّت نمی کند و هیچ چیزی به مانند شهوت ، شخص را بی مقدار و پست نمی سازد. احساس کرامت و شرافت ، به این است که فرد ، عاقلانه می اندیشد و با چشم بصیرت ، درمی یابد که چه خواهش های نفسانی ای ، به حیثیت و شخصیت انسانی او ، ضربه وارد می سازند . رسول اکرم ، این نوع اندیشه و بصیرت را محبوب خدا دانسته ، می فرماید : إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ البَصِیرَ النَّافِذَ عِندَ مَجِی ءِ الشَّهَوَاتِ . (۳) به درستی که خداوند ، تیزبینیِ فردی را که به هنگام اوج شهوت ها ، به انحراف ها توجه می کند ، دوست دارد . ایشان در حدیث دیگری ، امیال انحرافی را بیماری دانسته و به تدبیر عقلانی و

.

۱- .نهج البلاغه ، حکمت ۴۴۹ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۱۴۳ .

۳- .مستدرک الوسائل ، ج ۸ ، ص ۲۹۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۴ ، ص ۲۶۹ .

ص: ۴۰۰

مقابله با آن ، توصیه کرده و فرموده است : الشَّهوَهُ دَاءٌ وَ عِصیَانُهَا دَواءٌ . (۱) خواهش های انحرافی ، بیماری است و درمانش ، مقابله با آن . در تعبیر امام علی علیه السلام تصریح شده است که این مقابله باید با تدبیر عقلانی انجام شود ، آن جا که می فرماید : داَوُوا الغَضَبَ بِالصَّمتِ وَ الشَّهوَهَ بِالعَقلِ . (۲) خشمگینی را با سکوت ، و شهوت را با تدبیر عقلی ، درمان کنید. علاوه بر عزّت نفس و تدبیر عقلانی، تمرین و ممارست در جهت مقابله با امیال ، خودکنترلی فرد را قوی می سازد و مهارتی ایجاد می کند که هم می تواند تمایلات را داشته باشد و هم تحت تأثیر آن عوامل درونی ، به رفتارهای نابه هنجار اقدام نکند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : إذَا کَثُرَتِ المَقدِرَهُ قَلَّتِ الشَّهوَهُ . (۳) هنگامی که نفس انسانی ، قوی شود، شهوتش کاهش می یابد. نیز مقاومت را عامل پیروزی بر هواهای نفسانی می داند و می فرماید : قَاوِمِ الشَّهوَهَ بِالقَمعِ لَهَا تَظفَر . (۴) با مخالفت عملی با هواها، اگر در برابر شهوات ، مقاومت کند ، حتماً پیروز می شود. در بیان دیگری از آن امام علیه السلام مقاومت همراه با تدبیر عقلانی را هوشیاری و مهارت فردی دانسته ، می فرماید : الکَیِّسُ مَن مَلَکَ عَنَانَ شَهوَتِهِ . (۵) انسان زیرک ، کسی است که عنان امیال را تحت اختیار خویش بگیرد و بر آنها مسلّط باشد .

.

۱- .أعلام الدین ، ص ۲۹۶ ؛ نزهه الناظر وتنبیه الخواطر ، ص ۳۲ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ص ۲۴ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۲۵۰ .

۳- .نهج البلاغه ، حکمت ۲۴۵ .

۴- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۵۱۴ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۴۶ .

۵- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ .

ص: ۴۰۱

۲ . ذکر و توجّه

۲ . ذکر و توجّهتوجّه به خدا و درک آگاه بودن خدا از انجام شدن رفتارهایی که بشر را از آن نهی کرده است، حیا و یا ترسی در فرد پدید می آورد که می تواند از انحرافات جنسی جلوگیری کند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ» ؛ (۱) فرمود : وَ هُوَ أَنَّ الرَّجُلَ یَهجُمُ عَلَی شَهوَهٍ مِن شَهَوَاتِ الدُّنیَا وَ هِیَ مَعصِیَهٌ فَیَذکُرُ مَقَامَ رَبِّهِ فَیَدَعُهَا مِن مَخَافَتِهِ ، فَهَذِهِ الآیَهُ فِیهِ . (۲) مراد از آیه ، فردی است که می خواهد با حرص و ولع ، به تمایلات شهوانی و انجام دادن عمل معصیت ، هجوم ببرد . زمانی که مقام و موقعیت خدا به او یادآوری می شود، آن گناه را از ترس خدا رها می کند. آیه در این مورد است. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید : وَ قطعُ عُرُوقِ مَنَابِتِ الشَّهَوَاتِ بِدَوَامِ ذِکرِ اللّهِ وَ لُزُومِ الطَّاعَهِ لَهُ . (۳) با استمرار بخشیدن به یاد خدا و توجّه به لزوم پیروی از دستورهای او ، ریشه هایی که سرچشمه امیال شهوانی اند ، بکَنید. یادآوری مرگ و زندگی در عالم برزخ نیز از عوامل پیشگیری از امیال شهوانی ، دانسته شده است. در حدیثی نقل شده که خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود : وَ اذکُر إِنَّکَ سَاکِنُ القَبرِ فَلیَمنَعکَ ذَلِکَ مِنَ الشَّهَوَاتِ . (۴) به خود یادآوری کن که در قبر ، سکونت خواهی کرد . پس این یادآوری ، مانع می شود از این که در شهوت ها غرق شوی. امام علی علیه السلام نیز می فرماید : وَ کَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله کَثِیراً مَا یُوصِی أَصحَابَهُ بِذِکرِ المَوتِ فَیَقُولُ : أَکثِرُوا ذِکرَ المَوتِ فَإِنَّهُ هَادِمُ اللَّذَّاتِ ، حَائِلٌ بَینَکُم وَ بَینَ الشَّهَوَاتِ . (۵)

.

۱- .سوره الرحمن ، آیه ۴۶ .

۲- .الإختصاص ، ص ۳۵۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۸ ، ص ۲۱۸ .

۳- .مصباح الشریعه ، ص ۱۰۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۳۹۴ .

۴- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۴۶ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۳۵ .

۵- .وسائل الشیعه ، ج ۲ ، ص ۴۳۷ ؛ الأمالی ، مفید ، ص ۲۶۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶ ، ص ۱۳۲ .

ص: ۴۰۲

۳ . توجّه به زمینه های محیطی

رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار اصحاب را به یادآوری مرگ توصیه می کردند و می فرمود: «مرگ را زیاد به یاد آورید ؛ زیرا که فکر شما را از لذّات زودگذر بیرون می برد و بین شما و شهوت رانی شما حائل می گردد».

۳ . توجّه به زمینه های محیطیگفتگوی بیش از حد ضرورت با جنس مخالف، ارتباط های مکرّر ، گرم گرفتن ها و خودمانی شدن ها ، همگی ، زمینه کشش به شهوات و رفتارهای جنسی را فراهم می سازند. فرد برای پیشگیری از تمایلات شهوی و انجام یافتن انحرافات جنسی، از این زمینه های محیطی باید پرهیز کند و نگذارد شرایطی فراهم شود که تحریکات و کشش های جنسی ، در او تشدید گردد و با فشار تمایل درونی ، به رفتارهای نابه هنجار روی بیاورد. از این رو در احادیث ، به برخی از این زمینه ها ، گوشزد شده است. امام علی علیه السلام سلام ابتدایی مرد به زن نامحرم و دعوت از او برای غذا خوردن با هم را از این زمینه ها می داند و می فرماید : لَا تَبدَؤُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَ لَا تَدعُوهُنَّ إِلَی الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ : النِّسَاءُ عِیٌّ وَ عَورَهٌ فاستُرُوا عِیَّهُنَّ بِالسُّکُوتِ وَ استُرُوا عَورَاتِهِنَّ بِالبُیُوتِ . (۱) در سلام کردن به زنان نامحرم، شما مردان ، آغازگر نباشید و آنان را به غذا خوردن با شما، فرا نخوانید ؛ زیرا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زنان ، با تأنّی و نازْ سخن می گویند و بدن آنها عورت است . با پرهیز گفتگو با آنان ، از این نوع ابراز کلامی آنها جلوگیری کنید و آنچه را که باید از بدن آنها از دیدگان نامحرمان مستور بماند، با ماندن آنها در خانه ها (و عدم مراوده با مردان) پیشگیری نمایید. مراوده مردان با زنان ، به نظر پیامبر صلی الله علیه و آله زمینه ساز نابه هنجاری است . ایشان می فرماید : مَا تَرَکتُ بَعدِی فِتنَهً أَضَرَّ عَلَی الرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ . (۲) هیچ چیزی را برای مردان ، زیان بارتر و فتنه انگیزتر از مراوده با زنان نمی بینم.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۳۵ ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۳۹۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۶۶ .

۲- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۶ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۴ .

ص: ۴۰۳

نیز فرمود: اتَّقُوا فِتنَهَ الدُّنیَا وَ فِتنَهَ النِّسَاءِ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتنَهِ بَنِی إِسرَائِیلَ کَانَت مِن قِبَلِ النِّسَاءِ . (۱) بپرهیزید از فتنه و فسادانگیزی دنیا و زنان ! به درستی که اوّلین فسادانگیزی در بنی اسرائیل ، از ناحیه زنان بوده است. از جمله عوامل زمینه ساز نابه هنجاری های جنسی ، پشت سر زنان حرکت کردن و نگاه به آنان است. به دلیل فتنه انگیزی و کشش جنسی این رفتار است که حضرت داوود پیامبر علیه السلام به فرزندش فرمود: یَا بُنَیَّ امشِ خَلفَ الأَسَدِ وَ الأُسُودِ وَ لَا تَمشِ خَلفَ المَرأَهِ . (۲) ای فرزندم ! پشت سرِ شیر درنده و مار سیاه گزنده ، حرکت کن ؛ ولی پشت سر زن حرکت نکن . ترک این رفتار نابه هنجار ، علاوه بر این که فرد را از آسیب های روانی و شهوی ، مصون نگه می دارد، اثر وضعی آن را بر روی همسر خود نیز جلوگیری می کند. منظور از این اثر وضعی ، آن است که کسی که چشم چرانی می کند و به پشت زنان دیگر نظر می افکند ، چه بسا نامحرمان نیز به همسر او ، نگاه می کنند. انسان غیرتمند ، اگر دوست ندارد کسی به همسرش نگاه شهوانی داشته باشد ، پس خودش نیز نباید به زنان دیگر ، این گونه نگاه کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده : أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَمُرُّ بِهِ المَرأَهُ فَینظُرُ إِلَی خَلفِهَا فَقَالَ أَیَسُرُّ أَحَدُکُم أَن یَنظُرُ الرِّجَالُ إِلَی أَهلِهِ ارضَوا لِلنَّاسِ مَا تَرضَونَ لِأَنفُسِکُم. وَ قَالَ : مَا یَأمَنُ الَّذِینَ یَنظُرُونَ فِی أَدبَارِ النِّسَاءِ أَن یُبتَلَوا بِذَلِکَ فِی نِسَائِهِم . (۳) از امام صادق علیه السلام پرسیدند : آیا جایز است که زن را از پشت سر ، ورانداز کرد . امام فرمود : شما حاضرید که مردی به همسر شما این گونه نگاه کند ؟ پس هر چه برای خود می پسندید ، برای دیگران هم بپسندید. و فرمود: کسانی که به پشت زنان نگاه می کنند چه تضمینی وجود دارد که به پشت زنان آنها نگاه نشود .

.

۱- .جامع السعادات ، ج ۲ ، ص ۸ ؛ کشف الخفاء ، ج ۱ ، ص ۳۹ .

۲- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۵ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۹۲ ؛ جامع السعادات ، ج ۲ ، ص ۹ .

۳- .دعائم الإسلام ، ج ۲ ، ص ۲۰۲ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۳ .

ص: ۴۰۴

علی بن ابراهیم ، در تفسیر خود می گوید : هنگامی که دختران شعیب، فداکاری حضرت موسی را نقل کردند ، حضرت شعیب ، یکی از آنها را فرستاد تا حضرت موسی را به خانه اش دعوت کند. وقتی حضرت موسی قبول دعوت کردند و همراه دختر شعیب ، به سوی خانه روان شدند، دختر حضرت شعیب ، به خاطر راهنمایی، جلوتر می رفت و باد ، لباس او را به این سو و آن سو حرکت می داد و اندام او را مشخص می کرد. حضرت موسی به آن دختر گفت : تَأَخَّرِی وَ دُلِّینِی عَلَی الطَّرِیقِ بِحَصَاهٍ تُلقِیهَا أَمَامِی أَتبَعُهَا ، فَإِنّا مِن قَومٍ لا یَنظُرُونَ فِی أَدبَارِ النِّسَاءِ . (۱) پشت سر من بیا، اگر دیدی که راه را اشتباه می روم ، با انداختن سنگی ، راه را برای من مشخّص کن ؛ زیرا ما قومی هستیم که به پشت سر بانوان ، نگاه نمی کنیم . در حدیث یاد شده ، چند مطلب قابل توجّه وجود دارد : اوّل این که حضرت موسی ، نه تنها به آن دختر نگاه نکرد ، بلکه برای پیشگیری از فساد احتمالی ، دو پیشنهاد می کند: یکی این که به خاطر پیشگیری از نگاه احتمالی ، دستور داد که از پشت سر او بیاید. و دیگری دستور داد با او صحبت نکند و اگر راه را اشتباه رفت ، با انداختن سنگ ، او را راهنمایی کند. دوم این که به دختر حضرت شعیب علیه السلام فهماند که این کار ، بی احترامی به او نیست ؛ بلکه به خاطر حرمت اوست. این که فرمود : ما قومی هستیم که به زنان، حتی از پشت سر نیز نگاه نمی کنیم ؛ گویا در مقام نشان دادن سیره عملی انبیا بوده که از این جهت ، بسیار حائز اهمیت است. سوم این که ، این رفتار ، موجب شد که حضرت موسی ، مورد پسند دختران شعیب قرار گیرد و پیشنهاد اجیر کردن او را با حضرت شعیب علیه السلام مطرح کنند. امام کاظم علیه السلام این قضیه را در تفسیر آیه «یَأَبَتِ اسْتَئجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَئجَرْتَ الْقَوِیُّ

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۳ ، ص ۲۹ .

ص: ۴۰۵

۴ . استکمال عقل

الْأَمِينُ» (۱) چنین نقل می کنـد : قَالَ لَهَا شُعَيبٌ علیه السـلام : يَا بُنَيَّهِ هَـذَا قَوِيٌّ قَد عَرَفتِهِ بِرَفعِ الصَّخرَهِ ، الأَمِينُ مِن أَينَ عَرَفتِهِ قَالَت : يَا أَبَهِ إِنِّی مَشـيتُ قُـدَّامَهُ فَقَالَ : امشِّی مِن خَلفِی فَإِنْ ضَـلَلتُ فَأَرشِدِينِی إِلَی الطَّرِيقِ، فَإِنَّا قَومٌ لَا نَنظُرُ فِی أَدبَارِ النِّسَاءِ . (۲) حضرت شعیب گفت: دخترم ! قوی بودن او را از برداشـتن سنگ بزرگی از روی چاه ، فهمیدی ؛ امّا از کجا معلوم که امین است ؟ عرض کرد: پدر جـان ! من جلوتر از او می آمـدم . وی گفت : از پشت سـر من بیا و اگر گمراه شـدم ، مرا به مسـیر راه راهنمایی کن ؛ چون ما قومی هستیم که پشت سر بانوان ، نگاه نمی کنیم .

۴ . استکمال عقلعقل در وجود فرد ، راهنمایی کردن به سوی هنجارها و بازداشتن از روی آوردن به نابه هنجاری ها را به عهده دارد . هرقـدر عقـل ، کامـل تر شود و توانـایی اش در درک مسائل و ارزیابی عملکردها بیشتر گردد ، بهتر می توانـد در برابر انگیزه های شهوانی ، مقاومت کنـد و تحت سـیطره آنها درنیایـد ؛ بلکه هواهای نفسانی را تعدیل نماید و تحت نفوذ و هدایت خود، جهت دهی مطلوبی برای آنها داشـته باشد. به عبارت دیگر ، هرچه عقل ، توانمندتر ، نقش خود را ایفا کند، تهاجم هواهای نفسانی ، ضـعیف تر می گردد. امام علی علیه السلام فرمود : إِذا كَمَلَ العَقلُ نَقَصَت الشَّهوَهُ . (۳) هنگامی که عقل ، کامل و توانمند می گردد ، شهوت و میل ، فروکش می کند . کمال عقلی ، باعث می شود که فرد ، در ارزیابی هایش ، به بی ارزشـی امیال شـهوی توجّه کند و محرّکی برای انجام دادن آنها نداشته باشد . از این رو ، امام علی علیه السلام می فرماید : مَن كَمَلَ عَقلُهُ استَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ . (۴)

.

۱- .سوره قصص ، آیه ۲۶ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ص ۱۹ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۳ ، ص ۳۲ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۳ ، ص ۱۳۵ ، ح ۴۰۵۴ .

۴- .همان ، ج ۵ ، ص ۲۵۵ ، ح ۸۲۲۶ .

ص: ۴۰۶

کسی که عقلش به تدریج کامل می شود ، به امیال و خواسته های شهوی ، بی توجه می گردد. از آن جا که عقل ، با تدبیر و بر اساس حکمت ، ارزیابی خود را از رفتارها انجام می دهد ، لذا افعالی که نتیجه حکیمانه داشته باشند ، می پذیرد و افراط کاری ها و نابه هنجاری هایی را که جز آسیب و آفت، ثمره دیگری ندارند ، کنار می زند. امام علی علیه السلام فعّالیت و ارزیابی عقل را حکمت دانسته ، می فرماید : کُلَّمَا قَوِیَتِ الحِکمَهُ ضَعُفَتِ الشَّهوَهُ . (۱) هر گاه حکمت [در کسی] قوّت یابد ، شهوت ، ضعیف می شود . هرگاه حکمت و ارزیابی فرد ، قوی و توانمندانه انجام شود ، میل شهوی او آن قدر ضعیف و سست می گردد که نمی تواند باعث انجام شدن رفتارهای انحرافی در فرد بشود . از نشانگان استکمال عقل و ارزیابی حکیمانه، توجّه به لذّت محدود و زود گذر در نابه هنجاری های جنسی و آفات مترتّب بر آن است که تاریخ از آن حکایت دارد . امام علی علیه السلام با توجّه به زوال لذّات، اندیشه در مورد آن را از شیوه های بازدارنده امیال شهوی در انسان می داند و می فرماید : اذکُر مَعَ کُلِّ لَذَّهٍ زَوَالَهَا ... فَإِنَّ ذَلِکَ ... أَنفَی لِلشَّهوَهِ . (۲) به یاد آور محدودیت و نابودی لذّت شهوی را که این توجّه ، باعث نفی محرّک بودن شهوت در فرد می گردد. امام باقر علیه السلام نیز با اشاره به نقش تقوا در سلامت روانی آدمی می فرماید : أُوصِیکَ بِتَقوَی اللّهِ فَإِنَّ فِیهَا السَّلَامَهَ مِنَ التَّلَفِ... یَقِی بِالتَّقوَی عَنِ العَبدِ مَا عَزَبَ عَنهُ عَقلُهُ وَ یُجلِی بِالتَّقوَی عَنهُ عَمّاهُ وَ جَهلَهُ ... فَازَ الصَّابِرُونَ ... نَبَذُوا طُغیَانَهُم مِنَ الإِیرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُم فِی الکِتَابِ مِنَ المَثُلَاتِ . (۳) شما را به تقوای الهی توصیه می کنم ؛ زیرا تقوا ، باعث سلامت فرد از آسیب است.

.

۱- .همان ، ج ۴ ، ص ۶۲۲ ، ح ۷۲۰۵ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۳۹۵ .

۲- .غرر الحکم ودرر الکلم ، ج ۲ ، ص ۲۲۸ ، ح ۲۴۴۹ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۷۶ .

۳- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۵۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۳۵۹ .

ص: ۴۰۷

۵ . توجّه به همسر و استمداد از خدا

تقوا، فرد را از آنچه در ابتـدا ، عقل از آن غفلت می کرده ، حفظ می کنـد و کوری و نادانی او ، به کشف حقیقت تبـدیل می شود. افرادی که در برابر خواهش های نفسانی مقاومت می کنند و ارزیابی از آنها دارند، سرکشی امیال را با تفکّر در عبرت ها و آنچه از گذشتگان به آنها رسیده، از میان برمی دارند.

۵ . توجّه به همسـر و استمداد از خداار اموری که لازم است فرد برای پیشگیری از تأثیر محرّکات جنسی و کشش به سوی رفتارهای نابه هنجار ، انجام دهد ، این است که اگر دارای همسر است ، به او بنگرد و زیبایی هایش را مشاهده کند و توجّه کند که آنچه مثلاً دیگر زنـان دارنـد، همسـر او نیز دارد . از این راه ، فشار محرّک ، بر فرد کاهش می یابـد و انگیزه روانی برای کاهش به سوی رفتار نابه هنجار جنسـی ، ضعیف می گردد و فرد می تواند خود را از آلوده شدن به انحرافات ، مصون نگه دارد. اگر کسی همسر ندارد ، روی آوردن به دعا و نماز و کمک از خداوند برای فراهم سازی زمینه ازدواج، موقعیت روانی عاطفی نسبت به خداوند برایش پدید می آورد . از این طریق ، تأثیر فشار محرّک در او ضـعیف می گردد ، فرد می تواند خود را در مقابل محرّکات جنسی مقاوم نماید و در خود ، مصونیت ایجاد کند . امام علی علیه السـلام در این خصوص می فرماید : إِذَا رَأَی أَحدُکُم امرَأَهً تُعجِبُهُ فَلیَأتِ أَهلَهُ، فَإِنَّ عِندَ أَهلِهِ مِثـلَ مَـا رَأَی، فَلَـا یَجعَلَنَّ لِلشَّیطَـانِ عَلَی قَلبِهِ سَبِیلاً ـ لِیَصـرِف بَصَـرَهُ عَنهَا. فَإِذَا لَم یَکُن لَهُ زَوجَهُ فَلیُصَلِّ رَکعَتَینِ وَ یَحمَـدُ اللّهَ کَثِیراً وَلیُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ یَسأَلُ اللّهَ مِن فَضلِهِ فَإِنَّهُ یُنتِجُ لَهُ مِن رَأفَتِهِ مَا یُغنِیهِ . (۱) هنگامی که یکی از شما مردان ، زنی را دید که جذب نگاه به او شد، متوجّه همسـر خود شود و بداند آنچه را که دیده ، زنش نیز داراست . پس شیطان را به دل خود راه ندهـد و چشم به آن زن ندوزد ؛ امّا اگر مرد ، همسـر ندارد ، برود دو رکعت نماز بخواند و حمد خدای را بسـیار به جای آورد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و از خداوند بخواهد که به فضل و رحمت خویش ، او را بی نیاز گرداند . همانا خداوند

.

۱- .تحف العقول ، ص ۱۲۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۰۶ .

ص: ۴۰۸

۶ . مشارطه و محاسبه

به رحمت خود ، آرزوی او را برآورده خواهد کرد. امام صادق علیه السلام همین مضمون را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود : إِذَا نَظَرَ أَحدُکُم إِلَی المَرأَهِ الحَسنَاءِ فَلیَأتِ أَهلَهُ، فَإِنَّ الَّذِی مَعَهَا مِثلَ الَّذِی مَعَ تِلکَ. فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللّهِ فَإِن لَم یَکُن لَهُ أَهلٌ فَمَا یَصنَعُ قَالَ فَلیَرفَع نَظَرَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ لیُرَاقِبهُ وَ لیَسأَلهُ مِن فَضلِهِ . (۱) وقتی یکی از شما ، زن زیبایی را دید ، به نزد همسرش برود ؛ زیرا آنچه آن زن دارد ، همسرش هم از آن برخوردار است. مردی بلند شد و پرسید: ای رسول خدا! اگر فردی همسر ندارد ، چه کار کند ؟ پیامبر فرمود: سرش را به طرف آسمان بلند کند (و دعا نماید) و به نگاهش ادامه ندهد ؛ بلکه مراقب خود باشد و برای موفّقیت در خودداری از نگاه به نامحرم ، از فضل پروردگار کمک بطلبد.

۶ . مُشارطه و مُحاسبهاز جمله مراقبه های فردی ، این است که اگر کسی نمی تواند در برابر تمایلات انحراف جنسی، خویشتندار باشد، برای پیشگیری از کشیده شدن به سوی آنها، با خود و خدا عهد و پیمان ببندد و شرط کند که آلوده نشود و در صورتی که گامی به سوی نابه هنجاری ها برداشت، جریمه ای بپردازد و هرچند وقت یک بار ، عملکردهای خود را محاسبه کند و به ارزیابی آنها بپردازد تا مبادا غفلت از شرط و پیمان ، او را از پایبندی به تعهّدش باز دارد ! در توضیح این مطلب ، به جملاتی (البته با اندک تغییر عبارتی) از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه الله اشاره می شود. مشارطه ، آن است که در اوّل روز ، مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است که یک روز خلاف نکردن ، امری است خیلی سهل، و انسان می تواند به آسانی از عهده آن برآید.

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۴۹۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۰۵ .

ص: ۴۰۹

سپس خطاب به فردی که می خواهـد مراقبه انجام دهـد، توصیه می کند: تو عازم شو و شـرط کن و تجربه نما و ببین چه قدر سـهل است. ممکن است شیطان و جنود آن ملعون، این امر را بر تو بزرگْ نمایش دهند ؛ ولی این از تلبیسات(رقیب های) آن ملعون است . او را از روی واقع و قلب ، لعن کن و اوهـام بـاطله را از قلبت بیرون کن و یـک روز تجربه کن، آن وقت موفّق خواهی شـد ! بـاید مراقب باشـی که در تمام مـدّت ، متوجّه عملِ به شـرط باشـی و خود را ملزم بـدانی به عمل کردن به آن . اگر خـدای نخواسـته ، در دلت افتـاد که امری را مرتکب شـوی که خلاـف فرمـوده خـداست ، بـدان که این از شـیطان و جنود اوست که می خواهنـد تو را از شرطی که کردی باز دارند . به آنها لعنت کن و از شـرّ آنها به خداوند ، پناه ببر و آن خیال باطل را از دل بیرون نما و به شیطان بگو که من امروز بـا خود شـرط کردم که خلاـف فرمان خداونـد تعالی ، کاری را نکنم . ولی نعمت من، سال های دراز است که به من نعمت داده، صـحّت و سـلامت و امنیت مرحمت فرمـوده و لطف هـایی کرده که اگر تـا ابـد خـدمت او کنم ، از عهـده یکی از آنها برنمی آیم . سـزاوار نیست یک شـرط جزئی را وفا نکنم. امیـد است که إن شاءاللّه بتواند شـیطان را طرد کند و از انجام دادن گناه ، منصـرف شود. در ادامه ، امـام خمینی رحمه الله ضـمن اشـاره به این که مراقبه بـا هیـچ یـک از کارهـای فرد (از قبیـل کـار و سـفر و تحصـیل و ...) منافـات نـدارد ، به مرحله «محاسـبه» می پردازد و می نویسـد: بایـد به همین حـال باشـی و شب به محاسـبه بپردازی . محاسـبه ، عبـارت است از این که حسـاب نفس را بکشـی ، در این شـرطی که بـا خـدای خود کردی که آیـا به جا آوردی و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی ، خیانت نکردی ؟ اگر درست وفا کردی ، شـکر خـدا کن در این توفیق و بـدان که یک قـدم پیش رفتی و موجب نظر الهی ، به خود شـدی و خداونـد ، إن شـاءاللّه که تو را راهنمایی می کنـد و تو را در پیشـرفت امور دنیا و آخرت موفّق می نمایـد و بـدان کار ، فردا برای تو آسان تر خواهـد شد. چندی به این عمل مواظبت کن، امید است برای تو ملکه گردد ، به طوری که از برای تو خیلی سهل و آسان شود ؛ بلکه آن وقت از اطاعت فرمان خدا

.

ص: ۴۱۰

و از ترک معاصی در همین عالم، لذّت می بری . با این که دنیا ، جهان پاداش و جزا نیست ؛ لذّت می بری و لطف الهی اثر می کند و تو را متلـذّذ می نماید . (۱) در احادیث بسیاری ، به مواظبت از عملکرد خویش امر شده تا با حسابرسـی و ارزیابی نسبت به آنچه انجام گرفته و با مراقبت پی در پی ، تعهّدات شرعی فرد با خدا و خودش عملی گردد و فرد ، به نابه هنجاری ها روی نیاورد . رسول اکرم می فرمایـد : لَذِکرُ اللّهِ بِالغُدُوِّ وَ الآصَالِ خَیرٌ مِن حَطمِ السُّیُوفِ فِی سَبِیلِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یَعنِی مَن ذَکَرَ اللّهَ بِالغُدُوِّ تَذَکَّرَ مَا کَانَ مِنهُ فِی لَیلِهِ مِن سُوءِ عَمَلِهِ وَ اسـتَغفَرَ اللّهَ وَ تَابَ إِلَیهِ انتَشَـرَ وَ قَد حُطَّت سَیِّئَاتُهُ و غُفِرَت ذُنُوبُهُ وَ مَن ذَکَرَ اللّهَ بِالآصَالِ وَ هِیَ العَشِیَّاتِ وَ رَاجَعَ نَفسَهُ فِیمَا کَانَ مِنهُ یَومَهُ ذَلِکَ مِن سَـرَفِهِ عَلَی نَفسِهِ وَ إِضَاعَتِهِ لِأَمرِ رَبِّهِ فَذَکَرَ اللّهَ وَ اسـتَغفَرَ اللّهَ تَعَالَی وَ أَنَابَ رَاحَ إِلَی أَهلِهِ وَ قَد غُفِرَت لَهُ ذُنُوبُهُ . (۲) صـبح و شام در یاد خدا بودن ، بهتر از این است که شمشـیرها برای جهاد در راه خداوند عزّ و جلّ شکسته شود. یعنی آن کس که اوّل صـبح بـا یاد خـدا ، حساب نفس خود را می رسـد و به خاطر می آورد کارهای بـدی را که در شب انجام داده، از خـدا آمرزش می خواهـد و توبه می کنـد. صـبح که از منزل خارج می شود و به دنبال پیکار روزانه اش می رود، گناهانش ریخته و تخلّفاتش بخشـیده شده است. کسی که اوّل شب ، خدا را به یاد می آورد و برای حسابرسی، به نفس خود مراجعه می کند و متوجّه می گردد که امروز ، بر خـود سـتم روا داشـته و از فرمـان الهی سـرپیچی نموده است ، ذکر حق می گویـد و از پیشـگاه الهی ، طلب آمرزش می کند . سپس به نزد خانواده خود می رود ، در حالی که گناهانش بخشیده شده اند . همچنین حضرت موسی علیه السلام فرموده است : لَیسَ مِنَّا مَن لَم یُحاسِب نَفسَهُ کُلَّ یَومٍ . (۳) از ما نیست آن کس که همه روزه ، به حساب نفس خود رسیدگی نکند.

.

۱- .چهل حدیث ، ص ۹۸ .

۲- .وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۹۷ .

۳- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۴۵۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۹۵ .

ص: ۴۱۱

۷ . پرهیز از چشم چرانی

اشاره

نیز امام صادق علیه السلام در سفارشی به عبد اللّه بن جُندب می فرماید : یَابنَ جُندَبٍ حَقٌّ عَلَی کُلِّ مُسلِمٍ یَعرِفُنَا أن یَعرِضَ عَمَلَهُ فِی کُلِّ یَومٍ وَ لَیلَهٍ عَلَی نَفسِهِ فَیَکُونَ مُحَاسِبَ نَفسِهِ فَإِن رَأَی حَسَنَهً استَزَادَ مِنهَا وَ إِن رَأَی سَیِّئَهً استَغفَرَ مِنهَا لِئَلَا یَخزَی یَومَ القِیَامَهِ . (۱) ای پسر جندب ! هر مسلمانی که به مقام امامان معصوم علیهم السلام معرفت دارد ، شایسته است که هر روز و هر شب ، اعمال خود را به نفس خویش عرضه کند و خود، حسابگر نفس خویشتن باشد. اگر در کارهایی که انجام داده ، خوبی مشاهده کرد ، در افزایش آن بکوشد و اگر بدی دید ، از پیشگاه الهی ، طلب آمرزش نماید تا در قیامت ، دچار ذلّت و خواری نشود .

۷ . پرهیز از چشم چرانیاز جمله مراقبه های فردی ، این است که باید از نگاه به نامحرم و آنچه فرد را تحریک جنسی می کند، پرهیز کرد ؛ چون چشم چرانی ، نابه هنجاری خطرناکی است که زمینه نابه هنجاری های دیگری را نیز فراهم می سازد و یکی از انحرافات مبتلاـ به جامعه ماست. به همین دلیل ، لازم است که فنون این مراقبه و چگونگی راهبردهای روان شناختی آن ، به تفصیل بحث شود. نقش این نوع مراقبه در پیشگیری از ابتلا به نابه هنجاری های جنسی دیگر ، از آن جهت است که تقریباً همه نابه هنجاری های جنسی ، با این نابه هنجاری آغاز می شود . لذا از ریشه باید پیشگیری شود. امام علی علیه السلام در نقش اساسی این مراقبه می فرماید : نَعَم صَیارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضّ الأَبصَارِ . (۲) فروبستن چشم ، بازدارنده خوبی است از خواسته ها و امیال شهوی. در اهمّیت مراقبت از نگاه حرام و نقش ارزشمند آن در پیشگیری از نابه هنجاری ها ، امام علی علیه السلام بیانات فراوانی دارد : آن را کمال و ناشی از مروّت و

.

۱- .تحف العقول ، ص ۳۰۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۲۷۹ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۱۶۴ ، ح ۹۹۲۴ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۹۴ .

ص: ۴۱۲

مردانگی فرد می دانـد ، دارای ارزش عبـادت و بالاـترین ورع خوانـده است و برای آن ، آثـار فراوانی چون : آرامش قلبی ، کاهش تأسّف ها و امنیت از تباهی ها قائل شـده و می فرماید : غَضُّ الطَّرفِ مِن کَمَالِ الظَّرفِ . (۱) فروبستن نگاه از حرام، از کمال و تعالی ظرفیت وجـودی آدمی ناشـی می شود. غَضُّ الطَّرفِ مِنَ المُرُوَّهِ . (۲) کنـترل چشم ، از مروّت و مردانگی سرچشـمه می گیرد . غَضُّ الطَّرفِ عَن مَحَارِمِ اللّهِ سُبحَانَهُ أَفضَلُ عِبَادَهِ . (۳) چشم پوشی از محارم خدای سبحان ، بالاترین عبادت است. غَضُّ الطَّرفِ مِن أَفضَلِ الوَرَعِ . (۴) چشم پوشـی از گناه ، برترین مصـداق خودکنترلی ورع و تقواست. مَن غَضَّ طَرفَهُ أرَاحَ قَلبَهُ . (۵) کسی که ، از محارم ، چشـم فرو می بنـدد ، دلش راحـت است . مَن غَضَّ طَرفَهُ قَـلَّ أَسَـفَهُ وَ أَمِنَ تَلَفَهُ . (۶) کسـی که از محـارم الهی چشم فرو می بنـدد ، تأسـفش نسـبت به ندانم کاری هایش کاهش می یابد و از تلف شدن نیرویش مصون است. با توجّه به اهمیت زیاد این شیوه و نقش کلیدی و ریشه ای آن در بازدارندگی از نابه هنجاری های جنسـی است که با تفصـیل بیشتر ، به آن می پردازیم و فنون زمینه سازی این شیوه را نیز تبیین می کنیم :

.

۱- .غرر الحکم ودرر الکلم ، ج ۴ ، ص ۳۸۱ ، ح ۶۴۰۳ .

۲- .همان ، ص ۳۸۰ ، ح ۶۳۹۶ .

۳- .همان ، ص ۳۸۷ ، ح ۶۴۲۷ .

۴- .همان ، ص ۳۸۱ ، ح ۶۴۰۰ .

۵- .همان ، ج ۵ ، ص ۴۴۹ ، ح ۹۱۲۲ .

۶- .همان ، ص ۴۵۰ ، ح ۹۱۲۵ .

ص: ۴۱۳

یک . توجّه به مسئولیت چشم

یک . توجّه به مسئولیت چشم‌توجّه فرد به این نکته ، ضروری است که : چشم ، نعمتی از نعمت های الهی است که برای کارکردهای خاصی آفریده شده وهرگونه بهره برداری از آن باید مطابق با ضوابط الهی باشد و برخلاف رضایت خداوند ، نباید آن را به کار گرفت . چشم ، از اعضای مهم آدمی است که عملکردش در قیامت ، مورد سؤال قرار می گیرد. امام صادق علیه السلام در مفهوم آیه : «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (۱) فرمود : یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه . (۲) از گوش می پرسند که : به چه گوش دادی ؟ و از چشم سؤال می شود که : به چه نگاه کردی ؟ و از دل سؤال می شود که : به چه چیزی دلبسته شدی ؟ کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من همسایه ای دارم که کنیزان خواننده دارد . آنها می خوانند و می نوازند و من گاهی که برای قضای حاجت ، به دستشویی می روم، نشستن خود را طولانی تر می کنم تا نغمه های آنها را بشنوم ، در حالی که برای چنین منظوری نرفته ام . امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود : «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا . (۳) گوش و چشم و قلب ، همگی آنها مسئول اند» . مرد عرض کرد : گویا هرگز این آیه را از هیچ کس نه عرب و نه عجم ، نشنیده بودم و من اکنون این کار را ترک می گویم و به درگاه خدا توبه می کنم. ۴ از آن جا که چشم چرانی ، یک نوع بیماری روانی است، نجات از آن ، به اراده ای محکم و قوی نیازمند است. انسان ، نیاز دارد که مدام ، موعظه ها را به او یادآوری کرد. شخصی به خدمت امام حسن علیه السلام وارد شد و عرض کرد : من انسان گناه کاری هستم .

.

۱- .سوره اسراء ، آیه ۳۶ .

۲- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۷ .

۳- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۳۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۶۶ ، ص ۲۲ .

ص: ۴۱۴

دو . توجّه به پلیدی عمل

صبرم بر گناهم تمام شده است ، مرا راهنمایی کن . امام حسن علیه السلام فرمود : افعَل خَمسَهَ أَشیَاءَ وَ أَذنِب مَا شِئتَ فَأَوَّلُ ذَلِکَ لَا تَأکُل رِزقَ اللّهِ وَ أَذنِب مَا شِئتَ وَ الثَّانِی اخرُج مِن وَلَایَهِ اللّهِ وَ أَذنِب مَا شِئتَ وَ الثَّالِثُ اطلُب مَوضِعا لَا یَرَاکَ اللّهُ وَ أَذنِب مَا شِئتَ وَ الرَّابِعُ إِذَا جَاءَ مَلَکُ المَوتِ لِیَقبِض رُوحَکَ فَادفَعهُ عَن نَفسِکَ وَ أَذنِب مَا شِئتَ وَ الخَامِسُ إِذَا أَدخَلَکَ مَا لِکٌ فِی النَّارِ فَلَا تَدخُل فِی النَّارِ وَ أَذنِب مَا شِئتَ . (۱) پنج چیز را انجام دهید ، بعد هر کاری که می خواهید انجام دهید : اوّل ، از روزی خداوند نخور و بعد هر کاری می خواهی انجام بده ؛ دوم ، از ولایت خداوند خارج شو و بعد هر کاری می خواهی انجام بده ؛ سوم ، برای گناه ، جایی را انتخاب کن که خداوند نبیند و بعد هر کاری می خواهی انجام بده ؛ چهارم ، به ملک الموت ، اجازه نده که جانت را بگیرد و بعد هر کاری می خواهی انجام بده ؛ پنجم ، از دست مالکان جهنّم خلاص شو و به جهنّم نرو ، و بعد هر کاری دلت می خواهد انجام بده . شخص چشم چران نیز باید بداند که اگر بخواهد به ناموس مردم نگاه کند و این عضو را در مسیر انحراف ببرد ، باید با خودش شرط کند که از نعمت های خداوند استفاده نکند ، از روزی الهی ارتزاق نکند و از ولایت او خارج شود ، بعد به گناهش ادامه دهد ؛ امّا خوب می داند که این کارها شدنی ، نیستند ؛ چون هر جا که برود ، مطابق آیه : «قُلِ اعْمَلُواْ فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» ، (۲) خداوند و رسول خدا و مؤمنان خاص ، او را می بینند. در صورت حضور ملک الموت ، لحظه ای اجازه تأخیر نمی توان گرفت . در قیامت نیز در صورت جهنّمی بودن ، نمی توان از چنگ سربازان جهنّم فرار کرد. پس شایسته است که انسان ، با درنظر داشتن این دستور العمل و دچار نشدن به پیامدهای دنیوی و اخروی آن، از چشم چرانی در گذرد و از این عضو ، استفاده شایسته ببرد.

دو . توجّه به پلیدی عملیکی از روش هایی که می توان به کمک آن ، از چشم چرانی پیشگیری کرد و

.

۱- .بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۲۶ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۴ ، ص ۶۹۲۰ ، ح ۲۲۱۱۶ .

۲- .سوره توبه ، آیه ۱۰۵ .

ص: ۴۱۵

سه . درک حضور و آگاهی خدا

شخصی را که به این کار عادت کرده ، درمان نمود ، آگاهی دادن نسبت به زشتی و حقیقت این عمل است. امام صادق علیه السلام این عمل زشت را نوعی زنا خوانـده ، می فرمایـد : مَا مِن عُضوٍ إلَا وَ هُوَ یُصِـیبُ حَظّاً مِنَ الزِّنَا ، فَزِنَا العَینَینِ النَّظَرُ وَ زِنَا الفَمِ القُبلَهُ وَ زِنَا الیَـدَینِ اللَّمسُ ، صَدَّقَ الفَرجُ ذَلِکَ أو کَذَّبَ . (۱) هیـچ عضوی نیست ، مگر آن که بهره ای از زنـا دارد . زنای چشم ، نگاه حرام و زنای دهان، بوسـیدن حرام و زنای دست، لمس حرام است ، چه به زنای فرج بینجامـد و چه نینجامد . از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نیز روایت شـده که فرمود : لِکُلِّ عُضوٍ مِن ابنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزِّنَا فَالعَینُ زِنَاهُ النَّظَرُ وَ اللِّسَانُ زِنَاهُ الکَلَامُ ... . (۲) برای هر عضوی از انسـان ، حظّی از زنـا وجود دارد : زنای چشم، نگاه حرام و زنای گوش، گوش دادن به حرام و زنای زبان، کلام جنسـی حرام است. از این رو انسان باید بداند که این عمل، حرام و زنای نسبی است و نباید به لذّت آنی و مجازی آن فریفته شود.

سه . درک حضور و آگـاهی خـداانسان بایـد به این نکته توجّه کنـد که خداونـد در همه حـال ، از رفتارهای چشـمی و انگیزه های درونی او آگـاه است. در حقیقت ، اگر خود را در محضـر خـدا ببینـد ، حیـا می کنـد و به سـراغ نابه هنجاری چشـمی نمی رود ، به راحتی ، خود را آلوده گنـاه نمی کنـد و اگر غفلتی از او سـر زد ، زود توبه می کنـد. خداونـد ، این توجّه را به افراد می دهـد و می فرماید : «أَلَمْ یَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ یَرَی . (۳)

.

۱- .الکافی ، ج ۵ ، ص ۵۵۹ ، وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ص ۱۹۱ .

۲- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۶۹ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۴ ، ص ۳۸ .

۳- .سوره علق ، آیه ۱۴ .

ص: ۴۱۶

چهار . یادآوری مرگ و قیامت

آیا نمی دانی که خداونـد می بیند». «یَعْلَمُ خَآئِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ . (۱) خداونـد از خیانت چشم ها و آنچه در دل ها پنهان است آگاه است». «قُلِ اعْمَلُواْ فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ . (۲) (ای پیامبر !) بگو هر کاری را که می خواهید انجام دهید ؛ ولی بدانید که خداوند و پیامبر و مؤمنان ، شـما را می بینند». امام صادق علیه السـلام در خصوص درمان چشم چرانی از این روش اسـتفاده می کنـد و می فرمایـد : مَـا اغتَنَمَ أَحَـدٌ بِمِثلِ مَا اغتَنَمَ بِغَضِّ البَصَـرِ فَإِنَّ البَصَـرَ لا یُغَضُّ عَن مَحَارِمِ اللّهِ إِلَّا وَ قَـد سَـبَقَ إِلَی قَلبِهِ مُشَاهَدَهُ العَظَمَهِ وَ الجَلَالِ . (۳) هیچ کس با چیزی چون چشم پوشـیدن از نامحرم، خود را حفظ نکرده است ؛ زیرا چشم های خود را به حرام های خدا باز نمی دارد که قبلاً عظمت و جلال خداوند را در دل خویش مشاهده کرده باشد. سپس امام اضافه می کنند : از امام علی علیه السـلام سؤال شد برای چشم پوشی از نگاه حرام ، از چه وسیله ای می توان کمک گرفت ؟ امام فرمود: بِالخُمُودِ تَحتَ سُلطَانِ المُطَّلِعِ عَلَی سِرِّکَ . (۴) با در نظر گرفتن قدرت خداوند که از نهان تو آگاه است.

چهـار . یـادآوری مرگ و قیامتـاز جمله راه کارهـایی که به عنوان پیشـگیری و درمان چشم چرانی ، در آموزه های اسـلامی ، بـدان توصیه شده ، عبارت است از : «یادآوری مرگ و قیامت» . امام علی علیه السلام

.

۱- .سوره غافر ، آیه ۱۹ .

۲- .سوره توبه ، آیه ۱۰۵ .

۳- .مصباح الشریعه ، ص ۹ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۶۹ .

۴- .همان جا .

ص: ۴۱۷

پنج . برگرداندن چهره

در وصف پاکان می فرماید : وَ بَقِیَ رِجَالٌ غَضَّ أَبصَارَهُم ذِکرُ المَرجِعَ وَ أَرَاقَ دُمُوعَهُم خَوفُ المَحشَرِ . (۱) گروه اندکی باقی مانده اند که یاد مرگ و قیامت، چشم هایشان را بر همه محارم الهی ، فروبسته، و ترس رستاخیز ، اشک هایشان را جاری ساخته است .

پنج . برگرداندن چهرهبرای کسی که اراده اش قوی نیست و تکنیک های مراقبه ای انفرادی ، در او تأثیر ندارد و از چشم چرانی ، دست بر نمی دارد، باید دیگران به او کمک کنند تا اقدام به این نابه هنجاری نکند . یکی از این کارها برگرداندن چهره کسی است که دارد به نامحرم نگاه می کند تا دیگر به نگاه خود ادامه ندهد . در صورتی هم که تکرار کند ، او را تنبیه کنند. از این روش ، موارد فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است. برخوردهای رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص افرادی که نگاه آلوده داشته اند ، حائز اهمیت است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل چشم چرانی افراد ، بی تفاوت نبود و در صورت مشاهده ، به آنان تذکّر می داد . البته شرایط نهی از منکر را رعایت می کرد و دلسوزانه و با مهربانی اقدام می کرد ، مانند این که خود را پسر برادر می خواند. در این جا به عنوان نمونه ، به چند برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کنیم . ابن عباس می گوید : در روز عرفه، شخصی که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، می گفت : جوانی، زنان را ورانداز می کرد و به آنان نظر می انداخت . حضرت، صورت او را با دست مبارکش ، از پشت سر او ، از نگاه به زنان منصرف کرد . پیامبر ، این کار را چندبار تکرار کرد ؛ امّا آن جوان ، همچنان نگاه می کرد . در این هنگام ، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : ابنَ أَخِی إِنَّ هَذَا یَومٌ مَن مَلَکَ فِیهِ سَمعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ لِسَانَهُ غُفِرَ لَهُ . (۲) پسر برادرم ! این روز، روزی است که باید به گوش و چشم و زبان ، مالک شد تا

.

۱- .نهج البلاغه ، خطبه ۳۲ ؛ بحار الأنوار ، ج ۳۴ ، ص ۹۹ .

۲- .مسند أحمد ، ج ۱ ، ص ۳۲۹ ؛ مسند أبی یعلی ، ج ۴ ، ص ۳۳۰ .

ص: ۴۱۸

مورد مغفرت قرار گیرد. از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود : جَاءَتهُ امرَأَهٌ شَابَّهٌ مِن خَثعَم فَقَالَت : إِنَّ أَبِی شَیخٌ کَبِیرٌ وَ قَد أَفنَدَ وَأَدرَکَتهُ فَرِیضَهُ اللّهِ فِی الحَجِّ وَ لَا یَستَطِیعَ أَدَائِهَا فَیجزِی عَنهُ أَن أُؤَدِّیهَا عَنهُ قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : نَعَم وَ جَعَلَ یَصرِفُ وَجهَ الفَضلِ بنِ عَبَّاسٍ عَنهَا ... قَالَ العَبَّاسُ : یَا رَسُولَ اللّهِ إِنِّی رَأَیتُکَ تَصرِفَ وَجهَ ابنَ أَخِیکَ قَالَ : إِنِّی رَأَیتُ غُلَاماً وَ جَارِیَهً شَابَّهً فَخَشِیتُ عَلَیهِمَا الشَّیطَانَ . (۱) زن جوانی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: پدرم پیرمردی است که حج برای او واجب شده است و او قدرت بر انجام دادن آن ندارد آیا من می توانم از طرف او انجام دهم ؟ پیامبر فرمود: «بله» . در این هنگام که فضل بن عباس به آن زن نگاه می کرد، صورت فضل بن عباس را از آن ، منصرف کرد. عباس گفت: یا رسول اللّه ! برای چه، صورت برادرزاده ات را منصرف کردی ؟ پیامبر فرمود: «دختر و پسر جوانی را دیدم و ترسیدم که شیطان غلبه کند». نکته تربیتی ای که از این حدیث استفاده می شود ، این است که هنگامی که عباس پرسید چرا صورت پسرم را برگرداندی ، حضرت ، با صراحت نگفت که به نامحرم نگاه می کرد ؛ بلکه فرمود: دختر جوان ، با پسر نامحرم جوان ، در کنار هم باشد ، ترس این است که شیطان ، آنها را وسوسه کند. از این رو ، این می تواند به نقش روش غیر مستقیم در تربیت ، اشاره داشته باشد. در روایت دیگر ، خود فضل بن عباس چنین نقل می کند : کُنتُ رَدِیفَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله حِینَ أَفَاضَ مِنَ المُزدَلِفَهِ وَ أَعرَابِیٌّ یُسَایِرُهُ وَ رِدفُهُ ابنَهٌ لَهُ حَسنَاءُ قَالَ الفَضلُ: فَجَعَلتُ أَنظُرُ إِلَیهَا فَتَنَاوَلَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِوَجهِی یَصرِفنِی عَنهُ . (۲) همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در مزدلفه بودیم و شخص اعرابی ای ، همراه دخترش، در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هنگامی که به او نگاه کردم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صورت مرا از آن دختر ، منصرف کرد .

.

۱- .مسند أحمد ، ج ۱ ، ص ۷۶ .

۲- .همان ، ص ۲۱۳ .

ص: ۴۱۹

شش . توجّه به آثار پرهیز از چشم چرانی

تزویج با حور العین

امام علی علیه السلام نیز اجازه نمی داد کسی به زنان و ناموس دیگران ، با چشم خیانت نگاه کند و افراد را از این عمل ، نهی می کرد . روزی حضرت علی علیه السلام مشغول طواف بود که مردی را در حال طواف دید که به زنان نامحرم ، نگاه می کند. پس از طواف ، آن مرد را به حضور طلبید و به عنوان تأدیب ، چند سیلی به صورت او زد. آن مرد ، در حالی که صورتش را با دستش گرفته بود، با آه و ناله ای که می کرد ، به نزد عمر بن خطاب آمد و چنین شکایت کرد: ای امیر مسلمانان ! علی علیه السلام به صورتم سیلی زد ، باید قصاص شود. عمر ، دستور داد علی علیه السلام را حاضر کردند و به علی علیه السلام گفت: چرا به این مرد سیلی زده ای ؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: «دیدم به زن نامحرم نگاه می کند». عمر به آن مرد گفت : چشم خداوند ، دیده و دست خداوند ، زده است. (۱)

شش . توجّه به آثار پرهیز از چشم چرانیتوجه به آثار مثبت و مطلوب پرهیز از چشم چرانی ، در پیشگیری از ابتلا به آن ، مؤثّر است. وقتی انسان بداند مقابله با نفس و چشم پوشی از حرام ، آثار ارزشمند و بزرگی برایش به بار می آورد، سختی چشم پوشی از لذّت را برای رسیدن به لذات بالاتر، جامع تر و پایدارتر ، تحمّل می کند و به آسانی از آن لذّات پست می گذرد. در زیر به برخی از آثار گران بهای چشم پوشی از حرام اشاره می کنیم:

تزویج با حور العینامام صادق علیه السلام فرمود : مَن نَظَرَ إلَی امرَأَهٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إلَی السَّمَاءِ أو غَمَّضَ بَصَرَهُ لَم یَرتَدَّ إلَیهِ بَصَرُهُ حَتَّی یُزَوِّجَهُ اللّهُ مِنَ الحُورِ العِینِ . (۲) هر کس نظرش به زن بیگانه افتاد و او به آسمان نگاه کرد یا چشم پوشی کرد و چشمش را از نگاه حرام بازداشت ، خداوند متعال ، او را با حورالعین تزویج می کند.

.

۱- .داستان هایی از چشم و نگاه ، ص ۴۶ .

۲- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۳ ، ص ۴۷۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۹۳ .

ص: ۴۲۰

درک لذّت عبادت

درک لذّت ایمان

درک لـذّت عبادت مَا مِن مُسلِمٍ یَنظُرُ امرَأَهً أَوَّلَ رَمقِهِ ثُمَّ یَغُضُّ بَصَرَهُ إِلَا أَحـدَثَ اللّهُ تَعَالَی لَهُ عِبَادَهً یَجِـدُ حَلَاوَتَهَا فِی قَلبِهِ . (۱) هیچ مسـلمانی نیست که چشـمش به نامحرم بیفتـد و سـپس به خاطر خـدا از آن ، در پوشد ، مگر این که خداوند ، برای او توفیق عبادتی دهد که شـیرینی آن را در قلبش می یابد. در برخی از آموزه های اسـلامی ، آمده است که ترک این عمل ، نه تنها موجب می شود که فرد ، شـیرینی عبادت را بچشد، بلکه موجب خوش حالی او نیز می شود و در نتیجه ، توفیقات بعدی را به روی خود باز می کند. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : أَنَّهُ قَـالَ النَّظَرُ إِلَی مَحَـاسِنِ النِّسَاءِ سَـهمٌ مِن سِـهَامِ إِبلِیسَ فَمَن تَرَکَهُ أَذَاقَهُ اللّهُ طَعمَ عِبَادَهٍ تَسُرُّهُ . (۲) نگاه کردن به زیبایی های زنان، تیرهای شـیطان است که هر کس از این نگاه ها صـرف نظر کند، خداوند مزّه عبادت را به او می چشاند که این مایه شادمانی وی است .

درک لـذّت ایمانامام صادق علیه السـلام می فرماید : النَّظرَهُ سَـهمٌ مِن سِـهَامِ إِبلِیسَ مَسـمُومٌ مَن تَرَکَهَا للّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا لِغَیرِهِ أَعقَبَهُ اللّهُ إِیمَاناً یَجِدُ طَعمَهُ . (۳) نگاه کردن به زن بیگانه، تیری است از تیرهای زهرآلود شـیطان . هر کس که به جهت رضای خداوند ، نگاه حرام را ترک کند، خداوند ، به او ، شیرینی ایمان را می چشاند .

.

۱- .میزان الحکمه ، ج ۱۳ ، ص ۶۳۲۲ ؛ کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۲۷ .

۲- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۰ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۷۷ .

۳- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۱۸ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۱۹۲ ؛ کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۲۹ .

ص: ۴۲۱

شهود عظمت الهی

امان یافتن از حسرت و هلاکت

گاهی اوقات ، انسان ، رفتار نابه هنجار جنسی را ترک می کند ، امّا نه به خاطر خداوند و نه برای تقرّب و سعادت ؛ بلکه به خاطر انگیزه های غیر الهی (مانند: ترس از دیگران، نداشتن موقعیّت، ریاکاری ، خوب نشان دادن خود به دیگران و گول زدن دیگران) . درست است که این رفتار ، از آن جهت که مرتکب عمل زشت نشده ، خوب است، امّا آنچه تأثیر آن را دو چندان می کند، انگیزه آن عمل است. چنانچه در حدیث فوق ، دستیابی به ایمان و درک لذّت آن، از آثار ترک چشم چرانی به خاطر خدا بیان شده است.

شهود عظمت الهیامام صادق علیه السلام می فرماید : مَا اغتَنَمَ أَحَدٌ بِمِثلِ مَا اغتَنَمَ بَغَضِّ البَصَرِ فَإِنَّ البَصَرَ لَا یُغَضُّ عَن مَحَارِمِ اللّهِ إِلَا وَ قَد سَبَقَ إِلَی قَلبِهِ مُشَاهَدَهُ العَظَمَهِ وَ الجَلَالِ . (۱) هیچ کس غنیمتی مانند آنچه را که از راه پوشیدن چشم از حرام ، به دست می آورد ، به دست نیاورده است و هرگاه چشم از حرام ، بسته شود، به مشاهده عظمت و جلال حق ، پیشی می گیرد. از این حدیث استفاده می شود که وقتی انسان ، چشم از حرام بپوشد، می تواند به دیدار انوار و عظمت الهی در عالم ملکوت ، راه یابد.

امان یافتن از حسرت و هلاکتحضرت علی علیه السلام می فرماید : مَن غَضَّ طَرفَهُ قَلَّ أَسَفُهُ وَ أَمِنَ تَلَفَهُ . (۲) هر کس دیده بپوشد، تأسّف و حرمتش کم می شود و از هلاکت ، در امان است .

.

۱- .مصباح الشریعه ، ص ۹ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۶۹ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۵ ، ص ۴۵۰ ، ح ۹۱۲۵ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۱ .

ص: ۴۲۲

آرامش دل

تضمین بهشت

مصونیت از زنا

آرامش دلبرای هر فرد ، آرامش دل ، از همه نعمت ها باارزش تر است. انسان می تواند از طریق آرامش و اطمینان قلب ، به کمال خودش بیفزاید و کم کم ، به قرب الهی که هدف نهایی است برسد. در تعالیم اسلامی آمده ، آن کس که چشم های خود را از نگاه آلوده بپوشاند، آرامش دل را به دست می آورد . امام علی علیه السلام می فرماید : مَن غَضَّ طَرفَهُ أرَاحَ قَلبَهُ . (۱) آن کس که دیده بپوشد، دلش را آسوده ساخته است.

تضمین بهشتشیخ صدوق از ابن بابویه و او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : شما شش چیز را به من ضمانت کنید تا من بهشت را برای شما ضامن باشم : ۱ . چون سخن می گویید، راست بگویید ؛ ۲ . چون وعده می کنید، به آن وفا نمایید ؛ ۳ . چون امانتی به شما می دهند، ارائه نمایید ؛ ۴ . فرج های خود را از حرام نگاه بدارید ؛ ۵ . چشم خود را از حرام محفوظ بدارید ؛ ۶ . دست خود را از لقمه حرام بکشید. (۲)

مصونیت از زنایکی از رفتارهای نابه هنجار جنسی، زناست که در آموزه های اسلامی ، مورد نهی قرار گرفته است و پیامدهای منفی دنیوی و اخروی برای آن بیان شده است و برای مصونیت از این پیامدها باید عوامل پیشگیری آن را شناخت و بدان عمل کرد. از جمله عوامل پیشگیری زنا، در کلام معصومان علیهم السلام «چشم پوشی از نگاه حرام»

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۱ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۸۲ .

۲- .پوشش زن در گستره تاریخ ، ص ۱۱۲ .

ص: ۴۲۳

گریان نبودن در قیامت

ه . توجّه به پیامدهای نابه هنجاری های جنسی

اشاره

است. امام علی علیه السلام می فرماید : لَیسَ یَزنِی فَرجُکَ إن غَضَضتَ طَرفَکَ . (۱) اگر چشم هایت را حفظ کنی، زنا نمی کنی.

گریان نبودن در قیامتامام صادق علیه السلام می فرماید : کُلُّ عَینٍ بَاکِیَهٌ یَومَ القِیَامَهِ إلَا ثَلَاثَهٌ : عَینٌ غُضَّت عَن مَحَارِمِ اللّهِ وَ عَینٌ سَهَرَت فِی طَاعَهِ اللّهِ وَعَینٌ بَکَت فِی جَوفِ اللَّیلِ مِن خَشیَهِ اللّهِ . (۲) همه چشم ها در قیامت گریان اند ، جز سه چشم: چشمی که از حرام پوشیده باشد، چشمی که برای اطاعت الهی بیدار باشد و چشمی که در دل شب ، از ترس خدا بگرید.

ه . توجّه به پیامدهای نابه هنجاری های جنسیاز شیوه های پیشگیری در زمینه نابه هنجاری های جنسی ، توجّه به پیامدهایی است که برای فرد ، به بار می آورد. امام علی علیه السلام با توجّه به این که هیچ میل و رفتار انحرافی ای نیست مگر آن که موجب آفات و آسیب هایی برای شخص و اجتماع می شود ، می فرماید : مَن تَسَرَّعَ إلَی الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ إلَیهِ الآفَاتُ . (۳) کسی که به امیال و رفتارهای شهوانی می شتابد ، آفات و آسیب ها به سوی او شتاب می گیرند . در احادیث ، آسیب ها و پیامدهای زیادی برای شهوت و رفتارهای نابه هنجار جنسی ، مطرح شده است تا افراد ، با توجّه به آنها ، به امیال و رفتارهای شهوی روی نیاورند. توجّه به این آفات و نتایج منفی نابه هنجاری ها ، فطرت انسان را که از

.

۱- .شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۲۰ ، ص ۳۲۴ ، ح ۷۱۵ .

۲- .الکافی ، ج ۲ ، ص ۴۸۲ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۲۲۸ ؛ بحار الأنوار ، ج ۹۳ ، ص ۳۳۳ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۵ ، ص ۳۲۷ ، ح ۸۵۸۹ .

ص: ۴۲۴

۱ . آسیب های شخصیتی

بـدبختی و آسـیب هـا گریزان است بیـدار می سازد و باعث می شود که دست از آن نابه هنجاری بشویـد و یا لااقل ، آنها را کاهش دهد . آسیب های نابه هنجاری جنسی ، زیاد است . در این جا با توجّه به احادیث به بخشی از آنها اشاره می کنیم .

۱ . آسـیب های شخصیتیکسی که از هواهای نفسانی اش تبعیت می کند و به رفتارهای نابه هنجار جنسی ، روی می آورد، شخصیت انسـانی و معنوی خود را از دست می دهـد و احسـاس پستی و رذالت ، جایگزین آن می شود ، خود را به امیال حیوانی ، وابسـته می دانـد و هویّت مطلوبی برای خویش نمی یابـد. چنین شخصـی ، تعـارض درونی ، او را فرا می گیرد وحـدت و انسـجام شخصـیت در خود نمی یابـد ، عزّت و ارزشـمندی خود را نمی پـذیرد ، خود را در منجلاب گناه و معصـیت پروردگار ، غوطه ور می بیند ، آینده درخشانی برای خود تصویر نمی کند و به آینده و رشد و پیشرفت خود ، امیدی ندارد. امام علی علیه السلام با توجّه به ارتباط عاملیِ پیروی از هواهای نفسانی ، با پستی و بی شخصـیتی فرد ، می فرمایـد : مَن اَتبَعَ هَوَاهُ أردَی نَفسَهُ . (۱) کسی که از هواهای نابه هنجار پیروی می کند ، خودش را به پستی و بی شخصیتی کشانده است. نیز می فرماید : أزرَی بِنَفسِهِ مَن مَلَکَتهُ الشَّهوَهُ، وَ استَعبَدَتهُ المَطَامِعُ . (۲) کسی که شهوت بر او تسلّط یافته ، خودش را به پستی انداخته و حرص و ولع شهوانی ، او را به بند کشیده است.

.

۱- .همان ، ص ۲۰۸ ، ح ۸۰۰۶ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۳۱ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۲ ، ص ۴۳۴ ، ح ۳۱۷۶ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۱۱۶ .

ص: ۴۲۵

۲ . آسیب های شناختی و نگرشی

همچنین می فرماید : مَن مَلَکَتهُ نَفسُهُ ذَلَّ قَدرُهُ . (۱) کسی که هوای نفسش او را تسخیر کرده ، قدر و منزلت خویش را به ذلّت تبدیل کرده است. ایشان با اشاره به مروّت (به عنوان یکی از جنبه های شخصیت آدمی و آسیب پذیری آن ، در روند شهوت رانی، می فرماید : زِیَادَهُ الشَّهوَهِ تَزرِی بِالمُرُوءَهِ . (۲) زیاده روی در رفتار شهوی و جنسی ، مروّت را در فرد از بین می برد.

۲ . آسیب های شناختی و نگرشیپرداختن به نابه هنجاری های جنسی و شهوت های انحرافی ، پیامدهای زیادی دارد : ذهن آدمی را مشغول می سازد ، پراکندگی ذهنی ایجاد می کند ، توانایی ادراک حقایق را کاهش می دهد ، انگیزه پرداختن به مسائل علمی را از بین می برد و از شناخت واقعیّات هستی، فلسفه زندگی، قدر و منزلت آدمی، جنبه های گوناگون شخصیت انسانی، ارزش های اخلاقی و معنوی، جلوگیری می کند . از این رو نسبت به مواردی چون : نظام آفرینش و اهداف آن، خدا، انسان، زندگی و مسائل ارزشی ، نگرشی ناصواب پیدا می کند و از حقیقتْ فاصله می گیرد. امام کاظم علیه السلام با توجّه به تأثیرت منفی شهوات در کاستن کارایی عقل ، می فرماید: مَن سَلَّطَ ثَلَاثاً عَلَی ثَلَاثٍ فَکَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَی هَدمِ عَقلِهِ : مَن أَظلَمَ نُورَ تَفَکُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ، وَ مَحَا طَرَائِفَ حِکمَتِهِ بِفُضُولِ کَلَامِهِ، وَ أَطفَأَ نُورَ عِبرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفسِهِ، فَکَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَی هَدمِ عَقلِهِ، وَ مَن هَدَمَ عَقلَهُ أَفسَدَ عَلَیهِ دِینَهُ وَ دُنیَاهُ . (۳) کسی که سه چیز را بر سه چیز ، مسلّط کند ، به از بین بردن عقلش کمک کرده است: کسی که با آرزوهای طول و دراز نور اندیشه اش را به تاریکی می کشاند ؛ کسی با

.

۱- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۱۲ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۳۰ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۱۱۷ ، ح ۵۵۰۷ .

۳- .الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷ ؛ بحار الأنوار ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ .

ص: ۴۲۶

حرف های زیادی و نسنجیده، نکات دقیق حکمتش را محو می نماید ؛ و کسی که با شهوات و هواهای نفسانی، چراغ عبرت پذیر خود را خاموش می سازد . چنین فردی ، به ویرانی عقل و درایت خویش کمک کرده است و بدین وسیله ، دین و دنیای خود را تباه می کند. امام علی علیه السلام با توجّه به این که عقل ، از طریق ضد خود (یعنی شهوت) در بند می شود و دیگر نمی تواند نگرش صحیح به امور زندگی داشته باشد، می فرماید : الهَوَی ضِدُّ العَقلِ . (۱) هوای نفسانی ، ضد عقل فعّالیت می کند . به تعبیر دیگر : آفَهُ العَقلِ الهَوَی . (۲) هوای نفسانی ، آسیب رسان به عقل است. نیز فرمود: حَرَامٌ عَلَی کُلِّ عَقلٍ مَغلُولٍ بِالشَّهوَهِ أن یَنتَفِعَ بِالحِکمَهِ . (۳) بر هر عقلِ در بند شهوت ، ممنوع است که از حکمت و کشف حقیقت ، سودمند گردد. در این حدیث ، شهوت ، به عنوان عامل مهمّی که به کارایی و نقش ادراکی عقل (چه در بعد نظری و چه در بعد عملی و تشخیص خوبی ها و بدی ها) آسیب می رساند و مانع رشد علمی فرد می گردد، اشاره شده است. این بیان ، در حدیث دیگری نیز تأیید می شود ، آن جا که فرمود : مَا أَصعَبُ عَلَی مَن استَعبَدَتهُ الشَّهَوَاتُ أن یَکُونَ فَاضِلاً . (۴) چه بسیار دشوار است کسی که شهوت ها ، او را به بند کشیده اند ، بتواند به فضل علمی نایل آید !

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۱ ، ص ۲۵۸ ، ح ۱۰۲۹ .

۲- .بحار الأنوار ، ج ۳ ، ص ۱۰۱ ، ح ۳۹۲۵ .

۳- .همان ، ص ۴۰۴ ، ح ۴۹۰۲ ؛ محاسبه النفس ، ص ۶۶ .

۴- .شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۲۰ ، ص ۲۵۸ .

ص: ۴۲۷

۳ . آسیب های معنوی

۳ . آسیب های معنویانحرافات جنسی ، از مصادیق بارز گناه انـد . این نوع انحرافات ، نه تنها مانع رشـد معنوی انسان انـد ، بلکه به ایمان و پایه های باور و نگرش دینی آدمی و روابط او با خـدا ، آسیب جدّی وارد می سازند. امام علی علیه السـلام می فرماید : مَن وَافَقَ هَوَاهُ خَالَفَ رُشـدَهُ . (۱) کسـی که با تمایلات انحرافی موافقت کنـد ، با رشـد (همه جانبه) خویش مخالفت کرده است. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله با اشاره به مانع بودن شـهوت برای رشـد معنوی می فرمایـد : حَرَامٌ عَلَی کُلِّ قَلبٍ عَزِی بِالشَّهَوَاتِ أن یَجُولَ فِی مَلَکُوتِ السَّمَـاوَاتِ . (۲) کسـی که دلش بـا شـهوت های انحرافی آرامش می یابـد ، از این که بتوانـد به رشـد معنوی و ملکوت آسـمان هـا راه یابـد ، ممنوع است . امـام علی علیه السـلام به تأثیر شـهوت رانی بر عـدم برقراری رابطه عاطفی با خـدا پرداخته ، می فرمایـد : لَیسَ فِی المَعَاصِـی أَشَدُّ مِن اتِّبَاعِ الشَّهوَهِ فَلَا تَطِیعُوهَا فَیَشـغَلُکُم عَنِ اللّهِ . (۳) در بین گناهان، هیـچ گناهی به ماننـد پیروی از شهوت ، شدیدترین تأثیرات منفی بر انسان را ندارد . بنا بر این ، از تمایلات جنسی تبعیت نکنید که شما را از ارتباط با خداوند ، باز می دارد . پیامبر صـلی الله علیه و آله با توجّه به این که با گرایش به نابه هنجاری های جنسی ، نمی توان به سوی مقام معنوی تقوا و ورع ، گـام برداشت ، می فرمایـد : حَرَامٌ عَلَی کُلِّ قَلبٍ مُتَوَلِّهٍ بِالشَّهَوَاتِ أن یَسـکُنَهُ الوَرَعُ . (۴) هر دلی که شـهوت ها متولّی آن اند ، ورع و تقوا به آن راه ندارد .

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۵ ، ص ۱۹۶ ، ح ۷۹۵۷ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۳۰ .

۲- .تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۲۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۴ ، ص ۶۷۰۴ ، ح ۲۱۴۷۴ .

۳- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۵ ، ص ۸۸ ، ح ۷۵۲۰ .

۴- .تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۲۲ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱۴ ، ص ۶۷۰۴ .

ص: ۴۲۸

۴ . پیامدهای ناگوار

امام علی علیه السلام با اشاره به این که شهوت رانی ، تقوا را از بین می برد، می فرماید : لا یُفسِدُ التَّقوَی إلَا غَلَبَهُ الشَّهوَهِ . (۱) هیچ چیزی به مانند حاکمیت شهوت بر روح آدمی ، تقوای فرد را تباه نمی سازد. مداومت بر رفتارهای نابه هنجار جنسی ، علاوه بر مانع تراشی بر رشد معنوی و ارتباط با خدا و عامل از بین بردن تقوا ، به تدریج ، دین داری و ایمان انسان را به خطر می اندازد و چه بسا ممکن است که فرد را به کفر بکشاند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید : مَن کَانَ أکثَرُ هَمِّهِ نَیلَ الشَّهَوَاتِ نُزِعَ مِن قَلبِهِ حَلَاوَهُ الإیمَانِ . (۲) کسی که بیشترین همّتش ، رسیدن به تمایلات شهوی است، به تدریج ، شیرینی ایمان و دین داری ، از دل او کنده می شود. امام علی علیه السلام نیز به همین نکته اشاره می کند و می فرماید: طَاعَهُ الشَّهوَهِ تُفسِدُ الدِّینِ . (۳) پیروی مستمر از شهوت جنسی ، پایه های دینداری را در فرد متزلزل می سازد. نیز آن را از عوامل مهمّی که به کفر می انجامد ، بر می شمرد و می فرماید : أرکَانُ الکُفرِ أربَعَهٌ : الرَّغبَهُ ، وَ الرَّهبَهُ وَ الغَضَبُ وَ الشَّهوَهُ . (۴) ارکان کفر ، چهار چیز است: علاقه به محرّمات، ترس از مددکاری در راه دین، خشمگینی به دیگران و شهوت رانی .

۴ . پیامدهای ناگواراز جمله اموری که می تواند افراد را از انحرافات جنسی ، باز دارد و لااقل ارتکاب این انحرافات را کاهش دهد ، آگاه سازی از پیامدهای ناگواری است که این رفتارها

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۳۷۶ ، ح ۱۰۶۰۶ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۴۵ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۳۱۲ .

۲- .تنبیه الخواطر ، ج ۲ ، ص ۱۱۶ ؛ میزان الحکمه ، ج ۱ ، ص ۳۸۲ ، ح ۱۳۷۴ .

۳- .مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۴۴ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۳۱۱ .

۴- .تحف العقول ، ص ۲۲۳ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۶۹ .

ص: ۴۲۹

در زنـدگی دنیوی و اخروی آنها به جای می گذارد و در بسـیاری موارد ، راه بازگشت را هم به روی انسان می بندد . در احادیث ، به مجموعه ای از پیامـدهای دردناک ناشـی از نابه هنجاری جنسـی ، اشاره شده است . در بعضـی از احادیث ، هلاکت و بدبختی به صورت کلی، پیامـد هواهـای نفسـانی ذکر شـده ، آن جـا که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله می فرمایـد : إِنَّمَـا هَلَـاکَ النَّاسِ بِاتِّبَاعِ الهَوَی... . (۱) همانا هلاکت و بدبختی مردم ، به پیروی از هواهای نفسانی است. امام علی علیه السلام می فرماید : غَلَبَهُ الشَّهوَهِ تُبطِلُ العِصمَهَ وَ تُورِدُ الهَلَکَ . (۲) حاکمیت شهوت بر زندگی آدمی ، مصونیت را از بین می برد و هلاکت و بدبختی را موجب می شود. علی بن اسـباط ، از امامان معصوم علیهم السـلام نقل می کند که فرموده اند : فِیمَا وَعَظَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِیسَی علیه السلام : یَا عِیسَی ... وَکُفَّ بَصَرَکَ عَمَّا لَا خَیرَ فِیهِ فَکَم مِن نَاظِرٍ نَظرَهً قَد زَرَعَت فِی قَلبِهِ شَهوَهً وَ وَرَدَت بِهِ مَوارِدَ حِیَاضِ الهَلَکَهِ . (۳) خداوند در ضمن موعظه حضـرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی ! ... جلوی چشمت را در مقابل چیزهایی که خیری در آن نیست ، بگیر. چه بسا بیننـده ای که بـا یک بار نگاه آلوده ، شـهوتی در دل او بکارد و او را به هلاکت بینـدازد . در برخی دیگر از احادیث ، بیماری ها و ناراحتی های جسـمی و روانی ، به عنوان پیامـد تمایلات شـهوی ، مطرح گردیده اند . امام علی علیه السـلام می فرماید : مَن لَم یُدَاوِ شَهوَتَهُ بِالتَّرکِ لَم یَزَل عَلِیلاً . (۴) کسـی که تمایلات نـابه هنجـار و شـهوت رانی خود را با ترک آن درمان نکنـد، همیشه بیمار و دردمند خواهد بود.

.

۱- .تنبیه الخواطر ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ ؛ جامع السعادات ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ .

۲- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۴ ، ص ۳۸۳ ، ح ۶۴۱۲ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۳۴۹ .

۳- .الکافی ، ج ۸ ، ص ۱۳۴ ؛ الجواهر السنیّه ، ص ۱۰۰ .

۴- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۵ ، ص ۴۱۷ ، ح ۸۹۹۹ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۴۲۷ .

ص: ۴۳۰

و نیز فرمود : لَا خَیرَ فِی لَذَّهٍ تُوجِبُ نَدَماً وَ شَهوَهٍ تُعقِبُ أَلَماً . (۱) در لذّتی که پشیمانی به بار می آورد و شهوتی که پیامدش درد و ناراحتی است ، هیچ خیر و خوبی ای نیست . در احادیث دیگری از جمله پیامدهای شهوت رانی : سختی، درد، بدبویی ، عذاب، رسوایی و آبروریزی در آخرت ، بیان شده است. رسول اکرم می فرماید : أَلَا وَإِنَّ النَّارَ سَهلٌ بِشَهوَهٍ . (۲) شهوت رانی ، زمینه ورود به آتش جهنم را تسهیل می کند. نیز در مورد کیفیّت محشور شدن گروه هایی از مردم فرمود : وَ الَّذِینَ أَشَدُّ نَتناً مِنَ الجِیَفِ فَالَّذِینَ یَتَمَتَّعُونَ بِالشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَّاتِ . (۳) کسانی که غرق در شهوات و لذّات حرام اند، در روز قیامت ، با بوی بدی ، بدتر از بوی مردار ، محشور می شوند. امام علی علیه السلام می فرماید : لَا تُوَازِی لَذَّهُ المَعصِیَهِ فُضُوحِ الآخِرَهِ وَ أَلِیمِ العُقُوبَاتِ . (۴) هرگز لذّت معصیت و شهوت حرام ، با رسوایی و عقاب های دردناک آخرت ، مساوی نیست. در حدیثی ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد آسیب ها و پیامدهای یکی از نابه هنجاری ها می فرماید : فِی الزِّنا سِتُّ خِصَالٍ ، ثَلَاثٌ مِنهَا فِی الدُّنیَا، وَ ثَلَاثٌ مِنهَا فِی الآخِرَهِ فَأَمَّا الَّتِی فِی الدُّنیَا فَیَذهَبُ بِالبَهَاءِ وَ یُعَجِّلُ الفَنَاءَ وَ یَقطَعُ الرِّزقَ وَأَمَّا الَّتِی فِی الآخِرَهِ : فَسُوءُ الحِسَابِ وَ سَخَطُ الرَّحمَانِ وَ الخُلُودُ فِی النَّارِ . (۵)

.

۱- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۴۳۲ ، ح ۱۰۹۰۱ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۵۳۴ .

۲- .کنز العمّال ، ج ۱۵ ، ص ۸۸۳ ، ح ۴۳۵۰۲ ؛ الدّر المنثور ، ج ۱ ، ص ۶۷ .

۳- .بحار الأنوار ، ج ۷ ، ص ۸۹ ؛ جامع أحادیث الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۱۲۹ ؛ نور الثقلین ، ج ۵ ، ص ۴۹۳ .

۴- .غرر الحکم و درر الکلم ، ج ۶ ، ص ۴۲۳ ، ح ۱۰۸۶۶ ؛ عیون الحکم والمواعظ ، ص ۵۳۵ .

۵- .کتاب من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۶۷ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۰ ، ص ۳۱۱ .

ص: ۴۳۱

زنـا ، شـش اثر دارد : سه اثر در دنیـا و سه اثر در آخرت . آثاری که در دنیا دارد ، این است که آبروی انسان می رود ، مرگ ، زود فرا می رسـد و روزی را کـاهش می دهـد ؛ امّـا سه اثر در آخرت این است که حسابرسـی ، سـخت و دقیق انجـام می پـذیرد، خشـم خداونـد رحمـان ، فرد را شامـل می گردد و همیشه در آتش خواهـد بود. بنا بر این ، توجّه به پیامـدهای ناگوار دنیوی و اخرویِ نابه هنجـاری هـای جنسـی و یادآوری آنها ، در روان افراد تأثیر می گـذارد و آنها را از این که بی پروا ، به رفتارهای نابه هنجار جنسـی روی آورند ، بازمی دارد .

.

ص: ۴۳۲

. .

ص: ۴۳۳

فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع منابع و مآخذ۱ . احساسات و پاسخ های جنسی انسان ، مسترز جانسون ، ترجمه : بهنام اوحدی ، اصفهان : نقش خورشید ، ۱۳۸۰ ش . ۲ . إحقاق الحق و إزهاق الباطل ، نور اللّه بن السیّد شریف الشوشتری (القاضی التستری) با تعلیقات : السید شهاب الدین مرعشی ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی ، ۱۴۱۱ ق . ۳ . اختیار معرفه الرجال (رجال الکشّی) ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) ، تصحیح : حسن مصطفوی ، مشهد : دانشگاه مشهد ، ۱۳۴۸ ش . ۴ . اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام ، حمید قاسمی ، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۳ ش . ۵ . اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب ، مرتضی مطهّری ، تهران : صدرا ، ۱۳۷۴ ش . ۶ . اخلاق و تربیت اسلامی ، محمّد تقی رهبر و محمّد حسن رحیمیان ، تهران : سمت ، ۱۳۷۷ ش . ۷ . إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد الدیلمی ، تهران : مرکز نشر کتاب . ۸ . ازدواج ، مکتب انسان سازی ، رضا پاک نژاد ، تهران : یاسر ، ۱۳۶۴ ش . ۹ . اسلام و تربیت ، ابراهیم امینی ، تهران : انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۶۷ ش . ۱۰ . اسلام و تربیت کودکان ، احمد بهشتی ، تهران : سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۲ ش . ۱۱ . الإصابه فی تمییز الصحابه ، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) ، تحقیق : عادل أحمد عبد الموجود و علی محمّد معوّض ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، ۱۴۱۵ ق . ۱۲ . اصول بهداشت روانی ، ابو القاسم حسینی ، مشهد : دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، ۱۳۷۷ ش . ۱۳ . أعلام الدین فی صفات المؤمنین ، حسن بن محمّد الدیلمی ، تحقیق : مؤسسه آل البیت ، قم : مؤسسه آل البیت ، ۱۴۰۸ ق . ۱۴ . البرهان فی تفسیر القرآن ، هاشم بن سلیمان البحرانی ، تحقیق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، ۱۴۱۵ ق .

.

ص: ۴۳۴

۱۵ . الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر ، عبد الرحمان بن أبی بکر السیوطی ، بیروت : دار الفکر ، ۱۴۰۱ ق . ۱۶ . الجعفریات ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الکوفی ، تهران : مکتبه نینوی (طبع شده در ضمن : قرب الإسناد) . ۱۷ . الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره ، یوسف بن أحمد البحرانی ، قم : مؤسسه نشر اسلامی ، ۱۳۷۷ ش . ۱۸ . الخصال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۰۳ ق . ۱۹ . الدراسات النفسانیه عند العلماء المسلمین ، محمّد عثمان النجاتی ، قاهره : دار الشروق ، ۱۳۱۴ ق . ۲۰ . الشفا : الإلهیات ، ابن سینا ، قم : مکتبه المرعشی ، ۱۴۰۵ ق . ۲۱ . الطبقات الکبری ، محمّد بن سعد (کاتب الواقدی) بیروت : دار صادر . ۲۲ . العقد الحضاری فی شریعه القرآن ، هادی الدرقاش ، بیروت ، ۱۹۸۹ م . ۲۳ . العهود المحمّدیّه ، الشعرانی ۲۴ . العین ، خلیل بن أحمد الفراهیدی ، تصحیح : أسعد الطیب ، قم : اُسوه . ۲۵ . الفردوس الأعلی ، محمّد حسین کاشف الغطاء ، قم : مکتبه فیروز آبادی ، ۱۳۷۲ ق . ۲۶ . الفردوس بمأثور الخطاب ، شیرویه بن شهردار الدیلمی الهمدانی ، تحقیق : السعید بسیونی زغلول ، بیروت : دار الکتاب العلمیّه ، ۱۴۰۶ ق . ۲۷ . الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام ، تحقیق : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام ، ۱۴۰۶ ق . ۲۸ . الکافی ، محمّد بن یعقوب الکلینی الرازی ، تهران : دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۹۱ ق . ۲۹ . الکشاف ، ۳۰ . الکشّاف ، محمود بن عمر الزمخشری ، بیروت : دار المعرفه . ۳۱ . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقی ، تحقیق : سید مهدی الرجایی ، قم : المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام ، ۱۴۱۳ ق . ۳۲ . المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء ، محمّد محسن بن شاه مرتضی الفیض الکاشانی ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : مؤسسه نشر الإسلامی .

.

ص: ۴۳۵

۳۳ . المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل ، مجد الدین أبی البرکات ، ج ۲ ، بیروت : دار الکتاب العربی . ۳۴ . المراسیل ، سلیمان بن الأشعث السجستانی ، ریاض : دار السمیعی ، ۱۴۲۲ ق . ۳۵ . المستدرک علی الصحیحین ، محمّد بن عبد اللّه الحاکم النیسابوری ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، ۱۴۱۱ ق . ۳۶ . المشاکل الزوجیه بین الطب والدین ، جمیلی ، بیروت : دار البیان العربی ، ۱۳۷۰ ق . ۳۷ . المصنّف ، عبد الرزّاق بن همّام الصنعانی ، بیروت : مکتبه الإسلامی ، ۱۴۰۳ ق . ۳۸ . المعجم الکبیر ، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی ، قاهره : مکتبه ابن تیمیه . ۳۹ . المقنعه ، محمّد بن محمّد بن النعمان العُکبری البغدادی (الشیخ المفید) ، تحقیق : مؤسسه النشر الإسلامی ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۰ ق . ۴۰ . المنتقی شرح موطأ الإمام مالک ، سلیمان بن خلف الباجی الأندلسی ، ج ۳ ، بیروت : دار الکتاب العربی ، ۱۳۳۲ ق . ۴۱ . المنجد فی اللغه والأعلام ، لوئیس معلوف ، بیروت : دار المشرقین ، ۱۹۷۳ م . ۴۲ . المهذّب ، عبد العزیز ابن براج طرابلسی ، قم : النشر الإسلامی ، ۱۴۰۶ ق . ۴۳ . المیزان فی تفسیر القرآن ، سید محمّد حسین طباطبایی ، تهران : بنیاد علمی و فکری علّامه طباطبایی ، ۱۳۶۴ ش . ۴۴ . النوادر ، أحمد بن محمّد الأشعری ، تحقیق : مؤسسه الإمام المهدی (عج) ، قم : مدرسه الإمام المهدی (عج) ، ۱۴۰۸ ق . ۴۵ . النوادر ، فضل اللّه بن علی الحسن الراوندی (م ۵۷۱ ق) ، تحقیق : سعید رضا علی عسکری ، قم : دارالحدیث ، ۱۳۷۷ ش ، اوّل . ۴۶ . النهایه فی غریب الحدیث و الأثر ، مجد الدین ابن الأثیر ، تحقیق : طاهر أحمد الزاوی ، قم : اسماعیلیان ، ۱۳۶۷ ش . ۴۷ . الأمالی ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) ، تحقیق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافه ، ۱۴۱۴ ق . ۴۸ . امیل : رساله ای در باب آموزش و پرورش ، ژان ژاک روسو ، ترجمه : سبحانی، قم : فرخی، ۱۳۴۸ش . ۴۹ . آنچه باید همسران جوان بدانند ، نائوم میخائیلوویچ خوداکوف ، ترجمه : بهروز ممیتا ، تهران : عطایی ، ۱۳۷۶ ش .

.

ص: ۴۳۶

۵۰ . آنچه زنان می خواهند مردان بدانند ، باربارا دی آنجلس ، ترجمه : زهرا کرباسیان ، تهران : رامانیوش ، ۱۳۸۲ ش . ۵۱ . انسان در جستجوی معنا ، ویکتور فرانکل ، مترجم : علی اکبر معارفی ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۷۵ ش . ۵۲ . انگیزش و شخصیت ، آبراهام هارلد مزلو ، ترجمه : احمد رضوانی ، مشهد : آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۲ ش . ۵۳ . الإیضاح ، فضل بن شاذان الأزدی النیسابوری ، تحقیق : میر جلال الدین الحسینی الأُرموی ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۵۱ ش . ۵۴ . بحار الأنوار ، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلّامه المجلسی) ، تهران : المکتبه الإسلامیه ، ۱۴۰۳ ق . ۵۵ . برنامه سعادت (ترجمه کشف المحجّه لمثره المُهجه) ، علی بن موسی الحلّی (ابن طاووس) ، مترجم : محمّد باقر شهیدی ، تهران : کتاب فروشی مرتضوی ، ۱۳۴۱ ش . ۵۶ . بلوغ ، موریس دبس ، ترجمه : اسحاق لاله زار ، تهران : خورشید نو . ۵۷ . بلوغ و ازدواج ، برنارد آدولفوس و مک فادن ، ترجمه : مهرداد مهرین ، تهران : بهاران ، ۱۳۶۸ ش . ۵۸ . بهداشت روانی ، سعید شاملو ، تهران : رشد ، ۱۳۶۳ ش . ۵۹ . پرورش روح در چهل حدیث ، محمّد شفیعی ، قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۰ ش . ۶۰ . پژوهشی در تاریخ قرآن ، محمّد باقر حجّتی ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۵ ش . ۶۱ . پنج گفتار روان شناسی ، ژان پیاژه ، ترجمه : نیک چهره محسنی ، تهران : رشد ، ۱۳۶۰ ش . ۶۲ . تاج العروس من الجواهر القاموس ، السیّد محمّد بن محمّد الحسینی الزّبیدی ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، ۱۴۱۵ ق . ۶۳ . تاریخ بغداد ، أحمد بن علی الخطیب البغدادی ، مدینه : المکتبه السلفیّه . ۶۴ . «تأمّلی در گسترش شبکه های اطلاع رسانی جهانی» محمّد مهدی نمازی ، مجله ره آورد ، ش ۱۳ ، قم : مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ، ۱۳۷۹ ش . ۶۵ . تحف العقول عن آل الرسول ، حسن بن علی الحرّانی (ابن شعبه) ، تحقیق : علی اکبر غفاری ، قم : کتاب فروشی اسلامیه ، ۱۴۰۴ ق . ۶۶ . تربیت جنسی در اسلام ، ثابت حافظ ، قم : موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۸۱ ش .

.

ص: ۴۳۷

۶۷ . تربیت جنسی در دوره های کودکی ، نوجوانی و جوانی از دیدگاه اسلامی (مجموعه مقالات روان شناختی با رویکرد بالینی) ، علی نقی فقیهی ، تهران : یسطرون ، ۱۳۸۴ ش . ۶۸ . تربیت جنسی کودک و نوجوان از دیدگاه اسلام و علم ، علی اسلامی نسب ، تهران : نسل نواندیش ، ۱۳۷۹ ش . ۶۹ . «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم» ، خسرو باقری ، نشریه اطلاع رسانی معارف ، ش ۲ . ۷۰ . تفاوت های فردی ،آن آناستازی ، ترجمه : جواد طهوریان ، مشهد : آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۱ ش . ۷۱ . تفسیر القمّی ، علی بن إبراهیم القمّی ، تحقیق : السید الطیّب الموسوی الجزائری ، قم : مؤسسه دار الکتاب ، ۱۴۰۴ ق . ۷۲ . تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی ، تهران : دار الإسلامیه ، ۱۳۷۰ ش . ۷۳ . تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، ورّام بن أبی فراس الحمدان ، بیروت : مؤسسه الأعلمی للمطبوعات . ۷۴ . توضیح المسائل ، سید علی حسینی سیستانی ، قم : ستاره ، ۱۴۱۵ ق . ۷۵ . تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) ، تحقیق : محمّد جواد مُغنیه ، بیروت : دار الأضواء ، ۱۴۱۳ ق . ۷۶ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : الکتبی النجفی و تهران : مکتبه الصدوق . ۷۷ . جامع الأحادیث ، أحمد بن علی ابن رازی ، تحقیق : محمّد حسینی نیشابوری ، مشهد : مؤسسه رضویه ، ۱۴۱۳ ق . ۷۸ . جامع الأخبار أو معارج الیقین فی أُصول الدین ، محمّد بن محمّد الشعیری السبزواری ، تحقیق : مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، ۱۴۱۴ ق . ۷۹ . جوان ، انگیزه و رفتار جنسی ، علی اسماعیلی ، تهران : لقاء النور ، ۱۳۸۱ ش . ۸۰ . جوان و آرامش روان ، علی نقی فقیهی ، قم : پژوهشکده حوزه و دانشگاه با همکاری انستیتو روان پزشکی تهران و مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی ، ۱۳۸۲ ش . ۸۱ . جوانی پر رنج (پژوهش درباره مسائل جوانان ایران) ، محمّد حسن صاحب زمانی ، تهران : عطایی ، ۱۳۴۴ ش . ۸۲ . جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ، محمّد حسن النجفی ، تهران : دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۹۴ ق .

.

ص: ۴۳۸

۸۳ . چهل حدیث ، روح اللّه الموسوی الخمینی ، قم : مرکز نشر فرهنگی رجاء ، ۱۳۶۸ ش . ۸۴ . خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری ، سادوک کاپلان ، ترجمه : نصرت اللّه پورافکاری ، تهران : شهرآب ، ۱۳۷۹ ش . ۸۵ . داستان راستان ، مرتضی مطهّری ، تهران : صدرا ، ۱۳۷۹ ش . ۸۶ . دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الأحکام ، النعمان بن محمّد التمیمی المغربی ، تحقیق : آصف بن علی أصغر فیضی ، مصر : دار المعارف ، ۱۳۸۹ ق . ۸۷ . رابطه بین والدین و کودکان ، حییم گینات ، ترجمه : سیاوش سرتیپی ، تهران : اطلاعات ، ۱۳۶۸ش . ۸۸ . راهنمای انسانیت (سیری دیگر در «نهج الفصاحه») ، فرید تنکابنی ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۹ ش . ۸۹ . رساله توضیح المسائل ، روح اللّه الموسوی الخمینی ، قم : نشر روح ، ۱۳۷۵ ش . ۹۰ . رشد و شخصیت کودک ، پاول هنری ماسن ، مترجم : مهشید پارسایی ، تهران : نشر مرکز ، ۱۳۶۸ ش . ۹۱ . رفتارهای نابه هنجار و به هنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری و درمان نابه هنجاری ها ، شکوه نوّابی نژاد ، تهران : سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار هنر ، ۱۳۷۱ ش . ۹۲ . روان پزشکی ، ج . فرّخ ، مشهد : دانشگاه مشهد ، ۱۳۵۱ ش . ۹۳ . روان شناسی اجتماعی ، اتو کلاین برگ ، ترجمه : علی محمّد کاردان ، تهران : نشر اندیشه ، ۱۳۷۰ ش . ۹۴ . روان شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت ، حمزه گنجی و رمضان حسن زاده ، تهران : سخن ، ۱۳۷۸ ش . ۹۵ . روان شناسی اختلال های جنسی (روش های تشخیص و درمان اختلال های جنسی زنان و مردان) ، محمّد رضا دژکام ، تهران : دژ ، ۱۳۸۱ ش . ۹۶ . روان شناسی بلوغ ، حییم گینات ، ترجمه : مهدی قراچه داغی ، تهران : شرکت نکته پردازان ، ۱۳۶۸ ش . ۹۷ . روان شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، ویلیام آلفسون ، مترجم : فضل اللّه شاهلویی و قاضی پروین ، تهران : حسام ، ۱۳۷۰ ش . ۹۸ . روان شناسی رشد (۱) با نگرش به منابع اسلامی ، علی مصباح و دیگران ، تهران : سمت ، ۱۳۷۴ ش . ۹۹ . روان شناسی رشد ، حسین لطف آبادی ، تهران : سمت ، ۱۳۷۸ ش . ۱۰۰ . روان شناسی رشد ، سوسن سیف و همکاران ، تهران : سمت ، ۱۳۷۷ ش .

.

ص: ۴۳۹

۱۰۱ . روان شناسی رشد ، علی اکبر شعاری نژاد ، تهران : پیام نور ، ۱۳۷۲ ش . ۱۰۲ . روان شناسی رشد کودک و نوجوان ، محمّد پارسا ، تهران : بعثت ، ۱۳۷۱ ش . ۱۰۳ . روان شناسی رشد ، لورای برک ، ترجمه : یحیی سید محمّدی ، تهران : ارسباران ، ۱۳۸۳ ش . ۱۰۴ . روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک) ، حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی ، تهران : نشر بنیاد ، ۱۳۶۸ ش . ۱۰۵ . روان شناسی ژنتیک ، محمود منصور ، تهران : چهر ، ۱۳۵۶ ش . ۱۰۶ . روان شناسی ژنتیک (۲) ، محمود منصور و پریرخ دادستان ، تهران : رشد ، ۱۳۷۴ ش . ۱۰۷ . روان شناسی عمومی ، حمزه گنجی ، تهران : بعثت ، ۱۳۷۲ ش . ۱۰۸ . روان شناسی فردی ، آلفرد آدمر ، ترجمه : حسن زمانی شرفشاهی ، تهران : تصویر ، ۱۳۷۰ ش . ۱۰۹ . روان شناسی مرضی ، پروین بیرجندی ، تهران : دهخدا ، ۱۳۴۱ ش . ۱۱۰ . روان شناسی نوجوانان و جوانان ، احمد احمدی ، اصفهان : مشعل ، ۱۳۸۲ ش . ۱۱۱ . روان شناسی نوجوانی ، گلن مایز بلر و استوارت جزنر ، ترجمه : مجید رشیدپور ، تهران : مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ، ۱۳۵۴ ش . ۱۱۲ . روان شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ، والنتینا میخائیلوونا لاپیک و واسیلی دمیتری یویچ کاچتکوف ، ترجمه : محمّد تقی زاده ، تهران : افسون ، ۱۳۸۱ ش . ۱۱۳ . روضه الواعظین ، محمّد بن الحسن الفتّال النیسابوری ، تحقیق : حسین الأعلمی ، بیروت : مؤسسه الأعلمی ، ۱۴۰۶ ق . ۱۱۴ . زمینه روان شناسی ، ریتال اتکینسون و ریچارد اتکینسون و ارنست هیلگارد ، ترجمه : محمّد تقی براهنی و همکاران ، تهران : رشد ، ۱۳۷۰ ش . ۱۱۵ . زناشویی درمانی (از دیدگاه رفتاری ارتباطی) ، فیلیپ برنشتاین ، ترجمه : حسن پورعابدی نائینی ، تهران : رشد ، ۱۳۸۰ ش . ۱۱۶ . زندگی جنسی مردان (آشنایی با رفتارهای جنسی) ، محمّدرضا نیک خو ، تهران : سخن ، ۱۳۸۰ ش . ۱۱۷ . زن و خانواده ، زهرا آیت الهی ، تهران : روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان ، ۱۳۸۱ ش . ۱۱۸ . سفینه البحار ، شیخ عبّاس قمی ، تهران : مؤسسه انتشارات فراهانی . ۱۱۹ . سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار ، شیخ عبّاس القمّی ، بیروت : مؤسسه الوفاء ، ۱۳۵۹ ق . ۱۲۰ . سکسولوژی ، بحثی درباره فیزیولوژی و روان شناسی ، ابراهیم جعفر کرمانی ، تهران : دهخدا ، ۱۳۴۹ ش .

.

ص: ۴۴۰

۱۲۱ . سنن ابن ماجه ، محمّد بن یزید القزوینی (ابن ماجه) ، تحقیق : محمّد فؤاد عبد الباقی ، بیروت : دار الفکر للطباعه والنشر ، ۲۰۰۳ م . ۱۲۲ . سنن ابن ماجه ، محمّد بن یزید القزوینی ، تحقیق : محمّد فؤاد عبد الباقی ، بیروت : دار الفکر للطباعه و النشر ، ۱۳۹۵ ق . ۱۲۳ . سنن أبی داوود ، سلمان بن أشعث السجستانی ، تحقیق : هیثم بن نزار تمیمی ، بیروت : شرکت دار الأرقم ، ۱۴۲۰ ق . ۱۲۴ . سنن أبی داوود ، سلیمان بن الأشعث السجستانی ، تحقیق : محمّد محیی الدین عبد الحمید ، بیروت : دار إحیاء السنّه النبویّه . ۱۲۵ . سنن الترمذی (الجامع الصحیح) ، محمّد بن عیسی الترمذی ، تحقیق : أحمد محمّد شاکر ، ج ۳ و ۴ و ۵ ، بیروت : دار الإحیاء التراث العربی . ۱۲۶ . سنن الدار قطنی ، علی بن عمر البغدادی ، بیروت : دار الکتاب العلمیه ، ۱۳۱۴ ق . ۱۲۷ . سنن الکبری ، أحمد بن الحسین البیهقی ، تحقیق : محمّد عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، ۱۴۱۴ ق . ۱۲۸ . سنن النبی ، سید محمّد حسین طباطبایی ، قم : مؤسسه نشر اسلامی ، ۱۴۱۹ ق . ۱۲۹ . سنن النسائی بشرح جلال الدین السیوطی و حاشیه الإمام السندی ، أحمد بن شعیب النسائی ، بیروت : دار العلم . ۱۳۰ . سنن النسائی بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی و حاشیه الإمام السندی ، عبد الرحمان بن أبی بکر السیوطی ، ج ۳ ، بیروت : دار القلم . ۱۳۱ . سه رساله درباره تئوری میل جنسی ، زیگموند فروید ، مترجم : هاشم رضی ، ۱۳۴۳ ش . ۱۳۲ . سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا ، مرتضی راوندی ، تهران : گویا ، ۱۳۶۴ ش . ۱۳۳ . شخصیت عصبی زمانه ما ، کارن هورنای ، ترجمه : محمّد جعفر مصفّا ، تهران : گفتار ، ۱۳۶۹ ش . ۱۳۴ . شرح غرر الحکم و درر الکلم ، آقا جمال خوانساری ، تحقیق : میر جلال الدین محدّث اُرموی ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۷۳ ش . ۱۳۵ . شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ۱۳۶ . صحیح البخاری ، محمّد بن إسماعیل البخاری ، تحقیق : مصطفی دیب البغا ، دمشق : الیامه و بیروت : دار ابن کثیر ، ۱۴۱۰ ق .

.

ص: ۴۴۱

۱۳۷ . صحیح مسلم ، مسلم بن الحجّاج القشیری النیسابوری ، تحقیق : محمّد فؤاد عبد الباقی ، قاهره : دار الحدیث ، ۱۴۱۲ق . ۱۳۸ . صحیح مسلم ، مسلم بن الحجّاج القشیری النیسابوری ، تحقیق و تعلیق : موسی شاهین و احمد عمر الهاشم ، بیروت : عزّ الدین ، ۱۴۰۷ ق . ۱۳۹ . طوق الحمامه فی الألفه والأُلوف ، أبو محمّد ابن حزم اندلسی ، تحقیق : احسان عبّاس ، بیروت : مؤسسه العربیه للدراسات والنشر ، ۱۹۹۳ م . ۱۴۰ . عده الداعی ونجاح الساعی ، أحمد بن محمّد الأسدی ، تحقیق : احمد موحّدی قمی ، تهران : مکتبه الوجدانی . ۱۴۱ . عرفان اسلام ، محمّد تقی جعفری ، تهران : دانشگاه صنعتی شریف ، ۱۳۷۳ ش . ۱۴۲ . علل الشرائع ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) ، نجف : المکتبه الحیدریه ، ۱۳۸۶ ق . ۱۴۳ . عوالی اللآلی العزیزیّه فی الأحادیث الدینیه ، محمّد بن علی الأحسائی (ابن أبی جمهور) ، تحقیق : مجتبی العراقی ، قم : مطبعه سیّد الشهداء ، ۱۴۰۳ ق . ۱۴۴ . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) ، تحقیق : السید مهدی الحسینی اللاجوردی ، تهران : مکتبه جهان ، ۱۳۸۱ ق . ۱۴۵ . عیون الحکم والمواعظ ، علی بن محمّد اللیثی الواسطی ، تحقیق : حسین الحسنی البیرجندی ، قم : دار الحدیث ، ۱۳۷۶ ش . ۱۴۶ . غرر الحکم و درر الکلم ، ترجمه محمّد علی انصاری ، ۱۴۷ . فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی ، نصرت اللّه پورافکاری ، تهران : فرهنگ معاصر ، ۱۳۷۴ . ۱۴۸ . فرهنگ جامعه شناسی ، نیکلاس آبرکرومبی و استفان هیل و برایان ترند ، ترجمه : حسن پویان ، تهران : چاپخش ، ۱۳۶۷ ش . ۱۴۹ . فرهنگ علوم اجتماعی ، آلن بیرو ، ترجمه : باقر ساروخانی ، تهران : کیهان ، ۱۳۷۰ ش . ۱۵۰ . فرهنگ علوم رفتاری ، علی اکبر شعاری نژاد ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۴ ش . ۱۵۱ . فریاد ناشنیده برای معنی ، ویکتور فرانکل ، ترجمه : علی علوی نیا و مصطفی تبریزی ، تهران : یادآوران ، ۱۳۷۱ ش . ۱۵۲ . فلسفه اخلاق ، مرتضی مطهّری ، تهران : صدرا ، ۱۳۶۸ ش . ۱۵۳ . فیزیولوژی اعصاب و غدد ، علی حائری روحانی ، تهران : سمت ، ۱۳۷۶ ش .

.

ص: ۴۴۲

۱۵۴ . قاموس قرآن ، سید علی اکبر قریشی ، تهران : دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۵۴ ش . ۱۵۵ . قرب الإسناد ، عبد اللّه بن جعفر الحِمْیری القمّی ، قم : مؤسسه کوشان پور . ۱۵۶ . کتاب من لا یحضره الفقیه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی . ۱۵۷ . کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ، علی بن عیسی الإربلی ، تصحیح : سید هاشم الرسولی المحلاتی ، بیروت : دار الکتاب الإسلامی ، ۱۴۰۱ ق . ۱۵۸ . کنترل رابطه جنسی ، احمد مطهّری ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۰ ش . ۱۵۹ . کنز العمّال فی سنن الأقوال والأفعال ، علی المتّقی بن حسام الدین الهندی ، تحقیق : حسن رزوق ، تصحیح : صفوه السقّا ، بیروت : مکتبه التراث الإسلامی ، ۱۳۹۷ ق . ۱۶۰ . کودک از نظر وراثت و تربیت ، محمّد تقی فلسفی ، تهران : نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۷ ش . ۱۶۱ . لسان العرب ، محمّد بن مکرم المصری الأنصاری (ابن منظور) ، بیروت : دار صادر ، ۱۴۱۰ ق . ۱۶۲ . مبانی جامعه شناسی ، بروس کوئن ، ترجمه : محسن ثلاثی ، تهران : فرهنگ معاصر ، ۱۳۷۰ ش . ۱۶۳ . مبانی جامعه شناسی ، عبد الحسین نیک گوهر ، تهران : رایزن ، ۱۳۶۹ ش . ۱۶۴ . مبانی جامعه شناسی ، علی اکبر ترابی ، تهران : اقبال ، ۱۳۴۱ ش . ۱۶۵ . مبانی روان شناسی رشد ، عبد اللّه شفیع آبادی ، تهران : شرکت سهامی چهر ، ۱۳۷۲ ش . ۱۶۶ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) ، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی و السید فضل اللّه الیزدی الطباطبائی ، بیروت : دار المعرفه ، ۱۴۰۸ ق . ۱۶۷ . مجموعه مقالات اوّلین سمینار «بررسی مسائل جمعیتی و تنظیم خانواده در ایران» ، محمود صرام با همکاری محمّد رضایی و علی اصغر مهاجرانی ، اصفهان ، دانشگاه اصفهان : ۱۳۵۴ ش . ۱۶۸ . مراحل تربیت ، موریس دبس ، ترجمه : علی محمّد کاردان ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۷۴ ش . ۱۶۹ . مراحل رشد و تحوّل ، محمّد رضا شرفی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۵ ش . ۱۷۰ . مربّیان بزرگ ، ژان شاتو ، ترجمه : غلامحسین شکوهی : تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۷۶ ش . ۱۷۱ . مسئله حجاب ، مرتضی مطهّری ، تهران : صدرا ، ۱۳۷۳ ش . ۱۷۲ . مستدرک الوسائل ، حسین النوری الطبرسی ، بیروت : مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث ، ۱۴۰۸ ق . ۱۷۳ . مسند أحمد ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) ، بیروت : دار صادر .

.

ص: ۴۴۳

۱۷۴ . مسند أحمد ، أحمد بن محمّد الشیبانی (ابن حنبل) ، تحقیق : عبد اللّه محمّد الدرویش ، بیروت : دار الفکر ، ۱۴۱۴ ق . ۱۷۵ . مسند الإمام زید المنسوب الی زید بن علی بن الحسین علیهماالسلام ، بیروت : دار مکتبه الحیاه ، ۱۹۶۶ م . ۱۷۶ . مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، علی بن الحسن الطبرسی ، نجف : مکتبه الحیدریه ، ۱۳۸۵ ق . ۱۷۷ . مشکلات الجنسیه والعاطفیه تحت أضواء الشریعه الإسلامیه ، عبد الرحمان الواصل ، قاهره : مکتبه وهبه ، ۱۴۰۹ ق . ۱۷۸ . مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه ، المنسوب إلی الإمام الصادق ، شرح : عبد الرزّاق گیلانی ، تصحیح : سید جلال الدین اُموری ، تهران : مکتبه الصدوق ، ۱۴۰۷ ق . ۱۷۹ . معانی الاخبار ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۳۶۱ ش . ۱۸۰ . مفاهیم اساسی در روان شناسی رشد ، حسین لطف آبادی ، مشهد : دانشگاه فردوسی . ۱۸۱ . مقدمه ای بر جامعه شناسی ، جوزف روسک ، ترجمه : بهروز نبوی ، تهران : کتاب خانه فروردین ، ۱۳۶۹ ش . ۱۸۲ . مکارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطبرسی ، تحقیق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق . ۱۸۳ . مناقب آل أبی طالب ، محمّد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) ، نجف : مطبعه الحیدریه ، ۱۳۷۶ ق . ۱۸۴ . منجد الطلّاب : (به انضمام اصطلاحات مطبوعاتی) ، فؤاد افرام بستانی ، تحقیق : احمد رنجبر ، تهران : اساطیر ، ۱۳۷۸ ش . ۱۸۵ . موسوعه العلاقات الجنسیه فی الإسلام ، شهاب الدین حسینی ، بیروت ، ۲۰۰۲ م . ۱۸۶ . میزان الحکمه با ترجمه فارسی ، محمّد محمّدی ری شهری ، ترجمه : حمید رضا شیخی ، قم : دار الحدیث ، ۱۳۷۷ ش . ۱۸۷ . «نظارت اجتماعی» ، سعید امیر کاوه ، فصل نامه معرفت ، ش ۲ . ۱۸۸ . نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام ، فاطمه بیگم رضازاده ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، تهران : دانشگاه تربیت مدرّس . ۱۸۹ . نوجوانی ، ابراهیم جعفر کرمانی ، تهران : رشد ، ۱۳۵۲ ش .

.

ص: ۴۴۴

۱۹۰ . نور الثقلین ، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی ، قم : المطبعه العلمیه ، ۱۳۸۳ ق . ۱۹۱ . نهج البلاغه ، ترجمه : محمّد دشتی ، قم : مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام ، ۱۳۸۱ ش . ۱۹۲ . نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، محمّد باقر المحمودی ، تصحیح : عزیز آل طالب ، تهران : وزارت ارشاد ، ۱۳۷۶ ش . ۱۹۳ . نهج الفصاحه (با ترجمه فارسی) ، ابو القاسم پاینده ، تهران : سازمان انتشارات جاویدان ، ۱۳۶۴ ش . ۱۹۴ . وسائل الشیعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی ، تحقیق : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، قم : مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث ، ۱۴۰۹ ق . ۱۹۵ . وسائل الشیعه ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی ، تهران : المکتبه الإسلامیه ، ۱۳۹۳ ق . ۱۹۶ . هنر عشق ورزیدن ، اریک فروم ، ترجمه : پوری سلطانی ، تهران : مروارید ، ۱۳۸۳ ش . ۱۹۷. Abel, G. (۱۹۹۲): curvent Treatment of paraphiliacs Review of sex research: II: ۲۵۵ – ۲۹۰. ۱۹۸. Bootzin, R. R. acocella, J. R. alloy, ۱. B. (۱۹۹۳). Abnormal psychology: current perspectives (sixth ed۰. New York: ۱۹۹. Bradly, s.j (۱۹۹۵). Psychosexual disorders in adolescince. In J. M. Riba (Eds), Review psychiatry (vol. ۱۴ pp. ۷۳۵ – ۷۵۴). (Washington, DO: American psychiatric press. ۲۰۰. Brown, A. S, susser E. S, Butler, P. D, Andrews, R. R., Kaufmann, C.A Gorman, J. M. (۱۹۹۶). Nertobiologic of prenatal nutritional deprivation asarisk factor for schizophrenia, J. Nerv, Ment Dis, ۱۸۴ (۲), ۷۱ – ۸۵. ۲۰۱. Bukatko, D., Daehlev, M. W. (۱۹۹۵). Child development. Boston: Houghton Mifflin company. ۲۰۲. Comer, J. R. ۲۰۰۱, aBN Abnormal psychology. Worth publisher New York. ۲۰۳. Cole, W. (۱۹۹۲). Incest perpetrators: Their assessment and tretment. Psychiatry climecs of North america, ۱۵, ۶۸۹, ۷۰۱. ۲۰۴. Finkelgor, D., and Dzuiaba – Leatheman,. (۱۹۹۴). ۲۰۵. Green, AH. (۱۹۹۳). Child sexual abouse: Immediate and long – term effects and

.

ص: ۴۴۵

intervention. Journal of the American of child and Adolescent psychiatry, ۳۲, ۸۹, ۹۰۲. ۲۰۶. janson, B. R., Becker, J. V. (۱۹۹۷). Natural born killers: The development of the sexually sadistic serial killer. J. Amer. Acad. Psychiat. Lab. ۲۵(۳), ۳۳۵ – ۳۸۴. ۲۰۷. Hethering ton, E. M., Frankie, G. (۱۹۷۶). Effects of parental dominace, warmth, and conflict on inmitation in children. ۲۰۸. Howitt, D. (۱۹۹۵). Paedophiles and sexual offences against children Chicherster, England: Wiley. ۲۰۹. Kjellgern, Cecilia. Sexual abuse of children young perple who sexuallyofend. http://WWW. Sos/Fulltext/۱۲۳-۱۹/Summary. htm. ۲۱۰. Kresin, D. (۱۹۹۳). Medical aspects of ingibired sexual desire disorder. In W. O. Donohuse and J. Geer (Eds). Hand Book sesxual dysfunctions Boston Allyn and bacon. ۲۱۱. Levin, s., , stavan I (۱۹۸۷). Personality charaeteristics of sex offenders: A Review Archivales of sexual behavior. ۱۶. ۱۵۰, ۵۷-۷۹. ۲۱۲. Mccormack, A. Rokous, F, E. Hazelwood, R, R. Burgess, A. W. (۱۹۹۲). An exploration of incest in the childhood development of seial rapists. J. fron Volence, ۷(۳)۲۱۹-۲۲۸. ۲۱۳. Mcconaghy, N. (۱۹۹۸). Paelophilia: A Review Of the evidence. Australian and Newzealand Journal or psychiatry, ۳۲, ۲۵۲, ۲۶۵. ۲۱۴. Maletzky, B. (۱۹۹۸). The paraphilia: Research and treatment. Inp. E. Nathan (Ed). A guide to treatments that work (pp. ۴۷۲-۵۰۰). New York: oxford university press. ۲۱۵. Oliver, M., hede, j. (?) Social Psychology and Human Sexuality. Edited by Royf. Baumeister (۲۰۰۱). PSYCHOLOGY PRESS. Taylor francis group. ۲۱۶. Mussen. p., Ruther ford, E. (۱۹۶۳). Parent – child relations and parental personality in relation to young children sex – role prefernces.

.

ص: ۴۴۶

Raymond, N.C., coleman, E., ohlerking, F., Chrestenson, G. A., Miner, M (۱۹۹۹). . ۲۱۷ Psychiatric comorbidity in perophilic sex offenders. A mer. j pasychiat, ۱۵ (۵), ۷۸۹ – ۷۸۸. ۲۱۸. Rochman, S. (۱۹۶۶). sexual fetishism: An experimental analog. Psychol. Rec. ۱۸, ۲۵ – ۲۷. ۲۱۹. Sprinthal, N. A., Collins, W. A. (۱۹۹۵). A psychology: A developmental view. New York: Mc Graw – hill. ۲۲۰. Spitzer, R. L., skodol, A., Gibbon, M., Williams, J.B.W., ferst, M.B. (Eds) (۱۹۹۴). DSM – IV casebook: A learning companion to the diagnostic and statistical manual of mental disors (۴th ed) wasington. D.C: Americal psychiatric press. ۲۲۱. Sugar, M. (۱۹۹۵). A clinical appreoach to childhood gender indentity disorder. Amer. J. Psychother, (۴۹۲), ۲۶۰ – ۲۸۱. ۲۲۲. Strompl, Judit. Delinquent girls in special schools in Estinia. http: //WWW. Psych. Ut. Ee/esta/ TARGET. ENG/BAASIN F/UURIMU HALVE – Lisa – ۲. thm. ۲۲۳. Tanner, J.M., Whitehouse, R.H., takaishi, M. (۱۹۹۶). Standards from birth th maturity for height, weight, height, velocity, and weight velocityh for Brithish chiildren (۱۹۶۵), parts I ANDII. ۲۲۴. Zuker, K.J., Bradly, S.J., Sullican, C.B.L. (۱۹۹۶, April). probing the mind of akiller. Newsweek, pp. ۳۰– .۴۲

.

ص: ۴۴۷

فهرست مطالب .

ص: ۴۴۸

. .

ص: ۴۴۹

. .

ص: ۴۵۰

. .

ص: ۴۵۱

. .

ص: ۴۵۲

. .

ص: ۴۵۳

. .

ص: ۴۵۴

. .

ص: ۴۵۵

. .

ص: ۴۵۶

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹